

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صحیفہ امام

مجموعہ آثار

خمسے امام

(بیانات، پیام، مضامین، احکام، اجازات شرعی و نامہ)

(جلد بیست و یکم)

(فروردین ۱۳۶۷ - اردیبهشت ۱۳۶۸)

صفحه شناسنامه

فهرست مطالب

۱	پیام رادیو - تلویزیونی به ملت ایران (اقامه عدل، مهمترین هدف قیام سیدالشهدا)	۱۳۶۷/۱/۱
۱	انگیزه قیام سید الشهدا	
۲	الگوپذیری از انبیا و ائمه (ع) در مبارزه با ظلم	
۴	لزوم مقابله مسلمانان جهان با ظالمین	
۵	تقدیر و تجلیل از فداکاریهای ملت	
۷	تقریظ بر کتاب «بیماری سل» نوشته آقای ولایتی	۱۳۶۷/۱/۶
۸	اجازه نامه به آقای ابوجعفر محمد هاشم، در امور حسبه و شرعیه	۱۳۶۷/۱/۷
۹	پیام به ملت ایران (حفظ شئون اسلامی و اخلاقی در تبلیغات کاندیداها)	۱۳۶۷/۱/۱۱
۱۳	سخنرانی در جمع مسئولان و کارکنان وزارت پست (برداشتهای مختلف از انتظار فرج)	۱۳۶۷/۱/۱۴
۱۳	انتظار فرج و معنای صحیح آن	
۱۵	قدرتهای بزرگ و تبلیغ معنای غلط از انتظار	
۱۸	اجازه نامه به آقای محمدتقی مروارید، در امور حسبه و شرعیه	۱۳۶۷/۱/۱۵
۱۹	نامه به وزیر کشور (چگونگی شرکت رأی دهندگان فاقد شناسنامه در رأی گیری)	۱۳۶۷/۱/۱۷
۲۰	نامه به آقای ولایتی، وزیر امور خارجه (ضرورت انتقادپذیری)	۱۳۶۷/۱/۲۰
۲۱	پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک حلول ماه مبارک رمضان)	۱۳۶۷/۱/۲۱
۲۲	بیانات در جمع مسئولان برگزاری حج (وظایف سیاسی حج)	۱۳۶۷/۱/۲۲
۲۲	لزوم اعلام برائت از مشرکین در حج	

- ۲۳ پیام تشکر به رئیس‌جمهور چین (تبریک عید نوروز) ۱۳۶۷/۱/۲۵
- ۲۴ پیام تشکر به رئیس‌جمهور بلغارستان (تبریک عید نوروز) ۱۳۶۷/۱/۲۵
- ۲۵ پیام تشکر به رئیس‌جمهور مجارستان (تبریک عید نوروز) ۱۳۶۷/۱/۲۵
- ۲۶ نامه به شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز (موافقت باتشکیل مجمع) ۱۳۶۷/۱/۲۵
- ۲۹ پیام تشکر به رئیس‌جمهور مالدیو (تبریک حلول ماه مبارک رمضان) ۱۳۶۷/۱/۲۷
- ۳۰ اجازه‌نامه به آقای حسن پورشمسیان، در امور حسبه و شرعیه ۱۳۶۷/۱/۲۸
- ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ حکم به آقای محمدعلی انصاری بعنوان نماینده امام جهت بررسی انتخابات مجلس ۱۳۶۷/۲/۱
- ۳۲ نامه به آقای سیدجعفر کریمی (اختیارات قاضی محکمه قضات) ۱۳۶۷/۲/۱
- ۳۴ حکم به آقای سیداحمد خمینی (تعیین نحوه رسیدگی به شکایات حوزه‌های انتخاباتی) ۱۳۶۷/۲/۳
- ۳۵ نامه به آقای امامی کاشانی (رفع ابهام از حکم امام درباره حل اختلاف) ۱۳۶۷/۲/۷
- ۳۶ نامه به اعضای شورای نگهبان (لزوم برگزاری انتخابات مجلس در روز قدس) ۱۳۶۷/۲/۱۲
- ۳۷ نامه به آقای اسماعیل سهرابی، رئیس ستاد مشترک ارتش (قدردانی از خدمات ایشان) ۱۳۶۷/۲/۱۳
- ۳۸ حکم انتصاب آقای علی شهبازی به سمت رئیس ستاد مشترک ارتش ۱۳۶۷/۲/۱۳
- ۳۹ نامه به آقای محمد امامی کاشانی (رسیدگی سریع به شمارش آرای انتخابات مجلس) ۱۳۶۷/۲/۱۴
- ۴۰ اجازه‌نامه به آقای محمدحسن یزبک، در امور حسبه و شرعیه ۱۳۶۷/۲/۱۸
- ۴۱ پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۷/۲/۲۱
- ۴۲ پیام تشکر به نایب‌رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۷/۲/۲۱
- ۴۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ حکم به شورای نگهبان (رسیدگی به انتخابات گران توسط آقای جنتی) ۱۳۶۷/۲/۲۷
- ۴۴ سخنرانی در جمع مسئولان نظام اسلامی در روز عید سعید فطر (حفظ وحدت) ۱۳۶۷/۲/۲۷
- ۴۴ ابعاد معنوی ضیافت‌الله
- ۴۶ شیطنت برای ایجاد اختلاف
- ۴۷ لزوم دوستی با وجود اختلاف سلیقه
- ۴۹ پیام تشکر به رئیس‌جمهور مالدیو (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۷/۳/۱
- ۵۰ پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح سومین دوره (رسالت و وظایف مجلس) ۱۳۶۷/۳/۷
- ۵۴ پیام تشکر به رئیس‌جمهور پاکستان (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۷/۳/۱۰

۵۵	پیام تشکر به رئیس جمهور الجزایر (تبریک عید سعید فطر)	۱۳۶۷/۳/۱۰
۵۶	حکم انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به سمت جانشین فرماندهی کل قوا	۱۳۶۷/۳/۱۲
۵۸	اجازه نامه به آقای اسماعیل صالحی مازندرانی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۳/۱۲
۵۹	نامه به آقای عباس واعظ طبسی (حفظ اموال وموقوفات آستان قدس رضوی)	۱۳۶۷/۳/۱۷
۶۲	اجازه نامه به آقای محمدعلی برّو عاملی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۳/۱۸
۶۳	اجازه نامه به آقای سید مسیح شاه چراغی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۳/۱۸
۶۴	پیام به نخست وزیر و هیأت دولت (مضرات خروج از محدوده اختیارات قانونی)	۱۳۶۷/۳/۲۲
۶۶	حکم تعیین هیأت سرپرستی مدارس طلاب کرمانیها در قم و کرمان	۱۳۶۷/۳/۲۴
۶۷	حکم انتصاب آقای محمد یزدی به عضویت در شورای نگهبان	۱۳۶۷/۴/۴
۶۸	پیام تشکر به آقای منتظری (تسلیم سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا)	۱۳۶۷/۴/۱۳
۷۱	اجازه نامه به آقای سید حسن موسوی خراسانی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۴/۱۳
۷۲	پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید قربان)	۱۳۶۷/۴/۲۶
۷۳	پیام تشکر به نایب رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید قربان)	۱۳۶۷/۴/۲۶
۷۴	پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)	۱۳۶۷/۴/۲۹
۱۰۱	بیانات خطاب به فرمانده سپاه (لزوم هوشیاری رزمندگان و حضور در جبهه ها)	۱۳۶۷/۴/۳۱
۱۰۲	حکم به آقای رازینی جهت تشکیل دادگاه ویژه تخلفات جنگ	۱۳۶۷/۵/۲
۱۰۳	اجازه نامه به آقای سیدهاشم وفایی، در اخذ و صرف وجوه شرعیه	۱۳۶۷/۵/۳
۱۰۴	پیام تشکر به رئیس جمهور مالدیو (تبریک عید سعید قربان)	۱۳۶۷/۵/۴
۱۰۵	تقدیرنامه به فرماندهان و خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز	۱۳۶۷/۵/۶
۱۰۶	پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک سال جدید قمری)	۱۳۶۷/۵/۱۶
۱۰۷	پیام تشکر به نایب رئیس دولت امارات (تبریک سال جدید قمری)	۱۳۶۷/۵/۱۶
۱۰۸	نامه به خانم شمسی نورانی (تشکر از هدیه ارسالی)	۱۳۶۷/۵/۲۳
۱۱۰	حکم به وزیر کشور درباره حدود اختیارات وزارت کشور در نیروهای انتظامی	۱۳۶۷/۶/۳
۱۱۲	اجازه نامه به آقای سید تقی موسوی درچه ای، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۶/۶
۱۱۳	اجازه نامه به آقای مجید انصاری کرمانی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۷/۶/۷

- ۱۳۶۷/۶/۷ اجازه‌نامه به آقای سیدمحمد باقر حکیم، در امور حسبيه و شرعیه ۱۱۴
- ۱۳۶۷/۶/۸ سخنرانی در جمع اعضای هیأت دولت (آمادگی همه جانبه در امر دفاع و بازسازی) ۱۱۵
- لزوم حفظ آمادگی در برابر دشمن ۱۱۵
- لزوم مشارکت مردم در بازسازی و نظارت ۱۱۶
- ۱۳۶۷/۶/۱۳ حکم به آقای خامنه‌ای (لغو حق تعزیرات حکومتی واگذار شده به قوه مجریه) ۱۱۸
- ۱۳۶۷/۶/۱۴ پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان (شهادت سید عارف حسین حسینی) ۱۱۹
- ۱۳۶۷/۶/۱۵ حکم ابقای آقای میرحسین موسوی در مقام نخست‌وزیری و مخالفت با استعفای ایشان ۱۲۳
- ۱۳۶۷/۶/۱۷ حکم به آقای سیداحمد خمینی (تنظیم و تدوین آثار امام خمینی) ۱۲۵
- ۱۳۶۷/۶/۱۸ اجازه‌نامه به آقای علی مقدادی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۲۸
- ۱۳۶۷/۶/۱۹ پاسخ استفتاء درباره بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی ۱۲۹
- ۱۳۶۷/۶/۲۰ نامه به آقای مجید انصاری کرمانی (تأیید آقای محتشمی) ۱۳۰
- ۱۳۶۷/۶/۲۱ اجازه‌نامه به آقای سیدمحمد مَهری، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۱
- ۱۳۶۷/۶/۲۱ اجازه‌نامه به آقای مهدی مهدوی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۲
- ۱۳۶۷/۶/۲۶ پیام به فرماندهان و مسئولان سپاه (رسالت فرماندهان سپاه در زمان صلح) ۱۳۳
- ۱۳۶۷/۶/۲۷ اجازه‌نامه به آقای کاظم ملکی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶
- ۱۳۶۷/۶/۲۸ پیام به آقای مهدی کربوبی (تشکر از رسیدگی به مسائل فرهنگی فرزندان شاهد) ۱۳۷
- ۱۳۶۷/۶/۲۸ نامه به آقای حسن صانعی (تسریع در احداث سد ۱۵ خرداد قم) ۱۳۹
- ۱۳۶۷/۶/۲۸ نامه به آقای احمد آذری قمی (روزنامه رسالت و جامعه مدرسین) ۱۴۱
- ۱۳۶۷/۶/۲۸ نامه به آقای علی اکبر ناطق نوری (ابراز علاقه به ایشان و تأکید بر وحدت) ۱۴۲
- ۱۳۶۷/۶/۲۹ اجازه‌نامه به آقای مرتضی امیری همدانی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۴۴
- ۱۳۶۷/۶/۳۰ پیام به هنرمندان و خانواده شهدا (تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد) ۱۴۵
- ۱۳۶۷/۷/۱ پیام به ملت ایران در هفته دفاع مقدس (تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران) ۱۴۷
- ۱۳۶۷/۷/۲ حکم به آقای خامنه‌ای، رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی (ضوابط گزینش دانشجو) ۱۴۸
- ۱۳۶۷/۷/۲ نامه به آقای محمدحسن قدیری (حکم بازی با شطرنج و معامله آلات موسیقی) ۱۴۹
- ۱۳۶۷/۷/۴ اجازه‌نامه به آقای سیدهاشم نصرالله، در امور حسبيه و شرعیه ۱۵۳

- ۱۵۴ اجازه‌نامه به آقای حسن مصباح، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۷/۸
- ۱۵۵ پیام به ملت ایران (سیاستهای کلی نظام در دوران بازسازی) ۱۳۶۷/۷/۱۱
- ۱۶۰ نامه به آقای محمد حسن قدیری (تقدیر و تجلیل از زحمات ایشان) ۱۳۶۷/۷/۱۲
- ۱۶۱ اجازه‌نامه به آقای سید محمد مهدی دستغیب، در اخذ وجوه شرعیه ۱۳۶۷/۷/۱۹
- ۱۶۲ اجازه‌نامه به آقای سید محمد حسینی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۷/۲۲
- ۱۶۳ اجازه‌نامه به آقای سید نیاز حسین نقوی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۷/۲۳
- ۱۶۴ اجازه‌نامه به آقای سید اسحاق نقوی، در اخذ وجوه شرعیه ۱۳۶۷/۷/۲۳
- ۱۶۵ اجازه‌نامه به آقای محمد قابل، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۷/۲۴
- ۱۶۶ حکم به آقای طهماسب مظاهری (نگهداری از اموال عتیقه‌ای و موزه‌ای) ۱۳۶۷/۸/۴
- ۱۶۸ پیام تشکر به رئیس جمهور مالدیو (تبریک میلاد رسول اکرم «ص») ۱۳۶۷/۸/۴
- ۱۶۹ اجازه‌نامه به آقای سید هادی خامنه‌ای، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۴
- ۱۷۰ پیام به ملت ایران (رحلت امام جمعه یزد، آقای سید روح الله خاتمی) ۱۳۶۷/۸/۶
- ۱۷۱ تذکر به اعضای دفتر (لغو دیدارها و سخنرانیهای امام) ۱۳۶۷/۸/۷
- ۱۷۲ حکم به آقای ری شهری (صرف اموال مکشوفه در رفع نیازهای وزارت اطلاعات) ۱۳۶۷/۸/۸
- ۱۷۳ حکم به سرپرست سازمان زندانها (رفع مشکلات و کمبودهای زندانیان) ۱۳۶۷/۸/۸
- ۱۷۴ نامه به نخست‌وزیر (انتقال بخشی از اموال بنیاد مستضعفان به کمیته‌ها) ۱۳۶۷/۸/۸
- ۱۷۵ نامه به فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی (صرف اموال مجهول المالک) ۱۳۶۷/۸/۸
- ۱۷۶ نامه به آقای محمدعلی انصاری (منشور برادری) ۱۳۶۷/۸/۱۰
- ۱۸۱ اجازه‌نامه به رئیس دیوانعالی کشور (کمک مالی به آموزش و پرورش قم) ۱۳۶۷/۸/۱۲
- ۱۸۲ اجازه‌نامه به آقای عبدالقائم شوشتری، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۱۲
- ۱۸۳ حکم انتصاب آقای محمدعلی صدوقی به سمت امامت جمعه یزد ۱۳۶۷/۸/۱۳
- ۱۸۴ اجازه‌نامه به آقای سید ابراهیم امین، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۱۴
- ۱۸۵ اجازه‌نامه به آقای صبحی طفیلی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۱۴
- ۱۸۶ حکم به رئیس دیوانعالی کشور (تأمین هزینه ساختن مسکونی برای طلاب مشهد) ۱۳۶۷/۸/۱۹
- ۱۸۷ حکم تحویل اسناد و مدارک مربوط به امام به آقای سید احمد خمینی ۱۳۶۷/۸/۲۲

- ۱۸۸ نامه به آقایان خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی (احداث مصلاهی تهران) ۱۳۶۷/۸/۲۳
- ۱۹۰ اجازه‌نامه به آقای سید محمد هاشمی، در امور حسبیه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۲۳
- ۱۹۱ اجازه‌نامه به آقای عبدالله محمدی اصفهانی، در امور حسبیه و شرعیه ۱۳۶۷/۸/۳۰
- ۱۹۲ بیانات در جمع رهبران انتفاضه (مقاومت در برابر صهیونیستها و طرد سازشکاران) آذر ۱۳۶۷
- ۱۹۳ حکم به آقای نخست‌وزیر (اقدامات رفاهی برای معلولان) ۱۳۶۷
- ۱۹۴ پیام به ملت ایران و بسیجیان سلحشور در هفته بسیج (نقش و منزلت بسیج) ۱۳۶۷/۹/۲
- ۱۹۷ حکم انتصاب آقای ابراهیم فاضل فردوسی به سمت امامت جمعه بوشهر ۱۳۶۷/۹/۲
- ۱۹۸ حکم به نخست‌وزیر (استفاده از ساختمانهای توقیفی دادستانی برای خوابگاه دانشجویان) ۱۳۶۷/۹/۲
- ۱۹۹ حکم انتصاب میرحسین موسوی به سمت سرپرست امور جانبازان ۱۳۶۷/۹/۳
- ۲۰۲ نامه به جمعی از نمایندگان مجلس (اختیارات شورای تشخیص مصلحت نظام) ۱۳۶۷/۹/۷
- ۲۰۴ پیام به مسئولان برگزاری سمینار جهاد سازندگی (تجلیل و تقدیر از جهادگران) ۱۳۶۷/۹/۱۴
- ۲۰۶ اجازه‌نامه به آقای رسول منتجب‌نیا، در امور حسبیه و شرعیه ۱۳۶۷/۹/۱۵
- ۲۰۷ نامه به آقای محمدرضا توسلی (اجازه در امور شرعیه) ۱۳۶۷/۹/۲۱
- ۲۰۸ اجازه‌نامه به آقای اسدالله بیات، در امور حسبیه و شرعیه ۱۳۶۷/۹/۲۱
- ۲۰۹ اهدانامه به آقای علی خمینی (اهدای کتاب صحیفه سجاده) ۱۳۶۷/۹/۲۲
- ۲۱۱ نامه به آقای علی رازینی (موافقت با استفاده از اموال مکشوفه) ۱۳۶۷/۹/۲۳
- ۲۱۲ نامه به آقای محمود محمدی عراقی (قانونمند کردن تصمیمات و ضوابط در سپاه) ۱۳۶۷/۹/۲۴
- ۲۱۳ نامه به آقای هادی مروی (ابقای رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات) ۱۳۶۷/۹/۲۵
- ۲۱۴ اجازه‌نامه به آقای حسین شریعتی، در امور حسبیه و شرعیه ۱۳۶۷/۹/۲۶
- ۲۱۵ نامه به آقای محسن رضایی (ادامه مأموریت مبارزه با هواپیماربایی) ۱۳۶۷/۱۰/۱
- ۲۱۶ حکم انتصاب آقای غلامحسین جمی به سمت امامت جمعه و نماینده در آبادان ۱۳۶۷/۱۰/۷
- ۲۱۷ پیام به اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام (اختیارات مجمع) ۱۳۶۷/۱۰/۸
- ۲۱۹ حکم به نخست‌وزیر (عفو زندانیان و محکومین مواد مخدر به نحو مشروط) ۱۳۶۷/۱۰/۱۰
- ۲۲۰ پیام به آقای میخائیل گورباچف (دعوت به اسلام و پیش‌بینی شکست کمونیسم) ۱۳۶۷/۱۰/۱۱
- ۲۲۷ حکم به آقایان تیری و رئیسی (رسیدگی به وضعیت قضایی شهرهای سمنان و ...) ۱۳۶۷/۱۰/۱۱

- ۱۳۶۷/۱۰/۱۳ اجازه‌نامه به آقای فاضل مالکی، در اخذ وجوه شرعیه ۲۲۸
- ۱۳۶۷/۱۰/۱۷ پاسخ استفتاء آقای مجید انصاری (استفاده از درآمد ملک موقوفه به مدارس خواهران) ۲۲۹
- ۱۳۶۷/۱۰/۱۸ پیام تشکر به رئیس جمهور آلمان شرقی (تبریک سال جدید میلادی) ۲۳۰
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۰ پیام به کارکنان صنعت نفت (تجلیل از کارکنان مراکز صنعتی در امر بازسازی) ۲۳۱
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۰ اجازه‌نامه به آقای حسین مظفری، در امور حسبیه و شرعیه ۲۳۴
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۳ حکم به آقایان ثیری و رئیسی (رسیدگی به مشکلات قضایی سیرجان و دورود) ۲۳۵
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۴ پیام تشکر به رئیس جمهور بلغارستان (تبریک سال جدید میلادی) ۲۳۶
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۵ نامه به خانم فاطمه طباطبایی (قرآن کتاب کامل - ارزش کتب عرفا) ۲۳۷
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۵ نامه به آقای سید حمید روحانی (مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی) ۲۳۹
- نامه به شورایعالی قضایی (تأیید طرح پیشنهادی سران سه قوه) ۲۴۱
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۷ نامه به شورایعالی قضایی (تذکراتی به اعضای آن شورا) ۲۴۲
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۸ اجازه‌نامه به آقای سید ضیاءالدین رضوی پاکستانی، در اخذ وجوه شرعیه ۲۴۳
- ۱۳۶۷/۱۰/۲۸ اجازه‌نامه به آقای سید یاسین موسوی، در امور حسبیه و شرعیه ۲۴۴
- ۱۳۶۷/۱۱/۱ حکم به آقایان ثیری و رئیسی (رسیدگی به پرونده‌های راکد در شورایعالی قضایی) ۲۴۵
- ۱۳۶۷/۱۱/۲ نامه به آقایان ثیری و رئیسی (اجرای «حدود» و «قصاص») ۲۴۶
- ۱۳۶۷/۱۱/۳ حکم به نخست‌وزیر (برخورد شایسته با مردم در فرودگاهها) ۲۴۷
- ۱۳۶۷/۱۱/۹ نامه به رئیس دیوانعالی کشور (تقدیر و دلجویی از اعضای شورایعالی قضایی) ۲۴۹
- ۱۳۶۷/۱۱/۹ نامه به مدیرعامل صدا و سیما (اعتراض به توهین به مقدسات و تنبیه عاملین آن) ۲۵۱
- ۱۳۶۷/۱۱/۱۷ اجازه‌نامه به سید ساجد علی نقوی، در امور حسبیه و شرعیه ۲۵۲
- ۱۳۶۷/۱۱/۱۷ اجازه‌نامه به آقای علی برهان مهریزی، در امور حسبیه و شرعیه ۲۵۳
- ۱۳۶۷/۱۱/۱۸ پاسخ استفسار رئیس دیوانعالی کشور درباره شخص محکوم به اعدام ۲۵۴
- ۱۳۶۷/۱۱/۱۹ حکم به وزیر اطلاعات (عفو زندانیان وابسته به گروهکها) ۲۵۵
- ۱۳۶۷/۱۱/۱۹ اجازه‌نامه به آقای خورشید انور جوادی، در اخذ وجوه شرعیه ۲۵۶
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۳ اجازه‌نامه به آقای حسنعلی ابراهیمی (حل مشکلات شرعی طلاب غیرایرانی) ۲۵۷
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۳ حکم به آقای خامنه‌ای (دعوت از اعضای شورایعالی قضایی در جلسه سران سه قوه) ۲۵۸

- ۱۳۶۷/۱۱/۲۴ حکم به رئیس دیوانعالی کشور (برخورد قاطع با اعمال خلاف عفت در تنکابن) ۲۵۹
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۴ حکم انتصاب آقای رسول متعجب‌نیا به ریاست سازمان عقیدتی - سیاسی شهربانی ۲۶۰
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۴ پیام تشکر به رئیس جمهور مجارستان (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۲۶۱
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۴ پیام تشکر به رئیس جمهور مالدیو (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۲۶۲
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۵ حکم اعدام و قتل سلمان رشدی، به مسلمانان جهان ۲۶۳
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ نامه به آقای خامنه‌ای (موافقت با طرح تقسیم کار در قوه قضاییه) ۲۶۴
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ اجازه‌نامه به آقای احمد آذری قمی، در امور حسبیه و شرعیه ۲۶۶
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۶ اجازه‌نامه به آقای قربانعلی شه میری، در امور حسبیه و شرعیه ۲۶۷
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۹ اطلاعیه دفتر امام (و جوب قتل سلمان رشدی و عدم امکان توبه) ۲۶۸
- ۱۳۶۷/۱۱/۲۹ حکم به آقای علی رازینی (عفو زندانیان دادگاه ویژه روحانیت) ۲۶۹
- ۱۳۶۷/۱۱/۳۰ نامه به آقای محمدرضا مهدوی کنی (مشکلات و آینده سازمان تبلیغات اسلامی) ۲۷۰
- ۱۳۶۷/۱۲/۲ نامه به آقای حسن صانعی (تقدیر از خدمات و تأیید ایشان) ۲۷۱
- ۱۳۶۷/۱۲/۳ پیام به روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات (منشور روحانیت) ۲۷۳
- ۱۳۶۷/۱۲/۴ حکم به آقای خامنه‌ای (لزوم نظارت بر تدوین کتابهای درسی) ۲۹۴
- ۱۳۶۷/۱۲/۶ اجازه‌نامه به آقای ممتازعلی شریفی، در امور حسبیه و شرعیه ۲۹۷
- ۱۳۶۷/۱۲/۷ بیانات خطاب به وزیر امور خارجه شوروی (در پاسخ به نامه گورباچف) ۲۹۸
- ۱۳۶۷/۱۲/۷ نامه به آقایان هاشمی و موسوی (تأمین زمین برای مسکن پرسنل سپاه) ۳۰۲
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ حکم به آقای کروی (تأمین مخارج دفتر اسناد انقلاب) ۳۰۳
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ نامه به امام جمعه اهواز (تأمین نیازهای حوزه علمیه اهواز) ۳۰۴
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ پیام تشکر به رئیس جمهور اندونزی (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۳۰۵
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ پیام تشکر به نخست‌وزیر هند (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۳۰۶
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ پیام تشکر به رئیس جمهور مکزیک (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۳۰۷
- ۱۳۶۷/۱۲/۸ اجازه‌نامه به آقای سخاوت حسین سندرالوی، در امور حسبیه و شرعیه ۳۰۸
- ۱۳۶۷/۱۲/۱۴ نامه به آقای امامی‌کاشانی (کسب نظر امام در استخاره برای تغییر رشته فرزندشان) ۳۰۹
- ۱۳۶۷/۱۲/۱۶ اجازه‌نامه به آقای میرزا علی اصغر مرندی، در امور حسبیه و شرعیه ۳۱۰

- ۳۱۱ اجازه‌نامه به آقای عبدالعلی جاویدان، در امور حسبه و شرعیه ۱۳۶۷/۱۲/۱۷
- ۳۱۲ پیام تشکر به رئیس‌جمهور بلغارستان (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۱۷
- ۳۱۳ حکم انتصاب آقای عبدالله نوری به سمت نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران ۱۳۶۷/۱۲/۱۸
- ۳۱۵ نامه به رئیس‌جمهور (رسیدگی به مشکلات عراقیهای مقیم ایران) ۱۳۶۷/۱۲/۱۹
- ۳۱۶ پیام تشکر به رئیس‌جمهور الجزایر (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۲۱
- ۳۱۷ پیام تشکر به رئیس‌جمهور خلق چین (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۲۱
- ۳۱۸ پیام تشکر به رئیس‌جمهور آلمان شرقی (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۲۱
- ۳۱۹ پیام تشکر به رئیس‌جمهور سریلانکا (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۲۱
- ۳۲۰ حکم به نخست‌وزیر (کمک به احداث ساختمان کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی) ۱۳۶۷/۱۲/۲۴
- ۳۲۱ حکم به آقای موسوی خوئینی‌ها (رسیدگی سریع به وضعیت زندانیان بلا تکلیف) ۱۳۶۷/۱۲/۲۷
- ۳۲۲ اجازه‌نامه به آقای ابراهیم انصاری، در امور حسبه و شرعیه ۱۳۶۷/۱۲/۲۷
- ۳۲۳ پیام تشکر به رئیس‌جمهور مجارستان (تبریک سالگرد پیروزی انقلاب) ۱۳۶۷/۱۲/۲۹
- ۳۲۴ آخرین پیام نوروزی (رادیو - تلویزیونی) به ملت ایران ۱۳۶۸/۱/۱
- ۳۲۵ پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی (لزوم صبر و استقامت) ۱۳۶۸/۱/۲
- ۳۳۰ نامه به آقای منتظری (عدم صلاحیت برای تصدی رهبری نظام جمهوری اسلامی) ۱۳۶۸/۱/۶
- ۳۳۳ نامه به آقای منتظری (موافقت با استعفای ایشان از قائم مقامی رهبری) ۱۳۶۸/۱/۸
- ۳۳۶ نامه به نخست‌وزیر (موافقت با تأمین بودجه دانشگاه تربیت مدرس از بنیاد مستضعفان) ۱۳۶۸/۱/۱۱
- ۳۳۸ اجازه‌نامه به آقای یعقوبعلی توسلی، در امور حسبه و شرعیه ۱۳۶۸/۱/۱۳
- ۳۳۹ حکم انتصاب آقای احمد جنتی به سمت ریاست سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۶۸/۱/۱۴
- ۳۴۱ حکم به دادستان کل و رئیس دیوانعالی کشور (رسیدگی به درخواست وزیر بهداشت) ۱۳۶۸/۱/۱۴
- ۳۴۳ نامه به رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی (حضور نمایندگان روحانی در دانشگاهها) ۱۳۶۸/۱/۱۷
- ۳۴۴ حکم به آقای محمدعلی رحمانی (تحويل و صرف کمکهای مردمی به جبهه‌ها) ۱۳۶۸/۱/۱۸
- ۳۴۵ حکم لزوم ارسال درخواست عفو زندانیان از طریق رئیس دیوانعالی کشور ۱۳۶۸/۱/۱۹
- ۳۴۶ نامه به آقای مرعشی نجفی (احداث ساختمان کتابخانه ایشان توسط جهاد در قم) ۱۳۶۸/۱/۲۰
- ۳۴۷ حکم به نخست‌وزیر (معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی و مؤسسات وابسته) ۱۳۶۸/۱/۲۰

- ۳۴۹ اجازه نامه به آقای فاضل گلپایگانی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۸/۱/۲۳
- ۳۵۰ نامه به نمایندگان مجلس و وزرا (دلایل برکناری آقای منتظری از قائم مقامی رهبری) ۱۳۶۸/۱/۲۶
- ۳۵۱ پاسخ استفتاء نماینده امام در ژاندارمری (جمع آوری تصاویر شهدا از اتوبان قم) ۱۳۶۸/۱/۲۶
- ۳۵۲ اجازه نامه به آقای سید عبدالله غریفی، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۸/۱/۲۷
- ۳۵۳ پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک حلول ماه رمضان) ۱۳۶۸/۱/۲۸
- ۳۵۴ پیام تشکر به رئیس جمهور مالدیو (تبریک حلول ماه رمضان) ۱۳۶۸/۱/۲۸
- ۳۵۵ پیام به ملت ایران و نیروهای مسلح (تجلیل از نیروهای مسلح ارتش) ۱۳۶۸/۱/۲۸
- اردیبهشت ۱۳۶۸ حکم تأمین آب آشامیدنی مردم سمنان با همکاری روحانیت منطقه، به استاندار سمنان ۳۶۰
- ۳۶۱ اجازه نامه به آقای میرزا علی مقبل، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۸/۲/۲
- ۳۶۲ اجازه نامه به آقای سید فخرالدین هدایتی، در اخذ وجوه شرعیه ۱۳۶۸/۲/۳
- ۳۶۳ حکم به رئیس جمهور (تدوین متمم قانون اساسی) ۱۳۶۸/۲/۴
- ۳۶۵ حکم به آقایان کروبی، صانعی و عسگر اولادی (رسیدگی به اموال مجهول المالک) ۱۳۶۸/۲/۶
- ۳۶۶ نامه به نخست وزیر (اشتغال زندانیان آزاد شده) ۱۳۶۸/۲/۶
- ۳۶۷ نامه به آقای علی مشکینی (انتخابات حوزه علمیه قم) ۱۳۶۸/۲/۷
- ۳۶۸ نامه به آقای مرتضی مقتدایی (تشکر از ارسال گزارش وضع زندانیان) ۱۳۶۸/۲/۷
- ۳۷۰ نامه به آقای فاضل هرنندی (تأکید بر ادامه خدمتگزاری در هیأت هفت نفره) ۱۳۶۸/۲/۷
- ۳۷۱ نامه به رئیس مجلس خبرگان (متمم قانون اساسی و عدم لزوم شرط مرجعیت برای رهبری) ۱۳۶۸/۲/۹
- ۳۷۲ حکم انتصاب آقای فاضل هرنندی به نمایندگی در هیأت هفت نفره واگذاری زمین ۱۳۶۸/۲/۹
- ۳۷۴ نامه به آقای موسوی خوئینی ها (تکلیف حساب بانکی مربوط به اصل ۴۹) ۱۳۶۸/۲/۱۰
- ۳۷۵ پیام تشکر به رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۸/۲/۱۲
- ۳۷۶ پیام تشکر به نایب رئیس دولت امارات (تبریک عید سعید فطر) ۱۳۶۸/۲/۱۲
- ۳۷۷ اجازه نامه به آقای مرتضی نیکنام، در امور حسبيه و شرعیه ۱۳۶۸/۲/۱۳
- ۳۷۸ نامه به هیأت عفو زندانیان (تقدیر از تلاشها و زحمات هیأت) ۱۳۶۸/۲/۱۵
- ۳۷۹ حکم به دادستان انقلاب کرمان (واگذاری اختیارات «بنیاد عفت» به سازمان زندانها) ۱۳۶۸/۲/۱۵
- ۳۸۰ پیام به شورای مدیریت حوزه علمیه قم (حفظ ارکان فقه و اصول در حوزه ها) ۱۳۶۸/۲/۱۷

۳۸۲	نامه به آقای احمد جنتی (تأمین نیازهای سازمان تبلیغات از محل وجوهات شرعی)	۱۳۶۸/۲/۱۷
۳۸۳	اجازه نامه به آقای حیدرعلی جوادی، در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۶۸/۲/۱۸
۳۸۴	نامه به رئیس دیوانعالی کشور (رسیدگی به پرونده غارتگران بیت المال)	۱۳۶۸/۲/۱۹
۳۸۵	نامه به آقای احمد احمدی (اداره مدرسه دارالشفای قم توسط شورایعالی انقلاب فرهنگی)	۱۳۶۸/۲/۱۹
۳۸۶	پیام تشکر به رئیس جمهور مالدیو (تبریک عید سعید فطر)	۱۳۶۸/۲/۲۰
۳۸۷	اجازه نامه به آقای سید هاشم شخص موسوی، در اخذ وجوه شرعیه	۱۳۶۸/۲/۲۰
۳۸۸	نامه تشکر به رئیس جمهور گامبیا (تبریک عید سعید فطر)	۱۳۶۸/۲/۲۵
۳۸۹	حکم به رئیس دیوانعالی کشور (رسیدگی به پرونده های مربوط به اصل ۴۹)	۱۳۶۸/۲/۲۸
۳۹۱	وصیتنامه سیاسی - الهی امام خمینی	۱۳۶۸/۳/۱۵
۴۵۳	پی نویسیها	

فهرست بخش ضمیمه

۴۷۱	یادبود در کتابخانه تربیت تبریز	۱۳۱۶/۵/۱۲
۴۷۲	نامه احوالپرسی	۱۳۲۱/۸/۱۸
۴۷۳	وصیتنامه و تعیین وصی	۱۳۳۱
۴۷۷	احتمالاً قبل از ۱۳۴۰ نامه احوالپرسی	
۴۷۸	مصاحبه با خبرنگاران روزنامه کیهان (وضعیت حوزه علمیه پس از رحلت آیت الله بروجردی)	۱۳۴۰/۱/۱۴
۴۷۹	نامه به آقای حسین لنکرانی (احوالپرسی)	۱۳۴۰/۲/۱
۴۸۰	اجازه نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۰/۳/۱۰
۴۸۱	اجازه نامه به آقای محمد مهدی ربانی املشی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۰/۳/۱۹
۴۸۲	گفتگو با علی امینی (بررسی مشکلات و نابسامانیهای جامعه)	۱۳۴۰/۱۰/۱
۴۸۷	اجازه نامه به آقای سید عبدالکریم امامی چهارمحالی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۰/۱۱/۵
۴۸۸	تلگراف به آقای حسین لنکرانی (احوالپرسی)	۱۳۴۱/۴/۷

پانزده

- ۴۸۹ تلگراف به وزارت امور خارجه (اجبار به ازدواج دختر مسلمان با مرد بهایی) ۱۳۴۱/۸/۷
- ۴۹۰ اجازه نامه به آقای محمدعلی نصر اصفهانی در امور حسبه و شرعیه ۱۳۴۱/۱۰/۲۸
- ۴۹۱ تلگراف به آقای سید محمود ضیابری (بازداشت علمای رشت) ۱۳۴۱/۱۱/۱۴
- ۴۹۲ حکم (اصلاحات ارضی) زمستان ۱۳۴۱
- ۴۹۳ پیام به خطبا و مبلغین تهران (تقدیر از تلاشها و خدمات مبلغین) ۱۳۴۱ ه. ش.
- ۴۹۴ نامه به آقای جلیلی کرمانشاهی (تصویب نامه انجمنهای ایالتی و ولایتی) ۱۳۴۱ ه. ش.
- ۴۹۶ نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (دعوت جهت صرف شام) ۱۳۴۱ ه. ش.
- ۴۹۷ نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (درخواست امضای اعلامیه) احتمالاً ۱۳۴۱ ه. ش.
- ۴۹۸ تلگراف به آقای سید ابوالقاسم خویی (حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه) ۱۳۴۲/۱/۱۲
- ۴۹۹ تلگراف به آقای سید محمود شاهرودی (حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه) ۱۳۴۲/۱/۱۲
- ۵۰۰ تلگراف به آقای سید عبدالله شیرازی (حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه) ۱۳۴۲/۱/۱۲
- ۵۰۱ نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (پاسخ به تلگراف تسلیت دو تن از علمای فروردین ۱۳۴۲ مشهد)
- ۵۰۲ پیام به علما و روحانیون اردکان (افشای خدمات رژیم به بهاییان) ۱۳۴۲/۲/۲۷
- ۵۰۳ حوالی اردیبهشت ۱۳۴۲ نامه به آقای جعفر خندق آبادی (حذف قید اسلام و رجولیت از قضات در طرح وزیر دادگستری)
- ۵۰۴ قرار بازداشت موقت (اعتراض امام به قرار بازداشت موقت) ۱۳۴۲/۳/۱۵
- ۵۰۵ نامه به آقای سید محمد صادق لواسانی (درخواست کتاب مستدرک الوسائل و تاریخ مشروطیت) خرداد ۱۳۴۲
- ۵۰۶ تلگراف به علما و اهالی آشتیان (پیام تشکر) خرداد ۱۳۴۲
- ۵۰۷ یادداشت (اعلام وصول کتابهای ارسالی) ۱۳۴۲/۵/۱
- ۵۰۸ نامه به آقای سید مصطفی خمینی (تذکراتی درباره وجوهای و شهریه طلاب) مرداد ۱۳۴۲
- ۵۰۹ بیانات (تأکید بر انجام وظیفه و تکلیف مذهبی) ۱۳۴۲/۷/۱۰
- ۵۱۰ نامه به آقای امامی مازندرانی ساروی (تذکر در مسائل جاری مملکت) ۱۳۴۲/۸/۶

شانزده

- ۱۳۴۲/۱/۳ پیام به ملت مسلمان ایران (نگرانی از وضع فقرا در زمستان) ۵۱۱
- احتمالاً ۱۳۴۲ هـ.ش. نامه به آقای امامی مازندرانی ساروی (اعلام وصول وجه) ۵۱۲
- ۱۳۴۳/۱/۱۷ تلگراف به آقای سید محمد هادی میلانی (ابراز تشکر) ۵۱۳
- ۱۳۴۳/۱/۱۹ تلگراف به آقای سید عباس مهری (پاسخ پیام تبریک) ۵۱۴
- ۱۳۴۳/۱/۱۹ تلگراف به آقای عبدالرسول قائمی (پاسخ پیام تبریک) ۵۱۵
- ۱۳۴۳/۱/۱۹ تلگراف به آقای علامه (پاسخ پیام تبریک) ۵۱۶
- ۱۳۴۳/۱/۱۹ تلگراف به آقای محمد صادق احسانبخش (پاسخ پیام تبریک) ۵۱۷
- ۱۳۴۳/۱/۲۳ تلگراف به آقای آخوند (تکذیب خبر موافقت روحانیون با اعمال خلاف شرع ۵۱۸
- رژیم)
- ۱۳۴۳/۱/۳۱ نامه به آقای سید ابوالحسن مولانا ۵۱۹
- ۱۳۴۳/۲/۴ تلگراف به آقای سید حسن قمی (اظهار بی اطلاعی از وضعیت آقای طبسی) ۵۲۰
- ۱۳۴۳/۲/۱۷ نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (تحریکات دولت و ساواک و لزوم هوشیاری ۵۲۱
- روحانیون)
- ۱۳۴۳/۲/۳۰ اجازه نامه به آقای عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی در امور حسبیه و شرعیه ۵۲۳
- اردیبهشت ۱۳۴۳ نامه به آقای بهاءالدین محلاتی ۵۲۴
- حوالی اردیبهشت ۱۳۴۳ نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (درخواست صدور اعلامیه و اعلام ۵۲۵
- عزای ملی)
- ۱۳۴۳/۳/۱۱ نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (عمل به تکلیف و دعوت به صبر در برابر ۵۲۶
- مشکلات)
- ۱۳۴۳/۳/۱۴ اجازه نامه به آقای جعفر خندق آبادی در امور حسبیه و شرعیه ۵۲۷
- ۱۳۴۳/۳/۱۴ نامه به آقای علی دوانی (انصراف آقای خزعلی از سفر به کویت) ۵۲۸
- ۱۳۴۳/۳/۱۹ اجازه نامه به آقای عبدالحسین قفقازی در امور حسبیه و شرعیه ۵۲۹
- ۱۳۴۳/۳/۲۷ اجازه نامه به آقای فضل الله قاسمی قزوینی در امور حسبیه و شرعیه ۵۳۰
- ۱۳۴۳/۳/۲۷ نامه به آقای سید ابوالحسن مولانا (پاسخ نامه) ۵۳۱
- ۱۳۴۳/۴/۹ نامه به آقای سید محمد علی قاضی طباطبایی (آزادی آقای قاضی طباطبایی) ۵۳۲

۵۳۳	اجازه‌نامه به آقای سید حسن موسوی قزوینی شالی در امور حسبه و شرعیه	۱۳۴۳/۴/۲۶
۵۳۴	نامه به آقای احمد کروی (تأسیس مدرسه علمیه در الیگودرز)	۱۳۴۳/۵/۳
۵۳۵	نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (نگرانی درباره وقایع عراق و اختلافات بین شیعه و سنی)	۱۳۴۳/۵/۵
۵۳۶	نامه به آقای سید احمد حسینی (اعلام وصول نامه)	۱۳۴۳/۵/۷
۵۳۷	حوالی ۱۹ مرداد ۱۳۴۳ تلگراف به آقای قاضی طباطبایی (تبریک ورود آقای قاضی طباطبایی به تبریز)	
۵۳۸	نامه به آقای عبدالحسین لنکرانی (اعلام وصول کتاب طهاره و پرداخت شهریه)	۱۳۴۳/۷/۴
۵۳۹	نامه به آقای عبدالحسین لنکرانی (وجوه شرعیه)	۱۳۴۳/۸/۶
۵۴۰	نامه به آقای علی اسلامی (اظهار تألم و تأثر از بی‌احترامی رژیم)	۱۳۴۳/۸/۸
۵۴۱	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۴۳/۱۰/۲
۵۴۲	پیام به علما و روحانیون شوشتر (خطر نفوذ اسرائیل)	۱۳۴۳ ه. ش.
۵۴۴	نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (زمزمه مغرضین درباره یهود، نصارا و اسرائیل)	۱۳۴۳ ه. ش.
۵۴۶	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۴۴/۳/۲۳
۵۴۷	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۴۴/۶/۲۴
۵۴۸	شهریور یا مهر ۱۳۴۴ تلگراف به آقای سید محمد هادی میلانی (ابراز تشکر)	
۵۴۹	نامه به آقای عبد الجلیل جلیلی کرمانشاهی (ابراز تشکر و قدردانی)	۱۳۴۴/۷/۲۶
۵۵۰	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پیام تشکر)	۱۳۴۴/۸/۵
۵۵۱	نامه به آقای مهدی قاضی (پیام تشکر)	۱۳۴۴/۸/۷
۵۵۲	نامه به آقای سید محمد علی قاضی طباطبایی (پیام تشکر)	۱۳۴۴/۸/۱۳
۵۵۳	نامه به آقای مجتبی کرمانشاهی (اجازه صرف وجوه شرعیه)	۱۳۴۴/۸/۱۶
۵۵۴	نامه به آقای حسین لنکرانی (پیام تشکر)	۱۳۴۴/۸/۱۸
۵۵۵	نامه به آقای سید علی نقی (پیام تشکر)	۱۳۴۴/۸/۲۷

۵۵۶	نامه (پیام تشکر) ۱۳۴۴/۱۰/۹
۵۵۷	نامه (پاسخ نامه) ۱۳۴۴/۱۰/۱۳
۵۵۸	نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (تبریک میلاد امام حسن مجتبی (ع) و احوالپرسی) ۱۳۴۴/۱۰/۱۸
۵۵۹	دی یا بهمن نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه) ۱۳۴۴
۵۶۰	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه) ۱۳۴۴/۱۱/۴
۵۶۱	نامه (ابراز نگرانی از وضع مسلمین ایران) ۱۳۴۴/۱۱/۱۶
۵۶۲	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی) ۱۳۴۴/۱۱/۲۱
۵۶۳	نامه به آقای سید محمود مرعشی نجفی (احوالپرسی) ۱۳۴۴/۱۱/۲۸
۵۶۴	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی) ۱۳۴۴/۱۲/۸
۵۶۵	بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ه.ش. نامه به آقای عبدالرحیم ربانی شیرازی (تبریک عید)
۵۶۶	بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ه.ش. نامه به آقای مهدی قاضی (پیام تشکر)
۵۶۷	بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ه.ش. نامه به آقای حسین خادمی (عدم دخالت در امور مؤسسات تبلیغی مشکوک)
۵۶۸	بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ ه.ش. نامه به آقای مهدی قاضی (تأکید بر رفع مشکلات حوزه)
۵۶۹	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (اعلام وصول نامه و احوالپرسی) ۱۳۴۵/۱/۲
۵۷۰	نامه به آقای سید محمود مرعشی نجفی (اعلام وصول نامه و پیام تشکر) ۱۳۴۵/۱/۲
۵۷۱	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (اظهار تألم از اوضاع ایران و شهر قم) ۱۳۴۵/۴/۳۱
۵۷۲	نامه به آقای حسین خادمی (پاسخ نامه) ۱۳۴۵/۵/۳
۵۷۳	نامه (تعیین میزان پرداخت سهم امام (ع) به ارحام فقیر) ۱۳۴۵/۵/۱۳
۵۷۴	نامه به آقای مهدی قاضی (پیام تشکر) ۱۳۴۵/۶/۱۲
۵۷۵	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پیام تشکر) ۱۳۴۵/۷/۷
۵۷۶	نامه به آقای محمد مهدی ربانی املشی (اعلام وصول وجوهات شرعیه) ۱۳۴۵/۱۱/۲۵

۵۷۷	نامه به آقای سید محمد هادی میلانی (احوالپرسی)	۱۳۴۶/۳/۲۵
۵۷۸	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (توجه به کتابخانه)	۱۳۴۶/۴/۲۰
۵۷۹	نامه به آقای مهدی قاضی (عزیمت آقای مشکینی به حوزه علمیه خرم آباد)	۱۳۴۶/۴/۲۲
۵۸۰	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پیام تشکر و عنایت به کتابخانه)	۱۳۴۶/۸/۲۵
۵۸۱	نامه به آقای قنبر معلمیان (اعلام وصول نامه)	۱۳۴۶/۱۰/۱۶
۵۸۲	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۴۶/۱۲/۱۴
۵۸۳	حکم به آقای عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی (تعیین تولیت مدرسه علمیه)	اسفند ۱۳۴۶
۵۸۴	اجازه نامه به آقای حسین زرنندی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۷/۳/۸
۵۸۵	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۴۷/۸/۱۳
۵۸۶	نامه به آقای سید محمد علی قاضی طباطبایی (اعلام خبر سلامتی)	۱۳۴۷/۹/۷
۵۸۷	نامه احتمالاً به آقای عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی (اقامت در کرمانشاه به منظور انجام فعالیت های تبلیغی)	۱۳۴۷/۱۰/۷
۵۸۸	نامه به آقای حاج علی ایران پور (ابراز تشکر و قدردانی)	۱۳۴۷/۱۰/۲۴
۵۸۹	نامه به آقای مرتضی مطهری (تبلیغ دین برای جوانان)	۱۳۴۷/۱۲/۲۲
۵۹۱	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۴۸/۶/۱۹
۵۹۲	نامه به آقای سید محمد صادق روحانی (عمل به تکلیف)	۱۳۴۸/۶/۱۹
۵۹۳	اجازه نامه به آقای عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی (استفاده از سهم امام (ع) در امور حوزه)	۱۳۴۹/۲/۲
۵۹۴	اجازه نامه به آقای عبداللطیف سمایی تنکابنی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۹/۳/۳۰
۵۹۵	اجازه نامه به آقای سید اسماعیل مهری در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۹/۸/۷
۵۹۶	نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اجازه شرعی برای صرف سهم امام (ع) ویژه طلاب)	۱۳۴۹/۹/۲۶
۵۹۷	اجازه نامه به آقای سید اسحاق در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۴۹/۱۰/۱۱
۵۹۸	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۴۹/۱۲/۳

۵۹۹	نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اجازه شرعی در صرف سهمین)	۱۳۵۰/۱/۲۲
۶۰۰	اجازه نامه به آقای سید محمد رضا مدرسی خراسانی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۵۰/۲/۱۴
۶۰۱	اجازه نامه به آقای صافی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۵۰/۳/۱۰
۶۰۲	نامه به آقای حاج علی ایران پور (تسویه حساب و جوه شرعیه)	۱۳۵۰/۶/۷
۶۰۳	نامه به آقای احمد کافی (ترویج اسلام، تربیت جوانان و اجازه از سهم سادات در امور شرعی)	۱۳۵۰/۶/۲۳
۶۰۴	اجازه نامه به آقای احمد کافی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۵۰/۶/۲۴
۶۰۵	نامه به آقای سید محمد صادق روحانی (پیام تشکر)	۱۳۵۰/۷/۲۰
۶۰۶	اجازه نامه به آقای عباسعلی عمید زنجانی در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۵۰/۹/۹
۶۰۷	نامه (اوضاع مشوّش ایران و اقدامات رژیم شاه)	۱۳۵۰/۱۱/۱
۶۰۸	اجازه نامه به آقای محمود استعلامی سنکسری در امور حسبیه و شرعیه	۱۳۵۰/۱۱/۱۵
۶۰۹	نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (پاسخ به سؤال شرعی درباره فرار از ربا)	۱۳۵۱/۱/۲۷
۶۱۰	اجازه شرعی در صرف سهم امام (ع)	۱۳۵۱/۳/۱۵
۶۱۱	خرداد یا تیر نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اجازه شرعی)	۱۳۵۱
۶۱۲	نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (پاسخ نامه درباره اجازه شرعی)	۱۳۵۱/۹/۲۶
۶۱۳	نامه به آقای سید محمد صادق روحانی (تأثیر اوضاع داخلی و خارجی در اجتماع روحانیون)	۱۳۵۱
۶۱۴	نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اجتماعات و تبلیغات انحرافی)	۱۳۵۲/۱/۴
۶۱۵	نامه به آقای سید محمد صادق روحانی (بخش اکاذیب برای تفرقه بین دوستان)	۱۳۵۲/۳/۲۸
۶۱۶	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (اعلام وصول نامه و احوالپرسی)	۱۳۵۲/۴/۵
۶۱۷	نامه به آقای سید موسی صدر (پاسخ نامه و تذکرات اخلاقی)	۱۳۵۳/۹/۱۲
۶۱۸	نامه درباره احکام فقهی نماز و روزه مسافر	۱۳۵۴/۱/۲۴
۶۱۹	نامه به آقای سید مهدی علوی (اعلام دریافت مکتوب)	۱۳۵۴/۳/۴

۶۲۰	وکالت نامه (سپردن وکالت مطلق به آقای علی خلخالی)	۱۳۵۴/۷/۷
۶۲۲	نامه به آقای سید مهدی علوی (دریافت وجوه شرعیه)	۱۳۵۴/۸/۲۴
۶۲۳	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۵۵/۹/۱
۶۲۴	نامه (پیام تشکر)	۱۳۵۵/۹/۸
۶۲۵	پاسخ نامه	۱۳۵۶/۱/۱۵
۶۲۶	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۵۶/۹/۵
۶۲۷	نامه به آقای سید محمدعلی قاضی طباطبایی (پیام تشکر)	۱۳۵۶/۹/۷
۶۲۸	نامه (پیام تشکر)	۱۳۵۶/۹/۲۳
۶۲۹	اعلام وصول نامه	۱۳۵۶/۱۱/۴
۶۳۰	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۵۶/۱۱/۱۸
۶۳۱	بهمن یا اسفند اجازه شرعی در صرف سهم امام (ع)	۱۳۵۶
۶۳۲	نامه به آقای مرتضی امامی مازندرانی ساروی (قانون اساسی و رفتن شاه)	۱۳۵۷/۱/۱۹
۶۳۳	تلگراف به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (احوالپرسی)	۱۳۵۷/۳/۱۶
۶۳۴	نامه به آقای محمدعلی صدوقی (وظیفه علما، هدایت مخالفین و معاندین از کارشکنی در امور مسلمین)	۱۳۵۷/۵/۱۵
۶۳۵	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۵۷/۶/۱۲
۶۳۶	مصاحبه با خبرگزاری یونایتدپرس درباره دولت نظامی و دولت آینده	۱۳۵۷/۸/۱۷
۶۳۸	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۵۷/۹/۵
۶۳۹	نامه به آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی (پیام تشکر)	۱۳۵۷/۱۰/۹
۶۴۰	حکم انتصاب آقای علی اکبر معین فر به سمت وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه	۱۳۵۷/۱۱/۲۴
۶۴۱	حکم انتصاب آقای کاظم سامی به سمت وزیر بهداری و بهزیستی	۱۳۵۷/۱۱/۲۴
۶۴۲	نامه به آقای محمود لولاجیان (تشکیل کمیته ای با حضور نمایندگان امام)	۱۳۵۷/۱۱/۲۷

۶۴۳	حکم انتصاب آقای عباس تاج به سمت وزیر نیرو	۱۳۵۷/۱۱/۲۸
۶۴۴	حکم انتصاب آقای یدالله سحابی به سمت وزیر مشاور	۱۳۵۷/۱۱/۲۸
۶۴۵	حکم انتصاب آقای تقی ریاحی به سمت وزیر دفاع	۱۳۵۸/۱/۱۱
۶۴۶	نامه به آقای سید جلال الدین طاهری (ابراز تشکر)	۱۳۵۸/۱/۱۸
۶۴۷	نامه به آقای عبدالجلیل جلیلی (اسناد زمین و مجوز مصرف وجوهات)	۱۳۵۸/۱/۳۱
۶۴۸	نامه به آقای سید حسن موسوی قزوینی شالی (پیام تشکر)	۱۳۵۸/۲/۱
۶۴۹	نامه به آقای سید محمدعلی قاضی طباطبایی (پیام تشکر)	۱۳۵۸/۲/۲۲
۶۵۰	حکم به آقای محمد مهدی ربانی املشی (مأموریت سفر تبلیغی)	۱۳۵۸/۲/۲۸
۶۵۱	حکم به آقای مرتضی بنی فضل (رسیدگی به کمیته های شهر خوی و حومه)	۱۳۵۸/۴/۷
۶۵۲	حکم انتصاب آقای علی اکبر ناطق نوری در ستاد مرکزی جهاد سازندگی	۱۳۵۸/۴/۷
۶۵۳	نامه به آقای محمد کرمی (تأکید بر حفظ آرامش منطقه و خشتی کردن توطئه ها)	۱۳۵۸/۴/۱۱
۶۵۴	حکم به آقای مرتضی بنی فضل (رسیدگی به امور کمیته های آذربایجان شرقی و غربی)	۱۳۵۸/۴/۱۲
۶۵۵	سخنرانی در جمع پاسداران کمیته مرکزی انقلاب و معلمان و بانوان درباره توأم بودن آموزش با پرورش	۱۳۵۸/۴/۲۳
۶۵۵	قرائت به اسم رب یعنی آموزش توأم با پرورش	
۶۵۶	فناي بشریت نتیجه آموزش بی پرورش	
۶۵۶	آموزش و تربیت الهی	
۶۵۶	شروع پرورش از دامن بانوان	
۶۵۸	حکم انتصاب آقای محمد نخعی به سمت سفیر ایران در استرالیا	۱۳۵۸/۵/۱۲
۶۵۹	نامه به آقای علی احمدی میانجی (رسیدگی به مشکلات قضایی اهالی مشکین شهر و دشت مغان)	۱۳۵۸/۶/۷
۶۶۰	اجازه نامه به دفتر تبلیغات انقلاب اسلامی قزوین و حومه (استفاده از سهم امام(ع))	۱۳۵۸/۱۰/۱
۶۶۲	حکم انتصاب آقای یوسف صانعی به عضویت در شورای نگهبان	۱۳۵۸/۱۲/۱

۶۶۳	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پیام تسلیت)	۱۳۵۹/۶/۲۷
۶۶۴	نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)	۱۳۵۹/۸/۱۶
۶۶۵	تلگراف به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پیام تشکر)	۱۳۵۹/۸/۲۵
۶۶۶	تلگراف به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه)	۱۳۵۹/۱۰/۱۸
۶۶۷	نامه به آقای سید محمد حسینی بهشتی (موافقت با درخواست عفو مجرمین در کردستان)	اسفند ۱۳۵۹
۶۶۸	نامه به آقای محمد ذوعلم (سؤال درباره محل تدریس و سکونت امام در مسجد امام اصفهان)	آبان ۱۳۶۰
۶۶۹	نامه به آقای خامنه‌ای (تفویض اختیارات به وزیر دفاع)	۱۳۶۰/۱۰/۱۲
۶۷۰	نامه به آقای اسماعیل فردوسی‌پور (موافقت با صرف وجوهات برای ساختن مدرسه علمیه در شهرستان فردوس)	حوالی ۱۸ فروردین ۱۳۶۱
۶۷۱	تلگراف به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (شهادت آقای اشرفی اصفهانی)	۱۳۶۱/۷/۲۷
۶۷۲	نامه به آقایان: عسکراولادی، نژادحسینیان، هادی و نمازی (نحوه تملیک داراییهای شرکتهای حمل و نقل)	فروردین ۱۳۶۲
۶۷۵	سخنرانی در جمع اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (آزادی ره‌آورد جمهوری اسلامی)	۱۳۶۲/۵/۳۰
۶۷۵	برخورد با توطئه‌گران و سوءاستفاده‌کنندگان از آزادی	
۶۷۷	پیام به فرماندهان ارتش و سپاه (صبر و استقامت در برابر ناملایمات)	اسفند ۱۳۶۳
۶۷۹	نامه به مسئولین جامعه‌الاسلامیه محمدیه پاکستان (اجازه استفاده از سهم امام (ع))	۱۳۶۵ ه. ش.
۶۸۰	پیام به فقهای شورای نگهبان (عدم ورود فقهای شورای نگهبان در مسائلی که موجب وهن است)	خرداد ۶۷
۶۸۲	نامه به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	۱۳۶۷/۴/۳
۶۸۶	اجازه‌نامه به آقای علی احمدی میانجی در امور حسبیه و شرعیه	۱۷ شعبان
۶۸۷	نامه به آقای احمد کروی (پاسخ نامه)	

- ۶۸۸ نامه به آقای محمدمهدی ربانی املشی (پاسخ نامه در مورد وجوه شرعیه)
- ۶۸۹ نامه به آقای حسین لنکرانی (احوالپرسی)
- ۶۹۰ نامه به آقای سید محمدصادق روحانی (تکذیب شایعه‌ها)
- ۶۹۱ نامه به آقای سید محمدصادق روحانی (تکذیب شایعه‌ها و پاسخ به اختلافات طرح شده)
- ۶۹۴ نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اعلام وصول نامه)
- ۶۹۵ نامه به آقای مجتبی حاج آخوند کرمانشاهی (اعلام وصول نامه)
- ۶۹۶ نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (دعوت جهت صرف شام)
- ۶۹۷ تلگراف به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (ابراز تشکر)
- ۶۹۸ نامه به آقای سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی (پاسخ نامه)
- ۶۹۹ رسید وجوهات شرعی

۱۵ شعبان

□ یادآوری:

برای سهولت در دسترسی به مطالب مورد نظر، مراجعه شود به جلد ۲۲ صحیفه امام که شامل:
نمایه های موضوعی، نام اشخاص، مکانها، وقایع تاریخی، آیات و روایات، اشعار و فهرست تفصیلی مطالب دوره ۲۱ جلدی است.

□ پیام رادیو - تلویزیونی

زمان: ۱ فروردین ۱۳۶۷ / ۲ شعبان ۱۴۰۸^(۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: اقامه عدل، مهمترین انگیزه قیام سیدالشهدا

مناسبت: عید نوروز

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

انگیزه قیام سیدالشهدا

«یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر اللیل والنهار، یا محول الحول والاحوال، حوّل حالنا الى احسن الحال».

خداوند این سال جدید را بر همه مسلمانها، بر ملت ما، بر همه مستضعفین جهان مبارک کند. و این سال یک خصوصیتی دارد که کم اتفاق می افتد. نوروز در آستانه ولادت حضرت سیدالشهدا، که ما باید انگیزه قیام ایشان را ببینیم چی بود و مقصد ایشان چی بود و وضع زندگی ایشان و همه ائمه - علیهم السلام - چی بود، خصوصاً در ماه شعبان چه وضعی داشتند.

سیدالشهدا - سلام الله علیه - از همان روز اول که قیام کردند برای این امر، انگیزه شان اقامه عدل بود. فرمودند که، می بینید که معروف، عمل بهش نمی شود و منکر، بهش عمل می شود. انگیزه این است که معروف را اقامه کند و منکر را از بین ببرد، انحرافات همه از منکرات است، جز خط مستقیم توحید هر چه هست منکرات است، اینها باید از بین بروند و ما که تابع حضرت سیدالشهدا هستیم باید ببینیم که ایشان چه وضعی در زندگی داشت، قیامش، انگیزه اش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود. من جمله قضیه حکومت عدل، جور، حکومت جور باید از بین برود، از آن طرف وقتی که مناجاتشان را

۱- در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۲۰، ص ۱۸۹، ذیل تاریخ ۶۶/۱۲/۳۰ درج گردیده است.

می‌بینیم، مناجاتی که در ماه شعبان هست و من در نظر ندارم که در هیچ یک از ادعیه گفته شده باشد که ادعیه مال همه ائمه است. این دعای شعبان، مناجات شعبان، مناجات همه ائمه است و در این، مسائل بسیار هست، معارف بسیار هست و ادب اینکه انسان چه جور باید با خدای تبارک و تعالی مناجات کند. ما غافلیم از این معانی که وضع چی است. شاید بعضی از جهال ما هم اینطور اعتقاد دارند که این ادعیه وارد شده و این چیزهایی که از ائمه وارد شده است اینها تشریفات است. می‌خواهند ما را یاد بدهند و حال اینکه مسئله این نیست، مسئله این است که در مقابل خدا ایستادند آنها، آنها می‌دانند که در مقابل چه عظمی ایستادند، آنها معرفت دارند به خدای تبارک و تعالی و می‌دانند چه کنند و مناجات شعبانیه از مناجاتهایی است که اگر یک نفر انسان دلسوخته، یک عارف دلسوخته - نه از این عارفهای لفظی - بخواهد این را شرح کند و شرح کند از برای دیگران، بسیار ارزشمند است و محتاج به شرح است، چنانچه همه ادعیه ائمه - علیهم السلام.

الگوپذیری از انبیا و ائمه (ع) در مبارزه با ظلم

شما - در مناجات حضرت - در دعای عرفه حضرت سیدالشهدا ملاحظه می‌کنید که چه مسائلی در آن هست و ما از شما غافل هستیم. ماه شعبان این خصوصیت را دارد که الآن عید نوروز ما در آستانه ولادت حضرت سیدالشهدا است و دنبال او ولادت حضرت مهدی - علیه السلام - که آن هم در ۱۵ شعبان واقع شده است. بنابراین تقریباً باید ما بگوییم که یک حجتی است بر ما این دو ولادت و این واقع شدن این روز شریف و این روز نوروز در یک همچو آستانه‌ای که این دو بزرگوار که هر دو - اقامه عدل - برای اقامه عدل هستند؛ سیدالشهدا - سلام الله علیه - که همه عمرش را و همه زندگی‌اش را برای رفع منکر و جلوگیری از حکومت ظلم و جلوگیری از مفاسدی که حکومتها در دنیا ایجاد کردند، تمام عمرش را صرف این کرد و تمام زندگی‌اش را صرف این کرد که این حکومت، حکومت جور بسته بشود و از بین برود؛ معروف در کار باشد، منکرات از بین

بروند. حضرت صاحب - سلام الله عليه - و ارواحنا فداه - هم که تشریف می آورند برای همین معناست. تمام انبیا که قیام کرده اند در عالم طبیعت - حالا معانی شان که، معارف غیبیه شان را خدا می داند ما نمی دانیم، اما در عالم طبیعت - وقتی زندگی اینها را می بینیم از اول مقابله با طاغوت بوده است. بنابر این معنا بوده و این باید سرمشق بشود از برای مسلمانها، کسانی که واقعاً مسلمان هستند و واقعاً علاقه مند به اهل بیت عصمت هستند و به پیغمبر اسلام هستند و از هر مذهبی که هستند، علاقه مند به آن مذهبشان هستند، باید ببینند که صاحب مذهب چه کرده است؛ موسی بن عمران چه کرد، در زندگی اش چه کرد، حضرت ابراهیم در زندگی اش چه کرد، تمام اینها قیام کردند در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سرمشق باید بگیریم از اینها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمانها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلمها، در مقابل منکرات قیام کنند، همان طوری که ملت شریف ایران بحمدالله قیام کرد و می شود گفت که این انقلاب که در این دعای شریف واقع شده است که «یا مقلب القلوب»، در جوانهای ما واقع شده است؛ اینها الآن برگشتند از یک حالی به حال دیگری و حال نویی پیدا کرده اند. و در این ماه که ماه شعبان است باید ما توجه به این معنا بکنیم که ما باید چه بکنیم، با این طاغوتها باید چه بکنیم؟ باید همان طوری که سیدالشهدا - سلام الله عليه - تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه هایش را، همه چیز را در صورتی که می دانست قضیه اینطور می شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرفهای ایشان را می شنود همه را، می بیند که ایشان متوجه بوده است که چه دارد می کند، این جور نبود که آمده است ببیند که، بلکه آمده بود حکومت هم می خواست بگیرد، اصلاً برای این معنا آمده بود و این یک فخری است و آنهایی که خیال می کنند که حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر؛ اینها برای حکومت آمدند، برای اینکه باید حکومت دستِ مثل سیدالشهدا باشد، مثل کسانی که شیعه سیدالشهدا هستند باشد؛ اصل قیام انبیا از اول تا آخر این بوده است. در طبیعت قیام انبیا - قیام مسلحانه یا غیرمسلحانه - در مقابل همه کسانی که به جور داشتند مردم را از بین

می بردند باشد.

لزوم مقابلهٔ مسلمین جهان با ظالمین

و ما امروز مبتلای به این معنا هستیم، مسلمانها مبتلای به این معنا هستند، مسلمانها می بینند که این دولتهای بزرگ، این قدرتهای بزرگ و این کسانی که اذتاب آنها هستند، کسانی که فرمانبر آنها هستند الآن با مسلمین، با مردم، با مستضعفین، حتی با آن کسانی که مال خودشان است چه می کنند. تمام اینها ظاهر می گویند که ما اقامهٔ عدل می خواهیم بکنیم، اما چه عدلی؟ عدل امریکایی، عدل امریکایی یعنی چه؟ یعنی هرکس خاضع به من شد، آن یک چیزی است که ما او را قبولش داریم، هرکس منافع مملکتش را به ما داد ما او را قبول داریم! از آن ور شوروی هم همین است، همهٔ این قدرتهای بزرگ اینطوری هستند و ما باید در مقابل تمام اینها بایستیم، همان طوری که جوانهای ما بحمدالله الآن در جبهه ها این پیروزیها را، این پیروزیهای بزرگ را به دست آوردند، باید تا آخر این مطلب باشد، باید هیچ درش سستی نشود تا وقتی که ان شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهند. بنابراین عید نوروز ما، یک عید نوروزی است که در یک وقتی واقع شده است که حجت بر ماست و او این است که زندگی سیدالشهدا، زندگی حضرت صاحب - سلام الله علیه - زندگی همهٔ انبیای عالم، همهٔ انبیا از اول، از آدم تا حالا همه شان این معنا بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می خواستند درست کنند - حکومت - و مع الأسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش ملت ما خواندند، به گوش ملت های ضعیف خواندند که حکومت به شما چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را برو، همین! البته، ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به - عرض بکنم که - آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می شوند! اما وظیفه این است که ما برویم مسجد بنشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟ وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا بکنیم، چنانچه اولیای ما این کار را کردند. و امروز شما می بینید که این صدام را که بحمدالله سیلی خورده است و الآن محو

این سیلی است، الان نمی فهمد دارد چه می کند؛ شما ببینید که اینهمه پیروزی ای که واقع شده، اصلاً این انکار می کند که اینجا چیزی واقع شده، این نمی فهمد که فردا این خبرنگارها، این خارجیها می آیند می روند آنجا می بینند چه خبر است. این یک همچو حیوانی است که مملکت خودش را، افراد خودش را، اشخاصی که مربوط به خودش هستند، آنها را بمباران می کند، بمباران شیمیایی می کند که باید پاسدارهای ما به داد آنها برسند.

تقدیر و تجلیل از فداکاریهای ملت

من باید تشکر کنم از این ملت، این ملت شریف خودمان و خصوصاً از این کسانی که در جبهه ها مشغول هستند یا پشت جبهه ها مشغول به این هستند که آنها را کمک کنند، ما باید تشکر کنیم از اینها و خصوصاً از این جوانهایی که همه چیزشان را در راه اسلام دادند. شما ملاحظه می کنید که اشخاصی می آیند اینجا، همه چیزشان را کائن دادند، مع ذلک می گویند کاش که ما یک بچه کوچکی که داریم بزرگ بشود، برود جنگ بکند، اینها حجت بر ما هست، اینها حجت بر آن اشخاصی هست که تو خانه نشستند و نق می زنند، تو خانه نشستند و به مردم تزریق می کنند که نه، نروید جایی؛ خدا ان شاء الله بیدار کند اینها را، خداوند ان شاء الله اشخاصی را که مخالفت می کنند یا از روی عمد یا از روی - عرض می کنم - نفهمی مخالفت می کنند، اینها را بیدار کند و اینها را در این سال نو تجدید کند. و خداوند ان شاء الله این اسرای ما را، این کسانی که محبوب ما هستند، محبوب ملت ما هستند، این معلولین را، این اسرا را و این تمام کسانی که در آنجا دربند هستند، همه اینها را خداوند ان شاء الله آزاد کند و ما را هم به وظیفه خودمان آشنا کند. و ای کاش کسی می آمد و این ادعیه ائمه - علیهم السلام - را ترجمه می کرد، این را شرح می کرد، این ادعیه خیلی محتاج به شرح است. و ما اگر این ادعیه را بتوانیم یک اشخاص عارفی، عارف صحیح، دلسوخته پیدا بشود که اینها را برای مردم تشریح بکند، همه چیز در اینها هست، در عین حالی که دعاست. شما ادعیه حضرت سجاد را می بینید، دعاست

اما چه می‌کند در این دعاها! هم معنویات هست، هم قضیه حکومت هست، همه چیز هست، هم از بین بردن حکومت ظلم است، چنانچه سیره همه ائمه - علیهم السلام - بر این بوده و ما به قدری در گوشمان خواندند که بابا بروید سراغ کارتان، کار نداشته باشید به حکومت، که حتی اشخاص که آگاه هم بودند، اینها هم بازی خورده بودند. من بعضی از اشخاصی که از شان هیچ توقع نداشتم، در سابق [فعال] بودند، ... داخل در این مسائل ما بودند، لکن مع ذلک، اینها می‌گفتند آخر ما چه کار داریم به این کار، حالا آنها می‌خواهند این کار را بکنند، این کار آنهاست، ما کار دیگر داشته باشیم. این یک همچو چیزی بود که ما را بازی داده بودند و مردم الآن باید بدانند که هر مطلبی را که این خارجیها می‌گویند تمام مطالب این خارجیها برای گول زدن ماهاست، گول زدن همه ماست. کسانی هم که تابع آنها هستند مطالبی می‌گویند، برای این است که ما را باز به دامن آنها بیندازند. و ما باید بیدار باشیم و هوشیار باشیم و هیچ وقت لغزش پیدا نکنیم. خداوند ان شاء الله این ملت ما را بیدار کند و بیدارتر. خداوند ان شاء الله مردم ما را به سلامت، عزت برساند، به مقاصد خودشان، که آن مقصد، مقصد اسلام است و کوتاه کردن دست تمام کسانی که ظالم هستند. ان شاء الله خداوند این عید را بر همه ما، بر همه مسلمین، بر همه مستضعفین مبارک کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

□ تقریظ

زمان: ۶ فروردین ۱۳۶۷ / ۷ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقریظ بر کتاب «بیماری سل»

مخاطب: ولایتی، علی اکبر

بسمه تعالی

ان شاء الله تعالی جناب آقای ولایتی همان طور که در مسائل سیاسی خدمتگزار خوبی هستند، در مسائل درمانی هم خدمتگزار باشند.^(۱)

۶۷ / ۱ / ۶

روح الله الموسوی الخمينی

۱- امام خمینی این دستخط را روی جلد کتابی که تحت عنوان «بیماری سل» توسط آقای علی اکبر ولایتی (متخصص بیماریهای کودکان و وزیر امور خارجه وقت) تألیف شده است، مرقوم فرمودند.

□ اجازه نامه

زمان: ۷ فروردین ۱۳۶۷ / ۸ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: محمد هاشم، ابوجعفر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمين آقاي آقاشيخ ابوجعفر محمد هاشم - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف زکوات و كفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مصارف خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث آن را در اعلاي کلمه طيبه اسلام و ترويج شريعت مقدسه صرف نموده، و دو ثلث ديگر را نزد اينجانب ارسال دارند. و در مورد سهم سادات نیز مجازند نصف آن را به سادات مستحق پردازند و نصف ديگر را نیز ارسال کنند. والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

به تاريخ ۸ شعبان ۱۴۰۸

روح الله الموسوي الخميني

□ پیام

زمان: ۱۱ فروردین ۱۳۶۷ / ۱۲ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم شرکت در انتخابات و حفظ شئون اسلامی و اخلاقی در تبلیغات
کاندیدها

مناسبت: انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

در آستانه انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. گمان نمی‌کنم که نقش و اهمیت انتخابات و مجلس شورای اسلامی برکسی پوشیده باشد. بحمدالله هرچه از عمر با برکت انقلاب شکوهمند اسلامی ما می‌گذرد، مردم مسلمان و متعهد کشورمان به اهمیت حضور و نقش تعیین‌کننده خود در تمامی صحنه‌های انقلاب آشنا تر می‌شوند، و راز دوام و بقا و استحکام قیام الهی خود را بهتر کشف می‌نمایند.

هم اکنون، با توجه به آگاهی و شعور بالای سیاسی مردم خداجوی ایران، شاید ضرورتی به یادآوری اهمیت شرکت در انتخابات نباشد؛ ولی برای احتیاط در ادای تکلیف شرعی - سیاسی خود نکاتی را متذکر می‌شوم:

۱- از آغاز انقلاب تاکنون، یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمانهای اجتماعی - سیاسی اسلام بوده است؛ که در راه تحقق آن به انواع حيله‌ها و ترفندهای گوناگون متوسل شده‌اند؛ که بحمدالله سرشان به سنگ خورده است؛ و ملت پیروز و سرافراز ایران با نمایش قدرت عظیم خود در حوادث گوناگون انقلاب این حقیقت و واقعیت را به اثبات رسانیده و نشان داده‌اند که از دریای خروشان وحدت و انسجام آنان چیزی کم نشده و نخواهد شد. و

جهانخواران ان شاء الله تا ابد حسرت گسستن اتحاد مقدس مردم ما را به گور خواهند برد. بعید به نظر نمی‌رسد که در این روزها یکی از اهداف شرارت‌های اخیر صدامیان در تهدید و ارعاب و ادامه بمبارانها و موشکباران مناطق مسکونی، علاوه بر سرپوش نهادن بر شکست‌های پیاپی خود در صحنه‌های نبرد، رسیدن به این هدف باشد که حضور مردم را تحت‌الشعاع این جنایات قرار دهد و از هم اکنون هم باید مطمئن باشیم رسانه‌های استکباری از عدم حضور مردم در صحنه انتخابات سخن خواهند گفت؛ و با تحلیلهای موزیانه و القائات توأم با تهدید و ارعاب تلاش خواهند نمود ذهنها را به مسائل دیگر معطوف نمایند. غافل از آنکه امت اسلامی ایران سالهاست نشان داده‌اند که از این هیاهوها نمی‌ترسند، و مقاوم و استوار در مقابل تمام ابرقدرتها و قدرتها می‌ایستند؛ و به یاری خداوند متعال، ملت شریف ایران با حضور گسترده خود انتخابات را در موعد مقرر و با قدرت و قاطعیت برگزار می‌کنند؛ و مطمئناً در زیر موشک و بمب هم اگر قرار بگیرند، به پای صندوقها می‌روند و به تکلیف شرعی و الهی خود عمل خواهند نمود. و اینجانب تحت هر شرایطی در انتخابات شرکت می‌کنم. و ان شاء الله دنیا خواهد دید که مردم عزیز ایران چگونه حماسه حضور گذشته خویش را در سراسر میهن اسلامی تکرار خواهند کرد.

۲- همان‌طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند، و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران، که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب‌کنندگی اصلح را دارند. البته مشورت در کارها از دستورات اسلامی است. و مردم با متعهدین و معتمدین خویش مشورت می‌نمایند. و افراد و گروهها و روحانیون در حد تذکرات قبلی در حوزه خود می‌توانند کاندیدا معرفی نمایند؛ ولی هیچ‌کس نباید توقع داشته باشد که دیگران اظهار نظر و اظهار وجود نکنند. در هر حال، مردم با بصیرت و درایت و تحقیق کاندیداها را شناسایی کرده، و به

سوابق و روحیات و خصوصیات دینی - سیاسی نامزدهای انتخاباتی توجه نمایند. مردم شجاع ایران با دقت تمام به نمایندگانی رأی دهند که متعهد به اسلام و وفادار به مردم باشند و در خدمت به آنان احساس مسئولیت کنند، و طعم تلخ فقر را چشیده باشند، و در قول و عمل مدافع اسلام پابرهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنجدیدگان تاریخ، اسلام عارفان مبارزه جو، اسلام پاک‌طینتان عارف، و در یک کلمه، مدافع اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله وسلم - باشند. و افرادی را که طرفدار اسلام سرمایه‌داری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین بی‌درد، اسلام منافقین، اسلام راحت‌طلبان، اسلام فرصت‌طلبان، و در یک کلمه، اسلام امریکایی هستند طرد نموده و به مردم معرفی نمایند. و از آنجا که مجلس خانه همه مردم و امید مستضعفین است، در شرایط کنونی نباید کسی انتظار داشته باشد که حتماً نمایندگان باید از گروه و صنف خاصی باشند. باید توجه داشت که هنوز خیلی از مسائل وجود دارد که به نفع محرومین باید حل و فصل شود. و تمیز بین کسانی که در تفکر خود خدمت به اسلام و محرومان را اصل قرار داده‌اند، با دیگران کار مشکلی نیست.

۳- نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چهارچوب تعالیم و اخلاق عالیۀ اسلام انجام شود؛ و از کارهایی که با شئون اسلام منافات دارد جلوگیری گردد. باید توجه داشت که هدف از انتخابات در نهایت حفظ اسلام است. اگر در تبلیغات حریم مسائل اسلامی رعایت نشود، چگونه منتخب حافظ اسلام می‌شود. باید سعی شود تا خدای ناکرده به کسی توهین نگردد؛ و در صورتی که رقیب انتخاباتی به مجلس راه یافت، به دوستی و برادری، که چیزی شیرینتر از آن نیست، لطمه‌ای نخورد.

ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فداکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید.

«جَهِّزُوا أَنْفُسَكُمْ بِالصَّلَاحِ وَالسَّلَاحِ»^(۱). نهراسید. که نمی هراسید، کمربند هاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار بپاخیزید. قدرتهای بزرگ شرق و غرب می خواهند شما را در زیر چکمه ها و چنگالهای کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخ هم نگویید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشمان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسانهاست. روز جنگ است. روز احقاق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهانخواران ما را یاری کنند بیحاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است. امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست. درنگ امروز فردای اسارتباری را به دنبال دارد. امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید، و در افق طلوع فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود.

فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان شاء الله پیروز خواهید شد. والسلام علی عباد الله الصالحین.

به تاریخ یازدهم فروردین ۶۷
روح الله الموسوی الخمینی

۱- «خوبستن را به صلاحیتهای درونی و اسلحه مجهز کنید».

□ سخنرانی

زمان: صبح ۱۴ فروردین ۱۳۶۷ / ۱۵ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: برداشتهای مختلف از انتظار فرج

مناسبت: میلاد حضرت مهدی (عج)

حضار: خانواده‌های شهدا، اسرا و مبارزان مسلمان لبنان و فلسطین - غرضی، محمد (وزیر پست و تلگراف و تلفن) - مسئولان و کارمندان وزارت پست و تلگراف و تلفن

بسم الله الرحمن الرحيم

انتظار فرج و معنای صحیح آن

این عید سعید ان شاء الله، بر همهٔ مسلمین جهان، مستضعفان عالم و خصوصاً ملت ما، مبارک باد. آنچه که امروز می‌خواهم به عرضتان برسانم برداشتهایی که از انتظار فرج شده است؛ بعضی‌اش را من عرض می‌کنم. بعضیها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، در حسینیه، در منزل بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان - سلام الله علیه - را از خدا بخواهند. اینها مردم صالحی هستند که یک همچو اعتقادی دارند. بلکه بعضی از آنها را که من سابقاً می‌شناختم بسیار مرد صالحی بود، یک اسبی هم خریده بود، یک شمشیری هم داشت و منتظر حضرت صاحب - سلام الله علیه - بود. اینها به تکالیف شرعی خودشان هم عمل می‌کردند و نهی از منکر هم می‌کردند و امر به معروف هم می‌کردند، لکن همین، دیگر غیر از این کاری ازشان نمی‌آمد و فکر این مهم که یک کاری بکنند، نبودند. یک دستهٔ دیگری بودند که انتظار فرج را می‌گفتند این است که ما کار نداشته باشیم به اینکه در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد، بر ملت ما چه می‌گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف‌های خودمان را عمل می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در

مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم. اینها هم یک دسته‌ای، مردمی بودند که صالح بودند.

یک دسته‌ای می‌گفتند که خوب، باید عالم پر [از] معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ ما باید نهی از منکر نکنیم، امر به معروف هم نکنیم تا مردم هر کاری می‌خواهند بکنند؛ گناه‌ها زیاد بشود که فرج نزدیک بشود.

یک دسته‌ای از این بالاتر بودند، می‌گفتند: باید دامن زد به گناهها، دعوت کرد مردم را به گناه تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند. این هم یک دسته‌ای بودند که البته در بین این دسته، منحرفهایی هم بودند، اشخاص ساده لوح هم بودند، منحرفهایی هم بودند که برای مقاصدی به این دامن می‌زدند.

یک دسته دیگری بودند که می‌گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و بر خلاف اسلام است. آنها مغرور بودند. آنهایی که بازیگر نبودند، مغرور بودند به بعضی روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمی بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هر کس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است].

حالا ما فرض می‌کنیم که یک همچو روایاتی باشد، آیا معنایش این نیست که تکلیفمان دیگر ساقط است؟ یعنی، خلاف ضرورت اسلام، خلاف قرآن نیست این معنا که ما دیگر معصیت نکنیم تا پیغمبر بیاید، تا حضرت صاحب بیاید؟ حضرت صاحب که تشریف می‌آورند برای چی می‌آیند؟ برای اینکه گسترش بدهند عدالت را، برای اینکه حکومت را تقویت کنند، برای اینکه فساد را از بین ببرند. ما برخلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم، دست از امر به معروف برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای اینکه حضرت بیایند؟ حضرت بیایند چه می‌کنند؟ حضرت می‌آیند، می‌خواهند همین کارها را بکنند. الآن دیگر ما هیچ تکلیفی نداریم؟ دیگر بشر تکلیفی ندارد، بلکه تکلیفش این است که دعوت کند مردم را به فساد؟ به حسب رأی این جمعیت، که

بعضیشان بازیگرند و بعضیشان نادان، این است که ما باید بنشینیم، دعا کنیم به صدام. هر کسی نفرین به صدام کند، خلاف امر کرده است؛ برای اینکه حضرت دیر می آیند! و هر کسی دعا کند به صدام؛ برای اینکه این فساد زیاد می کند، ما باید دعاگوی امریکا باشیم و دعاگوی شوروی باشیم و دعاگوی اذنباشان از قبیل صدام باشیم و امثال اینها تا اینکه اینها عالم را پر کنند از جور و ظلم و حضرت تشریف بیاورند. بعد حضرت تشریف بیاورند، چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند؛ همان کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می خواهند همین را برش دارند. ما اگر دستان می رسید، قدرت داشتیم، باید برویم تمام ظلم و جورها را از عالم برداریم. تکلیف شرعی ماست، منتها ما نمی توانیم. اینی که هست این است که حضرت عالم را پر می کند از عدالت؛ نه شما دست بردارید از تکلیفتان، نه اینکه شما دیگر تکلیف ندارید.

ما تکلیف داریم که، اینکه می گوید حکومت لازم نیست، معنایش این است که هرج و مرج باشد. اگر یک سال حکومت در یک مملکت نباشد، نظام در یک مملکت نباشد، آن طور فساد پر می کند مملکت را که آن طرفش پیدا نیست. آنکه می گوید حکومت نباشد، معنایش این است که هرج و مرج بشود؛ همه هم را بکشند؛ همه به هم ظلم بکنند برای اینکه حضرت بیاید. حضرت بیاید چه کند؟ برای اینکه رفع کند این را. این یک آدم عاقل، یک آدم اگر سفیه نباشد، اگر مغرض نباشد، اگر دست سیاست این کار را نکرده باشد که بازی بدهد ماها را که ما کار به آنها نداشته باشیم، آنها بیایند هر کاری می خواهند انجام بدهند، این باید خیلی آدم نفهمی باشد!

قدرتهای بزرگ و تبلیغ معنای غلط از انتظار

اما مسئله این است که دست سیاست در کار بوده؛ همان طوری که تزریق کرده بودند به ملتها، به مسلمین، به دیگر اقشار جمعیت های دنیا که سیاست کار شماها نیست؛ بروید سراغ کار خودتان و آن چیزی که مربوط به سیاست است، بدهید به دست امپراتورها. خوب، آنها از خدا می خواستند که مردم غافل بشوند و سیاست را بدهند دست حکومت

و به دست ظلمه، دست امریکا، دست شوروی، دست امثال اینها و آنهایی که اذنان اینها هستند و اینها همه چیز ما را ببرند، همه چیز مسلمانها را ببرند، همه چیز مستضعفان را ببرند و ما بنشینیم بگوییم که نباید حکومت باشد، این یک حرف ابلهانه است، منتها چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهایتان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها؟

اینهایی که می‌گویند که هر علمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد این برخلاف انتظار فرج است. اینها نمی‌فهمند چی دارند می‌گویند. اینها تزریق کرده‌اند بهشان که این حرفها را بزنند. نمی‌دانند دارند چی چی می‌گویند. حکومت نبودن، یعنی اینکه همه مردم به جان هم بریزند، بکشند هم را، بزنند هم را، از بین ببرند، برخلاف نص آیات الهی رفتار بکنند. ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای اینکه خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست. و این نفهمها نمی‌دانند چی می‌گویند، هر حکومتی باشد حکومت [باطل] است! بلکه شنیدم بعضی از اشخاص گفته‌اند که خوب با این وضعی که هست، الآن در ایران هست، دیگر ما نباید تهذیب اخلاق بکنیم؛ دیگر غلط است این حرفها! چیزی نیست دیگر حالا؛ حتماً باید استاد اخلاق در یک محیطی باشد که همه مردم فاسدند، شرابخانه‌ها همه بازند و - عرض می‌کنم که - جاهای فساد همه بازند! اگر یک جایی باشد که خوب باشد، آنجا دیگر تهذیب اخلاق لازم نیست، نمی‌شود، باطل است! اینها یک چیزهایی است که اگر دست سیاست در کار نبود، ابلهانه بود، لکن آنها می‌فهمند دارند چی می‌کنند. آنها می‌خواهند ما را کنار بزنند.

بله، البته آن پر کردن دنیا را از عدالت، آن را ما نمی‌توانیم [پر] بکنیم. اگر می‌توانستیم، می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم بکنیم ایشان باید بیایند. الآن عالم پر از ظلم است. شما یک نقطه هستید در عالم. عالم پر از ظلم است. ما بتوانیم جلوی ظلم را

بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیفمان است. ضرورت اسلام و قرآن [است]، تکلیف ما کرده است که باید برویم همه کار را بکنیم. اما نمی توانیم بکنیم؛ چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند. اما ما باید فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت - سلام الله علیه - در هر صورت، این مصیبت هایی که هست که به مسلمانها وارد شده است و سیاست های خارجی دامن بهش زده اند، برای چاپیدن اینها و برای از بین بردن عزت مسلمین [است]. و باورشان هم آمده است خلیها. شاید الآن هم بسیاری باور بکنند که نه، حکومت نباید باشد، زمان حضرت صاحب باید بیاید حکومت. و هر حکومتی در غیر زمان حضرت صاحب، باطل است؛ یعنی، هرج و مرج بشود، عالم به هم بخورد تا حضرت بیاید درستش کند! ما درستش می کنیم تا حضرت بیاید.

ان شاء الله، خداوند اصلاح کند اینها را. و امیدوارم که خداوند این روز را بر همه ما، بر همه شما مبارک کند و دست ظالمها را کوتاه کند و قدرت بدهد به ملت های مظلوم برای سرکوب کردن ظالمها.

والسلام علیکم ورحمة الله

□ اجازه نامه

زمان: ۱۵ فروردین ۱۳۶۷ / ۱۶ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مروارید، محمد تقی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمين آقاي حاج شيخ محمد تقی مروارید - دامت افاضاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و كفارات و زکوات و صرف آنها در مصارف مقرر شرعیّه. و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و نسبت به مازاد از مخارج خود نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه اسلام صرف نموده و همچنین مجازند نصف سهم سادات رابه سادات مستحق بپردازند و مابقی سهمین را جهت صرف در اعلاي کلمه طيبه اسلام نزد اينجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ایدة الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۷ فروردین ۱۳۶۷ / ۱۸ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: چگونگی شرکت رأی‌دهندگان (رزمندگان، بیماران بستری در بیمارستان و زندانیان)
فاقد شناسنامه

مناسبت: انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: محتشمی، سید علی‌اکبر (وزیر کشور)

[محضر مبارک حضرت امام خمینی - مدظله العالی - رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی
سلام علیکم.

احتراماً، در مورد اخذ رأی از رزمندگان مستقر در جبهه‌ها و پادگانها به استحضار می‌رساند که در
بهمن‌ماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی با اصلاحیه‌ای اخذ رأی را منوط به ارائه شناسنامه نموده، و
اینک از طرق گوناگون کسانی که با مشکل همراه نداشتن شناسنامه مواجه گردیده‌اند تقاضا دارند که
امکان مشارکت در تعیین سرنوشت سیاسی - اجتماعی خود را داشته باشند. استدعا دارد حضرت تعالی نظر
مبارک را نسبت به شرکت رزمندگان عزیز مستقر در جبهه‌ها و پادگانها و بیماران در بیمارستانها و
همچنین کسانی که در ندامتگاهها به سر می‌برند با ارائه کارت شناسایی و تأیید مسئولین مربوطه در
انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی را امر به ابلاغ فرمایند.

۶۷ / ۱ / ۱۶ - سید علی‌اکبر محتشمی، وزیر کشور]

بسمه تعالی

در صورتی که از همراه داشتن شناسنامه عذر داشته باشند، با کارت شناسایی
می‌توانند رأی دهند.

۶۷ / ۱ / ۱۷

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۰ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۱ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتقادپذیری

مخاطب: ولایتی، علی اکبر (وزیر امور خارجه)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر ولایتی، وزیر محترم امور خارجه

من جنابعالی را فردی متدین و دلسوز انقلاب می دانم. و شما و دوستانمان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را، چه حق و چه ناحق، داشته باشیم. جوّ باز سیاسی ایران انقلابی، بی تجربگی بعضی از مسئولان، سبقت در رساندن سریع هر موضوعی به جامعه گرچه به ضرر مردم باشد، نه تنها کار وزارت امور خارجه را مشکل می کند، که در بعضی اوقات روی سیاستهای داخلی هم اثر نامطلوب می گذارد. اینجانب به شما و تمامی خادمین به اسلام و ایران دعا می کنم. امیدوارم چون گذشته در خدمتتان تنها خدا را منظور دارید. از خداوند متعال توفیق جنابعالی و سایر خدمتگزاران به اسلام را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۱/۲۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۱ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۲ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: ابراز تشکر از تلگراف تبریک

مناسبت: فرا رسیدن ماه مبارک رمضان

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده
تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان واصل و موجب
تشکر گردید. امید است ملل اسلامی از فیوضات این ماه بزرگ الهی بهره بیشتری گرفته و
با اتحاد و انسجام بهتر دست دشمنان اسلام را از کشورهای خود کوتاه کنند و جلوی
ستمهای فراوانی را که بر مسلمانان محروم و بی دفاع - مانند مردم مظلوم و بی پناه حلبچه -
رفت و آنچنان بی رحمانه قتل عام شدند بگیرند و با کمال تأسف و برخلاف انتظاری که
می رفت عموم کشورهای اسلامی بی تفاوت از کنار این جنایت هولناک گذشته چنانچه
گویا خبر این فاجعه کم نظیر را هم نشنیده اند. از خدای تعالی بیداری و استقلال
کشورهای اسلامی را مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۲۲ شعبان ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمینی

□ بیانات

زمان: صبح ۲۲ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۳ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: وظایف سیاسی حج

مخاطب: کروبی، مهدی (نماینده امام و سرپرست حجاج)، خاتمی، سید محمد (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی)، امام جمارانی (سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه)، رضایی، محمدحسین (سرپرست سازمان حج و زیارت)

بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم اعلام براءت از مشرکین در حج

امسال ان شاء الله، یکصد و پنجاه هزار نفر از ایران به حج می‌روند و حجاج به وظیفه خود که براءت از مشرکین و امریکا و اسرائیل است عمل می‌کنند. ممکن نیست حجاج ما به حج بروند و دست به تظاهرات علیه استکبار جهانی زنند. اصولاً براءت از مشرکین از وظایف سیاسی حج است و بدون آن، حج ما حج نیست. آل سعود بدانند اگر غیر از این عمل کنند، در مقابل تمام مسلمین دنیا ایستاده‌اند و اگر صحیح و درست عمل کنند به نفع خودشان است.

□ پیام

زمان: ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک آغاز سال جدید هجری شمسی (عید نوروز)

مخاطب: لی شیان نیان (رئیس جمهور چین)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای لی شیان نیان، رئیس جمهوری خلق چین

پیام تبریک آن جناب به مناسبت عید نوروز واصل و موجب تشکر گردید. امید است ملت قهرمان و مقاوم ما در این سال جدید بتواند ثمره سالها مبارزه و مقاومت قهرمانانه خود را به دست آورده و دست دشمنان اسلام و مملکت اسلامی خود بخصوص امریکای جنایتکار و مزدور بی اراده اش، صدام خونخواری که به ملت خود نیز رحم نکرده و با بمبهای شیمیایی هزاران زن و کودک و انسانهای بی دفاع و غیر نظامی کُرد را در حلبچه و مناطق دیگر با وضع فجیع و رقتباری به شهادت رسانده، کوتاه کند و با محاکمه و تنبیه این جنایتکار قرن در صلح و آرامش زندگی خود را با سربلندی و عظمت ادامه دهد.

به تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک آغاز سال جدید هجری شمسی (عید نوروز)

مخاطب: تئودور ژیکف (رئیس جمهور بلغارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای تئودور ژیکف، رئیس جمهور مردم بلغارستان

پیام تبریک آن جناب به مناسبت حلول سال جدید شمسی واصل و موجب تشکر گردید. امید است ملت شریف و قهرمان ایران در این سال جدید بتواند دست دشمنان اسلام و مسلمین، همچون صدام جنایتکاری را که سالهاست مسلمانان ایران و عراق را بی رحمانه کشتار می کند و در جنایت بی سابقه اخیر تنها در شهر حلبچه زنان و کودکان بی پناه را به صورت دسته جمعی با بمب شیمیایی به شهادت رساند، از کشور اسلامی خود و عراق کوتاه کند و در کنار دیگر برادران اسلامی و انسانی خود به دفاع مقدس و رسالت تاریخی خود اقدام نماید.

به تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک آغاز سال جدید هجری شمسی (عید نوروز)

مخاطب: کارولی نمت (رئیس جمهور مجارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای کارولی نمت، رئیس شورای ریاست جمهوری مردمی مجارستان
پیام تبریک آن حضرت به مناسبت حلول سال جدید شمسی واصل و موجب تشکر
گردید. امید است ملت بزرگ و مقاوم ایران در این سال جدید بتواند بر دشمنان اسلام و
مملکت اسلامی ایران پیروز گشته و دست جنایتکارانی همچون صدام خونخوار که در
این چند ساله تجاوز به خاک ایران دهها هزار مردم بیگناه را به خاک و خون کشیده و در
جنایت بی سابقه اخیرش در شهر حلبچه جان هزاران زن و کودک بی پناه را با بمبهای
شیمیایی در فاصله چند ثانیه گرفت و روی همه جلادان تاریخ را سفید کرد، از کشور خود
دور کند. و متأسفانه این فاجعه هولناک آنطور که انتظار می رفت از طرف زمامداران
جهان محکوم نشد و دست این جنایتکار قرن را برای آدمکشهای بعدی باز گذاردند.

به تاریخ ۲۵ فروردین ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۵ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکیل «مجمع روحانیون مبارز»

مخاطب: شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز

[بسم الله الرحمن الرحيم]

محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - ادام الله ظله الوارف علی رؤوس المسلمین.

با تقدیم تحیات وافره و ادعیه خالصانه، احتراماً، معروض می‌دارد: در فضای مبارک آزادی اظهار نظر و بیان عقیده که یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی است و در سایه حکومت جمهوری اسلامی ایران و در شرایط کنونی کشور و بویژه با توجه به تأکیدات مکرر آن حضرت در جهت لزوم حضور در صحنه و خصوصاً با توجه به وظیفه خطیر روحانیون کشور در ارشاد و روشنگری جامعه انقلابی و دخالت صحیح در مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و تقویت نظام مقدس اسلامی، اینجانبان امضا کنندگان ذیل لازم دانستیم که با همکاری و تبادل نظر با یکدیگر در قالب تشکل و نظم جدید به فعالیتهای خود در مسائل سیاسی و غیرسیاسی که در سرنوشت انقلاب و کشور تأثیر فراوان و قطعی دارد، سامان دهیم. تعهد و میثاق جمع ما در این فعالیتهای پیروی از اصول و خط مشی انقلاب که از ناحیه مقام معظم رهبری در مقاطع مختلف در سخنرانیها و پیامها ترسیم و تبیین شده است، می‌باشد.

خط مشی ما از اصولی است که به طور جامع در «پیام حج» سال گذشته که بحق «منشور انقلاب» نام گرفت، می‌باشد. خط مشی‌ای که در نامه‌ها و پیامهای پس از آن بویژه در تبیین اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و بیان مرزها و تفکیک آن از اسلام امریکایی آمده است، ترسیم فرموده‌اید و امید و اطمینان داریم که با این میثاق الهی و در این تشکل جدید بهتر به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم و دینی که به انقلاب و اسلام و ملت فداکار و مجاهد ایران و شهدای عزیز داریم، ادا نماییم. لزوماً به استحضار می‌رساند که قبل از هر اقدامی در این باب تلاش فراوانی توسط بعضی از برادران ما برای نزدیک کردن نقطه نظرات در چهارچوب اصول و موازین مورد قبول با دیگر روحانیون

محترمی که سالها با آنان فعالیت مشترک داشتند، صورت گرفت که متأسفانه به علت پافشاری آن آقایان بر روی مسائل و مواردی که آنها را بر خلاف مصلحت و موازین تشخیص می‌دادیم، به نتیجه نرسید لذا به نظر رسید که جمع ما در تشکل جدید بیشتر و بهتر می‌تواند خدمتگزار انقلاب اسلامی باشد.

اما از آنجا که ممکن بود از این انشعاب و ایجاد تشکل و نظم جدید شائبه اختلاف و تفرقه به بعضی اذهان راه پیدا کند و برخی افراد ناآگاه آن را وسیله‌ای برای تبلیغ علیه وحدت که همواره مورد توصیه و تأکید آن حضرت بوده است، قرار دهند. لازم دیدیم که موضوع را به استحضار حضرت تعالی برسانیم تا چنانچه مصلحت ندانستید اقدامی صورت نپذیرد که از طریق برادر بزرگوار حجت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد آقا از موافقت و رضایت خاطر مبارک اطلاع حاصل نمودیم و سپس برای انعکاس این موافقت و رضایت در وسایل ارتباط جمعی مجدداً کسب اجازه گردید که آن را نیز اجازه فرمودید و مطلب توسط رسانه‌ها اعلام گردید. بار دیگر برای اطمینان بیشتر از رضایت حضرت تعالی در مورد انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی کسب اجازه شد که نظر موافق نسبت به فعالیت این جمع در ضمن توصیه بر اینکه برای غیر تهران نامزد معرفی نکنید، عنایت فرمودید. پس از طی مراحل که گذشت این جمع با نام «روحانیون مبارز تهران» اقدامات خود را آغاز کرد و نسبت به انتخابات نیز لیستی از نامزدهای تهران تهیه و به اطلاع مردم شریف تهران رسانید. اکنون با این تجربه موفق و با این اعتقاد که ایجاد تشکل جدید «روحانیون مبارز تهران» از جهات مختلف خصوصاً در جهت حفظ آزادی اظهار عقیده برای سایر اقشار مردم مفید و لازم بوده است، در ادامه فعالیت‌های دیگر خود خصوصاً اقدامات قولی و عملی در تبیین و ابلاغ محتوای پیام‌های آن امام بزرگوار به قشرهای مختلف بویژه اقشار مستضعف که در شأن و وظیفه روحانیون است. و از آن جمله حفظ و تحکیم هرچه بیشتر پیوند مابین دو قشر عظیم روحانی و دانشگاهی که آن نیز از دستاوردهای رهبری آن حضرت و این انقلاب شکوهمند است. مستدعی است نسبت به آنچه معروض گردید چنانچه صلاح می‌دانید نظر مبارک را مرقوم فرمایید. در اینجا لازم می‌دانیم از صدور دستور کمک مالی ماهانه که قبل از برگزاری انتخابات از اعلام آن در رسانه‌ها خودداری نمودیم، تشکر و سپاسگزاری نماییم.

در خاتمه پیروزی نهایی رزمندگان اسلام و شکست قطعی دشمن بعثی - صهیونیستی و نابودی صدام و سایر دشمنان اسلام، خصوصاً امریکای جهانخوار و طول عمر و سلامت آن امام عزیز و

بزرگوار را از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.^(۱)

بسمه تعالی

حضرات حجج اسلام، روحانیون مبارز تهران - دامت افاضاتهم

سیر قضیه به همین صورتی است که در نامه آورده‌اید، انشعاب از تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل، و ایجاد تشکیلات جدید، به معنای اختلاف نیست. اختلاف در آن موقعی است که خدای ناکرده هرکس برای پیشبرد نظرات خود به دیگری پرخاش کند که بحمدالله، با شناختی که من از روحانیون دست‌اندرکار انقلاب دارم، چنین کاری صورت نخواهد گرفت. من به شما و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می‌تپد دعا می‌کنم، و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷ / ۱ / ۲۵ - روح الله الموسوی الخمينی

۱- امضا کنندگان بترتیب عبارتند از: جلالی خمینی، نماینده امام و امام جمعه خمین - سید محمود دعایی، نماینده امام و سرپرست روزنامه اطلاعات و نماینده مجلس شورای اسلامی - سید محمد ابطحی، مدیر صدای جمهوری اسلامی ایران - سید سراج‌الدین موسوی، عضو دفتر حضرت امام، مسئول حفاظت منطقه جماران، نماینده امام و فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی - محمدحسن رحیمیان، عضو دفتر حضرت امام، مسئول مجله «پاسدار اسلام» و استاد دانشگاه - مهدی کروی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی، نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و نیز نماینده امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی - امام جمارانی، نماینده امام و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه - حسن صانعی، عضو و مسئول امور مالی دفتر حضرت امام و نماینده امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد - محمدعلی انصاری، عضو دفتر حضرت امام و مسئول امور سیاسی و فرهنگی دفتر حضرت امام - موسوی خوئینی‌ها، دادستان کل کشور و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام - علی اکبر آشتیانی، عضو دفتر حضرت امام، نماینده امام و مسئول عقیدتی - سیاسی ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران - سیدحمید روحانی، مورخ و مسئول اسناد انقلاب اسلامی - موسوی لاری، از اعضای شورای حج - کیان ارثی، نماینده مجلس شورای اسلامی - محمدرضا توسلی، عضو دفتر حضرت امام و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و عضو دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه - مجید انصاری، رئیس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و نماینده شورایعالی قضایی - محمدعلی نظام‌زاده، نماینده حضرت امام در اوقاف و عضو مؤسسه جامعه الزهرا - سید محمد خاتمی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده امام و سرپرست مؤسسه کیهان - سید علی اکبر محتشمی، وزیر کشور، عضو دفتر حضرت امام - سید محمد هاشمی، عضو دفتر حضرت امام و نماینده شورایعالی قضایی در شورای سرپرستی صدا و سیما و دبیر این شورا - محمدعلی صدوقی، عضو دفتر حضرت امام و معاون شورایعالی قضایی - سید تقی درچه‌ای، امام جماعت در منطقه شهرری - اسدالله بیات، نماینده مجلس، عضو هیأت رئیسه و مسئول مؤسسه مسجد جامع نارمک - هادی غفاری، نماینده مجلس، مسئول مؤسسه الهادی - محمدعلی رحمانی، عضو دفتر حضرت امام و فرمانده بسیج مستضعفان - صادق خلخالی، نماینده مجلس شورای اسلامی - منتجب‌نیا، نماینده مجلس شورای اسلامی - عیسی ولایی، نماینده مجلس شورای اسلامی.

□ پیام

زمان: ۲۷ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۸ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک حلول ماه مبارک رمضان

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان واصل و موجب تشکر گردید. امید است مسلمانان جهان از فیوضات این ماه بزرگ الهی بهره‌مند شده و بتوانند شرّ دشمنان اسلام را از کشورهای خود کوتاه کرده، عظمت از دست رفته خود را بازیابند و جنایتکارانی امثال صدام خونخوار، که تنها در یکی از اعمال جنایتکارانه خود هزاران انسان بیگناه و زن و کودک بی‌پناه حلبچه را در چند لحظه به شهادت رساند، از خود طرد کنند و این لکه ننگ را از کشورهای اسلامی پاک سازند. و متأسفانه برخلاف انتظاری که می‌رفت زمامداران کشورهای اسلامی بی‌تفاوت از کنار این فاجعه بزرگی که برای عالم اسلام پیش آمد گذشتند، گویا هیچ اتفاقی رخ نداده است. «فَالِیَ اللّهِ الْمُشْتَكِی».

۲۸ شعبان ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۸ فروردین ۱۳۶۷ / ۲۹ شعبان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: پورشمسیان، حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن پورشمسیان - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه، و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و ثلث از مازاد را نیز می توانند در ترویج شریعت مقدسه و احیای حوزه های علمیه مصرف کنند. و همچنین مجازند نصف سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند و مابقی سهمین را جهت صرف در احیای کلمه طیبّه اسلام نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه وعلى اخواننا المؤمنين و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۲۹ شعبان المعظم ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۷ / رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نماینده جهت بررسی انتخابات مرحله دوم مجلس شورای اسلامی
مخاطب: انصاری کرمانی، محمدعلی (از اعضای دفتر امام خمینی)

بسمه تعالی

- جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمد علی انصاری - دامت افاضاته
- جنابعالی، که فردی متدین و آگاه می‌باشید، به عنوان نماینده اینجانب، با دو نفر از طرف شورای محترم نگهبان، و دو نفر از طرف وزیر محترم کشور، موظف می‌باشید تا به موارد ذیل عمل نموده و کار انتخابات تهران را به پایان برسانید:
- ۱- آقایان باید تمام تلاش خود را بنمایند تا انتخابات مرحله دوم در «روز قدس» صورت گیرد، و مجلس سوم در وقت مقرر تشکیل گردد.
 - ۲- هیأت نظارت شورای محترم نگهبان موظف است که از ابتدا تعداد صندوقهایی را که از آنها شکایت شده است مشخص نمایند.
 - ۳- وزارت کشور موظف است تمامی صندوقهای مورد شکایت را هم امروز به شورای محترم نگهبان منتقل گرداند.
 - ۴- وزارت کشور می‌تواند افرادی را در موقع شمارش آرا بر سر صندوقها بگمارد تا برای هیچ کس هیچ شبهه‌ای پیش نیاید.
 - ۵- آرا نسبت به همه کاندیداها شمارش شود، نه کاندیداهای خاص.
- مسئولیت حفظ صندوقهای منتقل شده با شورای نگهبان است. جنابعالی موظف می‌باشید تا مسائل را به اینجانب گزارش نمایید، تا قوه قضاییه با هر کس که در راه پیشبرد کارها مانع ایجاد می‌کنند، قاطعانه برخورد نماید. خداوند همه را به راه راست هدایت فرماید و از کیند شیطان نفس نجات دهد. والسلام.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۴ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اختیارات قاضی محکمه قضات

مخاطب: کریمی، سید جعفر

[بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک مقام معظم ولایت امر و رهبر عظیم الشان انقلاب، بنیانگذار نظام الهی پر خیر و برکت جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی با اهدای سلام و تحیات وافره و آرزوی طول عمر پرافتخار توأم با سلامت وجود مبارک آن امام بزرگوار - روحی فدا - احتراماً، به شرف عرض عالی می‌رساند:

همان‌گونه که خاطر مبارک حضرت امام مستحضر است، اینجانب در بدو امر قبول وظیفه اداره محکمه قضات از سوی حضر تعالی، طی دو جلسه حضوری نسبت به چگونگی انجام خدمت و حدود مسئولیت و اختیارات از محضر مبارک کسب تکلیف نمودم، که امام عزیز در اینباره رهنمودهای مفید و کارساز و دستورالعملهای لازم صادر فرمودند، لیکن موضوع حدود اختیارات و در نتیجه عملکرد اینجانب که موافق با ضوابط شرعی و طبق دستورالعمل حضرت امام انجام گرفته، در مواردی از سوی مقامات محترم عالی قضایی مورد مناقشه قرار گرفت.

اینک با توجه به این کار در تخلقات قضات محترم منصوب گاهی دیده می‌شود که حکم صادره مخالف فتوا و خلاف شرع و قانون است و موجب تضییع حقوق شرعی و قانونی مالی یا غیر مالی شاکیان شده است. برای اینکه در چگونگی احقاق حقوق شرعی و قانونی شکایت علیه قضات محترم در مثل موارد فوق حجت شرعی داشته باشم، از محضر مبارک امام بزرگوار عاجزانه استدعا دارم، در رابطه با:

۱- اختیار نقض حکم خلاف شرع و قانون وفق مقررات شرعی

۲- تعیین تکلیف حکم وضعی و ضمان حقوق و اموال تضییع شده

۳- تعیین مجازات تعزیری قاضی متخلف

۴- قابلیت تجدیدنظر یا قطعیت حکم این دادگاه، در موارد فوق اینجانب را ارشاد فرمایید.
... شاگرد کوچک امام بزرگوار: سید جعفر کریمی - ۶۷/۱/۲۸]

بسمه تعالی

جنابعالی مجازید در موارد مذکور طبق موازین شرعی و قانونی عمل نمایید، و در
تعزیرات حکومتی در مواردی که بدون تعزیرات، کار موافق مصالح انجام نمی‌گردد
مجازید آن را اجرا نمایید. در تمام موارد احتیاط را رعایت فرمایید.

۶۷/۲/۱

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۶ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به شکایات در برخی از حوزه‌های انتخاباتی

مناسبت: برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسمه تعالی. پس از عرض سلام به عرض حضرت امام می‌رساند، در تماسهای مکرر تلفنی که با آیت‌الله آقای امامی و حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محتشمی داشتم آقایان بدین نتیجه رسیدند:

۱- صندوقهای مورد شکایت از هم اکنون مشخص شود.

۲- آرای کلیه کاندیداهایی که در صندوق آرا هستند شمرده شود نه کاندیدهای خاص.

۳- در مواردی که نمایندگان اجرایی و یا نظارت در شمارش آرای صندوقها مواجه با اشکال شدند بلافاصله به اطلاع جناب آقای امامی و محتشمی رسانده تا فردی از سوی آقای امامی آمده، صندوق مورد اشکال را در مقابل نظارت و اجرا بازشماری کند.

۴- هیأت نظارت به تعداد خواهران مأمور اجرا از خواهران استفاده کند.

۵- مسئله حتی المقدور تا آخرین هفته و یا ده روز تمام گردد. والسلام.

۶۷/۲/۳ - احمد خمینی]

بسمه تعالی

طبق آنچه ذکر شده است باید عمل شود و مسامحه جایز نیست. ان شاء الله تعالی موفق و مؤید باشید.

۶۷/۲/۳

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۷ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به شکایات در برخی از حوزه‌های انتخاباتی

مناسبت: انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: امامی کاشانی، محمد (عضو فقهای شورای نگهبان)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت امام امت - مد ظله العالی

بعدالتحیة والسلام، در شرفیابی شورای نگهبان به محضر مقدسستان عرض شد که حق قانونی شورای نگهبان است که هر تعداد صندوقها را لازم دانستند بازشماری نمایند و وظیفه قانونی نسبت به صندوقهایی که گزارشات ناظرین و بازرسین روی آنهاست در اولویت است. اما در متن حکم حضرت تعالی به جناب آقای انصاری کلمه «شکایت» آمده است. و لازم است عرض کنم شکایات در هیأت مشترک اجرایی و نظارت رسیدگی می‌شود، اما نظارت شورای نگهبان در مقطع فعلی به گزارشات توجه می‌نماید. استدعا دارد نسبت به کلمه «شکایت» یا «گزارش» رفع ابهام فرمایید - ادام‌الله ظلکم العالی علی رؤوس الاسلام و المسلمین.

۶۷/۲/۷ - محمد امامی کاشانی]

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات و صمیمیت هیأت نظارت و اجرا. مقصود در نوشته اینجانب «شکایت» است نه «گزارش». ولی برای اطمینان بیشتر اگر نماینده اینجانب^(۱) و نمایندگان شورای محترم نگهبان هر سه با هم تشخیص دادند که بعضی از صندوقهای گزارش شده احتیاج به شمارش دارد اقدام می‌نمایند.

۶۷/۲/۷

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱- آقای محمدعلی انصاری کرمانی.

□ نامه

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱۵ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی در روز قدس

مخاطب: اعضای شورای نگهبان

بسمه تعالی

اعضای محترم شورای نگهبان - دامت افاضاتهم

با توجه به گزارشات مختلف و نیز رسیدگی و گزارش نماینده اینجانب در امر انتخابات^(۱) صحت آن محرز و آن را اعلام نمایید، تا انتخابات در موعد مقرر - روز قدس - انجام گیرد. و تصمیم نهایی در مورد صندوقها و آرا، با رأی اکثریت نمایندگان محترم شورای نگهبان و وزیر محترم کشور و نماینده اینجانب است. و کسانی که احتیاط یا وسوسه‌ای در امر انتخابات می‌کنند بهتر است کمال احتیاط را برای حفظ حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام نمایند. والسلام علیکم ورحمة الله.

به تاریخ ۱۵ رمضان المبارک ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای محمدعلی انصاری کرمانی.

□ نامه

زمان: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱۶ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکر و قدردانی از خدمات رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

مخاطب: سهرابی، اسماعیل (رئیس ستاد مشترک ارتش)

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار سرتیپ اسماعیل سهرابی

از زحمات شما در دوران ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تشکر و قدردانی می‌شود. شایسته است که با توجه به تجارب و معلوماتتان در امور نظامی، از وجود جنابعالی در مشاورت شورای عالی پشتیبانی جنگ استفاده به عمل آید.

۶۷/۲/۱۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱۶ رمضان ۱۴۰۸^(۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب رئیس جدید ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران

مخاطب: شهبازی، علی

بسم الله الرحمن الرحيم

سرکار سرهنگ ستاد، علی شهبازی

با توجه به شایستگی و تعهد دینی و انقلابی که از شما گزارش شده است، به درجه
سرتیپی مفتخر و به ریاست ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران منصوب
می‌گردید. توفیق شما را در خدمت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی از خداوند متعال
مسئلت می‌نمایم.

۶۷/۲/۱۳

روح الله الموسوی الخمينی

۱- در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲۰، ص ۲۰۹، ذیل تاریخ ۶۷/۲/۱۷ درج شده که به استناد تاریخ مندرج در نسخه خطی، ۶۷/۲/۱۳ صحیح است.

□ نامه

زمان: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱۷ / ۱۴۰۸ رمضان

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی سریع به شمارش آرای انتخابات مجلس شورای اسلامی

مخاطب: امامی کاشانی، محمد (عضو فقهای شورای نگهبان)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای امامی، عضو شورای محترم نگهبان

جنابعالی می‌دانید که اینجانب هیچ‌گاه میل نداشتم در مورد انتخابات مسئله‌ای بگویم؛ ولی اوضاع را به صورتی دیدم که اگر پا درمیانی نمی‌کردم به اصل نظام و اسلام، آن هم در شرایط کنونی، صدمه می‌خورد. البته شورای محترم نگهبان در دوره قبل، در ظرف ۳۱ روز، تمام حوزه‌ها را تأیید یا ابطال و یا متوقف کرد. ولی در این دوره که وضع هم حساستر است، تا به حال که ۲۶ روز از انتخابات می‌گذرد، شما از ۱۹۶ حوزه فقط ۴۵ حوزه را تأیید کردید. اگر در تهران به عقیده شما اختلاف بود، رسیدگی به شمارش آرای شهرستانها که ممکن بود. باید سعی شود حقی از بین نرود. شما هم تمام تلاش خود را بنمایید تا لاقط تکلیف انتخابات مرحله دوم از دوره سوم را روشن کنید. قابل ذکر است که نماینده اینجانب^(۱) و دو نماینده شورای محترم نگهبان که از طرف آقایان برای رسیدگی به وضع انتخابات تهران تعیین شده بودند، چند روز قبل نزد اینجانب آمدند و به صحت و سلامت انتخابات تهران شهادت دادند. ان شاء الله موفق باشید.

۶۷/۲/۱۴

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای محمد علی انصاری کرمانی.

□ اجازه نامه

زمان: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۲۱ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: یزیدک، محمدحسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدحسن یزیدک - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه، و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه، و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف نصف سهم سادات را نیز مجازند به سادات محل و منطقه پردازند، و نصف دیگر سهمین را ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۲۱ شهر صیام المبارک ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۲۴ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید فطر

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده
تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر
گردید. متقابلاً حلول این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان
کشورتان تبریک گفته از خدای تعالی سربلندی و عظمت ملل اسلامی و پیروزی آنها را
بر دشمنان اسلام و مسلمین مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم.

۲۴ رمضان ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۲۴ رمضان ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید فطر

مخاطب: رشید بن سعید آل مکتوم (نایب رئیس و نخست وزیر امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ رمضان ۱۴۰۸

جناب آقای رشید بن سعید آل مکتوم، نایب رئیس و نخست وزیر دولت امارات عربی متحده

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت مسلمانان کشورتان تبریک گفته، سعادت همه ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۷ / شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به انتخابات مجلس شورای اسلامی در گرگان

مخاطب: شورای نگهبان

بسمه تعالی

شورای محترم نگهبان - ایدهم الله تعالی

از آنجا که به آقای نورمفیدی^(۱) قول دادم به وضع انتخابات در آن شهر رسیدگی کنم، و از آنجا که احمد^(۲) با آقای امامی^(۳) مشورت کرده که این کار از غیر شورای نگهبان صلاح نیست، با اعتماد به تمامی اعضای شورای محترم نگهبان آقای جنتی^(۴) را مسئول رسیدگی کامل به انتخابات گرگان نمودم تا حق ضایع نگردد.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید کاظم نورمفیدی نماینده امام و امام جمعه گرگان.

۲- آقای سید احمد خمینی.

۳- آقای محمد امامی کاشانی، عضو فقهای شورای نگهبان.

۴- آقای احمد جنتی، عضو فقهای شورای نگهبان.

□ سخنرانی

زمان: صبح ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۷ / ۱ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، حسینیه جماران

موضوع: ابعاد معنوی ضیافت الله

مناسبت: عید سعید فطر

حضور: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور) - موسوی، میر حسین (نخست وزیر) - هاشمی
رفسنجانی، اکبر (رئیس مجلس شورای اسلامی) - موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم
(رئیس دیوانعالی کشور) - مهدوی کنی - فلسفی، محمد تقی - اقشار مختلف مردم -
شخصیت‌های روحانی، کشوری، لشکری، خبرنگاران داخلی و خارجی

بسم الله الرحمن الرحيم

ابعاد معنوی ضیافت الله

قبلاً من باید از ملت ایران، بعد از اینکه تبریک عید را عرض می‌کنم، تشکر کنم که در
صحنه‌ها خصوصاً، در صحنه انتخابات خوب حاضر شدند و در عین حالی که همه دست‌ها
در این بود که این انتخابات به طور شایسته و آرام عمل نشود، بحمدالله عمل شد و
خداوند عید مبارک را بر همه مبارک کند.

چیزی که من می‌خواهم عرض کنم، راجع به یک فقره از این خطبه‌ای است که رسول
اکرم در ماه رمضان فرموده‌اند. یک جمله از او این است که خداوند شماها را مهمان کرده
است، دعوت کرده است شما را به ضیافت، شماها در ماه مبارک مهمان خدا هستید؛
مهماندار خداست و مخلوق مهمان او است. البته این ضیافت نسبت به اولیاء کُمل الهی به
آن نحوی نیست که ما تخیل کنیم، یا دست ما به او برسد. ما باید حساب کنیم ببینیم که این
ضيافت چی بوده است و ما چقدر راه یافتیم به این ضیافت. در عین حالی که همه عالم
تحت رحمت الهی است و هر چه هست رحمت اوست و رحمت او به هر چیز واسع
است، لکن باب ضیافت، یک باب دیگر است، دعوت به ضیافت یک مسئله دیگری
است.

این ضیافت، همه‌اش ترک است؛ ترک شهوات از قبیل خوردنیها، نوشیدنیها و جهات دیگری که شهوات انسان اقتضا می‌کند. خداوند دعوت کرده است ما را به اینکه شما باید وارد بشوید در این میهمانخانه و این ضیافت هم جز ترک، چیزی نیست؛ ترک هواها، ترک خودیها، ترک منیها، منیها. اینها همه در این میهمانخانه است و ما باید حساب کنیم ببینیم که آیا وارد شدیم در این میهمانخانه یا اصلاً وارد نشدیم، راهمان دادند به این ضیافتخانه یا نه، استفاده کردیم از این ضیافت الهی یا نه. البته حساب امثال من با کرام الکاتبین است. اما من به شما آقایان و به هر کس که این کلمات می‌رسد و خصوصاً، طبقه جوان عرض می‌کنم که آیا در این میهمانخانه رفتید؟ استفاده کردید؟ از شهوات خصوصاً شهوات معنوی چشم پوشیدید؟ یا اینکه مثل من هستید؟

جوانها متوجه باشند که در جوانی می‌شود اصلاح کند انسان خودش را. هر مقداری انسان سنش زیادتر می‌شود، اقبالش به دنیا بیشتر می‌شود. جوانها نزدیکترند به ملکوت. پیرها هر چه می‌گذرد، هر چه بر عمرشان می‌گذرد، هی اضافه می‌شود یک چیزهایی که آنها را از خدا دور می‌کند. شماها در فکر باشید که اگر از این ضیافت درست بیرون آمدید آن وقت عید دارید. عید مال کسی است که در این ضیافت راه یافته باشد استفاده کرده باشد از این ضیافت. همان طوری که شهوات ظاهری را باید ترک بکند، از شهوات باطنی که بالاترین سد راه است برای انسان، باید از اینها جلوگیری کند. تمام این مفاسدی که در عالم حاصل می‌شود، برای این است که در این ضیافت وارد نشده‌اند یا اگر وارد شده‌اند استفاده نکرده‌اند. خطاب به همه مردم است، همه دعوت شدید به ضیافت الله، همه مهمان خدا هستید و مهمانی به ترک است. اگر ذره‌ای هوای نفس در انسان باشد، این به مهمانی وارد نشده است یا اگر وارد شده است استفاده نکرده است. تمام این جارو جنجالهایی که در دنیا می‌بینید برای این است که استفاده از این ضیافت نکرده‌اند، در این مهمانی وارد نشده‌اند، دعوت خدا را قبول نکرده‌اند.

کوشش کنید که این دعوت را لیبیک بگویید، راه به شما بدهند در اینجا و اگر چنانچه راه یافتید مسائل حل است. اینکه مسائل ما حل نمی‌شود، برای اینکه در ضیافت خدا

وارد نشده ایم. در ماه رمضان اصلاً، وارد نشده ایم؛ یک ترک اکل و شربی^(۱) کردیم، لکن آن که باید بشود نشده است. اگر هواهای نفسانی بگذارد، انسان به حسب فطرت الهی است، فطرت، فطرت الله است، همه هم توجه دارند به او، لکن این توجه به دنیا که توجه ثانوی است و اعوجاجی است، این جلوگیری می کند از آن مسائلی که باید باشد. اگر می بینید در دنیا جنگ و جدال است و در بین شما هم - خدای نخواست - نمونه اش هست، بدانید که در این ضیافت وارد نشدید، ماه رمضان را ادراک نکردید. اقبال کرده است به شما ماه رمضان: أَقْبَلْ عَلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ^(۲) اما شما او را ردش کردید، پس زدید.

شیطنت برای ایجاد اختلاف

در انتخابات در عین حالی که باید گفت انتخابات خوبی گذشت، لکن شیاطینی می خواستند که یک تخم نفاق بکارند. در جاهای دیگر وقتی انتخابات می شود، حزبا و دستهای خارجی مردم را می کشند طرف خودشان و مردم را بازی می دهند، صحبت هایی می کنند که همه اش برای اغفال مردم است. در انتخابات در عین حالی که بسیار خوب انجام گرفت، لکن دستهایی می خواست ایجاد اختلاف کند، دو دستگی ایجاد کند و حال آنکه موفق نشدند بحمدالله. باید شما متوجه باشید به این که دشمنها همیشه دنبال این هستند که ما را از داخل پیوسانند و اگر در این ضیافت وارد شده باشید دشمنها دستشان کوتاه خواهد شد. وقتی حقیقت این ضیافت را انسان می بیند، می بیند که اگر انسان وارد این ضیافت بشود تمام اختلافات در دنیا حل می شود. شیاطین دنبال این هستند که ایجاد اختلاف کنند، دو دستگی بگویند هست، لکن بحمدالله ملت ما و خصوصاً روحانیت ما اشخاصی هستند که چهره شان نورانی است و در این ماه مبارک هم در این ضیافت ان شاءالله وارد شده اند و آثارش هم بعد ظاهر می شود که همه باهم هستند؛ دو جبهه نیست.

۱- خوردن و آشامیدن.

۲- ماه رمضان ماه خدا به شما روی کرده.

لزوم دوستی با وجود اختلاف سلیقه

البته دو تفکر هست، باید هم باشد. دو رأی هست، باید هم باشد. سلیقه‌های مختلف باید باشد، لکن سلیقه‌های مختلف اسباب این نمی‌شود که انسان باهم خوب نباشد. من عرض کردم مثل طلبه‌ها که با هم مباحثه می‌کنند، آن وقتی که مباحثه می‌کردند جار و جنجال جوری بود که انسان خیال می‌کرد دشمن هم هستند، وقتی مباحثه تمام می‌شد می‌نشستند به دوستی کردن و انس. اگر در یک ملتی اختلاف سلیقه نباشد، این ناقص است. اگر در یک مجلسی اختلاف نباشد، این مجلس ناقصی است. اختلاف باید باشد، اختلاف سلیقه، اختلاف رأی، مباحثه، جار و جنجال اینها باید باشد، لکن نتیجه این نباشد که ما دو دسته، بشویم دشمن هم. باید دو دسته باشیم در عین حالی که اختلاف داریم، دوست هم باشیم. اگر در این ماه مبارک، در این ضیافت وارد شدیم، باید بعد از ماه مبارک تا مدت‌ها آثارش باقی باشد.

ماه مبارک به منزله یک ساعتی است که کوشش بکنند و خودکار تا مدتی که این کوک است باشد. این ماه مبارک باید این جور باشد که مردم را تا ماه مبارک دیگر حفظ کند، بعد ماه مبارک دیگر بیاید از سر گرفته بشود و این برای این است که باید ما در این ضیافت وارد شده باشیم و من امیدوارم که وارد شده باشیم و همه آقایان با سلامت، صحت و خوشی این سال را بگذرانند.

و من عقیده‌ام است بهترین دعا از برای امثال رئیس جمهوری امریکا و نوکرهای او مثل صدام، بهترین دعاها این است که خدا مرگشان بدهد، این دعا برای آنهاست. اگر می‌خواهید نفرین کنید بگویید خدا حفظشان کند؛ برای اینکه هر روزی که بر امثال اینها می‌گذرد، جهنمشان بدتر می‌شود. جهنم مراتبش مثل خود مراتب انسان لا یتناهست. هر روزی که بر اهل معصیت بگذرد، جهنمشان بدتر و داغتر می‌شود. پس دعای برای اینها اگر بخواهید بکنید این است که خداوند اینها را مرگ بدهد تا اینکه این جهنم به آن سختی نباشد بر ایشان. و خداوند ان شاء الله، ما را هم بیدار کند، متوجه کند، متوجه کند که ما چند روزی بیشتر نیستیم، منتها من زودتر و شما هم دنبالش دیگر، بعد از صد سال

دیگر از این بساط خبری نیست. اینها همه گذراست و از بین می‌رود، آن چیزی که باقی می‌ماند حرکات خود انسان است. آن چیزی که به انسان جهنم را می‌رساند یا بهشت را می‌رساند خود انسان است، از خارج نیست. انسان که مُرد شروع می‌شود به یک عالم دیگری که خود انسان تهیه کرده، از خارج چیزی نمی‌آید، هر چه هست از خود انسان است. کوشش کنید که ان شاء الله، اصلاح بکنید در این روز، در این وقت، در این سالها خودتان را و خداوند ان شاء الله، به شما و همه اهالی این کشور سلامت عنایت کند و همه شما ان شاء الله، در جوار خدای تبارک و تعالی و با دعای حضرت صاحب - سلام الله علیه و ارواحنا فداه - همه شما ان شاء الله، موفق و مؤید و به آرزوهای صحیحی که دارید که آرزوی همه رسیدن به خداست و خودش هم نمی‌داند، همه توجهشان به اوست و خدا پرده‌ها را بردارد تا همه ببینیم او را.

والسلام علیکم ورحمة الله

□ پیام

زمان: ۱ خرداد ۱۳۶۷ / ۶ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک عید سعید فطر

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

پیام تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر گردید.
متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمانان کشورتان تبریک
گفته و از خدای تعالی نجات ملت‌های اسلامی را از چنگال دشمنان اسلام و بخصوص
امریکای جهان‌خوار مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم.

۶ شوال ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۷ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۲ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسالت و وظایف مجلس شورای اسلامی

مناسبت: گشایش سومین دوره مجلس شورای اسلامی

مخاطب: نمایندگان مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

از عنایت و توجه ذات مقدس حق تعالی سپاسگزاریم که بار دیگر ملت شریف و عزیز ایران را به ادای یکی از بزرگترین فرایض سیاسی و اجتماعی خود مفتخر نمود. و در اوج شرارت شیطان بزرگ و اذتاب پلید او علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، توفیق بیعت مجدد با میثاقهای ازلی خود را به آنان کرامت فرمود. و به رغم بدخواهان، انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی با صحت و سلامت و در موعد مقرر برگزار گردید، که بحمدالله امروز ما شاهد افتتاح سومین دوره مجلس شورای اسلامی هستیم. و من ضرورتی به ذکر حوادث زمان انتخابات و نیز حماسه‌های مردم عزیزمان در این مورد نمی‌بینم و همچنین اهمیت و نقش مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در نظام کشور اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست. و ان شاء الله نمایندگان محترم مجلس، سنگینی بار مسئولیت و رسالت خود را در این امر خطیر احساس کرده و می‌کنند و به خوبی دریافته‌اند که نظام و مردم از آنان چه انتظاری دارند، که باید گفت مجموعه خواسته‌ها و انتظارات اسلامی مردم از مجلس، رفع گرفتاریها و محرومیتها و دگرگونی در نظام پر پیچ و خم اداری کشور، از انتظارات بحقی است که باید آنها را جدی گرفت. و نمایندگان محترم مجلس قبل از پرداختن به لوایح و تبصره‌ها و مواد غیر ضروری به فکر مسائل اصلی و کلیدی کشور باشند و بر اساس اسلام عزیز در کمیسیونها با طرح قوانین و لوایح به سمتی حرکت کنند که مشکلات اساسی کشور مرتفع

و سیاستهای زیر بنایی کشور در امور فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی و سیاسی در راستای کمک به محرومین و رفع استضعاف، مدون و به مورد اجرا در آید.

و امروز کشور و نظام و مدیریت آن همچون گذشته نیاز به شجاعت در حل مسائل و چه بسا وسوسه‌ها، ما را از رسیدن به اهداف بزرگتری که در پیش رو و در نظر داریم محروم کند، که امیدوارم این مجلس با هماهنگی و همدلی نمایندگان و نیز با همسویی و ارتباط قوی با مدیران و مجریان و کارشناسان و همچنین با استفاده از نظریات و مشورت با شورای محترم نگهبان، بتواند گامهای بلندی در حل معضلات محرومین و پابره‌نه‌ها بردارد و در تنگناها و موانع، از قدرت و قاطعیت و سرعت عمل مجمع تشخیص مصلحت که پشتوانه عظیم و با برکت و پر ثمری برای کشور ماست، بهره‌مند شود.

و اما چیزی که از همه اینها مهمتر است، اینکه چه آنهایی که به مجلس راه یافته‌اند و خادم منتخب شده‌اند و چه آنها که به وظیفه خود عمل نموده‌اند ولی به مجلس راه نیافته‌اند و همچنین طرفداران هر دو گروه باید بدانند که همه این امور اعتباری و زودگذر است و همه در محضر حق هستیم و آنچه در صحیفه کردار ما ماندنی است اعمال و رفتار ما و آنچه موجب سعادت و جاودانگی ما می‌شود، صفای معنویت و ثمرات خلوص‌بندگی است، و ما هم نباید خلوص عمل و جامعه اسلامی خودمان را به زنگار کدورتها و اختلافات آلوده کنیم و رقابتهای گذشته انتخاباتی هم هرگز نباید موجبات تفرقه و جدایی را فراهم نماید.

و من احتمال می‌دهم که عوامل و دستهای ناپاکی بخواهند از رقابتهای انتخاباتی در رسیدن به آرزوهای خود استفاده کنند و با طرح مسائل پوچ و بی‌معنا دلها را از یکدیگر جدا سازند و یا با تردید و ایجاد ذهنیتهای، صحت و سلامت انتخابات و نهایتاً مشروعیت مجلس را زیر سؤال برند، که در این شرایط همه آحاد ملت ایران و همه روحانیون و دست اندرکاران کشور باید در کنار هم و دست در دست هم به راه مقدس خود ادامه دهند. و صاحبان قلم و سخن و مطبوعات نیز به طور جد مواظب نوشته‌ها و گفته‌های خود باشند و نمایندگان مجلس نیز به عدالت و عطف با یکدیگر برخورد کنند و به مسائل

دامن نزنند و خصوصاً در اعتبارنامه‌ها به مسائل شخصی و گروهی نپردازند و در نطق‌های قبل از دستور و غیر آن به شخصیت و اعتبار نمایندگی مجلس توجه کنند و حرمت مجلس و نظام و اخلاق کریمه اسلامی را مقدّم دارند و خلاصه کلام اینکه مجلس و نمایندگان باید مؤید وحدت و انسجام جامعه باشند و مسئولین در کنار مردم و مردم همراه و پشتیبان مسئولین به وظیفه خود عمل کنند و از برکات مادی و معنوی اتحاد مقدس خود بهره‌مند شوند و از صحنه‌ها کنار نروند که امروز شاید گناهی بالاتر از کناره‌گیری نباشد و هیچ عذر و بهانه‌ای برای ترک صحنه انقلاب پذیرفته نمی‌شود.

و مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت پیروزی با ماست و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تا کنون بارها عنایات حق را دیده‌ایم. و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از آن روزی که در این راه مقدس قدم نهاده‌اند، چیزی را از دست نداده‌اند که نگران حادثه باشند و ضرری نکرده‌اند که از آن احساس غبن و پشیمانی کنند؛ همه سرمایه‌های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است.

البته کشوری همانند ایران که در صدد تحقق اهداف بلند اسلامی است، ممکن است فرازها و نشیب‌هایی داشته باشد همان گونه که در صدر اسلام نیز چنین بوده است ولی برای یک ملت بزرگ هیچ پیروزی‌ای بالاتر از تصمیم و عزم و اراده استوار آنان برای رسیدن به حق نیست که بحمدالله خداوند آن را به مردم کشور ایران عنایت نموده است و ما به یاری خدا و با همت و اراده پولادین مردم در برابر همه مشکلات خواهیم ایستاد و همان گونه که به برکت ایمان و توکل مردم و رزمندگان به پیروزیهای بزرگ و معجزه‌آسایی رسیده‌ایم و هر روز ما روز موفقیت و امتحان جدیدی بوده است، بعد از این نیز به راه خود ادامه می‌دهیم.

رزمندگان عزیز و دلاور ما اعم از ارتش و سپاه و بسیج با تکیه بر ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی‌شائبه مردم، به نبرد و دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزمها

را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و با همت خود افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند که سرنوشت جنگ در جبهه‌ها رقم می‌خورد، نه در میدان مذاکره‌ها. و به یاری خداوند و دعای خیر حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - حرف آخرمان را با صدامیان و جهانخواران در صحنه حماسه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر و مدد می‌طلبیم. خداوند یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۵ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک عید سعید فطر^(۱)

مخاطب: محمد ضیاء الحق (رئیس جمهور پاکستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای محمد ضیاء الحق، رئیس جمهور اسلامی کشور پاکستان
کارت تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر
گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان کشورتان
تبریک گفته، سعادت و عظمت ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام
علیکم ورحمة الله.

۱۵ شوال ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

۱- پیام مذکور در قالب کارت تبریک ارسال شده بود.

□ پیام

زمان: ۱۰ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۵ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک عید سعید فطر

مخاطب: شاذلی بن جدید (رئیس جمهور الجزایر)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شاذلی بن جدید، رئیس جمهور دموکراتیک خلق الجزایر
کارت تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر
گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان کشورتان
تبریک گفته، سعادت و عظمت عموم ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم.
والسلام علیکم ورحمة الله.

۱۵ شوال المکرم / ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۷ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب جانشین فرماندهی کل قوا

مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر

[آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشت:

... پیشنهاد مشخص اینجانب که قبلاً نیز کتباً و شفاهاً معروض گردیده، این است که:

۱- کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، ژاندارمری اعم از عملیات، پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.

۲- شخص مزبور از سوی حضرتعالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با قاطعیت تمشیت کند.

۳- دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایای متهمین و اجرای محکومیتها به طور کامل از نظر و دستور وی تبعیت کند. با توجه به همه جوانب، به نظر اینجانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی است. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند:]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - دامت افاضاته
با توجه به درگیری رویاروی امریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و هماهنگی
غرب و شرق و ارتجاع منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و جلوگیری از پیروزی اسلام،
به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته -
جنابعالی را با تمام اختیارات به جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جنابعالی
موظف به اجرای دستورات ذیل می‌باشید:

۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل.

- ۲- هماهنگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و صحیح ادارات و سازمانهای مربوط و پشتیبانی کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود.
- ۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه مایحتاج دفاع مقدسمان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.
- ۴- سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیرضروری.
- ۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تمام زمینه‌ها.
- ۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخلف در هر رده.

- ۷- بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها.
- قوای مقننه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردمیها و حيله‌هاست؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جناب‌عالی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة‌الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۲ خرداد ۱۳۶۷ / ۱۷ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: صالحی مازندرانی، اسماعیل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه، و در مورد سهم مبارک امام - علیه الصلوة والسلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد و نسبت به مازاد از مخارج نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نمایند، و سهم سادات را نیز مجازند نصف آن را به سادات مستحق بپردازند و باقیمانده سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا»؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۱۷ شوال المکرم ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۷ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۲ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر اهمیت حفظ اموال و موقوفات آستان قدس رضوی

مخاطب: واعظ طبسی، عباس (تولیت آستان قدس رضوی)

[بسمه تعالی شأنه. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی

امام خمینی - مدظله العالی

محترماً، با اهدای تحیات وافر و آرزوی سلامت و طول عمر برای آن امام بزرگوار. بدین وسیله معروض می‌دارد، از آنجا که حفاظت و نگهداری از اموال و موقوفات آستان قدس رضوی و استفاده از آن در جهت رفع استضعاف مادی و معنوی و تعظیم شعائر دینی و مذهبی همواره مورد توجه و عنایت خاص آن حضرت بوده است که بارها بر آن تأکید فرموده‌اید، حقیر به حکم وظیفه اسلامی و انقلابی در جهت اجرای اوامر مطاع و دستورات مؤکد حضرت تعالی پیوسته در این راه کوشا بوده، و در آستانه پایان نخستین دهه پر خیر و برکت انقلاب اسلامی علاوه بر تقدیم هدایای نقدی و جنسی به جبهه و رزمندگان عزیز و بازسازی هویره و احداث بنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ساختمان کتابخانه عظیم مرکزی، و دیگر مراکز فرهنگی و پژوهشی، دارویی و درمانی و ابنیه با شکوه اسلامی همچون صحن قدس، و صحن جمهوری اسلامی و نیز طرح در دست اجرای اطراف حرم مطهر که به یقین با آنچه در سالیان متمادی حکومت‌های جائر و ستمگر انجام گرفته قابل مقایسه نیست، نسبت به احیای اراضی مزروعی و کشاورزی، و عمران و آبادی رقبات موقوفه که در حقیقت نقش عمده‌ای در بالا بردن سطح تولید و پیشبرد شعار مقدس خودکفایی کشور اسلامی مان دارد، مساعی بیدریغ مبذول داشته‌ایم که امیدواریم مورد قبول خداوند منان و خشنودی و رضایت حضرت رضا - علیه السلام - قرار گیرد.

مع الوصف، عناصری ناآگاه سعی کرده‌اند خساراتی را بر بخش کشاورزی اعم از ابزار و محصولات این آستانه مقدسه تحمیل نمایند که به طور قطع در روند امور و پیشرفت کار زراعت و مآلاً کمک به

اقتصاد مملکت اسلامی موانعی را ایجاد می‌کند.

البته شکی نیست که با اعتماد به الطاف خداوند متعال و عنايات خاصه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا - علیه السلام - و در پرتو رهنمودهای حکیمانه آن حضرت، همچون گذشته بدون هیچ گونه تردید و تعللی حسب الامر به ادای تکلیف الهی و وظیفه شرعی خویش خواهیم پرداخت. با اینهمه خاضعانه انتظار دارد، همچنان از نظرات و ارشادات آن مقام معظم و منیع که علی الدوام در هر برهه‌ای الهامبخش و راهگشا و تعیین‌کننده بوده و می‌باشد، بهره‌مند گردیم.

در جوار مضجع منور حضرت علی بن موسی الرضا - علیه السلام - طول عمر و سلامت آن وجود مبارک و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام را از پیشگاه حق تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

[۱۳۶۷/۳/۱۴ - عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای واعظ طبسی، تولیت آستان قدس رضوی - دامت افاضاته با سلام و آرزوی موفقیت بیشتر برای شما. زحمات و تحمل سختیهای شما قبل از انقلاب تا به ثمر رسیدن آن و تلاشتان بعد از انقلاب برای تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی برکسی پوشیده نیست.

جنابعالی از چهره‌های درخشان مدیریت و انقلاب اسلامی در ایران و بخصوص در استان خراسان می‌باشید. تمامی مسئولان نظام اسلامی، از جمله جنابعالی باید موانع را از سر راه برداشته و با صبر و تدبیر بدان گونه که رضای خدا است پیش روند. شما در راه حق و شیرین‌کمک به مستضعفین و محرومین از هیچ کوششی فروگذار ننموده و نخواهید نمود. و چون گذشته توجه داشته باشید که باید بدون کوچکترین گذشتی به موقوفات حضرت امام رضا - علیه السلام - بدان گونه که واقفین وقف کرده‌اند عمل کنید. امیدوارم با هماهنگی شما و مسئولان آن دیار مقدس، تمامی موقوفات ثامن الحجج

- علیه السلام - به طور جدی حفظ گردد. و مسئولان ذی ربط باید کمک لازم را در هر موردی که لازم داشته باشید بنمایند، تا به کمک همه مسئولان به فقرا و مستمندان خدمات بیشتری گردد و رضای خداوند تحصیل شود. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم.

به تاریخ ۱۷ خرداد ماه ۱۳۶۷ هجری شمسی

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۳ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: برّو عاملی، محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی برّو عاملی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل زکوات و کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه و در مورد سهم مبارک امام - علیه الصلوة والسلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد نیز مجازند نصف آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نمایند، و در مورد سهم سادات نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر سهمین را نزد اینجانب جهت صرف در اعلاى کلمه طیبّه اسلام.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا»؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۲۳ شوال المکرم ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۸ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۳ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: شاه چراغی، سید مسیح

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على
اعدائهم اجمعين

و بعد جناب حجت الاسلام آقای حاج سید مسیح شاه چراغی - دامت افاضاته - از
طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه مانند زکوات و
کفارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین
نیز مجازند در اخذ و صرف آنها در مخارج خودشان بنحو اقتصاد و نسبت بمآزاد نیز
مجازند ثلث از سهم مبارک امام علیه السلام را در ترویج شریعت مقدسه صرف کنند و
نصف از سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند و مابقی سهمین را جهت صرف
در اعلاء کلمه طیبیه اسلام نزد اینجانب ارسال دارند.

«واوصیه - آئده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب
عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا» والسلام عليه وعلى اخواننا
المؤمنين ورحمة الله وبركاته.

۲۳ شوال المکرم ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۲ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۷ شوال ۱۴۰۸^(۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: مضرات خروج از وظایف و اختیارات قانونی

مخاطب: موسوی، میر حسین (نخست وزیر) - اعضای هیأت دولت

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر، آقایان وزرا - ایدهم الله تعالی

مسئله‌ای را که لازم دیدم تذکر دهم این است که قوام نظام اسلامی ایران بر اتحاد در روش و حرکت در کُلّیت سیاست مورد قبول اسلام است. همگی باید سعی کنیم هر حرکتی، اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی، که انجام می‌دهیم به آن کلیت صدمه نزنند. ترسیم کلیت متّخذ از اصول اساسی قوانین اسلامی است که هدایت فرد و جامعه را بر عهده دارد. هر مسئولی و هر متعهد به نظامی باید سعی کند برای پیشبرد نظام در چهارچوب محدوده وظایفش عمل کند؛ که در غیر این صورت، احتمال پاشیدگی نظام جدی است. لذا اگر هر وزیری دخالت در کار وزیر دیگر نماید، که حتی دخالت او باعث رشد کار گردد، مورد قبول نیست؛ چرا که خروج از چهارچوب اختیارات ضررش بسیار بیشتر از رشد کار در نقطه‌ای دیگر است. روشن است که مشورت و هماهنگی و همکاری مورد بحث نیست.

اینجانب گاهی به موضعگیریهای وزرا و نمایندگان در خارج از محدوده وظایفشان برخورد می‌کنم که متعجب می‌شوم. از باب مثال سیاست خارجی کشور بر عهده وزیر امور خارجه است. اگر آقایان اعتراضی دارند، باید برادرانه در هیأت دولت مطرح کنند. اگر به اعتراض جواب قانع کننده‌ای داده شد، که چه بهتر؛ والا وزیر امور خارجه است که

۱- در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی) ج ۲۰، ص ۲۲۰، ذیل تاریخ ۶۷/۳/۲۳ درج شده است که به استناد تاریخ نسخه خطی، تاریخ ۶۷/۳/۲۲ صحیح است.

در چهارچوب سیاست ترسیمی از رهبری نظام و یا مجلس، تصمیم گیرنده است. این شیوه پسندیده‌ای نیست که هر وزیر و یا نماینده‌ای هر چه دلش خواست در مجامع عمومی بگوید.

آقایان وزرا، من به شما و به نمایندگان محترم نصیحت می‌کنم که سیاستهای یکدیگر را تضعیف و یا تخریب نکنید؛ که اگر وحدت روش و حرکت در نظام نوپای اسلامی صدمه ببیند، نتایجی که دنیای استکبار از این برخوردها می‌گیرد بسیار شکننده است. کاری نکنیم که دنیا فکر کند نظام اسلامی ایران با این اختلاف سلیقه‌ها و با این ابراز اختلافها هیچ‌گاه راه ثبات را نخواهد پیمود. خداوند به تمامی شما توفیق خدمت به بندگان خوب خدا را ارزانی دهد. والسلام.

۲۲ / خرداد / ۶۷

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

□ حکم

زمان: ۲۴ خرداد ۱۳۶۷ / ۲۹ شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین هیأت سرپرستی مدارس طلاب کرمانیها در قم و کرمان

مخاطب: انصاری، محمد علی - انصاری، مجید - جاویدی، حسین - کشمیری، محمدجواد - هاشمیان، حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقت می‌شود. فعلاً آقای مرتضی فهمیم کرمانی نباید در مسائل سیاسی دخالت کند، و از این پس مدارس خواهران و برادران طلاب کرمانیها در قم و کرمان زیر نظر آقایان حجج اسلام: جاویدی، محمدعلی انصاری، کشمیری، حسین هاشمیان [و] مجید انصاری اداره شود. جناب حجت الاسلام آقای فلاح، دادستان محترم کرمان به خانه مقتول رفته، از طرف اینجانب از آنان دلجویی نماید. باید دیه به آن خانواده محترم داده شود و از آنان به هر ترتیبی که لازم باشد اعاده حیثیت شود.^(۱) از خداوند متعال می‌خواهم تا به بازماندگان ایشان صبر و اجر و توکل عنایت فرماید.

۶۷/۳/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

۱- اشاره به واقعه قتل فردی به نام آقای فدایی (یکی از آوازه‌خوانان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی) که در جریان اوج‌گیری مبارزات مردم به صفوف مخالفین رژیم پیوسته بود. محکومیت وی که ظاهراً به خاطر سوابق قبلی و گرایشات جدید او بوده است، فاقد وجاهت قانونی و شرعی بوده و امام خمینی پس از وصول گزارش امر، دستور رسیدگی فوری را صادر نموده و آقای مرتضی فهمیم کرمانی را که از روحانیون انقلابی و زندان رفته رژیم شاه و حاکم شرع دادگاه انقلاب کرمان بود، به خاطر صدور این حکم ناروا - که صدور و اجرای آن نیز متأسفانه خارج از روال قانونی و تأثرانگیز بوده است قاطعانه برخورد نمود و ایشان را از کار برکنار و از دخالت در مسائل سیاسی ممنوع نمود. و طبق احکام شرع نسبت به دلجویی از خانواده آقای فدایی و پرداخت دیه و اعاده حیثیت از ایشان دستور دادند.

□ حکم

زمان: ۴ تیر ۱۳۶۷ / ۱۰ ذی القعدة ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب عضو شورای نگهبان

مخاطب: یزدی، محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد یزدی - دامت افاضاته
با تقدیر از زحمات صادقانه جناب حجت الاسلام آقای صافی - دامت افاضاته - طبق
اصل ۹۱ قانون اساسی، جنابعالی را که از افراد متدین مورد وثوق و درد آشنای اسلام و
انقلاب می‌باشید، به عنوان یکی از فقهای شورای نگهبان منصوب می‌نمایم. توفیق بیشتر
شما را در راه تأیید قوانین مورد رضایت خداوند و در جهت کمک به مستضعفین و
محرومین جامعه اسلامی ایران خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۳ تیر ۱۳۶۷ / ۱۹ ذی القعدة ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تسلیت شهادت دهها هموطن در جریان سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا

مخاطب: منتظری، حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آیت الله آقای منتظری - دامت افاضاته

پیام جنابعالی تسکینی بود بر آلام تمامی کسانی که از شیطان بزرگ، امریکای حيله گر ضربه خورده اند. مردم آزاده جهان همیشه از ابرقدرتها خصوصاً امریکای جنایتکار صدمه دیده اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی و امریکای سلطه گر جزم نمایند، هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود.

مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاحهایی می نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرسنگان باشند.

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرتهای شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابریهای دنیای سرمایه داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانیهای مرفهین و حاکمان بی درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزشهای اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و

خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمیهاست.

رزمندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخ‌نشینان وارد می‌کنند.

جنابعالی که یکی از ذخایر این انقلاب می‌باشید، با پشتیبانی از آقای هاشمی^(۱) وقت خود را مصروف در ساختن دنیا [بی] از کرامت و بزرگواری نمایید. و مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دستهای ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی هم خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم. باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذنباش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - است. اینجانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.

انفجار هواپیمای مسافربری،^(۲) زنگ خطری است برای تمامی مسافرتها هوایی. باید با تمام وجود تلاش کنیم تا چنین صحنه‌های دردناکی پیش نیاید.

۱- آقای اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و جانشین فرمانده کل قوا در امور جنگ.

۲- یک فروند هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران صبح روز دوشنبه ۱۳۶۷/۴/۱۲ ه. ش. که از بندرعباس عازم دوی بود توسط دو فروند موشک شلیک شده از سوی ناوهای جنگی امریکایی مستقر در خلیج فارس که در راستای حمایت از صدام در جنگ با ایران صورت می‌گرفت سرنگون شد و ۲۹۰ تن از مسافران آن به شهادت رسیدند، چند سال بعد از ارتحال امام خمینی، با پیگیری شکایت از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران؛ دادگاه لاهه، امریکا را محکوم و ملزم به پرداخت غرامت نمود.

اینجانب به تمامی بستگان این فاجعه تسلیت عرض نموده و خود را در غم و اندوه از دست دادن عزیزانشان شریک می‌دانم. من به جنابعالی و تمام کسانی که برای رسیدن به هدف مقدس پیروزی اسلام تلاش می‌نمایید، دعا می‌کنم. والسلام علیکم ورحمةالله.

۶۷/۴/۱۳

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۳ تیر ۱۳۶۷ / ۱۹ ذی القعدة ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسیّه و شرعیّه

مخاطب: موسوی خراسانی، سید حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب سيد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي آقا سيد حسن موسوي خراساني - دامت افاضاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه آن، و در مورد سهمين مبارکين نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و نسبت به مازاد نیز مجازند نصف سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند. و ثلث سهم مبارک امام - عليه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه اسلام به مصرف برسانند، و مابقی سهمين را نزد اينجانب ارسال دارند.

«و اوصيه - ائده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۱۹ ذی قعدة الحرام ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۲۶ تیر ۱۳۶۷ / ۲ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید قربان

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲ ذی حجة الحرام ۱۴۰۸

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده
تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید قربان واصل و موجب تشکر
گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان کشورتان
تبریک می‌گویم. اگر چه با این مصیبت‌های بزرگی که برای مسلمانان جهان و بخصوص
ملت مظلوم ایران، پیش آمده جای تبریک و عیدی نمانده. در جایی که سردمداران
امریکای جهانخوار دزدانه به خلیج فارس وارد شده و هواپیمای مسافربری را با بیش
از ۲۹۰ نفر انسان بی‌دفاع و زن و کودک بیگناه هدف موشک قرار داده و می‌کشند و نوکر
بی‌اراده و مزدورشان صدام جنایتکار در حلبچه و جبهه‌های جنگ هر روزه صدها و
هزاران انسان را با بمبهای کشنده شیمیایی همچون برگ درختان روی زمین می‌ریزد و با
کمال تأسف بیشتر حاکمان منطقه و کشورهای اسلامی نیز حتی از یک محکومیت لفظی
هم دریغ می‌ورزند چه جای عید و تبریکی است. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۶ تیر ۱۳۶۷ / ۲ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید قربان

مخاطب: رشید بن سعید آل مکتوم (نایب رئیس و نخست وزیر دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای رشید بن سعید آل مکتوم، نایب رئیس و نخست وزیر دولت امارات عربی متحده

تلگراف تبریک جنابعالی به مناسبت حلول عید سعید قربان واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به آن جناب و ملت برادر و مسلمان کشورتان تبریک گفته، سعادت و سلامت ملل اسلامی و پیروزی آنها را بر دشمنان از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۲ ذی حجه الحرام ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۹ تیر ۱۳۶۷ / ۵ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: سالگرد کشتار خونین مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ.^(۱)

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله نوکران امریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند. آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته و برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم - علیه السلام - که دهها بار از مصاف با جهانخواران و اذتاب آنان برگشته بودند، در مسلخ عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند. و بار دیگر امریکا و آل سعود، بر خلاف راه و رسم آزادی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ماکشته ها گرفتند؛ و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سالخوردهگان و بر دهان تشنه و خشکیده مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند. انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه خویش به سوی خانه خدا و خانه مردم هجرت نموده بودند! انتقام از کسانی که سالها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند. انتقام از کسانی که همچون ابراهیم - علیه السلام - از

۱- سوره فتح، آیه ۲۷: «هر آینه خداوند حقیقت خواب رسولش را آشکار ساخت که حتما شما (مؤمنین) به خواست خدا، با دل ایمن وارد مسجدالحرام خواهید شد».

بت شکنی برمی گشتند؛ شاه را شکسته بودند؛ شوروی و امریکا را شکسته بودند؛ کفر و نفاق را خرد کرده بودند. همانها که پس از طی آن همه راهها با فریاد: **وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُؤَكِّدُ رَجَالاً**^(۲) پا برهنه و سر برهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدايند، و عطش خویش را در زلال مناسک حج برطرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیوروت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دلبستگی به دنیا را از تن به در آورند. همانها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی راحت طلبان را بر خود حرام، و مُحَرَّم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده زر خرید امریکا و شوروی نباشند، که زیر بار هیچ کس جز خدا نروند. آمده بودند که دوباره به محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند؛ و با خود می گویند مگر هنوز لات و هُبَل در کعبه اند. آری، خطرناکتر از آن بتها، اما در چهره و فریبی نو. آنها می دانند که امروز حَرَم، حَرَم است اما نه برای ناس، که برای امریکا! و کسی که به امریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد. انتقام از زائرانی که همه ذرات وجود و همه حرکات و سکنات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است؛ و حقیقتاً می رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لَبَّيْكَ، اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» معطر سازد.

آری، در منطق استکبار جهانی هر که بخواهد براثت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و «مفتی»ها^(۳) و مفتی زادگان این نوادگان «بَلَعَم بَاعورا»ها،^(۴) به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می بایست آن شمشیر کفر و نفاق که

۲- بخشی از آیه ۲۷ سوره حج: «و مردم را به انجام مناسک حج ندا ده تا پیاده و سواره از دورترین نقاط به سوی تو گرد آیند».

۳- فتوا دهندگان.

۴- از علمای بنی اسرائیل که در حق حضرت موسی بدی کرد و به مخالفت او برخاست.

در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه - علیهم لعنة الله - برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام، یعنی حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - و یاوران با وفای او، پنهان شده بود مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلولی پاک و مطهر یاوران حسین - علیه السلام - را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حَرَم، پاره کند؛ و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را «خارجی» و «ملحد» و «مشرک» و «مهدورالدم» معرفی کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند؛ که ان شاء الله ما اندوه دلمان را در وقت مناسب با انتقام از امریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد، و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق و آزادی کعبه از دست نااهلان و نامحرمان به مسجدالحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارعاب دولتها و حکومت‌هایشان به مکه سفر کرده‌اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده‌پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه صدّ عن سبیل الله^(۵) و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد؛ و آخوندهای درباری و «مفتی»های خود فروخته - لعنة الله علیهم - در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه‌ها و مطبوعات دست به نمایشها و سخنرانیها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره فهم و درک فلسفه واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا تنگ خواهند نمود. و مسلّم در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است. بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده‌اند؛ و حج با آنهمه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بیحاصل و بی‌ثمر باقی مانده است.

۵- بخشی از آیه ۲۱۷ سوره بقره: «باز داشتن مردم از راه خدا».

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند. چیزی که تا به حال از ناحیه ناآگاهان و یا تحلیلگران مغرض و یا جیره‌خواران به عنوان فلسفه حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته‌جمعی و یک سفر زیارتی - سیاحتی است. به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه‌داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره‌اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت‌های وابسته بشوراند. بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آنکه حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است. و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ‌ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی‌رسد. حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام‌آور و ایجاد و بنای جامعه‌ای به دور از رذایل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه صحنه‌های عشق‌آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست. و مناسک حج مناسک زندگی است. و از آنجا که جامعه امت اسلامی، از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود، حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه نمایش و آیین سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است. حج پسان قرآن است که همه از آن بهره‌مند می‌شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و درد آشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرو رفتن در احکام و سیاست‌های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادگی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت. ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به

کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است. و به همان اندازه‌ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجابهای خود ساخته ما پنهان شده است و این گنجینه اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکریهای ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است، سرنوشتی که میلیونها مسلمان هر سال به مکه می‌روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می‌گذارند، ولی هیچ‌کس نیست که از خود پرسد ابراهیم و محمد - علیهم‌السلام - که بودند و چه کردند؛ هدفشان چه بود؛ از ما چه خواسته‌اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی‌شود به همین است. مسلم حج بی‌روح و بی‌تحرك و قیام، حج بی‌برائت، حج بی‌وحدت، و حجی که از آن هدم کفر و شرک بر نیاید، حج نیست. خلاصه، همه مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه‌های زندگی‌شان کوشش کنند؛ و محققان متعهد اسلام با ارائه تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه حج همه بافته‌ها و تافته‌های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند اینکه امریکا و آل سعود حادثه مکه را یک مبارزه فرقه‌ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده؛ و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراتوری بزرگ را در سر می‌پروراند معرفی می‌کنند تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه‌های شوم جهان‌خواران بیخبرند تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت‌ها در مسیر کسب قدرت سیاسی‌مان و گسترش قلمرو جغرافیای حکومت اسلامی است. البته برای ما و همه اندیشمندان و محققانی که از نیت پلید تشکیلات آل سعود باخبرند جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه حوادث جهان اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می‌داند تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند؛ و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته‌اند به لشکرکشی و تشکل برای تصرف

کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه پیامبر متهم نمایند! و دلیل و مدرک این کار را حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند! آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد؛ و اینگونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه‌انگیز می‌شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آنها را به حج چه کار! دست‌نشانندگان امریکا آتش زدن پرچم امریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و امریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته‌اند؛ و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده‌اند!

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً امریکا و شوروی، عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه سیاسی تقسیم کرده‌اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرتها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی‌شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملتها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه اصول و موازین خود ساخته و بین‌المللی می‌دانند. اما در بخش قرنطینه سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده‌اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد؛ همه قوانین و مقررات و فرمولها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظامهای دست‌نشانندگان و در برگیرنده منافع مستکبران خواهد بود. و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می‌دانند. و منافع جهانخوااران ایجاب می‌کند که هیچ کس حق گفتن کلمه‌ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد. و از آنجا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت‌هایی را که حاکمان کشورشان بر آنها تحمیل کرده‌اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصایب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره‌ای بیندیشند. لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می‌کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه خدا

و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متفرنند اعلام برائت کنند و از هر وسیله‌ای برای رهایی خود استفاده نمایند.

حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه خدا را به عهده گرفته است. و اینجاست که با اطمینان می‌گوییم که حادثه مکه جدای از سیاست اصولی جهانخواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست. ما با اعلام برائت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم. و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و ان شاء الله روزی همه مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرتها و نوکران و جیره‌خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه خدا توطئه‌ای برای حفظ سیاستهای استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. و کارنامه سیاه و ننگین حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاستهای غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته‌اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه‌های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه خدا را فراموش می‌کنند؟ مگر مسلمانان نمی‌بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانونهای فتنه و جاسوسی مبدل شده‌اند، که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بیشعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌داران بر مظلومین و پابرنه‌ها، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» را ترویج می‌کنند؛ و از طرف دیگر، سر بر آستان سرور

خویش، امریکای جهانخوار، می‌گذارند.

مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و «خادم‌الحرمین» به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم! و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیستها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر اینها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی‌شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم‌آور نیست؟ و تماشاچی شدن گناه و جرم نمی‌باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و اینهمه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آنهمه فجایع صهیونیستها بگذارند، و دوباره مصر و امثال آن را به صحنه بیاورند؟ حال، مسلمانان باور می‌کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده‌اند و می‌خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند! اگر مسلمانان جهان باور کرده‌اند که سران آنها دشمنان واقعی امریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می‌کنند.

البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده‌ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران امریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می‌کنیم. ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامهایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند نابود کنیم؛ و نظام اسلام رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم. و دیر یا زود ملتهای دربند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود

از گسترش باجخواهی و مصونیت کارگزاران امریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می‌کنیم. ان شاء الله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با امریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود. و از خدا می‌خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه مسلمین، که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ امریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی‌انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه جهان‌خواران آفریده است احساس غرور و آزادی کنند؛ و آوای آزادی و آزادی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخمهای خود مرهم گذارند؛ که دوران بن‌بست و ناامیدی و تنفس در منطقه کفر به سر آمده است، و گلستان ملت‌ها رخ نموده است. و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه‌های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل‌های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده خویش را نظاره کنند. همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست امریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده‌اند به در آییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم؛ و پرده کعبه و حرم خدا را که به دست نامحرمان نجس امریکا و امریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان، از آنجا که شما در سلطه بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده‌اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید؛ و از وجود جوانان پرشور و شهادت‌طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید. به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید؛ بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید؛ که عزت و حیات در سایه مبارزه است. و اولین گام در مبارزه اراده است. و پس از آن، تصمیم بر اینکه سیادت کفر و شرک جهانی، خصوصاً امریکا را بر خود حرام کنید. ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبت‌مان با پیامبر هرگز پاره و سست

نمی‌شود. به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم. و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان باخدای کعبه پایدار مانده‌ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده‌ایم. و منتظر هم نمانده‌ایم که حاکمان بی‌شخصیت بعض کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم. ما غیر از خدا کسی را نداریم. و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده جهان که علی‌رغم اختناق سیاسی حاکم بر آنها با ترتیب کنفرانسها و مصاحبه‌ها و سخنرانیها پرده از اسرار جنایتبار امریکا و آل‌سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می‌نماید. مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می‌شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه‌ای را به وجود می‌آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهانخواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر امریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرتها و خصوصاً امریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت. یا پیروزی. که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است. که ان شاء الله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاستهای حاکم و ظالم جهانخواران، و نیز جسارت ایجاد داربستهای بر محور کرامت انسانی را به همه مسلمین عطا فرماید؛ و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سؤال می‌کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد مبارزه است؛ و اگر هم فریاد برائت از مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه

استکبار می شود. و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهانخواران نه تنها تاب تحمل اینگونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهند داد. و دلیل این مدعا اجازه راهپیمایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسئله باید روشن باشد که آنگونه راهپیماییها هیچگونه ضرری برای ابرقدرتها و قدرتها ندارد. راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد. راهپیماییهای برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و امریکا ختم می شود. و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود، و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و امریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه مناسبی برای ریشه کن شدن نظامهای فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود. و با اینکه بیشتر از یک سال از حماسه برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خونهای پاک شهدای عزیز مادر تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیستها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطنگرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خود فروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟ اگر اینچنین بود، اینها که سالهاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند! شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نو میدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و «مرگ بر امریکا،

شوروی و اسرائیل» گفت؛ و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد او نیز با نثار خون و به رسم شهادت آرمید. آری، فلسطینی راه گم کرده خود را از راه برائت ما یافت. و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت، و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد؛ و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوب درّیۀ فلسطین از شجرۀ مبارکۀ «لا شرقیة ولا غربیة» ما برافروخت. و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد. و این تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است. و حال آنکه معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما اینها را سرمایه های بالقوۀ انقلاب خود تلقی می کنیم و هم آنهایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه جهان را به دست خواهند گرفت. امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند می بوسم؛ و سلام و درودهای خالصانه خود را به همه غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم. و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است؛ و قلبها و چشمان پر فروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است و شرارۀ کینه انقلابی تان جهانخواران چپ و راست را به وحشت انداخته است. البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب سختیها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری، در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند؛ ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند مسئلۀ حفظ اسلام و اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل

شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت. ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در اینجا مجال ذکر همه آنها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد امریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوها‌ی نفتی و کشتیها و قایقها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟ آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازیهای سیاسی مجامع بین‌المللی مقاومت نکرده است؟ آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه عراق به شهرها و موشک‌باران مناطق مسکونی و بمبارانهای مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه، مقاومت نکرده است؟ آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه منافقین و لیبرالها و زراندوزی و احتکار سرمایه‌داران و حیلۀ مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟ آیا همه این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه‌ها می‌توانست به اصول نظام ضربه بزند. که خدا را سپاس می‌گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه‌ها را ترک نکوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزشهای اسلامی هستند، به خوبی دریافته‌اند که مبارزه با رفاه‌طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می‌کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه‌اند. و آنهایی هم که تصور می‌کنند سرمایه‌داران و مرفهان بی‌درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می‌شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می‌کنند آب در هاون می‌کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت‌طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت‌جویی دو مقوله‌ای است که هرگز با هم جمع نمی‌شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی‌بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلابها هستند. ما باید تمام

تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده‌ای از خدا بیخبر برای از بین بردن انقلاب هر کس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را «کمونیست» و «التقاطی» می‌خوانند. از این اتهامات نباید ترسید. باید خدا را در نظر داشت، و تمام همّ و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید. امریکا و استکبار در تمامی زمینه‌ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مقدس‌نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده‌ام. اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می‌کنند. اینها با قیافه‌ای حق به جانب و طرفدار دین و ولایت همه را بی‌دین معرفی می‌کنند. باید از شرّ اینها به خدا پناه ببریم. و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می‌کنند و اسلام آنها را اسلام امریکایی معرفی می‌نمایند راهی بس خطرناک را می‌پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می‌شود. ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره خون دفاع خواهیم کرد.

امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا و حوادث سخت و برابر همه توپها و موشکهای دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می‌کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. ان شاء الله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختیهای جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می‌کند. و چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر امریکا فرود آمده است. چه شیرینی بالاتر از اینکه ملت ایران سقوط ارکان و کنگره‌های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه حیات

امریکا را در این کشور شکسته است. و چه شیرینی بالاتر از اینکه مردم عزیزمان ریشه‌های نفاق و ملیگرایی و التقاط را خشکانیده‌اند. و ان شاء الله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید. نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته‌اند، بلکه آنهایی که در پشت جبهه با نگاه محبت‌بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده‌اند از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده‌اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین - علیه السلام!

اذناب امریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه‌های نبرد مقایسه شود. مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد. تمامی اینها خیالات باطل ملیگراهاست. ما هدفمان بالاتر از آن است. ملیگراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین‌الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم. پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی‌ام، و ای نیروهای مردمی، هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که اینها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسراء، مفقودین، و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده‌اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه اطهارند. پیروزی و شکست برای آنها فرقی ندارد. امروز روز هدایت نسلهای آینده است. کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا اینگونه خواسته است. و دیروز خدا آنگونه خواسته بود. و فردا ان شاء الله روز پیروزی جنود حق خواهد بود. ولی خواست خدا هر چه هست

ما در مقابل آن خاضعیم. و ما تابع امر خداییم؛ و به همین دلیل طالب شهادتیم. و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی‌رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم. همه می‌دانند که ما شروع کننده جنگ نبوده‌ایم. ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده‌ایم. و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهانخواران بوده است؛ و استکبار از همه کمینگاههای سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است. انقلاب اسلامی ما تا کنون کمینگاه شیطان و دام صیادان را به ملتها نشان داده است. جهانخواران و سرمایه‌داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم. و حال آنکه این وظیفه اولیه ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنی که ای خواب رفتگان! ای غفلت‌زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه‌های گرگ منزل گرفته‌اید. برخیزید که اینجا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! امریکا و شوروی در کمین نشسته‌اند، و تا نابودی کاملتان از شما دست بر نخواهند داشت. راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت اینهمه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - داشت؟

امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی امریکا و اروپا در خلیج فارس صف‌آرایی نمود. و اینجانب به نظامهای امریکایی و اروپایی اخطار می‌کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرونرفته‌اید، از خلیج فارس بیرون روید. و همیشه اینگونه نیست که هواپیماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود؛ که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آبهای خلیج فارس بفرستند.

به دولتها و حکومتهای منطقه، خصوصاً به عربستان و کویت می‌گوییم که همه شما در ماجراجوییها و جنایاتی که امریکا می‌آفریند شریک جرم خواهید بود. و ما تا به حال از

اینکه همه منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه‌ور نشود، دست به عملی نزده‌ایم. ولی حرکات جنون‌آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می‌کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ جدید بازنده‌اید. خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر امریکا اینقدر ذلیل و ناتوان نکنید. اگر دین ندارید، لااقل آزاده باشید.

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه‌های نور و امید به روی همه مسلمانان جهان باز شده است؛ و می‌رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه مستکبران فرو ریزد.

نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهانخواران تاکی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین آنان مرزی جز عدول از همه هویتها و ارزشهای معنوی و الهی مان نمی‌شناسند. به گفته قرآن کریم، هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی‌دارند مگر اینکه شما را از دینتان برگردانند. ما چه بخواهیم چه نخواهیم صهیونیستها و امریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه‌دار نمایند. بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاست نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می‌دهند؛ و با دلسوزیهای بیمورد و اعتراضهای کودکانه می‌گویند جمهوری اسلامی سبب دشمنیها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادی‌شان افتاده است! که چه خوب است [به] این سؤال پاسخ داده شود که ملتهای جهان سوم و مسلمانان، و خصوصاً ملت ایران، در چه زمانی نزد غریبه‌ها و شرقیها احترام و اعتبار داشته‌اند که امروز بی اعتبار شده‌اند!

آری، اگر ملت ایران از همه اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه عزت و اعتبار پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - را با دستهای خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهانخواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند؛ ولی در همان حدی که آنها آقا باشند ما نوکر، آنها ابرقدرت باشند ما

ضعیف؛ آنها ولیّ و قیّم باشند ما جیره‌خوار و حافظ منافع آنها؛ نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی؛ بلکه ایرانی که شناسنامه‌اش را امریکا و شوروی صادر کند؛ ایرانی که ارباب سیاست امریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه مصیبت و عزای امریکا و شوروی شرق و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت‌الحمايگی آنان خارج شده است، که دیگران را هم به خروج از سلطه جباران دعوت می‌کند. کنترل و حذف سلاح‌های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته همه ملت‌هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است. و این همان چیزی است که اخیراً از گفته‌های سران امریکا و شوروی و نوشته‌های سیاسیون آنها آشکار گردیده است که مراودات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابره‌نه‌ها و محرومین در جهان مالکیت‌های بی حد و مرز سرمایه‌داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه متحد شرق و غرب، جبهه قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود؛ و آقایی و سروری محرومین و پابره‌نگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرتهای شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی‌اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزشهای معنوی قابل ذکر نمی‌باشند.

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه‌طلبی و فزون‌طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب‌ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه

نظامهای کفر و شرک آشنا می سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم. و خدا می داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارا تر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره خونها و شهادتها و ایثارها چه شد. اینها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بیخبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملتها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود. و همین تربت پاک شهیدان است که تاقیامت

مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله نور جان و سر باختند! خوشا به حال آنهایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا، این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا، کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش. خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده‌های معظم شهدا! و بدا به حال من که هنوز مانده‌ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سر کشیده‌ام، و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می‌کنم. و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند! بدا به حال آنهایی که از کنار این معرکه بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند!

آری، دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت. و فردا امتحان دیگری است که پیش می‌آید. و همه ما نیز روز محاسبه بزرگتری را در پیش رو داریم. آنهایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده‌اند مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته‌اند، و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده‌اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه حق خواهند کشید. که من مجدداً به همه مردم و مسئولین عرض می‌کنم که حساب اینگونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند؛ و نگذارند این مدعیان بی‌هنر امروز و قاعدین کوتاه‌نظر دیروز به صحنه‌ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه شما وصیت و سفارش می‌کنم که نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد. نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره خود به فراموشی سپرده شوند. اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می‌کنم که هوشیار و مراقب باشید، قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به

معنای حل مسئله جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربۀ تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است؛ ولی دورنمای حوادث را نمی‌توان به طور قطع و جدی پیش‌بینی نمود. و هنوز دشمن از شرارتها دست برنداشته است؛ و چه بسا با بهانه جوییها به همان شیوه‌های تجاوزگرانه خود ادامه دهد. ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم. و ملت ما هم نباید فعلاً مسئله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست. چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه‌ها حملات خود را دنبال کنند. نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کیند و مکر دشمنان غافل بمانند. در هر شرایطی باید بنیۀ دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما، که در طول سالهای جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدیتر بدانند. و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان، اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه‌ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت‌های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثۀ انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جدّ از همه گویندگان و دست‌اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه‌ها و مطبوعات می‌خواهم که خود را از معرکه‌ها و معرکه‌آفرینیها دور کنند؛ و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه‌های تند نگردند؛ و با سعه صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند.

در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند. هر چند این مسئله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست، اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آنهایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبندۀ دیگری را مطرح نمایند؛ و جیره‌خواران استکبار، همانها که تا دیروز در زیر

نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملیگراهای بی فرهنگ برای از بین بردن خون شهدای عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند. که ان شاء الله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می‌گویم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم؛ و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.

خداوندا، تو می‌دانی که استکبار و امریکای جهانخوار گل‌های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا، در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه تکیه گاه ما تویی، و ما تنهای تنهاییم و غیر از تو کسی را نمی‌شناسیم و غیر از تو نخواسته‌ایم که کسی را بشناسیم. ما را یاری کن، که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا، تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیة الله - ارواحنا لثراب مقدمه الفداء - و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی‌ام، ای کسانی که لحظه‌ای حاضر نیستید که از غرور مقدستان دست بردارید، شما بدانید که لحظه لحظه عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می‌گذرد. می‌دانم که به شما سخت می‌گذرد؛ ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی‌گذرد؟ می‌دانم که

شهادت شیرینتر از عسل در پیش شماست؛ مگر برای این خدمتان اینگونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است. بغض و کینه انقلابی تان را در سینه‌ها نگه دارید؛ با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید؛ و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می‌کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می‌باشند. آنها را از این تصمیمی که گرفته‌اند شماتت نکنید، که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است. که ان شاء الله خداوند همه ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

من در اینجا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه‌ها و ذخیره‌های عظیم الهی و به این گل‌های معطر و نوش‌گفته جهان اسلام، سفارش می‌کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید؛ و خودتان را برای یک مبارزه علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه مسئولین و دست‌اندرکاران سفارش می‌کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید؛ و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزشها و نوآوریها همراهی کنید؛ و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید. مبدا اساتید و معلمینی که به وسیله معاشرت‌ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده‌اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجیها بت‌تراشند و روحیه پیروی و تقلید و گدا صفتی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. به جای اینکه گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند. ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته‌ایم آنهمه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفته‌ها داشته باشیم. ان شاء الله در شرایط بهتر زمینه کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می‌سازیم. مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیتهای و حقیقتهاست. و اما مبارزه عملی آنان در بهترین صحنه‌های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه‌ام به جوانان عرض می‌کنم این است که در مسیر ارزشها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید؛ و هیچ‌گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی‌نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید. روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت‌ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسلها همت گماشته‌اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده‌اند؛ بر بالای دار رفته‌اند و محرومیتها چشیده‌اند؛ زندانها رفته‌اند و اسارتها و تبعیدها دیده‌اند؛ و بالاتر از همه، آماج طعن‌ها و تهمت‌ها بوده‌اند؛ و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده‌اند؛ و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر، در کنار مردمند؛ و در هر حادثه غمبار و مصیبت‌آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده‌اند. در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه هدی - علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آنقدر آماج حملات و کینه‌ها گردند. و این به خاطر صداقت و امانتداری است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت‌پذیری در کشوری که با محاصره‌ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاریهای بیشتر آماده کنند؛ و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند. و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می‌شناسد، و فلسفه عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می‌کند. علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی‌کنند. البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته‌ها و صحبت‌ها هر وقت نام «روحانیت» را به میان آورده‌ام و از آنان قدردانی نموده‌ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است؛ که در هر قشری ناپاک و غیرمتعهد وجود دارد. و روحانیون وابسته

ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است. و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده‌اند؛ و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس‌مآب و دین‌فروش زده‌اند و می‌زنند. و روحانیون متعهد ما همواره از این بی‌فرهنگها متنفر و گریزان بوده‌اند. من به صراحت می‌گویم ملیگراها اگر بودند، به راحتی در مشکلات و سختیها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می‌کردند؛ و برای اینکه خود را از فشارهای روزمره سیاسی برهانند، همه کاسه‌های صبر و مقاومت را یکجا می‌شکستند و به همه میثاقها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می‌زدند. کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان‌خواران را نمی‌دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آنها که با روحانیت اصیل کینه دیرینه دارند و عقده‌ها و حسادت‌های خود را نمی‌توانند پنهان سازند آنان را به باد ناسزاگیرند. ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است. که اگر ببندند استخوانهایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم.

علما و روحانیون ان‌شاءالله به همه ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند ولی از باب تذکر و تأکید عرض می‌کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف‌های آنان را بشنوند. و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگِ التقاط و انحراف بر نوشته‌هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. اینها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این

مسائل به در دسر بیندازند. اینها معتقدند که مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه‌ای است که خود فکر می‌کنند. به جای پرخاش و کنار زدن آنها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند، مأیوس نشوید. در غیر این صورت خدای نا کرده به دام لیبرالها و ملیگراها و یا چپ و منافقین می‌افتند؛ و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می‌توانیم به آینده کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم، و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم، و به همه شیوه‌ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می‌شود احاطه داشته باشیم. فرهنگ دانشگاهها و مراکز غیرحوزه‌ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیتها بیشتر عادت کرده است، تا فرهنگ نظری و فلسفی. باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله‌ها، حوزه و دانشگاه درهم ذوب شوند، تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیعتر گردد.

نکته دیگر اینکه من اکثر موفقیت‌های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی در ارزش عملی و زهد آنان می‌دانم. و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود، که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت. هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست. و هیچ وسیله‌ای هم نمی‌تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند. چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزیهای بیمورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند؛ و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه‌داری و سرمایه‌داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت‌سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و خطر سوءاستفاده دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید بشدت مواظب حرکات خود بود. چه بسا افرادی از سازمانها و انجمنها و تشکیلات سیاسی و غیر آنها با ظاهری صددرد صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند؛ و حتی علاوه بر تأمین منافع خود، روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند حمایت از محرومین و پا برهنه‌هاست؛ چراکه هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر

شرایطی خود را عهده‌دار این مسئولیت بزرگ بدانیم. و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده‌ایم.

در خاتمه، از پیشگاه مقدس پروردگار، که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است، تشکر و قدردانی می‌کنم. و از محضر مقدس بقیه‌الله - ارواحنا فداه - عاجزانه می‌خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید. خداوند متعال به خانواده‌های شهدا صبر و اجر، و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید؛ و اسرا و مفقودین را به وطن خویش باز گرداند. خداوندا، از تو می‌خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. اَنْتَ قَرِيبٌ مُّجِيبٌ. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.

پنجم ذی حجه ۴۰۸ / ۶۷/۴/۲۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ بیانات

زمان: صبح ۳۱ تیر ۱۳۶۷ / ۷ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر لزوم هوشیاری رزمندگان و حضور گسترده در جبهه‌ها

مخاطب: رضایی، محسن (فرمانده سپاه پاسداران)

بسم الله الرحمن الرحيم

مسائل سیاسی مربوط به جنگ را وزارت خارجه به عهده دارد، ولی مسائل جبهه‌ها را باید نیروهای نظامی و انتظامی و مردمی زیر نظر ستاد فرماندهی کل قوا به عهده بگیرند.

همان طور که قبلاً گفتیم ما با مردم خود با صداقت صحبت می‌کنیم. ما در چهارچوب قطعنامه ۵۹۸ به صلحی پایدار فکر می‌کنیم و این به هیچ وجه تاکتیک نیست، ولی سلحشوران ارتش اسلام باید خود را آماده کنند که اگر دشمن دست به حملاتی زد، جواب مناسبی به آن بدهند.

فرزندان انقلابی‌ام، توجه کنید که امروز روز حضور گسترده در جبهه‌هاست. فکر نکنید که دیگر جنگ تمام شده است. خود را مسلح به سلاح ایمان و جهاد کنید. بر دشمن غدار رحم جایز نیست. و اینها تمام حرفهایشان یک فریب است. ما خواستیم به دنیا ثابت کنیم که صدام معتقد به مجامع بین‌المللی نیست. و ما تا قبول قطعنامه از سوی عراق جواب دشمنان اسلام را در جبهه‌ها خواهیم داد.

□ حکم

زمان: ۲ مرداد ۱۳۶۷ / ۹ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکیل دادگاه ویژه تخلفات جنگ

مخاطب: رازینی، علی (رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای علی رازینی، رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح

جنابعالی موظف می باشید:

- ۱- دادگاه ویژه تخلفات جنگ را در کلیه مناطق جنگی تشکیل و طبق موازین شرع بدون رعایت هیچ یک از مقررات دست و پاگیر به جرایم متخلفان رسیدگی نمایید.
- ۲- هر عملی که به تشخیص دادگاه موجب شکست جبهه اسلام و یا موجب خسارت جانی بوده و یا می باشد مجازات آن اعدام است. والسلام.

۶۷/۵/۲

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۳ مرداد ۱۳۶۷ / ۱۰ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: وفایی، سیدهاشم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰ ذی حجة الحرام ۱۴۰۸

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

وبعد، جناب مروّج الاحكام و سيد الاعلام آقا سیدهاشم وفایی - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال مظالم عباد و کفّارات و زکوات را در مصارف مقرّره شرعیّه، و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد از مخارج خود نیز مجازند ثلث سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند، و ثلث سهم مبارک امام را نیز در ترویج شریعت مقدسه صرف کنند و دو ثلث دیگر سهمین را جهت صرف در اعلاّی کلمه طیبّه اسلام نزد اینجانب ارسال دارند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۴ مرداد ۱۳۶۷ / ۱۱ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید قربان

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقاي مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید اضحیٰ واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان کشورتان تبریک گفته، سعادت و عظمت مسلمانان جهان را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۱۱ ذی حجة الحرام ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ تقدیرنامه

زمان: ۶ مرداد ۱۳۶۷ / ۱۳ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از خلبانان نیروی هوایی و هوانیروز

مخاطب: ستاری (فرمانده نیروی هوایی) - انصاری (فرمانده هوانیروز) - خلبانان شجاع نیروی هوایی و هوانیروز

بسم الله الرحمن الرحيم

تیمسار سرتیپ ستاری، فرمانده محترم نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران،
و تیمسار سرتیپ دوم انصاری، فرمانده هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران
خلبانان عزیز و قهرمان نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران و خلبانان دلیر و شجاع
هوانیروز

اینجانب از زحمات طاقتفرسای شما و تمامی افراد متعهد و دلسوزی که به نحوی از
انحا در آمادگیهای پروازها دست دارند تشکر می‌نمایم. شما در طول جنگ تحمیلی،
به‌خصوص در شرایط حساس امروز، از رزمندگان صحنه‌های نبرد و میهن اسلامی‌مان با
تمام توان دفاع نموده و می‌نمایید.

شجاعت شما دل تمامی میهن‌دوستان و اسلام‌باوران را شاد کرده است. شما در
صحنه‌های سخت کارزار به دشمنان میهن عزیزمان آموختید که دیگر خیال تعرض به
کشورمان و مکتب حیاتبخش هم میهنانمان را ننمایند.

اینجانب دست یکایک شما را می‌فشارم، و از صمیم جان به شما دعا می‌کنم. خدا یار
و نگهدارتان باد. به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر کفر جهانی. والسلام علیکم ورحمة
الله وبرکاته.

۱۳۶۷/۵/۶

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ / ۲۳ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک سال جدید هجری قمری

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده
تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول سال جدید هجری قمری واصل و
موجب تشکر گردید. امید است ملل اسلامی در این سال جدید با الهام گیری از
دستورات راقیه اسلام بتوانند وحدت واقعی خود را به دست آورده و شر دشمنان اسلام
را از سرزمینهای اسلامی و منابع مادی و معنوی خود کوتاه سازند. والسلام علیکم.

۲۳ ذی حجه الحرام ۱۴۰۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ / ۲۳ ذی الحجه ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک سال جدید هجری قمری

مخاطب: رشید بن سعید آل مکتوم (نایب رئیس و نخست وزیر دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ ذی حجه الحرام ۱۴۰۸

جناب آقای رشید بن سعید آل مکتوم، نایب رئیس و نخست وزیر دولت امارات عربی متحده

تلگراف تبریک جنابعالی به مناسبت حلول سال جدید هجری واصل و موجب تشکر گردید. امید است عموم مسلمانان در این سال جدید بتوانند عظمت از دست رفته خود را در تحت تعالیم عالیّه اسلام باز یافته و دست دشمنان را از کشورهای اسلامی کوتاه نمایند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۳ مرداد ۱۳۶۷ / ۱ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: ابراز تشکر از هدیه ارسالی

مخاطب: نورانی، شمسی

[بسم الله الرحمن الرحيم]

محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - روحی فداء -

سلام علیکم

از آنجاکه مایل نیستم در این شرایط حساس وقت شریف را تصدیع نمایم بدون مقدمه سخنانم را آغاز می‌کنم.

من مادر یک شهید به نام سید علی اصغر کیا از خیل عظیم شهیدان اسلام عزیز هستم. خود در اوایل زندگی بر اثر حادثه‌ای همسر عزیز خود را که از سادات بود از دست دادم و با چهار فرزند به یادگار از آن مرحوم مانده زندگی را ادامه دادم و یکی از آنها را در جنگ تحمیلی تقدیم اسلام و آن حضرت نمودم و اکنون نیز آماده انجام تکلیف می‌باشم.

اماما، پیام پر از درد و محنت شما در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آسایش را از روح و جسم ملت ایران و مستضعفان جهان بویژه خانواده شهیدان گرفت و مطمئن باشید که آنها هم همان‌گونه که فرمودید آن را مانند جرعه زهری نوشیدند ولی تحمل هر چیزی برای رضای خدا و مصلحت اسلام عزیز گواراست.

دشمنان قسم خورده اسلام عزم خود را جزم نموده‌اند که دین مقدس اسلام را منهدم و نابود نمایند و این را از اجداد و پیشینیان پلید خود به ارث برده‌اند. اما زهی خیال باطل. خدایا تو شاهد باش که ما هم با تاسی به پیشوایان بزرگمان همچون ابراهیم و محمد و علی و زهرا و فرزندان معصومان - صلوات الله علیهم اجمعین - و با تقلید از مرجع و ملجأ عظیم الشان انقلاب عزم خود را جزم نموده‌ایم که تا آخرین نفر و آخرین نفس با اهداف نامبارک آنها مبارزه کنیم. اماما، راهپیمایی روز عید غدیر ثابت کرد که مردم شریف ایران مرگ را تحمل می‌کنند ولی ننگ خواری و ذلت در مقابل دشمنان اسلام را نه. آنها با این حضور نشان دادند که همواره گوش به فرمان رهبر الهی خود هستند و این اطاعت را به حکم آیه

شریفه (اطیعوا الله و اطیعوا الرسول) تکلیف شرعی خود می‌دانند.

اماما، مبادا که شرایط روز دامن کبریایی شما را غبار آلود و دل مبارکتان را رنجور نموده باشد. ما به شما اطمینان می‌دهیم که با اشک چشمانمان دامن و دلتان را شستشو و با خونمان نه‌ری و با اجسادمان سدی در مقابل دشمنان اسلام ایجاد خواهیم کرد که در آن غرق و زمینگیر شوند.

اماما، اینجانبه هدیه‌ای ناقابل را که ذخیره نموده و دهها فکر و خیال برای مصرف آن جهت رفاه خود و فرزندانم داشتم به منظور رفع نیاز جبهه‌های جنگ تقدیم می‌نمایم و همچنین نذر نموده‌ام که حقوق شش ماه خود را تقدیم نمایم. لذا اکنون هدیه مذکور (یک قطعه دستبند طلا) را به همراه مبلغ سی هزار ریال (حقوق یک ماه) تقدیم و بقیه را نیز تحویل خواهم داد. ان شاء الله.

در خاتمه آرزوی دعای خیر و تقاضای عاجزانه دارم که با دستخط مبارک (ولو کوتاه) جواب نامه را مرقوم فرمایید. از خداوند تبارک و تعالی به همراه همه مستضعفان و مسلمین و شیعیان طول عمر آن حضرت را با سلامت کامل خواهانم.

حاجیه شمسی نورانی، از طلاب علوم دینیه و از خدمتگزاران امداد امام خمینی کاشان، والده شهید سید علی اصغر کیا. والسلام علیکم ورحمة الله.

بسمه تعالی

فرزند عزیزم، خانم حاجیه شمسی نورانی

نامه پر احساس شما را خواندم. از شما و افرادی مانند شما نمی‌دانم چگونه باید قدردانی کرد. من که در مقابل اینهمه محبت و صفا غیر از تشکر و دعا کاری نمی‌توانم انجام دهم.

دستبندت را برایت می‌فرستم تا از جانب من هدیه‌ای باشد برای تو؛ و معادل آن را با نذر حقوق شش ماهه‌ات را من خود به جبهه می‌فرستم. از قول من به فرزندان عزیزت، این عزیزان ملت شریف ایران، سلام گرمم را برسان. خدا یار و نگهدارت باد.

۶۷/۵/۲۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۳ شهریور ۱۳۶۷ / ۱۲ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حدود اختیارات وزارت کشور درباره نیروهای انتظامی

مخاطب: محتشمی، سید علی اکبر (وزیر کشور)

[محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - دام ظلّه العالی.]

با عرض سلام و تحیات، همان گونه که مستحضرید نیروهای انتظامی (کمیته انقلاب - ژاندارمری - شهربانی) با توجه به اعمال فرماندهی و مدیریت قوی از انسجام و قدرت نسبتاً خوبی برخوردار است و امنیت و انتظامات کنونی در شهرها و خارج شهرها مرهون آن است و به تصدیق مسئولین جنگ، نیروهای انتظامی در جبهه با روحیه قوی تا آخر جنگیدند و عقب نشینی نکردند. طبیعی است که حفظ روحیه مقاومت اسلامی این عزیزان، اولاً در گرو آموزش و سازماندهی تشکیلاتی آنها بوده و ثانیاً به خاطر تفویض اختیاراتی است که مقام معظم فرماندهی کل قوا در ارتباط با نیروهای انتظامی به وزیر کشور اعطا فرموده و اینجانب را در تشویق و تنبیه سریع و به موقع نیروهای یاری نموده است. فلذا آنچه که باعث تصدیع شد اینکه: به دنبال حکم جانشینی فرمانده کل قوا به برادرمان حجت الاسلام و المسلمین آقای هاشمی رفسنجانی و تشکیل ستاد فرماندهی کل قوا به ریاست آقای نخست وزیر، دست به تغییر تشکیلات نظامی کشور زده شده است که این تحولات با توجه به آتش بس ممکن است در بهترین شرایط باشد، ولی همزمان در صدد تغییراتی در سیستم نیروهای انتظامی هستند و از هم اکنون مسئولین فرهنگی، حفاظت اطلاعات و بازرسی را تعیین کرده اند، و بدون آنکه اینجانب مطلع باشم راجع به ادغام و سرنوشت نیروهای انتظامی می خواهند تصمیم گیری نمایند. در حالی که مسئولیت مسائل سیاسی و امنیت و انتظامات کشور و نیروهای انتظامی با وزارت کشور است (البته وزارت کشور از ماهها قبل یک گروه کارشناسی را برای تهیه طرح تشکیلات مطلوب انتظامی مکلف نموده است) به نظر می رسد اقدامات فوق باعث تضعیف و فروپاشی نیروهای انتظامی گردد و بنده به عنوان مسئول امنیت

کشور به عرض عالی می‌رسانم که به مصلحت نمی‌باشد. امید است از ارشادات مقام معظم رهبری بهره‌مند گردیم.

ضمناً از محضر امام بزرگوار استفسار می‌نمایم که آیا اختیارت تفویضی فرماندهی کل قوا به وزرای کشور در نیروهای انتظامی که اینجانب نیز دارا هستم به قوت خود باقی است یا خیر؟ خداوند سایه رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی را بر سر ما مستدام بدارد.

فرزند کوچک شما: سید علی اکبر محتشمی - وزیر کشور]

بسمه تعالی

تمامی مسائل مربوط به کمیته انقلاب اسلامی و ژاندارمری و شهربانی در چهارچوب قانون با وزارت کشور است؛ ولی در زمینه‌های دفاع مقدس اختیار با جانشینی فرماندهی کل قوا است. در موارد تردید، جانشین فرمانده کل قوا و وزیر کشور هماهنگ خواهند بود.

۶۷/۶/۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۶ شهریور ۱۳۶۷ / ۱۵ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: موسوی درچه‌ای، سید تقی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام و المسلمین آقای آقا سید تقی موسوی درچه‌ای - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل کفّارات و زکوات و مظالم عباد، و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد؛ و نسبت به مازاد از مخارج خود نیز مجازند نصف از سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند، و ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را نیز در ترویج شریعت مقدسه اسلام به مصرف برسانند، و مابقی را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۱۵ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۷ شهریور ۱۳۶۷ / ۱۶ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: انصاری کرمانی، مجید

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالمجید انصاری کرمانی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفارات و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مصارف خود به نحو اقتصاد و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه اسلام مصرف نمایند و نصف سهم سادات را نیز مجازند به سادات مستحق پردازند، و مازاد سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام علیه و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۷ شهریور ۱۳۶۷ / ۱۶ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: حکیم، سید محمد باقر

[بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على اشرف النبيين و سيد المرسلين محمد و اهل بيته الميامين الطيبين الطاهرين.

و بعد، فإني قد جعلتُ و لَدِي و قُرَّةَ عَيْنِي و معتمدِي السيد محمد باقر الحكيم سلمه الله تعالى و اسعده في الدنيا و الآخرة و كيلاً عَنِّي في جميع الامور الحسينية التي هي من وظائف الحاكم الشرعي وكالة مطلقة في جميع الامور الخاصة و العامة كَتَوَلَّى ما لا و لِي لَهُ مِنْ أَمْوَالِ القاصرين كالصغار و المجانين و الغائبين و الاوقاف التي لا و لِي لها و كنصب الولى عليه على الشرائط المعلومة من الامانة و الرشد و كاخذ الوجوه الشرعية و منها سهم الامام - عليه السلام - و صرف ما يصل اليه منها في مصارفه الصحيحة الشرعية او حفظه عنده الى ان يوصله اليها و غير ذلك من الامور التي يتولاها الحاكم الشرعي و قد اوصيته و نفسي و جميع المؤمنين بتقوى الله تعالى في الرضا و الغضب و السر و العلانية و ما توفيقى الا بالله عليه توكلت و اليه اُنِيب و هو حسبنا و نعم الوكيل. ۱۱ ذق ۱۳۸۳ - محسن الطباطبائي الحكيم]

بسمه تعالى

جناب ايشان مجازند در تمام آنچه مرحوم آيت الله حكيم اجازه داده اند. ان شاء الله تعالى موفق و مؤيد باشند.

۱۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوي الخميني

□ سخنرانی

زمان: ۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۱۷ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم مشارکت مردم در بازسازی

مناسبت: هفته دولت

حاضر: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور) - موسوی، میر حسین (نخست وزیر) و اعضای هیأت دولت

بسم الله الرحمن الرحيم

لزوم حفظ آمادگی در برابر دشمن

ما اولاً تشکر می‌کنیم از هیأت دولت و ملت ایران که در این ایام جنگ با اینکه خیلی تحت فشار بودند، با قدرت و با حفظ عظمت اسلام کارها را بخوبی انجام دادند تا این خارِ سر راه شکسته شد. و ما امروز باید بعض مسائل را عرض کنیم. من جمله اینکه ما نباید حساب کنیم که جنگ تمام شده است، ما باید حساب کنیم که در حال جنگیم، برای اینکه، دشمن ما - چه دشمنهای بزرگ از قبیل امریکا و شوروی و چه آنهایی که اذنا ب آنها هستند از قبیل صدام و امثال اینها - اینها چون با اسلام مخالف هستند و دیدند که اسلام امروز در دنیا یک قدرت بزرگی شده است در مقابل آنها، از این جهت، آنها دائماً مشغول نقشه کشی هستند، و ما نباید از این مسئله غفلت کنیم. هم باید مردم مهیا باشند. قوای مسلح مهیا باشند. مردمی که باید به جبهه بروند و جبهه‌ها را پر کنند. تعقیب کنند این مطلب را و سستی نکنند. دشمن ما دشمنی است که با نقشه کار می‌کند.

الآن ممکن است که در ایران منتشر کنند که خوب، دیگر مسئله تمام شد و چه شد و مردم را سست کنند و حال اینکه مسئله تمام نشده است، اینها همیشه دنبال این هستند که کارهای خودشان را انجام بدهند و لو به دست ملتها یا دولتها. در ایران چون نمی‌توانند این کار را بکنند، نه ملت با آنهاست نه دولت، از این جهت، یک راههای دیگری که

دارند دنبال می‌کنند. از این جهت، ما باید بیدار باشیم، جبهه‌ها باید پر باشد، ما خودمان را در حال جنگ بدانیم. می‌بینید که به هیچ چیز از امور اعتنا ندارند، امروز می‌گویند جنگ، فردا همان جنگ را صلح می‌کنند، باز فردا جنگ شروع می‌کنند. از این جهت، قوای مسلحه ما و ملت ما باید مهیا باشند برای این امر.

لزوم مشارکت مردم در بازسازی و نظارت دولت

این یک مسئله است، مسئله دیگر؛ این مسئله بازسازی است که بسیار مهم است، در بازسازی اگر بخواهد ملت سر خود کار بکند، فساد ایجاد می‌شود. اگر بخواهد دولت مستقل اجرا کند، قدرت ندارد. باید مردم همراهی کنند و هر چه قدرت دارند برای این امر مهم به میدان بیاورند، لکن با نظارت دولت. و راجع به اینکه کجا مقدم، کجا مؤخر، این بالاخره صحبت پیش می‌آید و آن طوری که صلاح است این است که هیأت تشخیص مصلحت باشد مرکب از سران کشور و نخست‌وزیر و تشخیص بدهند، تشخیص مصلحت بدهند که کجا باید اول باشد، کجا باید بعد باشد، وضعیت باید چه جور باشد. مردم خودشان داخل باشند، لکن مستقل نباشند. و دولت باید به مردم مجال بدهد به اینکه در کارها داخل بشوند. و مردم هم باید به دولت مجال بدهند که با تأنی و نقشه کشی این کار مهم را انجام بدهند؛ ممکن است دستهایی در کار باشند که بخواهند در همین مقوله هم راجع به بازسازی هم شلوغ کنند و فساد ایجاد کنند، این را باید خیلی متوجه باشند و این همان هیأت تشخیص مصلحت که مرکب از سران کشور است، آنها باید نظارت کنند در امور، لکن مردم را هم شرکت بدهند. چنانچه حالا بعد از جنگ است مردم باید در کارهای تجاری آزاد باشند لکن با نظارت دولت، که یک وقت - خدای نخواست - دوباره از آن چیزهایی که از خارج می‌آوردند و آن چیزهای فاسدی که می‌آوردند دوباره شروع نکنند. دولت اجازه بدهد مردم از خارج چیز بیاورند، تجارت کنند، لکن نظارت داشته باشد که فساد ایجاد نشود. این هم یک مطلبی است که مهم است و باید خیلی در آن [دقت] کرد.

و باز مسائلی هست که تمامش مربوط به این است که ما باید بیدار باشیم در این امور، نباید که توهم کنیم که باید همه آن کارها زودی درست بشود. الآن ممکن است که یک عده‌ای بیفتند توی مردم ... اشخاصی که مخالف با ما هستند - هستند، زیادند - الآن هم هستند که خوب، جنگ تمام شد، یا الله زود تمام کنید! مطلب یک مطلبی نیست که بزودی تمام بشود، مطلبی است که هشت سال کوبیدند، شهرهای ما را از بین بردند؛ این باید اقلاً همان قدری که آنها کردند ما دنبال کنیم که ان شاء الله تا چند سال بتوانیم این کار را انجام بدهیم. مردم ننشینند گوش کنند به حرف اشخاص که زود باید درست بشود، فوراً باید همه چیز درست بشود؛ نه، نمی‌توانند، مسئله‌ای است که نمی‌شود. این را هم، در این امر باید خیلی دقیق باشند و هم در مهیا بودن راجع به جنگ.

و من امیدوارم که خداوند تأیید کند شما را؛ همان طور که تا حالا تأیید کرده است، ما تا حالا با تأییدات الهی پیش رفته‌ایم، بنابراین، کار مهم اتکال به خدای تبارک و تعالی است. تا حالا هر چه شده به دست او بوده، از حالا هم تا آخر به دست اوست و ما هم تابع هستیم که کارهایی که ایشان می‌گویند عمل کنیم. و شما هم متوجه به این معنا باشید که اتکالتان را به خدا زیاد کنید و توجه‌تان را به خدا زیاد کنید و ما چیزی نیستیم، ما هیچ هستیم. آن که هست اوست. و آن که کار می‌کند اوست. و من هم که وظیفه‌ام دعاست. من دعا می‌کنم راجع به همه شما. و از خدای تبارک و تعالی می‌خواهم که به همه شما توفیق بدهد. به همه شما سلامت بدهد. به ملت ایران توفیق و سلامت بدهد. خداوند دشمنان اسلام را نابود کند.

والسلام علیکم ورحمة الله

□ حکم

زمان: ۱۳ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۲ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لغو حق تعزیرات حکومتی واگذار شده به قوه مجریه

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای - دامت افاضاته

با اهدای سلام و دعای خیر برای اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت، در این زمان که بحمدالله تعالی کار جنگ بدین جا رسیده است، اینجانب حق تعزیرات حکومتی را لغو نمودم.

حدود تعزیرات، چه شرعی و چه حکومتی، حق فقهای جامع شرایط است؛ ولی برای جلوگیری از فساد، لازم است مجمع تشخیص مصلحت، تشخیص مصالح را در اجرا و عدم اجرا داده، و به نحوی که مصلحت را تشخیص می‌دهند عمل کنند. ان شاء الله موفق باشید.

۶۷/۶/۱۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۴ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۳ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: عرصه تقابل اسلام ناب محمدی (ص) با اسلام امریکایی

مناسبت: شهادت آقای سیدعارف حسین حسینی

مخاطب: ملت مسلمان پاکستان - علمای اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات علمای اعلام و حجج اسلام و ملت بزرگوار پاکستان - ایدهم الله تعالی پیامها و تلگرافات تبریک و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت الاسلام آقای سیدعارف حسین الحسینی این یار وفادار اسلام و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - علیه السلام - واصل گردید. گرچه این حادثه بزرگ قلوب مسلمانان و خصوصاً روحانیت متعهد اسلام را جریحه دار نمود، ولی مسئله‌ای دور از انتظار ما و ملت‌های مظلوم جهان و خصوصاً ملت بزرگوار پاکستان که خود طعم تلخ استعمار را چشیده است و با مبارزه و جهاد و شهادت استقلال خویش را به دست آورده است، نبود.

درد آشنایان جوامع اسلامی، همانان که با محرومان و پابرهنگان میثاق خون بسته‌اند، باید توجه کنند که در آغاز راه مبارزه‌اند و برای شکستن سدهای استعمار و استثمار و رسیدن به اسلام ناب محمدی راه طولانی در پیش دارند. و برای امثال علامه عارف حسین حسینی بشارتی بالاتر از این نبوده است که از محراب عبادت حق عروج خونین ارجعی الی ذبک^(۱) را نظاره کند، و جرعه وصل یار را از شهد شهادت بیاشامد، و شاهد وصول هزاران تشنه عدالت به سرچشمه نور گردد. بزرگترین فرق روحانیت و علمای متعهد اسلام با روحانی‌نماها در همین است که علمای مبارز اسلام همیشه هدف تیرهای

۱- بخشی از آیه ۲۸ سوره فجر: «به سوی پروردگارت باز گرد».

زهر آگین جهانخواران بوده‌اند و اولین تیرهای حادثه قلب آنان را نشانه رفته است؛ ولی روحانی نماها در کنف حمایت زرپرستان دنیا طلب، مروّج باطل یا ثناگوی ظلمه و مؤید آنان بوده‌اند.

تا به حال یک آخوند درباری یا یک روحانی وهابی را ندیده‌ایم که در برابر ظلم و شرک و کفر، خصوصاً در مقابل شوروی متجاوز و امریکای جهانخوار ایستاده باشد. همان‌گونه که یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد. و عارف حسینی اینگونه بود. و ملتهای اسلامی حتماً دلیل این واقعه را دریافته‌اند که چرا در ایران «مطهری»ها و «بهشتی»ها و شهدای محراب و سایر روحانیون عزیز، و در عراق «صدر»ها و «حکیم»ها و در لبنان «راغب حرب»ها و «کُرّیم»ها، و در پاکستان «عارف حسینی»ها، و در تمامی کشورها روحانیون درد آشنای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - هدف توطئه و ترور می‌شوند.

ملت شریف و مسلمان پاکستان، که بحق ملتی انقلابی و وفادار به ارزشهای اسلامی بوده‌اند و با ما رابطه دیرینه گرم انقلابی، عقیدتی و فرهنگی دارند، باید تفکر این شخصیت شهید را زنده نگه دارند، و نگذارند شیطان زادگان جلوی رشد اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - را بگیرند. امروز استکبار شرق و غرب چون از رویارویی مستقیم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از میان بردن شخصیت‌های دینی و سیاسی را از یک طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام امریکایی را از طرف دیگر به آزمایش گذاشته‌اند. ای کاش همه تجاوزات جهانخواران همانند تجاوز شوروی به کشور مسلمان و قهرمان پرور افغانستان علنی و رودرو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغین غاصبین را در هم می‌شکستند؛ ولی راه مبارزه با اسلام امریکایی از پیچیدگی خاصی برخوردار است که تمامی زوایای آن باید برای مسلمانان پابرهنگه روشن گردد؛ که متأسفانه هنوز برای بسیاری از ملتهای اسلامی مرز بین «اسلام امریکایی» و «اسلام ناب محمدی» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس نماهای متحجر و سرمایه‌داران

خدانشناس و مرفهین بی درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن این حقیقت که ممکن نیست در یک مکتب و در یک آیین دو فکر متضاد و رودررو وجود داشته باشد از واجبات سیاسی بسیار مهمی است، که اگر این کار توسط حوزه‌های علمیه صورت پذیرفته بود، به احتمال بسیار زیاد سید عزیز ما، عارف حسین، در میان ما بود. وظیفه همه علماست که با روشن کردن این دو تفکر، اسلام عزیز را از ایادی شرق و غرب نجات دهند. البته خون این شهیدان عزیز تمامی خاک و خاشاکها را از مسیر اعتلای ارزشهای معنوی ریشه کن می‌سازد، و همه مروجین باطل را به دریا می‌ریزد؛ ولی نباید از این مسئله غفلت کنیم که امروز روز آماده‌باش همه دشمنان اسلام است، روز بیدار باش همه جهانخواران است. آن روزی که استعمار شرق و غرب مسلمانان را خواب کرده بود و بر مرکب مراد سوار بود از خطر بزرگ و بالقوه‌ای به نام اسلام و قرآن سخن می‌گفت. و اما امروز که شوروی و امریکا به دنبال انقلاب مقدس اسلامی ایران صدها ضربه سیاسی و نظامی و فرهنگی خورده‌اند و در همه جای عالم زنگ خطر اسلام علیه منافع حیاتی‌شان به صدا درآمده است باید با دقت تمام کیند و فریب استکبار شرق و غرب را شناخت و خنثی نمود.

ملت‌های مسلمان باید اصل را بر دشمنی و فریب ابرقدرتها با خود بگذارند، مگر اینکه خلاف عینی و عملی آن را مشاهده و لمس و باور نمایند. ما به جبل ولایت خدا و پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - چنگ زده‌ایم؛ و جداً باید از هر آنچه غیر رضایت آنان است متنفر و بیگانه باشیم، و از این بیگانگی هم بر خود فخر و مباهات کنیم.

شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین حسینی، را به روحانیون متعهد اسلام و خانواده محترم این شهید و ملت مسلمان پاکستان تبریک و تسلیت عرض نموده؛ و به همه برادران و خواهران مسلمان خود در آن کشور اطمینان می‌دهم که ایران اسلامی در کنار شما و به عنوان یاری امین و سنگری محکم از شرافت، استقلال، عزت و اعتبار اسلامی تان دفاع خواهد نمود.

اینجانب فرزند عزیزی را از دست داده‌ام. خداوند تعالی به همه ما توفیق تحمل

مصائب و توان ادامه راه پر فروغ شهیدان را بیشتر از پیش کرامت فرماید؛ و توطئه و مکر
ستمگران را به خودشان برگرداند؛ و ملت پرکرامت اسلام را در مسیر جهاد و شهادت
ثابت قدم نگه دارد. والسلام علی عبادالله الصالحین.

به تاریخ ۲۳ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۴ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مخالفت با استعفای نخست‌وزیر

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست‌وزیر)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای موسوی، نخست‌وزیر محترم

نامه استعفای شما باعث تعجب شد.

حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسئولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید.

در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند چه وقت گله و استعفا است. شما در سنگر نخست‌وزیری، در چهارچوب اسلام و قانون اساسی، به خدمت خود ادامه دهید.^(۱) در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید، چون گذشته عمل می‌شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل بود رأی دهد.

تغزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است، که اگر صلاح بداند به هر میزان که مایل باشد در اختیار دولت قرار خواهد داد.

۱- آقای میرحسین موسوی که یکی از کارگزاران امین و مورد علاقه و حمایت امام خمینی در طول دوران تصدی پست نخست‌وزیری در حساسترین و دشوارترین مراحل تاریخ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، پس از دریافت نظر امام خمینی طی نامه‌ای استعفای خویش را پس گرفت. متن نامه ایشان بدین قرار است: «بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک مقام رهبری، حضرت امام خمینی - مدظله العالی - ضمن تقدیم سلام و تحیات، پیام پدرانه و هشدار دهنده حضرت تعالی را به گوش جان شنیدم. اینجانب عزت و مصلحت را در تبعیت از مقام معظم رهبری می‌دانم و استعفای خود را که با انگیزه دلسوزی برای اسلام و انقلاب و مصلحت کشور تقدیم نموده بودم، پس می‌گیرم. مسائل و مواردی که چاره‌جویی آنها را به مصلحت کشور می‌دانم، حضوراً عرض می‌کنم و در هر حال مطیع امر رهبری به عنوان یک مرید و مقلد بوده و هستم. میرحسین موسوی، نخست‌وزیر».

همه باید به خدا پناه بریم؛ و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوء استفاده کنند.

مردم ما از اینگونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند، این حرکات هیچ تأثیری در خطوط اصیل و اساسی انقلاب اسلامی ایران نخواهد داشت.

از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، ان شاء الله عند الملاقات مسائلی است که گوشزد می‌نمایم. والسلام.

۶۷/۶/۱۵

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۷ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۶ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت تنظیم و تدوین آثار امام خمینی

مخاطب: خمینی، سیداحمد

[بسم الله الرحمن الرحيم. پدر عزیز و مراد بزرگوارم، پس از عرض سلام:

۱- یکی از مسائل بسیار مهم که بعد از جنابعالی - خدا آن روز را نیاورد - موجب موضعگیریهای مختلف فرزندان انقلاب و افراد گوناگون و محققین و احیاناً اختلاف آنها می‌گردد، برداشتهای گوناگون سیاسی و غیر سیاسی آنان از یک متن است، و از این بسیار گسترده‌تر، از اختلاف بین متون منتشر شده حضرت تعالی با آنچه به عنوان اسناد سیاسی و غیره از صدا و فیلم و متنهاى دستنویس جنابعالی که منتشر نشده و در اختیار ماست سرچشمه می‌گیرد. شما بهتر از هرکس می‌دانید که به علل گوناگون گاهی خود شخصاً و گاهی اینجانب و یا مسئولین و حتی بعض افراد معمولی پیشنهاد حذف یک قسمت و یا قسمتهایی از سخنرانیها، یا حذف و تغییر و اضافه جملہ و یا جملاتی بسیار در اعلامیه‌ها خدمتتان عرضه شده است که حضرت تعالی گاهی قبول نمی‌فرمایید و گاهی هم پس از دقت، دستور حذف و یا تغییر و اضافه را بدان صورت که مایل باشید صادر می‌فرمایید که انجام می‌گیرد، حال اگر روزی تصمیم بر این گردد - که حتماً می‌گردد - متن سخنرانیها و یا اعلامیه‌ها و چیزهایی از این قبیل که با صدا و خط حضرت تعالی است منتشر گردد مسلماً متن دستخط و یا متن اصلی صدا و فیلم به عنوان سند خدشه‌ناپذیر اصل قرار می‌گیرد و آنچه از زیاد و کم بدان صورتی که گذشت ولو بسیار هم مهم باشد یا کنار گذاشته می‌شود و یا تحت الشعاع خط و یا متن اصلی سخنرانی قرار می‌گیرد و این از مسائلی است که باید جدی برای آن فکری کرد.

۲- یکی دیگر از مسائلی که خوب است حضرت تعالی برای آن فکری کنید این است که آنچه از حضرت تعالی منتشر شده است در جراید و صدا و سیما و حتی در بولتنها، به یک صورت نیست، گاهی دیده شده در روزنامه‌ای و یا مجله‌ای به علل مختلف، چه سیاسی و چه غیر سیاسی و یا سهواً، جمله و یا

جملاتی از لابلای اعلامیه‌ها و یا سخنرانیها در روزنامه‌ای آورده شده و در روزنامه دیگر نیامده است، کدام را باید اصل قرارداد، آن متنی که این جمله را دارد و یا متنی که فاقد آن جمله است؟ بدیهی است این تردید در جایی است که دسترسی به صدا و خط حضرت تعالی نیست و این هم بسیار است چرا که خیلی وقتها است که صحبت‌های جنابعالی را من و یا یکی دیگر از دوستان می‌نویسیم و بعد از تصویب شما به مطبوعات و غیره می‌دهیم، چه کسی باید تشخیص دهد آن جمله از حضرت تعالی است یا نه؟ روشن است که گاهی تغییر و یا حذف و یا اضافه کلمه‌ای به طور کلی معنای جمله را تغییر می‌دهد.

۳- مسئله دیگر این است که تکلیف نامه‌ها و نوشته‌ها و پیامها و فیلم و نوارها و اشعارتان که بطور کلی منتشر نشده است و در بایگانی دفتر موجود است را هم روشن بفرمایید.

۴- پرونده‌های حضرت تعالی در ساواک است (که الآن در اختیار وزارت اطلاعات می‌باشد) و یک نسخه از آن را اینجانب در اختیار دارد، لازم است به اطلاع حضرت تعالی برسانم که تنها پرونده‌های جنابعالی در سازمان امنیت شاه در تهران ۴۸ جلد است که تقریباً هر جلد حدود پانصد صفحه می‌باشد که انتشار آن بدون شک پرده از مسائل بسیاری برمی‌دارد و طبیعی است که یکی از گرانقدرترین اسناد انقلاب اسلامی است.

۵- کتابها و نوشته‌هایی که صرفاً علمی و یا اخلاقی است از ارزشمندترین کتبی است که می‌تواند زیربنای انقلاب فقهی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی و اصولی باشد.

۶- بهره‌برداری و تحقیق و تحلیل و نیز انتشار اسناد و نامه‌ها و بولتنهایی که قبل و بعد از انقلاب به عنوان حضرت تعالی و یا دفتر ارسال گردیده و هم‌کنون نیز در اختیار دفتر می‌باشد. دو - سه نمونه از مواردی که باعث نوشتن این نامه شد به عنوان ضمیمه و استشهاد تقدیم می‌گردد. خدا یار و نگهدارتان باد.

فرزند شما: احمد خمینی [

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزند عزیزم، احمد - حفظه الله تعالی و ائده

از آنجا که شما را بحمد الله تعالی در مسائل سیاسی و اجتماعی صاحب‌نظر می‌دانم و در

تمامی فراز و نشیبها در کنار من بوده‌ای و هستی و با صداقت و کیاست امور سیاسی و اجتماعی اینجانب را متصدی هستی، لهذا شما را برای تنظیم و تدوین کلیه مسائل مربوط به خود - که بسا در رسانه‌های گروهی اختلافات و اشتباهاتی رخ داده است - انتخاب می‌نمایم. و از خداوند متعال، که حاضر و ناظر است، توفیقات شما را خواستارم. امید است با صرف وقت و دقت نظر این امر را به پایان برسانی. والسلام علیکم.

پنجشنبه ۱۷ شهریور ۶۷ / ۲۶ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۷ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مقدادی، علی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي آقا شيخ على مقدادی - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمين نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارك امام - عليه السلام - را در مصارف خودشان به نحو اقتصاد؛ و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده، و دو ثلث ديگر را ارسال دارند؛ و سهم سادات را نیز مجازند نصف آن را به سادات مستحق پردازند و نصف ديگر را ارسال دارند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام عليه و رحمة الله و بركاته.

۲۷ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوى الخمينى

□ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۹ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۸ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی

[بسم الله الرحمن الرحيم. خدمت مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - دامت برکاته
۱- از آنجا که آلات لهو و لعب استفاده‌های مشروع از قبیل نواختن سرودها را دارد آیا خرید و فروش
آن بی اشکال است؟]

بسمه تعالی

خرید و فروش آلات مشترکه به قصد منافع محلله آن اشکال ندارد.

[۲- اگر شطرنج آلات قمار بودن خود را به طور کلی از دست داده باشد و چون امروز تنها به عنوان
یک ورزش فکری از آن استفاده گردد بازی با آن چه صورتی دارد؟]

بسمه تعالی

بر فرض مذکور اگر برد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد.

□ نامه

زمان: ۲۰ شهریور ۱۳۶۷ / ۲۹ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأیید آقای محتشمی

مخاطب: انصاری کرمانی، مجید (نماینده مجلس شورای اسلامی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی

با ابلاغ سلام و ابراز ارادت، از آنجا که یکی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی - آید الله تعالی - در مخالفت با حجت الاسلام والمسلمین آقای محتشمی وزیر محترم کشور مطالبی ایراد فرموده‌اند، از آن جمله «نقل معنا» اینکه مقصود حضرت تعالی در نامه خود به هیأت وزیران که هر وزیری باید در محدوده اختیارات خود اقدام نماید، جناب آقای محتشمی بوده است، برای جمعی از نمایندگان محترم و حقیر این سؤال پیش آمده است که اگر امر بدین گونه بوده است ما تکلیف خود را بدانیم. والا مرالیکم - نماینده زرنند کرمان.

[۱۳۶۷/۶/۲۰ - مجید انصاری کرمانی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای محتشمی - آید الله تعالی - از دوستان قدیمی من و فردی متدین، متعهد و مبارز است که با هوش سیاسی‌ای که دارد همیشه خدمتگزاری خوب برای اسلام و ایران بوده است.

مقصود من از نامه به هیأت وزیران آقای محتشمی نیست. ان شاء الله آقایان در مسائلی که می‌خواهند به کسی نسبت دهند، دقت کافی نمایند و جهات شرعی را نیز مراعات نمایند.

۲۰ شهریور ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۶۷ / ۳۰ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مُهری، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب سيد الاعلام و ثقة الاسلام و المسلمين آقاي حاج سید محمد مُهری - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد؛ و نسبت به مازاد از مخارج نیز مجازند در صرف ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - در ترویج شریعت مقدسه و پرداخت نصف از سهم سادات عظام را به سادات مستحق و ارسال مابقی سهمین را نزد اینجانب جهت صرف در اعلاى کلمه طيبه اسلام - صانها الله تعالى عن الحدثان.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و رعاية الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام عليه و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۳۰ محرم الحرام ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۱ شهریور ۱۳۶۷ / ۳۰ محرم ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مهدوی، مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

۳۰ محرم الحرام ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي حاج شيخ مهدی مهدوی - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف زکوات و مظالم عباد و کفّارات را در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ آنها و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد بر مخارج خود نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را نزد اینجانب ارسال دارند. و سهم سادات را نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات عظام - کثر الله نسلهم المبارک - و نصف دیگر را ارسال دارند. والسلام علیه و علی عبادالله الصالحین و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۶ شهریور ۱۳۶۷ / ۵ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از رشادتهای سپاه پاسداران و بیان رسالت فرماندهان سپاه در زمان صلح

مخاطب: فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

فرزندان عزیزم، فرماندهان و مسئولین محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پایان قریب هشت سال دفاع مقدسی که منتهی به استقلال و تمامیت ارضی کشور و شکست طرحهای توسعه طلبانه دشمنان انقلاب اسلامی مان گردید، نمی دانم با چه بیانی احساسات و علاقه خویش را به شما سربازان گمنام و سرداران دلاوری که توفان خشم این امت حزب الله از سینه صحنه کارزار شما جوشیده است بیان نمایم. در نزد موحدین و سالکان طریقت سخن از اجر و پاداش دنیایی، اسائه ادب به منزلت و مقام آنان است؛ و دنیا با همه زرق و برقها و اعتباراتش به مراتب کوچکتر از آن است که بخواهد پاداش و ترفیع مجاهدان فی سبیل الله گردد. و مجاهد فی سبیل الله بزرگتر از آن است که گوهر زیبای عمل خود را به عیار زخارف دنیا محک بزند. اما من که وظیفه ام دعا گوئی و سپاس و تشکر از همه سپاهیان و بسیجیان و ارتشیان است، باید به همه نیروهای مسلح کشور و به شما اطمینان بدهم که تا من زنده هستم و تا رمق در جسم و جان دارم از حمایت و دعای خیر برای شما دریغ نخواهم کرد؛ و شما را از بهترین عزیزان و همراهان خود می دانم؛ و همان گونه که در ایام جنگ در کنار شما بوده ام، و شاید یکایک شما محبت و ارادتم را به خود احساس کرده اید، بعد از این نیز چنین خواهم بود. شما آئینه مجسم مظلومیتها و رشادتهای این ملت بزرگ در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلابید. شما فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمین و سپر حوادث این کشورید. شما یادگاران و همسنگران و فرماندهان و مسئولان بیداردلانی بوده اید که امروز در قرارگاه محضر حق

مأوا گزیده‌اند. و از آنجا که من بین خودم و شما فاصله‌ای نمی‌بینم و سخن دل شما و همه عاشقان انقلاب اسلامی را پیش از اینکه به کاغذ و قلم کشیده شود درک می‌نمایم، تصور می‌کنم که شما به خاطر آن غرور مقدس و آن روح پر حماسه‌ای که سالها در میدانهای نبرد و در هنگامه آتش و خون و از دل صخره‌های صعب مشکلات در فضای سرد و گرم حوادث آبدیده شده است و همه ذرات وجودتان با شجاعت و بیقراری عجین گردیده، از سکون و آرامش رنج ببرید و دلتان در همان حال و هوای خیمه جنگ بتپد، و چه بسا از خود پرسید که در شرایط صلح چه نیازی به وجود ما است که این هم از برکات معنویت و تحول در کشور ما است که پس از هشت سال دفاع مقدس خود احساس خستگی نمی‌کنید. ولی من به طور جدّ و اکید می‌گویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود، به وجود یکایک شما نیازمند است، چه صلح باشد و چه جنگ. من باز تأکید می‌کنم که ما در سیاست خود برای رسیدن به صلح در چهارچوب قطعنامه شورای امنیت جدی هستیم، و هرگز پیشقدم در تضعیف آن نخواهیم بود؛ ولی آثار کارشکنی را در سیاست و رفتار نظامی عراق مشاهده می‌کنیم، که بعید به نظر نمی‌رسد که دست بعضی از قدرتها و ابرقدرتها در این قضایا پنهان باشد و چه بسا صدامیان بخواهند بخت سیاه و تیره گون خود را مجدداً آزمایش کنند.

در هر حال، ما باید آماده و مهیا باشیم. روزهای حساس و تعیین‌کننده‌ای در پیش داریم؛ و انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماههای تعیین‌کننده دیگر در پیش خواهد داشت؛ که واجب است پیش‌کسوتان جهاد و شهادت در همه صحنه‌ها حاضر و آماده باشند، و از کُتد و مکر جهانخواران و امریکا و شوروی غافل نمانند؛ و حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح، باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد، چرا که در هنگامه نبرد مجال پرداختن به همه جهات قوّتها و ضعفها و طرحها و برنامه‌ها، و در حقیقت ترسیم استراتژی دفاع همه جانبه، نبوده است. ولی در شرایط عادی باید با سعه صدر و به دور از

حب و بغضها به این مسائل پرداخت؛ و از همه اندوخته‌ها و تجربه‌ها و استعدادها و طرحها استفاده نمود؛ و در جذب هرچه بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب همت گماشت، و تجارب را به دیگران منتقل ساخت؛ و در تجهیز کلیه آحاد و افراد این کشور، بر اساس اصول و فرمول خاص دفاع همه جانبه، و تا رسیدن به تشکل واقعی و حقیقی بسیج و ارتش بیست میلیونی، کوشش نمود. و در کنار این مسئولیت بزرگ و پیروی از خطوط کلی سیاست نظامی کشور، باید همان محافل انس و نورانیت و برادری و وحدتی که در میدانهای نبرد و در جبهه بوده است و همان ارتباط معنوی که میان شما و روحانیون عزیز برقرار بوده به مجامع داخلی و به همه محیطهای سیاسی و اجتماعی و نظامی کشانده شود، تا انقلاب اسلامی ما از خطر آفتها و تفرقه‌ها و بی‌تفاوتیها محافظت گردد. و مبادا که این سرمایه‌های عظیمی که محصول سالها تجربه و تلاش در عُسرتها و فراز و نشیبها بوده است، در مسیر زندگی روزمره به فراموشی سپرده شود.

من به شما دعا می‌کنم و عزت و سعادت دنیا و آخرتتان را از پیشگاه مقدس حق مسئلت دارم. ان شاء الله در لوای عنایت پروردگار و در ظل توجه حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - پایدار و سرفراز باشید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۲۶ شهریور ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ / ۶ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: ملکی، کاظم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي آقا شيخ كاظم ملكي - دامت توفيقاته
- از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبيّه و اخذ و جوه شرعيه از قبيل زكوات و
كفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقررّه؛ و در مورد سهمين مباركين نيز
مجازند در اخذ و صرف سهم مبارك امام - عليه السلام - را در مصارف خود به نحو
متعارف و نسبت به مازاد نيز مجازند ثلث آن را در ترويج شريعت مقدسه صرف نموده و
نصف سهم سادات را نيز مجازند به سادات مستحق بپردازند، و مابقي سهمين را نزد
اينجانب ارسال دارند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بملازمة التقوى و رعاية الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ و
السلام عليه و علينا و رحمة الله و بركاته.

۶ صفر الخير ۱۴۰۹

روح الله الموسوى الخميني

□ پیام

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکر از رسیدگی به مسائل فرهنگی فرزندان شاهد و تقدیر از دانش‌آموزان ممتاز شاهد
مخاطب: کروی، مهدی (سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی - دامت افاضاته
گزارش مشروح مسائل فرهنگی و تحصیلی فرزندان عزیز شاهد واصل گردید. از تلاش مسئولین و صاحب‌نظرانی که به این امر مهم اهتمام نموده و در راه بارور شدن و شکوفایی استعدادهای سرشار نونهالان و جوانان برنامه‌ریزی کرده‌اند تشکر می‌نمایم.
از اینکه نوشته‌اید فرزندان عزیز شهدا و مفقودین و جانبازان و اسرا با جدیت و عشق و علاقه درس می‌خوانند موجب غرور و شادمانی است. سلام گرم و محبت خالصانه‌ام را به این سرمایه‌های گرانهای انقلاب، این یادگاران معلمین جاوید دانشگاه عشق و شهادت، ابلاغ نمایید. و از قول من به آنان بگویید که من با تمام وجود به شما عشق می‌ورزم و شما را از دل و جان دوست دارم؛ و علاقه‌مندم که فرد فرد شما عالم و متخصصی متعهد برای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و مبارزی سرسخت علیه اسلام امریکایی و مرفهین و پرچمدار وفاداری برای ایثارگران و شهیدان خود باشید، و بتوانید با چراغ علم و عمل و تقوا ظلمت نفاق و کج فکریها و تحجرها و مقدس‌مآبیها را از دامن اسلام بزدايید. کارنامه نورانی شهادت و جانبازی عزیزان شما گواه صادقی بر کسب بالاترین امتیازات و مدارج تحصیل معنوی آنان است که با مهر رضایت خدا امضا شده است؛ و اما کارنامه شما در گرو تلاش و مجاهدت شماست. زندگی در دنیای امروز زندگی در مدرسه اراده است؛ و سعادت و شقاوت هر انسانی به اراده همان انسان رقم می‌خورد. اگر بخواهید عزیز و سربلند باشید، باید از سرمایه‌های

عمر و استعدادهای جوانی استفاده کنید. با اراده و عزم راسخ خود به طرف علم و عمل و کسب دانش و بینش حرکت نمایید، که زندگی زیر چتر علم و آگاهی آنقدر شیرین و انس با کتاب و قلم و اندوخته‌ها آنقدر خاطره‌آفرین و پایدار است که همه تلخیها و ناکامیهای دیگر را از یاد می‌برد. بشریت با همه پیشرفتهایش در علوم و فنون هنوز در گهواره طفولیت دانش است، و تا رسیدن به بلوغ کامل راه طولانی در پیش است. امیدوارم ملتهای اسلامی و ملت بزرگ ایران با یک تحرک فرهنگی گسترده بتوانند مسلمانان را از فقر و تنگنای علمی درآورند.

توصیه مجدد و اکید من به همه دست‌اندرکاران و مسئولین کشور این است که بیشتر از گذشته به امور فرهنگی این عزیزان توجه نمایند. من هدیه‌ای جز دعای خیر برای فرزندان شاهدان همیشه تاریخ، خصوصاً آنهایی که در تحصیل جزء شاگردان ممتاز شناخته شده‌اند، ندارم. امیدوارم خداوند عطش علم‌آموزی را در آنان زیاد، و سینه‌هاشان را دریای معارف خود گرداند، و تعهد عمل را به آنان کرامت نماید. والسلام علیکم ورحمة الله.

به تاریخ ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تسریع در احداث سد ۱۵ خرداد قم

مخاطب: صانعی، حسن (سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

[محضر مقدس رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی

امام خمینی - روحی فداه

با ابلاغ سلام و ادای تحیات وافر به استحضار عالی می‌رساند، در اجرای فرمان مبارک مبنی بر احداث سد ۱۵ خرداد به منظور تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی شهر خون و قیام، قم تاکنون گامهای مؤثری برداشته شده است و مراحل از اجرای این طرح عظیم به انجام رسیده است. بحمد الله از نظر امکانات مالی تا به حال مشکلی وجود نداشته است و در خصوص تأمین مصالح مورد نیاز بخصوص لوازمی که در قبال ارز تهیه می‌گردد مسائلی وجود دارد که ان شاء الله با عنایتی که خواهید فرمود حل خواهد شد. فعلاً تنها مشکلی که مانع سرعت عمل که مد نظر آن امام بزرگوار است و موجبات تأخیر اجرای طرح را فراهم می‌سازد، عدم تمرکز در تصمیم‌گیریهای اجرایی است. از این رو مسئولین و بنیاد ۱۵ خرداد برای پیشبرد سریع کار اینگونه تشخیص داده‌اند که کارها صرفاً زیر نظر بنیاد و وزارت نیرو باشد. علی‌هذا متمنی است موافقت فرمایید ادامه کار زیر نظر این دو ارگان انجام پذیرد.

حسن صانعی - سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای صانعی - دامت افاضاته

با توجه به محرومیت مردم قم و زحمات آنان در طول مبارزه با طاغوت سرعت عمل در بنای سد پانزدهم خرداد ضروری به نظر می‌رسد. با تشکر از تمامی افرادی که در مورد سد مذکور زحمت کشیده و می‌کشند با پیشنهاد جنابعالی که همیشه مورد اعتماد و

اطمینان اینجانب بوده و می‌باشید و همیشه تلاش نموده‌اید تا در جهت رفاه مردم محروم و مظلوم یار و غمخوار آنان باشید موافقت می‌نمایم. مسئولان و دست‌اندرکاران بنیاد پر برکت پانزدهم خرداد باید با فداکاری و پشتکار در اتمام سد و کارهای خیر دیگر تلاش پیگیر داشته باشند. ان شاء الله مسئولین کشور کمک لازم را در این زمینه خواهند نمود. لازم می‌دانم از زحمات با ارزش جهاد تشکر و قدردانی نمایم. والسلام علیکم.

۶۷/۶/۲۸

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: روزنامه رسالت و جامعه مدرسین

مخاطب: آذری قمی، احمد

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای آذری قمی - دامت افاضاته

با سلام و دعا، من همیشه به شما علاقه‌مند بوده و هستم؛ و هرگز هم در ذهنم نیست که خدای ناکرده جنابعالی کاری برخلاف اسلام بنمایید. شما از چهره‌های فاضل و مبارز و دلسوخته انقلاب می‌باشید. شما با نوشتن مطالب و مقالات خوب در تلاشید تا مردم را به راه صحیح راهنمایی نمایید.

من در مورد روزنامه رسالت و جامعه محترم مدرسین - ایدهم الله تعالی - حرفی نمی‌توانم بزنم. هر طور خود و جامعه صلاح دانستید عمل کنید. اگر در این زمینه‌ها حرفی زده‌ام و یا چیزی نوشته‌ام، آنگونه که مصلحت تشخیص داده‌ام عمل کرده‌ام. خداوند جنابعالی را برای یاری اسلام و مسلمین حفظ فرماید. والسلام علیکم.

۶۷/۶/۲۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۸ شهریور ۱۳۶۷ / ۷ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: ابراز علاقه و تأکید بر وحدت و برادری

مخاطب: ناطق نوری، علی اکبر (نماینده مجلس شورای اسلامی)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب، حضرت امام - مدظله العالی

باتقدیم سلام و آرزوی طول عمر برای آن وجود مبارک، احتراماً معروض می‌دارد، همان‌طوری که مستحضر هستید در رابطه با رأی اعتماد به اعضای محترم دولت از حضرت تعالی راجع به حجت الاسلام جناب آقای محتشمی، وزیر محترم کشور سؤال شد که پاسخ آن، روز رأی‌گیری بین نمایندگان پخش و از تریبون مجلس خوانده شد و ایشان مجدداً به عنوان وزیر کشور انتخاب شدند لکن بعضی در سطح مجلس حتی از تریبون مجلس چنین منعکس نمودند: کسانی که به آقای محتشمی رأی مثبت ندادند مخالفت با فرمان شما کردند. چنانچه مصلحت بدانید بیان فرمایید آیا نظر مبارک رأی مثبت دادن به ایشان بود؟ و کسانی که رأی ندادند خدای ناکرده خلاف فرمان حضرت تعالی که قهراً خلاف شرع هم هست عمل نمودند یا خیر؟

۶۷/۶/۲۴ - مقلد کوچک شما: علی اکبر ناطق نوری]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای ناطق نوری - دامت افاضاته

با سلام، در جمهوری اسلامی جز در مواردی نادر که اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد، آن هم با تشخیص موضوع از طرف کارشناسان دانا، هیچ کس نمی‌تواند رأی خود را بر دیگری تحمیل کند؛ و خدا آن روز را هم نیاورد. من تمام سعی خود را می‌نمایم که با نسبت مطالبی به من، کسی مظلوم نگردد. من شما را هم فردی متدین، متعهد، مبارز و دارای هوش سیاسی می‌دانم. برای من شما و آقای محتشمی فرقی ندارد. من هر دوی

شما و همین‌طور همه دست اندرکاران صدیق نظام و تمامی افرادی که چون شما قلبشان برای اسلام و ایران می‌تپد را فرزندان اسلام و انقلاب می‌دانم. همه باید سعی کنیم تا روح وحدت و پاکی را بر محیط کارمان حاکم گردانیم، تا بتوانیم تمامی قدرتها و ابرقدرتها را به زانو درآوریم. باید تلاش کنیم زهد و قدس اسلام ناب محمدی را از زنگارهای تقدس مآبی و تحجرگرایی اسلام امریکایی جدا کرده و به مردم مستضعفان نشان دهیم. ما اگر توانستیم نظامی بر پایه‌های نه شرقی نه غربی واقعی و اسلام پاک منزله از ریا و خدعه و فریب را معرفی نماییم، انقلاب پیروز شده است. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمةالله.

۶۷/۶/۲۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۹ شهریور ۱۳۶۷ / ۸ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: امیری همدانی، مرتضی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب ثقة الاسلام و عماد الاعلام آقاي حاج شيخ مرتضی امیری همدانی
- دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در امور حسبیّه و اخذ و جوه شرعیّه از قبیل
مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین
مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مخارج
خودشان به نحو متعارف، و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت
مقدسه صرف نمایند، و در مورد سهم سادات نیز مجازند نصف آن را به سادات مستحق
پردازند و نصف دیگر را با مابقی سهم مبارک امام - علیه السلام - نزد اینجانب ارسال
دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - برعاية الاحتیاط و ملازمة التقوى فى جميع الاحوال و ان
لا ینسانی من صالح دعواته»؛ و السلام علیه و رحمة الله و برکاته.

۸ صفر الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۳۰ شهریور ۱۳۶۷ / ۹ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از هنر و هنرمندان متعهد

مخاطب: هنرمندان و خانواده شهدا

بسم الله الرحمن الرحيم

خون پاک صدها هنرمند فرزانه در جبهه‌های عشق و شهادت و شرف و عزت سرمایه زوال‌ناپذیر آنگونه هنری است که باید، به تناسب عظمت و زیبایی انقلاب اسلامی، همیشه مشام جان زیبا پسند طالبان جمال حق را معطر کند. تنها هنری مورد قبول قرآن است که صیقل دهنده اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - اسلام ائمه هدی - علیهم السلام - اسلام فقرای دردمند، اسلام پابرهنگان، اسلام تازیانه خوردگان تاریخ تلخ و شرم آور محرومیتها باشد. هنری زیبا و پاک است که کوبنده سرمایه‌داری مدرن و کمونیسم خون آشام و نابودکننده اسلام رفاه و تجمل، اسلام التقاط، اسلام سازش و فرومایگی، اسلام مرفهین بی درد، و در یک کلمه «اسلام امریکایی» باشد.

هنر در مدرسه عشق نشان دهنده نقاط کور و مبهم معضلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی است. هنر در عرفان اسلامی ترسیم روشن عدالت و شرافت و انصاف، و تجسیم تلخکامی گرسنگان مغضوب قدرت و پول است.

هنر در جایگاه واقعی خود تصویر زالوصفتانی است که از مکیدن خون فرهنگ اصیل اسلامی، فرهنگ عدالت و صفا، لذت می‌برند. تنها به هنری باید پرداخت که راه ستیز با جهانخواران شرق و غرب، و در رأس آنان امریکا و شوروی، را بیاموزد. هنرمندان ما تنها زمانی می‌توانند بی‌دغدغه کوله بار مسئولیت و امانتشان را زمین بگذارند که مطمئن باشند مردمشان بدون اتکا به غیر، تنها و تنها در چهارچوب مکتبشان، به حیات جاویدان رسیده‌اند.

و هنرمندان ما در جبهه‌های دفاع مقدس‌مان اینگونه بودند، تا به ملاء اعلام شتافتند. و
برای خدا و عزت و سعادت مردمشان جنگیدند؛ و در راه پیروزی اسلام عزیز تمام
مدعیان هنری درد را رسوا نمودند.
خدایشان در جوار رحمت خویش محشورشان گرداند.

۶۷/۶/۳۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱ مهر ۱۳۶۷ / ۱۱ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از خانواده‌های شهدا و ایثارگران

مناسبت: هفته دفاع مقدس

مخاطب: خانواده شهدا، اسیران، جانبازان و ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوندا، همه چیز تویی؛ و غیر از تو همه هیچ. خداوندا، تو عزیزی؛ و غیر از تو همه ذلیل. خداوندا، تو غنی‌ای؛ و غیر از تو همه فقیر. هفته جنگ امسال حال و هوای دیگری دارد. پس از سالها دفاع مقدس، یاری دین خدا صورت دیگری به خود گرفته است. آمادگی جنگی ضرورت بیشتری یافته است. و دشمنان خدا و خلق خدا آنی غافل نیستند، و در کمین نشسته‌اند تا آنچه را خدایی است نابود کنند. خانواده‌های شهدا، تا همیشه تاریخ این مشعلداران راه اولیا، افتخار روشنایی طرق الی الله را به عهده گرفته‌اند. مجروحین و معلولین خود چراغ هدایتی شده‌اند که در گوشه گوشه این مرز و بوم به دین باوران راه رسیدن به سعادت آخرت را نشان می‌دهند: راه رسیدن به خدای کعبه را. اسرا در چنگال درخیمان خود سرود آزادی‌اند، و احرار جهان آنان را زمزمه می‌کنند. مفقودین عزیز محور دریای بیکران خداوندی‌اند؛ و فقرای ذاتی دنیای دون در حسرت مقام والایشان در حیرتند. از شهدا که نمی‌شود چیزی گفت. شهدا شمع محفل دوستانند. شهدا در قهقهه مستانه‌شان و در شادی وصولشان عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ^(۱) اند؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب قَادِخُلِیْ فِی عِبَادِیْ وَادْخُلِیْ جَنَّتِیْ^(۲) پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد. والسلام.

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱- بخشی از آیه ۱۶۹ سوره آل عمران: «نزد پروردگارشان متنعّم خواهند بود».

۲- سوره فجر، آیات ۲۹ و ۳۰: «در صف بندگان خاص من در آی، و در بهشت رضوان من داخل شو».

□ حکم

زمان: ۲ مهر ۱۳۶۷ / ۱۲ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: ضوابط گزینش دانشجو

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی)

[آقایان محفوظی (عضو هیأت مرکزی گزینش استاد)، حسینی نژاد (عضو هیأت مرکزی گزینش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی)، ادریسیان (هماهنگ کننده گزینشهای دانشجویی)، عطری نژاد (عضو هیأت مرکزی گزینش آموزش و پرورش)، مؤیدی، امین‌زاده و ختایی (از دست‌اندرکاران گزینش) طی نامه‌ای به محضر امام خمینی به تاریخ ۶۷/۷/۲ مبنی بر بیان وجود مغایرت در ضوابط گزینش داوطلبان ورود به دانشگاهها، ارائه شده توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی با مفاد پیام امام خمینی در سال ۶۳، و هشدار نسبت به نفوذ عناصر مخالف انقلاب و نظام در دانشگاهها، خواستار رسیدگی و کسب تکلیف شده‌اند. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم شورای انقلاب فرهنگی - دام

توفیقه

به این موضوع رسیدگی نمایید و اگر صحت داشته باشد به صلاح دانشگاهها و کشور

نیست.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲ مهر ۱۳۶۷ / ۱۲ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حکم بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی
مخاطب: قدیری، محمدحسن (از اعضای دفتر امام خمینی در قم)

[بسم الله الرحمن الرحيم]

خدمت حضرت مستطاب آیت الله العظمی امام خمینی - مد ظله العالی

با عرض سلام و ادب و احترام، اخیراً دو استفتاء منتشر شده که در یکی از خرید و فروش آلات لهو سؤال شده و در جواب آمده که خرید و فروش آلات مشترکه به قصد محله آن اشکال ندارد. و در دیگری در سؤال مفروض است که امروز شطرنج بکلی آلت قمار بودن خود را از دست داده و تنها به صورت ورزش فکری درآمده است و در جواب آمده است که بر فرض عمل مزبور اگر بُرد و باختی در بین نباشد اشکال ندارد. و آقای مورد اعتمادی نقل کردند که در بعضی روزنامه‌ها بر فرض مزبور را نوشته است.

در اینجا سؤالاتی مطرح است.

- ۱- خرید و فروش آلات مشترکه مانع ندارد مگر اینکه قصد منفعت حرام در بین باشد. پس چرا در جواب سؤال اول قصد حلال قید شده است؟
- ۲- در سؤال دوم سائل محترم از کجا ادعا می‌کند که امروز شطرنج آلت قمار بودن خود را بکلی از دست داده و تنها ورزش فکری شده است؟

۳- در روایت معتبره است از سکونی از حضرت صادق - علیه السلام:

اول - قال: قال رسول الله (ص) انها کم عن الزفن و المزمار و عن الکوبات و الکبرات.

دوم - قال: نهی رسول الله (ص) عن اللعب بالشطرنج و انزو....

زفن، به معنای رقص است (مجمع البحرین) مزمار، نامی است که مطلق نی را شامل می‌شود و نهی حضرت، حجت بر تحریم است مگر حجتی بر خلاف باشد. و هر دو دلیل اطلاق دارد.

بنابراین استفاده می‌کنم که نی زدن حرام است چه نی آلت مختصه باشد یا مشترکه و بازی شطرنج حرام است چه آلت قمار را از دست بدهد یا نه. و دعوی انصراف منشأ صحیحی می‌خواهد که به نظر نمی‌رسد و آنچه ممکن است گفته شود مثل غلبه یا آلت در آن زمان منشأ صحیحی نیست. و البته در حد خودم در ادله فحص و به مطالب حضرت‌تعالی هم مراجعه نمودم حجتی بر خلاف اطلاق مزبور نیافتم. ادله میسر و لهو تطبیق بر آلات منافاتی با اطلاق ندارد و علت منصوبه‌ای هم در ادله نیست و در هر صورت اگر ساحت قدس حضرت‌تعالی از اینگونه مسائل به دور باشد به نظر من بهتر است و ضرورتی در نشر آنها دیده نمی‌شود. دیگر هر طور صلاح می‌دانید. از جسارت عذر می‌خواهم و از خداوند متعال دوام سایه بلند پایه آن حضرت را مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۴ صفرالخير ۱۴۰۹ - محمدحسن قدیری]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای قدیری - دامت افاضاته

پس از عرض سلام و قبل از پرداختن به دو مورد سؤال و جواب، اینجانب لازم است از برداشت جنابعالی از اخبار و احکام الهی اظهار تأسف کنم. بنا بر نوشته جنابعالی زکات تنها برای مصارف فقرا و سایر اموری است که ذکرش رفته است و اکنون که مصارف به صدها مقابل آن رسیده است راهی نیست و «رهان»^(۱) در «سبق»^(۲) و «رمایه»^(۳) مختص است به تیر و کمان و اسبدوانی و امثال آن، که در جنگهای سابق به کار گرفته می‌شده است و امروز هم تنها در همان موارد است. و «انفال»^(۴) که بر شیعیان «تحلیل»^(۵) شده

۱- گرو بستن، شرط بستن.

۲- گرو و شرط بندی در مسابقه تیراندازی یا اسبدوانی.

۳- تیرانداختن، تیراندازی.

۴- انفال (به فتح همزه)، جمع نفل: به معنی غنیمت، بهره، هبه. در قرآن کریم، سوره «انفال»، واژه «انفال» اینچنین معنا شده است: «لِيَسْأَلُوْكَ عَنِ الْاَنْفَالِ قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُوْلِ فَاَتَقُوْا اللّٰهَ وَاصْلِحُوْا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَاطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهُ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ» (ای رسول ما) چون امت از حکم انفال (غنایم رسیده به دست مسلمانان بدون جنگ و زحمت از قبیل معادن بیشه، زمین خراب بدون مالک و قطایع ملوک و غیره) را بپرسند، جواب ده که «انفال» مخصوص خدا و رسول است (که

است، امروز هم شیعیان می‌توانند بدون هیچ مانعی با ماشینهای کذایی جنگلها را از بین ببرند و آنچه را که باعث حفظ و سلامت محیط زیست است را نابود کنند و جان میلیونها انسان را به خطر بیندازند و هیچ‌کس هم حق نداشته باشد مانع آنها باشد، منازل و مساجدی که در خیابان‌کشیها برای حل معضل ترافیک و حفظ جان هزاران نفر مورد احتیاج است، نباید تخریب گردد و امثال آن. و بالجمله آنگونه که جنابعالی از اخبار و روایات برداشت دارید، تمدن جدید بکلی باید از بین برود و مردم کوخ‌نشین بوده و یا برای همیشه در صحراها زندگی نمایند.

و اما راجع به دو سؤال، یکی بازی با شطرنج در صورتی که از آلت قمار بودن بکلی خارج شده باشد، باید عرض کنم که شما مراجعه کنید به کتاب جامع المدارک مرحوم آیت الله آقای حاج سید احمد خونساری که بازی با شطرنج را بدون رهن جایز می‌داند و در تمام ادله خدشه می‌کند، در صورتی که مقام احتیاط و تقوای ایشان و نیز مقام علمیت و دقت نظرشان معلوم است، اما اینکه نوشته‌اید از کجا سائل به دست آورده که شطرنج بکلی آلت قمار نیست، این از شما عجیب است، چون سؤالها و جوابها فرض است و بنابراین آنچه را من جواب داده‌ام در فرض مذکور است که اشکالی متوجه نیست و در صورت عدم احراز باید بازی نکنند. و عجیتر آنکه نوشته‌اید چرا به جای «قصد حرام نباشد»، «قصد حلال» نوشته شده؟ گویی عمل شخص متوجه و قاصد بدون قصد هم می‌شود، در این صورت «قصد حلال» مساوق است با نبودن «قصد حرام».

و اما در قضیه خرید و فروش آلات مشترکه برای مقصد حلال، اشتباه بزرگی کرده‌اید که گمان کرده‌اید خرید و فروش برای منفعت حلال، یعنی استفاده حرام کردن و این برخلاف آنچه نوشته شده است می‌باشد. البته در این زمینه‌ها مسائل زیادی است که حال

رسول و جانشینانش به هر کس و به هر قدر که صلاح باشد بخشند) در این صورت شما مؤمنان باید از خدا بترسید (و در مورد انفال از طمع و نزاع و تفرقه بپرهیزید) و بین خودتان صلح و آشتی برقرار کرده و خدا و رسولش را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید.

و وقت من اجازه تعقیب آنها را ندارد. از جنابعالی که فردی تحصیل کرده و زحمت کشیده‌ای می‌باشید، توقع نبود که اینگونه برداشت کرده و آن را به اسلام نسبت دهید. شما خود می‌دانید که من به شما علاقه داشته و شما را مفید می‌دانم، ولی شما را نصیحت پدرانه می‌کنم که سعی کنید تنها خدا را در نظر بگیرید و تحت تأثیر مقدس‌نماها و آخوندهای بیسواد واقع نشوید، چرا که اگر بنا است با اعلام و نشر حکم خدا به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس‌نماهای احمق و آخوندهای بیسواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد. از خداوند متعال توفیق جنابعالی را در خدمت به اسلام و مسلمین چون گذشته خواهانم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۷/۲

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۴ مهر ۱۳۶۷ / ۱۴ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: نصرالله، سید هاشم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای سید هاشم نصرالله - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مصارف خود به نحو متعارف، و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه صرف نمایند، و نصف از سهم سادات را به سادات مستحق پرداخت نمایند و مابقی را نزد اینجانب ارسال دارند. «و اوصیه - ائده الله تعالی - بملازمة التقوى و رعاية الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام علیه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۱۴ صفر الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۸ مهر ۱۳۶۷ / ۱۸ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسیّه و شرعیّه

مخاطب: مصباح، حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا شیخ حسن مصباح - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مصارف خودشان به نحو متعارف، و نسبت به مازاد از مخارج نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف از سهم سادات را نیز مجازند به سادات مستحق بپردازند و مابقی سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۱۸ صفر الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۱ مهر ۱۳۶۷ / ۲۱ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: سیاستهای کلی نظام اسلامی در دوران بازسازی کشور

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

بر هیچ یک از مردم و مسئولین پوشیده نیست که دوام و قوام جمهوری اسلامی ایران بر پایه سیاست نه شرقی و نه غربی استوار است و عدول از این سیاست، خیانت به اسلام و مسلمین و باعث زوال عزت و اعتبار و استقلال کشور و ملت قهرمان ایران خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران نباید تحت هیچ شرایطی از اصول و آرمانهای مقدس و الهی خود دست بردارد. ان شاء الله مردم سلحشور ایران کینه و خشم انقلابی و مقدس خویش را در سینه‌ها نگه داشته و شعله‌های ستم سوز آن را علیه شوروی جنایتکار و امریکای جهانخوار و اذنب آنان به کار خواهند گرفت تا به لطف خداوند بزرگ پرچم اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - بر بام همه عالم قد برافرازد و مستضعفان و پابرهنگان و صالحان، وارثان زمین گردند.

در مسئله بازسازی و سازندگی من اطمینان دارم که شخصیت‌های رده بالای نظام و مسئولین محترم و نیز مردم وفادار و انقلابی کشورمان چون گذشته هرگز قبول نمی‌کنند که نیل به این هدف به قیمت وابستگی ایران اسلامی به شرق و یا غرب تمام شود. اخیراً دستهای پنهان و آشکار غرب و شرق به منظور ایجاد شکاف و اختلاف میان طرفداران انقلاب اسلامی به حیلۀ جدیدی متوسل شده‌اند که مسئولین عزیز و رده بالای کشورمان و نیز شخصیت‌ها و چهره‌هایی از مجلس و دولت و روحانیون را به تفکر و گرایش‌های وابستگی و همچنین عدول از مواضع گذشته و نهایتاً به شرقگرایی یا غربگرایی متهم نمایند و مودیانه با طرح مسائلی از این قبیل که فلان شخصیت نظام جمهوری اسلامی راستگرا و یا میانه‌رو و یا سازشکار و غربگراست و یا فلان مسئول تندرو و انقلابی شده

است که نتیجتاً اعتماد مردم را به دست‌اندرکاران نظام سلب نمایند که با یاری خداوند و با رشد و آگاهی مردم بازار اینگونه القائنات در این مملکت کساد و مشتریان آن اندک بوده‌اند و بر مردم ثابت است کسانی که سالها و بارها چه قبل و چه بعد از انقلاب امتحان خود را در تعهد به اسلام و انقلاب داده‌اند و در این راه به پای چوبه‌های دار رفته و زندانها کشیده و ترور گشته‌اند و سلامت خود را از دست داده‌اند و تحت شکنجه‌های شاه برای استقلال و آزادی مبارزه کرده‌اند، یقیناً دلشان به حال انقلاب و ثمرات آن نه تنها کمتر از دیگران نسوخته که بیشتر می‌سوزد و مسیر ارزشی و الهی و پرطراوت خویش را به هیچ وجه عوض نمی‌کنند. و من از باب وظیفه به مردم و فرزندان پرشور انقلاب می‌گویم که مبدا بدون در نظر گرفتن محذورات سیاسی و شرایط بسیار پیچیده و حساس کشور به طرح سؤالها و اشکالاتی روی آورید که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث کشف اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله‌آفرین گردد و نه تنها گره‌ای را باز نکند که بر مشکلات مملکت نیز بیفزاید.

من سیاست داخلی و خارجی کشور را به دقت ملاحظه می‌کنم و تا زنده‌ام نخواهم گذاشت مسیر سیاست واقعی ما عوض شود و مسئولین نیز چیزی غیر از این نمی‌خواهند و انتظاری غیر از این از آنان نمی‌رود. من به بعضی از مسئولین هشدار می‌دهم که به شدت باید مراقب بود که خدای ناکرده آب به آسیاب دشمنان نریزیم و آنان را با اقوال و جبهه‌گیریهایمان شادمان نگردانیم. به مسئولین و دست‌اندرکاران در هر رده نیز می‌گویم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه‌های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه‌ای قطع نمایید - که ان شاء الله خواهید کرد - و اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است. همان‌گونه که قبلاً گفته‌ام سیاست بازسازی و تشخیص و تعیین اولویت در امر بازسازی مراکز آسیب دیده کشور به عهده سران محترم و متعهد سه قوه و آقای نخست‌وزیر است ولی باید توجه داشت که با در نظر گرفتن حجم عظیم کار و ضرورت تسریع در تعیین خط مشی

بازسازی و سازندگی، حتماً از نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران خصوصاً هیأت دولت و وزرا و کمیسیونهای مربوطه مجلس شورای اسلامی - که چهره‌های دلسوز و متعهد و مطلع در آنها فراوانند - و نیز از مسئولین هر امری استفاده نمایند چرا که آنان نیز به خوبی دریافته‌اند که بازسازی و سازندگی جز از طریق تعاون و همفکری میسر نیست. و این کشور متعلق به اسلام و همه ملت ایران است و همان گونه که در جنگ همه در کنار هم بودند، در صلح و سازندگی هم باید در کنار یکدیگر باشند که ان شاء الله مراکز علمی و دانشگاهی نیز در این مسئله بزرگ سهم خواهند بود.

لازم به تذکر است که وزیر و یا مسئول مربوطه نیز در تصمیم‌گیری نهایی سران و نخست‌وزیر صاحب رأی می‌باشند.

اما نکاتی که در بازسازی و سازندگی توجه به آن ضروری است:

۱- با اینکه اطمینان داریم که خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین هیچ‌گاه راضی نشده و نمی‌شوند که در برابر ایثار عزیزانشان که فقط به خاطر خدا و رسیدن به کمال بوده است سخن از رفاه و مادیات به میان آید و همت آنان بلندتر از این مقوله‌هاست، ولی بر دست‌اندرکاران نظام است که ذوق و استعداد و توان خود را در هر چه بهتر رسیدن به امور معنوی و مادی و ارزشی و فرهنگی این یادگاران هدایت و نور به کار گیرند و از خدمت بی‌شائبه و بی‌منت به آنان دریغ نکنند؛ هر چه انقلاب اسلامی ایران دارد از برکت مجاهدت شهدا و ایثارگران است. من می‌دانم که بسیاری از خانواده‌های عزیز شهدا و جانبازان و اسرا و مفقودین به خاطر مناعت طبع و بزرگواری و اخلاق کریمه خود در مصایب و مشکلات زندگی به مسئولین مراجعه نکرده‌اند و یا مراجعه‌شان به حداقل بوده است. و همه نیز می‌دانیم که اکثریت این قشر و رزمندگان عزیز اسلام از طبقات محروم و کم‌درآمد بودند و مرفهین کمتر دل برای انقلاب سوختند، ولی وظیفه ماست که در حد توان و مقدورات قدرشناس زحمات آنان باشیم و من میل ندارم که این قدرشناسی فقط در حد تعریف و تمجید ظاهری خلاصه شود بلکه باید در همه نوع امتیازات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به آنان بها داده شود و ضرورتی نمی‌بینم که به

این عزیزان سفارش و نصیحت کنم و رسالت بزرگ حفظ امانت خونهای مقدس شهیدان را بازگو نمایم که بحمدالله تا به حال خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و جانبازان خود حافظ و نگهبان ارزش شهادت و ایثار بوده‌اند و بعد از این نیز به یاری خدا پاسدار آن خواهند بود.

۲- با قبول و اجرای صلح کسی تصور نکند که ما از تقویت بنیه دفاعی و نظامی کشور و توسعه و گسترش صنایع تسلیحاتی بی‌نیاز شده‌ایم، بلکه توسعه و تکامل صنایع و ابزار مربوط به قدرت دفاعی کشور از اهداف اصولی و اولیه بازسازی است و ما با توجه به ماهیت انقلابمان در هر زمان و هر ساعت احتمال تجاوز را مجدداً از سوی ابرقدرتها و نوکرانشان باید جدی بگیریم.

۳- توجه به بازسازی مراکز صنعتی نباید کوچکترین خللی بر ضرورت رسیدن به امر خودکفایی کشاورزی وارد آورد، بلکه اولویت و تقدم این امر باید محفوظ بماند و مسئولین بیشتر از گذشته خود را مکلف به اجرای آن سازند و در امر احیای اراضی و مهار آبها و ایجاد سدها و تشویق کشاورزان و دامداران و استفاده هر چه بیشتر از نعمتهای بیکران الهی در طبیعت تلاش نمایند که مطمئناً خودکفایی در کشاورزی مقدمه‌ای است برای استقلال و خودکفایی در زمینه‌های دیگر.

۴- مهمترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند. ان شاء الله این استعدادها در پیچ و خم کوچه‌های اداره‌ها خسته و ناتوان نشوند.

۵- برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب با وضع عامه مردم توأم با حفظ شعائر و ارزشهای کامل اسلامی و پرهیز از تنگ‌نظریها و افراط‌گراییها و نیز مبارزه با فرهنگ مصرفی که بزرگترین آفت یک جامعه انقلابی است و تشویق به تولیدات داخلی و برنامه‌ریزی در جهت توسعه صادرات و گسترش مبادی صدور کالا و خروج از تکیه به

صادرات نفت و نیز آزادی صادرات و واردات و به طور کلی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت.

۶- رعایت اصول ایمنی و حفاظتی مراکز و صنایع و ایجاد پناهگاههای جمعی برای مردم و کارگران که این اختصاص به زمان جنگ ندارد بلکه طریقه احتیاط در هر شرایط است.

۷- استفاده از نیروهای عظیم مردمی در بازسازی و سازندگی و بهادادن به مؤمنین انقلاب خصوصاً جبهه رفته‌ها و توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج به افراد خاص متمکن و مرفه و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه.

۸- حفظ و نگهداری ترکیب یک یا چند شهر خراب شده در جنگ به منظور ترسیم علنی تجاوز دشمنان علیه انقلاب و کشورمان و نشان دادن قدرت دفاع و مقاومت قهرمانانه ملت که آیندگان فقط به اسناد و نوشته‌ها بسنده نکنند. البته این کار با رضایت کامل صاحبان املاک و با ایجاد شهرهای مجاور باید انجام شود.

۹- تأکید بر حفظ ارزشها و شئون اخلاقی و اجتماعی و نیز سالم سازی اجتماعات که گروهی از خدا بیخبر و فرصت طلب تصور نکنند که مردم در برابر نیات پلید آنان بی تفاوتند. ان شاء الله خداوند همه را از شر نفس اماره و شر دشمنان محافظت فرماید و به همه شرح صدر و تدبیر در امور و اخلاص در عمل و ایثار در خدمت به خلق مرحمت کند. «احمد»^(۱) به صورت آزاد بهتر می‌تواند به اسلام و مردم کشور خدمت نماید و تنها در جلسات شرکت می‌کند تا گزارش مسائل سریعتر به اینجانب برسد. والسلام علی من اتبع الهدی.

۱۳۶۷/۷/۱۱

روح الله الموسوی الخمینی

۱- آقای سید احمد خمینی.

□ نامه

زمان: ۱۲ مهر ۱۳۶۷ / ۲۲ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و تجلیل از آقای قدیری

مخاطب: قدیری، محمد حسن (از اعضای دفتر امام خمینی در قم)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای قدیری - دامت افاضاته

با سلام و دعای خیر و آرزوی موفقیت برای شما در پیاده کردن احکام اسلام، نامهٔ اول شما و جواب من^(۱) در حال و هوای مدرسه و درس و بحث بود؛ و الاً من شما را مجتهد و صاحب نظر در فقه می دانم؛ و همیشه از خدا خواسته ام که شما جوانان بتوانید معضلات کشور در زمینه های مختلف را حل کنید. من شما را یکی از دوستان قدیمی و خوب خود می دانم؛ و زحمات شما را در درس و بحث و کمکهای شما را در تمام زمینه ها فراموش نمی کنم. ما باید سعی کنیم تا حصارهای جهل و خرافه را شکسته تا به سرچشمهٔ زلال اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - برسیم. و امروز غریبترین چیزها در دنیا همین اسلام است. و نجات آن قربانی می خواهد. و دعا کنید من نیز یکی از قربانیهای آن گردم. خداوند جنابعالی را تأیید فرماید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۷/۱۲

روح الله الموسوی الخمينی

۱- اشاره به نامهٔ مورخ ۱۳۶۷/۷/۲ که در پاسخ به نامهٔ آقای قدیری در مورد حکم بازی شطرنج و خرید و فروش آلات موسیقی مرقوم شده بود.

□ اجازه نامه

زمان: ۱۹ مهر ۱۳۶۷ / ۲۹ صفر ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در اخذ وجوه شرعیه

مخاطب: دستغیب، سید محمد مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا سید محمد مهدی دستغیب - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفارات و صرف آنها در موارد مقرر؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آنها در مصارف خودشان به نحو اقتصاد؛ و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف سهم سادات را به سادات مستحق پرداخت نموده و مابقی سهمین را ارسال دارند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله.

۲۹ صفر الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۲ مهر ۱۳۶۷ / ۲ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: حسینی، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب سيد الاعلام و ثقة الاسلام و المسلمين آقاي آقا سيد محمد حسيني - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبيّه و اخذ وجوه شرعيّه و صرف وجوهی از قبيل مظالم عباد و زکوات و کفّارات را در مصارف مقررّه؛ و نسبت به سهمين مبارکين نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مصارف خود به نحو اقتصاد؛ و در مورد مازاد بر مخارج نیز مجازند ثلث از سهم مبارک امام - عليه السلام - را در ترويج شريعت مقدسه به مصرف برسانند، و نصف از سهم سادات را به سادات مستحق پردازند و مابقي را نزد اينجانب ارسال دارند.

«و اوصيه - ائده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام عليه و رحمة الله.

۲ ربیع المولود ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۳ مهر ۱۳۶۷ / ۳ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: نقوی، سید نیازحسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا سید نیازحسین نقوی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال مظالم عباد و زکوات و کفّارات را در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خود به نحو متعارف؛ و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه مصرف نمایند، و نصف از سهم سادات را نیز به سادات مستحقّ پردازند، و مابقی سهمین را جهت صرف در اعلاّی کلمه طیبّه اسلام نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه وعلى اخواننا المؤمنين ورحمة الله.

۱۴۰۹/۱/۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۳ مهر ۱۳۶۷ / ۳ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: نقوی سید اسحاق

بسم الله الرحمن الرحيم

۴۰۹۱ع۳

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام آقای آقا سید اسحاق نقوی - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در اخذ وجوه شرعيه و صرف امثال زکوات و کفارات و مظالم عباد را در مصارف مقرر؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد؛ و از مازاد نیز مجازند ثلث سهم مبارک امام - عليه السلام - را در راه ترویج شريعت مقدسه صرف نمایند، و ثلث سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند، و مابقی را نزد اينجانب ارسال دارند . والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۴ مهر ۱۳۶۷ / ۴ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: قابل، محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد قابل - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد بر مخارج نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نمایند. و مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و بقیه سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۱۴۰۹۱۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: آبان ۱۳۶۷ / ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: سرپرستی میراث فرهنگی (اموال عتیقه‌ای و موزه‌ای)

مخاطب: مظاهری، طهماسب (معاون نخست وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی - رهبر و بنیانگذار

جمهوری اسلامی ایران

پس از عرض سلام و با احترام و تحیت به پیشگاه با برکت قائد عظیم الشان، به استحضار می‌رساند: در اجرای حکم حکومتی مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ آن رهبر معظم، مقادیری اموال منقول مربوط به خاندان پهلوی و عمال و شاخه‌ها و مربوطین آنها جمع‌آوری و در اختیار بنیاد مستضعفان قرار گرفت که بخشی از این اموال به علت یگانگی در نوع ساخت یا قدمت و همچنین نفاست آنها از حیث آثار برجسته هنری و فرهنگی یا تاریخی، با عناوین اموال عتیقه‌ای یا موزه‌ای است یا اموالی است که به صورت نشانه‌ای از فرهنگ زندگی طاغوت قابل ارائه و نمایش به مردم مسلمان و نسل جوان می‌باشد.

این اموال با دقت و توجه کافی برادران همکار بنیاد تفکیک و شناسایی و طبقه‌بندی شده و برای تمام اقلام موجود، یک شناسنامه حاوی اطلاعات فنی و هنری و تاریخی تهیه گردیده و در اماکن مناسب برای حفظ و حراست از آنها منتقل و براساس نظام و سیستم منظم و دقیقی نگهداری می‌گردد. اکنون در نظر است ان شاء الله این اموال با آماده کردن محل مناسبی برای نمایش، به صورت عمومی در اختیار بازدید و مشاهده عموم مردم قرار گیرد و ضمن مشاهده این مجموعه، و آثار هنری و عتیقه فوق و بهره‌بردارهای فرهنگی و هنری در جهت مصالح جمهوری اسلامی، توجه جمهوری اسلامی به حفظ و صیانت از این اموال و اقدامات و توجه بنیاد در حفظ این مجموعه فرهنگی را به ملت مسلمان ایران و مردم جهان نشان دهد و این اموال به صورت یک مجموعه در اختیار بنیاد مستضعفان باقی بماند.

از آنجا که این اموال می‌بایست تحت نظر و اراده لازم الاتباع آن رهبر بزرگوار مورد بهره‌برداری

واقع گردد، استدعا می‌نماید در صورت صلاحدید، رهنمود و ارشادات لازم را صادر فرمایید. طهماسب مظاهری - معاون نخست وزیر و سرپرست بنیاد مستضعفان]

بسمه تعالی

جناب آقای مظاهری، سرپرست بنیاد مستضعفان

جنابعالی اجازه دارید تا هر آنچه را که از آثار هنری، فرهنگی و تاریخی کشور محسوب می‌شود و یا فروش آن موجب خسران کشور می‌شود در مکانی مناسب نگهداری نمایید؛ و در صورت امکان در معرض دید عموم قرار دهید. ان شاء الله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۴ آبان ۱۳۶۷ / ۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک میلاد حضرت محمد(ص)

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت میلاد پر برکت رسول گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر و مسلمان کشورتان تبریک گفته، سعادت و عظمت ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۱۴ ربیع المولود ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۴ آبان ۱۳۶۷ / ۱۴ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: خامنه‌ای، سید هادی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا سید هادی خامنه‌ای - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه، و دستگردان و امهال به مقدار متعارف و صرف امثال کفارات و زکوات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خود به نحو متعارف، و در مورد مازاد بر آن نیز مجازند در صرف ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - در ترویج شریعت مقدسه و پرداخت نصف از سهم سادات را به سادات مستحق و ارسال مابقی را نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۱۴۰۹/۱۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۶ آبان ۱۳۶۷ / ۱۶ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از امام جمعه یزد

مناسبت: رحلت آقای سید روح الله خاتمی (امام جمعه یزد)

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله و انا اليه راجعون

اسلام و ایران یکی از پرفروغترین چهره‌های تقوا و خلوص و ایمان خود را از دست داد. برادر عزیزم، خاتمی^(۱) زنده دل، چهره تابناک مبارزات خستگی ناپذیر روحانیت روشن ضمیر در دهه‌های اخیر این مرز و بوم بود. او روشنفکری متدین و مجتهدی بزرگوار، و از خوبان امینی بود که اگر نتوان گفت بی نظیر، مسلماً کم نظیر بود. او با گوشت و پوست خود مبارزه را می فهمید؛ و سختیهای آن را چون شربت می گوارا می نوشید. او یار و پناه محرومان بود. او یک عمر با تحجر و واپسگرایی جنگید؛ و یکی از طرفداران بی بدیل اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - در عصر فریب و خودپرستی بود. او پاک زیست و پاک مرد، و پاک در جوار رحمت ربّش آرامید.

این ضایعه دردناک را به مردم ایران، خصوصاً به اهالی متدین استان یزد، و به خانواده مکرمش و فرزندان متدینش و فرزندان فاضل، با تقوا و متعهدمان، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد خاتمی، وزیر محترم ارشاد اسلامی، تسلیت عرض می نمایم. خداوند او را غریق رحمت خویش گرداند.

۶۷/۸/۶

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید روح الله خاتمی، نماینده امام و امام جمعه یزد. وی پس از شهادت آقای صدوقی به نمایندگی و امامت جمعه یزد از سوی امام برگزیده شد. او قبلاً امام جمعه اردکان یزد بود.

□ تذکر

زمان: ۷ آبان ۱۳۶۷ / ۱۷ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: دیدارها و سخنرانیهای امام خمینی

مخاطب: اعضای دفتر امام

توجه داشته باشید که باید دور سخن گفتن مرا ولو یک جمله دعا خط بکشید. مجاری تنفس من بیمار است، و حالا هم که جنگ در کار نیست، زحمت به من ندهید. از اینکه مثلاً خانواده شهدا و امثال آن بیایند و من دستی تکان دهم، مضایقه ندارم.^(۱)

۶۷/۸/۷

روح الله الموسوی الخمينی

۱- امام خمینی در این تاریخ دچار کسالت شده بودند. در عین حال توجه خاص امام به خانواده معظم شهدادر همین نوشته کوتاه نیز متجلی است. لغو ملاقات عمومی امام با مسئولین و مردم در سالروز میلاد پیامبر اکرم (ص) در همین رابطه است.

□ حکم

زمان: ۸ آبان ۱۳۶۷ / ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با مصرف اموال مکشوفه طبق موازین شرعی جهت رفع نیازهای وزارت اطلاعات

مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات)

[بسمه تعالی. رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی - مدظله

سلام علیکم،

با عنایت به کمبود بودجه وزارت اطلاعات و مشکلات مالی این وزارتخانه اجازه فرماید اموالی که از طریق اقدامات اطلاعاتی توسط وزارت اطلاعات از متخلفین کشف و طبق ضوابط شرعی ضبط می گردد، جهت رفع نیازهای این وزارتخانه مصرف گردد. خداوند سایه پربرکت آن امام بزرگ را بر سر مسلمین جهان مستدام بدارد.

ری شهری - ۶۷/۸/۸]

بسمه تعالی

آنچه را به دست می آورید طبق ضوابط شرعی در صورت موافقت آقای نخست وزیر می توانید در مواردی که وزارت اطلاعات احتیاج دارد صرف کنید.

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۸ آبان ۱۳۶۷ / ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: رفع مشکلات و کمبودهای زندانیان

مخاطب: شوشتری، محمد اسماعیل (سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور)

[آقای محمد اسماعیل شوشتری، رئیس وقت سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور طی نامه شماره ۳۹۲۱/۲۸۱/م/۲۰ - مورخ ۶۷/۸/۸ ضمن تشریح مشکلات و کمبودهای زندانها از محضر امام خمینی درخواست کرد: از محل جرایم مأخوذه توسط قوه قضاییه یا هیأت قضایی پیگیری فرمان امام جهت هزینه‌های ضروری زندانها اختصاص یابد. ضمناً خودروهای سبک و سنگین که توسط قوه قضاییه مصادره می‌شود جهت حمل و نقل زندانیان و مایحتاج زندانها در اختیار سازمان زندانها قرار گیرد. امام خمینی با هر دو مورد موافقت فرموده و مرقوم داشته‌اند:]

بسمه تعالی

با هر دو مورد موافقت می‌شود، ان شاء الله با سرعت این کار انجام شود. خداوند جنابعالی را موفق کند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۸ آبان ۱۳۶۷ / ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتقال بخشی از اموال بنیاد مستضعفان به کمیته‌های انقلاب اسلامی

مخاطب: موسوی، میر حسین (نخست وزیر)

[... احتراماً، با عرض اعتذار به جهت تصدیق اوقات شریف همان گونه که خاطر شریف استحضار دارد در رابطه با تملک کلیه املاک و مستغلات دولتی و متعلق به بنیاد مستضعفان که در اختیار کمیته انقلاب اسلامی می‌باشد مراتب از طریق حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج سید احمد آقا به استحضار حضرتعالی رسید و حضرت مستطاب عالی چون همیشه فرزندان خود در این نهاد را مورد تفقد قرار دادید و هم اکنون جهت ثبت رسمی املاک فوق‌الذکر به نام کمیته انقلاب اسلامی نیاز به مرقومه شریف حضرتعالی می‌باشد لذا مستدعی است چنانچه خاطر شریف صلاح بدانند این مطلب را مرقوم فرمایید.

سید سراج الدین موسوی]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای نخست وزیر با پیشنهاد جناب آقای سراج الدین موسوی فرمانده کمیته انقلاب اسلامی با حفظ جهات شرعیه موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۸ آبان ۱۳۶۷ / ۱۸ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اموال مجهول المالک

مخاطب: موسوی، سراج الدین (فرمانده کل کمیته انقلاب اسلامی)

[... احتراماً، با عرض معذرت از تصدیع اوقات شریف به استحضار عالی می‌رساند که پاسداران کمیته انقلاب اسلامی در مواردی تعقیب مجرمین و قاچاقچیان و یا گشتهای انتظامی به اجناس و یا ماشینهای بلاصاحب و مجهول المالک برخورد نموده و ضبط می‌نمایند که با گذشت سالها و ماهها صاحبان آن مراجعه ننموده و این کالاها در معرض آفتاب و باران فرسوده شده و خسارت و ضایعاتی وارد می‌گردد از طرفی موارد متعددی از نیاز و گرفتاریهای زندگی پاسداران زحمتکش کمیته مشاهده و گزارش شده است چنانچه حضرت مستطاب عالی مصلحت بدانند اجازه فرمایید کلیه اموال مجهول المالک توقیفی که در اختیار کمیته انقلاب اسلامی در سراسر کشور قرار دارد فهرست برداری شده با ذکر دقائق و وضعیت آن در زمان توقیف و ضبط و ثبت مشخصات کالا به نحو مناسب به فروش برسد و از محل عایدات آن به پاسداران نیازمند و محتاج مساعدت شود و در صورت مراجعه صاحبان آنها عین و یا وجه عادلانه آن مسترد شود.

خداوند سایه پر مهر و عمر بابرکت حضرتعالی را مستدام بدارد.

۶۷/۸/۸ - سید سراج الدین موسوی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای سراج - دامت افاضاته - با حفظ جهات شرعیه زیر نظر شخص شما موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۰ آبان ۱۳۶۷ / ۲۰ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: منشور برادری - مفتوح بودن باب اجتهاد در حکومت اسلامی

مخاطب: انصاری، محمدعلی (از اعضای دفتر امام خمینی)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام، آقای حاج شیخ محمدعلی انصاری - دامت افاضاته
نامه شما را مطالعه کردم. مسئله‌ای را طرح کرده‌اید که پاسخ به آن کمی طولانی
می‌گردد ولی از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، شما را مردی متدین و دانا - البته کمی
احساساتی - می‌دانم و از محبت‌های بی‌دریغت نسبت به من همیشه ممنونم. به عنوان
نصیحت به شما و امثال شما که تعدادشان هم کم نیست مسائلی را تذکر می‌دهم:
کتابهای فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف نظرها و سلیقه‌ها و برداشتها در
زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آنجا که در مسائلی
که ادعای اجماع شده است قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی
هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباریها و اصولیها بگذریم. از آنجا که
در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتابهای
علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بیخبر بودند و اگر با خبر
هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برایشان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود
که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند - نعوذ بالله - خلاف حق و خلاف دین خدا
عمل کرده‌اند؟ هرگز. اما امروز با کمال خوشحالی به مناسبت انقلاب اسلامی حرفهای
فقها و صاحب‌نظران به رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها کشیده شده است، چرا که نیاز عملی
به این بحثها و مسائل است؛ مثلاً در مسئله مالکیت و محدوده آن، در مسئله زمین و
تقسیم‌بندی آن، در انفال و ثروتهای عمومی، در مسائل پیچیده پول و ارز و بانکداری،

در مالیات، در تجارت داخلی و خارجی در مزارعه و مضاربه و اجاره و رهن، در حدود و دیات، در قوانین مدنی، در مسائل فرهنگی و برخورد با هنر به معنای اعم؛ چون عکاسی، نقاشی، مجسمه‌سازی، موسیقی، تئاتر، سینما، خوشنویسی و غیره. در حفظ محیط زیست و سالم‌سازی طبیعت و جلوگیری از قطع درختها حتی در منازل و املاک اشخاص، در مسائل اطعمه و اشربه، در جلوگیری از موالید در صورت ضرورت و یا تعیین فواصل در موالید، در حل معضلات طبیی همچون پیوند اعضای بدن انسان و غیر به انسانهای دیگر، در مسئله معادن زیرزمینی و روزمینی و ملی، تغییر موضوعات حرام و حلال و توسیع و تضییق بعضی از احکام در ازمه و امکنه مختلف، در مسائل حقوقی و حقوق بین‌المللی و تطبیق آن با احکام اسلام، نقش سازنده زن در جامعه اسلامی و نقش تخریبی آن در جوامع فاسد و غیر اسلامی، حدود آزادی فردی و اجتماعی، برخورد با کفر و شرک و التقاط و بلوک تابع کفر و شرک، چگونگی انجام فرایض در سیر هوایی و فضایی و حرکت بر خلاف جهت حرکت زمین یا موافق آن با سرعتی بیش از سرعت آن و یا در صعود مستقیم و خنثی کردن جاذبه زمین و مهمتر از همه اینها، ترسیم و تعیین حاکمیت ولایت فقیه در حکومت و جامعه که همه اینها گوشه‌ای از هزاران مسئله مورد ابتلای مردم و حکومت است که فقهای بزرگ در مورد آنها بحث کرده‌اند و نظراتشان با یکدیگر مختلف است و اگر بعضی از مسائل در زمانهای گذشته مطرح نبوده است و یا موضوع نداشته است، فقها امروز باید برای آن فکری بنمایند.

لذا در حکومت اسلامی همیشه باید باب اجتهاد باز باشد و طبیعت انقلاب و نظام همواره اقتضا می‌کند که نظرات اجتهادی - فقهی در زمینه‌های مختلف ولو مخالف با یکدیگر آزادانه عرضه شود و کسی توان و حق جلوگیری از آن را ندارد ولی مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که براساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نمی‌باشد بلکه یک فرد اگر اعلم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و

مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد.

اما شما باید توجه داشته باشید تا زمانی که اختلاف و موضع‌گیریها در حریم مسائل مذکور است، تهدیدی متوجه انقلاب نیست. اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود و این مسئله روشن است که بین افراد و جناحهای موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است ولو اینکه شکل عقیدتی به آن داده شود، چراکه همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند کشورشان مستقل باشد، هر دو می‌خواهند سیطره و شرّ زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند. هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان، زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاههای دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به اینهمه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیریها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن امریکای جهان‌خوار و کمونیسم و سوسیالیسم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند.

هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست «نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی» عدول نشود که اگر ذره‌ای از آن عدول شود، آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی مراقب امریکای جهانخوار و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که امریکای حيله گر دشمن شماره یک آنها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حيله گریهای این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که امریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند. خداوند! تو شاهد باش من آنچه بنا بود به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود دانند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد - که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم - که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد. رئیس جمهور و رئیس مجلس و نخست وزیر، وکیل، وزیر و قاضی و شورایعالی قضایی و شورای نگهبان، سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، نظامی و غیر نظامی، روحانی و غیر روحانی، دانشجو، غیر دانشجو، زن و مرد نمی‌شناسد و تنها یک راه برای مبارزه با آن وجود دارد و آن ریاضت است، بگذریم.

اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرتها برطرف می‌گردد ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی نیست. انتقاد بجا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر بحق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است. اگر در این نظام کسی یا گروهی خدای نا کرده بی‌جهت در فکر حذف یا تخریب دیگران برآید و مصلحت جناح و خط خود را بر مصلحت انقلاب مقدم بدارد، حتماً پیش از آنکه به رقیب یا رقبای خود ضربه بزند به اسلام و انقلاب لطمه وارد کرده است. در هر حال یکی

از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تألیف قلوب و تلاش جهت زدودن کدورتها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است. باید از واسطه‌هایی که فقط کارشان القای بدبینی نسبت به جناح مقابل است، پرهیز نمود. شما آنقدر دشمنان مشترک دارید که باید با همه توان در برابر آنان بایستید، لکن اگر دیدید کسی از اصول تخطی می‌کند، در برابرش قاطعانه بایستید.

البته می‌دانید که دولت و مجلس و گردانندگان بالای نظام هرگز اصول و داربستها را نشکسته‌اند و از آن عدول نکرده‌اند. برای من روشن است که در نهاد هر دو جریان اعتقاد و عشق به خدا و خدمت به خلق نهفته است. با تبادل افکار و اندیشه‌های سازنده مسیر رقابتها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم کشور مادر مرحله بازسازی و سازندگی به تفکر و به وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند به همه کسانی که دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - و نابودی اسلام امریکایی می‌تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و همه را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و ان شاء الله از انصار اسلام و محرومین باشید.

۶۷/۸/۱۰

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۲ آبان ۱۳۶۷ / ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: کمک مالی به آموزش و پرورش قم

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[بسمه تعالی. جناب مستطاب آیت الله آقای موسوی اردبیلی دامت برکاته

ضمن تقدیم سلام و تحیت و مسئلت مزید موفقیت تصدیع می دهد. همان طور که مسئولین اداره آموزش و پرورش شهرستان قم حضوراً گزارشی تقدیم کردند، هر ساله حدود سیصد کلاس یعنی چهل مدرسه به نیاز این شهر افزوده می شود، و در شرایط حاضر علاوه بر سه شیفت بودن اکثر مدارس تعداد چشمگیری روی زمین و حتی بدون موکت مشغول تحصیل هستند. و در کنار این به علت بیکاری اوقاتی از هفته مسئله فساد اخلاق مطرح است، مقتضی است برای حل نسبی این مشکل بزرگ از اموالی که به عنوان مجهول المالک و یا به عنوان مال بدون صاحب در اختیار جنابعالی قرار دارد در این رابطه کمک چشمگیری بفرمایید. با تشکر و آرزوی سلامت و طول عمر برای حضرت امام - مدظله العالی علی رؤوس المسلمین. ۶۷/۸/۱۲ - محمد فاضل.

بسمه تعالی

چون اینگونه موارد از مواردی نیست که حضرت امام کتباً اجازه فرموده اند لذا با پرداخت پنجاه میلیون تومان موافقم، مشروط بر اینکه حضرت امام اذن بدهند. عبدالکریم موسوی]

بسمه تعالی

با پیشنهاد حضرت آقای فاضل موافقت می شود. ان شاء الله موفق باشند. آقای اردبیلی مجازند مبلغ مذکور را بپردازند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۲ آبان ۱۳۶۷ / ۲۲ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: شوشتری، عبدالقائم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شيخ عبدالقائم شوشتری - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و کفّارات و زکوات و صرف آنها در موارد مقررّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خود به نحو متعارف؛ و نسبت به مازاد از مخارج نیز مجازند ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه صرف نمایند، و نصف از سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند و مابقی سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

به تاریخ ۲۲ ربیع المولود ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۳ آبان ۱۳۶۷ / ۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب امام جمعه یزد

مخاطب: صدوقی، محمدعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی صدوقی - دامت افاضاته با تأثر عمیق از ارتحال عالم بزرگوار مرحوم حجت الاسلام والمسلمین آقای خاتمی^(۱) - رضوان الله تعالی علیه - جنابعالی را که فرزند سومین شهید محراب، مرد علم و عمل، صدوقی عزیز - رحمة الله علیه - می‌باشید و خود فردی با کفایت، متدین و مدیر هستید را به سمت نماینده خویش و امام جمعه یزد منصوب می‌نمایم. و با شناختی که از شما دارم ان شاء الله در رفع نیازمندیها و مشکلات آن دیار موفق خواهید بود، و مردم شریف و متدین یزد را به وظایف اسلامی‌شان آشنا نموده و چون گذشته به آنان در زمینه‌های مختلف خدمت خواهید کرد.

امیدوارم اهالی یزد عموماً و روحانیون و علمای اعلام آن استان و نهادهای انقلابی همکاریهای لازم را در برگزاری هر چه باشکوهتر این فریضه وحدت آفرین و دشمن شکن انجام خواهند داد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای روح الله خاتمی از یاران قدیم امام خمینی، تا پیش از شهادت آقای صدوقی (به دست گروهک تروریستی منافقین)، امام جمعه اردکان بود و پس از شهادت ایشان به امامت جمعه یزد منصوب شد. امام خمینی در رحلت ایشان پیامی مشتمل بر بیان خدمات وی و تجلیل از ایشان صادر کردند.

□ اجازه نامه

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۶۷ / ۲۴ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: امین، سید ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على
اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب سيد الاعلام و ثقة الاسلام و المسلمين آقاي سید ابراهیم امین - دامت
توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل
مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهمین
مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد؛ و نسبت به
مازاد از مخارج خود نیز مجازند نصف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج
شریعت مقدسه صرف نموده، و نصف سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند، و
مابقی را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب
عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا
المؤمنين و رحمة الله.

۱۴۰۹ ع ۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۴ آبان ۱۳۶۷ / ۲۴ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: صبحی طفیلی (لبنانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمين آقاي آقا شيخ صبحی طفیلی - دامت توفيقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در مخارج خود به نحو اقتصاد؛ و در مورد مازاد نیز مجازند در صرف نصف از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه و پرداخت نصف از سهم سادات را به سادات مستحق و ارسال مابقی سهمین را نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه وعلى اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۱۴۰۹ ع ۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۹ آبان ۱۳۶۷ / ۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین بخشی از هزینه احداث ساختمان مسکونی برای طلبه‌های مشهد
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[آقای سید هاشم رسولی محلاتی طی نامه‌ای به تاریخ ۱۹ آبان ۱۳۶۷ به محضر امام خمینی، ضمن اشاره به واگذاری قطعه زمینی در مشهد مقدس که به عنوان خمس جهت احداث تعدادی واحد مسکونی برای استفاده محصلین علوم دینی با استفاده از وجوه دریافتی از طلاب و مشارکت با بانکها طبق عقود اسلامی، درخواست نموده است، مبلغی از محل اعتبارات و وجوهات در اختیار قوه قضاییه به عنوان هزینه اولیه احداث این مجتمع دینی پرداخت شود. امام خمینی در پاسخ نوشته‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای اردبیلی - دامت افاضاته

مبلغ پانزده میلیون تومان در اختیار آقای رسولی برای خانه سازی طلاب علوم دینی
مشهد قرار دهید. ان شاء الله موفق باشید؛ با مراعات جهات شرعی.

۶۷/۸/۱۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۲ آبان ۱۳۶۷ / ۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر تحویل اسناد و مدارک مربوط به امام خمینی موجود در مراکز مختلف

مخاطب: خمینی، سید احمد

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله

العظمی امام خمینی - مدظله العالی

پس از سلام، چنانچه در نامه قبل اشاره شد پرونده‌های متعددی توسط کارگزاران رژیم سابق در مراکز مختلف (از قبیل سازمان امنیت، وزارت خارجه، دربار، نخست وزیری، ستاد مشترک، و ...)، در رابطه با حضرت تعالی تهیه و تنظیم نموده‌اند و در حال حاضر تعدادی از پرونده‌ها در برخی از مؤسسات مذکور و بخشی نیز در دیگر نهادها و مراکز دولتی نگهداری می‌شوند. اکنون در جهت اجرای دقیق و صحیح فرمان حضرت تعالی و به منظور تدوین و بررسی اسناد و آثار مبارکتان نیاز به تحقیق و مطالعه و بهره‌برداری آنها است، در صورت مصلحت، امر فرمایید این اسناد و همچنین پرونده‌ها و اسناد دیگری که در تکمیل و روشن نمودن مندرجات پرونده‌های جنابعالی نقش دارد، در اختیار قرار گیرد.

۶۷/۸/۲۲ - احمد خمینی]

بسمه تعالی

هر جا که پرونده و یا نامه و یا هر چیزی که موجب روشن شدن اسناد و یا اسناد مربوط به اینجانب موجود است در صورتی که شما و یا نماینده شما در خواست نمایید مسئولین موظفند در اختیار شما قرار دهند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۳ آبان ۱۳۶۷ / ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: احداث مصلاهی تهران

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی - هاشمی رفسنجانی، اکبر (ائمه جمعه تهران)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - مدظله‌العالی - السلام علیکم ورحمة‌الله

به دنبال احساس نیاز به ایجاد مصلاهی تهران و در پی جستجو و بررسی چند ساله، محلی مناسب در قسمت شمال مرکزی تهران (عباس آباد) که در مالکیت شهرداری است شناسایی شد و طرح مناسب و جامعی پس از مشورت فراوان و به مسابقه گذاشتن میان مهندسان داخلی و خارجی، تهیه شد. از آنجا که مشکلات حقوقی و ثبتی و تشریفات انتقال قانونی به این زودیه‌ها قابل حل نیست و مشکلات اقامه نماز جمعه تهران در دانشگاه روز افزون است و به نظر می‌رسد که این کار باید به همت و اراده حضرت تعالی به سرانجام برسد، لذا استدعا دارد اجازه فرمایید به مقدار یک میلیون متر مربع از اراضی مزبور در حد فاصل خیابان شهید بهشتی به سمت شمال، که قسمت اعظم آن نیز با موافقت شهرداری محصور گردید و در اختیار مصلا است به ساختمان مصلا و تا حد لازم در محور قبله از شمال آن برای سایر مراقب اختصاص یابد و تصدی امور آن با امام جمعه تهران باشد. همچنین طرحهایی که بعداً در حریم مصلاهی تهران پیش‌بینی می‌شود با موافقت امام جمعه انجام گیرد.

[سید علی خامنه‌ای - اکبر هاشمی]

بسمه تعالی

باحتفظ جهات شرعی در مورد زمین مذکور با پیشنهاد حجتی الاسلام، آقایان: خامنه‌ای و هاشمی، موافقت می‌شود. ان شاء الله در کنار ساختن مصلاهی تهران، در ساختن

بینش کفر ستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلاً باید یادآور سادگی محل
عبادت مسلمانان صدر اسلام باشد. و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام
امریکایی جلوگیری شود. خداوند تمامی دست‌اندرکاران برپاکننده مساجدالله را تأیید
فرماید.

۶۷/۸/۲۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۳ آبان ۱۳۶۷ / ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: هاشمی، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد هاشمی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل زکوات و کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث از سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه مصرف نمایند و نصف سهم سادات را به سادات مستحق بپردازند و مابقی را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۳۰ آبان ۱۳۶۷ / ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: محمدی اصفهانی، عبد الله

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰ع ۴۰۹۲

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام و المسلمين آقاي حاج شيخ عبدالله محمدی اصفهانی - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده، و دو ثلث دیگر را ارسال دارند؛ و نیز مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر را نزد اینجانب و در تمام احوال، احتیاط را مراعات نمایند؛ «فانه طریق النجاة»؛ والسلام علیه و رحمة الله و بركاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ بیانات

زمان: آذر ۱۳۶۷ / ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم مقاومت در برابر صهیونیستها و طرد سازشکاران
مخاطب: رهبران انتفاضه^(۱)

[بسم الله الرحمن الرحيم]

ما در زمان شاه که تمام قوا، امریکا، شوروی و سایر غریبها، همه طرفدار او بودند، ملت ایستاد تا کار را تمام کرد.

و همین طور اطلاعی که شما داشتید، در داخل خودتان اشخاصی، مثل اشخاصی که بدتر از آنها هستند مثل عرفات. ما هم از این اشخاص داشتیم، این عرفات الآن می خواهد یهودیان را به آنجا مسلط کند و می خواهد شبانه آنها را... باید مردم دست به دست هم بدهند و عرفات را از جمع خودشان خارج کنند، تا خودشان بتوانند کاری را انجام بدهند و تا آن وقتی که یک نفر یهودی در آنجا هست باید بایستند و کار را تمام کنند همان طور که ما کردیم. و با ایستادگی کار تمام می شود. بدانید این معنی را، الآن به دست و پا افتاده اند اسرائیلی ها. الآن دارند عرفات را ترویج می کنند، برای اینکه قائل به این است که یهود هم باشد ما هم باشیم. در صورتی که یهود نباید آنجا باشد؛ هیچ وقت.

باید مردم بایستند و کسانی که مخالفت با این مسائل دارند، از جرگه خودشان خارج کنند. و پافشاری کنند تا کار درست شود. و ان شاء الله درست می شود. امیدوارم؛ من دعا می کنم به شما، خداوند همه تان را حفظ کند. ان شاء الله موفق باشید.

۱- در سال ۱۹۸۷ م. (پاییز ۱۳۶۶) روند جدیدی از قیام و مبارزه با اسرائیل توسط ساکنین سرزمینهای اشغالی آغاز شد که «انتفاضه» نام گرفت. این قیام اعتراضی مردمی نسبت به ادامه اشغال سرزمین فلسطین بود. انتفاضه در لغت یعنی قیام، تکان و جنبش. (ر.ک: فلسطین از دیدگاه امام خمینی، تبیان، دفتر چهارم، ص ۱۹۹).

□ حکم

زمان: آذر ۱۳۶۷ / ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اقدامات رفاهی برای معلولان

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسمه تعالی

جناب آقای نخست وزیر محترم - اَیْده‌الله تعالی

بنیاد مستضعفان موظف است در جهت رفاه معلولین عزیز اولویت را به آنها داده و تمامی نیازهای آنها را برطرف کند.

جناب آقای مظاهری^(۱) باید در این زمینه تمامی سعی و کوشش خود را مبذول دارد و گزارش کارهای انجام شده را به اینجانب اطلاع دهد.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای طهماسب مظاهری، سرپرست بنیاد مستضعفان.

□ پیام

زمان: ۲ آذر ۱۳۶۷ / ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: نقش و منزلت بسیج

مناسبت: هفته بسیج

مخاطب: ملت ایران و بسیجیان سلحشور

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکیل بسیج در نظام جمهوری اسلامی ایران یقیناً از برکات و الطاف جلیه خداوند تعالی بود که بر ملت عزیز و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شد.

در حوادث گوناگون پس از پیروزی انقلاب خصوصاً جنگ، بودند نهادها و گروههای فراوانی که با ایثار و خلوص و فداکاری و شهادت طلبی، کشور و انقلاب اسلامی را بیمه کردند. ولی حقیقتاً اگر بخواهیم مصداق کاملی از ایثار و خلوص و فداکاری و عشق به ذات مقدس حق و اسلام را ارائه دهیم، چه کسی سزاوارتر از بسیج و بسیجیان خواهند بود! بسیج شجره طیبه و درخت تناور و پر ثمری است که شکوفه های آن بوی بهار وصل و طراوت یقین و حدیث عشق می دهد. بسیج مدرسه عشق و مکتب شهدان و شهیدان گمنامی است که پیروانش بر گلدسته های رفیع آن، اذان شهادت و رشادت سر داده اند. بسیج میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی نشانی گرفته اند. بسیج لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده اند.

من همواره به خلوص و صفای بسیجیان غبطه می خورم و از خدا می خواهم تا با بسیجیانم محشور گرداند، چرا که در این دنیا افتخارم این است که خود بسیجی ام. من مجدداً به همه ملت بزرگوار ایران و مسئولین عرض می کنم چه در جنگ و چه در صلح بزرگترین ساده اندیشی این است که تصور کنیم جهانخواران خصوصاً امریکا و شوروی

از ما و اسلام عزیز دست برداشته‌اند؛ لحظه‌ای نباید از کید دشمنان غافل بمانیم. در نهاد و سرشت امریکا و شوروی کینه و دشمنی با اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - موج می‌زند. باید برای شکستن امواج طوفانها و فتنه‌ها و جلوگیری از سیل آفتها به سلاح پولادین صبر و ایمن مسلح شویم. ملتی که در خط اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله - و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چرا که در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشد.

خلاصه کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از آن دور خواهد گردید و الا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد. امروز یکی از ضروریترین تشکلهای، بسیج دانشجوی و طلبه است. طلاب علوم دینی و دانشجویان دانشگاهها باید با تمام توان خود در مراکزشان از انقلاب و اسلام دفاع کنند و فرزندان بسیجی‌ام در این دو مرکز، پاسدار اصول تغییرناپذیر «نه شرقی و نه غربی» باشند. امروز دانشگاه و حوزه از هر محلی بیشتر به اتحاد و یگانگی احتیاج دارند. فرزندان انقلاب به هیچ وجه نگذارند ایادی امریکا و شوروی در آن دو محل حساس نفوذ کنند. تنها با بسیج است که این مهم انجام می‌پذیرد. مسائل اعتقادی بسیجیان به عهده این دو پایگاه علمی است. حوزه علمی و دانشگاه باید چهارچوبهای اصیل اسلام ناب محمدی را در اختیار تمامی اعضای بسیج قرار دهند. باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است، چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب می‌توان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان به پایان نرسیده است، انقلاب اسلامی در جهان نیازمند فداکاریهای شماس و مسئولین تنها با پشتوانه شماس است که می‌توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت اثبات کنند که بدون امریکا و شوروی می‌شود به زندگی

مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی رسید. حضور شما در صحنه‌ها موجب می‌شود که ریشه ضد انقلاب در تمامی ابعاد از بیخ و بن قطع گردد.

من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می‌بوسم و می‌دانم که اگر مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند، به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت. بار دیگر تأکید می‌کنم که غفلت از ایجاد ارتش بیست میلیونی، سقوط در دام دوبرق‌دست جهانی را به دنبال خواهد داشت. من از تمامی بسیجیان خصوصاً از فرماندهان عزیز آن تشکر می‌کنم و از دعای خیر برای این فرزندان با وفای اسلام غفلت نخواهم نمود. خداوند شهدای عزیز و گمنام بسیج را به نعمت همجواری اهل بیت - علیهم السلام - متنعم و جانبازان عزیز را شفا و اسرا و مفقودین عزیز را سالم‌اً به اوطانشان بازگرداند و هر روز بر عظمت و شوکت این نهاد مقدس و مردمی که پیروان اسلام عزیز و حضرت بقیة الله الاعظم - ارواحنا لمقدمه الفداء - هستند بیفزاید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۹/۲

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۲ آذر ۱۳۶۷ / ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب امام جمعه بوشهر

مخاطب: فاضل فردوسی، ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ ابراهیم فاضل فردوسی - دامت افاضاته
با تشکر و قدردانی از زحمات چند ساله جناب حجت الاسلام آقای مدنی^(۱) - دامت
افاضاته - اکنون که ایشان به خاطر گرفتاریهای شخصی از امامت جمعه بوشهر استعفا
داده‌اند، جنابعالی را به سمت امام جمعه بوشهر و نماینده خود در آن استان منصوب
می‌نمایم که ان شاء الله تعالی ضمن برگزاری نماز پرصلابت جمعه، مردم را به وظایف مهم
اسلامی و انقلابی خود آشنا ساخته و به وحدت و همبستگی در برابر دشمنان اسلام
دعوت نمایید. امید است با همکاری اهالی محترم و نهادها و مسئولین جمهوری اسلامی
در آن شهر بتوانید هرچه باشکوه‌تر نماز جمعه را برگزار نمایید. والسلام علیکم و
رحمة الله.

۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید محمود مدنی بروجنی طی حکم مورخ ۱۴ صفر الخیر ۱۴۰۵ از سوی امام خمینی به سمت نماینده ایشان در استان بوشهر منصوب شده بود.

□ حکم

زمان: ۲ آذر ۱۳۶۷ / ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با استفاده از ساختمانهای توقیفی دادستانی برای خوابگاه دانشجویان

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار

جمهوری اسلامی ایران

با سلام و درود، معروض می‌دارد یکی از مشکلات جاری دانشگاههای کشور مسئله خوابگاه دانشجویان می‌باشد که علی‌رغم تلاش فراوان برای آماده‌سازی به موقع خوابگاهها برای استفاده سال جاری متأسفانه میسر نگردیده است. تقاضا دارد در صورت صلاحدید موافقت فرمایید از ساختمانهای توقیفی در دست دادستانی به تعداد مورد نیاز در اختیار دانشگاهها برای استفاده خوابگاه قرار گیرد. دولت تضمین می‌نماید در صورتی که حکم تحویل ساختمان به صاحبان آنان صادر گردد ضمن تخلیه و تحویل ساختمان، کلیه حقوق مقرر قانونی از سوی دادستانی را به صاحبان آن پرداخت نماید. امید است بدین نحو بتوانیم از مشکل خوابگاه دانشجویان کم نماییم.

۶۷/۹/۲ - میر حسین موسوی، نخست وزیر]

بسمه تعالی

با مراعات جهات شرعیه موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۳ آذر ۱۳۶۷ / ۱۳ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب سرپرست امور جانبازان و فرمان ایجاد تشکیلات مناسب در این بنیاد

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر محترم - ایدالله تعالی از آنجاکه چندی قبل جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مهدی کروی طی نامه‌ای درخواست نمودند که برای رسیدگی هرچه بیشتر و بهتر به امور جانبازان و خانواده‌های شهدا اداره امور جانبازان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی به نهاد یا تشکیلات دیگری سپرده شود، اینجانب ضمن تقدیر و تشکر از ایشان و از کلیه مسئولین و دست‌اندرکاران «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و مرکز پزشکی بنیاد، خصوصاً سرکار خانم کروی^(۱) که در شرایط جنگ کمال ایثار و فداکاری را نسبت به این عزیزان نموده‌اند، جنابعالی را مسئول اداره کلیه امور جانبازان عزیز نمودم که با استفاده از همکاری و تجربیات «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» و جانبازان و نیز اختصاص بهترین امکانات «بنیاد مستضعفان» به ایجاد تشکیلات جدیدی در این امر مقدس و بزرگ همت گمارید. و امید است با درایت و تقوا و تعهدی که در شما سراغ دارم به تمامی امور این حماسه‌سازان و شهیدان زنده انقلاب رسیدگی کامل گردد. و «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» نیز همچون گذشته با فراغت و امکانات بیشتر امور خانواده‌های معظم شهدا و مفقودین و اسرا را دنبال نماید.

از آنجاکه ممکن است این روزها افرادی بخواهند نسبت به دولت خدمتگزار شبهات و القائاتی در اذهان عامه به وجود آورند و زحمات بی‌شائبه و طاقتفرسای شما را

۱- خانم فاطمه کروی، سرپرست مرکز پزشکی بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

خصوصاً در مسئله جنگ خدشه‌دار نمایند، لازم است این نکته را تذکر دهم که من همچون گذشته شما را فردی لایق و دلسوز برای انقلاب اسلامی می‌دانم، و زحمات شما را در دوران جنگ و تجهیز سپاهیان اسلام فراموش نمی‌کنم، و الآن نیز شما را تأیید و حمایت می‌کنم.

از آنجا که سران کشور و هیأت مشورتی بازسازی کشور در چند روز آینده اصول و سیاست بازسازی را به دولت ابلاغ می‌نمایند، جنابعالی و اعضای محترم هیأت دولت باید با قدرت و قاطعیت و با استقلال کامل به امر بازسازی کشور و ترمیم خرابیها پرداخته و رسیدگی به محرومین را در صدر برنامه‌های خود قرار دهید. و مردم عزیز و شریف ایران نیز، که همه چیز خود را در طبق اخلاص و بندگی خدا نهاده‌اند، توجه دارند که تا رسیدن به استقلال واقعی راه طولانی پیش رو دارند؛ و همه می‌دانند که با توجه به حجم عظیم خرابیها نباید انتظار اصلاح و بازسازی سریع امور را داشت. ما هنوز در آغاز راه هستیم، و سالها وقت لازم است که با همت و تلاش همه دست‌اندرکاران و مردم عزیز میهن اسلامی مان بازسازی شود و مشکلات برطرف گردد. چه بسا افراد مغرض و مخالف با انقلاب، که از هیچ راهی نتوانسته‌اند به اسلام و انقلاب لطمه‌ای وارد نمایند، امروز در قالب شعارها و بالا بردن سطح توقعات در مردم بخواهند به هدفهای شوم خود نایل شوند، و با انگشت نهادن روی مشکلاتی که نتیجه تحمیل چندین ساله جنگ بوده است مردم را نسبت به مسئولین بدبین کنند و اینطور تبلیغ نمایند که بعد از قبول قطعنامه و نبودن جنگ چرا مشکلات حل نمی‌شود؟ باید به این افراد گفت مگر این کار به سادگی امکانپذیر است؟ مگر کشور ما از محاصره‌ها بیرون آمده است؟ مگر همه مراکز آسیب دیده برق و سوخت و کارخانجات را یکروزه می‌توان راه‌اندازی نمود که ما بگوییم دیروز جنگ بود و عذرها موجه، ولی امروز که جنگ نیست چرا کمبود است؟ البته این سخنها از باب تذکر به مؤمنین است؛ و الا مردم وفادار و انقلابی کشورمان برای به دست آوردن استقلال واقعی و رسیدن به خودکفایی خیلی بیشتر از اینها آماده صبر و فداکاری هستند. و من مطمئنم که ملت ایران یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال

زندگی در ناز و نعمت ولی وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی‌کند.
در خاتمه بار دیگر از زحمات دلسوزانه و مخلصانه دوست خوبم، جناب
حجت‌الاسلام آقای کروی تشکر می‌نمایم. و امیدوارم تمامی افرادی که در خدمت
معلولین جنگ تحمیلی بوده‌اند با صمیمیت با آقای نخست‌وزیر همکاری نمایند.
خداوند بزرگ به همه مسئولین و دولت خدمتگزار و مردم شریف ایران توفیق صبر و
ایثار در راه اسلام را عنایت فرماید. والسلام علیکم ورحمةالله.

به تاریخ ۶۷/۹/۳

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

□ نامه

زمان: ۷ آذر ۱۳۶۷ / ۱۷ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اختیارات شورای تشخیص مصلحت نظام

مخاطب: جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

- مدظله العالی

با تقدیم درود و سلام و آرزوی طول عمر و صحت و سلامت کامل برای رهبر بزرگوار، و پیروزی اسلام و مسلمین، و با اعتذار از تصدیع، مدتی است برای نمایندگان مجلس شورای اسلامی در خصوص کیفیت کار شورای محترم تشخیص مصلحت ابهامهایی وجود دارد که ضمن طرح آن خواستار رهنمود حضرت مستطاب عالی می‌باشیم.

در ابتدای تشکیل هیأت مذکور، مسیر کار چنین ترسیم شده بود که مصوبه مجلس پس از اظهار نظر منفی شورای نگهبان، برای اصلاح به مجلس برگردد، مجلس پس از نظر مجدد آن را به شورای نگهبان برگرداند. آنگاه، چنانچه لازم تشخیص داده شد برای اصلاح نهایی به شورای تشخیص مصلحت ارجاع گردد. ولی هم اکنون بعضاً این شورا قانونگذاری نیز می‌نماید. و مهمتر اینکه تقدیم لوایح قانونی به این شورا خالی از جمیع مقدمات مقرراتی است که یک لایحه قانونی از طریق متعارف دارد: طرح لایحه در هیأت دولت؛ و تصویب آن توسط آنان؛ و امضای نخست وزیر و وزیرای مربوطه؛ و تقدیم آن به مجلس؛ و بحث در کمیسیونها در جلسه علنی در دو شورا. طبیعی است که با این روند هرکس، حتی مقامات غیر مسئول، می‌تواند با تقدیم پیشنهادی به شورای تشخیص مصلحت برای کشور قانون جدیدی ایجاد کند؛ و حتی قوانین مصوبه کشور را نقض نماید. و این می‌تواند علاوه بر بی‌خاصیت شدن مجلس، تناقضهای فراوان در قوانین کشور نیز ایجاد نماید. و بالجمله، وجود مراکز متعدد و موازی قانونگذاری در کشور به نوبه خود مسئله‌ای مشکل آفرین و موجب تزلزل نظام سیاسی کشور می‌باشد. لذا بسیار باعث امتنان خواهد بود که نمایندگان مجلس شورای اسلامی را، که به تبعیت از مقام معظم

رهبری مفتخر و مباهی اند، ارشاد فرمایید.^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام. مطلبی که نوشته‌اید کاملاً درست است. ان شاء الله تصمیم دارم در تمام زمینه‌ها وضع به صورتی درآید که همه طبق قانون اساسی حرکت کنیم. آنچه در این سالها انجام گرفته است در ارتباط با جنگ بوده است. مصلحت نظام و اسلام اقتضا می‌کرد تا گره‌های کور قانونی سریعاً به نفع مردم و اسلام بازگردد. از تذکرات همه شما سپاسگزارم و به همه شما دعا می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- اسامی امضاکنندگان نامه به این ترتیب است:

فخرالدین حجازی - صادق خلخالی - موسوی لاری - نجفقلی حبیبی - اصغرزاده - سیدحسین موسوی تبریزی - اسدالله بیات - محمدعلی صدوقی - هدایت الله آقای - مجید انصاری - حسین هاشمیان - احمد عزیزی - صالح آبادی - نوربخش - صدقیانی - عباس دوزدوزانی - سلامتی - هادی خامنه‌ای - رسول منتجب نیا - اشرفی اصفهانی - مرتضی الویری - علی پناهنده - سیدمحمد حسینی - محمدرضا بهزادیان - سیدمحمد حائری - مؤذن زاده - تاجگردون - محمدحسین جهانگیری - سیدمحمد رضوی یزدی - ملک آسا - نورالله عابدی (بهبهان) - کبیری - احمد زمانیان - راه‌چمنی - یدالله اسلامی - عبدالمجید شرع پسند - سیدرضا نوروز زاده - سیدحسین قاضی زاده - غلامرضا حیدری - عبدالحسن حائری زاده - محمدباقر ذاکری - محمدرضا واقفی - محمد قمی - علی محمد غریبانی - مسعود هاشم‌زهی - عبدالله نوروزی - سیدکاظم میرولد - محمد مجدآرا - حضرتی - نعمت‌الله اسدی - تسلیمی - مظفری نژاد - یغمور قلی زاده - شفیعی - نوبخت - شهرزاد - سیداسماعیل داوودی - احمد رباطی - اصغر نوروزی - اسدالله جامی - علی عبدالعلی زاده - مصطفی مرصلی - احمد همتی - علی کرم محمدیان - صدیقی - سیدمحمد اصغری - سبحان اللهی - آقای - علی محمد سوری - پرتوئی - احمد نظری پور - خانم دستغیب - برزنجی - خانم رجایی - فخرالدین رضازهی - خداکرم جلالی - محمدحسین پودینه - فروتن - مجید دبستانی - خاک - محمدرضا بهمنی - احمد خارستانی - پرویز صیقلی - خدانظر قاسمی - نورمحمد محمودیان - قهرمان رحمانی - سیدفخرالدین هاشمی - حسین هراتی - محمد حق - فاضل همدانی - صالح روحانی زاده - رحمت الله رحمتی - سیدعباس هدایتی - علی محقر - علی محمد باباخاص - سیدعبدالحسینی بندرلنگه - حسن مختاری.

□ پیام

زمان: ۱۴ آذر ۱۳۶۷ / ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل و تقدیر از جهادگران جهاد سازندگی

مخاطب: مسئولان برگزاری سمینار جهاد سازندگی

بسم الله الرحمن الرحيم

زحمات بی وقفه جهاد، این سنگر سازان بی سنگر، در دفاع مقدس مان از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی گنجد. عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است. شجاعت دلیر مردان و شیرزنان جهادیمان در جهاد مان علیه کفر و بیداد زبانزد خاص و عام است. وسعت دامنه گذشت و ایثار مردان و زنان جهاد، جنگ و صلح، بزرگ و کوچک، فقیر و غنی این مرز و بوم را فرا گرفته است. جهاد شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است.

فرزندان عزیز جهادی ام به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه های اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - است. اسلامی که غرب، و در رأس آن امریکای جهانخوار، و شرق و در رأس آن شوروی جنایتکار را به خاک مذلت خواهد نشاند. اسلامی که پرچمداران آن پابرهنگان و مظلومین و فقرای جهانند و دشمنان آن ملحدان و کافران و سرمایه داران و پول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی بهره بوده اند؛ و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حيله گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنرنده.

شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه ها، چون جبهه ها، دل امام زمان - روحی له الفداء - را شاد کرده اید.

امیدوارم از سیاست صخره‌های سخت «نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی» عبور کنید که اگر ایران را بر پایه استقلال واقعی پایه‌ریزی نکنیم، هیچ کاری نکرده‌ایم. چشم امید من به شما سازندگان پر شور و نشاط اسلامی است. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۵ آذر ۱۳۶۷ / ۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسیّه و شرعیه

مخاطب: منتجب نیا، رسول

[بسم الله الرحمن الرحيم]

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمين آقا شيخ رسول منتجب نيا - دامت توفيقاته
- از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسیّه و اخذ وجوه شرعیه از قبیل مظالم عباد
و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیه، و در مورد سهم مبارک امام -
عليه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو متعارف و
صرف ثلث از مازاد در ترویج شریعت مقدسه و ارسال دو ثلث دیگر، و مجازند، در اخذ
و سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر نزد
اینجانب، و در هر حال احتیاط را رعایت نمایند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و
رحمة الله.

۱۴۰۹۲۵

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۱ آذر ۱۳۶۷ / ۲ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور شرعیه

مخاطب: توسلی، محمدرضا

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمدرضا توسلی - دامت افاضاته
با سلام و دعا. جنابعالی سالیان دراز مشغول درس و بحث بوده و از شروع انقلاب
اسلامی تا پیروزی و پس از پیروزی انقلاب تا کنون زحماتی کشیده و از افراد صالح و
مورد علاقه اینجانب می باشید. شما از دوستان متدین، با صفا و پاک اینجانب می باشید
جنابعالی از طرف اینجانب وکیل بوده تا تمامی امور شرعیه را بدان صورت که دستور
شرع است انجام دهید. از خداوند می خواهم تا به شما توفیق دهد تا هرچه بیشتر و بهتر
بتوانید به اسلام و انقلاب خدمت کنید. والسلام علیکم ورحمة الله.^(۱)

۶۷/۹/۲۱

روح الله الموسوی الخمينی

۱- در زیر دستخط حضرت امام، حضرت آیت الله العظمی محمدعلی اراکی نیز مطالبی به این شرح مرقوم داشته اند:

«بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه را که مرحوم آیت الله العظمی امام خمینی - طاب ثراه - در متن مرقوم فرموده اند مورد تأیید اینجانب می باشد و
جنابعالی از جانب حقیر در آنچه مأذون بوده اید مجاز و مأذون می باشید. مع رعاية الاحتیاط فانه سبیل النجاة. ۱۲
ذی القعدة ۱۴۰۹ - الأحرر، محمدعلی العراقي».

□ اجازه نامه

زمان: ۲۱ آذر ۱۳۶۷ / ۲ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسیه و شرعی

مخاطب: بیات، اسدالله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ اسدالله بیات - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسیه و اخذ وجوه شرعی و صرف امثال زکوات و کفارات و مظالم عباد را در مصارف مقرر شرعی، و در مورد سهم مبارک امام - علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مصارف خود به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند، چنانچه مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر را نزد اینجانب برای صرف در اعلائی کلمه طیه اسلام.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اهدانامه

زمان: ۲۲ آذر ۱۳۶۷ / ۳ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اهدای کتاب صحیفه سجادیه

مخاطب: خمینی، علی^(۱)

بسمه تعالی

«هدیه النملة»

فارغ از هر دو جهانم به گل روی علی

از خم دوست جوانم به خم موی علی

طی کنم عرصه ملک و ملکوت از پی دوست

یاد آرم به خرابات چو ابروی علی

صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ماکوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمه نورالله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیه اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم بدون تکلف الفاظ در شیوه دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان می کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن، همه گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتیهای معنوی خود از آن استفاده می کند. این کتاب همچون قرآن الهی ادق^(۲) معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می شود در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه خاص خود قطراتی که از

۱-نوه حضرت امام.

۲-دقیقترین.

دریای بیکران عرفان خود می‌چشانند و آنان را محو و نابود می‌کند:

پس عدم‌گردم چون ارغنون گویدم انا الیه راجعون
پس تو ای نویسنده محروم از همه معارف و بیخبر از کون و مکان، قلم را بشکن و
صحیفه را ببند و از حدّ خود که هواهای نفسانی چون تار عنکبوت بر سراسر وجودت
پیچیده و هر روز و شب افزون می‌گردد به فضل لایزال الهی پناه ببر «أنّه ذو رحمة واسعة»
و من این کتاب بزرگ را به فرزند عزیزم که در جبهه او نور و نور علی نور می‌بینم و
آن عزیز که یادگار احمد^(۳) و از سلاله پاک ائمه اطهار - علیهم سلام الله - و پرورده دامن
پاک مادر عزیزش که سلاله پاک ائمه اطهار و از طباطبایی‌ها که افتخار فرزندی حسنین را
دارند اهدا کردم و امیدوارم او از علمای برجسته و فقهای متعهد و از عرفای مجاهد فی
سبیل الله در دو جبهه ظاهر و باطن شود و از این کتاب مقدس به طور شایسته بهره‌مند
گردد و پدر پیر خود، خمینی را که عمری با هوای نفس و عصیان و ناسپاسی گذرانده و
اکنون با روی سیاه و کوله‌باری از معصیت بدون هیچ امید - مگر به فضل خدای رحمان -
از این دار و دیار به دار و دیار دیگر می‌رود از طلب رحمت و دعایی و بخشش گناهان بر
او منت نهد.

خداوندا، این عائله را به تو سپردم و از هیچ کس امیدی ندارم؛ تو خود با عنایات
خویش آنان را تحت تربیت خویش قرار ده.

به تاریخ شب سه‌شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۶۷ / سوم جمادی‌الاولی ۱۴۰۹

بنده عاصی خدا

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

۳- آقای سید احمد خمینی.

□ نامه

زمان: ۲۳ آذر ۱۳۶۷ / ۴ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با استفاده از اموال ضبط شده طبق قانون و حکم دادگاهها جهت رفع نیاز

سازمان قضایی

مخاطب: رازینی، علی (رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح)

[رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح طی نامه‌ای به شماره ۳۵/۶۷/۵۱۳۳ مورخ ۱۳۶۷/۹/۲۳ درخواست نموده است، اجازه دهند از اموالی که به حکم قانون و احکام دادگاهها از باندهای فساد مالی ضبط می‌شود جهت رفع نیازهای سازمان قضایی مذکور و تشکیلات وابسته به آن و نیازهای مشابه در نیروهای نظامی و انتظامی مصرف شود. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

با حفظ جهات شرعیه و موافقت جناب آقای نخست وزیر، موافقت دارم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۴ آذر ۱۳۶۷ / ۵ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر قانونمند کردن تصمیمات و ضوابط و ارجاع امور به شورایعالی سپاه
مخاطب: محمدی عراقی، محمود (نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

[بسم الله الرحمن الرحيم. محضر منور رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی و فرمانده معظم کل قوا،
حضرت امام خمینی - روحی له الفداء

با ابلاغ سلام خود و فرزندان غیور سپاه اسلام. از پاسخ اخیر حضرتعالی به سؤال نمایندگان محترم
مجلس شورای اسلامی^(۱) چنین استنباط شد که نظر مبارکتان آن است که پس از جنگ تمام مسائل بر
محور قانون عمل شود. همان طور که مستحضر هستید در گذشته تنها مرجع قانونی جهت تصویب کلیه
مقررات و ضوابط قانونی در سپاه پاسداران، شورایعالی سپاه بوده است، استدعا دارد جهت تعیین
تکلیف مسئولین سپاه و این نمایندگی که همگی متعهد به اجرای کامل منویات مقام معظم رهبری
می باشند، نظر مبارک را در این زمینه در وضعیت فعلی بیان فرمایید. دوام عمر و تأییدات الهیه را از
درگاه حق متعال خواستارم. ۶۷/۹/۲۱ - خدمتگزار نمایندگی امام در سپاه: محمود محمدی عراقی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای محمود محمدی عراقی - دامت افاضاته

همان گونه که نوشته اید از این پس چون گذشته آنگونه از مقررات و ضوابطی که
باید در شورایعالی سپاه طرح و تصویب گردد، به همان صورت مورد عمل قرار
گیرد. حرکت همگی باید در جهت قانون بوده باشد. توفیق جنابعالی را از خداوند
متعال خواستارم.

۶۷/۹/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

۱- پاسخ امام خمینی به نامه نمایندگان مجلس، به تاریخ ۱۳۶۷/۹/۷، مندرج در همین مجموعه.

□ نامه

زمان: ۲۵ آذر ۱۳۶۷ / ۶ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب مجدد ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات

مخاطب: مروی، هادی (رئیس دادگاه عالی انتظامی قضات)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر بزرگ انقلاب اسلامی آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی سلام علیکم. به عرض عالی می‌رساند که اینجانب از اوایل پیروزی انقلاب که به نمایندگی از سوی مقام معظم رهبری در مسجد سلیمان انجام وظیفه می‌نمودم با صدور حکم، به امر قضا نیز اشتغال یافته - و پس از صدور فرمان هشت ماده‌ای و تشکیل ستاد پیگیری مسئول دادرسی انتظامی و از ۶۳/۸/۳ به ریاست دادگاه عالی انتظامی قضات منصوب گردیدم. اخیراً با توجه به مصوبه مجلس شورای اسلامی دچار تشویش و اضطراب خاطر گردیده که خواستم از آن مقام معظم در خواست کنم چنانچه حقیر را به سمت مذکور منصوب فرمایند میتوانم با اطمینان خاطر در حدّ توان خود خدمتگزاری کوچک در دستگاه قضایی باشم. والامر الیکم و ادام الله ظلكم علی رؤوس المسلمین.

هادی مروی، به تاریخ ۶۷/۹/۲۱]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای هادی مروی - دامت افاضاته

به جنابعالی اجازه داده می‌شود تا در پست دادگاه عالی انتظامی قضات به خدمت خود ادامه دهید و هیچ تشویشی هم نداشته باشید. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

۶۷/۹/۲۵

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۶ آذر ۱۳۶۷ / ۷ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: شریعتی، حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقه الاسلام و عماد الاعلام آقاي حاج شيخ حسين شريعتي - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبيّه و اخذ وجوه شرعيّه و صرف امثال كفّارات و زكوات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه، و در مورد سهمين مباركين نيز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارك امام - عليه السلام - را در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد از مخارج نيز مجازند ثلث سهم مبارك امام - عليه السلام - را در ترويج شريعت مقدسه صرف نموده و نصف سهم سادات را نيز به سادات مستحق پردازند و مابقي سهمين را نزد اينجانب ارسال دارند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاريخ هفتم ج ۱۴۰۹
روح الله الموسوى الخميني

□ نامه

زمان: ۱ دی ۱۳۶۷ / ۱۲ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تشکر از فعالیت سپاه پاسداران در مبارزه با هواپیما ربایی و تأکید بر ادامهٔ مأموریت
مخاطب: رضایی، محسن (فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

بسمه تعالی

جناب آقای محسن رضایی، فرمانده محترم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
با تشکر از زحمات ارزشمند سپاه پاسداران در حراست از هواپیماها و برخورد با
هواپیما ربیان و با ابلاغ سلام به آنان، سپاه پاسداران چون گذشته مسئول حفاظت
هواپیماها می‌باشد، و در صورت ربوده شدن هواپیمایی، سپاه مسئول می‌باشد. در
مقدمات و نحوهٔ اجرا با جناب آقای موسوی نخست‌وزیر، هماهنگی لازم را بنمایید.^(۱)

۶۷/۱۰/۱

روح الله الموسوی الخمينی

۱- فرمان امام خمینی در پی نامهٔ شمارهٔ ۱۳۷۴-۱ / ف. مورخ ۶۷/۹/۱۰ آقای محسن رضایی، به عنوان آقای سیداحمد خمینی صادر شد. آقای رضایی در این نامه با اشاره به دستوری که امام خمینی در سال ۶۳ صادر و سپاه پاسداران را مسئول جلوگیری از هواپیما ربایی فرمودند، یادآور شده است که: «سپاه از این مأموریت خطیر روسفید بیرون آمد و هشت مورد در هوا و دوازده مورد در زمین توطئه‌های ربودن هواپیماها را خنثی کرد... پس از خاتمهٔ ظاهری جنگ، حضور سپاه به طرق مختلف دستخوش برخوردهای گوناگون شد که از لحاظ حفظ مسائل امنیتی پرواز، برای سپاه مشکلاتی ایجاد نموده و مجموعهٔ تشکیلات موجود در فرودگاه با زنده کردن قوانین سابق، حضور سپاه را با طرح مسئلهٔ «نداشتن جایگاه قانونی» تخطئه می‌نمایند».

□ حکم

زمان: ۷ دی ۱۳۶۷ / ۱۸ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسیّه و شرعیّه - انتصاب امام جمعه و نماینده در آبادان

مخاطب: جمعی، غلامحسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ غلامحسین جمی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل زکوات و کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - در مصارف خود و صرف نصف از سهم مبارک امام - علیه السلام - مازاد را در ترویج شریعت مقدسه و نصف سهم سادات را مجازند به سادات مستحقّ پیردازند و مابقی را ارسال دارند؛ و همچنین مجازند در مورد دستگردان و امهال و سایر امور شرعیّه از طرف اینجانب.

چنانچه جناب ایشان - ائده الله تعالی - از طرف اینجانب منصوب هستند به نمایندگی و امامت جمعه شهر آبادان و برگزاری این نماز دشمن شکن، و بر مؤمنین محل و اهالی محترم آن منطقه است که وجود ایشان را مغتنم دانسته، و همکاریهای لازمه را در حفظ وحدت مسلمین و انجام وظایف محوله با ایشان بنمایند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

۱۸ ج ۱۴۰۹۱

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۸ دی ۱۳۶۷ / ۱۹ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اختیارات «مجمع تشخیص مصلحت نظام» و تذکر به شورای نگهبان

مخاطب: اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات آقایان اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت - دامت افاضاتهم
با سلام و دعا و آرزوی موفقیت برای آن مجمع محترم، از آنجا که وضعیت جنگ به
صورتی در آمده است که هیچ مسئله‌ای آنچنان فوریتی ندارد که بدون طرح در مجلس و
نظارت شورای محترم نگهبان مستقیماً در آن مجمع طرح گردد، لازم دیدم نکاتی را
متذکر شوم:

۱- آنچه تاکنون در مجمع تصویب شده است مادام المصلحة، به قوت خود باقی
است.

۲- آنچه در دست تصویب است اختیار آن با خود مجمع است که در صورت
صلاح‌حدید تصویب می‌نمایند.

۳- پس از آن، تنها در مواقعی که بین مجلس و شورای نگهبان اختلاف است، به همان
صورتی که در آیین‌نامه مصوب آن مجمع طرح شده بود عمل گردد. البته ماده پنج به
همان صورتی که اصلاح کرده بودم - جلسه با هفت نفر رسمیت پیدا می‌کند - باقی باشد. و
ماده ده بدین صورت اصلاح گردد: کلمه «مجدداً» حذف گردد؛ و به جای آن «تنها یک
بار» گذارده شود.

تذکری پدران به اعضای عزیز شورای نگهبان می‌دهم که خودشان قبل از این گیرها،
مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب
کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم‌گیریها است. حکومت فلسفه عملی

برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند. و این بحثهای طلبگی مدارس، که در چهارچوب تئوریهاست، نه تنها قابل حل نیست، که ما را به بن‌بستهایی می‌کشاند که منجر به نقض ظاهری قانون اساسی می‌گردد. شما در عین اینکه باید تمام توان خودتان را بگذارید که خلاف شرعی صورت نگیرد - و خدا آن روز را نیاورد - باید تمام سعی خودتان را بنمایید که خدای ناکرده اسلام در پیچ و خمهای اقتصادی، نظامی، اجتماعی و سیاسی، متهم به عدم قدرت اداره جهان نگردد. خداوند به همه اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت توفیق دهد تا هرچه بهتر به اسلام خدمت کنید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۱۰/۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۰ دی ۱۳۶۷ / ۲۱ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با عفو زندانیان و محکومین پس از تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر
مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر و رئیس ستاد)

[بسمه تعالی ... با سلام و درود. احتراماً، با عرض معذرت از تصدیع اوقات شریف و آرزوی سلامتی و دوام عمر با برکت حضرت مستطاب عالی به استحضار می‌رساند که با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر توسط مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام امید علاقه‌مندان به انقلاب و کشور در حل این مشکل بزرگ و خانمانسوز بشدت افزایش یافته و امید می‌رود که با هماهنگی و همدلی سازمانهای مسئول قضایی و اجرایی و خواست همگانی و ملی یک تجربه موفق در مبارزه با ناهنجاریهای اجتماعی و توطئه‌های تحمیلی استکبار به دست آید. براساس ماده ۳۳ آنگونه که قانون پیش‌بینی کرده، در نظر است که کلیه عملیات قضایی و اجرایی و تشدید و تخفیف مراحل مبارزه از جهت تبلیغ و مبارزه انتظامی و برخورد قضایی و درمان معتادین توسط سازمانهای ذی‌ربط و با نظر ستاد به طور هماهنگ انجام شود و بر اساس نظریه کارشناسان چنانچه برخورد با مجرمین و متخلفین از مراحل دستگیری تا تحمل مجازات، طبق یک الگوی هماهنگ و با رعایت جوانب سیاسی - اجتماعی آن انجام شود در پیشگیری از جرم در جامعه و ندامت و انصراف دیگران مؤثر است؛ لذا ستاد مبارزه با مواد مخدر از محضر مبارک حضرت تعالی استدعا دارد چنانچه صلاح بدانند موضوع عفو زندانیان و محکومین مواد مخدر، اعم از معتاد و غیر آن با نظر و هماهنگی این ستاد صورت گیرد. در صورت صدور اجازه مبارک، شیوه اجرایی آن تقدیم حضور خواهد شد. ۶۷/۱۰/۱۰]

میر حسین موسوی - نخست وزیر و رئیس ستاد مبارزه با مواد مخدر [

بسمه تعالی

با پیشنهاد عفو زندانیان و محکومین مواد مخدر، با تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر موافقت می‌شود.

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۱۱ دی ۱۳۶۷ / ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: دعوت به اسلام و بیان عجز تفکر مادی در تأمین نیازهای بشر؛ پیش بینی شکست کمونیسم

مخاطب: میخائیل گورباچف (صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای گورباچف، صدر هیأت رئیسه اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی با امید خوشبختی و سعادت برای شما و ملت شوروی، از آنجا که پس از روی کار آمدن شما چنین احساس می شود که جنابعالی در تحلیل حوادث سیاسی جهان، خصوصاً در رابطه با مسائل شوروی، در دور جدیدی از بازنگری و تحول و برخورد قرار گرفته اید، و جسارت و گستاخی شما در برخورد با واقعیات جهان چه بسا منشأ تحولات و موجب به هم خوردن معادلات فعلی حاکم بر جهان گردد، لازم دیدم نکاتی را یادآور شوم. هر چند ممکن است حیطه تفکر و تصمیمات جدید شما تنها روشی برای حل معضلات حزبی و در کنار آن حل پاره ای از مشکلات مردمتان باشد، ولی به همین اندازه هم شهادت تجدید نظر در مورد مکتبی که سالیان سال فرزندان انقلابی جهان را در حصارهای آهنین زندانی نموده بود قابل ستایش است. و اگر به فراتر از این مقدار فکر می کنید، اولین مسئله ای که مطمئناً باعث موفقیت شما خواهد شد این است که در سیاست اسلاف خود دایر بر «خدا زدایی» و «دین زدایی» از جامعه، که تحقیقاً بزرگترین و بالاترین ضربه را بر پیکر مردم کشور شوروی وارد کرده است، تجدید نظر نمایید؛ و بدانید که برخورد واقعی با قضایای جهان جز از این طریق میسر نیست. البته ممکن است از شیوه های ناصحیح و عملکرد غلط قدرتمندان پیشین کمونیسم در زمینه اقتصاد، باغ سبز دنیای غرب رخ بنماید، ولی حقیقت جای دیگری است. شما اگر بخواهید در این

مقطع تنها گره‌های کور اقتصادی سوسیالیسم و کمونیسم را با پناه بردن به کانون سرمایه‌داری غرب حل کنید، نه تنها دردی از جامعه خویش را دوا نکرده‌اید، که دیگران باید بیایند و اشتباهات شما را جبران کنند؛ چرا که امروز اگر مارکسیسم در روشهای اقتصادی و اجتماعی به بن‌بست رسیده است، دنیای غرب هم در همین مسائل، البته به شکل دیگر، و نیز در مسائل دیگر گرفتار حادثه است.

جناب آقای گورباچف، باید به حقیقت رو آورد. مشکل اصلی کشور شما مسئله مالکیت و اقتصاد و آزادی نیست. مشکل شما عدم اعتقاد واقعی به خداست. همان مشکلی که غرب را هم به ابتذال و بن‌بست کشیده و یا خواهد کشید. مشکل اصلی شما مبارزه طولانی و بی‌پایان با خدا و مبدأ هستی و آفرینش است.

جناب آقای گورباچف، برای همه روشن است که از این پس کمونیسم را باید در موزه‌های تاریخ سیاسی جهان جستجو کرد؛ چرا که مارکسیسم جوابگوی هیچ نیازی از نیازهای واقعی انسان نیست؛ چرا که مکتبی است مادی، و با مادیت نمی‌توان بشریت را از بحران عدم اعتقاد به معنویت، که اساسی‌ترین درد جامعه بشری در غرب و شرق است، به در آورد.

حضرت آقای گورباچف، ممکن است شما اثباتاً در بعضی جهات به مارکسیسم پشت نکرده باشید و از این پس هم در مصاحبه‌ها اعتقاد کامل خودتان را به آن ابراز کنید؛ ولی خود می‌دانید که ثبوتاً اینگونه نیست. رهبر چین^(۱) اولین ضربه را به کمونیسم زد؛ و شما دومین و علی‌الظاهر آخرین ضربه را بر پیکر آن نواختید. امروز دیگر چیزی به نام کمونیسم در جهان نداریم. ولی از شما جداً می‌خواهم که در شکستن دیوارهای خیالات مارکسیسم، گرفتار زندان غرب و شیطان بزرگ^(۲) نشوید. امیدوارم افتخار واقعی این مطلب را پیدا کنید که آخرین لایه‌های پوسیده هفتاد سال کثرتی جهان کمونیسم را از چهره تاریخ و کشور خود بزداید. امروز دیگر دولتهای همسو با شما که دلشان برای

۱- مائوتسه تونگ.

۲- امریکا.

وطن و مردمشان می‌تپد هرگز حاضر نخواهند شد بیش از این منابع زیرزمینی و روزمینی کشورشان را برای اثبات موفقیت کمونیسم، که صدای شکستن استخوانهایش هم به گوش فرزندانسان رسیده است، مصرف کنند.

آقای گورباچف وقتی از گلدسته‌های مساجد بعضی از جمهوریهای شما پس از هفتاد سال بانگ «الله اکبر» و شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت - صلی الله علیه و آله و سلم - به گوش رسید، تمامی طرفداران اسلام ناب محمدی (ص) را از شوق به گریه انداخت. لذا لازم دانستم این موضوع را به شما گوشزد کنم که بار دیگر به دو جهان‌بینی مادی و الهی بیندیشید. مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می‌دانند؛ و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت، را یکسره افسانه می‌دانند. در حالی که معیار شناخت در جهان‌بینی الهی اعم از «حس و عقل» می‌باشد، و چیزی که معقول باشد داخل در قلمرو علم می‌باشد گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است، و چیزی که ماده ندارد، می‌تواند موجود باشد. و همان طور که موجود مادی به «مجرد» استناد دارد، شناخت حسی نیز به شناخت عقلی متکی است.

قرآن مجید اساس تفکر مادی را نقد می‌کند، و به آنان که بر این پندارند که خدا نیست و گرنه دیده می‌شد. *لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى تَوَيَّ اللَّهُ جَهَنَّمَ*^(۳) می‌فرماید: *لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ*^(۴).

از قرآن عزیز و کریم و استدلال‌ات آن در موارد وحی و نبوت و قیامت بگذریم، که از نظر شما اول بحث است، اصولاً میل نداشتیم شما را در پیچ و تاب مسائل فلاسفه،

۳- بخشی از آیه ۵۵ سورة بقره: قوم حضرت موسی به ایشان گفت: «ما به تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خدا را آشکارا ببینیم».

۴- سورة انعام آیه ۱۰۳: «او [خدا] را هیچ چشمی درک نمی‌کند و او بینندگان را درک می‌کند، و او نامرئی و آگاه است».

بخصوص فلاسفه اسلامی، بپردازم. فقط به یکی - دو مثال ساده و فطری و وجدانی که سیاسیون هم می‌توانند از آن بهره‌ای ببرند بسنده می‌کنم. این از بدیهیات است که ماده و جسم هر چه باشد از خود بیخبر است. یک مجسمه سنگی یا مجسمه مادی انسان هر طرف آن از طرف دیگرش محجوب است. در صورتی که به عیان می‌بینیم که انسان و حیوان از همه اطراف خود آگاه است. می‌داند کجاست؛ در محیطش چه می‌گذرد؛ در جهان چه غوغایی است. پس، در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است. انسان در فطرت خود هر کمالی را به طور مطلق می‌خواهد. و شما خوب می‌دانید که انسان می‌خواهد قدرت مطلق جهان باشد و به هیچ قدرتی که ناقص است دل نبسته است. اگر عالم را در اختیار داشته باشد و گفته شود جهان دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن جهان را هم در اختیار داشته باشد. انسان هر اندازه دانشمند باشد و گفته شود علوم دیگری هم هست، فطرتاً مایل است آن علوم را هم بیاموزد. پس قدرت مطلق و علم مطلق باید باشد تا آدمی دل به آن ببندد. آن خداوند متعال است که همه به آن متوجهیم، گرچه خود ندانیم. انسان می‌خواهد به «حق مطلق» برسد تا فانی در خدا شود. اصولاً اشتیاق به زندگی ابدی در نهاد هر انسانی نشانه وجود جهان جاوید و مصون از مرگ است. اگر جنابعالی میل داشته باشید در این زمینه‌ها تحقیق کنید، می‌توانید دستور دهید که صاحبان اینگونه علوم علاوه بر کتب فلاسفه غرب در این زمینه، به نوشته‌های فارابی^(۵) و بوعلی سینا^(۶) -رحمة الله

۵- ابونصر محمد بن محمد الفارابی (فوت ۳۳۹ هـ. ق.) از بزرگترین فیلسوفان ایرانی وی در شهر فاراب ماوراء النهر متولد شده است. بعضی نژاد او را از ترکان و بیشتر از ایران می‌دانند. فارابی از ماوراء النهر به بغداد رفت و در آنجا به تحصیل زبان عربی پرداخت و علوم فلسفی را نیز همان جا فراگرفت و کتابهای ارسطو را مطالعه کرد. پس از آن به حلب و دمشق رفت و به خدمت سیف الدوله ابوالحسن علی بن عبدالله بن حمدان رسید و همچنان در دمشق ماند و به تألیف پرداخت. فارابی به سبب شرحهایی که بر آثار ارسطو نوشته است به «المعلم الثاني» مشهور شده است و مقام او را بعد از ارسطو قرار داده‌اند. فارابی در همه علوم عهد خود استاد و صاحب تألیف است. در ریاضیات و موسیقی و طب اطلاعات بسیار داشته است و از آثار او شرحهایی است که بر «انالوطیقا»ی اول و ثانی و «سوقسطیقا» و «بوطیقا»ی ارسطو نوشته است. در علم النفس، کتاب النفس اسکندر الامرودریسی و در علوم، السماع الطبیعی و الاثار العلویه و السماء و العالم و کتاب الحروف ارسطو و المجسطی بطلمیوس را تفسیر کرده است. از کتابهای دیگر او: رساله فی مبادی آراء

علیهما - در حکمت مشاء مراجعه کنند، تا روشن شود که قانون علیت و معلولیت که هرگونه شناختی بر آن استوار است، معقول است نه محسوس؛ و ادراک معانی کلی و نیز قوانین کلی که هرگونه استدلال بر آن تکیه دارد، معقول است نه محسوس، و نیز به کتابهای سهروردی^(۷) -رحمة الله علیه- در حکمت اشراق مراجعه نموده، و برای جنابعالی شرح کنند که جسم و هر موجود مادی دیگر به نور صرف که منزله از حس می باشد نیازمند است؛ و ادراک شهودی ذات انسان از حقیقت خویش مبرا از پدیده حسّی است. و از اساتید بزرگ بخوانید تا به حکمت متعالیه صدرالمتألهین^(۸) -رضوان الله تعالی علیه و حشره الله مع النبین والصالحین- مراجعه نمایند، تا معلوم گردد که:

-
- اهل المدينة الفاضله، فصوص الحکم، الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون الالهی و ارسطو طالیس. فارابی کوشیده است که در این کتاب، بین عقاید افلاطون و ارسطو التیام دهد. عقاید فارابی در فیلسوفان بعد از او اثر فراوان داشته است.
- ۶- شیخالرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا (فوت ۴۲۸ ه. ق.) پزشک و فیلسوف و نویسنده ایرانی که مقام وزارت داشت و از بزرگترین حکیمان و عالمان جهان به شمار می آید. سینا آثار متعددی دارد و در حدود ۲۴۰ کتاب و رساله از او نام می برد که بسیاری از آنها به زبانهای مختلف ترجمه شده است. از معروفترین آثار او، کتاب شفا، قانون، اشارات، نجات و دانشنامه علایی است. ابوعلی در علوم حکمت و فلسفه و طب و ریاضی استادی داشت.
- ۷- شیخ شهاب الدین ابوالفتح یحیی بن حبش بن امیرک السهروردی (مقتول به سال ۵۸۷ ه. ق.) معروف به شیخ اشراق از بزرگترین فیلسوفان ایران است. در شهر «سهرورد» متولد شد و نزد شیخ مجدالدین الجبلی استاد فخر رازی حکمت و فقه آموخت و در فنون فلسفه استاد گشت. چون در بعضی موارد نظر سهروردی با عقاید قدما اختلاف داشت و اصطلاحات دین زرتشت را به کار می برد، او را به الحاد متهم کردند و همین امر باعث شد که علمای حلب، صلاح الدین ایوبی، فرمانروای مصر و شام را به قتل او وادار سازند. شهاب الدین سهروردی فیلسوفی عارف است که حکمت اشراق در آثارش به کمال رسیده است. مجموع ۴۹ کتاب و رساله به شیخ اشراق نسبت می دهند که معروفتر از همه کتاب حکمة الاشراق و رسالة فی اعتقاد الحکما و قصة الغربة الغریبه است (این سه کتاب به همت هانری کوربن، مستشرق فرانسوی با مقدمه ای به زبان فرانسه در سال ۱۳۳۱ چاپ شده است). دیگر کتاب تلویحات، کتاب المشارع و المطاوحات، رسالة عقل سرخ (چاپ انجمن دوستداران کتاب) رسالة العشق به نام مونس العشاق با شرح فارسی و همچنین لغت موران، صغیر سیمرغ، ترجمه رسالة الطیر ابن سینا، رسالة فی حالة الطفولية و رسالة آواز پرچربیل است.
- ۸- صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی معروف به ملاصدرا (فوت ۱۰۵۰ ه. ق.) از فیلسوفان و حکیمان عالیمقام در قرن یازدهم. وی در شیراز متولد شد و پس از مرگ پدر به اصفهان سفر کرد و نزد میرداماد و شیخ بهایی به تحصیل پرداخت پس از آن چند بار به زیارت مکه رفت. ملاصدرا افکار فلسفی دقیق داشت و تألیفاتش در حکمت، مرجع و مأخذ اهل علم بوده است. مهمترین آثار او به زبان عربی است. از آثار ملاصدرا به زبان عربی: اسفار اربعه و شواهد الربوبیه، شرح اصول کافی، حاشیه بر الهیات شفای ابوعلی سینا، شرحی بر کلمة الاشراق (سهروردی) کتاب واردات القلبیه و چند تفسیر درباره بعضی سوره های قرآن است. ملاصدرا را می توان از افتخارهای عصر صفویه به شمار آورد.

حقیقت علم همانا وجودی است مجرد از ماده، و هرگونه اندیشه از ماده منزّه است و به احکام ماده محکوم نخواهد شد.

دیگر شما را خسته نمی‌کنم و از کتب عرفا و بخصوص محی الدین ابن عربی^(۹) نام نمی‌برم؛ که اگر خواستید از مباحث این بزرگمرد مطلع گردید، تنی چند از خبرگان تیزهوش خود را که در اینگونه مسائل قویاً دست دارند، راهی قم گردانید، تا پس از چند سالی با توکل به خدا از عمق لطیف باریکتر ز موی منازل معرفت آگاه گردند، که بدون این سفر آگاهی از آن امکان ندارد.

جناب آقای گورباچف، اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات، از شما می‌خواهم دربارهٔ اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید. و این نه به خاطر نیاز اسلام و مسلمین به شما، که به جهت ارزشهای والا و جهان شمول اسلام است که می‌تواند وسیلهٔ راحتی و نجات همهٔ ملتها باشد و گره مشکلات اساسی بشریت را باز نماید. نگرش جدی به اسلام ممکن است شما را برای همیشه از مسئله افغانستان و مسائلی از این قبیل در جهان نجات دهد. ما مسلمانان جهان را مانند مسلمانان کشور خود دانسته و همیشه خود را در سرنوشت آنان شریک می‌دانیم. با آزادی نسبی مراسم مذهبی در بعضی از جمهوریهای شوروی، نشان دادید که دیگر اینگونه فکر نمی‌کنید که مذهب مخدر جامعه است.^(۱۰) راستی مذهبی که ایران را در مقابل ابرقدرتها چون کوه استوار کرده است مخدر جامعه است؟ آیا مذهبی که طالب اجرای عدالت در جهان و خواهان آزادی انسان از قیود مادی و معنوی است مخدر جامعه است؟ آری، مذهبی که وسیله شود تا سرمایه‌های مادی و معنوی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی، در اختیار ابرقدرتها و قدرتها قرار گیرد و بر سر مردم فریاد کشد که دین از سیاست جدا است مخدر جامعه است. ولی این دیگر مذهب

۹- محی الدین بن عربی یکی از بزرگترین حکما و فلاسفه اسلامی که آثار او به عنوان مأخذ و منبع، مورد استفاده فلاسفه و حکمای بعد از او قرار گرفته است.

۱۰- لنین، پایه‌گذار کمونیسم در اتحاد جماهیر شوروی، دین را افیون جامعه می‌دانست که بعداً این نظریه حتی از سوی خود کمونیستها نیز باطل اعلام گردید.

واقعی نیست؛ بلکه مذهبی است که مردم ما آن را «مذهب امریکایی» می‌نامند.
در خاتمه صریحاً اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگترین و
قدرتمندترین پایگاه جهان اسلام به راحتی می‌تواند خلأ اعتقادی نظام شما را پر نماید. و
در هر صورت، کشور ما همچون گذشته به حسن همجواری و روابط متقابل معتقد است
و آن را محترم می‌شمارد. والسلام علی من اتبع الهدی.^(۱۱)

۶۷/۱۰/۱۱

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

۱۱- هیأت نمایندگی امام خمینی در تاریخ ۶۷/۱۰/۱۳ به سرپرستی آقای عبدالله جوادی آملی متشکل از آقای محمدجواد اردشیر لاریجانی و خانم مرضیه حدیده چی (دباغ) وارد مسکو شد. این هیأت از سوی متناشیویلی (دبیر هیأت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی)، معاون وزیر امور خارجه این کشور، امام جمعه مسکو و سفیر جمهوری اسلامی ایران مورد استقبال قرار گرفت. آقای جوادی آملی پس از بازگشت از این سفر شرح مبسوطی بر پیام امام خمینی به گورباچف نوشتند که با عنوان «آوای توحید» از سوی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به چاپ رسید.

□ حکم

زمان: ۱۱ دی ۱۳۶۷ / ۲۲ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت قضایی جهت رسیدگی به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و

دورود

مخاطب: نیری

[بسمه تعالی]

جناب حجت الاسلام آقای نیری - دامت افاضاته

از آنجا که گزارشات متعددی در مورد ضعف دستگاه قضایی به اینجانب رسیده است، و مردم شریف و متعهد ایران انتظار برخورد جدیتری با مسائل مختلف را دارند، به جنابعالی و حجت الاسلام آقای رئیسی مأموریت قضایی داده می شود تا نسبت به گزارشات شهرهای سمنان، سیرجان، اسلام آباد و دورود رسیدگی نموده، و فارغ از پیچ و خمهای اداری با دقت و سرعت آنچه حکم خداست در موارد مذکور اجرا نمایید. باید سعی کنید خدای نا کرده حقی از کسی ضایع نگردد. والسلام.

به تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۳ دی ۱۳۶۷ / ۲۴ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مالکی، فاضل

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ ج ۴۰۹۱

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا شیخ فاضل مالکی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و صرف ثلث از مازاد را نیز در ترویج شریعت مقدسه و ارسال دو ثلث دیگر نزد اینجانب؛ و نیز مجازند در پرداخت نصف سهم سادات را به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا؛ والسلام عليه وعلى اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پاسخ استفتاء

زمان: ۱۷ دی ۱۳۶۷ / ۲۸ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با تخصیص درآمد ملک موقوفه به مخارج مدرسه علمیّه خواهران در کرمان

سؤال کننده: انصاری کرمانی، مجید

[محضر مقدس رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - روحی فداء
با عرض سلام و آرزوی سلامتی آن وجود مبارک، محترماً معروض می دارد، در حدود ۱۵۰ سال
پیش ملکی وقف مدرسه علمیّه و طلاب و اساتید آن در کرمان گردیده است، مدرسه سالها به صورت
مخروبه در آمده بود؛ پس از انقلاب بازسازی و برای استفاده خواهران طلبه مورد بهره برداری قرار
گرفت و هم اکنون نیز تعدادی از خواهران طلبه در آن مشغول تحصیلند، متمنی است نظر مبارک را در
مورد استفاده از درآمد ملک موقوفه جهت مخارج مدرسه و خواهران طلبه بیان فرماید. ۶۷/۱۰/۱۷
مجید انصاری کرمانی]

بسمه تعالی

درآمد ملک مزبور به خواهران طلبه نیز می رسد و در این جهت فرقی میان طلاب
مرد و زن نیست.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۸ دی ۱۳۶۷ / ۲۹ جمادی الاول ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک آغاز سال جدید میلادی
مخاطب: اریک هونکر (رئیس جمهور آلمان شرقی)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای اریک هونکر، رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سال نو مسیحی واصل و موجب تشکر گردید. امید
است جهان پر از فساد و تبهکاری امروز بتواند از این فرصت استفاده نموده و از تعالیم
عالیه و انسان ساز حضرت مسیح - علیه السلام - جهت رفع نابسامانیها و ستمها و نجات
محرومان جهان به صورت عملی و واقعی استفاده برده و بهره مند گردد.

به تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۷ / ۲ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تجلیل از تلاش کارکنان صنعت نفت و دیگر مراکز تولیدی و صنعتی در امر بازسازی

مخاطب: کارکنان صنعت نفت و دیگر بخشهای صنعتی و تولیدی

بسم الله الرحمن الرحيم

ملت بزرگ و شریف ایران در دوران مبارزه و پیروزی انقلاب، و نیز از آغاز جنگ تاکنون، شاهد صداقت و تلاش و مجاهدات کارگران عزیز و مسئولین محترم صنایع و کارخانجات، خصوصاً عزیزان شرکت و صنعت نفت، بوده است که بحق در حساسترین شرایط، شایسته‌ترین خدمات را به انقلاب و میهن اسلامی نموده‌اند. ارزش مبارزه آنان با رژیم طاغوتی شاه در اعتصاب و بستن شیرهای نفت به روی بیگانگان و وارد کردن ضربه قاطع بر آنان فراموش نخواهد شد. اما مهمتر از آن اینکه در طول جنگ تحمیلی، علی رغم احتمال خطرات فراوان و بمبارانهای مکرر مراکز صنعتی و نفتی، مسئولین و کارگران متعهد و دلسوز انقلاب با تکیه بر ایمان به خدای بزرگ و اعتماد به نفس هیچ‌گونه سستی به خود راه نداده، و با اراده‌ای محکم آبروی انقلاب را حفظ نموده و اسلام و ایران را سرافراز نمودند، و در سخت‌ترین مواقع و شرایط تولید و صادرات نفت را در بالاترین حد نیاز حفظ، و علاوه بر ترمیم مراکز آسیب دیده، در اعماق آبها و دل دریاها و بستر زمینها و قله کوهها به توسعه این صنعت مهم و اکتشاف ادامه دادند، که برای بسیاری از صاحب‌نظران امور شگفت‌آور است؛ چرا که در اوج حملات بی‌وقفه دشمنان، حتی یک روز هم تولید و صادرات نفت این کشور قطع نگردید. این نیست جز عنایت پروردگار و توجه حضرت بقیه‌الله - ارواحنا فداه - و عشقی که در دل این عزیزان، همانند عشق بسیجیان به دفاع مقدس، نهفته است. من موارد متعددی از تلاش و مجاهدات این هنرمندان عاشق را در گزارشات و تصاویر دیده‌ام. و اطمینان دارم که اگر عشق به خدا و مکتب نبود، هیچ‌گاه آنان حاضر نمی‌شدند در مراکز و کارخانجات و

پالایشگاههایی که محاط^(۱) به انواع خطرهای و مملو از مواد آتشنا بوده‌اند، به کار خود ادامه دهند. آفرین بر شما کارگران و کارفرمایان و متفکرینی که آتش دنیا را به خاطر جلب رضایت حق بر خود خریدید.

من ضمن تشکر از گردانندگان صنایع کشور، خصوصاً صنعت نفت و گاز، از همه آنان می‌خواهم که با تلاش خود به دنیا ثابت کنند که می‌توانند با فکر و تلاش خود چرخهای اقتصادی کشور را به حرکت درآورند. و ان شاء الله آنها با مژده راه‌اندازی کامل صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در آینده‌ای نه چندان دور، چشم و دل مردم ایران را روشن و شاد خواهند کرد. شما با تلاش در این امر مقدس به جهانیان ثابت خواهید کرد که فشارهای اقتصادی پس از جنگ، ما را به هیچ کشوری وابسته نخواهد کرد. ضدانقلاب داخل و خارج و استعمار چپ و راست در تمامی زمینه‌ها تبلیغ می‌کنند که فشارهای اقتصادی پس از جنگ، کمر نظام نوپای اسلامی را خواهد شکست. باید آنها این آرزو را به گور ببرند. مردمی که در زیر بمبارانها و در تمامی مصائب، خود را برای یک مبارزه طولانی آماده کرده‌اند هرگز حاضر نیستند کوچکترین نرمشی در مقابل جهان استکبار داشته باشند. این از بدیهیات است که نارساییهای پس از جنگ بسرعت برطرف نمی‌شود و چند سالی وقت لازم است تا کمبودها برطرف شود. عزیزانی که در کارخانه‌های وابسته به صنایع سبک و سنگین و نفت و گاز و معادن و نیرو و پست و تلگراف و تلفن و راه و ترابری و سایر مراکز کار می‌کنند خدا را در نظر بگیرند، و گوش به تبلیغات دشمنان ندهند، و استوار و مقاوم در راه‌اندازی چرخهای اقتصادی و صنعتی کشور کوشش نمایند.

امروز دنیا اعمال ما و شما را زیر ذره‌بین گذاشته است تا ببیند چکاره‌ایم و چقدر توان مقابله با مشکلات را داریم. امروز پدر پیر شما خمینی از تمامی شما کارگران و صنعتگران و متخصصان می‌خواهد که با تمام قدرت مواظب باشید که دوباره مردم ما گرفتار ابرقدرتها و قدرتها نشوند. مشکلات پس از جنگ یکی پس از دیگری رخ می‌نمایند، و

۱- احاطه شده.

نظام نوپای ما ان شاء الله در مقابل آنها چون کوه ایستاده است؛ و مردم عزیز زیر فشار چرخهای زندگی و اقتصادی همان گونه که تا به حال برای خدا و دین او مقاومت کرده‌اند، بعد از این نیز با تمام توان استقامت می‌کنند؛ و الّا همه زحمات این سالیان پردرد و اضطراب و افتخار از بین خواهد رفت. هوشیاری مردم در وضع فعلی یکی از عوامل پیروزی آنان بر باطل است. و مردم تصور نکنند ایادی نفوذی استکبار و امریکا دست از شیطنت برداشته‌اند، در هر جا و در هر مقوله‌ای احتمال حضور و کارشکنی آنان هست. باید با دقت مراقب بود که نکند دستی در کار باشد که تبلیغ کند جنگ تمام شد و وضع کشور فرق نکرد. مگر آثار جنگ ظرف یکی - دو سال تمام می‌شود؟ من دست و بازوی همه کسانی که بی‌ادعا و مخلصانه در صدد استقلال و خودکفایی کشورند را می‌بوسم. باز سفارش می‌کنم که به خدا متکی باشید و برای همیشه زیر بار شرق و غرب نروید. مردم باید تصمیم خود را بگیرند: یا رفاه و مصرف‌گرایی و یا تحمل سختی و استقلال. و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را، که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد.

ضرورتی به گوشزد کردن اهمیت نفت در معادلات جهان و اقتصاد بین‌الملل و نیز نقش عظیم صنعت نفت و انرژی را در کشورها و سیاستها نمی‌بینم. ان شاء الله مسئولین امر با توجه کافی و بصیرت و دقت از این گنجها و ذخایر سیال خدادادی پاسداری نمایند، و در توسعه و استفاده هرچه بیشتر و بهتر آنها تلاش نمایند، و در تأمین نیازهای جامعه و پابرهنگان و اولویت دادن به مناطق محروم موفق باشند. خداوند تعالی این روحیه مقدس سربازی و فداکاری را در کلیه کارگران و کارمندان و متخصصان تا رسیدن به استقلال و خودکفایی کامل حفظ فرماید. خداوند شهدای عزیزشان را غریق الطاف و عنایت خود فرماید؛ و به جانبازان شفا دهد؛ و مفقودین و اسرا را به وطن و آغوش خانواده‌های عزیز خویش برگرداند. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۱۰/۲۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۰ دی ۱۳۶۷ / ۲ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مظفری، حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای شیخ حسین مظفری - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل زکوات و کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و چنانچه از مخارج ایشان اضافه آمد، مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام علیه و رحمة الله و برکاته.

۲ ج ۱۴۰۹۲

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۳ دی ۱۳۶۷ / ۵ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: هشدار به مسئولین قضایی و مأموریت رسیدگی به مشکلات قضایی شهرستان

سیرجان و دورود

مخاطب: نیری - رئیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که مقامات بالای قضایی کشور هیچ گونه حساسیتی در مورد مسائل تکان دهنده فوق ندارند به حجتی الاسلام آقایان نیری و رئیسی، مأموریت داده می شود که طبق آنچه تشخیص می دهند، در چهارچوب اسلام عزیز، در موارد مذکور اقدام نمایند. باعث تعجب است که در نظام اسلامی چنین حوادثی اتفاق می افتد؛ ولی با کمال خونسردی اجرای احکام خدا تعطیل، و کارهای دیگر بر کار قضایی رجحان پیدا می کند.

۶۷/۱۰/۲۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۴ دی ۱۳۶۷ / ۶ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سال جدید میلادی

مخاطب: تئودور ژیکف (رئیس جمهور بلغارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای تئودور ژیکف، رئیس جمهور مردم بلغارستان

پیام تبریک آن جناب به مناسبت حلول سال جدید مسیحی واصل و موجب تشکر گردید. امید است در سال جدید زمامداران جهان و بخصوص کشورهای مسیحی تعالیم عالیه و آسمانی حضرت مسیح - علیه السلام - را سرمشق کار خود قرار داده و در رفع تبعیضات و محرومیتها از ملل ستمدیده و محروم اقدامی جدی بنمایند.

به تاریخ ۲۴ دیماه ۱۳۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۵ دی ۱۳۶۷ / ۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: قرآن، جامع اسرار معارف الهیه - ارزش کتب عرفا
مخاطب: طباطبائی، فاطمه^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد وآله الطيبين الطاهرين المعصومين واللعن على اعدائهم اجمعين الى يوم الدين. یاد روزی که در ایام جوانی کتاب «فصوص الحکم»^(۲) و دیگر کتب عرفانی را که بزرگان مشایخ ارباب عرفان به یادگار گذاشته‌اند در خدمت بعض از مشایخ اهل عرفان^(۳) - رضوان الله علیه - استفاده نمودم و اکنون که در این سنّ کهولت و از پای در آمدگی دختر عزیزم (فاطمی) خانم فاطمه طباطبائی از این بی بضاعت خواستند چیزی بنویسم باید بگویم که کتب مذکور با همه قدر و منزلتی که دارند و کمکهای بسیار ارزنده‌ای به معرفت قرآن کریم - سرچشمه فیاض معرفه الله و کتب ادعیه ائمه معصومین، صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین، که آنها را حقاً قرآن صاعد^(۴) باید خواند و احادیث آن بزرگواران - می‌کنند، حلاوت و لطافت و جامعیت اسرار کتاب الهی را ندارند.

فی‌المثل سورة مبارکه حمد مشتمل جمیع اسرار معارف الهیه است که تحمل آن از عهده این نویسنده دست و پا بسته خارج است، همین قدر بدان ای دختر عزیزم که در

۱- همسر آقای سید احمد خمینی.

۲- «فصوص الحکم» کتابی است در عرفان، تألیف ابی عبدالله محمد بن علی معروف به محی الدین ابن عربی متوفای سال ۶۳۸ هجری قمری.

۳- عارف بزرگ: میرزا محمدعلی شاه‌آبادی، استاد امام خمینی.

۴- قرآن کریم را کتاب نازل و ادعیه وارد شده از ناحیه پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) را که در حقیقت بازگوی مفاهیم قرآنی به زبان بشر است «قرآن صاعد» گویند. صاعد: بالا رونده.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ معارف و اسرار غیر قابل تحمل برای ما است و اگر عارف صاحب سری در الْحَمْدُ لِلَّهِ با قدم صاحب ولایت غور^(۵) کند می‌یابد که در عالم هستی غیر از الله چیزی و کسی نیست که اگر بود حمد مختص به ذات الوهی نبود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل) پس باید قلمها بشکنند اگر گمان شود و رای او هستند.

تو نیز ای عزیز کتب عرفا و اولیا را بخوان به قصد فهمیدن یا ذوق کردن همین کلمه شریفه جامعه. خداوند تعالی تو و احمد عزیزم و فرزندان عزیزت را که نور چشمان من هستید حفظ کند، و از شماها انتظار دعای خیر دارم بویژه پس از موتم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

یکشنبه ۲۵ دی ۱۳۶۷ / ۷ ج ۲ / ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۵ دی ۱۳۶۷ / ۷ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت تدوین تاریخ انقلاب اسلامی

مخاطب: روحانی (زیارتی)، سید حمید

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای آسید حمید روحانی (زیارتی) - دامت افاضاته
با تشکر از زحمات جنابعالی در به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و تلاش قابل تقدیرتان
در تدوین تاریخ انقلاب اسلامی، امیدوارم بتوانید با دقت، تاریخ حماسه آفرین و
پر حادثه انقلاب اسلامی بی نظیر مردم قهرمان ایران را بدان گونه که هست ثبت نمایید.
شما به عنوان یک مورخ باید توجه داشته باشید که عهده دار چه کار عظیمی شده اید.
اکثر مورخین، تاریخ را آنگونه که مایلند و یا بدان گونه که دستور گرفته اند می نویسند، نه
آنگونه که اتفاق افتاده است. از اول می دانند که کتابشان بنا است به چه نتیجه ای برسد و
در آخر به همان نتیجه هم می رسند.

از شما می خواهم هر چه می توانید سعی و تلاش نمایید تا هدف قیام مردم را مشخص
نمایید، چرا که همیشه مورخین اهداف انقلابها را در مسلخ اغراض خود و یا اربابان نشان
ذبح می کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلابها، عده ای به نوشتن تاریخ پر افتخار
انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است
از تحسین و دشنام عده ای خاص، له و یا علیه عده ای دیگر و یا واقعه ای در خور بحث.
اگر شما می توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم حاوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان
توده های مردم رنج دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده اید. باید
پایه های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب بر دوش پابرهنگان مغضوب قدرتها
و ابرقدرتها باشد.

شما باید نشان دهید که چگونه مردم، علیه ظلم و بیداد، تحجر و واپسگرایی قیام کردند و فکر اسلام ناب محمدی را جایگزین تفکر اسلام سلطنتی، اسلام سرمایه‌داری، اسلام التقاط و در یک کلمه اسلام امریکایی کردند.

شما باید نشان دهید که در جمود حوزه‌های علمی آن زمان که هر حرکتی را متهم به حرکت مارکسیستی و یا حرکت انگلیسی می‌کردند، تنی چند از عالمان دین باور دست در دست مردم کوچه و بازار، مردم فقیر و زجر کشیده گذاشتند و خود را به آتش و خون زدند و از آن پیروز بیرون آمدند.

شما باید به روشنی ترسیم کنید که در سال ۴۱، سال شروع انقلاب اسلامی و مبارزه روحانیت اصیل در مرگ آباد تحجر و تقدس‌مآبی چه ظلمها بر عده‌ای روحانی پاک‌باخته رفت، چه ناله‌های دردمندانه کردند، چه خون دلها خوردند، متهم به جاسوسی و بی‌دینی شدند ولی با توکل بر خدای بزرگ کمر همت را بستند و از تهمت و ناسزا نهراسیدند و خود را به توفان بلا زدند و در جنگ نابرابر ایمان و کفر، علم و خرافه، روشنفکری و تحجرگرایی، سرافراز - ولی غرقه به خون یاران و رفیقان خویش - پیروز شدند.

حرف بسیار است، و من حال نوشتن بیش از این را ندارم. خداوند به شما که مورد علاقه من هستید و خود از ستم‌کشیده‌های این انقلابید، توفیق بندگی دهد تا بتوانید با در نظر گرفتن او - جل و علا - واقعیتها را برای نسل آینده ثبت کنید. من به شما دعا می‌کنم و از واحد فرهنگی بنیاد شهید تشکر می‌کنم که به شما کمک می‌کند تا ان شاء الله بتوانید کارتان را به پایان برسانید. والسلام.

۶۷/۱۰/۲۵

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ؟

مکان: تهران، جماران

موضوع: مغایرت طرح پیشنهادی شورایعالی قضایی با قانون اساسی و تأیید طرح
پیشنهادی سران سه قوه
مخاطب: شورایعالی قضایی

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای محترم عالی قضایی - ایدهم الله تعالی

با تشکر از زحمات جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای،^(۱) طرح مورد اتفاق آقایان،
خلاف قانون اساسی است. با طرحی که در جلسه سران سه قوه با اکثریت آرا به تصویب
رسیده موافقت می‌شود.

امید است موافقت اعضای محترم شورا در تمامی دوره‌ها بتواند معضلات قضایی
کشور را حل نماید. موفقیت آقایان را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید علی خامنه‌ای، رئیس جمهور وقت.

□ نامه

زمان: ۲۷ دی ۱۳۶۷ / ۹ جمادی‌الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تذکراتی به اعضای شورایعالی قضایی

مخاطب: شورایعالی قضایی

بسمه تعالی

شورایعالی قضایی جمهوری اسلامی ایران

مسائلی را گوشزد می‌کنم:

- ۱- شما که مسئولیت قضایی دارید و بالاترین مرجع قضایی در کشور پنجاه میلیونی می‌باشید نباید به کار دیگری در وقت اداری اشتغال داشته باشید. آیا بهتر نیست که برای سر و سامان دادن به امور قضایی در غیر وقت اداری هم به کار قضایی بپردازید.
 - ۲- تقسیم کار قضایی موجب می‌شود تا بدانیم با چه کسی روبه‌رو هستیم. و ظاهراً این امر ضروری است؛ و حفظ قانون هم در این صورت امکان دارد.
 - ۳- اینجانب تحمل تعطیل حکم خدا را ندارم. اگر کم کاری شود، خود همان گونه که در چند مورد اقدام کرده‌ام مستقیماً اقدام می‌نمایم.
- من به شما علاقه دارم، اما در مقابل تکلیف شرعی نمی‌توانم بی تفاوت باشم.
- والسلام.

۶۷/۱۰/۲۷

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۸ دی ۱۳۶۷ / ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: سید ضیاءالدین رضوی پاکستانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين

و بعد، جناب ثقة الاسلام آقا سیدضیاء الدین رضوی پاکستانی - دامت
توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیّه، از قبیل مظالم عباد و زکوات و
کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و
صرف آنها در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و چنانچه مازادی داشت مجازند ثلث
سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه اسلام صرف نموده، و
نصف سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند، و مابقی را نزد اینجانب ارسال
دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بملازمة الاحتیاط و التجنب عن الهوى؛ و السلام علیه و
على اخواننا المؤمنین و رحمة الله.

به تاریخ دهم جمادی الثانیه ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۸ دی ۱۳۶۷ / ۱۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: موسوی، سید یاسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب سيد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي حاج سيد ياسين موسوي - دامت
توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبيّه و اخذ وجوه شرعيّه و صرف
امثال زكوات و كفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه شرعيّه؛ و همچنين مجازند در
اخذ سهمين مباركين و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد از
مخارج نيز مجازند ثلث از سهم مبارك امام - عليه السلام - را در ترويج شريعت مقدسه
صرف نموده، و نصف سهم سادات را به سادات مستحق پيردازند و مابقي را نزد اينجانب
ارسال دارند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب
عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ و السلام عليه و على اخواننا
المؤمنين و رحمة الله و بركاتة.

به تاريخ دهم جمادى الثانيه ۱۴۰۹

روح الله الموسوى الخميني

□ حکم

زمان: ۱ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۳ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت رسیدگی به پرونده‌های راکد در شورایعالی قضایی

مخاطب: شورایعالی قضایی

بسمه تعالی

شورایعالی قضایی جمهوری اسلامی

کلیه پرونده‌هایی که تاکنون در آن شورا با کمال تعجب راکد مانده است، و اجرای حکم خدا تأخیر افتاده است در اختیار حجتی الاسلام آقایان: نیری و رئیسی قرار دهید، تا هرچه زودتر حکم خدا را اجرا نمایند، که درنگ جایز نیست. به آقایان نیری و رئیسی هم سفارش اکید می‌نمایم که جهات شرعیه را کاملاً رعایت نمایند. والسلام.

۶۷/۱۱/۱

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجرای «حدود» و «قصاص»

مخاطب: نیری، حسینعلی - رئیسی، سیدابراهیم

[بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک زعيم عاليقدر، رهبر كبير انقلاب و بنيانگذار جمهوری

اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - مدظله العالی

با سپاس بیکران از درگاه احدیت که اینجانبان را مشمول عنایت آن امام عزیز و بزرگوار قرار داده تا در اجرای احکام و حدود الهی گامی برداریم، مستدعی است نظر مبارک را امر به ابلاغ فرمایید که دستور مورخ ۱۳۶۷/۱۱/۱ آن حضرت^(۱) اختصاص به اجرای حدود الهی دارد یا شامل احکام صادره در مورد قصاص نفس نیز می‌شود؟

۶۷/۱۱/۲ سیدابراهیم رئیسی - حسینعلی نیری]

بسمه تعالی

جناب حجتی الاسلام آقایان نیری و رئیسی

آنچه راکه به شما مأموریت دادم تا به پرونده‌هایی که در شورایعالی قضایی راکد مانده است پس از رسیدگی اجرا نمایید، در مورد حدود و قصاص است با حفظ جهات شرعی آن.

۶۷/۱۱/۲

روح الله الموسوی الخمينی

۱- حکم صادره خطاب به شورای عالی قضایی، به تاریخ اول بهمن ۱۳۶۷؛ که در همین مجموعه درج شده است.

□ حکم

زمان: ۳ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حدود وظایف سپاه پاسداران در حفاظت از هواپیماها و لزوم برخورد شایسته با مردم از سوی مأمورین فرودگاه

مخاطب: محمدی ری شهری، محمد (وزیر اطلاعات) - سعیدی کیا، محمد (وزیر راه و ترابری) - ایروانی، محمدجواد (وزیر امور اقتصادی و دارایی)

[بسمه تعالی. رهبر کبیر و بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - مدظله العالی

با سلام و اهدای تحیات، پیرو صدور فرمان حضرت تعالی مبنی بر مسئولیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قبال ربوده شدن هواپیماها،^(۱) در اقدام جهت تهیه و تدوین آیین نامه اجرایی حفاظت از هواپیماها و نحوه اداره فرودگاههای کشور، این سؤال پیش آمده است که آیا منظور حضرت تعالی از حفاظت هواپیماها مسئولیت سپاه پاسداران در کل امور فرودگاه، شامل حفاظت پارکینگ هواپیماها، باند پرواز، دربهای ورودی و خروجی باند و سالنها، همچنین مسئولیت نیروهای انتظامی شهربانی و گمرکات و اطلاعاتی (حراست مستقر در فرودگاه) بوده؟ یا مسئولیت سپاه صرفاً در قالب گارد پرواز به منظور مقابله با ربودن هواپیما در هوا می باشد؟ خاطر نشان می سازد کنترل تردها، امور مربوط به حراستها، امور انتظامی، امور گمرکی و... بر اساس قوانین و مقررات جاری هم اکنون توسط ارگانهای مسئول در حال انجام است. خواهشمند است اینجانبان را راهنمایی و ارشاد فرمایید.

محمد سعیدی کیا، وزیر راه و ترابری - محمد محمدی ری شهری، وزیر اطلاعات - محمدجواد ایروانی، وزیر امور اقتصادی و دارایی]

بسمه تعالی

بنا بر گزارشات واصله، وضع فرودگاه بسیار خراب است. گاهی برای یک قطعه

۱- حکم مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۱، مندرج در همین مجموعه.

کوچک طلا و چیزهایی از این قبیل که خارج نگردد مردم را اذیت می‌کنند. فرودگاه هر کشوری چهره‌ظاهری آن کشور در برابر بیگانگان است. قبلاً گفته‌ام حفاظت هواپیماها با سپاه است. مقدمات و مؤخرات آن هم با نخست‌وزیر است، که با مسئولین مربوطه جلسه بگذارد و مسئله را حل کند. اکنون نیز تأکید می‌کنم که آقای نخست‌وزیر در اسرع اوقات این مسئله را حل نماید، و گزارش آن را به اینجانب بدهد؛ و نگذارد مردم بیش از این در رنج باشند. والسلام.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و دلجویی از رئیس قوه قضاییه و اعضای شورایعالی قضایی
مخاطب: موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، ریاست قوه قضاییه
- دامت افاضاته

با سلام و دعا برای شما و تمامی دست اندرکاران قوه قضاییه و امید موفقیت برای همه، شنیده می شود که مسائل و نصایح پدرانه پدر پیرتان موجب رنجش بعضی از دست اندرکاران قضای کشور شده است؛^(۱) و آنان که با فرهنگ حوزه سر و کار نداشته اند گمان برده اند تلخی و شیرینی اینگونه بحثها و گوشزدها موجب شده است که علاقه من به شما و سایر عزیزان شورایعالی قضایی و دست اندرکاران دستگاه قضا کم شده است. اینگونه نیست. من شما را مردی صالح و متدین و از یاران خوب خود و انقلاب می دانم. و از شما و سایر اعضای شورایعالی قضایی، که مورد علاقه من هستید، می خواهم تا هرچه بیشتر و بهتر و دقیقتر به امور قضایی رسیدگی نمایید؛ و کمی ها و کجی ها را با جدیت برطرف نمایید. انقلاب اسلامی ما انقلاب خود شماهاست. من هم مانند شما در خدمت انقلاب هستم. در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادات و طرح اشکالها راه را برای سعادت جامعه باز کنند.

خداوند به جنابعالی و حجج اسلام، آقایان دادستان کل کشور، موسوی خوئینها، اعضای شورایعالی قضایی، مقتدایی و بجنوردی، و همچنین آقای مرعشی، که با

۱- اشاره به نامه امام خمینی خطاب به اعضای شورایعالی قضایی، به تاریخ ۱۳۶۷/۱۰/۲۷؛ مندرج در همین مجموعه.

موافقت اینجانب در جای دیگری تصمیم دارند خدمت کنند، اجر و ثواب عنایت فرماید؛ و به همه نیرویی عطا فرماید که هرچه زودتر اشکالات بسیار قوه قضاییه را برطرف نمایند. والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اعتراض شدید به پخش برنامه توهین به مقدسات از رادیو

مخاطب: هاشمی، محمد (مدیر عامل صدا و سیما)

بسمه تعالی

آقای محمد هاشمی، مدیر عامل صدا و سیما جمهوری اسلامی

با کمال تأسف و تأثر روز گذشته^(۱) از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می‌گردد، و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است، بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است. اگر بار دیگر از اینگونه قضایا تکرار گردد، موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسئولین بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه‌ها قوه قضاییه اقدام می‌نماید.^(۲)

۶۷/۱۱/۹

روح الله الموسوی الخمينی

۱- شنبه ۸ بهمن.

۲- پس از ارسال نامه امام خمینی، تلفنگرامی از سوی آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی (رئیس دیوانعالی کشور) به این شرح مخابره شد:

[بسمه تعالی. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی]

درباره محکومیت مسئولین چهارگانه پخش الگوی زن، من با قاضی محکمه صحبت کردم جرم آنها تسامح و سهل انگاری در انجام وظیفه خطیری است که در عهده دارند و از نظر قضایی با توجه به حساسیت مسئولیت، مجازات نامتناسب نیست ولی گفته می‌شود این افراد خدمتگزاران خوبی هستند و قرینه‌ای بر سوء نیت موجود نیست و این ایام هم به وجود آنها نیاز است به نظر می‌رسد این برخورد موجب تنبیه آنان شود که دیگر این قبیل سهل انگاریها تکرار نشود. بنده درخواست عفو آنها را از همه مجازاتهای تعیین شده در حکم از حضورتان دارم. ۶۷/۱۱/۱۲ - عبدالکریم موسوی [بسمه تعالی. خدمت حضرت امام متن قرائت شد، فرمودند: عفو نمودم. ۶۷/۱۱/۱۲ - انصاری]

□ اجازه نامه

زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۶۷ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: سید ساجدعلی نقوی (از علمای معروف شیعه در پاکستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقاسید ساجدعلی نقوی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب نمایندگی و وکالت دارند در تصدی امور حسبیّه که در زمان غیبت حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - از مختصات فقیه جامع الشرایط است؛ و همچنین مجازند در اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و در مورد مازاد نیز مجازند نصف سهم مبارک امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند، و مابقی را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من التجنب عن الهوی و ملازمة التقوی و رعاية الاحتیاط فی امور الدین و الدنیا؛ و السلام علیه و رحمة الله و برکاته».

۲۹ ج ۱۴۰۹۲

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۷ بهمن ۱۳۶۷ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: برهان مهریزی، علی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقاشیخ علی برهان مهریزی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهم مبارک امام - علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر نزد اینجانب، و در همه موارد احتیاط را مراعات نمایند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

۲۹ جمادی الثانی ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ پاسخ استفسار

زمان: ۱۸ بهمن ۱۳۶۷ / ۳۰ جمادی الثانی ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: ارجاع امر تشخیص حکم به رئیس دیوانعالی کشور، در موردی که سؤال شده است
مخاطب: خمینی، سیداحمد

[۶۷/۱۱/۱۸] - به آقای موسوی اردبیلی گفتم: «در مورد فردی که محکوم به اعدام است، امام فرمودند: طبق شرع با آن عمل کنید». ایشان گفت: «طبق نظر [و تشخیص] خودم؟» گفتم: «آری». بعد شک کردم که شاید نباید به نظر خودش عمل کند. در ضمن شما بارها اجازه داده‌اید که ایشان طبق نظر خودش عمل کند. در ذیل این نامه بفرمایید که طبق نظر خودش عمل کند یا نظر شما؟^(۱)

بسمه تعالی

به نظر خودشان عمل کنند.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- نامه فوق از سوی آقای سیداحمد خمینی به حضور امام خمینی تقدیم شده است. یادآور می‌شود در احکام قضایی اسلام، قاضی واجد شرایط، می‌بایست مجتهد باشد و از آنجا که در احکام فقهی و قضایی اختلاف آرای مجتهدین امری طبیعی است، سؤال فوق در همین رابطه است که آیا در موضوع مورد گفتگو، آقای موسوی اردبیلی به نظر و رأی خویش عمل کند یا طبق فتوای امام خمینی.

□ حکم

زمان: ۱۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۱ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: عفو زندانیان وابسته به گروهکها

مناسبت: سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: محمدی ری شهری، محمد

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام، آقای ری شهری، وزیر محترم اطلاعات - دامت افاضاته
با پیشنهاد شما مبنی بر عفو عمومی زندانیان گروهکی^(۱) موافقت می شود.^(۲) و
امیدوارم خانواده های محترم زندانیان گروهکی فرزندان خود را نصیحت کنند تا دست
به کارهایی نزنند که موجب ناراحتی مجدد خود و خانواده هایشان گردد. ان شاء الله
مسئولین نظام اسلامی با مهربانی و برادری با آنها برخورد نموده، و با ایجاد تسهیلات
شغلی موجب دلگرمی آنان گردند. از خداوند متعال می خواهم راه هدایت و درستی را
نصیب همه بفرماید. والسلام علیکم.

۶۷/۱۱/۱۹

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای محمدی ری شهری در نامه خویش خواستار عفو کلیه زندانیان وابسته به گروهکها - به استثنای نهصد نفر از
مرتکبین جرایم جنایی - شده بود.

۲- به استناد وظایف و اختیارات رهبری، مندرج در اصل ۱۱۰ قانون اساسی.

□ اجازه نامه

زمان: ۱۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۱ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: خورشیدانور جوادی (پاکستانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام آقای خورشید انور جوادی - دامت توفيقه - از طرف
اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف
آنها در مصارف مقررّه، و در مورد سهم مبارک امام - علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و
صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد و اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن را
به سادات مستحق؛ و چنانچه از سهم مبارک امام - علیه السلام - اضافه بر مخارج خود
داشتند. مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را با
نصف سهم سادات ارسال دارند. و در تمام موارد از مشورت و صلاحدید جناب
حجت الاسلام آقای آقا سیدساجد علی نقوی - دامت افاضاته - دریغ نورزند، و احتیاط
را در هر حال مراعات نمایند. والسلام علیه و علی اخواننا المومنین و رحمة الله.

غره رجب الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ / ۵ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حل مشکلات شرعی طلاب غیر ایرانی

مخاطب: ابراهیمی، حسنعلی

[بسمه تعالی. ... پس از اهدای سلام و تحیات وافره، با توجه به اینکه حل مشاکل شرعی طلاب و فضلال غیر ایرانی و بسیاری از امور اساسنامه مرکز جهانی علوم اسلامی (شورای سرپرستی طلاب غیر ایرانی) و جمعیتها و گروههای اسلامی کشورهای مختلف که به نحوی با ما یا طلاب و فضلال غیر ایرانی ارتباط دارند منوط به اذن ولی فقیه و حضرت مستطاب عالی گردیده است.

اگر صلاح بدانید اینجانب را در حل آنها مأذون دارید، ضمناً چنانچه مورد عنایت بیشتر آن حضرت مادیاً و معنویاً قرار گیریم موجب تقویت و موفقیت بیشتر ما خواهد بود - ادام الله ظلمکم الشریف. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. ۱۳۶۷ / ۱۱ / ۹

دبیر شورا و مسئول هیأت مدیره مرکز جهانی علوم اسلامی - حسنعلی ابراهیمی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای ابراهیمی دبیر شورا و مسئول هیأت مدیره مرکز جهانی علوم اسلامی - دامت افاضاته

با سلام به جنابعالی اجازه می دهیم تا در حل مشاکل شرعی طلاب و فضلال غیر ایرانی که منوط به اذن فقیه است اقدام نموده و آنها را طبق شرع اسلام حل نمایید. خداوند متعال به شما و سایر دست اندرکاران نظام اسلام توفیق دهد. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷ / ۱۱ / ۲۳

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۲۳ بهمن ۱۳۶۷ / ۵ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقسیم کار در قوه قضاییه

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته

با سلام، از آقایان شورای عالی قضایی دعوت نمایم تا در جلسه سران سه قوه شرکت نموده و طرحهای خود را در زمینه تقسیم کار در هر چه بهتر اداره کردن قوه قضاییه مطرح نمایند. باید همه تلاش نمایم تا اجرای احکام الله تأخیر و یا تعطیل نگردد. گزارش کار را به اینجانب خواهید داد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۷/۱۱/۲۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۶۷ / ۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم برخورد قاطع با اعمال خلاف عفت در تنکابن
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی - دامت افاضاته
بنا بر گزارش اطلاعات، در تنکابن اعمال خلاف عفتی رخ داده است. از آنجا که شما
گفتید این مسائل را ابتدائاً با شما در میان بگذارم، جنابعالی پس از تحقیق، یکی از افراد
قاطع قوه قضائیه، چون آقای نیری را به آن شهر فرستاده تا سریعاً حکم خدا را جاری
نمایند.

امیدوارم دقت لازم را بنمایند تا به کسی ظلمی نگردد.

۶۷/۱۱/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۶۷ / ۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب ریاست سازمان عقیدتی - سیاسی

مخاطب: منتجب نیا، رسول

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ رسول منتجب نیا - دامت افاضاته
اینجانب از زحمات ارزشمند جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد مهدی
موحدی کرمانی، نماینده خود و مسئول محترم عقیدتی - سیاسی شهربانی جمهوری
اسلامی ایران که فردی فاضل و متدین و دلسوز اسلام و انقلاب می باشند، تشکر
می نمایم. خدمات بسیار سودمند ایشان به تمامی پرسنل شهربانی قابل تقدیر است.
از آنجا که ایشان به علت کسالت قلبی خود استعفا نموده و درخواست کرده اند که
فردی دیگر این کار را به عهده گیرد، جنابعالی که فردی فاضل و مبارز و دلسوز اسلام و
انقلاب می باشید را به نمایندگی از طرف خود و نیز به ریاست عقیدتی - سیاسی شهربانی
جمهوری اسلامی ایران منصوب می نمایم. امیدوارم جنابعالی همچون آقای موحدی از
تلاش در راه اسلام و خدمت به پرسنل عزیز شهربانی کوتاهی ننمایید. موفقیت شما را از
خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.

۶۷/۱۱/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۶۷ / ۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: براند و شتراب (رئیس جمهور مجارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای براند و شتراب، رئیس شورای ریاست جمهوری مردم مجارستان
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران واصل و
موجب تشکر گردید. امید است سایر ملل محروم و در بند جهان نیز بتوانند با الهام‌گیری
از شیوه مبارزه ملت قهرمان و بزرگ ایران خود را از سلطه جهانخواران نجات بخشند.

به تاریخ ۲۴ بهمن ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۶۷ / ۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ بهمن ماه ۶۷

حضرت آقای مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد انقلاب اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید. امید است سایر ملل محروم و مستضعف جهان نیز با الهام‌گیری از شیوه‌های مبارزه ملت قهرمان ایران بتوانند خود را از زیر سلطه استعمارگران نجات بخشند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۵ بهمن ۱۳۶۷ / ۷ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: فتوای قتل سلمان رشدی، نویسنده کتاب کفرآمیز آیات شیطانی

مخاطب: مسلمانان جهان

بسمه تعالی

إنا لله وانا اليه راجعون

به اطلاع مسلمانان غیور سراسر جهان می‌رسانم مؤلف کتاب «آیات شیطانی» که علیه اسلام و پیامبر و قرآن، تنظیم و چاپ و منتشر شده است، همچنین ناشرین مطلع از محتوای آن، محکوم به اعدام می‌باشند. از مسلمانان غیور می‌خواهم تا در هر نقطه که آنان را یافتند، سریعاً آنها را اعدام نمایند تا دیگر کسی جرأت نکند به مقدسات مسلمین توهین نماید و هر کس در این راه کشته شود، شهید است ان شاء الله. ضمناً اگر کسی دسترسی به مؤلف کتاب دارد ولی خود قدرت اعدام او را ندارد، او را به مردم معرفی نماید تا به جزای اعمالش برسد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ / ۸ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: وظایف شورایعالی قضایی

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور)

[بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، رهبر کبیر انقلاب -

مدظله العالی

با سلام و تحیت، پیرو دستور مورخ ۶۷/۱۱/۲۳ حضرت تعالی جلسه فوق العاده رؤسای سه قوه با حضور اعضای شورایعالی قضایی در ۶۷/۱۱/۲۴ تشکیل، و طی سه ساعت بحث و تبادل نظر، تقسیم وظایف قضایی میان اعضای چهارگانه فعلی شورا به ترتیب زیر مورد توافق اکثریت (پنج نفر از هفت نفر) قرار گرفت:

۱- حوزه مسئولیت رئیس دیوانعالی کشور^(۱) عبارت است از: کلیه امور مربوط به شعب دیوانعالی کشور، دادگاه عالی قم، دادرها و دادگاههای انقلاب، دادگاه انتظامی قضات (بخش مربوط به محاکم انقلاب)، بازرسی کل کشور، پلیس قضایی، سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و رفع مشکلات قضایی و اداری آنها.

۲- حوزه مسئولیت دادستان کل کشور^(۲) عبارت است از: کلیه امور مربوط به دادرای دیوانعالی کشور، دادرها و دادگاههای عمومی (کیفری و حقوقی یک و دو)، دادر و دادگاه انتظامی قضات (بخش مربوط به دادگاه انقلاب)، و رفع مشکلات قضایی و اداری آنها.

۳- حوزه مسئولیت جناب آقای مقتدایی^(۳) عبارت است از: دادرها و دادگاههای نظامی، سازمان ثبت [اسناد]، روزنامه رسمی.

۴- حوزه مسئولیت جناب آقای بجنوردی عبارت است از: دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی

۱- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی.

۲- آقای سید محمد موسوی خوئینی‌ها.

۳- آقای مرتضی مقتدایی.

خاص، دانشکده علوم قضایی.

۵- حوزه مسئولیت وزیر دادگستری عبارت است از: کلیه امور اجرایی دادگستری، پزشکی قانونی.
۶- حوزه مسئولیت شورا عبارت است از: تنظیم و تقسیم بودجه، تلاش برای رفع کمبودهای مسکن قضات و کارمندان، انجام فعالیتهای عمومی مانند تشکیل سمینارها و ارتباط با مجلس و دولت و...، تعیین حقوقدانان شورای نگهبان، تعیین نماینده قوه قضاییه در شورای سرپرستی صدا و سیما به پیشنهاد وزیر دادگستری.

رئیس دیوانعالی کشور رئیس شورا است؛ و تعیین اوقات جلسات و تعداد جلسات در هفته و نظارت بر امور شورا و اعضای آن را به عهده دارد.

شایان ذکر است که جلسه به اتفاق آرا ابراز عقیده کرد که طرح تمرکز وظایف، بدین معنی که یکی از افراد شورایعالی قضایی مسئولیت کلیه فعالیتهای قضایی را بر عهده گیرد و دیگر اعضا نقش مشاور داشته باشند، از طرح تقسیم وظایف میان اعضا بهتر و مفیدتر است. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.
ارادتمند: سیدعلی خامنه‌ای - ۶۷/۱۱/۲۶]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته

از زحمات جنابعالی تشکر می‌نمایم. طرح مورد اتفاق آقایان خلاف قانون اساسی است. با طرح تصویب شده در آن جمع توسط شورای محترم عالی قضایی موافقت می‌شود. روشن است که تقسیم کار تنها مربوط به این دوره است. در دوره‌های بعد باید اعضای شورایعالی قضایی آن دوره تصمیم بگیرند. موفقیت آقایان را در اجرای حکم خدا آرزومند است.

والسلام علیکم ورحمة الله

□ اجازه نامه

زمان: ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ / ۸ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: آذری قمی، احمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ احمد آذری قمی - دامت افاضاته - از
طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه که در زمان غیبت ولی عصر - ارواحنا فداه
- منوط به اجازه فقیه جامع الشرایط می باشد؛ و همچنین مجازند در اخذ وجوه شرعیّه از
قیل زکوات و کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و نیز مجازند
در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خود به نحو اقتصاد، و
چنانچه مازادی داشت مجازند نصف آن را در ترویج شریعت مقدسه اسلام صرف
نموده و نصف دیگر را ارسال دارند؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم سادات عظام -
کثر الله نسلهم المبارک - و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر.
«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب
عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا فانه طريق النجاة». والسلام
عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۸ رجب الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ / ۸ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: شهمیری، قربانعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

۸ رجب الخیر ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمین، والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهرین، و لعنة الله علی
اعدائهم اجمعین.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ قربانعلی شهمیری - دامت افاضاته - از
طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و
زکوات و کفارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه و همچنین مجازند در اخذ سهم
مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد
مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را
ارسال دارند. و نیز مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات عظام و
ارسال نصف دیگر نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوی و التجنب
عن الهوی و التمسک بعروة الاحتیاط فی امور الدین و الدنیا؛ والسلام علیه و علی اخواننا
المؤمنین و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ اطلاعیه

زمان: ۲۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۱ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اطلاعیه دفتر امام خمینی در مورد وجوب قتل سلمان رشدی، و تکذیب شایعات
مخاطب: ملت مسلمان ایران و مسلمانان جهان

بسمه تعالی

[رسانه‌های گروهی استعماری خارجی به دروغ به مسئولین نظام جمهوری اسلامی نسبت می‌دهند که اگر نویسنده کتاب آیات شیطانی توبه کند حکم اعدام درباره او لغو می‌گردد. امام خمینی - مدّ ظلّه - فرمودند:]

این موضوع صددرصد تکذیب می‌گردد. سلمان رشدی اگر توبه کند و زاهد زمان هم گردد، بر هر مسلمان واجب است با جان و مال تمامی هم خود را به کارگیرد تا او را به درک واصل گرداند.

[حضرت امام اضافه کردند:]

اگر غیر مسلمانی از مکان او مطلع گردد و قدرت این را داشته باشد تا سریعتر از مسلمانان او را اعدام کند، بر مسلمانان واجب است آنچه را که در قبال این عمل می‌خواهد به عنوان جایزه و یا مزد عمل به او بپردازند.

□ حکم

زمان: ۲۹ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۱ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: عفو زندانیان

مخاطب: رازینی، علی (حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت)

[.... پس از اهدای سلام و عرض تبریک به مناسبت آغاز دومین دهه پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری حضرت مستطاب عالی به عرض مبارک می‌رساند. بدنبال شمول لطف و رحمت اسلامی نسبت به محکومین گروهکی و مورد عفو قرار گرفتن عمده آنان از سوی حضرت مستطاب عالی محکومین دادگاه ویژه روحانیت و خانواده‌های آنان نیز انتظار بذل مرحمت و مورد عفو قرار گرفتن محکومیت حبس آنان توسط جمهوری اسلامی را دارند. استدعا می‌شود، نظر مبارک را اعلام فرمایند. ۶۷/۱۱/۲۹]

حاکم شرع دادگاه ویژه روحانیت - رازینی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای رازینی - دامت افاضاته

با عفو کلیه محکومین به حبس توسط دادگاه ویژه روحانیت، در صورتی که به نظر دادگاه تنبه نسبی پیدا کرده و آزادی آنها ضرری برای جامعه اسلامی نداشته باشد. موافقت می‌شود.^(۱)

۶۷/۱۱/۲۹

روح الله الموسوی الخمينی

۱- این فرمان در پی درخواست مورخ ۶۷/۱۱/۲۹ آقای علی رازینی، دایر به عفو و آزادی محکومین دادگاه ویژه روحانیت به مناسبت آغاز دومین دهه پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شد.

□ نامه

زمان: ۳۰ بهمن ۱۳۶۷ / ۱۲ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مشکلات و آینده سازمان تبلیغات اسلامی

مخاطب: مهدوی کنی، محمدرضا

[در پاسخ به گزارش تفصیلی آقای مهدوی کنی به تاریخ ۶۷/۱۱/۳۰ که طی آن به تاریخچه سازمان تبلیغات اسلامی، تشکیلات و تعداد پرسنل و مسائل و مشکلات مربوط به آن پرداخته شده است و از اینکه در دو - سه سال اخیر، حمایت مورد نیاز به عمل نیامده، گلایه شده است و به پیوست نامه مذکور، پیشنهاداتی در رابطه با سرپرستی سازمان و کمک به رفع نیازهای مالی آن شده است. امام خمینی در پاسخ مرقوم فرموده اند:]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام والمسلمین آقای مهدوی کنی - دامت افاضاته

با سلام و دعا برای وجود جنابعالی. آنچه مرقوم داشته اید:

۱- از طرف اینجانب مانعی نیست که طی حکمی جناب حجت الاسلام آقای جنتی را مسئول سازمان تبلیغات اسلامی بنمایم، مشروط بر اینکه مسئله را پیش آقایان اعضای محترم سازمان تبلیغات طرح کنید که خدای ناکرده آقایان نگران نشوند.

۲- در مورد صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - آنچه نزد خود شما می آید، جنابعالی مختارید هرگونه صلاح می دانید عمل کنید. و نیز اجازه می دهم تا آن کسانی که از من در سهم اجازه دارند به همان میزان اجازه شان در صورت تمایل از طریق جنابعالی صرف در تبلیغات اسلامی نمایند.

۳- در مورد اوقاف قابل صرف در تبلیغات اسلامی به جناب حجت الاسلام آقای امام جمارانی سفارش می نمایم تا در زمینه فوق کمک لازم را بنمایند. خیلی التماس دعا دارم. امیدوارم همیشه چون گذشته موفق و مؤید به نشر و تبلیغ اسلام گردید. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۴ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از خدمات آقای صانعی در طول دوران نهضت و تأیید ایشان
مخاطب: صانعی، حسن (نماینده امام خمینی و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسن صانعی - دامت برکاته

نمی دانم از کجای آشنایی ام با تو بنویسم. تو یکی از قدیمیترین افرادی هستی که در کنار من بوده ای. هنوز سبزه ای بر رخسار نداشتی که صمیمی ات یافتم. سالها قبل از شروع مبارزات پانزدهم خرداد.

تو سرباز گمنام این انقلابی، و خودت می دانی که هیچ چیز بهتر از گمنامی نیست. تو فردی هستی که از گذشته های دور خاطرات تلخ و شیرین مبارزات را با خود دارد. زیرکی و کم حرف، دانایی و محتاط.

در گرداب مبارزات همیشه دلسوخته بوده ای. کینه ات را نسبت به شاه در کمتر کسی دیده بودم. در بحرانها و فشارها هیچ گاه نسبت به من تردید نداشتی، گرچه گاهی خسته می شدی و افسرده.

در کوران فشار دستگاه شاه، تو که مسئول اداره شهریۀ طلاب بودی، وقتی در محاصره دشمن قرار می گرفتی برای اینکه هیچ گونه اطلاعی به دشمن ندهی کم نبود مواقعی که قبوض رسید پولهای اخیار را - در پانزده سال مبارزه - چون غذایی گوارا می خوردی. پاداشت عندالله نیز گوارایت باد.

استعدادت، لطافت روح، صداقت چیزی نیست که فراموشم شود. تندخویی و عاقل. از خدا می خواهم عقلت را به تندخویی ات پیروز کند.

من کاملاً به تو اطمینان دارم. لذا وکیل من می باشی در تمامی زمینه های شرعی. این

چند سطر را نوشتم تا کمی از بسیار حقی که به گردن من و انقلاب داری را ادا کرده باشم.
خداوند یار و نگهدار ت باد.

مرا از دعای خیر فراموش مکن. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۷/۱۲/۲ - روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام (منشور روحانیت)

زمان: ۳ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۵ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران - رسالت حوزه‌های علمیه - منشور روحانیت

مخاطب: روحانیون، مراجع، مدرسین، طلاب و ائمه جمعه و جماعات

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات روحانیون سراسر کشور و مراجع بزرگوار اسلام و مدرسین گرام و طلاب عزیز حوزه‌های علمیه و ائمه محترم جمعه و جماعات - دامت برکاتهم صلوات و سلام خدا و رسول خدا بر ارواح طیبه شهیدان خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند. سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمیه و عملیه خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیاتشان گوهر شیچراغ ساخته‌اند. افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقل^(۱) تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود مُنذران^(۲) صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظاری

۱- رشته و ریسمان.

۲- ترساننده، بیم دهنده.

نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانیها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند در جلسه حضورشان آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب جز عطیه شهادت نخواسته‌اند. البته همه مشتاقان و طالبان هم به مراد شهادت نرسیده‌اند. یکی چون من عمری در ظلمات حصارها و حجابها مانده است و در خانه عمل و زندگی جز ورق و کتاب منیت نمی‌یابد و دیگری در اول شب یلدای زندگی سینه سیاه هوسها را دریده است و با سپیده سحر عشق عقد وصال و شهادت بسته است. و حال من غافل که هنوز از کتم^(۳) عدمها به وجود نیامده‌ام، چگونه از وصف قافله سالاران وجود وصفی کنم؟ من و امثال من از این قافله فقط بانگ جرسی می‌شنویم، بگذارم و بگذرم. تردیدی نیست که حوزه‌های علمیه و علمای متعهد در طول تاریخ اسلام و تشیع مهمترین پایگاه محکم اسلام در برابر حملات و انحرافات و کجرویها بوده‌اند. علمای بزرگ اسلام در همه عمر خود تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.

اگر فقهای عزیز نبودند، معلوم نبود امروز چه علومی به عنوان علوم قرآن و اسلام و اهل بیت - علیهم السلام - به خورد توده‌ها داده بودند. جمع‌آوری و نگهداری علوم قرآن و اسلام و آثار و احادیث پیامبر بزرگوار و سنت و سیره معصومین - علیهم السلام - و ثبت و تبویب^(۴) و تنقیح آنان در شرایطی که امکانات بسیار کم بوده است و سلاطین و ستمگران در محو آثار رسالت همه امکانات خود را به کار می‌گرفتند، کار آسانی نبوده است که بحمدالله امروز نتیجه آن زحمات را در آثار و کتب با برکتی همچون «کتب اربعه»^(۵) و کتابهای دیگر متقدمین و متأخرین از فقه و فلسفه، ریاضیات و نجوم و اصول و

۳- پنهان کردن، لایه پنهانی و درونی هر چیزی.

۴- فصل بندی، جدا کردن ابواب.

۵- کتابهای چهارگانه معتبر احادیث فقهی شامل: «الکافی» (شیخ کلینی)، «من لایحضره الفقیه» (شیخ صدوق)، «التهذیب»، «الاستبصار» (شیخ طوسی).

کلام و حدیث و رجال، تفسیر و ادب و عرفان و لغت و تمامی رشته‌های متنوع علوم مشاهده می‌کنیم. اگر ما نام اینهمه زحمت و مرارت را جهاد فی سبیل الله نگذاریم، چه باید بگذاریم؟

در بُعد خدمات علمی حوزه‌های علمیه سخن بسیار است که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد. بحمدالله حوزه‌ها از نظر منابع و شیوه‌های بحث و اجتهاد، غنی و دارای ابتکار است. تصور نمی‌کنم برای بررسی عمیق همه جانبه علوم اسلامی طریقه‌ای مناسب‌تر از شیوه علمای سلف یافت شود. تاریخ بیش از هزار ساله تحقیق و تتبع علمای راستین اسلام گواه بر ادعای ما در راه بارور ساختن نهال مقدس اسلام است. صدها سال است که روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده است، همیشه مستضعفان از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند. از مجاهدات علمی و فرهنگی آنان که بحق از جهاتی افضل از دماء شهیدان^(۶) است که بگذریم، آنان در هر عصری از اعصار برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود مرارتها و تلخیهایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارتها و تبعیدها، زندانها و اذیت و آزارها و زخم زبانها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. شهدای روحانیت منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند، یقیناً رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند زیاد است.

در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبین شان خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی - اسلامی را سراغ کنیم که در آن حوزه و روحانیت پیش کسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرشهای حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گزاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلولهای مخوف و انفرادی رژیم شاه

۶- «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء».

و از کوچه و خیابان تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است. بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینیه در سراسر ایران در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران تا چه حد مهیا بوده است.

امروز نیز همچون گذشته شکارچیان استعمار در سرتاسر جهان از مصر و پاکستان و افغانستان و لبنان و عراق و حجاز و ایران و اراضی اشغالی به سراغ شیردلان روحانیت مخالف شرق و غرب و متکی به اصول اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - رفته‌اند و از این پس نیز جهان اسلام هر از چندگاه شاهد انفجار خشم جهانخواران علیه یک روحانی پاکیخته است. علمای اصیل اسلام هرگز زیر بار سرمایه‌داران و پول‌پرستان و خوانین نرفته‌اند و همواره این شرافت را برای خود حفظ کرده‌اند و این ظلم فاحشی است که کسی بگوید دست روحانیت اصیل طرفدار اسلام ناب محمدی با سرمایه‌داران در یک کاسه است. و خداوند کسانی را که اینگونه تبلیغ کرده و یا چنین فکر می‌کنند، نمی‌بخشد. روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالو صفت تشنه است و هرگز با آنان سرآشتی نداشته و نخواهد داشت. آنها با زهد و تقوا و ریاضت درس خوانده‌اند و پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند. دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً روح پرفتوت آنان برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.

در ترویج روحانیت و فقاقت نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایه پول‌پرستان و ثروتمندان، بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.

مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبتدل غرب موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند. علمای راستین از بس که دروغ و فریب از جهان‌خواران دیده بودند، به هیچ چیزی اطمینان نمی‌کردند و ابزاری از قبیل رادیو و تلویزیون در نزدشان مقدمه ورود استعمار بود، لذا گاهی حکم به منع استفاده از آنها را می‌دادند. آیا رادیو و تلویزیون در کشورهایی چون ایران وسایلی نبودند تا فرهنگ غرب را به ارمغان آورند؟ و آیا رژیم گذشته از رادیو و تلویزیون برای بی‌اعتبار کردن عقاید مذهبی و نادیده گرفتن آداب و رسوم ملی استفاده نمی‌نمود؟ به هر حال خصوصیات بزرگی چون قناعت و شجاعت و صبر و زهد و طلب علم و عدم وابستگی به قدرتها و مهمتراز همه احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است و چه عزتی بالاتر از اینکه روحانیت با کمی امکانات، تفکر اسلام ناب را بر سرزمین افکار و اندیشه مسلمانان جاری ساخته است و نهال مقدس فقاقت در گلستان حیات و معنویت هزاران محقق به شکوفه نشسته است. راستی اگر کسی فکر کند که استعمار، روحانیت را با اینهمه مجد و عظمت و نفوذ تعقیب نکرده و نمی‌کند، ساده‌اندیشی نیست؟

مسئله کتاب آیات شیطانی^(۷) کاری حساب شده برای زدن ریشه دین و دینداری و در رأس آن اسلام و روحانیت است. یقیناً اگر جهان‌خواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آنکه حيله و مکر و فریب جهان‌خواران را بشناسیم. البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم، چرا که

۷- نویسنده این کتاب، سلمان رشدی، هندی الاصل مقیم انگلیس و عضو «انجمن سلطنتی قلم انگلیس» می‌باشد. در این کتاب وقیحانه به مقدسات اسلام، قرآن کریم و مقام شامخ پیامبر اکرم (ص) در قالب یک رمان مستهجن و ضد اخلاقی اهانت شده است. محافل صهیونیستی، دولت امریکا و جهان غرب به حمایت از انتشار این کتاب برخاستند و حضرت امام خمینی با صدور فتوای ارتداد رشدی و وجوب قتل وی و ناشرین کتاب ضد اخلاقی او، به مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان اسلام برخاست و موجی از بیداری و مقاومت در جهان اسلام پدید آورد.

روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند و دشمن رسول الله. آیا در مقابل این افعیها نباید اتحاد طلاب عزیز حفظ شود؟

استکبار وقتی که از نابودی مطلق روحانیت و حوزه‌ها مأیوس شد، دو راه برای ضربه زدن انتخاب نمود؛ یکی راه ارباب و زور و دیگری راه خدعه و نفوذ در قرن معاصر. وقتی حربه ارباب و تهدید چندان کارگر نشد، راههای نفوذ تقویت گردید. اولین و مهمترین حرکت، القای شعار جدایی دین از سیاست است که متأسفانه این حربه در حوزه و روحانیت تا اندازه‌ای کارگر شده است تا جایی که دخالت در سیاست دون‌شأن فقیه و ورود در معرکه سیاسیون تهمت وابستگی به اجانب را به همراه می‌آورد؛ یقیناً روحانیون مجاهد از نفوذ بیشتر زخم برداشته‌اند. گمان نکنید که تهمت وابستگی و افترای بی‌دینی را تنها اغیار به روحانیت زده است، هرگز؛ ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، به مراتب کاریترا از اغیار بوده و هست.

در شروع مبارزات اسلامی اگر می‌خواستی بگویی شاه خائن است، بلافاصله جواب می‌شنیدی که شاه شیعه است! عده‌ای مقدس‌نمای واپسگرا همه چیز را حرام می‌دانستند و هیچ‌کس قدرت این را نداشت که در مقابل آنها قد علم کند. خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختیهای دیگران نخورده است. وقتی شعار جدایی دین از سیاست جا افتاد و فقاقت در منطق ناآگاهان غرق شدن در احکام فردی و عبادی شد و قهراً فقیه هم مجاز نبود که از این دایره و حصار بیرون رود و در سیاست [و] حکومت دخالت نماید، حماقت روحانی در معاشرت با مردم فضیلت شد. به زعم بعض افراد، روحانیت زمانی قابل احترام و تکریم بود که حماقت از سرپای

وجودش بیارد و الا عالم سیاس و روحانی کاردان و زیرک، کاسه‌ای زیر نیم کاسه داشت. و این از مسائل رایج حوزه‌ها بود که هر کس کج راه می‌رفت متدینتر بود. یاد گرفتن زبان خارجی، کفر و فلسفه و عرفان، گناه و شرک بشمار می‌رفت. در مدرسه فیضیه فرزندان خردسال، مرحوم مصطفی از کوزه‌ای آب نوشید، کوزه را آب کشیدند، چرا که من فلسفه می‌گفتم. تردیدی ندارم اگر همین روند ادامه می‌یافت، وضع روحانیت و حوزه‌ها، وضع کلیساهای قرون وسطی می‌شد که خداوند بر مسلمین و روحانیت منت نهاد و کیان و مجد واقعی حوزه‌ها را حفظ نمود.

علمای دین باور در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی مان نشأت گرفته از همین بارقه است. البته هنوز حوزه‌ها به هر دو تفکر آمیخته‌اند و باید مراقب بود که تفکر جدایی دین از سیاست از لایه‌های تفکر اهل جمود به طلاب جوان سرایت نکند و یکی از مسائلی که باید برای طلاب جوان ترسیم شود، همین قضیه است که چگونه در دوران وانفسای نفوذ مقدسین نافهم و ساده‌لوحان بیسواد، عده‌ای کمر همت بسته‌اند و برای نجات اسلام و حوزه و روحانیت از جان و آبرو سرمایه گذاشته‌اند. اوضاع مثل امروز نبود، هر کس صد در صد معتقد به مبارزه نبود زیر فشارها و تهدیدهای مقدس نماها از میدان به در می‌رفت؛ ترویج تفکر «شاه سایه خداست» و یا باگوش و پوست نمی‌توان در مقابل توپ و تانک ایستاد و اینکه ما مکلف به جهاد و مبارزه نیستیم و یا جواب خون مقتولین را چه کسی می‌دهد و از همه شکننده‌تر، شعار گمراه کننده حکومت قبل از ظهور امام زمان - علیه السلام - باطل است و هزاران «إن قلت» دیگر، مشکلات بزرگ و جانفرسایی بودند که نمی‌شد با نصیحت و مبارزه منفی و تبلیغات جلوی آنها را گرفت؛ تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد سینه را برای مقابله با هر تیر زهر آگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند. اولین و مهمترین فصل خونین مبارزه در عاشورای ۱۵ خرداد رقم خورد. در ۱۵ خرداد ۴۲ مقابله با گلوله تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان

می نمود. بلکه علاوه بر آن از داخل جبهه خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود؛ گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار بیشتر از باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید. در آن زمان روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمتها متوسل شدند حتی نسبت تارک الصلوة و کمونیست و عامل انگلیس به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند می دادند. واقعاً روحانیت اصیل در تنهایی و اسارت خون می گریست که چگونه امریکا و نوکرش پهلوی می خواهند ریشه دیانت و اسلام را برکنند و عده‌ای روحانی مقدس نمای ناآگاه یا بازی خورده و عده‌ای وابسته که چهره‌شان بعد از پیروزی روشن گشت، مسیر این خیانت بزرگ را هموار می نمودند.

آنقدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است، از هیچ قشر دیگر نخورده است و نمونه بارز آن مظلومیت و غربت امیرالمؤمنین - علیه السلام - که در تاریخ روشن است. بگذارم و بگذرم و ذائقه‌ها را بیش از این تلخ نکنم. ولی طلاب جوان باید بدانند که پرونده تفکر این گروه همچنان باز است و شیوه مقدس مآبی و دین فروشی عوض شده است. شکست خوردگان دیروز، سیاست بازان امروز شده‌اند. آنها که به خود اجازه ورود در امور سیاست را نمی دادند، پشتیبان کسانی شدند که تا براندازی نظام و کودتا جلو رفته بودند. غائله قم و تبریز^(۸) با هماهنگی چپها و سلطنت طلبان و تجزیه طلبان کردستان تنها یک نمونه است که می توانیم ابراز کنیم که در آن حادثه ناکام شدند ولی دست برنداشتند و از کودتای نوژه^(۹) سر در آوردند، باز خدا رسوایشان

۸- در سال ۱۳۵۸ طرفداران حزب نوظهور «خلق مسلمان» به بهانه دفاع از آقای شریعتمداری، در شهر قم و تبریز دست به آشوب و بلوا زدند ولی با هوشیاری مردم غیور و مسلمان آذربایجان و قم این توطئه خنثی و حزب مذکور منحل و غیر قانونی اعلام گردید.

۹- در تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۹ ماجرای کودتایی که از مدتها قبل از طریق عوامل سازمان سیاه در ایران تدارک دیده شده بود و در آستانه اجرای عملیات کودتا که طبق آن بیت امام خمینی و مراکز حساس نظام جمهوری اسلام بمباران و تهران به تصرف عوامل وابسته به بیگانه در می آمد، به گونه‌ای معجزه آسا کشف و عوامل کودتا دستگیر شدند. شرح ماجرای کودتا را در کتاب «کودتای نوژه» از انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی ببینید. نام این کودتا به خاطر انتخاب پایگاه هوایی «نوژه» که قبل از پیروزی انقلاب به پایگاه «شاهرخ» در همدان معروف بود و پس از انقلاب به

ساخت. دسته‌ای دیگر از روحانی نماهایی که قبل از انقلاب دین را از سیاست جدا می‌دانستند و سر به آستانهٔ دربار می‌ساییدند، یکمرتبه متدین شده و به روحانیون عزیز و شریفی که برای اسلام آنهمه زجر و آوارگی و زندان و تبعید کشیدند تهمت وهابیت و بدتر از وهابیت زدند. دیروز مقدس نماهای بیشعور می‌گفتند دین از سیاست جداست و مبارزه با شاه حرام است، امروز می‌گویند مسئولین نظام کمونیست شده‌اند! تا دیروز مشروب‌فروشی و فساد و فحشا و فسق و حکومت ظالمان برای ظهور امام زمان - ارواحنا فداه - را مفید و راهگشا می‌دانستند، امروز از اینکه در گوشه‌ای خلاف شرعی که هرگز خواست مسئولین نیست رخ می‌دهد، فریاد «وا اسلاما» سر می‌دهند! دیروز «حجتیه‌ای»ها^(۱۰) مبارزه را حرام کرده بودند و در بحبوحهٔ مبارزات تمام تلاش خود را نمودند تا اعتصاب چراغانی نیمهٔ شعبان را به نفع شاه بشکنند، امروز انقلابیتر از انقلابیون شده‌اند! «ولایتی»های دیروز که در سکوت و تحجر خود آبروی اسلام و مسلمین را ریخته‌اند، و در عمل پشت پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت را شکسته‌اند و عنوان ولایت برایشان جز تکسب و تعیش نبوده است، امروز خود را بانی و وارث ولایت نموده و حسرت ولایت دوران شاه را می‌خورند! راستی اتهام امریکایی و روسی و التقاطی، اتهام حلال کردن حرامها و حرام کردن حلالها، اتهام کشتن زنان آستن و حلیت قمار و موسیقی از چه کسانی صادر می‌شود؟ از آدمهای لامذهب یا از مقدس نماهای متحجر و بیشعور؟! فریاد تحریم نبرد با دشمنان خدا و به سخره گرفتن فرهنگ شهادت و شهیدان و اظهار طعن‌ها و کنایه‌ها نسبت به مشروعیت نظام کار کیست؟ کار عوام یا خواص؟ خواص از چه گروهی؟ از به ظاهر معممین یا غیر آن؟ بگذریم که حرف بسیار است. همهٔ اینها نتیجهٔ نفوذ بیگانگان در جایگاه و در فرهنگ حوزه‌هاست، و برخورد واقعی هم با این خطرات بسیار مشکل و پیچیده است.

→ به پایگاه «حر» تغییر نام داد و به واسطهٔ شهادت یکی از افسران، پایگاه به نام «شهید نوژه» نامگذاری گردید، به عنوان اولین پایگاه تجمع و اقدام برگزیده شده بود.
 ۱۰- اعضا و وابستگان انجمن حجتیه.

از یک طرف وظیفه تبیین حقایق و واقعیات و اجرای حق و عدالت در حد توان و از طرف دیگر مراقبت از نیفتادن سوژه‌ای به دست دشمنان کار آسانی نیست. با اینکه در کشور ما در اجرای عدالت بین روحانی و غیر آن امتیازی نیست، ولی وقتی با متخلفی از روحانیت خوش سابقه یا بدسابقه برخورد شرعی و قانونی و جدی می‌شود، فوراً باندها فریاد می‌زنند که چه نشسته‌اید، جمهوری اسلامی می‌خواهد آبروی روحانیت را ببرد. اگر احیاناً کسی مستحق عفو بوده و بخشیده شود، تبلیغ می‌کنند که نظام به روحانیت امتیاز بیجا می‌دهد.

مردم عزیز ایران باید مواظب باشند که دشمنان از برخورد قاطع نظام با متخلفین از به اصطلاح روحانیون سوء استفاده نکنند و با موج آفرینی و تبلیغات اذهان را نسبت به روحانیون متعهد بدبین نمایند و این را دلیل عدالت نظام بدانند که امتیازی برای هیچ‌کس قائل نیست و خدا می‌داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستیم. اگر تخلفی از من هم سر زند مهبای مؤاخذه‌ام. حال بحث این است که برای جلوگیری از تکرار آن حوادث تلخ و رسیدن به اطمینان از قطع نفوذ بیگانگان در حوزه‌ها چه باید کرد؟ گرچه کار مشکل است ولی چاره چیست باید فکری کرد. اولین وظیفه شرعی و الهی آن است که اتحاد و یکپارچگی طلاب و روحانیت انقلابی حفظ شود و گرنه شب تاریک در پیش است و بیم موج و گردابی چنین هایل.

امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه‌ها و برداشتها و حتی ضعف مدیریتها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد. ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریتها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرتها که همه مشکلات و نارساییها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعفها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیر منصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین

می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوتها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند. من امروز بر این عقیده‌ام که مقتدرترین افراد در مصاف با آنهمه توطئه‌ها و خصومتها و جنگ‌افروزیهایی که در جهان علیه انقلاب اسلامی است، معلوم نبود موفقیت بیشتری از افراد موجود به دست می‌آوردند. در یک تحلیل منصفانه از حوادث انقلاب خصوصاً از حوادث ده سال پس از پیروزی باید عرض کنم که انقلاب اسلامی ایران در اکثر اهداف و زمینه‌ها موفق بوده است و به یاری خداوند بزرگ در هیچ زمینه‌ای مغلوب و شکست خورده نیستیم، حتی در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آنهمه خسارات چیزی به دست نیاوردند.

البته اگر همه علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پر بار اسلامی‌مان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آنچنانی برخوردار شد و از همه اینها مهمتر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

همه اینها از برکت خونهای پاک شهدای عزیز هشت سال نبرد بود، همه اینها از تلاش مادران و پدران و مردم عزیز ایران در ده سال مبارزه با امریکا و غرب و شوروی و شرق نشأت گرفت. جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و رذالت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد. چه کوتاه نظرند آنهایی که خیال می کنند چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده ایم، پس شهادت و رشادت و ایثار و از خودگذشتگی و صلابت بیفایده است! در حالی که صدای اسلامخواهی افریقا از جنگ هشت ساله ماست، علاقه به اسلام شناسی مردم در امریکا و اروپا و آسیا و افریقا یعنی در کل جهان از جنگ هشت ساله ماست.

من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می خواهم و از خداوند می خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی بپذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه آخر هم تردید ننمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه خود عمل کرده است، آیا از اینکه به وظیفه خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهارنظرها و ابراز عقیده ها به گونه ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی اش عدول می کند. تحلیل این مطلب که جمهوری اسلامی ایران چیزی به دست نیاورده و یا ناموفق بوده است، آیا جز به سستی نظام و سلب اعتماد مردم منجر نمی شود؟! تأخیر در رسیدن به همه اهداف دلیل نمی شود که ما از اصول خود عدول کنیم. همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیا و معصومین - علیهم السلام - در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی بایست از فضای

بیشتر از توانایی عمل خود فراتر بروند و سخن بگویند و از اهداف کلی و بلند مدتی که هرگز در حیات ظاهری آنان جامه عمل نپوشیده است ذکری به میان آورند. در حالی که به لطف خداوند بزرگ، ملت ما توانسته است در اکثر زمینه‌هایی که شعار داده است به موفقیت نایل شود. ما شعار سرنگونی رژیم شاه را در عمل نظاره کرده‌ایم، ما شعار آزادی و استقلال را به عمل خود زینت بخشیده‌ایم، ما شعار «مرگ بر امریکا» را در عمل جوانان پرشور و قهرمان و مسلمان در تسخیر لانه فساد و جاسوسی امریکا تماشا کرده‌ایم، ما همه شعارهایمان را با عمل محک زده‌ایم. البته معترفیم که در مسیر عمل، موانع زیادی به وجود آمده است که مجبور شده‌ایم روشها و تاکتیکها را عوض نماییم. ما چرا خودمان و ملت و مسئولین کشورمان را دست کم بگیریم و همه عقل و تدبیر امور را در تفکر دیگران خلاصه کنیم؟

من به طلاب عزیز هشدار می‌دهم که علاوه بر اینکه باید مواظب القانات روحانی نماها و مقدس‌مآبها باشند، از تجربه تلخ روی کار آمدن انقلابی نماها و به ظاهر عقلای قوم که هرگز با اصول و اهداف روحانیت آشتی نکرده‌اند عبرت بگیرند که مبادا گذشته تفکر و خیانت آنان فراموش و دلسوزیهای بیمورد و ساده‌اندیشیها سبب مراجعت آنان به پستهای کلیدی و سرنوشت ساز نظام شود.

من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی تصمیمات اول انقلاب در سپردن پستها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود، گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الآن هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمامی اصولش و هر حرکت به سوی امریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده‌اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان

خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم، آغوش کشور و انقلاب همیشه برای پذیرفتن همه کسانی که قصد خدمت و آهنگ مراجعت داشته و دارند گشوده است ولی نه به قیمت طلبکاری آنان از همه اصول، که چرا مرگ بر امریکا گفتید! چرا جنگ کردید! چرا نسبت به منافقین و ضدانقلابیون حکم خدا را جاری می‌کنید؟ چرا شعار نه شرقی و نه غربی داده‌اید؟ چرا لانه جاسوسی را اشغال کرده‌ایم و صدها چرای دیگر. و نکته مهم در این رابطه اینکه نباید تحت تأثیر ترجمه‌های بیجا و بیمورد نسبت به دشمنان خدا و مخالفین و متخلفین نظام، به گونه‌ای تبلیغ کنیم که احکام خدا و حدود الهی زیر سؤال بروند. من بعض از این موارد را نه تنها به سود کشور نمی‌دانم که معتقدم دشمنان از آن بهره می‌برند، من به آنهایی که دستشان به رادیو - تلویزیون و مطبوعات می‌رسد و چه بسا حرف‌های دیگران را می‌زنند صریحاً اعلام می‌کنم: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به دست لیبرال‌ها بیفتد، تا من هستم نخواهم گذاشت منافقین اسلام این مردم بی‌پناه را از بین ببرند، تا من هستم از اصول نه شرقی و نه غربی عدول نخواهم کرد، تا من هستم دست‌یادی امریکا و شوروی را در تمام زمینه‌ها کوتاه می‌کنم و اطمینان کامل دارم که تمامی مردم در اصول همچون گذشته پشتیبان نظام و انقلاب اسلامی خود هستند که علاوه بر دهها و صدها صحنه اعلام حضور و آمادگی خود امسال نیز در راهپیمایی ۲۲ بهمن حقیقت آمادگی کامل خویش را به جهانیان نشان دادند و واقعاً دشمنان انقلاب را شگفت زده کردند که تا کجا حاضر به فداکاری‌اند. من در اینجا خود را شرمند و کوچکت‌ر از آن می‌دانم که زبان به وصف و تقدیر از آنان بگشایم. خداوند پاداش عظیم اینهمه اخلاص و رشد و بندگی را خواهد داد ولی به آنان که ناآگاهانه مردم شریف و عزیز ما را متهم به رویگردانی از اصول و انقلاب و روحانیت می‌کنند سفارش و نصیحت می‌کنم که در گفتار و کلمات و نوشته‌ها با دقت و مطالعه عمل کنند و برداشتها و تصورات نابجای خود را به حساب انقلاب و مردم نگذارند. مسئله دیگر اینکه امروز مقابله و تجزیه روحانیت انقلابی به سود کیست؟ دشمنان از دیرباز برای اختلاف افکنی میان روحانیون آماده شده‌اند. غفلت از آن، همه چیز را بر باد می‌دهد. حال اختلاف به هر شکلی باشد، بدبینی

شدید نسبت به مسئولین بالا باشد یا مرزبندی فقه سنتی و پویا و امثال آن. اگر طلاب و مدرسین حوزه علمیه با یکدیگر هماهنگ نباشند، نمی‌توان پیش‌بینی نمود که موفقیت از آن کیست و اگر بر فرض محال حاکمیت فکری از آن روحانی‌نماها و متحجرین گردد روحانیت انقلابی جواب خدا و مردم را چه می‌دهد.

ان شاء الله در بین جامعه مدرسین و طلاب انقلابی اختلافی نیست، اگر باشد بر سر چیست؟ بر سر اصول یا بر سر سلیقه‌ها؟ آیا مدرسین محترم که ستون محکم انقلاب در حوزه‌های علمیه بوده‌اند - نعوذ بالله - به اسلام و انقلاب و مردم پشت کرده‌اند؟ مگر همانها نبودند که در کوران مبارزه حکم به غیرقانونی بودن سلطنت دادند؟ مگر همانها نبودند که وقتی یک روحانی به ظاهر در منصب مرجعیت از اسلام و انقلاب فاصله گرفت، او را به مردم معرفی کردند؟ آیا مدرسین عزیز از جبهه و رزمندگان پشتیبانی نمودند؟ اگر خدای ناکرده اینها شکسته شوند چه نیرویی جای آنان را خواهد گرفت؟ و آیا ایادی استکبار، روحانی‌نماهایی را که تا حد مرجعیت تقویت نموده است، فرد دیگری را بر حوزه‌ها حاکم نمی‌کنند؟ و یا آنها که در توفان پانزده سال مبارزه قبل از انقلاب و ده سال حوادث کمرشکن بعد از انقلاب نه غصه مبارزه و نه غم جنگ و اداره کشور را خورده‌اند و نه از شهادت عزیزان متأثر شده‌اند و با خیالی راحت و آسوده به درس و مباحثه سرگرم بوده‌اند می‌توانند در آینده پشتوانه انقلاب اسلامی باشند؟ راستی شکست هر جناحی از علما و طلاب انقلابی و روحانیون و روحانیت مبارز و جامعه مدرسین، پیروزی چه جناحی و چه جریان‌ی را تضمین می‌کند؟ جناحی که پیروز شود یقیناً روحانیت نیست و اگر آن جناح الزاماً به روحانیت رو آورد، راستی به سراغ کدام قشر و تفکر از روحانیت می‌رود؟ خلاصه اختلاف به هر شکلی کوبنده است. وقتی نیروهای مؤمن به انقلاب حتی به اسم فقه سنتی و فقه پویا به مرز جبهه‌بندی برسند، آغاز باز شدن راه استفاده دشمنان خواهد بود. جبهه‌بندی نهایتاً معارضه پیش می‌آورد. هر جناح برای حذف و طرد طرف مقابل خود واژه و شعاری انتخاب می‌کند، یکی متهم به طرفداری از سرمایه‌داری و دیگری متهم به التقاطی می‌شود که من برای حفظ اعتدال

جناحها همیشه تذکرات تلخ و شیرینی داده‌ام، چرا که همه را فرزندان و عزیزان خود می‌دانم البته هیچ‌گاه نگران مباحثات تند طلبگی در فروع و اصول فقه نبوده‌ام ولی نگران تقابل و تعارض جناحهای مؤمن به انقلابم که مبدا منتهی به تقویت جناح رفاه طلب بی‌درد و نق‌بزن گردد.

نتیجه می‌گیرم که اگر روحانیون طرفدار اسلام ناب و انقلاب دیر بجنبند ابرقدرتها و نوکرانشان مسائل را به نفع خود خاتمه می‌دهند. جامعه مدرسین باید طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کتک خورده و جبهه رفته را از خود بدانند. حتماً با آنان جلسه بگذارند و از طرحها و نظریات آنان استقبال نمایند و طلاب انقلابی هم مدرسین عزیز طرفدار انقلاب را محترم بشمارند و با دیده احترام به آنان بنگرند و در مقابل طیف بی‌عرضه و فرصت طلب و نق‌زن ید واحد باشند و خود را برای ایثار و شهادت در راه هدایت مردم آماده‌تر کنند، حال جامعه و مردم، طالب حقیقت باشند مثل زمان ما که حقاً مردم بیشتر از آنچه که ما فکر می‌کنیم وفادار به روحانیت بوده و خواهند بود، یا نباشند مثل زمان معصومین - علیهم السلام. اما مردم شریف ایران توجه داشته باشند که نوعاً تبلیغاتی که علیه روحانیت انجام می‌پذیرد به منظور نابودی روحانیت انقلاب است، ایادی شیطان در تنگناها و سختیها به سراغ مردم می‌روند که بگویند روحانیت مسبب مشکلات و نارساییهاست؛ آن هم کدام روحانی، روحانی بی‌درد و بی‌مسئولیت نه، بلکه روحانیتی که در همه حوادث جلوتر از دیگران در معرض خطر بوده است. کسی مدعی آن نیست که مردم و پابره‌نه‌ها مشکلی ندارند و همه امکانات در اختیار مردم است. مسلم آثار ده سال محاصره و جنگ و انقلاب در همه جا ظاهر می‌شود و کمبودها و نیازها رخ می‌نماید ولی من با یقین شهادت می‌دهم که اگر افرادی غیر از روحانیت جلودار حرکت انقلاب و تصمیمات بودند امروز جز ننگ و ذلت و عار در برابر امریکا و جهانخواران و جز عدول از همه معتقدات اسلامی و انقلابی چیزی برایمان نمانده بود.

لازم به یادآوری است که ذکر شمه‌ای از وقایع انقلاب و روحانیت به معنای آن نیست که طلاب و روحانیون عزیز در فردای این نوشته حرکت تند و انقلابی بنمایند بلکه

هدف، علم و آگاهی به نکته‌هاست که در انتخاب مسیر با بصیرت حرکت کنند و خطرهای گذرها و کمینگاهها را بهتر بشناسند. اما در مورد دروس تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، اینجانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی‌دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعاً موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می‌طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنایی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاستها و حتی سیاسیون و فرمولهای دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعاً مدیر و مدبر باشد. حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است، فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

هدف اساسی این است که ما چگونه می‌خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند و قدرت برخورد در

مسلمانان به وجود آورد. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه^(۱۱) اینقدر جهانخواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آنان به تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که سران استکبار از قدرت برخورد عملی مسلمانان در شناخت و مبارزه با توطئه‌های شوم آنان به هراس افتاده‌اند و اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پرحماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزدبگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلمفرسایی کنند مضطرب شده‌اند. من قبلاً نیز گفته‌ام همه توطئه‌های جهانخواران علیه ما از جنگ تحمیلی گرفته تا حصر اقتصادی و غیره برای این بوده است که ما نگوئیم اسلام جوابگوی جامعه است و حتماً در مسائل و اقدامات خود از آنان مجوز بگیریم. ما نباید غفلت بکنیم، واقعاً باید به سمتی حرکت نماییم که ان‌شاءالله تمام رگه‌های وابستگی کشورمان از چنین دنیای متوحشی قطع شود.

استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما درجا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف‌نظر می‌نماییم. خیلی جالب و شگفت‌انگیز است که این به ظاهر متمدنین و متفکرین وقتی یک نویسنده مزدور با نیش قلم زهر آگین خود احساسات بیش از یک میلیارد انسان و مسلمان را جریحه‌دار می‌کند عده‌ای در رابطه با آن شهید می‌شوند برایشان مهم نیست و این فاجعه عین دموکراسی و تمدن است اما وقتی بحث اجرای حکم و عدالت به میان می‌آید، نوحه رأفت و انسان دوستی سر می‌دهند. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست، قضیه حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزشی است که بنگاه‌های صهیونیستی و انگلیس و امریکا به راه انداخته‌اند و با حماقت و عجله خود را رو به روی همه جهان اسلام قرار داده‌اند. البته

۱۱- اشاره به حکم وجوب قتل سلمان رشدی مرتد و ناشرین کتاب ضد اخلاقی و ضد دینی او.

باید ببینیم که بعض دولتها و حکومت‌های اسلامی چگونه با این فاجعه بزرگ برخورد می‌کنند. اینکه دیگر مسئله عرب و عجم و فارس و ایران نیست بلکه اهانت به مقدسات مسلمانان از صدر اسلام تا کنون و از امروز تا همیشه تاریخ است و نتیجه نفوذ بیگانگان در فرهنگ مکتب اسلام است که اگر غفلت کنیم این اول ماجراست و استعمار از این مارهای خطرناک و قلم به دستان اجیر شده در آستین فراوان دارد.

ضرورتی نیست که در چنین شرایطی ما به دنبال ایجاد روابط و مناسبات گسترده باشیم، چرا که دشمنان ممکن است تصور کنند که ما به وجود آنان چنان وابسته و علاقه‌مند شدیم که از کنار اهانت به معتقدات و مقدسات دینی خود ساکت و آرام می‌گذریم. آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول و دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم، آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت ما و اسلام و مسلمین می‌گذارند. این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز «آیات شیطانی» در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام برملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به در آییم و همه چیز را به حساب اشتباه و سوء مدیریت و بی‌تجربگی نگذاریم و با تمام وجود درک کنیم که مسئله اشتباه ما نیست، بلکه تعمد جهان‌خواران به نابودی اسلام و مسلمین است و الا مسئله فردی سلمان رشدی آنقدر برایشان مهم نیست که همه صهیونیستها و استکبار پشت سر او قرار بگیرند.

روحانیون و مردم عزیز حزب‌الله و خانواده‌های محترم شهدا حواسشان را جمع کنند که با این تحلیلهای و افکار نادرست خون عزیزانشان پایمال نشود. ترس من این است که تحلیلگران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟ و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و

کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند، پس باید خامی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر و اسلام و مکتب بگذریم! خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حيله گر و شرق متجاوز و فارغ از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام بر آییم و الا مادامی که فقه در کتابها و سینه علما مستور بماند، ضرری متوجه جهانخواران نیست و روحانیت تا در همه مسائل و مشکلات حضور فعال نداشته باشد، نمی‌تواند درک کند که اجتهاد مصطلح برای اداره جامعه کافی نیست. حوزه‌ها و روحانیت باید نبض تفکر و نیاز آینده جامعه را همیشه در دست خود داشته باشند و همواره چند قدم جلوتر از حوادث، مہیای عکس العمل مناسب باشند. چه بسا شیوه‌های رایج اداره امور مردم در سالهای آینده تغییر کند و جوامع بشری برای حل مشکلات خود به مسائل جدید اسلام نیاز پیدا کنند. علمای بزرگوار اسلام از هم اکنون باید برای این موضوع فکری کنند.

نکته آخری که توجه به آن لازم است اینکه روحانیون و علما و طلاب باید کارهای قضایی و اجرایی را برای خود یک امر مقدس و یک ارزش الهی بدانند و برای خود شخصیت و امتیازی قائل بشوند که در حوزه ننشسته‌اند بلکه برای اجرای حکم خدا راحتی حوزه را رها کرده و مشغول به کارهای حکومت اسلامی شده‌اند. اگر طلبه‌ای منصب امامت جمعه و ارشاد مردم یا قضاوت در امور مسلمین را خالی ببیند و قدرت اداره هم در او باشد و فقط به بهانه درس و بحث مسئولیت نپذیرد و یا دلش را فقط به هوای اجتهاد و درس خوش کند، در پیشگاه خداوند بزرگ یقیناً مؤاخذه می‌شود و هرگز عذر او موجه نیست، ما اگر امروز به نظام خدمت نکنیم و استقبال بی سابقه مردم از روحانیت را نادیده بگیریم، هرگز فرصت و شرایط بهتر از این را نخواهیم داشت. امیدوارم از نصایح و تذکرات مشفقانه این پدر پیر و این خدمتگزار حقیر خود، دلگیر نشده باشید و در مظان استجاب دعا با انفس قدسیه و با دلهای منور خود برایم دعا و طلب مغفرت نمایید. من هم از یاد و دعای خیر برای روحانیت اصیل و حوزه‌های علمی غفلت نمی‌کنم.

خداوندا! توان علما و روحانیت را در خدمت به دین خود افزون نما. خداوندا! حوزه‌های علمیه، این سنگرهای پاسداری از فقاہت و اسلام ناب را تا ابد پا برجا بدار. خداوندا! شهدای روحانیت و حوزه‌ها را از نعم بیکران و رزق حضور خویش بهره‌مند فرما. خداوندا! به جانبازانشان شفا مرحمت کن و به خانواده‌های شهداشان صبر و اجر مرحمت فرما. مفقودین و اسراشان را هر چه زودتر به اوطانشان برگردان. خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «انک ولی النعم». والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۳ اسفند ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۴ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم نظارت بر تدوین کتابهای درسی و جلوگیری از تحریف تاریخ در کتابهای درسی
مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی

[بسم الله الرحمن الرحيم]

محضر مبارک مرجع عالیقدر جهان تشیع، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - متّع الله المسلمین بطول بقاء وجوده الشریف

با اهدای سلام و لثم اناملکم الشریف، عطف به نامه مورخه ۱۱ بهمن ۶۷، معروض می‌دارد، برداشتها و تحلیلهای لیبرالیستی و ماتریالیستی در بسیاری از کتابهای تاریخی که در پی پیروزی انقلاب اسلامی منتشر شده و می‌شود، و نیز برخی نوشته‌های دور از حقیقت و تحریف شده در کتابهای درسی مدارس و دانشگاهها در زمینه تاریخ، بشدت نگران‌کننده و رنج‌آور است. اینجانب ضمن پوزش از تصدیق اوقات گرانبهای آن امام عزیز، به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنم:

۱- کتاب «تاریخ معاصر ایران»، که برای دوره‌های متوسطه دبیرستانها تدوین شده است، درباره کشیده شدن مردم به سفارت انگلستان در پی نهضت مشروطه، که بنابر شواهد موجود با نقشه فراماسونهای کافر و بیگانه پرستان از خدا بیخبر انجام گرفت، در ص ۷۷ چنین می‌نویسد:

«بهبهانی از میانه راه برای مردم پیغام فرستاد که می‌توانند در سفارت انگلستان متحصن شوند. به این ترتیب، در حدود بیست هزار نفر به باغ سفارت بیگانه پناه بردند و...»

این اظهار نظر در کتاب درسی آموزش و پرورش نظام جمهوری اسلامی، با این قاطعیت، در شرایطی صورت می‌گیرد که اساساً موضوع از دید تاریخ‌نویسان مورد اختلاف است؛ و کسروی ضد اسلام در کتاب «تاریخ مشروطه»، ص ۱۰۹، در اینباره آورده است:

«این گمان هرگز نمی‌رود که بهبهانی یا طباطبایی به پناهندن مردم به سفارتخانه خرسندی داده‌اند، و یا چنین گفتگویی در بودن ایشان می‌رفته، چه ما خود دیدیم که آنان با چه سختیها و بیمها روبه رو بودند، و با اینهمه از مسجد بیرون نیامدند. و سرانجام که ناگزیر شدند، روانه قم گردیدند. آن رفتار

دلیرانه و جانبازانه آنان کجا، و خرسندی به پناهندن مردم به سفارتخانه یک دولت بیگانه کجا؟!»
۲- در کتاب «تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران» که در سال ۱۳۶۴ برای برخی از دانشگاهها منتشر شده است، در ص ۲۱، چنین آمده است:
«در کشاکش این مهاجرت، حادثه پناهندگی به سفارت انگلستان پیش می آید که بهیچانی در انجام آن مؤثر بود.»

شایان نگرش است که نویسنده این کتاب حدود یک سال پیش از انتشار آن، به همراه نویسنده کتاب «تاریخ معاصر ایران» با اینجانب دیدار کرد. در این مجلس این نویسنده در تأیید نظریه اینجانب، نویسنده کتاب «تاریخ معاصر ایران» را مورد نکوهش قرار داد که چرا موضوعی را که در میان تاریخ نگاران مورد اختلاف است به صورت حتمی و قاطعیت، آن هم در کتاب درسی دانش آموزان، منعکس کرده است. و آن نویسنده نیز به ظاهر به اشتباه خود اعتراف کرد، و قرار گذاشت که آن را اصلاح کند. لیکن نه تنها تا به امروز این نوشته در کتاب درسی دانش آموزان بدون کوچکترین تغییری آورده شده است، بلکه در کتاب درسی دانشگاه نیز، چنانکه در بالا ملاحظه می فرمایید، تکرار گردیده است؛ که بازگوکننده غرض و سوءنیت می باشد نه اشتباه.

۳- در کتاب «تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران» ماجرای کاخ مرمر و حمله به شاه را، که از سوی سرباز پرشور و از جان گذشته ای به نام «رضا شمس آبادی» انجام گرفت، حرکتی کمونیستی وانمود کرده. در ص ۹۵ چنین آورده است:

«شمس آبادی در ارتباط با یکی از گروههای مارکسیستی - مائوئیستی فعالیت داشت. وی امکان ترور شاه را به گروه خود خبر داده بود، که با عکس العمل مخالف مرکزیت روبه رو شد. سرانجام شمس آبادی بدون در جریان گذاشتن گروه، اقدام به ترور شاه کرد که ناموفق ماند.»

در صورتی که طبق اسناد و مدارک موجود در ساواک و شواهد و دلایل دیگری که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در دست بوده، که در جلد اول کتاب «نهضت امام خمینی» آن را آورده ام، نامبرده انگیزه اسلامی داشته، و هیچ گونه ارتباطی با کمونیستها نداشته است. به نظر می رسد دستهای مرموزی در کار است تا دروغها و بافته های تحریفگران تاریخ در طول یکصدساله اخیر را با آرم و عنوان جمهوری اسلامی اعتبار ببخشند؛ و با تمسک به اینکه این نوشته ها، برداشتها و تحلیلهای، در نظام جمهوری اسلامی تکرار و حتی در کتابهای درسی آمده است، تحریفگریهای نویسندگان خائن گذشته

را لباس حقیقت بپوشاند.

اینجانب در مدت این چند سال به هر یک از مسئولان امور که باید به این جریان رسیدگی کنند متوسل شدم و اعلام خطر کردم، لیکن دریغاکه هیچ کس به این دردی که مرا از درون رنج می دهد توجهی نکرد. ناگزیر وظیفه دانستم که جریان را با ولی امرم در میان بگذارم تا چاره ای بیندیشند. و «إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ»^(۱). والسلام علیکم ورحمة الله.

[سید حمید روحانی]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه ای، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی - دامت
افاضاته

نامه جناب حجت الاسلام آقای سید حمید روحانی خطاری است برای همه آنانی که دلشان برای اسلام و انقلاب می تپد. باعث تعجب و تأسف است که نظام آموزشی کشور اسلامی ایران نسبتی به مرحوم بهبهانی - رحمة الله علیه - دهد که حتی کسروی با آن سوابق ضداسلامی درباره ایشان نمی دهد. کسروی ضد دین پس از تجلیل از آقایان: بهبهانی و طباطبایی^(۲) دستور بهبهانی و طباطبایی به مردم را در پناه بردن به سفارت یک دولت بیگانه رد می کند. از حضرت تعالی، که دلسوز اسلام و انقلاب هستید، اکیداً می خواهم مسئولی برای رسیدگی به این امور گذاشته، تا در تمام اینگونه موارد شما را در جریان بگذارد. سایر موارد نامه آقای روحانی هم مورد مذاقه است. گزارش کار را به اینجانب بدهید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۱۲/۴

روح الله الموسوی الخمينی

۱- «هر آینه مشکل و اندوهم را نزد خدا شکایت می برم».

۲- آیات عظام آقایان: سید عبدالله بهبهانی و سید محمد طباطبایی، از علمای بنام و از بانیان نهضت مشروطیت.

□ اجازه نامه

زمان: ۶ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۸ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: ممتاز علی شریفی (پاکستانی)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ ممتاز علی شریفی - دامت
توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف
امثال کفّارات و زکوات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه؛ و در مورد سهم مبارک امام -
علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد و نسبت
به مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را
ارسال نمایند؛ و نیز مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات عظام -
کثر الله نسلهم المبارک - و ارسال نصف دیگر، و در تمام امور از مشورت و صلاحدید با
نماینده اینجانب جناب حجت الاسلام آقای آقا سید ساجد علی نقوی - دامت افاضاته -
دریغ نورزند. والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۱۸ رجب الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ بیانات

زمان: صبح ۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۹ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: دریچه‌ای به دنیای بزرگ و جاوید

حضور: ادوارد شواردنازه (وزیر امور خارجه شوروی) - ولایتی، علی اکبر (وزیر امور خارجه)
- لاریجانی، محمدجواد - نوبری، علیرضا (سفیر جمهوری اسلامی ایران در شوروی)

[در این دیدار وزیر امور خارجه شوروی ضمن تسلیم پیام کتبی میخائیل گورباچف به امام امت محتوای این پیام را به استحضار امام خمینی رساند.

در این دیدار ابتدا شواردنازه گفت:

از حضرت امام بسیار متشکرم از این فرصتی که برای ملاقات با شما به دست آوردم. مأموریت دارم پیام جوابیه میخائیل سرگئی گورباچف را تسلیم حضرت امام کنم. سعی خواهم کرد به طور خیلی مختصر محتوای این پیام را برای شما عنوان نمایم. ابتدا می‌خواستم عرض کنم که خود واقعیات تبادل پیامها بین رهبران کشور ما یک پدیده منحصر به فرد در روابط فیمابین است. اعتقاد ما بر این است که شرایط پیش آمده است تا روابط فیمابین دو کشور ما وارد یک مرحله کیفی جدیدی شود. که برای همکاریها در تمامی زمینه‌ها.

آقای گورباچف در پیام خود اشاره می‌کنند که پیام جنابعالی خطاب به دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی از مفاهیم فراوان سرشار است.

تمامی اعضای هیأت رهبری شوروی متن پیام جنابعالی را مطالعه کردند. شکی نیست که ما در موارد عمده‌ای اتفاق نظر داریم اما مواردی هم است که ما اختلاف نظر داریم. اما این مهم نیست. در پیام شما ملاحظات عمیق راجع به سرنوشت بشریت دارد. آقای گورباچف عقیده دارند که ما در مهمترین مورد اتفاق نظر داریم یعنی انسانها باید یاور یکدیگر باشند تا بشریت فنا نپذیری به خود بگیرد. چنانچه انسانها متحد نشوند خطر فاجعه برای بشریت وجود دارد، چون امکانات بالقوه برای به وجود آوردن چنین فاجعه توسط خود انسانها ایجاد شده است.

آقای گورباچف معتقد است که مبارزه در راه نیل به یک دنیای عاری از سلاح هسته‌ای و آزاد از زور وظیفهٔ تمامی ملت‌هاست.

و اما راجع به سیاست خارجی اتحاد شوروی، هدف ما تعمیم رجحان ارزشهای مشترک برای تمامی ملت‌ها و برتری این ارزش‌ها بر تمامی منافع دیگر چه طبقه‌ای و چه ملی است.

آقای گورباچف به شما می‌نویسد که حرف‌های امام راجع به حسن‌نیت رهبری ایران جهت داشتن روابط حسنه و حسن همجواری با اتحاد شوروی با واکنش خوب از طرف رهبران شوروی مواجه شده است. ما دارای یک مرز بسیار طولانی هستیم همچون دارای سنن دیرینهٔ مناسبات و روابط فرهنگی بین دو ملت هستیم.

ما اساس خوبی داریم برای استمرار مناسبات ما بر پایهٔ جدید. یعنی بر پایهٔ اصول احترام متقابل، تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر.

آقای گورباچف می‌نویسد که در سیاست بین‌المللی، ما پیرو یک اصل اساسی هستیم یعنی اصل احترام به آزادی انتخاب برای هر انسان و هر ملت. نتیجتاً کشور ما و تمامی ملت ما از انقلاب بزرگ شما حُسن استقبال کرده است. استبداد شاهنشاهی در ایران مردم خود را استثمار کرده و از روش‌های واقعاً بربریت استفاده می‌کرده و شرافت و آبروی ملت خود را پایمال کرده برای جلب رضایت نیروهای خارجی. انقلاب شما انتخاب ملت شما بوده است و ما از این انتخاب همیشه پشتیبانی کرده و می‌کنیم.

آقای گورباچف در پیام خود می‌نویسد که ملت ما نیز انتخاب خود را به عمل آورده و این در سال ۱۹۱۷ بود. در رهگذر ما هم مشکلات بزرگی بود و هم موفقیت‌های چشمگیری بوده هم اشتباهات وخیمی بوده است و نقض حقوق بشر هم بوده که ما این اشتباهات خود را اصلاح می‌کنیم و آن را محکوم می‌کنیم. علی‌رغم تمامی مشکلات ما از دستاوردهای خود توانستیم دفاع کنیم چون انتخاب مردم راست بوده است.

می‌خواستم به استحضارتان برسانم که مسئلهٔ آزادی انتخاب در دستور روز زندگی بین‌المللی کنونی نیز هست. ما برای خود سؤالی داریم چرا که راه برای ادامهٔ رهگذر پیدا کنیم: آیا این راه ما راه کهنه و دگماتیک باشد یا راه جدید و انقلابی. انتخاب ما به نفع راه دوم است، ما در کشورمان انقلاب داریم، اما یک انقلاب مسالمت‌آمیز بدون سنگرها و بدون توسل به زور، ما می‌خواستیم که حضرت

امام بدانند که در کشور ما روند تجدید و بازسازی ادامه دارد. بازسازی اقتصادی و سیاسی، تجدید ارزیابیهای ما و طرز تفکر ما و تجدید نظریاتی که ما قبلاً داشتیم.

آقای گورباچف اشاره می‌کند که تحولات عظیمی در جهان اخیراً پدید آمده فکر می‌کنیم می‌شود گفت که ما در آستانه یک نظام جدید اقتصادی و سیاسی قرار داریم.

توافقه‌ای بسیار مهم به امضا رسیده است یک کلاس از سلاحهای هسته‌ای از بین می‌رود. دورنمای خوبی برای از بین بردن سلاح شیمیایی باز شده است و همین‌طور دورنمای خوبی برای جلوگیری از تقابل نظامی دولتها، اما این یک هدیه امپریالیستها نیست، این اراده ملت‌هاست و اراده زمان است.

چاره دیگری وجود ندارد، مسابقه تسلیحاتی و آوردن آن به فضا منجر به فاجعه بشریت خواهد بود. در مناطق مختلف دنیا مناقشات خونین دارند به پایان می‌رسند.

ما از خاتمه جنگ ایران و عراق با صراحت حسن استقبال می‌کنیم، برای همکاری با شما جهت استحکام صلح در خاورمیانه و نزدیک و تمامی جهان آمادگی داریم.

حضور وسیع نظامی در خلیج فارس مورد نگرانی ما است. منظورم حضور نظامی کشورهای خارج از منطقه است. این پدیده بسیار خطرناک است و باید آن را به اتمام رساند.

ما می‌خواهیم با موفقیت در امر حل و فصل عادلانه مناقشه افغانستان نیز با شما همکاری خوبی داشته باشیم، بگذاریم که مردم افغانستان سرنوشت خود را خودشان بدون دخالت از خارج تعیین نمایند.

شواردنازه افزود: یک نکته دیگر از پیام آقای گورباچف ایشان اظهار آمادگی می‌کنند برای گسترش همکاریهای اقتصادی و همکاریهای ما در زمینه‌هایی که ما قبلاً همکاریهای خوبی داشته بودیم.

ما برای برقراری و ادامه تماسها بین انسانها، نمایندگان محافل اجتماعی و روحانیون نیز آمادگی داریم.

دعوت جنابعالی برای انجام سفر به قم به آگاهی علمای اسلام کشور ما رسید، تردیدی نداریم که آنها از این دعوت جنابعالی استفاده خواهند کرد.

در پایان، فرستاده ویژه رهبر شوروی گفت: این بود محتوای اصلی پیام آقای گورباچف. ایشان بهترین آرزوها و سلام خود را به جنابعالی می‌رسانند. ایشان خواهان طول عمر جنابعالی به نفع و سعادت ملت ایران هستند. [ان شاء الله سلامت باشند، ولی به ایشان بگویید که من می‌خواستم جلوی شما یک فضای بزرگتر باز کنم. [در خاتمه حضرت امام فرمودند: من می‌خواستم دریچه‌ای به دنیای بزرگ، یعنی دنیای بعد از مرگ که دنیای جاوید است را برای آقای گورباچف باز نمایم و محور اصلی پیام من آن بود.^(۱) امیدوارم بار دیگر ایشان در این زمینه تلاش نمایند. [حضرت امام از خروج نیروهای شوروی از افغانستان استقبال کردند، و بر حسن همجواری و توسعه مناسبات قوی در ابعاد مختلف در مقابله با شیظنتهای غرب و خروج نیروهای بیگانه از خلیج فارس تأکید و آرزو کردند تا مردم شوروی و ایران همیشه در صلح و آرامش زندگی کنند.]

۱- اشاره به پیام معروف امام خمینی خطاب به گورباچف (۱۳۶۷/۱۰/۱۱) که در آن فروپاشی کمونیسم را پیش‌بینی کرده و نسبت به درگلتیدن روسیه به دام سرمایه‌داری غرب و امریکا هشدار داده‌اند.

□ نامه

زمان: ۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۹ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین زمین برای مسکن پرسنل صنایع خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
مخاطب: هاشمی رفسنجانی، اکبر (رئیس مجلس) - موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[طی نامه شماره ۳۰۲۸ - ۱۰/۷۰ - مورخ ۶۷/۱۱/۲۰، آقای سید محمد علیزاده، معاون صنایع خودکفایی وزارت سپاه، ضمن تشریح اقدامات صنایع خودکفایی وزارت سپاه در زمینه تجهیز و پشتیبانی تسلیحاتی و مهماتی جبهه‌های جنگ، از امام خمینی به عنوان فرمانده کل قوا درخواست صدور اجازه و گذاری چهار قطعه زمین در تهران به منظور احداث واحدهای مسکونی برای پرسنل صنایع سپاه پاسداران در مقابل اخذ وجه موافقت فرمایند امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای هاشمی، رئیس محترم مجلس

جناب آقای موسوی، نخست‌وزیر محترم

در این زمینه اگر بشود کمکی به سپاه کرد بجاست، ان شاء الله. البته با مراعات جهات شرعیه.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین مخارج دفتر اسناد انقلاب اسلامی

مخاطب: کروی، مهدی (نماینده امام خمینی و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی)

[محضر مبارک مرجع عظیم الشأن و رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - متع الله المسلمين بطول بقاء وجوده الشریف

... معروض می دارد، چنانچه خاطر عالی مستحضر است دفتر اسناد انقلاب اسلامی به منظور گردآوری اسناد تاریخی تدوین و نگارش تاریخ انقلاب اسلامی با همکاری برادر محبت الاسلام و المسلمین حاج آقای کروی در سال ۱۳۵۹ تأسیس گردید.^(۱) در آغاز کار این دفتر از محضر حضرت تعالی درباره اداره امور و مخارج آن کسب تکلیف شد. حضرت تعالی بذل عنایت فرموده، تأمین مخارج آن را به طور شفاهی به آقای کروی و بنیاد شهید انقلاب اسلامی موکول فرمودید. سپس برادر محبت الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی نیز در پاسخ نامه اینجانب نظر مبارک عالی را مبنی بر پرداخت مخارج این دفتر از سوی بنیاد شهید انقلاب اسلامی تأکید فرمودند. با وجود این برای رفع هرگونه نگرانی که ممکن است در آینده پیش آید، با عرض معذرت خواهشمند است در صورتی که مصلحت می دانید که اداره امور و مخارج این دفتر کماکان بر عهده حاج آقای کروی باشد، نظر مبارک عالی را به صورت کتبی ابلاغ فرمایید... والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

[۶۷/۱۲/۸ - حمید روحانی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای کروی - دامت افاضاته

مخارج دفتر اسناد انقلاب اسلامی که اداره آن با حجت الاسلام آقای سید حمید روحانی است کماکان بر عهده بنیاد شهید می باشد.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- یکی از مهمترین اقدامات دفتر اسناد انقلاب اسلامی، انتشار کتاب «نهضت امام خمینی» در سه جلد است. این مجموعه که بیانگر سیر مراحل انقلاب اسلامی است مورد استفاده پژوهشگران و اهل تحقیق قرار می گیرد.

□ نامه

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حوزه علمیه اهواز

مخاطب: جزایری، سید محمد (نماینده امام خمینی و امام جمعه اهواز)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای جزایری امام جمعه محترم اهواز - دامت افاضاته
نامه جنابعالی رسید؛ از محبت‌های جنابعالی متشکرم، معلوم است که مردم عزیز اهواز
ابتداءً باید نیازهای حوزه آن شهر را پرداخته و مازاد را برای اداره حوزه‌های علمیه
ارسال دارند. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. سلام اینجانب را به مردم
متدین و عزیز اهواز برسانید. ان شاء الله موفق و مؤید باشید. والسلام علیکم ورحمة الله و
برکاته.

۶۷/۱۲/۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: سوهارتو (رئیس جمهور اندونزی)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای ژنرال سوهارتو، رئیس جمهور کشور اندونزی

پیام تبریک آن جناب به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
واصل و موجب تشکر گردید. ملت بزرگ و مقاوم ایران در این ده ساله توطئه‌های
گوناگون دشمنان انقلاب را با تکیه بر ایمان به خدا و الهام از تعالیم عالیّه اسلام یکی پس
از دیگری پشت سر گذاشته و آنها را از تلاشهای خود مأیوس ساخته. و اخیراً با شگرد
جدیدی به جنگ همه ملل اسلامی و مقدسات اسلام آمده‌اند و با اجیر کردن جمعی
مزدور اقدام به تألیف و نشر کتاب کفرآمیز آیات شیطانی کرده‌اند، که امید است با
هوشیاری مسلمانان و بهره‌گیری از امکانات زیادی که در اختیار دارند این توطئه خائنه
را نیز خنثی کرده و به وظیفه اسلامی خود در قطع [دستهای] این مزدوران خود فروخته
اقدام کنند. و شما که بیشترین نفوس اسلامی را در کشور خود دارید وظیفه سنگینتری در
انجام این وظیفه الهی به عهده دارید. از خدای تعالی موفقیت همه ملل اسلامی را در این
راه تا پیروزی کامل بر دشمنان دین و قرآن مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۸ اسفندماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
مخاطب: راجیو گاندی (نخست وزیر هند)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای راجیو گاندی، نخست وزیر جمهوری کشور هند

پیام تبریک آن جناب به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران
واصل و موجب تشکر گردید. در این دهه گذشته دشمنان انقلاب توطئه های گسترده و
وسعی علیه این انقلاب اسلامی و اصیل طرح ریزی کردند که به یاری خدای تعالی
همگی خنثی گردید. و اکنون با تألیف و نشر کتاب کفرآمیز آیات شیطانی به جنگ خود
[با] اسلام عزیز آمده اند، که این توطئه نیز همانند گذشته به یاری خدای بزرگ نقش
بر آب خواهد شد. امید است جنابعالی نیز مسلمانان کشور هند را که در میان کشورهای
غیر اسلامی بیشترین رقم را دارا می باشد در این راه یاری دهید و روابط سنتی خود را با
ایران و سایر کشورهای اسلامی توسعه دهید.

به تاریخ ۸ اسفندماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی
مخاطب: کارلوس سانتاس دوگورتاری (رئیس جمهور مکزیک)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای کارلوس سانتاس دوگورتاری، رئیس جمهور ایالات متحده مکزیک
پیام تبریک آن جناب به مناسبت دهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی واصل و
موجب تشکر گردید. امید است این انقلاب اصیل اسلامی، که با الهام‌گیری از تعالیم عالیّه
اسلام و تکیه بر ایمان به خدا و استقامت و پایداری در برابر توطئه دشمنان به ثمر رسید،
الگویی برای سایر ملت‌های در بند استعمار قرار گرفته و با همین شیوه بتوانند خود را از
سلطه استعمارگران نجات بخشند.

به تاریخ ۸ اسفندماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۰ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: سخاوت حسین سندرالوی - پاکستان

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۰ رجب الخیر ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمین، والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهیرین، ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین.

و بعد، جناب عمادالاعلام وثقة الاسلام آقای شیخ سخاوت حسین سندرالوی - دام توفیقه العالی - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیّه از قبیل کفّارات و زکوات و مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه الصلوة والسلام - و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد از مخارج خود نیز مجازند ثلث آن را در احیای حوزه های علمیّه و ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند؛ و نیز مجازند در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق، و ارسال نصف دیگر نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - برعاية الاحتیاط فی جمیع الامور»؛ والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

ضمناً جناب ایشان در امور مذکوره از مشورت و صلاحدید با نماینده اینجانب جناب حجت الاسلام آقای سید ساجد علی نقوی - دامت افاضاته - دریغ نورزند. ان شاء الله تعالی.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۴ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۶ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: کسب نظر امام خمینی در استخاره برای تغییر رشته تحصیلی

مخاطب: امامی کاشانی، محمد (عضو فقهای شورای نگهبان)

[آقای امامی کاشانی طی نامه‌ای به تاریخ ۶۷/۱۲/۱۴ به محضر امام خمینی، نظر ایشان را درباره چند استخاره که برای تغییر رشته تحصیلی فرزندشان از پزشکی به تحصیل در حوزه علمیه قم، گرفته‌اند جویا شده است.

امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرموده‌اند:]

بسمه تعالی

فرزند خود را آزاد گذارید تا هر راهی را می‌خواهد انتخاب کند. شما و مادرش هم دعا کنید تا در آن راه موفق گردد.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۶ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۸ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مرندي، ميرزا علي اصغر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج میرزا علی اصغر مرندي - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و در مورد مازاد نیز مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند. و در مورد سهم سادات نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات عظام و ارسال نصف دیگر نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۲۸ رجب الخیر ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۹ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: جاویدان، عبدالعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۹ رجب الخیر ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمین، والصلوة والسلام علی محمد و آله الطاهیرین، ولعنة الله علی
اعدائهم اجمعین.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالعلی جاویدان - دامت
توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل
مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در مصارف مقررّه؛ و نیز مجازند در اخذ
سهم مبارک امام - علیه السلام - و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد؛ و چنانچه
مازادی داشت مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث
دیگر را ارسال دارند؛ و در مورد سهم سادات نیز مجازند نصف آن را به سادات مستحق
پرداخته و نصف دیگر را ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - برعاية الاحتیاط فی جمیع الامور»؛ والسلام علیه و علی
اخواننا المؤمنین و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۲۹ رجب ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: تنودور ژیکف (رئیس جمهور بلغارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۷ اسفند ماه ۶۷

حضرت آقای تنودور ژیکف، رئیس جمهور مردم بلغارستان
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران واصل و
موجب تشکر گردید. ملت شریف و بزرگ ایران در این ده سال به دنیا ثابت کرد که با
اتکال به خدای تعالی و استقامت و پایداری می توان در مقابل همه توطئه های
استعمارگران ایستاد و بر همه مشکلات پیروز شد. و امید است این انقلاب عظیم اسلامی
الگویی برای سایر ملل استعمارزده و در بند جهان قرار گیرد که بتوانند با الهام گیری از
شیوه مبارزه بر دشمنان خود پیروز شوند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۸ اسفند ۱۳۶۷ / ۱ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نماینده در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

مخاطب: نوری، عبدالله

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالله نوری - دامت افاضاته
با یاد و گرامیداشت خاطره فداکاریهای یکی از سرداران بزرگ نهضت اسلامی
ایران، مرحوم شهید حجت الاسلام آقای حاج شیخ فضل الله محلاتی، که از یاران با وفای
اینجانب و از سختی کشیدگان دوران مبارزات خونبار انقلاب اسلامی ایران و همچنین
مردی صالح و فداکار و برادری دلسوز برای پاسداران عزیز انقلاب اسلامی بود، که
خدایش او را رحمت کند و در جوار خود پذیرایش گردد، و با تشکر از زحمات قائم
مقام ایشان، جناب حجت الاسلام آقای عراقی،^(۱) که فردی متدین و صالح که در کوران
جنگ و جهاد خدمات قابل تحسینی انجام داده است و ان شاء الله از این پس چون گذشته
در خدمت اسلام و ایران و انقلاب اسلامی خواهند بود، اینجانب جنابعالی را، که فردی
هستید فاضل، متدین، مبارز، متقی و با فهم سیاسی بسیار خوب و علاوه بر آن از خانواده
محترم شهدا که خود افتخاری است بزرگ، می‌باشید، به نمایندگی از جانب خود در سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی منصوب می‌نمایم. لازم است مسائلی را به شما و فرزندان
عزیزم در سپاه گوشزد نمایم:

۱- وظایفی که در قانون به عهده شما گذاشته شده است باید دقیقاً مراعات گردد و شما
به هیچ وجه نباید از آن چشم‌پوشی کنید. فرزندان سپاهی‌ام نیز نباید از قانون کوچکترین
تخطی بنمایند.

۱- آقای محمد محمدی عراقی.

۲- نمایندگی شما در سپاه پاسداران اعم از لشکری و کشوری و وزارت سپاه می باشد. لذا کلیه مسائل فرهنگی، عقیدتی - سیاسی و فکری و فعالیتهای تبلیغاتی و انتشاراتی و حفاظت اطلاعات و مسائل قانونی دیگر زیر نظر شماست، و شما باید هدایت تمامی موارد مذکور را به عهده بگیرید.

۳- تمامی فرزندان عزیزم در سپاه، اعم از فرماندهان و سایرین، هماهنگیهای لازم را با نماینده محترم اینجانب داشته و دارند، و تخطی از آن باعکس العمل روبهرو خواهد شد.

۴- از این پس تأیید عزل و نصب فرماندهان سپاه پاسداران با شماست.

۵- از آنجاکه شما نماینده اینجانب در جهاد سازندگی هم می باشید، از خداوند متعال می خواهم تا با هماهنگی سپاه و جهاد بتوانید این دو نهاد مقدس انقلاب را یار و همکار یکدیگر نمایید تا بهتر بتوانند به اسلام و انقلاب و ایران خدمت کنند.

توفیق و تأیید شما را از خداوند تعالی آرزو مندم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۷/۱۲/۱۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۹ اسفند ۱۳۶۷ / ۲ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به مشکلات عراقی‌های مقیم ایران
مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی دفاع)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته

با سلام، جناب حجت‌الاسلام آقای محمد باقر حکیم از میهمانان عزیز اینجانب و جمهوری اسلامی ایران است.^(۱) از قرار مسموع کار برادران عراقی در ایران با مشکلاتی روبه‌روست که بارها اقدام شده است، ولی به نتیجه نرسیده است. از شما صمیمانه می‌خواهم آقای حکیم و آقای صدر و آقای سالک را بخواهید و زمان بگذارید تا کار تمام شود. ان شاء الله موفق باشید. گزارش کار را به اینجانب بدهید.

۶۷/۱۲/۱۹

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

۱- آقای سید محمد باقر حکیم، رئیس مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در نامه مورخ ۲۸ رجب ۱۴۰۹ (۱۶ اسفند ۱۳۶۷) خود به محضر امام خمینی ضمن تشریح وضع نابسامان عراقی‌های مقیم ایران از لحاظ مشخص نبودن هویت و جایگاه قانونی آنان، مشکلات رفت و آمد در داخل کشور و سفر به خارج، نداشتن مسکن و مأوا، وجود مقررات دست و پاگیر برای آنها و ترس از بازگشت به عراق و... از رهبر کبیر انقلاب، استدعا کرده است نسبت به حل مشکلات این گروه، دستور لازم صادر فرمایند. آقای حکیم در نامه خود، یادآور شد که در این زمینه‌ها پیشنهادهایی تسلیم مسئولان کرده است.

□ پیام

زمان: ۲۱ اسفند ۱۳۶۷ / ۴ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: شاذلی بن جدید (رئیس جمهور الجزایر)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای شاذلی بن جدید، رئیس جمهور دموکراتیک خلق الجزایر
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران واصل و
موجب تشکر گردید. ملت بزرگ و سربلند ایران اسلامی در این ده ساله به همه مسلمانان
و ملل در بند جهان نشان داد که با اتکال به خدای تعالی و استقامت و پایداری در مقابل
توطئه‌ها و مشکلات می‌توانند بزرگترین قدرتهای جهان را به شکست و تسلیم وا دارند.
و امید است سایر ملتهای اسلامی نیز با الهام‌گیری از همین شیوه به جنگ دشمنان اسلام
رفته و بر آنان پیروز شوند و اجازه ندهند دشمنان آنها اینگونه مقدسات اسلام را ملعبه
قرار داده و مورد اهانت قرار دهند. و متأسفانه بسیاری از زمامداران کشورهای اسلامی از
کنار یک چنین توطئه بزرگی بی تفاوت گذشته و به وظیفه اسلامی و دینی خود نیز در
حکم به اعدام توطئه‌گران امثال نویسنده کتاب آیات شیطانی و حامیان او عمل نکردند.
از خدای تعالی بیداری همه ملل اسلامی را مسئلت دارم. والسلام علیکم.

۲۱ اسفند ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۲۱ اسفند ۱۳۶۷ / ۴ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: یانگ شانگون (رئیس جمهور خلق چین)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۱ اسفند ماه ۶۷

حضرت آقای یانگ شانگون، رئیس جمهوری خلق چین

پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی واصل و موجب تشکر گردید. ملت بزرگ و مقاوم ایران در این ده ساله، انواع توطئه‌های دشمنان غربی و شرقی جمهوری اسلامی را به یاری خدای تعالی پشت سر گذارده و پیوسته سربلند بیرون آمده. اکنون که دشمنان انقلاب از نابود کردن آن مأیوس شده، به جنگ اسلام آمده و با تألیف و حمایت کتاب آیه‌های شیطانی در صدد ضربه زدن به اسلام و پیامبر گرامی آن برآمده‌اند و ما اطمینان داریم که این بار نیز ناکام مانده و جز آبروریزی و زیان برای خود نتیجه‌ای نخواهند گرفت. و ما از همه ملل آزاد جهان انتظار داریم که جلوی اهانت به مقدسات بیش از یک میلیارد مسلمان جهان را بگیرند و این توطئه ننگین را محکوم سازند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۱ اسفند ۱۳۶۷ / ۴ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: اریک هونکر (رئیس جمهور آلمان شرقی)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای اریک هونکر، رئیس شورای دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی واصل و موجب
تشکر گردید. ملت شریف ایران در این ده ساله، انواع توطئه‌ها و دشمنیهای دولتهای
شرق و غرب را پشت سرگذاشته و اکنون نیز با توطئه جدیدی از طرف صهیونیستها و
متحدین غربی آنها مواجه گردیده که با چاپ و نشر کتاب کفرآمیز آیات شیطانی
مقدسترین معتقدات آنها و بیش از یک میلیارد مسلمان جهان را مورد اهانت و تمسخر
قرار داده، و ما به یاری خدای تعالی اطمینان داریم که این بار نیز همانند گذشته نتیجه‌ای
نخواهند گرفت و جز رسوایی و خسران عایدشان نخواهد شد.

به تاریخ ۲۱ اسفند ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۱ اسفند ۱۳۶۷ / ۴ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: پریماداسا (رئیس جمهور سریلانکا)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای پریماداسا، رئیس جمهوری سوسیالیستی سریلانکا

پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران واصل و موجب تشکر گردید. از خدای تعالی پیروزی همه ملل محروم و مستضعف را بر استعمارگران و مستکبران مسئلت دارم.

به تاریخ ۲۱ اسفند ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۴ اسفند ۱۳۶۷ / ۷ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: کمک برای احداث ساختمان «کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی»

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم - ایده الله تعالی

کتابخانه حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی - دامت برکاته - از کتابخانه های کم نظیر و شاید بتوان گفت بی نظیر ایران است. کتب نفیس اعظم شیعه و کتاب های منحصر به فرد و خطی آن از ذخایر فرهنگ غنی اسلام و ایران می باشد. از قرار اطلاع مرکز حفاظت آنها به گونه ای نیست که کتاب ها مصون از خطر باشد و محیط مطالعه برای مشتاقان کتاب بسیار کوچک است.

جنابعالی موظف می باشید آنچه را که آن کتابخانه احتیاج دارد به بهترین وجه فراهم آورید. جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی نجفی که خود از خبرگان و شایستگان در امر کتابشناسی و کتاب و شناخت محیطی مناسب برای حفظ کتاب است بهترین فردی است که می تواند شما را در این امر یاری دهد. ان شاء الله هر چه زودتر با ساخته شدن بنایی در خور اسلام و انقلاب و حوزه علمی قم، قدمی مفید در راه رشد تعلیم اسلام برداشته شود. روشن است آنچه در این زمینه ساخته می شود اختیارش با حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی و یا فردی است که ایشان تعیین نمایند. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.

۶۷/۱۲/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۰ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت رسیدگی سریع به وضعیت زندانیان بلاتکلیف

مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید محمد موسوی خوئینی - دامت افاضاته
با سلام، گزارش شما از وضع افراد بلاتکلیف در زندانها تلخ و تکان‌دهنده است.
جنابعالی و آقایان حجتی الاسلام موسوی اردبیلی^(۱) و مقتدایی^(۲) هر یک در حوزه
مسئولیت خویش افرادی را برای خاتمه دادن بدین وضع ناهنجار انتخاب نموده و هر چه
زودتر این مشکل را حل نمایند.

از قول من به تمامی دست‌اندرکاران امور قضایی تهران و شهرستانها بگوئید خدا را
خوش نمی‌آید افرادی بلاتکلیف در زندانها باشند و آقایان هیچ‌گونه حساسیتی در این
زمینه نداشته باشند. توفیق شما و همه افرادی که در دستگاه قضایی زحمت می‌کشند را از
خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۷/۱۲/۲۷

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور.

۲- آقای مرتضی مقتدایی، عضو شورایعالی قضایی.

□ اجازه نامه

زمان: ۲۷ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۰ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: انصاری، ابراهیم

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰ شعبان ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام آقا شيخ ابراهيم انصاری - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در موارد مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهم مبارک امام - علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف ثلث آن در مصارف خود و ترویج شریعت مقدسه و ارسال دو ثلث دیگر نزد اينجانب؛ و در مورد سهم سادات نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا»؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۹ اسفند ۱۳۶۷ / ۱۲ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی

مخاطب: براندوشتراپ (رئیس جمهور مجارستان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای براندوشتراپ، رئیس شورای ریاست جمهوری مردم مجارستان
پیام تبریک آن جناب به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران واصل و
موجب تشکر گردید. از خدای تعالی می‌خواهم به سایر ملل محروم و در بند جهان نیز
این توفیق را عنایت فرماید که بتوانند خود را از سلطهٔ جهانخواران و استعمارگران نجات
بخشند.

۲۹ اسفند ماه ۶۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ آخرین پیام نوروزی (رادیو-تلویزیونی)

زمان: ۱ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۳ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تبریک عید نوروز و اعیاد مذهبی

مخاطب: ملت ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، يَا مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَالْأَحْوَالِ، حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.

تحويل حال إلى احسن الحال این است که ان شاء الله در این سال نو ما تغییرات روحی بدهیم، یعنی واقعاً تحول بر ایمان حاصل بشود. و او به این است که همان طوری که سیره انبیا از اول تا آخر بوده است که جنگ و صلحشان برای خدا بوده است، هیچ پیغمبری جنگ نکرد الا برای خدا و صلح نکرد الا برای خدا.

و امسال نوروز ما بین دو عید واقع شده است: یکی عید سعید ولادت حضرت امام حسین - سلام الله علیه - که احیا کننده دین اسلام بود از صدر اسلام تا آخر الزمان، و یکی هم عید ۱۵ شعبان ولی عصر - ارواحنا له الفداء - که او تا ازل احیا می کند دین خدای تبارک و تعالی را. و ما امیدواریم که ملت ما در این سال نو به طوری عمل بکند که سیره انبیا بوده است. به طوری عمل بکند که سیره اولیا بوده است. و عمده این است که هواهای نفس از بین برود. انسان در طول عمر مبتلای به این هوای نفس است که محتاج به ریاضت است. و من که گوینده ام موفق نشدم به این عمل. و من امیدوارم که ملت ایران و همه مسلمانان دنیا یک تحولی پیدا کنند در این سال نو که برای خدا کار کنند. برای سلطه خودشان نباشد. برای پیروزی خودشان نباشد. برای هواهای نفسانی نباشد. و خداوند ان شاء الله همه را توفیق بدهد که در راه خدای تبارک و تعالی مجاهدت کنند. و ان شاء الله این روز بر همه مبارک باشد، و خداوند همه مسلمین را با هم متفق کند در مقابل کفر جهانی. والسلام علیکم ورحمة الله

□ پیام

زمان: ۲ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۴ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم استقامت در مقابل هجوم نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران

مناسبت: نیمه شعبان، میلاد حضرت مهدی (عج)

مخاطب: مهاجرین جنگ تحمیلی

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت خواهران و برادران و فرزندان عزیز مهاجرین جنگ تحمیلی - ایدهم الله تعالی
با سلام و درود به پیشگاه مقدس مولود نیمه شعبان و آخرین ذخیره امامت حضرت
بقیه الله - ارواحنا فداه - و یگانه دادگستر ابدی و بزرگ پرچمدار رهایی انسان از قیود ظلم
و ستم استکبار. سلام بر او و سلام بر منتظران واقعی او، سلام بر غیبت و ظهور او و سلام
بر آنان که ظهورش را با حقیقت درک می کنند و از جام هدایت و معرفت او لبریز
می شوند.

سلام بر ملت بزرگ ایران که با فداکاری و ایثار و شهادت راه ظهورش را هموار
می کنند و سلام بر شما خواهران و برادران مهاجر که بدون شک در جنگ تحمیلی از
کسانی هستید که صدمه فراوان روحی و جسمی و مالی خورده اید. شما عزیزان در زمان
یورش وحشیانه صدام پس از روزها دفاع قهرمانانه اضطراراً محل زندگی و راحتی خود
را ترک نموده و حقیقتاً به زندگی پر مشقت در نقطه ای دور از خانه و کاشانه خویش تن
داده اید. شما مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی، لحظه لحظه جنگ و سختیهای آن را درک
کرده اید. ان شاء الله جمهوری اسلامی در آینده ای نه چندان دور شهرها و روستاهای
شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت، ولی باید خود به کمک مسئولان آمده
و در نوسازی و مهیاسازی شهر و روستاهاتان آنان را یاری نمایید. بحمدالله فرزندان
خردسال آن روز شما، امروز جوانانی شده اند که مانند سایر برادران و خواهران خود از

میهن اسلامی شان دفاع خواهند کرد.

همه می دانند که تحمل هشت سال فشار و سختی فقط برای اسلام عزیز بوده است، لذا مسئولین باید در دفاع از اسلام محکمتر از همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهانخواران بایستند، چرا که امروز دنیای استکبار خصوصاً غرب خطر رشد اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - را علیه منافع نامشروع خود درک کرده است.

امروز غرب و شرق به خوبی می دانند که تنها نیرویی که می تواند آنان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنها در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده اند و تصمیم گرفته اند که به هر وسیله ممکن آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد، با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خود فروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی دینها را که کشتن روحانیون و افراد بیگناه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. و نفوذیها بارها اعلام کرده اند که حرف خود را از دهان ساده اندیشان موجه می زنند.

من بارها اعلام کرده ام که با هیچ کس در هر مرتبه ای که باشد عقد اخوت نبسته ام. چهارچوب دوستی من در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب الله اصل خدشه ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندان شان در سر سفره افطار گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده های همکاری آنان با امریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا باشد نه تاریخ. کسانی که از منافقین و لیبرالها دفاع می کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و نا آگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده اند، از این حرکات دست برندارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد.

مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. مسائل اقتصادی و مادی اگر لحظه‌ای مسئولین را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت جمهوری اسلامی تمامی سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید، ولی این بدان معنا نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی اسلام است منصرف کند.

مردم عزیز ایران که حقاً چهره منور تاریخ بزرگ اسلام در زمان معاصرند، باید سعی کنند که سختیها و فشارها را برای خدا پذیرا گردند تا مسئولان بالای کشور به وظیفه اساسی‌شان که نشر اسلام در جهان است برسند و از آنان بخواهند که تنها برادری و صمیمیت را در چهارچوب مصلحت اسلام و مسلمین در نظر بگیرند. چه کسی است که نداند مردم عزیز ما در سختی هستند و گرانی و کمبود بر طبقه مستضعف فشار می‌آورد، ولی هیچ‌کس هم نیست که نداند پشت کردن به فرهنگ دول دنیاى امروز و پایه‌ریزی فرهنگی جدید بر مبنای اسلام در جهان و برخورد قاطع اسلامی با امریکا و شوروی، فشار و سختی و شهادت و گرسنگی را به دنبال دارد و مردم ما این راه را خود انتخاب کرده‌اند و بهای آن را هم خواهند پرداخت و بر این امر هم افتخار می‌کنند. این روشن است که شکستن فرهنگ شرق و غرب، بی‌شهادت میسر نیست.

من بار دیگر از مسئولین بالای نظام جمهوری اسلامی می‌خواهم که از هیچ‌کس و از هیچ چیز جز خدای بزرگ نترسند و کمرها را ببندند و دست از مبارزه و جهاد علیه فساد و فحشای سرمایه‌داری غرب و پوچی و تجاوز کمونیسم نکشند که ما هنوز در قدمهای اول مبارزه جهانی خود علیه غرب و شرقیم.

مگر بیش از این است که ما ظاهراً از جهان‌خواران شکست می‌خوریم و نابود می‌شویم؟ مگر بیش از این است که ما را در دنیا به خشونت و تحجر معرفی می‌کنند؟ مگر

بیش از این است که با نفوذ ایادی قاتل و منحرف خود در محافل و منازل، عزت اسلام و مسلمین را پایکوب می‌کنند؟ مگر بیش از این است که فرزندان عزیز اسلام ناب محمدی در سراسر جهان بر چوبه‌های دار می‌روند؟ مگر بیش از این است که زنان و فرزندان خردسال حزب‌الله در جهان به اسارت گرفته می‌شوند؟ بگذار دنیای پست مادیت با ما چنین کند ولی ما به وظیفه اسلامی خود عمل کنیم.

امروز بیشتر از هر زمانی کینه و دشمنی استکبار علیه اسلام ناب محمدی بر ملا شده است. بسیج عمومی آنان در دفاع از یک خود فروخته و نویسنده مزدور گویای این واقعیت است و شاید آنان اینهمه فصاحت و بی‌آبرویی شان را به خاطر رسیدن به هدف شوم خود پیش‌بینی نکرده بودند که امروز با سرافکندگی و خواری از کرده خود پشیمان و با ذلت مراجعت می‌کنند.

احتمالاً قضیه مبارزه با حجاب زنان مسلمان در فضای آموزشی، حرکتی انحرافی برای کمرنگ کردن جلوه عظیم دفاع جهان اسلام از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌باشد. گرچه خود این واقعه هم از دردهایی است که ملت‌های اسلامی گرفتار آن شده‌اند که چگونه در دنیای به اصطلاح آزاد، الزام زنان و دختران مسلمان به رفع حجاب عین دموکراسی است و فقط ما که گفته‌ایم کسی که به پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - توهین کند و اجماع فقهای مسلمین فتوا به اعدام آن می‌دهند، خلاف آزادی است! راستی چرا دنیا در برابر کسی که اجازه ندهد تا دختران مسلمان به دلخواه خود با پوشش اسلامی در دانشگاهها درس بخوانند یا تدریس کنند، ساکت نشسته است؟ جز این است که تفسیر و تأویل آزادی و استفاده از آن در اختیار کسانی است که با اساس آزادی مقدس مخالفند؟ امروز خداوند ما را مسئول کرده است، نباید غفلت نمود. امروز با جمود و سکون و سکوت باید مبارزه کرد و شور و حال حرکت انقلاب را پا برجا داشت. من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان - به خیال خام خودشان - بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با

چشماني باز به دشمنان خيره شويد و آنان را آرام نگذاريد كه اگر آرام گذاريد، لحظه‌اي آرامتان نمي‌گذارند.

البته ما از زحمات وزارت امور خارجه قدرداني مي‌كنيم و آنها بايد با جديت به كار خود ادامه دهند كه ان شاءالله در انجام وظيفه بزرگ الهي و سياسي خود موفق خواهند بود.

از خداوند متعال مي‌خواهم تا مهاجرين عزيزمان را هر چه زودتر به خانه و كاشانه خود برساند و تلخي غربتها و سختيها را به شيريني مراجعتشان مبدل سازد. در خاتمه لازم است از همه كساني كه از مهاجرين عزيز جنگ تحميلي پذيرايي کرده و مي‌كنند و همچنين از مسئولين محترم بنياد مهاجرين كه زحمات زيادي متحمل شده‌اند، تشكر و قدرداني نمايم. والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

روح الله الموسوي الخميني

□ نامه

زمان: ۶ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۸ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: «عدم صلاحیت برای تصدی رهبری نظام جمهوری اسلامی»

مخاطب: منتظری، حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای منتظری

با دلی پر خون و قلبی شکسته چند کلمه‌ای برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امر قرار گیرند. شما در نامه‌ی اخیرتان نوشته‌اید که نظر تو را شرعاً بر نظر خود مقدم می‌دانم؛ خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آنجا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده‌ی نظام را از دست داده‌اید. شما در اکثر نامه‌ها و صحبتها و موضعگیریهایتان نشان دادید که معتقدید لیبرالها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می‌گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده‌ای برای جواب به آنها نمی‌دیدم. مثلاً در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلا ف و الوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده‌ای به استکبار کرده‌اید. در مسئله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدینین متدینتر می‌دانستید و با اینکه برایتان ثابت شده بود که او قاتل است مرتب پیغام می‌دادید که او را نکشید. از قضایای مثل قضیه مهدی هاشمی که بسیار است و من حال بازگو کردن تمامی آنها را ندارم. شما از این پس وکیل من نمی‌باشید و به طلبی که پول برای شما می‌آورند بگویید به قم منزل آقای پسندیده و یا در تهران به جماران مراجعه کنند. بحمدالله از این پس شما مسئله مالی هم ندارید. اگر شما نظر من را شرعاً

مقدم بر نظر خود می‌دانید - که مسلماً منافقین صلاح نمی‌دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می‌شوید که آخرتتان را خرابتر می‌کند - با دلی شکسته و سینه‌ای گداخته از آتش بی‌مهریها با اتکا به خداوند متعال به شما که حاصل عمر من بودید چند نصیحت می‌کنم دیگر خود دانید:

۱- سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد.

۲- از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.

۳- دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هر چه اسرار مملکت است را به رادیوهای بیگانه دهند.

۴- نامه‌ها و سخنرانیهای منافقین که به وسیله شما از رسانه‌های گروهی به مردم می‌رسید؛ ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنام امام زمان - روحی له الفداء - و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید؛ برای اینکه در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.

والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده لوح می‌دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیلکرده که مفید برای حوزه‌های علمیه بودید و اگر اینگونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می‌دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی‌کنم. والله قسم، من با نخست‌وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می‌دانستم. والله قسم، من رأی به ریاست جمهوری بنی‌صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم.

سخنی از سر درد و رنج و با دلی شکسته و پراز غم و اندوه با مردم عزیزمان دارم: من با خدای خود عهد کردم که از بدی افرادی که مکلف به اغماض آن نیستم هرگز چشم‌پوشی نکنم. من با خدای خود پیمان بسته‌ام که رضای او را بر رضای مردم و دوستان مقدم دارم؛ اگر تمام جهان علیه من قیام کنند دست از حق و حقیقت برنمی‌دارم.

من کار به تاریخ و آنچه اتفاق می افتد ندارم؛ من تنها باید به وظیفه شرعی خود عمل کنم. من بعد از خدا با مردم خوب و شریف و نجیب پیمان بسته‌ام که واقعیات را در موقع مناسبتش با آنها در میان گذارم. تاریخ اسلام پر است از خیانت بزرگانش به اسلام؛ سعی کنند تحت تأثیر دروغهای دیکته شده که این روزها رادیوهای بیگانه آن را با شوق و شور و شعف پخش می کنند نگردند. از خدا می خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد. ما همه راضی هستیم به رضایت او؛ از خود که چیزی نداریم، هر چه هست اوست. والسلام.

یکشنبه ۶/۱/۶۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۰ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با استعفای آقای منتظری از قائم مقامی رهبری

مخاطب: منتظری، حسینعلی

[بسم الله الرحمن الرحيم. محضر مبارک آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی

پس از سلام و تحیت، مرقومه شریفه مورخ ۶۸/۱/۶ واصل شد. ضمن تشکر از ارشادات و راهنماییهای حضرتعالی به عرض می‌رساند، مطمئن باشید همان طور که از آغاز مبارزه تاکنون در همه مراحل همچون سربازی فداکار و از خود گذشته و مطیع در کنار حضرتعالی و در مسیر اسلام و انقلاب بوده‌ام، اینک نیز خود را ملزم به اطاعت و اجرای دستورات حضرتعالی می‌دانم؛ زیرا بقا و ثبات نظام اسلامی مرهون اطاعت از مقام معظم رهبری است. برای هیچ کس قابل شک نیست که این انقلاب عظیم تاکنون در سایه رهبری و ارشادات حضرتعالی از خطرات مهمی گذشته؛ و دشمنان زیادی همچون منافقین کوردل، که دستشان به خون هزاران نفر از مردم و شخصیت‌های عزیز ما و از جمله فرزندان عزیز خود من^(۱) آغشته است، و سایر جناحهای مخالف و ضد انقلاب و سازشکار و لیبرال مآبهای کج فکر را رسوا و از صحنه خارج نموده است. آیا جنایات هولناک و ضربات ناجوانمردانه این روسیاهان کوردل به انقلاب و کشور و ملت عزیز و فداکار ما فراموش شدنی است؟ و اگر بلندگوهای آنان و رادیوهای بیگانه خیال می‌کنند با جو سازیها و نشر اکاذیب و شایعه پراکنیها به نام اینجانب می‌توانند به اهداف شوم خود برسند و در همبستگی ملت ما رخنه کنند، سخت در اشتباهند.

و راجع به تعیین اینجانب به عنوان قائم مقام رهبری، خود من از اول جداً مخالف بودم؛ و با توجه به مشکلات زیاد و سنگینی بار مسئولیت، همان وقت به مجلس خبرگان نوشتم که تعیین اینجانب به مصلحت نبوده است. و اکنون نیز عدم آمادگی خود را صریحاً اعلام می‌کنم. و از حضرتعالی تقاضا

۱- شهید محمد منتظری که در فاجعه انفجار ساختمان مرکزی حزب جمهوری اسلامی، واقع در سرچشمه تهران همراه با دهها تن از شخصیت‌های مذهبی و سیاسی دیگر به شهادت رسید.

می‌کنم به مجلس خبرگان دستور دهید مصلحت آینده اسلام و انقلاب و کشور را قاطعانه در نظر بگیرند. و به من اجازه فرمایید همچون گذشته یک طلبه کوچک و حقیر در حوزه علمیه به تدریس و فعالیتهای علمی و خدمت به اسلام و انقلاب، زیر سایه رهبری حکیمانه حضرتعالی، اشتغال داشته باشم. و اگر اشتباهات و ضعفهایی که لازمه طبیعت انسان است رخ داده باشد، ان شاءالله با رهبریهای حضرتعالی مرتفع گردد.

و از همه برادران و خواهران عزیز و علاقه‌مند تقاضا می‌کنم مبادا در مورد تصمیم مقام معظم رهبری و خبرگان محترم، به بهانه حمایت از من، کاری انجام دهند و یا کلمه‌ای بر زبان جاری نمایند؛ زیرا مقام معظم رهبری و خبرگان جز خیر و مصلحت اسلام و انقلاب را نمی‌خواهند. امید است این شاگرد مخلص را همیشه از راهنماییهای ارزنده خود بهره‌مند، و از دعای خیر فراموش نفرمایید. والسلام علیکم ورحمةالله وبرکاته.

۶۸/۱/۷ - حسینعلی منتظری]

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای منتظری - دامت افاضاته

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما، همان‌طور که نوشته‌اید رهبری نظام جمهوری اسلامی کار مشکل و مسئولیت سنگین و خطیری است که تحملی بیش از طاقت شما می‌خواهد. و به همین جهت، هم شما و هم من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودیم، و در این زمینه هر دو مثل هم فکر می‌کردیم. ولی خبرگان به این نتیجه رسیده بودند؛ و من هم نمی‌خواستم در محدوده قانونی آنها دخالت کنم. از اینکه عدم آمادگی خود را برای پست قائم مقامی رهبری اعلام کرده‌اید پس از قبول، صمیمانه از شما تشکر می‌نمایم. همه می‌دانند که شما حاصل عمر من بوده‌اید؛ و من به شما شدیداً علاقه‌مندم. برای اینکه اشتباهات گذشته تکرار نگردد، به شما نصیحت می‌کنم که بیت خود را از افراد ناصالح پاک نمایید؛ و از رفت و آمد مخالفین نظام، که به اسم علاقه به اسلام و جمهوری اسلامی

خود را جا می‌زنند، جداً جلوگیری کنید. من این تذکر را در قضیه «مهدی هاشمی»^(۲) هم به شما دادم. من صلاح شما و انقلاب را در این می‌بینم که شما فقیهی باشید که نظام و مردم از نظرات شما استفاده کنند. از پخش دروغهای رادیو بیگانه متأثر نباشید. مردم ما شما را خوب می‌شناسند، و حیل‌های دشمن را هم خوب درک کرده‌اند که با نسبت هر چیزی به مقامات ایران کینه خود را به اسلام نشان می‌دهند.

طلاب عزیز، ائمه محترم جمعه و جماعات، روزنامه‌ها، و رادیو - تلویزیون، باید برای مردم این قضیه ساده را روشن کنند که در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است، و همه باید تابع آن باشیم. جناب‌عالی ان شاء الله با درس و بحث خود حوزه و نظام را گرمی می‌بخشید. والسلام علیکم.

۶۸ / ۱ / ۸

روح الله الموسوی الخمینی

۲- سید مهدی هاشمی از جمله افرادی بود که پیش از انقلاب به اتهام معاونت در قتل آقای شمس آبادی دستگیر و محکوم گردید. او پس از پیروزی انقلاب از زندان آزاد شد و به مسئولیتهای مهمی نیز گمارده شد؛ اما بزودی چهره واقعی خود را نشان داد و با شرکت در چند فقره جنایت و اعمال خلاف قانون از سوی دادگاه محاکمه و به اعدام محکوم شد و حکم درباره او به اجرا درآمد.

□ نامه

زمان: ۱۱ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۳ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با اختصاص بودجه بخش فرهنگی بنیاد مستضعفان به دانشگاه تربیت مدرس

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - ادام الله

ظله علی رؤوس الانام

با تقدیم شایسته ترین تحیت، به استحضار خاطر شریف می‌رساند که، یکی از دستاوردهای بسیار مهم انقلاب فرهنگی، دانشگاهی است به نام دانشگاه تربیت مدرس که برای تربیت استاد در داخل - یعنی کلید استقلال فرهنگی - توسط ستاد انقلاب فرهنگی تأسیس شده و تاکنون بیش از سیصد نفر استاد در رشته‌های مختلف تربیت کرده است و هم اکنون هم بیش از یک هزار و صد نفر را تحت تعلیم دارد و از آنجا که این دانشجویان با شرایط خاصی گزینش می‌شوند و با برنامه مخصوص دینی - علمی به صورت یک جمع منسجم در محیطی مطلوب تعلیم می‌بینند، اکثریت قریب به اتفاق آنها تاکنون به هر جاکه رفته‌اند به لطف خداوند مایه تحول انقلابی بوده‌اند.

از سوی دیگر با توجه به ضرورت استقلال فرهنگی، افزایش شدید جمعیت و در نتیجه افزایش تعداد دانشجو در داخل کشور، ضرورت پرداخت هزینه چندین برابر در خارج، به علاوه تحمل ذلت و تحقیر و انحراف تربیتی، وجود رقابت شدید علمی در سراسر دنیا، تا آنجا که برخی از کشورها به نسبت جمعیت ده برابر ما دانشجو دارند، وجود قانون مجلس شورای اسلامی در مورد منع اعزام دانشجو به خارج - جز در مواردی ضروری - کمبود شدید استاد در کشور که مولود وضع پیش از انقلاب و رفتن اساتید طاغوتی بعد از انقلاب و افزایش دانشجو به چند برابر در داخل است؛ با توجه به این امور، گسترش دانشگاهها و در رأس آنها دانشگاه تربیت مدرس امری اجتناب‌ناپذیر و مورد قبول همه مسئولان محترم سه قوه است تا آنجا که خود ریاست محترم جمهوری^(۱) مسئولیت ریاست هیأت

۱- آقای سید علی خامنه‌ای.

امنای این دانشگاه را پذیرفته‌اند.

اما با توجه به وضع عمومی کشور و کمبود بودجه و ارز، نه تنها نتوانسته‌ایم پس از هفت سال امکانات لازم از قبیل فضای آموزشی، آزمایشگاه، خوابگاه دانشجویی، مسکن اساتید، کتابخانه، وسائط نقلیه، کارمند و... را در حد مطلوب فراهم کنیم، بلکه اخیراً با عنایت به ضرورت گسترش کار دچار مشکل جدی‌تر شده‌ایم که بیم بازماندن از ادامه گسترش دانشگاه و در نتیجه، آسیب دیدن آموزش مطلوب مجموعه دانشگاهها می‌رود.

به همین جهت در جلسه هیأت امنای دانشگاه پیشنهاد شد که از حضور حضرتعالی تقاضا شود که بودجه بخش فرهنگی بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی به این دانشگاه اختصاص یابد، زیرا به تشخیص این هیأت، تربیت استاد برای دانشگاهها با برنامه یاد شده، سودمندترین و فرهنگیتربین کاری است که می‌تواند در کشور انجام گیرد. والامرالیکم. با دعای خیر همیشگی برای طول عمر حضرت مستطاب عالی

هیأت امنای دانشگاه تربیت مدرس

بسمه تعالی

نظر هیأت امنای دانشگاه تربیت مدرس مبنی بر نیاز مالی و امکان تأمین از طریق بنیاد مستضعفان را اینجانب تأیید می‌کنم.

سید علی خامنه‌ای]

بسمه تعالی

از نظر اینجانب هم بلامانع است. ان شاء الله آقای نخست‌وزیر اقدام می‌نمایند.

۶۸/۱/۱۱

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۳ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۵ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: توسلی، یعقوبعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا شیخ یعقوبعلی توسلی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف زکوات و کفّارات و مظالم عباد را در مصارف مقررّه و در مورد سهم مبارک امام - علیه السلام - نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و چنانچه مازادی داشت مجازند ثلث آن را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و دو ثلث دیگر را ارسال دارند. و در مورد سهم سادات عظام - کثر الله امثالهم - نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات و ارسال نصف دیگر.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بر عایة الاحتیاط فی جمیع الامور»؛ والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله.

۲۵ شعبان المعظم ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین رئیس سازمان تبلیغات اسلامی

مخاطب: جنتی، احمد

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ احمد جنتی - دامت افاضاته

به دنبال درخواست اعضای محترم و بزرگوار شورای عالی سازمان تبلیغات مبنی بر اینکه برای پیشبرد بهتر کار، شخصی از طرف اینجانب به تنهایی مسئول آن سازمان گردد، جنابعالی را به مدیریت و ریاست آن سازمان منصوب می‌نمایم. روشن است شما که از افراد متدین خوب و با سابقه طولانی در مبارزات می‌باشید و عمری را در حوزه‌های علمیه سپری کرده‌اید، می‌توانید خدمات ارزنده‌ای به اسلام و انقلاب بنمایید.

امیدوارم با تلاش پیگیر و با استفاده از همه نیروهای مؤمن به انقلاب و اسلام از عهده این مهم برآیید. تبلیغات، که همان شناساندن خویها و تشویق به انجام آن و ترسیم بدیها و نشان دادن راه‌گزیز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است.

انشاء الله در محدوده توانتان نقاط کور و مجهول را برای مردم شریف ایران و جهان اسلام باز و روشن نمایید؛ و چهارچوب اسلام ناب محمدی، که ترسیم قهر و خشم و کینه مقدس و انقلابی علیه سرمایه‌داری غرب و کمونیسم متجاوز شرق است، و نیز راه مبارزه علیه ریا و حيله و خدعه را به مردم و بخصوص جوانان سلحشورمان نشان دهید.

این مسئله که نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ‌کس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی با هر کس در هر موقعیت قاطعانه برخورد می‌نماید، باید به عنوان یک اصل خدشه‌ناپذیر برای تمامی دست‌اندرکاران و مردم تبلیغ

گردد.

توفیق جنابعالی و اعضای معزز و محترم شورایعالی سازمان تبلیغات اسلامی و تمامی
افراد آن سازمان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمةالله.

۶۸/۱/۱۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۴ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۶ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: رسیدگی به درخواست وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سید محمد (دادستان کل کشور) موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم
(رئیس دیوانعالی کشور)

[آقای علیرضا مرنیدی، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی طی نامه شماره ۶۸/۱/۱۰ م/۱۷۶ به محضر امام، ضمن تشریح تغییرات بنیادی در نظام دارویی کشور به بازداشت مدیر عامل وقت شرکت سهامی دارویی کشور و نیز بازداشت مدیر عامل وقت شرکت سهامی داروپخش در پی رسیدگی‌های بازرسی کل کشور اشاره کرده و یادآور شده است که با وجود آزاد شدن مدیر عامل داروپخش (به درخواست جمعی از وزرا و نمایندگان مجلس) هنوز پرونده این موضوع در شعبه‌های دوازده و سیزده دادسرای انقلاب اسلامی مفتوح است.

وزیر بهداشت از محضر امام درخواست کرده که پرونده توسط منتخبین معظم له مورد رسیدگی و اظهارنظر نهایی قرار گیرد. بدو حضرت امام به آقای موسوی خوئینی، دادستان کل کشور مأموریت دادند، اما ایشان طی نامه مورخ ۶۸/۱/۲۴ اعلام کرد که: «بر حسب تقسیم کار و وظایف شورای عالی قضایی انجام این کار در حوزه مسئولیت رئیس دیوانعالی کشور است»، امام خمینی انجام مأموریت را در نامه بعدی به آقای موسوی اردبیلی، رئیس دیوانعالی کشور محول فرمودند. متن نامه‌های امام به قرار زیر است:]

بسمه تعالی

جناب حجت‌الاسلام آقای موسوی خوئینی‌ها - دامت افاضاته
دو نفر از افراد وارد و خوب را جنابعالی برای روشن شدن تکلیف افراد
مورد درخواست جناب آقای دکتر مرنیدی انتخاب نمایید تا کار را مطابق شرع و

قانون انجام دهند.

۶۸/۱/۱۴

روح الله الموسوی الخمينی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی - دامت افاضاته
با سلام و تشکر از آقای موسوی خوئینی که تذکر دادند در محدوده کاری ایشان
نمی باشد، آنچه را برای ایشان نوشته ام حضرت تعالی زحمت آن را می کشید. ان شاء الله
موفق و مؤید باشید.

۶۸/۱/۲۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۷ فروردین ۱۳۶۸ / ۲۹ شعبان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اظهار نظر در مورد نمایندگان روحانی در دانشگاهها و اعلام عدم ارتباط موضوع به ایشان

مخاطب: خامنه‌ای، سیدعلی (رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی)

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی
با سلام، اصل لزوم نمایندگان روحانی در دانشگاهها و تعیین افراد مورد قبول دانشجویان در صورت لزوم و محدوده اختیارات آنان به اینجانب مربوط نمی‌باشد. هرگونه که شورای عالی انقلاب فرهنگی صلاح می‌داند بدون انتساب به اینجانب یا شخص و اشخاص دیگر اقدام نماید. توفیق جنابعالی و سایر اعضای محترم را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.

۶۸/۱/۱۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۳۰ شعبان ۱۴۰۹^(۱)

مکان: تهران، جماران

موضوع: مأموریت تحویل و صرف کمکهای مردمی (در اختیار ستاد کمکهای مردمی) به جبهه‌های جنگ

مخاطب: رحمانی، محمدعلی (مسئول بسیج مستضعفین)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای رحمانی، مسئول محترم بسیج مستضعفین - دامت افاضاته
با تشکر از زحمات جنابعالی و تمامی خواهران و برادران بسیج و دست‌اندرکاران
کمکهای مردمی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل که در روزهای حماسه و جهاد، با تلاش
خود خدمات ارزشمندی را به اسلام و انقلاب و ایران نمودند، جنابعالی که از مبارزین با
سابقه و از دوستان خوب اینجانب می‌باشید، تلاش نمایید تا در طول شش ماه، آنچه را
در اختیار ستاد کمکهای مردمی است در موارد مصرف صرف نمایید و کار را به انجام
رسانید توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم.

۶۸/۱/۱۸

روح الله الموسوی الخمينی

۱- در صحیفه نور (دوره ۲۲ جلدی)، ج ۲۱، ص ۱۱۴، ذیل تاریخ ۶۸/۱/۱۹ درج شده است که به استناد تاریخ
مندرج در نسخه خطی، ۶۸/۱/۱۸ صحیح است.

□ حکم

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۶۸ / ۱ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم ارسال درخواست عفو زندانیان از طریق رئیس دیوانعالی کشور
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی دامت افاضاته

با سلام، به اطلاع دستگاه قضایی برسانید، از این پس درخواست عفو زندانیان از طریق جنابعالی به اینجانب ارسال می‌گردد.^(۱) تأیید و توفیق جنابعالی و تمامی دست‌اندرکاران امور قضایی را از خداوند متعال خواستارم.

۶۸/۱/۱۹

روح‌الله الموسوی الخمینی

۱- دستور امام خمینی از سوی رئیس دیوانعالی کشور طی نامه شماره ۴۱۴۱/۶ د - ر - مورخ ۶۸/۲/۲۷ به کلیه دادگستریها، دادگاهها، دادرهای انقلاب و سازمان قضایی نیروهای مسلح سراسر کشور ابلاغ گردید.

□ نامه

زمان: ۲۰ فروردین ۱۳۶۸ / ۲ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه درباره احداث ساختمان کتابخانه آقای نجفی مرعشی در قم
مخاطب: نجفی مرعشی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی - دامت برکاته

با سلام و دعا برای سلامتی جنابعالی. نامه محبت آمیز شما رسید، تشکر می‌کنم. امیدوارم کسالت برطرف شده باشد. در مورد کتابخانه نگران نباشید. احمد^(۱) قرار است به جهاد بگوید کار ساختمانی آنجا را به صورت آبرومندی انجام دهد. ان شاء الله اینجانب را از دعای خیر فراموش نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۶۸/۱/۲۰

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید احمد خمینی.

□ حکم

زمان: ۲۰ فروردین ۱۳۶۸ / ۲ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: معافیت مالیاتی آستان قدس رضوی و شرکتها و مؤسسات وابسته

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک مرجع عالیقدر و رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران،

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی

با اهدای بهترین تحیات محترماً معروض می‌دارد، منابع مالی آستان قدس رضوی مجموعه ترکیبی از موقوفات و نذورات بوده که در جهت کمک به محرومان، گسترش و نشر فرهنگ اسلامی و ترویج اسلام ناب محمدی، تعمیر و نگهداری اماکن متبرکه و روضه منوره رضویه و احداث و گسترش ابنیه و بالاخره در راه مصالح جامعه اسلامی طبق نظر و نیات واقفین حسب موارد مقرر به مصرف می‌رسد. قابل ذکر است که به خاطر قید غیر انتفاعی بودن، این تشکیلات مقدس از آغاز حیات خود در هیچ دوره و مقطع تاریخی مشمول پرداخت مالیات نبوده است.

در سال ۱۳۶۵ که لایحه مالیاتی در کمیسیون اقتصاد و دارایی مجلس مطرح و در لایحه مذکور نام آستان قدس از ردیف سازمانهایی که مشمول معافیت مالیاتی بودند حذف گردیده بود. مراتب به وسیله برادر بزرگوارمان جناب مستطاب حجت الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا به استحضار حضرت مستطاب عالی رسید که مقرر فرمودید: (آستان قدس رضوی مالیات ندهد و به جناب آقای نخست وزیر هم گفته شود از آستان قدس نباید مالیات بگیرند) اما از آنجا که اوامر حضرت تعالی کتباً به مسئولین امر ابلاغ نگردیده در قانون مالیاتی مصوب سال ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی موضوع عدم پرداخت مالیات آستان قدس رضوی و شرکتهای وابسته مسکوت ماند.

با توجه به اجرای قانون مذکور از ابتدای سال جاری مشکلات و مسائلی در این رابطه برای آستان قدس رضوی به وجود آمده است، استدعا دارد اوامر حضرت تعالی را در خصوص عدم پرداخت مالیات به وسیله آستان قدس و شرکتهای و مؤسسات وابسته به مسئولین ذی ربط امر به ابلاغ فرمایند.

در جوار مضجع منور حضرت ثامن الائمه (ع) سلامتی و طول عمر آن حضرت و دوام و بقای نظام
جمهوری اسلامی را از خداوند سبحان مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.
۱۳۶۸/۱/۱۰ - ارادتمند: عباس واعظ طبسی]

بسمه تعالی

جناب آقای موسوی، نخست وزیر محترم
همان طور که قبلاً گفته‌ام آستان قدس رضوی و شرکتها و مؤسسات وابسته از
پرداخت هرگونه مالیاتی معاف می‌باشند. نظر اینجانب را به مقامات ذی ربط ابلاغ نمایید

۶۸ / ۱ / ۲۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۳ فروردین ۱۳۶۸ / ۵ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: فاضل گلپایگانی، محمدحسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام والمسلمين آقاي حاج شيخ محمد حسن فاضل گلپایگانی - دامت توفيقاته - از طرف اينجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبيل كفّارات و زكوات و مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمين مبارکين نیز مجازند در اخذ و صرف ثلث از سهم مبارک امام - عليه السلام - را در مخارج خودشان و ترويج شريعت مقدسه و ارسال دو ثلث ديگر را نزد اينجانب؛ و نیز مجازند نصف از سهم سادات را به سادات مستحق پرداخته و نصف ديگر را ارسال دارند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۵ رمضان المبارک ۱۴۰۹

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۲۶ فروردین ۱۳۶۸ / ۸ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: برکناری آقای منتظری از قائم مقامی رهبری

مخاطب: نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت فرزندان عزیز، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، و وزرای محترم
- دامت افاضاتهم

با سلام، شنیدم در جریان امر حضرت آقای منتظری نیستید و نمی دانید قضیه از چه
قرار است. همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه ها و پیغامها
تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه بدین جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از
طرف دیگر وظیفه شرعی اقتضا می کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد.
لذا با دلی پر خون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم.

ان شاء الله خواهران و برادران در آینده تا اندازه ای روشن خواهند شد. سفارش این
موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی بردار نیست؛ و در صورت تخطی، هر
کس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد. توفیق همگان را از خداوند
متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۸/۱/۲۶

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۶ فروردین ۱۳۶۸ / ۸ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: جمع آوری تصاویر شهدا از بزرگراه تهران - قم

سؤال کننده: آشتیانی، علی اکبر (نماینده امام خمینی در ژاندارمری)

[محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی - روحی له الفداء

سلام علیکم. محترماً، به استحضار عالی می‌رسانم، بر حسب اظهارات افسران کارشناس تصادفات پلیس راه ژاندارمری جمهوری اسلامی ایران، تصاویر شهدای معظم روحانیت از ابتدای نهضت اسلامی تا پیروزی انقلاب و همچنین شهدای گرانقدر جنگ تحمیلی که در کنار برادران خود با نثار جان به دیدار معبود شتافته‌اند در وسط بزرگراه تهران - قم نصب گردیده^(۱) و علی‌رغم اینکه از لحاظ تبلیغاتی بسیار مؤثر است و بیانگر شرکت مستقیم جامعه عزیز روحانیت در سراسر تاریخ انقلاب می‌باشد، لکن این تصاویر، توجه رانندگان را به خود جلب نموده و موجب بروز تصادفات زیادی گردیده و می‌گردد. علی‌هذا مستدعی است نظریه حضرت‌عالی را در این زمینه امر به ابلاغ فرمایند تا به همان نحو اجرای امر شود. در پایان طول عمر همراه با سلامتی برای آن امام بزرگوار از درگاه ایزدمنان مسئلت نموده و امیدوارم سایه پرمهر و محبت آن امام همام را بر سر جامعه مسلمین جهان و همچنین این سازمان مستضعف مستدام بدارد. ان شاء الله.

سرباز کوچک شما: علی اکبر آشتیانی - ۶۸/۱/۲۶]

بسمه تعالی

عکسها را از بزرگراه جمع نموده و در صورتی که از نظر کارشناسان تصادفات اشکالی نداشته باشد در میادین شهر قم نصب نمایند.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

۱- تابلوهای حاوی عکس شهدا، در فواصل نزدیک به هم و در میان دو خط رفت و برگشت اتوبان نصب شده بود.

□ اجازه نامه

زمان: ۲۷ فروردین ۱۳۶۸ / ۹ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: غریفی، سید عبدالله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج سید عبدالله غریفی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه و صرف امثال زکوات و کفارات و مظالم عباد را در موارد مقررّه شرعیّه؛ و در سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف ثلث آن در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و سایر مصارف مقررّه، و نسبت به مابقی نیز مجازند نصف سهم سادات را به سادات مستحق پردازند و مابقی سهمین را ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۹ رمضان المبارک ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک حلول ماه مبارک رمضان

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات متحده عربی)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰ رمضان ۱۴۰۹

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات متحده عربی
تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان واصل و موجب
تشکر گردید.

امید است مسلمانان جهان در این ماه بزرگ الهی بیش از پیش به وظایف خطیری که
در رابطه با حفظ کیان اسلام و مبارزه با توطئه‌های دشمنان که هر روز به نحوی آشکار
می‌شود، عمل نموده و عظمت از دست رفته خود را باز یابند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک حلول ماه مبارک رمضان

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقاي مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان واصل و موجب
تشکر گردید.

از خدای تعالی موفقیت همه مسلمانان جهان را در عمل به وظایف اسلامی و انجام
فرائض الهی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

دهم رمضان المبارک ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۸ فروردین ۱۳۶۸ / ۱۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر و تجلیل از نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی ایران

مناسبت: روز ارتش (۲۹ فروردین)

مخاطب: ملت ایران - نیروهای مسلح

بسم الله الرحمن الرحيم

بیست و نهم فروردین سالروز ارتش قهرمان و دلاور جمهوری اسلامی ایران بر ملت رشید ایران و بر همه ارتشیان و نیروهای مسلح کشور مبارک باد.

افتخار و آفرین بر ارتشی که در اوج تصمیم جاودانه خود حصار تعبد طاغوت را شکست و «برج و باروی» رژیم سلطنت و حکومت ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی را به آتش کشید و خود را از قیود حاکمیت ستمگران و مستشاران امریکایی که با هزاران آمال و آرزو برای منافعشان از ایران جزیره ثبات ساخته بودند، رهایی بخشید. گرچه سران وابسته و خود فروخته ارتش تا آخرین لحظه حیات ننگین حکومت پهلوی تلاش فراوانی برای نجات تخت و تاج سلطنت نمودند، ولی تصمیم شجاعانه پرسنل شریف ارتش اعم از افسران و درجه داران و سربازان آنچنان کوبنده و قاطع بود که مجال تفکر و تصمیم را از دشمنان خدا و خلق گرفت و پیوستن ارتش خصوصاً نیروی هوایی به صفوف الهی ملت، لحظه شادی بندگان خدا و یأس و ناامیدی ستمگران گردید که آن روزها و ساعات شیرین و پرخطر عشق ارتش به اسلام و میهن اسلامی، هرگز از یاد ملت ایران نمی رود و حقاً نیروی هوایی سهم بیشتری ادا کرده است. پیوستن ارتش به مردم معرف ارزش واقعی ارتش و موجب کینه توزی جهانخواران گردید.

در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ایادی شرق و غرب و آنها که صداقت و امانت و دینداری و میهن داری ارتشیان را در حماسه پیروزی درک نکرده بودند، کمر به نابودی

ارتش بستند و با شعارهای به ظاهر انقلابی و فریبنده مصمم به انحلال آن و غارت سلاحها و نابودی امکانات دفاعی کشور شدند و چه بسا ساده لوحان نیز تحت تأثیر القاءات آنان راه این هدف شوم را هموار نمودند که خداوند متعال کشور و انقلاب اسلامی ما را از توطئه شوم آنان رهایی بخشید و ارتش سرافراز ایران اسلامی همچون برق و صاعقه بر سر توطئه گران که در گوشه و کنار مرزها خواب تجزیه ایران را در سر پرورانده بودند فرود آمد و کردستان و گنبد و ترکمن صحرا گورستان کوردلان گردید که همه اینها از افتخارات تاریخی و فراموش ناشدنی ارتش قهرمان است.

و اما مهمتر از همه اینها حماسه هشت سال دفاع مقدس و مظلومانه ارتش و سپاه و نیروهای انتظامی و مردمی است که در حقیقت در برابر همه جهانخواران ایستادند و متجاوزینی که به خود وعده فتح سه روزه خوزستان و سقوط تهران را داده بودند به باتلاق مرگ و هلاکت فرستاد. واقعاً ارتش و نیروهای سپاهی و بسیجیها مظلومانه و با کمترین امکانات جنگیدند و برگهای زرین افتخار و کرامت و شرافت و شهادت را به اسلام عزیز هدیه نمودند. شجاعتها و رشادتهای بی نظیر نیروی هوایی و هوانیروز و خلبانان دلاور در نفوذ به اعماق خاک دشمن و رویارویی با مدرنترین امکانات اهدایی استکبار به صدامیان و دفاع از حریم هوایی کشور نشانه تعهد، عشق و ایمان آنان به خدا و اسلام و میهن اسلامی است. مهیا نگه داشتن و تعمیر و بازسازی ادوات و ابزار پیچیده هواپیماها و رادارها و سلاحهای ضد هوایی و موشکها و پدافند از کشور دلیل مهارت و تخصص و ارزشهای علمی والای این عزیزان است که خداوند بر توان و ایمان آنان بیفزاید.

نیروی زمینی قهرمان که در حقیقت در تمامی حوادث در نوک پیکان حملات ناجوانمردانه دشمنان بوده است، بحق چهره راستین و شکست ناپذیر و استوار خویش در دفاع از مرزهای گسترده کشورمان را نشان داد. حضور و آمادگی دفاعی در مرزهای غرب و جنوب و شمال غرب با آنهمه خصوصیات جغرافیایی و با سرما و گرمای طاقتفرسای مناطق، آن هم با کمبودها و محاصره ها کار آسانی نبوده است که علاوه بر آن

ارتش با هماهنگی سپاه و بسیج در اکثر صحنه‌های رزم و پیکار توانست پشت سپاهیان کفر را درهم بشکند و سرزمینهای مقدس و اشغال شده میهن عزیزمان را از چنگال متجاوزان خارج نماید و در عملیاتهای بزرگی همچون شکستن حصر آبادان و فتح‌المبین و بیت‌المقدس و دهها عملیات افتخارآفرین دیگر دوشادوش و همگام عزیزان سپاه و بسیج به فتوحات و افتخارات بزرگی نایل شود و هم‌اکنون نیز با کمال قدرت و صلابت از مرزها پاسداری و حراست نماید و در برابر خطرات احتمالی در آمادگی کامل باشد.

نیروی دریایی نیز همچون سایر نیروها بحمدالله در آبهای خلیج فارس و مرزهای آبی کشور در عرصه دفاع مقدس از کشور اسلامی‌مان چون نگینی درخشانده است و بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خود استوار ایستاده است. رویارویی آنان با نیروی دریایی دشمن و آنهمه افتخارات رزم و رشادت و شهادت و نیز کنترل و بازرسی کشتیهای در خلیج فارس و تنگه هرمز و مهمتر از همه نبرد قهرمانانه آنان در برابر امریکای متجاوز و حضور جدی آنان در آبهای بین‌المللی نشانه اقتدار و اعتبار این نیروی بزرگ و سرافراز است و ملت ایران باید به چنین ارتش مؤمن و وفاداری افتخار کند و نیروهای مسلح و ارتش بزرگ ایران باید بدانند که همه این افتخارات به برکت ایمان به خدا و دفاع از کشور امام زمان - ارواحنا فداه - و در سایه وحدت و انسجام و همدلی و برادری با یکدیگر و پشتیبانی مردم به دست آمده است و برای رسیدن به قله این عزت و شوکت اسلامی، سرمایه‌های فراوان و شهدای گرانقدری تقدیم راه خدا گردیده است و باید تا آخر همین رویه و سیاست؛ یعنی ایمان، وحدت و نظم، حفظ و تقویت گردد و نیروهای مسلح کشور اعم از سپاه و ارتش در کنار یکدیگر به سازندگی و رشد و تقویت بنیه‌های دفاعی اسلام و کشور همت بگمارند.

من تا آخر پشتیبان ارتش و سپاه و بسیج خواهم بود و تضعیف آنان را حرام می‌دانم. من به عنوان فرمانده کل قوا به مسئولین و تصمیم‌گیرندگان نیز دستور می‌دهم که در هیچ شرایطی از تقویت نیروهای مسلح و بالابردن آموزشهای عقیدتی و نظامی و توسعه تخصصهای لازم و خصوصاً حرکت به طرف خودکفایی نظامی غفلت نکنند و این کشور

را برای دفاع از ارزشهای اسلام ناب و محرومین و مستضعفین جهان در آمادگی کامل نگه دارند و مبدا توجه به برنامه‌های دیگر موجب غفلت از این امر حیاتی گردد که مطمئناً غفلت از تقویت بنیه دفاعی کشور، طمع تهاجم و تجاوز بیگانگان و نهایتاً تحمیل جنگها و توطئه‌ها را به دنبال می‌آورد.

ارتش و سایر نیروهای مسلح در دوران بازسازی باید به اصل بازسازی معنوی و اعتقادی نیز توجه کافی داشته باشند، چراکه همه در میدان نبرد و کارزار آموخته و تجربه کرده‌اند که معنویت و ایمان چقدر در پیروزیها و موفقیتها و بالا بردن توان و استقامت نیروها مؤثر است.

من با تشکر از زحمات روحانیون عزیز و مسئولین عقیدتی - سیاسی ارتش بخصوص نماینده خود جناب حجت‌الاسلام آقای صفایی که از چهره‌های مؤمن و خوب و صدیق این انقلاب است، تأکید می‌کنم که به مسئله آموزشهای عقیدتی و اخلاقی بیشتر توجه شود.

دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبتی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی - سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روشهای دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند که برای همیشه و تا آخر عمر، سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند.

در خاتمه ضمن تشکر از همه نیروهای مسلح خصوصاً نیروهای عزیز و مؤمن و فداکار ارتش، افسران، سربازان، درجه‌داران و کادرهای مختلف ستادی و غیرستادی و فرماندهان عزیز، نمایندگان خود در ارتش و دفاتر مشاورت و همچنین وزارت دفاع و کلیه سازمانها و مراکز تابعه ارتش، از پیشگاه مقدس پروردگار می‌خواهم که هر روز بر قدرت و شوکت و صلابت این مدافعان راستین میهن اسلامی بیفزاید و شهدای گرانقدر آنان را که همه ما در زیر سایه برکات آنان به نعمت امنیت و آزادی و استقلال رسیده‌ایم، با شهدای بزرگوار اسلام محشور فرماید و به جانبازان عزیزشان شفا کرامت نماید و مفقودین و اسرای بزرگوارشان را به اوطان خود برگرداند و به خانواده‌های معظم شهدا

صبر و اجر مرحمت فرماید.

در خاتمه توصیه مؤکد می‌کنم به همه ملت بزرگ ایران بویژه دست‌اندرکاران در نظام مبارک جمهوری اسلامی و کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و اسلام عزیز دلبستگی دارند که آنچه در این سالهای طولانی انقلاب پیش آمد از پیروزیهای معجزه‌آسا در مقابل همه قدرتها و ابرقدرتها و صاحبان رسانه‌های گروهی جهان که کمر همت به محو جمهوری اسلامی و در حقیقت اسلام بزرگ بسته‌اند و بحمدالله ناکام ماندند، از برکات و عنایات خداوند تعالی و ایمان همه قشرهای متعهد به مبادی اسلام بوده و بی‌شک از ادعیه مبارکه حضرت بقیه‌الله - صلوات الله و سلامه علیه و روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - برخوردار بوده و هست و بر همه ماها لازم است با تشکر از این نعمت بزرگ، در حفظ این عنایات کوشا باشیم. والسلام علی عبادالله الصالحین.

۲۸ فروردین ۱۳۶۸

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: اردیبهشت ۱۳۶۸ / رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین آب آشامیدنی مردم سمنان با همکاری روحانیت منطقه.

مخاطب: استاندار سمنان

بسمه تعالی

علمای اعلام و روحانیون محترم و ائمه جمعه معظم مجازند از طرف اینجانب در این

باب اقدام کنند و به هر نحوی می توانند آن را انجام دهند.

موفقیت همگان را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

□ اجازه نامه

زمان: ۲ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۵ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: مُقبل، میرزاعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۵ رمضان ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على
اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج میرزا علی مقبل - دامت افاضاته - از طرف
اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه، از قبیل زکوات و کفّارات و
مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و همچنین مجازند در اخذ سهم مبارک
امام - علیه السلام - و صرف ثلث آن در مخارج خودشان و سایر اموری که موجب
تقویت اسلام و ترویج شریعت مقدسه گردد، و مابقی را ارسال دارند؛ و همچنین مجازند
در اخذ سهم سادات و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب
عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا». والسلام عليه و على اخواننا
المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۶ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در اخذ وجوه شرعیه

مخاطب: هدایتی، سید فخر الدین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا سید فخر الدین هدایتی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعیه از قبیل زکوات و کفارات و مظالم عباد و صرف آنها در موارد مقرر؛ و در مورد سهمین مبارکین. نیز مجازند در اخذ و صرف ثلث آن در مصارف خود به نحو اقتصاد، و ترویج شریعت مقدسه و پرداخت نصف دیگر از سهم سادات را به سادات مستحق، و ارسال مابقی را نزد اینجانب.

«و اوصیه - ائده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

۱۶ رمضان ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۴ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۷ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تدوین متمم قانون اساسی

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای خامنه‌ای ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران - دامت
افاضاته

از آنجا که پس از کسب ده سال تجربه عینی و عملی از اداره کشور، اکثر مسئولین و دست اندرکاران و کارشناسان نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر این عقیده اند که قانون اساسی با اینکه دارای نقاط قوت بسیار خوب و جاودانه است، دارای نقایص و اشکالاتی است که در تدوین و تصویب آن به علت جو ملتهب ابتدای پیروزی انقلاب و عدم شناخت دقیق معضلات اجرایی جامعه، کمتر به آن توجه شده است، ولی خوشبختانه مسئله متمم قانون اساسی پس از یکی - دو سال نیز مورد بحث محافل گوناگون بوده است و رفع نقایص آن یک ضرورت اجتناب ناپذیر جامعه اسلامی و انقلابی ماست و چه بسا تأخیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد. و من نیز بنا بر احساس تکلیف شرعی و ملی خود از مدتها قبل در فکر حل آن بوده‌ام که جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن می‌گردید.

اکنون که به یاری خداوند بزرگ و دعای خیر حضرت بقیه الله - روحی له الفداء - نظام اسلامی ایران راه سازندگی و رشد و تعالی همه جانبه خود را در پیش گرفته است، هیأتی را برای رسیدگی به این امر مهم تعیین نمودم که پس از بررسی و تدوین و تصویب موارد و اصولی که ذکر می‌شود، تأیید آن را به آرای عمومی مردم شریف و عزیز ایران بگذارند.

الف - حضرات حجج اسلام و المسلمین و آقایانی که برای این مهم در نظر گرفته‌ام:
 ۱- آقای مشکینی ۲- آقای طاهری خرم آبادی ۳- آقای مؤمن ۴- آقای هاشمی
 رفسنجانی ۵- آقای امینی ۶- آقای خامنه‌ای ۷- آقای موسوی (نخست وزیر)
 ۸- آقای حسن حبیبی ۹- آقای موسوی اردبیلی ۱۰- آقای موسوی خوئینی ۱۱- آقای
 محمدی گیلانی ۱۲- آقای خزعلی ۱۳- آقای یزدی ۱۴- آقای امامی کاشانی ۱۵- آقای
 جنتی ۱۶- آقای مهدوی کنی ۱۷- آقای آذری قمی ۱۸- آقای توسلی ۱۹- آقای
 کروب^(۱) ۲۰- آقای عبدالله نوری که آقایان محترم از مجلس خبرگان و قوای مقننه و
 اجراییه و قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت و افراد دیگر و نیز پنج نفر از نمایندگان
 مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس انتخاب شده‌اند.

ب - محدوده مسائل مورد بحث:

۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت قوه مجریه ۳- تمرکز در مدیریت قوه قضاییه ۴- تمرکز
 در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشند
 ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل
 معضلات نظام و مشورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد
 ۷- راه بازنگری به قانون اساسی ۸- تغییر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی
 ج - مدت برای این کار حداکثر دو ماه است.

توفیق حضرات آقایان را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم و رحمة الله و
 برکاته.

۶۸ / ۲ / ۴

روح الله الموسوی الخمينی

۱- اسامی کامل آقایان (که نام کوچک آنها در متن نامه امام ذکر نشده است) به ترتیب عبارتند از حضرات آقایان:
 علی مشکینی، سید حسن طاهری خرم آبادی، محمد مؤمن قمی، اکبر هاشمی رفسنجانی، ابراهیم امینی، سید علی
 خامنه‌ای، میرحسین موسوی، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، سید محمد موسوی خوئینی‌ها، محمد محمدی گیلانی،
 ابوالقاسم خزعلی، محمد یزدی، محمد امامی کاشانی، احمد جنتی، محمد رضا مهدوی کنی، احمد آذری قمی، محمد
 رضا توسلی (محلاتی)، مهدی کروب.

□ حکم

زمان: ۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۹ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تعیین نمایندگان برای رسیدگی به وجوه و اموال مجهول المالک و...

مخاطب: کروی، مهدی - صانعی، حسن - عسکراولادی، حبیب الله

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای حبیب الله عسگر اولادی - زید توفیقه

با سلام، کلیه وجوه و اموال مجهول المالک بلاصاحب، ارث بلا وارث و اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه است، در اختیار آقایان حجج اسلام مهدی کروی و حسن صانعی - دامت افاضاتهما - قرار می گیرد. آقایان از طرف اینجانب وکیل می باشند تا به هرگونه صلاح می دانند در تمامی ابعاد فروش، نگهداری و اداره آنها اقدام نمایند. بدیهی است اگر مایل باشند می توانند قسمتی از این اختیارات را در اختیار وزارت امور اقتصاد و دارایی، قرار دهند.

از آقایان می خواهم که دقت کامل کنند تا کلیه درآمدهای حاصله را هر چه بهتر در موارد مقرر شرعیه صرف نمایند و در حد توان به بنیاد شهید، بنیاد ۱۵ خرداد، بنیاد مسکن، کمیته امداد، سازمان بهزیستی، طرح شهید رجایی^(۱) و بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و موارد دیگر مورد نظرشان کمک نمایند و در تمامی موارد، امور شرعیه به دقت مراعات گردد. توفیق جنابعالی و آقایان را در خدمت به خانواده شهدا، جانبازان و مفقودین و اسرا و مستضعفین آرزومندیم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۸/۲/۶

روح الله الموسوی الخمينی

۱- به موجب این طرح، افراد مسن از کار افتاده تحت پوشش خدمات عمومی و کمک رسانی قرار می گیرند.

□ نامه

زمان: ۶ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۹ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اشتغال زندانیان آزاد شده

مخاطب: موسوی، میرحسین (نخست وزیر)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مد ظله العالی. با تقدیم سلام و تحیات به استحضار می‌رساند، بعد از دستور حضرت تعالی مبنی بر آزادی زندانیان گروهکی و تأمین امکانات اشتغال افراد آزاد شده، دولت خدمتگزار، هم خود را در این زمینه به کار برده است، ولی از آنجا که برخی از این افراد، قبل از دستگیری در مشاغل حساس از قبیل معلمی و از این نوع خدمت می‌کرده‌اند، و اکنون به نظر می‌رسد گماردن آنها در همان مسئولیتها چندان به صلاح نخواهد بود، و ممکن است خدای ناکرده آثار و تبعات سوئی به دنبال داشته باشد، استدعا دارد موافقت فرمایید در مواردی که دولت مصلحت می‌داند افراد یاد شده در مشاغل دولتی دیگری که از حساسیت کمتری برخوردار هستند به کار گمارده شوند. از خداوند متعال طول عمر توأم با سلامت آن امام عزیز را مسئلت دارم.

میرحسین موسوی، نخست وزیر - ۶/۲/۶۸]

بسمه تعالی

موافقت می‌شود. ان شاء الله تعالی موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتخابات حوزه علمیه قم

مخاطب: مشکینی، علی (رئیس مجلس خبرگان رهبری و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی مشکینی - دامت افاضاته
پس از سلام و آرزوی موفقیت، ان شاء الله موفق و مؤید باشید. نامه جنابعالی در مورد
انتخابات حوزه علمیه قم رسید. از جنابعالی و سایر دست اندرکاران تشکر می نمایم. شما
از قول من به فرزندان انقلابی ام بفرمایید که تندروی عاقبت خوبی ندارد. اگر آنان جذب
حضرات آقایان جامعه محترم مدرسین نشوند، در آینده گرفتار کسانی خواهند شد که
مروج اسلام امریکایی اند.

من باز می گویم اگر طلاب انقلابی و مدرسین طرفدار انقلاب هماهنگ کار نکنند، هر
دو شکننده اند. باید تمام تلاش را نمود که به این نقطه مهم رسید. آقایان به روشنی دیدند
که دشمن از نقاط ضعف چه ضربه ای به اسلام و روحانیت زد. مؤمن از یک سوراخ
دوبار نباید گزیده شود. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته.

۶۸/۲/۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: گزارش وضع زندانیان

مخاطب: مقتدایی، مرتضی

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی حضرت آیت الله

العظمی امام خمینی - مدظله العالی

به استحضار حضرت مستطاب عالی می‌رساند، پیرو دستور آن حضرت در نامه خطاب به دادستان محترم کل کشور مبنی بر رسیدگی سریع به وضع زندانیان بلاتکلیف از سازمان قضایی نیروهای مسلح خواسته شد سریعاً آمار زندانیان بلاتکلیف در بازداشت موقت آن سازمان را از تهران و کلیه شهرستانها بخواهند که طبق آمار دقیق به پیوست خدمتان ارسال می‌گردد و خاطر شریف را مطمئن می‌سازد که کل متهمین تحت قرار این سازمان در کل کشور تعداد ۶۳۵ نفر می‌باشند که بیش از نصف آنها یعنی ۳۶۵ نفر در ماه اسفند و فروردین جاری بازداشت شده و ۱۳۰ نفر در ماه بهمن گذشته و بقیه برحسب شکل پرونده‌هایشان مربوط به ماههای قبل می‌باشد.

... ظاهراً آمار تقدیمی خدمتان از طریق سازمان زندانها، در مورد زندانیان سازمان قضایی نیروهای مسلح مربوط به تاریخ قبل از بخشنامه عفو و بخشودگی محکومین و متهمین نظامی مورخ ۶۷/۱۰/۱۱ بوده چون تعداد زیادی از زندانیان این سازمان در آن موقع عفو و بسیاری از پرونده‌ها مختومه گردید.

از محضر مبارک استدعا دارد، حقیر را از رهنمودهای حکیمانه و ارشادات و نصایح پدرا نه همواره آگاه فرمایید و از دعا جهت موفقیت در انجام وظایف و خدمت به اسلام و مسلمین و محرومین فراموشم نفرمایید. خداوند ان شاء الله وجود مبارک را در زیر سایه لوی حضرت مهدی (عج) - اروحنا فداه - با صحت و سلامتی نگهداری بفرماید.

[۶۸/۱/۲۳ - مرتضی مقتدایی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای مقتدایی - دامت افاضاته

با سلام، از گزارشی که در مورد وضع زندانیان دادید تشکر می‌نمایم. همه باید سعی کنیم به صورتی حرکت کنیم که به احدی ظلم نشود. ان شاء الله با تلاش خود این مهم جامه عمل می‌پوشد. از خداوند متعال توفیق و تأیید شما را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۸ / ۲ / ۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۰ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأکید بر ادامه خدمتگزاری در هیأت هفت نفری (مربوط به واگذاری اراضی کشاورزی

به زارعین)

مخاطب: فاضل هرنندی، محی الدین (نماینده امام در هیأت‌های هفت نفره)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای فاضل هرنندی - دامت افاضاته

پس از سلام و تشکر از زحمات جنابعالی و سایر دست اندرکاران، جنابعالی و سایر آقایان چون گذشته به کار خود ادامه دهید و از این پس از طرف اینجانب مأذون می‌باشید. سعی کنید در اجرای هر چه بهتر کارها و رعایت مسائل شرعیه دقت شود. توفیق و تأیید جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۸/۲/۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۲ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: متمم قانون اساسی و عدم لزوم درج شرط مرجعیت در شرایط رهبری نظام
مخاطب: مشکینی، علی (رئیس مجلس خبرگان)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای حاج شیخ علی مشکینی - دامت
افاضاته

پس از عرض سلام، خواسته بودید نظرم را در مورد متمم قانون اساسی بیان کنم. هرگونه آقایان صلاح دانستند عمل کنند. من دخالتی نمی‌کنم. فقط در مورد رهبری، ما که نمی‌توانیم نظام اسلامی مان را بدون سرپرست رها کنیم. باید فردی را انتخاب کنیم که از حیثیت اسلامی مان در جهان سیاست و نیرنگ دفاع کند. من از ابتدا معتقد بودم و اصرار داشتم که شرط «مرجعیت» لازم نیست. مجتهد عادل مورد تأیید خبرگان محترم سراسر کشور کفایت می‌کند. اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولیّ منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است. در اصل قانون اساسی من این را می‌گفتم، ولی دواستان در شرط «مرجعیت» پافشاری کردند، من هم قبول کردم. من در آن هنگام می‌دانستم که این در آینده نه چندان دور قابل پیاده شدن نیست. توفیق آقایان را از درگاه خداوند متعال خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۶۸/۲/۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۲ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: انتصاب نماینده در هیأت واگذاری زمین

مخاطب: محتشمی، علی اکبر (وزیرکشور) - فروزش، غلامرضا (وزیر جهاد سازندگی) - کلاتری، عیسی (وزیر کشاورزی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی

احتراماً، چنانچه استحضار دارید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور حل مسائل مربوط به زمین توسط حضرات آیات منتظری، مشکینی و شهید مظلوم دکتر بهشتی، حسب الامر مقام معظم رهبری قانونی تدوین و به تصویب شورای انقلاب رسید که بر اساس آن هیأت هفت نفره واگذاری زمین و ستاد مرکزی متشکل از نمایندگان تام الاختیار:

۱- حاکم شرع و ولی امر ۲- وزارت کشور ۳- وزارت کشاورزی ۴- وزارت جهادسازندگی ۵- وزارت دادگستری، تشکیل گردیده (در استانها به جای نماینده وزارت دادگستری نیز نماینده وزارت کشاورزی شرکت می نماید)

به دنبال آن در طول سالهای اخیر قوانین دیگری مربوط به زمین شامل قانون اراضی کشت موقت، قانون ابطال اسناد اراضی موات و قانون اراضی بایر به تصویب رسیده که در این قوانین نیز برای نمایندگان ولی امر و حاکم شرع هیأتها مسئولیتهای ویژه ای در نظر گرفته شده است.

از آنجایی که حضرت حجت الاسلام والمسلمین محی الدین فاضل هرنندی از بدو امر بر اساس تفویض اختیار مقام معظم رهبری به آیت الله منتظری به عنوان نماینده ولی امر و حاکم شرع ستاد مرکزی هیأتهای هفت نفره منصوب و تاکنون عهده دار این مسئولیت بوده اند. لذا مستدعی است نظر مبارک را آنگونه که مصلحت می دانند در مورد نماینده ولی امر در نهاد

مزبور امر به ابلاغ فرمایند.

۶۸/۱/۲۳ - سید علی اکبر محتشمی، وزیر کشور

غلامرضا فروش، وزیر جهاد سازندگی

عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای فاضل هرندی از این پس نماینده من در ستاد مذکور

[ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره واگذاری زمین] می‌باشند.

۶۸/۲/۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۳ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: حساب بانکی دادستانی دربارهٔ وجوه مربوط به اصل ۴۹ و خمس
مخاطب: موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد (دادستان کل کشور)

بسمه تعالی

۶۸/۲/۱۰

جناب حجت‌الاسلام آقای خوئینی - دامت افاضاته

با سلام، احمد^(۱) گفت که سؤال کرده‌اید، آیا با اجازه‌ای که به آقایان: کروی^(۲) و صانعی^(۳) داده‌ام اجازهٔ شما در مورد اصل ۴۹ و تخمیس، فسخ شده است یا خیر؟ جنابعالی که مورد علاقهٔ اینجانب می‌باشید و فردی موثق و متدین هستید، هرگونه مایل باشید می‌توانید عمل کنید. یا چون گذشته، حساب خود را باز نگه داشته و وجوهی که در آن ریخته می‌شود را به حساب اینجانب واریز نمایید. و یا می‌توانید وجوه ریخته شده را به حساب وزارت اقتصاد و دارایی ریخته و حساب خود را ببندید، و یا هرگونه صلاح می‌دانید عمل کنید. ان شاء الله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سیداحمد خمینی.

۲- آقای مهدی کروی، نمایندهٔ امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی.

۳- آقای حسن صانعی، نمایندهٔ امام و سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد.

□ پیام

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۵ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک عید سعید فطر

مخاطب: شیخ زاید بن سلطان آل نهیان (رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۵ رمضان ۱۴۰۹

حضرت آقای شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، رئیس دولت امارات عربی متحده
تلگراف تبریک آن حضرت به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر
گردید. متقابلاً این عید سعید را به آن جناب و ملت برادر و مسلمانان کشورتان تبریک
گفته، سعادت و عظمت همه ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.
روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۲ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۵ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ پیام تبریک عید سعید فطر

مخاطب: رشید بن سعید آل مکتوم (نایب رئیس دولت امارات عربی متحده)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۵ رمضان ۱۴۰۹

جناب آقای رشید بن سعید آل مکتوم، نایب رئیس امارات عربی متحده

تلگراف تبریک آن جناب به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت مسلمان کشورتان تبریک گفته، امید است حلول این عید توأم با سعادت و عظمت برای عموم مسلمانان جهان باشد. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۶ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: نیکنام، مرتضی

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۶ رمضان ۱۴۰۹

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

وبعد، جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ مرتضی نیکنام - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل مظالم عباد و زکوات و کفّارات و صرف آنها در موارد مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - در مصارف خودشان به نحو اقتصاد و ثلث از مازاد را نیز مجازند در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند و مابقی سهمین را نزد اینجانب ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۸ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تقدیر از تلاشهای هیأت عفو

مخاطب: محمدی گیلانی، محمد - ابطحی، سید محمد - قاضی، مهدی - موسوی بجنوردی، محمد

بسمه تعالی

با تشکر از زحمات ارزشمند حضرات حجج اسلام آقایان: محمد محمدی گیلانی، محمد موسوی بجنوردی، سید محمد ابطحی و مهدی قاضی به اطلاع می‌رسانم که هیأت عفو کما فی السابق دارای همان اختیارات می‌باشد. تنها فرق این است که از این پس [درخواستها] از طریق ریاست محترم دیوانعالی کشور به اینجانب می‌رسد. خداوند ان شاء الله توفیق بیشتر عنایت فرماید تا خدمات بیشتری بنمایید. والسلام علیکم ورحمة الله.

۶۸/۲/۱۵

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۵ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲۸ رمضان ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: واگذاری اختیارات « بنیاد عفت » به سازمان زندانها

مخاطب: فلاح (دادستان انقلاب اسلامی کرمان)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، قائد عظیم الشان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - مدظله العالی

سلام علیکم به استحضار عالی می‌رساند، بر اساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، مدیریت کلیه زندانها و بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها واگذار شده است که این سازمان پس از تشکیل، کلیه زندانها و بازداشتگاهها را در پی رهنمودهای حضرت تعالی اداره می‌نماید.

در ماده پنج همین قانون نیز کلیه اموال منقول و غیر منقول مربوط به زندانها را به سازمان منتقل کرده است. در ماهان کرمان با اعتبارات و امکانات دولتی و کمکهای مردمی مؤسسه‌ای تحت عنوان «بنیاد عفت»... تأسیس شده است که هم اکنون زنهای زندانی در آن نگهداری می‌شوند. نظر به اینکه قانوناً مدیریت کلیه زندانها با سازمان است و از طرفی در اساسنامه این بنیاد که به پیوست است انحلال و هرگونه تصمیم را به نظر ولی فقیه قرار داده است، استدعا دارد اجازه فرمایید این مؤسسه نیز به مانند سایر اماکن نگهداری زندانیان به سازمان زندانها واگذار گردد. لازم به توضیح است هم اکنون این مؤسسه در دست سازمان است.

دادستان انقلاب اسلامی کرمان و عضو هیأت امنای مؤسسه مذکور - فلاح ۶۷/۱۰/۱۰]

بسمه تعالی

بنیاد عفت که از امکانات و کمکهای مردمی تأسیس شده است به سازمان زندانهای کشور واگذار گردد.

۶۸/۲/۱۵

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم حفظ ارکان فقه و اصول در حوزه‌ها با عنایت به روشهای جدید و علوم مورد نیاز
مخاطب: شورای مدیریت حوزه علمی قم

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای مدیریت حوزه علمی قم - دامت افاضاته

با سلام و دعا برای شما عزیزان، زحمات شما عزیزان چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. ان شاء الله با کمک همه دست اندرکاران امور حوزه موفق شوید پاسخگوی سؤالات جهان اسلام شوید.

این مسئله نباید فراموش شود که به هیچ وجه از ارکان محکم فقه و اصول رایج در حوزه‌ها نباید تخطی شود. البته در عین اینکه از اجتهاد «جواهری» به صورتی محکم و استوار ترویج می‌شود، از محاسن روشهای جدید و علوم مورد احتیاج حوزه‌های اسلامی استفاده گردد.

بار دیگر به فرزندان خوب و انقلابی‌ام سفارش می‌کنم که شورای مدیریت حوزه علمی قم مورد تأیید اینجانب می‌باشند. سعی کنند تندروی نکنند که تندروی باعث شکست خودشان می‌گردد.

باید طلاب جوان اساتید محترم حوزه را که در خدمت انقلاب و اسلام و علوم اسلامی می‌باشند یاری کنند تا آنان بتوانند به هدفهای مهم تعلیم و تربیت برسند. شورای مدیریت و اساتید عزیز هم توجه داشته باشند که بدون طلاب انقلابی به هیچ یک از خواسته‌های مشروع خود نخواهند رسید. طلاب انقلابی و مبارز، پیشتازان انقلاب اصیل اسلامی مان می‌باشند. چهره گلگون و روشن فیضیه‌های ایران در جهان اسلام مرهون زندانها و شکنجه‌های این عزیزان است.

این مسئله باید در نظر گرفته شود که شورای مدیریت حوزه علمیه قم از خدا می خواهند کاری کنند که طلاب عزیز در فراگیری علم و دانش با مشکلات روبه رو نشوند. اگر در بعضی جهات بدین نتیجه نمی رسند، لابد در حد توانشان نیست. شعار همیشه از آن کسانی است که وارد گود اجرا نیستند. از خداوند متعال توفیق سرداران و سربازان علوم اسلامی را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

۶۸/۲/۱۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: تأمین نیازهای مالی سازمان تبلیغات اسلامی از محل وجوهات شرعی
مخاطب: جنتی، احمد (رئیس سازمان تبلیغات اسلامی)

[بسمه تعالی. محضر مقدس رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی امام خمینی -
مدظله العالی

با عرض سلام و تحیات وافر و تشکر از عنایتی که اخیراً به امر تبلیغات که اهمّ امور است و به
سازمان تبلیغات اسلامی که سالها است با مشکلات زیاد به تلاش خود ادامه داده فرمودید و قطعاً بخشی
از مشکلات ما را حل کرد ولی بخش دیگری که مسائل مالی است همچنان به قوت خود باقی است و
نیاز به لطف حضرت تعالی دارد و همان طور که در نامه جناب آقای مهدوی به عرض مبارک رسید چنانچه
اجازه فرمایید از وجوه شرعی و اوقاف مطلقه یا اوقافی که با امر تبلیغات منطبق است مصرف شود البته
اگر اوقاف نتواند تعهد کند از اموال مصادراتی هم قابل حل است این مشکل هم حل خواهد شد امید
است به هر نحو صلاح بدانید در این مورد هم گره گشایی فرمایید. والامر الیکم ادام الله بقائکم و متّع الله
الاسلام و المسلمین بوجودکم الشریف.

[۶۸/۱/۲۳ - احمد جنتی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای جنتی - دامت افاضاته

آن دسته از افرادی که از اینجانب اجازه دارند، به میزان اجازه ای که دارند می توانند به
جنابعالی برای صرف در تبلیغات اسلامی کمک نمایند؛ و نیز جنابعالی مجازید
وجوهاتی که به دست می آورید در راه تبلیغات اسلامی صرف نمایید. آقایان کروی و
صانعی در حد توان از تبصره ۳۵ به شما کمک خواهند کرد.

۶۸/۲/۱۷

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۲ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در امور حسبیّه و شرعیّه

مخاطب: جوادی، حیدرعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب حجت الاسلام آقای آقا شیخ حیدرعلی جوادی - دامت افاضاته - از طرف اینجانب مجازند در تصدی امور حسبیّه و اخذ وجوه شرعیّه از قبیل کفّارات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقررّه شرعیّه؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف سهم مبارک امام - علیه السلام - در مصارف خودشان به نحو اقتصاد؛ و نسبت به مازاد از مخارج خود نیز مجازند نصف آن را در ترویج شریعت مقدسه و تربیت طلاب علوم دینیّه صرف نموده و مابقی را ارسال دارند، و در مورد سهم سادات نیز مجازند در اخذ و پرداخت نصف آن به سادات مستحق و ارسال نصف دیگر. «و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين والدنيا»؛ والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

۲ شوال ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۳ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم تسریع در امر رسیدگی به پرونده غارتگران بیت المال

مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

[... با سلام و تحیات خالصانه و اظهار تشکر از اعتمادی که نسبت به اینجانبان ابراز فرموده‌اید معروض می‌دارد، در اجرای فرمان مبارک مورخ ۶/۲/۶۸ آن حضرت نسبت به اموالی که در اختیار ولی فقیه است حسب اظهار نظر مطلعین، پرونده‌های زیادی در رابطه با موضوع حکم حضرت تعالی مربوط به غارتگران بیت‌المال و وابستگان به رژیم طاغوت در محاکم وجود دارد که صرف نظر از مشکلات دست و پاگیر رسیدگی عادی به آنها چندین سال به طول می‌انجامد و این امر موجب اضرار بیت‌المال و حقوق محرومین و مستضعفین جامعه می‌شود. علیهذا از محضر تان استدعا می‌شود در صورت صوابدید جهت پیشرفت امور و ضایع نشدن حق فقرا و مستمندان به مسئولین قضایی مربوطه دستور فرمایید تا بدین پرونده‌ها خارج از ضوابط دست و پاگیر حاکم بر دادگاهها طبق موازین شرع انور رسیدگی شود و فردی را برای این کار انتخاب نمایند. و از آنجا که جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای نیری فردی وارسته، قاطع و مورد توجه حضرت تعالی است و نیز مورد توجه قضای کشور است برای مسئولیت این امر پیشنهاد می‌شود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته. مهدی کروی - حسن صناعی]

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای موسوی اردبیلی - دامت افاضاته

با سلام و دعا. این کار مربوط به جنابعالی است. ان شاء الله اقدام می‌نمایید. من با پیشنهاد آقایان: کروی و صناعی و انتخاب آقای نیری برای این کار موافقم. البته با اختیاراتی که خود بتواند تصمیم لازم را بگیرد. ان شاء الله موفق و مؤید باشید. والسلام علیکم.

۶۸/۲/۱۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۳ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اداره مدرسه دارالشفای قم توسط شورایعالی انقلاب فرهنگی

مخاطب: احمدی، احمد (عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر کبیر انقلاب، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - جعلت فداه با تقدیم شایسته ترین تحیت، به استحضار خاطر شریف می‌رساند که با توجه به ضرورت تدریس معارف دینی در دانشگاهها و نارساییهای کنونی از سال گذشته قریب نود نفر از طلاب حوزه علمیه قم که دو سال درس خارج خوانده اند گزینش شده اند تا با گذراندن برنامه مخصوص پس از سه سال به تدریس دروس معارف دینی در دانشگاهها پردازند و هم اکنون قریب یک سال تحصیلی از این برنامه را در مدرسه دارالشفای قم گذرانده اند و قرار است در آینده هم گرفتن طلاب تارفع نیاز ادامه یابد. قسمت عمده کار اجرایی و درسی و برنامه هم زیر نظر اینجانب انجام می‌گیرد، از محضر مبارک تقاضا می‌شود با توجه به موقعیت کنونی، تکلیف این بخش را معلوم فرمایید.

دکتر احمد احمدی - عضو شورایعالی انقلاب فرهنگی]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای احمدی - دامت افاضاته

از این پس مدرسه دارالشفای قم در صورت توافق شورای مدیریت حوزه علمیه قم زیر نظر شورایعالی انقلاب فرهنگی اداره گردد، و در صورت توافق حق لغو با شورای مدیریت قم می‌باشد. ان شاء الله موفق باشید. والسلام علیکم.

۶۸/۲/۱۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۴ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تلگراف تبریک عید سعید فطر

مخاطب: مأمون عبدالقیوم (رئیس جمهور مالدیو)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آقای مأمون عبدالقیوم، رئیس جمهور کشور مالدیو

تلگراف تبریک آن حضرت به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب
تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت مسلمان کشورتان
تبریک گفته، سعادت و عظمت عموم مسلمانان جهان را از خدای تعالی مسئلت دارم.
والسلام علیکم ورحمة الله.

۴ شوال ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۴ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه در اخذ وجوه شرعی

مخاطب: شخص موسوی، سید هاشم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب ثقة الاسلام آقای آقا سید هاشم شخص موسوی - دامت توفیقاته - از طرف اینجانب مجازند در اخذ وجوه شرعی از قبیل کفارات و زکوات و مظالم عباد و صرف آنها در مصارف مقرر؛ و در مورد سهمین مبارکین نیز مجازند در اخذ و صرف آن در مخارج خودشان به نحو اقتصاد، و نسبت به مازاد نیز مجازند ثلث از سهم امام - علیه السلام - را در ترویج شریعت مقدسه صرف نموده و نصف سهم سادات را نیز به سادات مستحق پردازند و مابقی را ارسال دارند.

«و اوصیه - ائده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى والتجنب عن الهوى والتمسك بعروة الاحتياط فى امور الدين و الدنيا؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۴ شوال المکرم ۱۴۰۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ پیام

زمان: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۹ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ تبریک عید سعید فطر

مخاطب: داوود کایر باحاورا (رئیس جمهور گامبیا)

بسم الله الرحمن الرحيم

۹ شوال ۴۰۹

حضرت آقای داوود کایر باحاورا، رئیس جمهور گامبیا

تلگراف تبریک آن حضرت به مناسبت حلول عید سعید فطر واصل و موجب تشکر گردید. متقابلاً این عید بزرگ اسلامی را به جنابعالی و ملت برادر کشورتان تبریک گفته سعادت و عظمت عموم ملل اسلامی را از خدای تعالی مسئلت دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۶۸ / ۱۲ شوال ۱۴۰۹

مکان: تهران، جماران

موضوع: لزوم تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی
مخاطب: موسوی اردبیلی، سید عبدالکریم (رئیس دیوانعالی کشور)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت‌الاسلام آقای موسوی اردبیلی - دامت افاضاته
جنابعالی آقای نیری را برای رسیدگی به پرونده‌های موضوع حکم آقای صانعی و آقای کروبی^(۱) انتخاب نمایید تا هر پرونده‌ای در کشور مربوط به آن حکم می‌گردد را رسیدگی نماید. و همان‌طور که نوشته‌اید برای اینکه حقوق مردم از بین نرود، دادگاه عالی انقلاب اسلامی را موظف کنید این پرونده‌ها را رسیدگی مجدد نمایند. آقایان حجتی‌الاسلام معرفت و نیری موظفند این پرونده را خارج از قوانین دست و پاگیر رسیدگی نمایند و تنها انطباق با موازین شرعی را مدنظر قرار دهند، تا خدای ناکرده حق کسی ضایع نگردد. بدیهی است کلیه احکام صادره که به تأیید دادگاه عالی انقلاب اسلامی رسیده باشد قطعی و لازم‌الاجراست. توفیق جنابعالی را از خداوند متعال خواستارم. توضیح این مطلب لازم است که پرونده‌های شهرستانها از طریق آقای نیری به دادگاه عالی فرستاده خواهد شد.

۶۸/۲/۲۸

روح الله الموسوی الخمينی

۱- به حکم صادره از سوی امام خمینی به تاریخ ۶۸/۲/۶ مراجعه شود.



وصيتنامة سياسى - الهى

□ توضیحی بر چگونگی سیر نگارش وصیتنامه امام خمینی:

امام خمینی نگارش وصیتنامه سیاسی الهی خویش را - که در حقیقت پیام جاوید ایشان و خلاصه همه وصایا و پیامهای زندگی پربرکتشان می باشد - در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ به پایان رسانده و نسخه ای از آن را طی پیامی به تاریخ ۲۲ تیرماه ۱۳۶۲ به صورت لاک و مهر شده نزد خبرگان اولین دوره مجلس خبرگان رهبری به امانت سپردند. امام خمینی در سالهای بعد، وصیتنامه را مورد بازبینی قرار داده و با انجام تغییراتی در آن، دو نسخه از متن اصلاحی را که بر روی پاکات آنها به خط ایشان نوشته شده است: «متن وصیتنامه سیاسی الهی اینجانب جهت نگهداری در مجلس خبرگان و آستان قدس رضوی» برای تحویل به مراکز مذکور به نمایندگان خویش سپردند. تحویل نسخ وصیتنامه در حضور جمعی از مسئولین نظام جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۶ انجام گردید که مراسم آن از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد. در این دیدار آقایان: منتظری (قائم مقام رهبری در آن زمان)، خامنه ای (رئیس جمهور وقت)، هاشمی رفسنجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی)، میرحسین موسوی (نخست وزیر)، مشکینی (رئیس مجلس خبرگان)، صافی (دبیر شورای نگهبان)، موسوی اردبیلی (رئیس دیوان عالی کشور)، موسوی خوئینی ها (دادستان کل کشور)، مهدوی کنی (دبیر جامعه روحانیت مبارز)، کروبلی (دبیر مجمع روحانیون مبارز)، سید احمد خمینی و اعضای دفتر امام حضور داشتند. پس از این دیدار، حاضران برای مهر و موم کردن دو پاکت وصیتنامه به مجلس شورای اسلامی رفتند و در اتاق ریاست مجلس، ابتدا آقای مشکینی سخنانی ایراد کرد و سپس آقای سید احمد خمینی وصیتنامه را تحویل ایشان داد. مراسم مهر و موم در حضور جمع انجام گرفت و نسخه مربوط به آستان قدس رضوی را آقایان مهدوی کنی، کروبلی، توسلی و صانعی به مشهد مقدس بردند و نسخه سابق وصیتنامه که در مجلس خبرگان نگهداری می شد، به وسیله آقای سید احمد خمینی، نزد امام ارسال گردید.

□ وصیتنامه سیاسی - الهی

زمان: تاریخ نگارش ۲۶ بهمن ۱۳۶۱ / ۱ جمادی الاول ۱۴۰۳

تاریخ بازبینی و اصلاح ۱۹ آذر ۱۳۶۶

تاریخ قرائت ۱۵ خرداد ۱۳۶۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: وصیتنامه سیاسی - الهی (پیام جاودانه امام خمینی به معاصرین و نسلهای بعد از خویش)

مخاطب: ملت ایران، مسلمانان و مردم جهان و نسلهای آینده

بسم الله الرحمن الرحيم

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنِّي تَارَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي؛ فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ.^(۱)

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سُبْحَانَكَ؛ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مَظَاهِرِ جَمَالِكَ وَ جَلَالِكَ وَ خَزَائِنِ اسْرَارِ كِتَابِكَ الَّذِي تَجَلَّى فِيهِ الْأَحَدِيَّةُ بِجَمِيعِ أَسْمَائِكَ حَتَّى الْمُسْتَأْثَرِ مِنْهَا الَّذِي لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُكَ؛ وَ اللَّعْنُ عَلَى ظَالِمِيهِمْ أَصْلِ الشَّجَرَةِ الْخَبِيثَةِ.^(۲)

و بعد، اینجانب مناسب می دانم که شمه ای کوتاه و قاصر در باب «ثقلین» تذکر دهم؛ نه از حیث مقامات غیبی و معنوی و عرفانی، که قلم مثل منی عاجز است از جسارت در مرتبه ای که عرفان آن بر تمام دایره وجود، از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت^(۳) و آنچه در فهم من و تو ناید، سنگین و تحمل آن فوق طاقت، اگر نگویم ممتنع است؛^(۴) و نه از آنچه بر بشریت گذشته است، از مهجور بودن از حقایق مقام والای «ثقل اکبر» و «ثقل کبیر»^(۵) که از هر چیز اکبر است جز ثقل اکبر که اکبر مطلق است؛ و نه از آنچه گذشته است بر این دو ثقل از دشمنان خدا و طاغوتیان بازیگر که شمارش آن برای مثل منی میسر نیست با قصور اطلاع و وقت محدود؛ بلکه مناسب دیدم اشاره ای گذرا و بسیار کوتاه از آنچه بر این دو ثقل گذشته است بنمایم.

شاید جمله *لَنْ يَفْتَرِفَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْخَوْضِ* اشاره باشد بر اینکه بعد از وجود مقدس رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هرچه بر یکی از این دو گذشته است بر دیگری گذشته است و مهجوریت هر یک مهجوریت دیگری است، تا آنگاه که این دو مهجور بر رسول خدا در «حوض» وارد شوند. و آیا این «حوض» مقام اتصال کثرت به وحدت است^(۶) و اضمحلال قطرات در دریا است، یا چیز دیگر که به عقل و عرفان بشر راهی ندارد. و باید گفت آن ستمی که از طاغوتیان بر این دو ودیعه رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - گذشته، بر امت مسلمان بلکه بر بشریت گذشته است که قلم از آن عاجز است.

و ذکر این نکته لازم است که حدیث «ثقلین» متواتر^(۷) بین جمیع مسلمین است و [در] کتب اهل سنت از «صحاح ششگانه»^(۸) تا کتب دیگر آنان، با الفاظ مختلفه و موارد مکرره از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - به طور متواتر نقل شده است.^(۹) و این حدیث شریف حجت قاطع است بر جمیع بشر بویژه مسلمانان مذاهب مختلف؛ و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند؛ و اگر عذری برای جاهلان بیخبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

اکنون ببینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - مسائل أسف انگیزی که باید برای آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خودخواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله ای کردند برای حکومت های ضد قرآنی؛ و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - دریافت کرده بودند و ندای *إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقْلَانِ* در گوششان بود با بهانه های مختلف و توطئه های از پیش تهیه شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را - که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگترین دستور

زندگانی مادی و معنوی بود و است - از صحنه خارج کردند؛ و بر حکومت عدل الهی - که یکی از آرمانهای این کتاب مقدس بوده و هست - خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه گذاری کردند، تا کار به جایی رسید که قلم از شرح آن شرمسار است.

و هرچه این بنیان کج به جلو آمد کجیها و انحرافها افزون شد تا آنجا که قرآن کریم را که برای رشد جهانیان و نقطه جمع همه مسلمانان بلکه عائله بشری، از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی (ص)^(۱۰) تنزل کرد که بشریت را به آنچه باید برسند برساند و این ولیده «علم الاسماء»^(۱۱) را از شر شیاطین و طاغوتها رها سازد و جهان را به قسط و عدل رساند و حکومت را به دست اولیاء الله، معصومین - علیهم صلوات الاولین و الآخین - بسپارد تا آنان به هر که صلاح بشریت است بسپارند - چنان از صحنه خارج نمودند که گویی نقشی برای هدایت ندارد و کار به جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومتهای جائز و آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق تعالی شد. و مع الأسف به دست دشمنان توطئه گر و دوستان جاهل، قرآن این کتاب سرنوشت ساز، نقشی جز در گورستانها و مجالس مردگان نداشت و ندارد و آنکه باید وسیله جمع مسلمانان و بشریت و کتاب زندگی آنان باشد، وسیله تفرقه و اختلاف گردید و یا بکلی از صحنه خارج شد، که دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار - صلی الله علیه و آله و سلم - و قرآن و سنت مشحون آن است، سخن می گفت گویی بزرگترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمه «آخوند سیاسی» موازن با آخوند بی دین شده بود و اکنون نیز هست.

و اخیراً قدرتهای شیطانی بزرگ به وسیله حکومتهای منحرف خارج از تعلیمات اسلامی، که خود را به دروغ به اسلام بسته اند، برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرتها قرآن را با خط زیبا طبع می کنند و به اطراف می فرستند

و با این حیلۀ شیطانی قرآن را از صحنه خارج می‌کنند. ما همه دیدیم قرآنی را که محمدرضا خان پهلوی طبع کرد و عده‌ای را اغفال کرد و بعضی آخوندهای بیخبر از مقاصد اسلامی هم مداح او بودند. و می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروتهای بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و محالّ تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی می‌کند و وهابیت، این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج می‌کند؛ و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرتها می‌دهد و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کند.

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات داده و به عنوان بزرگترین نسخهٔ نجات دهندهٔ بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد.

و ما مفتخریم که پیرو مذهبی هستیم که رسول خدا مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده، و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب، این بندهٔ رها شده از تمام قیود، مأمور رها کردن بشر از تمام اغلال و بردگیها است.

ما مفتخریم که کتاب نهج‌البلاغه^(۱۲) که بعد از قرآن بزرگترین دستور زندگی مادی و معنوی و بالاترین کتاب رهایی‌بخش بشر است و دستورات معنوی و حکومتی آن بالاترین راه نجات است، از امام معصوم ما است.

ما مفتخریم که ائمهٔ معصومین، از علی بن ابیطالب گرفته تا منجی بشر حضرت مهدی صاحب زمان - علیهم آلا ف التحیات والسلام - که به قدرت خداوند قادر، زنده و ناظر امور است ائمهٔ ما هستند.

ما مفتخریم که ادعیهٔ حیاتبخش که او را «قرآن صاعد»^(۱۳) می‌خوانند از ائمهٔ

معصومین ما است. ما به «مناجات شعبانیة»^(۱۴) امامان و «دعای عرفات»^(۱۵) حسین بن علی - علیهما السلام - و «صحیفه سجادیه» این زیور آل محمد و «صحیفه فاطمیه»^(۱۶) که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است.

ما مفتخریم که «باقرالعلوم»^(۱۷) بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول - صلی الله علیه و آله - و ائمه معصومین - علیهم السلام - مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است. و ما مفتخریم که مذهب ما «جعفری» است که فقه ما که دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین - علیهم صلوات الله - و متعهد به پیروی آنانیم.

ما مفتخریم که ائمه معصومین ما - صلوات الله و سلامه علیهم - در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت‌های جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم که می‌خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و اقشار مختلف ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می‌کنند.

ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند؛ و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت، و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهانده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و

بعضی آخوندهای بی‌اطلاع از مصالح مسلمین به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند؛ و آنان که توان جنگ ندارند، در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی‌آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می‌لرزاند، اشتغال دارند. و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب‌گونه - علیها سلام الله - فریاد می‌زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر؛ و می‌دانند آنچه به دست آورده‌اند بالاتر از جنات نعیم است، چه رسد به متاع ناچیز دنیا.

و ملت ما بلکه ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند به اینکه دشمنان آنان که دشمنان خدای بزرگ و قرآن کریم و اسلام عزیزند، درندگانی هستند که از هیچ جنایت و خیانتی برای مقاصد شوم جنایتکارانه خود دست نمی‌کشند و برای رسیدن به ریاست و مطامع پست خود دوست و دشمن را نمی‌شناسند. و در رأس آنان امریکا این تروریست بالذات دولتی است که سرتاسر جهان را به آتش کشیده و هم پیمان او صهیونیست جهانی^(۱۸) است که برای رسیدن به مطامع خود جنایاتی مرتکب می‌شود که قلمها از نوشتن و زبانها از گفتن آن شرم دارند؛ و خیال ابلهانه «اسرائیل بزرگ»!^(۱۹) آنان را به هر جنایتی می‌کشاند. و ملتهای اسلامی و مستضعفان جهان مفتخرند که دشمنان آنها حسین اردنی^(۲۰) این جنایت پیشه دوره‌گرد، و حسن^(۲۱) و حسنی مبارک^(۲۲) هم آخور با اسرائیل جنایتکارند و در راه خدمت به امریکا و اسرائیل از هیچ خیانتی به ملتهای خود رویگردان نیستند. و ما مفتخریم که دشمن ما صدام عفلقی است که دوست و دشمن او را به جنایتکاری و نقض حقوق بین‌المللی و حقوق بشر می‌شناسند و همه می‌دانند که خیانتکاری او به ملت مظلوم عراق و شیخ‌نشینان خلیج، کمتر از خیانت به ملت ایران نباشد.

و ما و ملتهای مظلوم دنیا مفتخریم که رسانه‌های گروهی و دستگاههای

تبلیغات جهانی، ما و همهٔ مظلومان جهان را به هر جنایت و خیانتی که ابرقدرتهای جنایتکار دستور می‌دهند متهم می‌کنند. کدام افتخار بالاتر و والاتر از اینکه امریکا با همهٔ ادعاهایش و همهٔ ساز و برگهای جنگی‌اش و آنهمه دولتهای سرسپرده‌اش و به دست داشتن ثروتهای بی‌پایان ملت‌های مظلوم عقب‌افتاده و در دست داشتن تمام رسانه‌های گروهی، در مقابل ملت غیور ایران و کشور حضرت بقیة‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - آنچنان وامانده و رسوا شده است که نمی‌داند به که متوسل شود! و رو به هر کس می‌کند جواب رد می‌شنود! و این نیست جز به مددهای غیبی حضرت باری تعالی - جَلَّتْ عَظَمَتُهُ - که ملتها را بویژه ملت ایران اسلامی را بیدار نموده و از ظلمات ستمشاهی به نور اسلام هدایت نموده.

من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه‌ای از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرتها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و ارادهٔ آهنین آنان رخنه نکنند؛ و بدانند که هرچه رسانه‌های گروهی عالم و قدرتهای شیطانی غرب و شرق اشتلم می‌زنند دلیل بر قدرت الهی آنان است و خداوند بزرگ سزای آنان را هم در این عالم و هم در عوالم دیگر خواهد داد. «إِنَّهُ وَلِيُّ النَّعَمِ وَ يَبْدَهُ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ».

و با کمال جد و عجز از ملت‌های مسلمان می‌خواهم که از ائمهٔ اطهار و فرهنگ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی این بزرگ راهنمایان عالم بشریت به طور شایسته و به جان و دل و جانفشانی و نثار عزیزان پیروی کنند. از آن جمله دست از فقه سنتی که بیانگر مکتب رسالت و امامت است و ضامن رشد و عظمت ملتها است، چه احکام اولیه و چه ثانویه^(۲۳) که هر دو مکتب فقه اسلامی است، ذره‌ای

منحرف نشوند و به وسواس خناسان معاند با حق و مذهب گوش فرا ندهند و بدانند قدمی انحرافی، مقدمه سقوط مذهب و احکام اسلامی و حکومت عدل الهی است. و از آن جمله از نماز جمعه و جماعت که بیانگر سیاسی نماز است هرگز غفلت نکنند، که این نماز جمعه از بزرگترین عنایات حق تعالی بر جمهوری اسلامی ایران است. و از آن جمله مراسم عزاداری ائمه اطهار و بویژه سید مظلومان و سرور شهیدان، حضرت ابی عبدالله الحسین - صلوات وافر الهی و انبیا و ملائکه الله و صلحا بر روح بزرگ حماسی او باد - هیچگاه غفلت نکنند. و بدانند آنچه دستور ائمه - علیهم السلام - برای بزرگداشت این حماسه تاریخی اسلام است و آنچه لعن و نفرین بر ستمگران آل بیت است، تمام فریاد قهرمانانه ملتها است بر سردمداران ستم پیشه در طول تاریخ الی الابد. و می دانید که لعن و نفرین و فریاد از بیداد بنی امیه - لعنة الله علیهم - با آنکه آنان منقرض و به جهنم رهسپار شده اند، فریاد بر سر ستمگران جهان و زنده نگهداشتن این فریاد ستم شکن است.

و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم سلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی - لعنة الله و ملائکته و رسله علیهم - است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود. و همه باید بدانیم که آنچه موجب وحدت بین مسلمین است این مراسم سیاسی است که حافظ ملت مسلمین، بویژه شیعیان ائمه اثنی عشر - علیهم صلوات الله و سلم - [است].

و آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی - الهی اینجانب اختصاص به ملت عظیم الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می باشد.

از خداوند - عزوجل - عاجزانه خواهانم که لحظه‌ای ما و ملت ما را به خود واگذار نکند و از عنایات غیبی خود به این فرزندان اسلام و رزمندگان عزیز لحظه [ای] دریغ نفرماید.

روح الله الموسوی الخمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب دیدگان عزیز، این شهیدان زنده است و مورد امید میلیون‌ها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است. اینجانب، روح‌الله موسوی خمینی که از کرم عظیم خداوند متعال با همه خطایا مایوس نیستم و زاد راه پرخطر همان دلبستگی به کرم کریم مطلق است، به عنوان یک نفر طلبه حقیر که همچون دیگر برادران ایمانی امید به این انقلاب و بقای دستاوردهای آن و به ثمر رسیدن هرچه بیشتر آن دارم، به عنوان وصیت به نسل حاضر و نسل‌های عزیز آینده مطالبی هر چند تکراری عرض می‌نمایم. و از خداوند بخشنده می‌خواهم که خلوص نیت در این تذکرات عنایت فرماید.

(۱) ما می‌دانیم که این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید. اگر نبود دست توانای خداوند امکان نداشت یک جمعیت ۳۶ میلیونی با آن تبلیغات ضداسلامی و ضد روحانی خصوص در این صد سال اخیر و با آن تفرقه‌افکنی‌های بی‌حساب قلمداران و زبان‌مُزدان در مطبوعات و سخنرانی‌ها و مجالس و محافل ضداسلامی و ضدملی به صورت ملیّت، و آنهمه شعرها و

بذله‌گوییها، و آنهمه مراکز عیاشی و فحشا و قمار و مسکرات و مواد مخدره که همه و همه برای کشیدن نسل جوان فعال که باید در راه پیشرفت و تعالی و ترقی میهن عزیز خود فعالیت نمایند، به فساد و بی‌تفاوتی در پیشامدهای خائنانه، که به دست شاه فاسد و پدر بی‌فرهنگش و دولتها و مجالس فرمایشی که از طرف سفارتخانه‌های قدرتمندان بر ملت تحمیل می‌شد، و از همه بدتر وضع دانشگاه‌ها و دبیرستانها و مراکز آموزشی که مقدرات کشور به دست آنان سپرده می‌شد، با به کار گرفتن معلمان و استادان غربزده یا شرقزده صددرد صد مخالف اسلام و فرهنگ اسلامی بلکه ملی صحیح، با نام «ملیت» و «ملی‌گرایی»،^(۲۴) گرچه در بین آنان مردانی متعهد و دلسوز بودند، لکن با اقلیت فاحش آنان و در تنگنا قرار دادنشان کار مثبتی نمی‌توانستند انجام دهند و با اینهمه و دهها مسائل دیگر، از آن جمله به انزوا و عزلت کشیدن روحانیان و با قدرت تبلیغات به انحراف فکری کشیدن بسیاری از آنان، ممکن نبود این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و در سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد «الله اکبر» و فداکاریهای حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام قدرتهای داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرد. بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلابها جدا است: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارتزده عنایت شده است.

(۲) اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتبهای غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و

سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. اینک که به توفیق و تأیید خداوند، جمهوری اسلامی با دست توانای ملت متعهد پایه‌ریزی شده، و آنچه در این حکومت اسلامی مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است، بر ملت عظیم‌الشان ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است، که انبیای عظام از آدم - علیه السلام - تا خاتم‌النبین - صلی‌الله علیه و آله و سلم - در راه آن کوشش و فداکاری جانفرا نموده‌اند و هیچ مانعی آنان را از این فریضه بزرگ باز نداشته؛ و همچنین پس از آنان اصحاب متعهد و ائمه اسلام - علیهم صلوات الله - با کوششهای توانفرسا تا حد نثار خون خود در حفظ آن کوشیده‌اند. و امروز بر ملت ایران، خصوصاً، و بر جمیع مسلمانان، عموماً، واجب است این امانت الهی را که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند. و امید است که پرتو نور آن بر تمام کشورهای اسلامی تابیدن گرفته و تمام دولتها و ملتها با یکدیگر تفاهم در این امر حیاتی نمایند، و دست ابرقدرتهای عالمخوار و جنایتکاران تاریخ را تا ابد از سر مظلومان و ستمدیدگان جهان کوتاه نمایند.

اینجانب که نفسهای آخر عمر را می‌کشم به حسب وظیفه، شطری از آنچه در حفظ و بقای این ودیعه الهی دخالت دارد و شطری از موانع و خطرهایی که آن را تهدید می‌کنند، برای نسل حاضر و نسلهای آینده عرض می‌کنم و توفیق و تأیید همگان را از درگاه پروردگار عالمیان خواهانم.

الف- بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.

اینجانب به همه نسلهای حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید؛ و در مقابل این انگیزه که رمز پیروزی و بقای آن است، فراموشی هدف و تفرقه و اختلاف است. بی‌جهت نیست که بوقهای تبلیغاتی در سراسر جهان و ولیده‌های بومی آنان تمام توان خود را صرف شایعه‌ها و دروغهای تفرقه‌افکن نموده‌اند و میلیاردها دلار برای آن صرف می‌کنند. بی‌انگیزه نیست سفرهای دائمی مخالفان جمهوری اسلامی به منطقه. و مع‌الأسف در بین آنان از سردمداران و حکومت‌های بعضی کشورهای اسلامی، که جز به منافع شخص خود فکر نمی‌کنند و چشم و گوش بسته تسلیم امریکا هستند دیده می‌شود؛ و بعضی از روحانی‌نماها نیز به آنان ملحقند.

امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه برانداز است. توصیه اینجانب به مسلمین و خصوص ایرانیان بویژه در عصر حاضر، آن است که در مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند.

ب- از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و بویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد

مختلف برای مأیوس نمودن ملتها و خصوص ملت فداکار ایران از اسلام است. گاهی ناشیانه و با صراحت به اینکه احکام اسلام که ۱۴۰۰ سال قبل وضع شده است نمی‌تواند در عصر حاضر کشورها را اداره کند، یا آنکه اسلام یک دین ارتجاعی است و با هر نوآوری و مظاهر تمدن مخالف است، و در عصر حاضر نمی‌شود کشورها از تمدن جهانی و مظاهر آن کناره گیرند، و امثال این تبلیغات ابلهانه و گاهی موزیانه و شیطنت‌آمیز به گونه‌ی طرفداری از قداست اسلام که اسلام و دیگر ادیان الهی سر و کار دارند با معنویات و تهذیب نفوس و تحذیر از مقامات دنیایی و دعوت به ترک دنیا و اشتغال به عبادات و اذکار و ادعیه که انسان را به خدای تعالی نزدیک و از دنیا دور می‌کند، و حکومت و سیاست و سرشته‌داری برخلاف آن مقصد و مقصود بزرگ و معنوی است، چه اینها تمام برای تعمیر دنیا است و آن مخالف مسلک انبیای عظام است! و مع الأسف تبلیغ به وجه دوم در بعض از روحانیان و متدینان بیخبر از اسلام تأثیر گذاشته که حتی دخالت در حکومت و سیاست را به مثابه‌ی یک گناه و فسق می‌دانستند و شاید بعضی بدانند! و این فاجعه‌ی بزرگی است که اسلام مبتلای به آن بود.

گروه اول که باید گفت از حکومت و قانون و سیاست یا اطلاع ندارند یا غرضمندانه خود را به بی‌اطلاعی می‌زنند. زیرا اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه و بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کجرویها، و آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی و جلوگیری از استعمار و استثمار و استعباد، و حدود و قصاص و تعزیرات^(۲۵) بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه، و سیاست و راه بردن جامعه به موازین عقل و عدل و انصاف و صدها از این قبیل، چیزهایی نیست که با مرور زمان در طول تاریخ بشر و زندگی اجتماعی کهنه شود. این دعوی به مثابه‌ی آن است که گفته شود قواعد عقلی و ریاضی در قرن حاضر باید عوض شود و به جای آن قواعد دیگر نشانده شود. اگر در صدر

خلقت، عدالت اجتماعی باید جاری شود و از ستمگری و چپاول و قتل باید جلوگیری شود، امروز چون قرن اتم است آن روش کهنه شده! و ادعای آنکه اسلام با نوآورها مخالف است - همان سان که محمدرضا پهلوی مخلوع می‌گفت که اینان می‌خواهند با چهارپایان در این عصر سفر کنند - یک اتهام ابلهانه بیش نیست. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن و نوآورها، اختراعات و ابتکارات و صنعت‌های پیشرفته که در پیشرفت و تمدن بشر دخالت دارد، هیچ‌گاه اسلام و هیچ مذهب توحیدی با آن مخالفت نکرده و نخواهد کرد بلکه علم و صنعت مورد تأکید اسلام و قرآن مجید است. و اگر مراد از تجدد و تمدن به آن معنی است که بعضی روشنفکران حرفه‌ای می‌گویند که آزادی در تمام منکرات و فحشا حتی همجنس‌بازی و از این قبیل، تمام ادیان آسمانی و دانشمندان و عقلا با آن مخالفند گرچه غرب و شرق‌زدگان به تقلید کورکورانه آن را ترویج می‌کنند.

و اما طایفه دوم که نقشه مودیان دارند و اسلام را از حکومت و سیاست جدا می‌دانند. باید به این نادانان گفت که قرآن کریم و سنت رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه و آله - آنقدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آنها این مصیبت‌ها را به بار آورده. پیغمبر اسلام (ص) تشکیل حکومت داد مثل سایر حکومت‌های جهان لکن با انگیزه بسط عدالت اجتماعی. و خلفای اول اسلامی حکومت‌های وسیع داشته‌اند و حکومت علی بن ابیطالب - علیه‌السلام - نیز با همان انگیزه، به طور وسیع‌تر و گسترده‌تر از واضحات تاریخ است. و پس از آن بتدریج حکومت به اسم اسلام بوده؛ و اکنون نیز مدعیان حکومت اسلامی به پیروی از اسلام و رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه و آله - بسیارند.

اینجانب در این وصیتنامه با اشاره می‌گذرم، ولی امید آن دارم که نویسندگان و جامعه‌شناسان و تاریخ‌نویسان، مسلمانان را از این اشتباه بیرون آورند. و آنچه

گفته شده و می‌شود که انبیا - علیهم‌السلام - به معنویات کار دارند و حکومت و سر رشته‌داری دنیایی مطرود است و انبیا و اولیا و بزرگان از آن احتراز می‌کردند و ما نیز باید چنین کنیم، اشتباه تأسف‌آوری است که نتایج آن به تباهی کشیدن ملت‌های اسلامی و باز کردن راه برای استعمارگران خونخوار است، زیرا آنچه مردود است حکومت‌های شیطانی و دیکتاتوری و ستمگری است که برای سلطه‌جویی و انگیزه‌های منحرف و دنیایی که از آن تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری ثروت و مال و قدرت‌طلبی و طاغوت‌گرایی است و بالاخره دنیایی است که انسان را از حق تعالی غافل کند. و اما حکومت حق برای نفع مستضعفان و جلوگیری از ظلم و جور و اقامه عدالت اجتماعی، همان است که مثل سلیمان بن داوود و پیامبر عظیم‌الشان اسلام - صلی‌الله علیه و آله - و اوصیای بزرگوارش برای آن کوشش می‌کردند؛ از بزرگترین واجبات و اقامه آن از والاترین عبادات است، چنانچه سیاست سالم که در این حکومتها بوده از امور لازمه است. باید ملت بیدار و هوشیار ایران با دید اسلامی این توطئه‌ها را خنثی نمایند. و گویندگان و نویسندگان متعهد به کمک ملت برخیزند و دست شیاطین توطئه‌گر را قطع نمایند.

ج- و از همین قماش توطئه‌ها و شاید موزیانه‌تر، شایعه‌های وسیع در سطح کشور، و در شهرستانها بیشتر، بر اینکه جمهوری اسلامی هم کاری برای مردم انجام نداد. بیچاره مردم با آن شوق و شغف فداکاری کردند که از رژیم ظالمانه طاغوت‌رهایی یابند، گرفتار یک رژیم بدتر شدند! مستکبران مستکبرتر و مستضعفان مستضعف‌تر شدند! زندانها پر از جوانان که امید آتیه کشور است می‌باشد و شکنجه‌ها از رژیم سابق بدتر و غیرانسانیت‌ر است! هر روز عده‌ای را اعدام می‌کنند به اسم اسلام! و ای کاش اسم اسلام روی این جمهوری نمی‌گذاشتند! این زمان از زمان رضاخان و پسرش بدتر است! مردم در رنج و

زحمت و گرانی سرسام آور غوطه می‌خورند و سردمداران دارند این رژیم را به رژیمی کمونیستی هدایت می‌کنند! اموال مردم مصادره می‌شود و آزادی در هر چیز از ملت سلب شده! و بسیاری دیگر از این قبیل امور که با نقشه اجرا می‌شود. و دلیل آنکه نقشه و توطئه در کار است آنکه هرچند روز یک امر در هر گوشه و کنار و در هر کوی و برزن سرزبانها می‌افتد؛ در تاکسیها همین مطلب واحد و در اتوبوسها نیز همین و در اجتماعات چند نفره باز همین صحبت می‌شود؛ و یکی که قدری کهنه شد یکی دیگر معروف می‌شود. و مع الأسف بعض روحانیون که از حيله‌های شیطانی بیخبرند با تماس یکی - دو نفر از عوامل توطئه گمان می‌کنند مطلب همان است. و اساس مسأله آن است که بسیاری از آنان که این مسائل را می‌شنوند و باور می‌کنند اطلاع از وضع دنیا و انقلابهای جهان و حوادث بعد از انقلاب و گرفتاریهای عظیم اجتناب‌ناپذیر آن ندارند - چنانچه اطلاع صحیح از تحولاتی که همه به سود اسلام است ندارند - و چشم بسته و بیخبر امثال این مطالب را شنیده و خود نیز با غفلت یا عمد به آنان پیوسته‌اند.

اینجانب توصیه می‌کنم که قبل از مطالعه وضعیت کنونی جهان و مقایسه بین انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلابات و قبل از آشنایی با وضعیت کشورها و ملتهایی که در حال انقلاب و پس از انقلابشان بر آنان چه می‌گذشته است، و قبل از توجه به گرفتاریهای این کشور طاغوتزده از ناحیه رضاخان و بدتر از آن محمدرضا که در طول چپاولگریهایشان برای این دولت به ارث گذاشته‌اند، از وابستگیهای عظیم خانمانسوز، تا اوضاع وزارتخانه‌ها و ادارات و اقتصاد و ارتش و مراکز عیاشی و مغازه‌های مسکرات فروشی و ایجاد بی‌بندوباری در تمام شئون زندگی و اوضاع تعلیم و تربیت و اوضاع دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع سینماها و عشرتکده‌ها و وضعیّت جوانها و زنها و وضعیت روحانیون و متدینین و آزادیخواهان متعهد و بانوان عفیف ستمدیده و مساجد در زمان طاغوت و رسیدگی به پرونده اعدام شدگان و محکومان به حبس و رسیدگی به زندانها و

کیفیت عملکرد متصدیان و رسیدگی به مال سرمایه‌داران و زمینخواران بزرگ و محتکران و گرانفروشان و رسیدگی به دادگستریها و دادگاههای انقلاب و مقایسه با وضع سابق دادگستری و قضات و رسیدگی به حال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای دولت و استاندارها و سایر مأمورین که در این زمان آمده‌اند و مقایسه با زمان سابق و رسیدگی به عملکرد دولت و جهاد سازندگی در روستاهای محروم از همه مواهب حتی آب آشامیدنی و درمانگاه و مقایسه با طول رژیم سابق با در نظر گرفتن گرفتاری به جنگ تحمیلی و پیامدهای آن از قبیل آوارگان ملیونی و خانواده‌های شهدا و آسیب‌دیدگان در جنگ و آوارگان ملیونی افغانستان و عراق و با نظر به حصر اقتصادی و توطئه‌های پی در پی امریکا و وابستگان خارج و داخلش (اضافه کنید فقدان مبلغ آشنا به مسائل به مقدار احتیاج و قاضی شرع) و هرج و مرج‌هایی که از طرف مخالفان اسلام و منحرفان و حتی دوستان نادان در دست اجرا است و دهها مسائل دیگر، تقاضا این است که قبل از آشنایی به مسائل، به اشکال تراشی و انتقاد کوبنده و فحاشی برنخیزید؛ و به حال این اسلام غریب که پس از صدها سال ستمگری قلدرها و جهل توده‌ها امروز طفلی تازه‌پا و ولیده‌ای است محفوف به دشمنهای خارج و داخل، رحم کنید. و شما اشکال تراشان به فکر بنشینید که آیا بهتر نیست به جای سرکوبی به اصلاح و کمک بکوشید؛ و به جای طرفداری از منافقان و ستمگران و سرمایه‌داران و محتکران بی‌انصاف از خدا بیخبر، طرفدار مظلومان و ستمدیدگان و محرومان باشید؛ و به جای گروههای آشوبگر و تروریستهای مفسد و طرفداری غیرمستقیم از آنان، توجهی به ترور شدگان از روحانیون مظلوم تا خدمتگزاران متعهد مظلوم داشته باشید؟

اینجانب هیچ گاه نگفته و نمی‌گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می‌شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی‌انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی‌کنند؛ لکن عرض می‌کنم که قوه

مقننه و قضاییه و اجراییه با زحمات جانفرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می‌کنند و ملت دهها میلیونی نیز طرفدار و مددکار آنان هستند؛ و اگر این اقلیت اشکال تراش و کارشکن به کمک بشتابند، تحقق این آمال آسانتر و سریعتر خواهد بود. و اگر خدای نخواستہ اینان به خود نیایند، چون توده میلیونی بیدار شده و متوجه مسائل است و در صحنه حاضر است، آمال انسانی - اسلامی به خواست خداوند متعال جامه عمل به طور چشمگیر خواهد پوشید و کجروان و اشکال تراشان در مقابل این سیل خروشان نخواهند توانست مقاومت کنند.

من با جرأت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر بهتر از ملت حجاز در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - و کوفه و عراق در عهد امیرالمؤمنین و حسین بن علی - صلوات الله و سلامه علیهما - می‌باشند. آن حجاز که در عهد رسول الله - صلی الله علیه و آله - مسلمانان نیز اطاعت از ایشان نمی‌کردند و با بهانه‌هایی به جبهه نمی‌رفتند، که خداوند تعالی در سوره «توبه» با آیاتی آنها را توبیخ فرموده و وعده عذاب داده است.^(۲۶) و آنقدر به ایشان دروغ بستند که به حسب نقل، در منبر به آنان نفرین فرمودند.^(۲۷) و آن اهل عراق و کوفه که با امیرالمؤمنین آنقدر بدرفتاری کردند و از اطاعتش سر باز زدند که شکایات آن حضرت از آنان در کتب نقل و تاریخ معروف است. و آن مسلمانان عراق و کوفه که با سیدالشهدا - علیه السلام - آن شد که شد. و آنان که در شهادت دست آلوده نکردند، یا گریختند از معرکه و یا نشستند تا آن جنایت تاریخ واقع شد. اما امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها، با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند. و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمکهای ارزنده می‌کنند. و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب دیدگان جنگ و متعلقان آنان با چهره‌های حماسه آفرین و گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان بخش با ما و شما

روبه‌رو می‌شوند. و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - هستند، و نه در محضر امام معصوم - صلوات‌الله‌علیه. و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. و این رمز موفقیت و پیروزی در ابعاد مختلف است. و اسلام باید افتخار کند که چنین فرزندانی تربیت نموده، و ما همه مفتخریم که در چنین عصری و در پیشگاه چنین ملتی می‌باشیم.

و اینجانب در اینجا یک وصیت به اشخاصی که به انگیزه مختلف با جمهوری اسلامی مخالفت می‌کنند و به جوانان، چه دختران و چه پسرانی که مورد بهره‌برداری منافقان و منحرفان فرصت طلب و سودجو واقع شده‌اند می‌نمایم، که بیطرفانه و با فکر آزاد به قضاوت بنشینید و تبلیغات آنان که می‌خواهند جمهوری اسلامی ساقط شود و کیفیت عمل آنان و رفتارشان با توده‌های محروم و گروه‌ها و دولتهایی که از آنان پشتیبانی کرده و می‌کنند و گروه‌ها و اشخاصی که در داخل به آنان پیوسته و از آنان پشتیبانی می‌کنند و اخلاق و رفتارشان در بین خود و هوادارانشان و تغییر موضعهایشان در پیشامدهای مختلف را، با دقت و بدون هوای نفس بررسی کنید، و مطالعه کنید حالات آنان که در این جمهوری اسلامی به دست منافقان و منحرفان شهید شدند، و ارزیابی کنید بین آنان و دشمنانشان؛ نوارهای این شهیدان تا حدی در دست و نوارهای مخالفان شاید در دست شماها باشد، ببینید کدام دسته طرفدار محرومان و مظلومان جامعه هستند.

برادران! شما این اوراق را قبل از مرگ من نمی‌خوانید. ممکن است پس از من بخوانید در آن وقت من نزد شما نیستم که بخواهم به نفع خود و جلب نظرتان برای کسب مقام و قدرتی با قلبهای جوان شما بازی کنم. من برای آنکه شما جوانان شایسته‌ای هستید علاقه دارم که جوانی خود را در راه خداوند و

اسلام عزیز و جمهوری اسلامی صرف کنید تا سعادت هر دو جهان را دریابید. و از خداوند غفور می‌خواهم که شما را به راه مستقیم انسانیت هدایت کند و از گذشته ما و شما با رحمت و واسعۀ خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها از خداوند همین را بخواهید، که او هادی و رحمان است.

و یک وصیت به ملت شریف ایران و سایر ملتهای مبتلا به حکومتهای فاسد و دربند قدرتهای بزرگ می‌کنم؛ اما به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمتی عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ**.^(۲۸) و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید، و دولت و مجلس را از خود بدانید، و چون محبوبی گرامی از آن نگهداری کنید.

و به مجلس و دولت و دست‌اندرکاران توصیه می‌نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمتگزاری به آنان خصوصاً مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی رهاورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید و خود را از مردم و آنان را از خود بدانید و حکومتهای طاغوتی را که چپاولگرانی بی‌فرهنگ و زورگویانی تهی مغز بودند و هستند را همیشه محکوم نمایید، البته با اعمال انسانی که شایسته برای یک حکومت اسلامی است.

و اما به ملتهای اسلامی توصیه می‌کنم که از حکومت جمهوری اسلامی و از ملت مجاهد ایران الگو بگیرید و حکومتهای جائر خود را در صورتی که به خواست ملتها که خواست ملت ایران است سر فرود نیاوردند، با تمام قدرت به

جای خود بنشانید، که مایهٔ بدبختی مسلمانان، حکومت‌های وابسته به شرق و غرب می‌باشند. و اکیداً توصیه می‌کنم که به بوقهای تبلیغاتی مخالفان اسلام و جمهوری اسلامی گوش فرا ندهید که همه کوشش دارند که اسلام را از صحنه بیرون کنند که منافع ابرقدرتها تأمین شود.

د- از نقشه‌های شیطانیِ قدرتهای بزرگ استعمار و استثمارگر که سالهای طولانی در دست اجرا است و در کشور ایران از زمان رضاخان اوج گرفت و در زمان محمدرضا با روشهای مختلف دنباله‌گیری شد، به انزواکشانیدن روحانیت است؛ که در زمان رضاخان با فشار و سرکوبی و خلع لباس و حبس و تبعید و هتک حرمت و اعدام و امثال آن، و در زمان محمدرضا با نقشه و روشهای دیگر که یکی از آنها ایجاد عداوت بین دانشگاهیان و روحانیان بود، که تبلیغات وسیعی در این زمینه شد؛ و مع‌الأسف به واسطهٔ بیخبری هر دو قشر از توطئهٔ شیطانی ابرقدرتها نتیجهٔ چشمگیری گرفته شد. از یک طرف، از دبستانها تا دانشگاهها کوشش شد که معلمان و دبیران و اساتید و رؤسای دانشگاهها از بین غربزدگان یا شرقزدگان و منحرفان از اسلام و سایر ادیان انتخاب و به کار گماشته شوند و متعهدان مؤمن در اقلیت قرار گیرند که قشر مؤثر را که در آتیه حکومت را به دست می‌گیرند، از کودکی تا نوجوانی و تا جوانی طوری تربیت کنند که از ادیان مطلقاً، و اسلام بخصوص، و از وابستگان به ادیان خصوصاً روحانیون و مبلغان، متنفر باشند. و اینان را اعمال انگلیس در آن زمان، و طرفدار سرمایه‌داران و زمینخواران و طرفدار ارتجاع و مخالف تمدن و تعالی در بعد از آن معرفی می‌نمودند. و از طرف دیگر، با تبلیغات سوء، روحانیون و مبلغان و متدینان را از دانشگاه و دانشگاهیان ترسانیده و همه را به بی‌دینی و بی‌بند و باری و مخالف با مظاهر اسلام و ادیان متهم می‌نمودند. نتیجه آنکه دولتمردان مخالف ادیان و اسلام و روحانیون و متدینان باشند؛ و توده‌های مردم که علاقه به دین و روحانی

دارند مخالف دولت و حکومت و هر چه متعلق به آن است باشند، و اختلاف عمیق بین دولت و ملت و دانشگاهی و روحانی راه را برای چپاولگران آنچنان باز کند که تمام شئون کشور در تحت قدرت آنان و تمام ذخایر ملت در جیب آنان سرازیر شود، چنانچه دیدید به سر این ملت مظلوم چه آمد، و می‌رفت که چه آید.

اکنون که به خواست خداوند متعال و مجاهدت ملت - از روحانی و دانشگاهی تا بازاری و کارگر و کشاورز و سایر قشرها - بند اسارت را پاره و سد قدرت ابرقدرتها را شکستند و کشور را از دست آنان و وابستگانشان نجات دادند، توصیه اینجانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند و دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکمتر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و به مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود در صدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به آسانی می‌توان گرفت. و مخصوصاً اگر در اساتید کسی پیدا شد که می‌خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و کلاس خود طرد کنند. و این توصیه بیشتر متوجه روحانیون و محصلین علوم دینی است. و توطئه‌ها در دانشگاهها از عمق ویژه‌ای برخوردار است و هر قشر محترم که مغز متفکر جامعه هستند باید مواظب توطئه‌ها باشند.

هـ- از جمله نقشه‌ها که مع‌الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمار زده از خویش، و غربزده و شرقزده نمودن آنان است به طوریکه خود را و فرهنگ و قدرت خود را به هیچ گرفتند و غرب و شرق، دو قطب قدرتمند را

نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آن دو قدرت را قبله گاه عالم دانستند و وابستگی به یکی از دو قطب را از فرائض غیرقابل اجتناب معرفی نمودند! و قصه این امر غم انگیز، طولانی و ضربه‌هایی که از آن خورده و اکنون نیز می‌خوریم کشنده و کوبنده است.

و غم انگیزتر اینکه آنان ملتهای ستم‌دیده زیر سلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهای مصرفی بار آوردند و به‌قدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی‌شان ترسانده‌اند که جرأت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را به دست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم. و این پوچی و تهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم بلکه از فرهنگ و ادب و صنعت و ابتکار اگر داشتیم، نویسندگان و گویندگان غرب و شرق‌زده بی‌فرهنگ، آنها را به باد انتقاد و مسخره گرفته و فکر و قدرت بومی ما را سرکوب و مایوس نموده و می‌نمایند و رسوم و آداب اجنبی را هر چند مبتذل و مفتضح باشد با عمل و گفتار و نوشتار ترویج کرده و با مداحی و ثناجویی آنها را به خورد ملت‌ها داده و می‌دهند. فی‌المثل، اگر در کتاب یا نوشته یا گفتاری چند واژه فرنگی باشد، بدون توجه به محتوای آن با اعجاب پذیرفته، و گوینده و نویسنده آن را دانشمند و روشنفکر به حساب می‌آورند. و از گهواره تا قبر به هرچه بنگریم اگر با واژه غربی و شرقی اسم‌گذاری شود مرغوب و مورد توجه و از مظاهر تمدن و پیشرفتگی محسوب، و اگر واژه‌های بومی خودی به کار رود مطرود و کهنه و واپس‌زده خواهد بود. کودکان ما اگر نام غربی داشته باشند مفتخر؛ و اگر نام خودی دارند سر به زیر و عقب افتاده‌اند. خیابانها، کوچه‌ها، مغازه‌ها، شرکتها، داروخانه‌ها، کتابخانه‌ها، پارچه‌ها، و دیگر متاعها، هرچند در داخل تهیه شده باید نام خارجی داشته باشد تا مردم از آن راضی و به آن اقبال کنند. فرنگی مآبی

از سر تا پا و در تمام نشست و برخاستها و در معاشرت‌ها و تمام شئون زندگی موجب افتخار و سربلندی و تمدن و پیشرفت، و در مقابل، آداب و رسوم خودی، کهنه‌پرستی و عقب‌افتادگی است. در هر مرض و کسالتی ولو جزئی و قابل علاج در داخل، باید به خارج رفت و دکترها و اطباء دانشمند خود را محکوم و مأیوس کرد. رفتن به انگلستان و فرانسه و امریکا و مسکو افتخاری پر ارزش و رفتن به حج و سایر اماکن متبرکه کهنه‌پرستی و عقب‌ماندگی است. بی‌اعتنایی به آنچه مربوط به مذهب و معنویات است از نشانه‌های روشنفکری و تمدن، و در مقابل، تعهد به این امور نشانه عقب‌ماندگی و کهنه‌پرستی است.

اینجانب نمی‌گویم ما خود همه چیز داریم؛ معلوم است ما را در طول تاریخ نه چندان دور خصوصاً، و در سده‌های اخیر از هر پیشرفتی محروم کرده‌اند و دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً، و مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک‌دیدنها و یا ناچیزدیدنها، ما را از هر فعالیت برای پیشرفت محروم کرد. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازیهای کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستانهای غم‌انگیز دارد، و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و عشرتکده‌ها، و دهها از این مصائب حساب شده، برای عقب نگه‌داشتن کشورهاست. من وصیت دلسوزانه و خادمانه می‌کنم به ملت عزیز که اکنون که تا حدود بسیار چشمگیری از بسیاری از این دامها نجات یافته و نسل محروم حاضر به فعالیت و ابتکار برخاسته و دیدیم که بسیاری از کارخانه‌ها و وسایل پیشرفته مثل هواپیماها و دیگر چیزها که گمان نمی‌رفت متخصصین ایران قادر به راه انداختن کارخانه‌ها و امثال آن باشند و همه دستها را به سوی غرب یا شرق دراز کرده بودیم که متخصصین آنان اینها را به راه اندازند، در اثر محاصره اقتصادی و

جنگ تحمیلی، خود جوانان عزیز ما قطعات محل احتیاج را ساخته و با قیمتهای ارزانتر عرضه کرده و رفع احتیاج نمودند و ثابت کردند که اگر بخواهیم می‌توانیم.

باید هوشیار و بیدار و مراقب باشید که سیاست‌بازان پیوسته به غرب و شرق با وسوسه‌های شیطانی شما را به سوی این چپاولگران بین‌المللی نکشند؛ و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگیها قیام کنید.

و بدانید که نژاد آریا و عرب از نژاد اروپا و امریکا و شوروی کم ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس را از خود دور کند و چشمداشت به غیر خود نداشته باشد، در درازمدت قدرت همه کار و ساختن همه چیز را دارد. و آنچه انسانهای شبیه به اینان به آن رسیده‌اند شما هم خواهید رسید به شرط اتکال به خداوند تعالی و اتکا به نفس، و قطع وابستگی به دیگران و تحمل سختیها برای رسیدن به زندگی شرافتمندانه و خارج شدن از تحت سلطه اجانب.

و بر دولتها و دست اندرکاران است چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمکهای مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف‌ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند بسازند تا خود همه چیز بسازند.

و از جوانان، دختران و پسران، می‌خواهم که استقلال و آزادی و ارزشهای انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرتها و بی بند و باریها و حضور در مراکز فحشا که از طرف غرب و عمال بی‌وطن به شما عرضه می‌شود نکنند؛ که آنان چنانچه تجربه نشان داده جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخائر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگر فکر نمی‌کنند؛ و می‌خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده، و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند.

و- از توطئه‌های بزرگ آنان، چنانچه اشاره شد و کراراً تذکر داده‌ام، به دست گرفتن مراکز تعلیم و تربیت خصوصاً دانشگاهها است که مقدرات کشورها در دست محصولات آنها است. روش آنان با روحانیون و مدارس علوم اسلامی فرق دارد با روشی که در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشه آنان برداشتن روحانیون از سر راه و منزوی کردن آنان است؛ یا با سرکوبی و خشونت و هتاک‌ی که در زمان رضاخان عمل شد ولی نتیجه معکوس گرفته شد؛ یا با تبلیغات و تهمتها و نقشه‌های شیطانی برای جدا کردن قشر تحصیلکرده و به اصطلاح روشنفکر که این هم در زمان رضاخان عمل می‌شد و در ردیف فشار و سرکوبی بود؛ و در زمان محمدرضا ادامه یافت بدون خشونت ولی مودیان.

و اما در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزشهای خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارتزدگی و غریزدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب نگه داشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سر و صدا، هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد.

پس اکنون که دانشگاهها و دانشسراها در دست اصلاح و پاکسازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاهها به انحراف کشیده شود؛ و هر جا انحرافی به چشم خورد با اقدام سریع به رفع آن کوشیم. و این امر حیاتی باید در مرحله اول با دست پرتوان خود جوانان دانشگاهها و دانشسراها انجام گیرد که نجات دانشگاه از انحراف، نجات کشور و ملت است.

و اینجانب به همه نوجوانان و جوانان در مرحله اول، و پدران و مادران و دوستان آنها در مرحله دوم، و به دولتمردان و روشنفکران دلسوز برای کشور در مرحله بعد وصیت می‌کنم که در این امر مهم که کشورتان را از آسیب نگه می‌دارد، با جان و دل کوشش کنید و دانشگاهها را به نسل بعد بسپارید. و به همه نسلهای مسلسل توصیه می‌کنم که برای نجات خود و کشور عزیز و اسلام آدم ساز، دانشگاهها را از انحراف و غرب و شرقزدگی حفظ و پاسداری کنید و با این عمل انسانی - اسلامی خود دست قدرتهای بزرگ را از کشور قطع و آنان را ناامید نمایید. خدایتان پشتیبان و نگهدار باد.

ز- از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد؛ و چه مصیبتها و خسارتهای جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال یک اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً امریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدا بیخبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ‌گاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد - قبل از رضاخان با تصدی غریزدگان و مشتی‌خان و زمینخواران؛ و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به‌گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشأن سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخالت دولت و خانهای ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت اینجانب به

ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق - و بدون گرایش به مکتبهای انحرافی و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاستهای اسلامی، به مجلس بفرستند.

و به جامعه محترم روحانیت خصوصاً مراجع معظم، وصیت می‌کنم که خود را از مسائل جامعه خصوصاً مثل انتخاب رئیس جمهور و وکلای مجلس، کنار نکشند و بی تفاوت نباشند. همه دیدید و نسل آتیه خواهد شنید که دست سیاست‌بازان پیرو شرق و غرب، روحانیون را که اساس مشروطیت را با زحمات و رنجها بنیان گذاشتند از صحنه خارج کردند و روحانیون نیز بازی سیاست‌بازان را خورده و دخالت در امور کشور و مسلمین را خارج از مقام خود انگاشتند و صحنه را به دست غریزدگان سپردند؛ و به سر مشروطیت و قانون اساسی و کشور و اسلام آن آوردند که جبران‌ش احتیاج به زمان طولانی دارد.

اکنون که بحمدالله تعالی موانع رفع گردیده و فضای آزاد برای دخالت همه طبقات پیش آمده است، هیچ عذری باقی نمانده و از گناهان بزرگ نابخشودنی، مسامحه در امر مسلمین است. هرکس به مقدار توانش و حیطه نفوذش لازم است در خدمت اسلام و میهن باشد؛ و با جدیت از نفوذ وابستگان به دو قطب استعمارگر و غرب یا شرقزدگان و منحرفان از مکتب بزرگ اسلام جلوگیری نمایند، و بدانند که مخالفین اسلام و کشورهای اسلامی که همان ابرقدرتان چپاولگر بین‌المللی هستند، با تدریج و ظرافت در کشور ما و کشورهای اسلامی دیگر رخنه، و با دست افراد خود ملتها، کشورها را به دام استثمار می‌کشاند. باید با هوشیاری مراقب باشید و با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید و به آنان مهلت ندهید. خدایتان یار و نگهدار باشد.

و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می‌خواهم که اگر خدای نخواستہ عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی وکالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به مجلس راه یابد.

و به اقلیتهای مذهبی رسمی وصیت می‌کنم که از دوره‌های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص متعهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیروابسته به قدرتهای جهانخوار و بدون گرایش به مکتبهای الحادی و انحرافی و التقاطی انتخاب نمایند.

و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار، و همه کوشا باشند که قوانین خدای نخواستہ از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آیید.

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آینده، که با کمال دقت و قدرت وظایف اسلامی و ملی خود را ایفا و تحت تأثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه جلوگیری نمایند و با ملاحظه ضرورات کشور که گاهی با احکام ثانویه و گاهی به ولایت فقیه باید اجرا شود توجه نمایند.

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، توجه کنند که اگر مسامحه نمایند و خبرگان را روی موازین شرعیه و قانون انتخاب نکنند، چه بسا که خساراتی به اسلام و کشور وارد شود که جبران پذیر نباشد. و در این صورت همه در پیشگاه خداوند متعال

مسئول می‌باشند.

از این قرار، عدم دخالت ملت از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری و کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسلهای آتی؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است. پس علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد، و الا کار از دست همه خارج خواهد شد. و این حقیقتی است که بعد از مشروطه لمس نموده‌اید و نموده‌ایم. چه هیچ علاجی بالاتر و بالاتر از آن نیست که ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیلکرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیروابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتهار به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده، و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه‌ای باشند؛ که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه‌داران و زمینخواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی‌توانند بفهمند.

و باید بدانیم که اگر رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، شایسته و متعهد به اسلام و دلسوز برای کشور و ملت باشند، بسیاری از مشکلات پیش نمی‌آید؛ و مشکلاتی اگر باشد رفع می‌شود. و همین معنی در انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر با ویژگی خاص باید در نظر گرفته شود؛ که اگر خبرگان که با انتخاب ملت تعیین می‌شوند از روی کمال دقت و با مشورت با مراجع عظام هر عصر و علمای بزرگ سرتاسر کشور و متدینین و دانشمندان متعهد، به مجلس خبرگان بروند، بسیاری از مهمات و مشکلات به واسطه تعیین شایسته‌ترین و

متعهدترین شخصیتها برای رهبری یا شورای رهبری پیش نخواهد آمد، یا با شایستگی رفع خواهد شد. و با نظر به اصل یکصد و نهم و یکصد و دهم قانون اساسی، وظیفه سنگین ملت در تعیین خبرگان و نمایندگان در تعیین رهبر یا شورای رهبری روشن خواهد شد، که اندک مسامحه در انتخاب، چه آسیبی به اسلام و کشور و جمهوری اسلامی وارد خواهد کرد که احتمال آن، که در سطح بالای از اهمیت است برای آنان تکلیف الهی ایجاد می‌کند.

و وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرتها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و در حقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند؛ و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام والایی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای نخواست با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد.

از خداوند منان هادی با تضرع و ابتهال می‌خواهم که ما و شما را از این امتحان خطرناک با روی سفید در حضرت خود بپذیرد و نجات دهد و این خطر قدری خفیفتر برای رؤسای جمهور حال و آینده و دولتها و دست‌اندرکاران، به حسب درجات در مسئولیتها نیز هست که باید خدای متعال را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارک او بدانند. خداوند متعال راهگشای آنان باشد.

ح - از مهمات امور مسئله قضاوت است که سر و کار آن با جان و مال و ناموس مردم است. وصیت اینجانب به رهبر و شورای رهبری آن است که در تعیین عالترین مقام قضایی که در عهده دارند، کوشش کنند که اشخاص متعهد سابقه‌دار و صاحب‌نظر در امور شرعی و اسلامی و در سیاست را نصب نمایند. و از شورایعالی قضایی می‌خواهم امر قضاوت را که در رژیم سابق به وضع

أسفناك و غم‌انگیزی درآمده بود با جدیت سر و سامان دهند؛ و دست کسانی که با جان و مال مردم بازی می‌کنند و آنچه نزد آنان مطرح نیست عدالت اسلامی است از این کرسی پراهمیت کوتاه کنند، و با پشتکار و جدیت بتدریج دادگستری را متحول نمایند؛ و قضات دارای شرایطی که، ان‌شاءالله با جدیت حوزه‌های علمیه مخصوصاً حوزه مبارکه علمیه قم تربیت و تعلیم می‌شوند و معرفی می‌گردند، به جای قضاتی که شرایط مقررۀ اسلامی را ندارند نصب کردند، که ان‌شاءالله تعالی بزودی قضاوت اسلامی در سراسر کشور جریان پیدا کند.

و به قضات محترم در عصر حاضر و اعصار آینده وصیت می‌کنم که با درنظر گرفتن احادیثی که از معصومین - صلوات‌الله علیهم - در اهمیت قضا و خطر عظیمی که قضاوت دارد و توجه و نظر به آنچه درباره قضاوت به غیر حق وارد شده است، این امر خطیر را تصدی نمایند و نگذارند این مقام به غیر اهلش سپرده شود. و کسانی که اهل هستند از تصدی این امر سرباز زنند و به اشخاص غیر اهل میدان ندهند؛ و بدانند که همان طور که خطر این مقام بزرگ است اجر و فضل و ثواب آن نیز بزرگ است. و می‌دانند که تصدی قضا برای اهلش واجب کفایی است.

ط- وصیت اینجانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که کراراً عرض نموده‌ام که در این زمان که مخالفین اسلام و جمهوری اسلامی کمر به براندازی اسلام بسته‌اند و از هر راه ممکن برای این مقصد شیطانی کوشش می‌نمایند، و یکی از راههای با اهمیت برای مقصد شوم آنان و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی نفوذ دادن افراد منحرف و تبهکار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن

یک یا چند نفر شاید که با آگاهی بر علوم اسلامی و جا زدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاکدل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد. و می‌دانیم که قدرتهای بزرگ چپاولگر در میان جامعه‌ها افرادی به صورتهای مختلف از ملیگراها و روشنفکران مصنوعی و روحانی نمایان که اگر مجال یابند از همه پرخطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره دارند که گاهی سی - چهل سال با مشی اسلامی و مقدس مآبی یا «پان‌ایرانیسم» و وطن‌پرستی و حیل‌های دیگر، با صبر و بردباری در میان ملتها زیست می‌کنند و در موقع مناسب مأموریت خود را انجام می‌دهند. و ملت عزیز ما در این مدت کوتاه پس از پیروزی انقلاب نمونه‌هایی از قبیل «مجاهد خلق» و «فدایی خلق»^(۲۹) و «توده‌ای‌ها»^(۳۰) و دیگر عناوین دیده‌اند، و لازم است همه با هوشیاری این قسم توطئه را خنثی نمایند و از همه لازم‌تر حوزه‌های علمیه است که تنظیم و تصفیة آن با مدرسین محترم و افاضل سابقه‌دار است با تأیید مراجع وقت. و شاید تز «نظم در بی‌نظمی» است از القائات شوم همین نقشه‌ریزان و توطئه‌گران باشد.

در هر صورت وصیت اینجانب آن است که در همه اعصار خصوصاً در عصر حاضر که نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت و قوت گرفته است، قیام برای نظام دادن به حوزه‌ها لازم و ضروری است؛ که علما و مدرسین و افاضل عظیم‌الشان صرف وقت نموده و با برنامه دقیق صحیح حوزه‌ها را و خصوصاً حوزه علمیه قم و سایر حوزه‌های بزرگ و با اهمیت را در این مقطع از زمان از آسیب حفظ نمایند.

و لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط به فقاقت است و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی است منحرف شوند، و کوشش نمایند که هر روز بر دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیقها افزوده شود؛ و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدقیق است، محفوظ بماند و

تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد. و البته در رشته‌های دیگر علوم به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌هایی تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید شود. و از بالاترین و والاترین حوزه‌هایی که لازم است به طور همگانی مورد تعلیم و تعلم قرار گیرد، علوم معنوی اسلامی [است]، از قبیل علم اخلاق و تهذیب نفس و سیر و سلوک الی الله - رزقنا الله و ایاکم - که جهاد اکبر می‌باشد.

ی- از اموری که اصلاح و تصفیه و مراقبت از آن لازم است قوه اجراییه است. گاهی ممکن است که قوانین مترقی و مفید به حال جامعه از مجلس بگذرد و شورای نگهبان آن را تنفیذ کند و وزیر مسئول هم ابلاغ نماید، لکن به دست مجریان غیر صالح که افتاد آن را مسخ کنند و برخلاف مقررات یا با کاغذبازیها یا پیچ و خمها که به آن عادت کرده‌اند یا عمداً برای نگران نمودن مردم عمل کنند، که بتدریج و مسامحه غائله ایجاد می‌کند.

وصیت اینجانب به وزرای مسئول در عصر حاضر و در عصرهای دیگر آن است که علاوه بر آنکه شماها و کارمندان وزارتخانه‌ها بودجه‌ای که از آن ارتزاق می‌کنید مال ملت، و باید همه خدمتگزار ملت و خصوصاً مستضعفان باشید، و ایجاد زحمت برای مردم و مخالف وظیفه عمل کردن حرام و خدای نخواستہ گاهی موجب غضب الهی می‌شود، همه شما به پشتیبانی ملت احتیاج دارید. با پشتیبانی مردم خصوصاً طبقات محروم بود که پیروزی حاصل شد و دست ستمشاهی از کشور و ذخائر آن کوتاه گردید. و اگر روزی از پشتیبانی آنان محروم شوید، شماها کنار گذاشته می‌شوید و همچون رژیم شاهنشاهی ستمکار به جای شما ستم پیشگان پستها را اشغال می‌نمایند. بنابر این حقیقت ملموس، باید کوشش در جلب نظر ملت بنمایید و از رفتار غیر اسلامی - انسانی احتراز نمایید.

و در همین انگیزه به وزرای کشور در طول تاریخ آینده توصیه می‌کنم که در انتخاب استاندارها دقت کنند اشخاص لایق، متدین، متعهد، عاقل و سازگار با مردم انتخاب نمایند، تا آرامش در کشور هرچه بیشتر حکمفرما باشد. و باید دانست که گرچه تمام وزیران وزارتخانه‌ها مسئولیت در اسلامی کردن و تنظیم امور محل مسئولیت خود دارند لکن بعضی از آنها ویژگی خاص دارند؛ مثل وزارت خارجه که مسئولیت سفارتخانه‌ها را در خارج از کشور دارند. اینجانب از ابتدای پیروزی به وزرای خارجه راجع به طاغوت‌زدگی سفارتخانه‌ها و تحول آنها به سفارتخانه‌های مناسب با جمهوری اسلامی توصیه‌هایی نمودم، لکن بعضی آنان یا نخواستند یا نتوانستند عمل مثبتی انجام دهند. و اکنون که سه سال از پیروزی می‌گذرد اگرچه وزیر خارجه کنونی اقدام به این امر نموده است و امید است با پشتکار و صرف وقت این امر مهم انجام گیرد.

و وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمانهای بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است، چه در اصلاح و تحول وزارتخانه و سفارتخانه‌ها؛ و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولتهایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند. و از هر امری که شائبه وابستگی با همه ابعادی که دارد به طور قاطع احتراز نمایید. و باید بدانید که وابستگی در بعضی امور هر چند ممکن است ظاهر فریبنده‌ای داشته باشد یا منفعت و فایده‌ای در حال داشته باشد، لکن در نتیجه، ریشه کشور را به تباهی خواهد کشید. و کوشش داشته باشید در بهتر کردن روابط با کشورهای اسلامی و در بیدار کردن دولتمردان و دعوت به وحدت و اتحاد کنید که خداوند با شماست.

و وصیت من به ملت‌های کشورهای اسلامی است که انتظار نداشته باشید که از خارج کسی به شما در رسیدن به هدف که آن اسلام و پیاده کردن احکام اسلام است کمک کند؛ خود باید به این امر حیاتی که آزادی و استقلال را تحقق

می‌بخشد قیام کنید. و علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولتها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرتهای بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند؛ در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید. و نیز ملتها را دعوت به وحدت کنند؛ و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است بپرهیزند؛ و با برادران ایمانی خود در هر کشوری و با هر نژادی که هستند دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادر خوانده. و اگر این برادری ایمانی با همت دولتها و ملتها و با تأیید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند. به امید روزی که با خواست پروردگار عالم این برادری و برابری حاصل شود.

و وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست ابرقدرتها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرتهای بزرگ هستیم. چه دروغها و تهمتها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرتها به این جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی‌زنند.

مع الأسف اکثر دولتهای منطقه اسلامی که به حکم اسلام باید دست اخوت به ما دهند، به عداوت با ما و اسلام برخاسته‌اند و همه در خدمت جهانخواران از هر طرف به ما هجوم آورده‌اند. و قدرت تبلیغاتی ما بسیار ضعیف و ناتوان است و می‌دانید که امروز جهان روی تبلیغات می‌چرخد. و با کمال تأسف، نویسندگان به اصطلاح روشنفکر که به سوی یکی از دو قطب گرایش دارند، به جای آنکه در فکر استقلال و آزادی کشور و ملت خود باشند، خودخواهیها و فرصت‌طلبیها و انحصارجوییها به آنان مجال نمی‌دهد که لحظه‌ای تفکر نمایند و مصالح کشور و ملت خود را در نظر بگیرند، و مقایسه بین آزادی و استقلال را در این جمهوری با رژیم ستمگر سابق نمایند و زندگی شرافتمندانه ارزنده را توأم با

بعض آنچه را که از دست داده‌اند، که رفاه و عیشزدگی است، با آنچه از رژیم ستمشاهی دریافت می‌کردند توأم با وابستگی و نوکرمآبی و ثناجویی و مداحی از جرثومه‌های فساد و معادن ظلم و فحشا بسنجند؛ و از تهمتها و نارواها به این جمهوری تازه تولد یافته دست بکشند و با ملت و دولت در صف واحد بر ضد طاغوتیان و ستم‌پیشگان زبانها و قلمها را به کار بگیرند.

و مسئله تبلیغ تنها به عهده وزارت ارشاد نیست بلکه وظیفه همه دانشمندان و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان است. باید وزارت خارجه کوشش کند تا سفارتخانه‌ها نشریات تبلیغی داشته باشند و چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایند؛ که اگر این چهره با آن جمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمیهای دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد و پرچم پرافتخار آن در همه جا به اهتزاز خواهد آمد. چه مصیبت بار و غم‌انگیز است که مسلمانان متاعی دارند که از صدر عالم تا نهایت آن نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این گوهر گرانها را که هر انسانی به فطرت آزاد خود طالب آن است عرضه کنند؛ بلکه خود نیز از آن غافل و به آن جاهلند و گاهی از آن فراری‌اند!

ک- از امور بسیار با اهمیت و سرنوشت‌ساز مسئله مراکز تعلیم و تربیت از کودکانها تا دانشگاهها است که به واسطه اهمیت فوق‌العاده‌اش تکرار نموده و با اشاره می‌گذرم. باید ملت غارت شده بدانند که در نیم قرن اخیر آنچه به ایران و اسلام ضربه مهلک زده است قسمت عمده‌اش از دانشگاهها بوده است. اگر دانشگاهها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر با برنامه‌های اسلامی و ملی در راه منافع کشور به تعلیم و تهذیب و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان جریان داشتند، هرگز میهن ما در حلقوم انگلستان و پس از آن امریکا و شوروی فرو نمی‌رفت و هرگز قراردادهای خانه خراب‌کن بر ملت محروم غارتزده تحمیل نمی‌شد و

هرگز پای مستشاران خارجی به ایران باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران و طلای سیاه این ملت رنج‌دیده در جیب قدرتهای شیطانی ریخته نمی‌شد و هرگز دودمان پهلوی و وابسته‌های به آن اموال ملت را نمی‌توانستند به غارت ببرند و در خارج و داخل پارکها و ویلاها بر روی اجساد مظلومان بنا کنند و بانکهای خارج را از دسترنج این مظلومان پر کنند و صرف عیاشی و هرزگی خود و بستگان خود نمایند. اگر مجلس و دولت و قوه قضاییه و سایر ارگانها از دانشگاههای اسلامی و ملی سرچشمه می‌گرفت ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه‌برانداز نبود. و اگر شخصیت‌های پاکدامن باگرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش، نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند، از دانشگاهها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروز ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن، و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها که هر یک برای تباه نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود، در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود. و دانشگاهها اگر اسلامی - انسانی - ملی بود، می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد؛ لکن چه غم‌انگیز و اسفبار است که دانشگاهها و دبیرستانها به دست کسانی اداره می‌شد و عزیزان ما به دست کسانی تعلیم و تربیت می‌دیدند که جز اقلیت مظلوم محرومی همه از غریزدگان و شرقرذگان با برنامه و نقشه دیکته شده در دانشگاهها کرسی داشتند؛ و ناچار جوانان عزیز و مظلوم ما در دامن این گرگان وابسته به ابرقدرتها بزرگ شده و به کرسیهای قانونگذاری و حکومت و قضاوت تکیه می‌کردند، و بر وفق دستور آنان، یعنی رژیم ستمگر پهلوی عمل می‌کردند.

اکنون بحمدالله تعالی دانشگاه از چنگال جنایتکاران خارج شده. و بر ملت و دولت جمهوری اسلامی است در همه اعصار، که نگذارند عناصر فاسد دارای مکتبهای انحرافی یا گرایش به غرب و شرق در دانشسراها و دانشگاهها و سایر

مراکز تعلیم و تربیت نفوذ کنند و از قدم اول جلوگیری نمایند تا مشکلی پیش نیاید و اختیار از دست نرود.

و وصیت اینجانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

ل- قوای مسلح، از ارتش و سپاه و ژاندارمری و شهربانی تا کمیته‌ها و بسیج و عشایر ویژگی خاص دارند. اینان که بازوان قوی و قدرتمند جمهوری اسلامی می‌باشند و نگهبان سرحدات و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره نگهداران امنیت و آرامش‌بخشان به ملت می‌باشند، می‌بایست مورد توجه خاص ملت و دولت و مجلس باشند. و لازم است توجه داشته باشند که در دنیا آنچه که مورد بهره‌برداری برای قدرتهای بزرگ و سیاستهای مخرب، بیشتر از هر چیز و هر گروهی است، قوای مسلح است. قوای مسلح است که با بازیهای سیاسی، کودتاها و تغییر حکومتها و رژیمها به دست آنان واقع می‌شود؛ و سودجویان دغل بعضی سران آنان را می‌خرند و با دست آنان و توطئه‌های فرماندهان بازی خورده کشورها را به دست می‌گیرند، و ملتهای مظلوم را تحت سلطه قرار داده و استقلال و آزادی را از کشورها سلب می‌کنند. و اگر فرماندهان پاکدامن متصدی امر باشند، هرگز برای دشمنان کشورها امکان کودتا یا اشغال یک کشور پیش نمی‌آید و یا اگر احیاناً پیش آید، به دست فرماندهان متعهد شکسته و ناکام خواهد ماند. و در ایران نیز که این معجزه عصر به دست ملت انجام گرفت، قوای مسلح متعهد و فرماندهان پاک و میهن‌دوست سهم بسزایی داشتند.

و امروز که جنگ لعنتی و تحمیلی صدام تکریتی به امر و کمک امریکا و سایر قدرتها پس از نزدیک به دو سال با شکست سیاسی و نظامی ارتش متجاوز بعث و پشتیبانان قدرتمند و وابستگان به آنان روبه‌رو است، باز قوای مسلح

نظامی و انتظامی و سپاهی و مردمی با پشتیبانی بیدریغ ملت در جبهه‌ها و پشت جبهه‌ها این افتخار بزرگ را آفریدند و ایران را سرافراز نمودند؛ و نیز شرارته‌ها و توطئه‌های داخلی را که به دست عروسک‌های وابسته به غرب و شرق برای براندازی جمهوری اسلامی بسیج شده بودند با دست توانای جوانان کمیته‌ها و پاسداران بسیج و شهربانی و با کمک ملت غیرتمند درهم شکسته شد. و همین جوانان فداکار عزیزند که شبها بیدارند تا خانواده‌ها با آرامش استراحت کنند. خدایشان یار و مددکار باد.

پس وصیت برادرانه من در این قدمهای آخرین عمر بر قوای مسلح به طور عموم، آن است که ای عزیزان که به اسلام عشق می‌ورزید و با عشق لقاءالله به فداکاری در جبهه‌ها و در سطح کشور به کار ارزشمند خود ادامه می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار که بازیگران سیاسی و سیاستمداران حرفه‌ای غرب و شرق‌زده و دستهای مرموز جنایتکاران پشت پرده لبه تیز سلاح خیانت و جنایتکارشان از هر سو و بیشتر از هر گروه متوجه به شما عزیزان است؛ و می‌خواهند از شما عزیزان که با جانفشانی خود انقلاب را پیروز نمودید و اسلام را زنده کردید بهره‌گیری کرده و جمهوری اسلامی را براندازند؛ و شما را با اسم اسلام و خدمت به میهن و ملت از اسلام و ملت جدا کرده به دامن یکی از دو قطب جهان‌خوار بیندازند؛ و بر زحمات و فداکاریهای شما با حیل‌های سیاسی و ظاهری به صورت اسلامی و ملی خط بطلان بکشند.

وصیت اکید من به قوای مسلح آن است که همان طور که از مقررات نظام، عدم دخول نظامی در احزاب و گروه‌ها و جبهه‌ها است به آن عمل نمایند؛ و قوای مسلح مطلقاً، چه نظامی و انتظامی و پاسدار و بسیج و غیر اینها، در هیچ حزب و گروهی وارد نشده و خود را از بازیهای سیاسی دور نگه دارند. در این صورت می‌توانند قدرت نظامی خود را حفظ و از اختلافات درون گروهی مصون باشند. و بر فرماندهان لازم است که افراد تحت فرمان خود را از ورود در

احزاب منع نمایند. و چون انقلاب از همه ملت و حفظ آن بر همگان است، دولت و ملت و شورای دفاع و مجلس شورای اسلامی وظیفه شرعی و میهنی آنان است که اگر قوای مسلح، چه فرماندهان و طبقات بالا و چه طبقات بعد، برخلاف مصالح اسلام و کشور بخواهند عملی انجام دهند یا در احزاب وارد شوند که - بی‌اشکال به تباهی کشیده می‌شوند - و یا در بازیهای سیاسی وارد شوند، از قدم اول با آن مخالفت کنند. و بر رهبر و شورای رهبری است که با قاطعیت از این امر جلوگیری نماید تا کشور از آسیب در امان باشد.

و من به همه نیروهای مسلح در این پایان زندگی خاکی، وصیت مشفقانه می‌کنم که از اسلام که یگانه مکتب استقلال و آزادیخواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می‌کند، چنانچه امروز وفاداری در وفاداری استقامت کنید که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگیها و پیوستگیها به قدرتهایی که همه شما را جز برای بردگی خویش نمی‌خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم‌پذیری نگه می‌دارند نجات می‌دهد. و زندگی انسانی شرافتمندانه را ولو با مشکلات بر زندگانی ننگین بردگی اجانب ولو با رفاه حیوانی ترجیح دهید؛ و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد. و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی همانها که از ساختن هرچیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند. و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که ما از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود و از

دریوزگی از دشمن نجات یابد.

و هم در اینجا باید بیفزایم که احتیاج ما پس از اینهمه عقب ماندگی مصنوعی به صنعت‌های بزرگ کشورهای خارجی حقیقتی است انکارناپذیر. و این به آن معنی نیست که ما باید در علوم پیشرفته به یکی از دو قطب وابسته شویم. دولت و ارتش باید کوشش کنند که دانشجویان متعهد را در کشورهایی که صنایع بزرگ پیشرفته را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند؛ و از فرستادن به امریکا و شوروی و کشورهای دیگر که در مسیر این دو قطب هستند احتراز کنند، مگر ان شاء الله روزی برسد که این دو قدرت به اشتباه خود پی برند و در مسیر انسانیت و انساندوستی و احترام به حقوق دیگران واقع شوند؛ یا ان شاء الله مستضعفان جهان و ملت‌های بیدار و مسلمانان متعهد، آنان را به جای خود نشانند. به امید چنین روزی.

م- رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای مؤثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر بویژه نیمه دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمتگزار، و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق، کشیده شد و از آنها برای درست کردن بازار کالاها خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمان‌ها و تزئینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگِ فرنگی مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن بویژه در خانم‌های مرفه یا نیمه مرفه بود، و در آداب معاشرت و کیفیت حرف زدن و به کار بردن لغات غربی در گفتار و نوشتار به صورتی بود که فهم آن برای بیشتر مردم غیرممکن، و برای همدیفان نیز مشکل می‌نمود! فیلم‌های تلویزیون از فرآورده‌های غرب یا شرق بود که طبقه جوان زن و مرد را از مسیر عادی زندگی

و کار و صنعت و تولید و دانش منحرف و به سوی بیخبری از خویش و شخصیت خود و یا بدبینی و بدگمانی به همه چیز خود و کشور خود، حتی فرهنگ و ادب و مآثر پر ارزشی که بسیاری از آن با دست خیانتکار سودجویان، به کتابخانه‌ها و موزه‌های غرب و شرق منتقل گردیده است. مجله‌ها با مقاله‌ها و عکسهای افتضاح بار و آسفانگیز، و روزنامه‌ها با مسابقات در مقالات ضدفرهنگی خویش و ضداسلامی با افتخار، مردم بویژه طبقه جوان مؤثر را به سوی غرب یا شرق هدایت می‌کردند. اضافه کنید بر آن تبلیغ دامنه‌دار در ترویج مراکز فساد و عشرتکده‌ها و مراکز قمار و لاتار و مغازه‌های فروش کالاهای تجملاتی و اسباب آرایش و بازیها و مشروبات الکلی بویژه آنچه از غرب وارد می‌شد. و در مقابل صدور نفت و گاز و مخازن دیگر، عروسکها و اسباب بازیها و کالاهای تجملی وارد می‌شد؛ و صدها چیزهایی که امثال من از آنها بی‌اطلاع هستیم. و اگر خدای نخواستہ عمر رژیم سرسپرده و خانمان برانداز پهلوی ادامه پیدا می‌کرد، چیزی نمی‌گذشت که جوانان برومند ما - این فرزندان اسلام و میهن که چشم امید ملت به آنها است - با انواع دسیسه‌ها و نقشه‌های شیطانی به دست رژیم فاسد و رسانه‌های گروهی و روشنفکران غرب و شرقگرا از دست ملت و دامن اسلام رخت برمی‌بستند: یا جوانی خود را در مراکز فساد تباه می‌کردند؛ و یا به خدمت قدرتهای جهانخوار درآمده و کشور را به تباهی می‌کشاندند. خداوند متعال به ما و آنان منت گذاشت و همه را از شر مفسدین و غارتگران نجات داد.

اکنون وصیت من به مجلس شورای اسلامی در حال و آینده و رئیس‌جمهور و رؤسای جمهور مابعد و به شورای نگهبان و شورای قضایی و دولت در هر زمان، آن است که نگذارند این دستگاههای خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند. و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن، که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل

محکوم است. و تبلیغات و مقالات و سخنرانیها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادیهای مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند. و مردم و جوانان حزب‌اللهی اگر برخورد به یکی از امور مذکور نمودند به دستگاههای مربوطه رجوع کنند و اگر آنان کوتاهی نمودند، خودشان مکلف به جلوگیری هستند. خداوند تعالی مددکار همه باشد.

ن- نصیحت و وصیت من به گروهها و گروهکها و اشخاصی که در ضدیت با ملت و جمهوری اسلامی و اسلام فعالیت می‌کنند، اول به سران آنان در خارج و داخل، آن است که تجربه طولانی به هر راهی که اقدام کردید و به هر توطئه‌ای که دست زدید و به هر کشور و مقامی که توسل پیدا کردید به شماها که خود را عالم و عاقل می‌دانید باید آموخته باشند که مسیر یک ملت فداکار را نمی‌شود با دست زدن به ترور و انفجار و بمب و دروغ‌پردازیهای بی سر و پا و غیرحساب شده منحرف کرد، و هرگز هیچ حکومت و دولتی را نمی‌توان با این شیوه‌های غیرانسانی و غیرمنطقی ساقط نمود، بویژه ملتی مثل ایران را که از بچه‌های خردسالش تا پیرزنها و پیرمردهای بزرگسالش، در راه هدف و جمهوری اسلامی و قرآن و مذهب جانفشانی و فداکاری می‌کنند. شماها که می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده‌لوحانه فکر می‌کنید) که ملت با شما نیست و ارتش با شماها دشمن است. و اگر فرض بکنید با شما بودند و دوست شما بودند، حرکات ناشیانه شما و جنایاتی که با تحریک شما رخ داد آنان را از شما جدا کرد و جز دشمن تراشی کار دیگری نتوانستید بکنید.

من وصیت خیرخواهانه در این آخر عمر به شما می‌کنم که اولاً با این ملت

طاغوتزده رنج کشیده که پس از ۲۵۰۰ سال ستمشاهی با فدا دادن بهترین فرزندان و جوانانش خود را از زیر بار ستم جنایتکارانی همچون رژیم پهلوی و جهانخواران شرق و غرب نجات داده به جنگ و ستیز برخاسته‌اید. چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد، راضی می‌شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند و به کوچک و بزرگ آنها رحم نکند؟ من به شما نصیحت می‌کنم دست از این کارهای بیفایده و غیرعقلانه بردارید و گول جهانخواران را نخورید. و در هر جا هستید اگر به جنایتی دست نزدیک به میهن خود و دامن اسلام برگردید و توبه کنید که خداوند ارحم الراحمین است؛ و جمهوری اسلامی و ملت از شما ان شاء الله می‌گذرند. و اگر دست به جنایتی زدید که حکم خداوند تکلیف شما را معین کرده، باز از نیمه راه برگشته و توبه کنید. و اگر شهادت دارید تن به مجازات داده و با این عمل خود را از عذاب الیم خداوند نجات دهید؛ و الا در هر جا هستید عمر خود را بیش از این هدر ندهید و به کار دیگر مشغول شوید که صلاح در آن است.

و بعد، به هواداران داخلی و خارجی آنان وصیت می‌کنم که با چه انگیزه جوانی خود را برای آنان که اکنون ثابت است که برای قدرتمندان جهانخوار خدمت می‌کنند و از نقشه‌های آنها پیروی می‌کنند و ندانسته به دام آنها افتاده‌اند به هدر می‌دهید؟ و با ملت خود در راه چه کسی جفا می‌کنید؟ شما بازی خوردگان دست آنها هستید. و اگر در ایران هستید به عیان مشاهده می‌کنید که توده‌های میلیونی به جمهوری اسلامی وفادار و برای آن فداکارند؛ و به عیان می‌بینید که حکومت و رژیم فعلی با جان و دل در خدمت خلق و مستمندان هستند؛ و آنان که به دروغ ادعای «خلق» بودن و «مجاهد» و «فدایی» برای خلق می‌کنند، با خلق خدا به دشمنی برخاسته و شما پسران و دختران ساده‌دل را برای مقاصد خود و مقاصد یکی از دو قطب قدرت جهانخوار به بازی گرفته و خود یا در خارج در آغوش یکی از دو قطب جنایتکار به خوشگذرانی مشغول و یا در

داخل به خانه‌های مجلل تیمی با زندگی اشرافی، نظیر منازل جنایتکارانی بدبخت به جنایت خود ادامه می‌دهند و شما جوانان را به کام مرگ می‌فرستند. نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید؛ و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید؛ و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند، و همه با هم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید. تا چه وقت و برای چه گوش به فرمان اشخاصی هستید که جز به نفع شخصی خود فکر نمی‌کنند و در آغوش و پناه ابرقدرتها با ملت خود در ستیز هستند و شما را فدای مقاصد شوم و قدرت‌طلبی خویش می‌نمایند؟ شما در این سالهای پیروزی انقلاب دیدید که ادعاهای آنان با رفتار و عملشان مخالف است و ادعاها فقط برای فریب جوانان صاف دل است. و می‌دانید که شما قدرتی در مقابل سیل خروشان ملت ندارید و کارهایتان جز به ضرر خودتان و تباهی عمرتان نتیجه‌ای ندارد. من تکلیف خود را که هدایت است ادا کردم. و امید است به این نصیحت که پس از مرگ من به شما می‌رسد و شائبه قدرت‌طلبی در آن نیست گوش فرا دهید و خود را از عذاب الیم الهی نجات دهید. خداوند منان شما را هدایت فرماید و صراط مستقیم را به شما بنماید.

وصیت من به چپ‌گرایان، مثل کمونیستها و چریکهای فدایی خلق و دیگر گروهها[ی] متمایل به چپ، آن است که شماها بدون بررسی صحیح از مکتبها و مکتب اسلام نزد کسانی که از مکتبها و خصوص اسلام اطلاع صحیح دارند، با چه انگیزه خودتان را راضی کردید به مکتبی که امروز در دنیا شکست خورده رو آورید و چه شده که دل خود را به چند «ایسم» که محتوای آنها پیش اهل تحقیق پوچ است خوش کرده‌اید؟ و شما را چه انگیزه‌ای وادار کرده که می‌خواهید کشور خود را به دامن شوروی یا چین بکشید؛ و با ملت خود به اسم «توده دوستی» به جنگ برخاسته یا به توطئه‌هایی برای نفع اجنبی به ضد کشور

خود و توده‌های ستم‌دیده دست زدید؟ شما می‌بینید که از اول پیدایش کمونیسم مدعیان آن دیکتاتورترین و قدرت‌طلب و انحصارطلبترین حکومت‌های جهان بوده و هستند. چه ملت‌هایی زیر دست و پای شوروی مدعی طرفدار توده‌ها خُرد شدند و از هستی ساقط گردیدند. ملت روسیه، مسلمانان و غیرمسلمانان، تاکنون در زیر فشار دیکتاتوری حزب کمونیست دست و پا می‌زنند و از هرگونه آزادی محروم و در اختناق بالاتر از اختناق‌های دیکتاتورهای جهان به سر می‌برند. استالین،^(۳۱) که یکی از چهره‌های به اصطلاح «درخشان» حزب بود، ورود و خروجش را و تشریفات آن و اشرافیت او را دیدیم. اکنون که شما فریب خوردگان در عشق آن رژیم جان می‌دهید، مردم مظلوم شوروی و دیگر اقمار او چون افغانستان از ستمگریهای آنان جان می‌سپارند، و آنگاه شما که مدعی طرفداری از خلق هستید، بر این خلق محروم در هر جا که دستتان رسیده چه جنایاتی انجام دادید و با اهالی شریف آمل^(۳۲) که آنان را به غلط طرفدار پر و پا قرص خود معرفی می‌کردید و عده بسیاری را به فریب به جنگ مردم و دولت فرستادید و به کشتن دادید، چه جنایت‌ها که نکردید. و شما «طرفدار خلق محروم» می‌خواهید خلق مظلوم و محروم ایران را به دست دیکتاتوری شوروی دهید و چنین خیانتی را با سرپوش «فدایی خلق» و طرفدار محرومین در حال اجرا هستید، منتها «حزب توده» و رفقای آن با توطئه و زیر ماسک طرفداری از جمهوری اسلامی، و دیگر گروه‌ها با اسلحه و ترور و انفجار.

من به شما احزاب و گروه‌ها، چه آنان که به چیگرایی معروف - گرچه بعضی شواهد و قرائن دلالت دارد که اینان کمونیست امریکایی^(۳۳) هستند - و چه آنان که از غرب ارتزاق می‌کنند و الهام می‌گیرند و چه آنها که با اسم «خودمختاری» و طرفداری از کرد و بلوچ دست به اسلحه برده و مردم محروم کردستان و دیگر جاها را از هستی ساقط نموده و مانع از خدمت‌های فرهنگی و بهداشتی و اقتصادی و بازسازی دولت جمهوری در آن استانها می‌شوند، مثل حزب

«دموکرات»^(۳۴) و «کومله»^(۳۵) وصیت می‌کنم که به ملت بیوندند. و تاکنون تجربه کرده‌اند که کاری جز بدبخت کردن اهالی آن مناطق نکرده‌اند و نمی‌توانند بکنند، پس مصلحت خود و ملت خود و مناطق خود آن است که با دولت تشریک مساعی نموده و از یاغی‌گری و خدمت به بیگانگان و خیانت به میهن خود دست بردارند و به ساختن کشور پردازند و مطمئن باشند که اسلام برای آنان هم از قطب جنایتکار غرب و هم از قطب دیکتاتور شرق بهتر است و آرزوهای انسانی خلق را بهتر انجام می‌دهد.

و وصیت من به گروههای مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد گاهی طرفداری می‌کردند و به مخالفان بدخواهان اسلام از روی خطا و اشتباه گاهی لعن می‌کردند و طعن می‌زدند، آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و با شهادت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم‌مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شرّ مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس^(۳۶) آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم.

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار امریکا و شوروی از صفحهٔ روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات کنیم، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی اشرافی مرفه داشته باشیم. و این سیره و طریقهٔ انبیای عظام و ائمهٔ مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود بیاورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگیها زندگی کنند می‌توانند؛ و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایدهٔ آنان را تحمیل کنند.

از افغانستان عبرت باید گرفت با آنکه دولت غاصب و احزاب چپی با شوروی بوده و هستند، تاکنون نتوانسته‌اند توده‌های مردم را سرکوب نمایند. علاوه بر این اکنون ملتهای محروم جهان بیدار شده‌اند و طولی نخواهد کشید که این بیداریها به قیام و نهضت و انقلاب انجامیده و خود را از تحت سلطه ستمگران مستکبر نجات خواهند داد. و شما مسلمانان پایبند به ارزشهای اسلامی می‌بینید که جدایی و انقطاع از شرق و غرب برکات خود را دارد نشان می‌دهد؛ و مغزهای متفکر بومی به کار افتاده و به سوی خودکفایی پیشروی می‌کند و آنچه کارشناسان خائن غربی و شرقی برای ملت ما محال جلوه می‌دادند، امروز به طور چشم‌گیری با دست و فکر ملت انجام گرفته و ان‌شاءالله تعالی در دراز مدت انجام خواهد گرفت. و صد افسوس که این انقلاب دیر تحقق پیدا کرد و لااقل در اول سلطنت جابرانه کثیف محمدرضا تحقق نیافت؛ و اگر شده بود، ایران غارتزده غیر از این ایران بود.

و وصیت من به نویسندگان و گویندگان و روشنفکران و اشکال‌تراشان و صاحب‌عقدگان آن است که به جای آنکه وقت خود را در خلاف مسیر جمهوری اسلامی صرف کنید و هرچه توان دارید در بدبینی و بدخواهی و بدگویی از مجلس و دولت و سایر خدمتگزاران به کار برید، و با این عمل کشور خود را به سوی ابرقدرتها سوق دهید، با خدای خود یک شب خلوت کنید و اگر به خداوند عقیده ندارید با وجدان خود خلوت کنید و انگیزه باطنی خود را که بسیار می‌شود خود انسانها از آن بی‌خبرند بررسی کنید، ببینید آیا با کدام معیار و با چه انصاف خون این جوانان قلم قلم شده را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده می‌گیرید و با ملتی که می‌خواهد از زیر بار ستمگران و غارتگران خارجی و داخلی خارج شود و استقلال و آزادی را با جان خود و فرزندان عزیز خود به دست آورده و با فداکاری می‌خواهد آن را حفظ کند، به جنگ اعصاب برخاسته‌اید و به اختلاف‌انگیزی و توطئه‌های خائنه دامن می‌زنید و راه را برای

مستکبران و ستمگران باز می‌کنید. آیا بهتر نیست که با فکر و قلم و بیان خود دولت و مجلس و ملت را راهنمایی برای حفظ میهن خود نمایید؟ آیا سزاوار نیست که به این ملت مظلوم محروم کمک کنید و با یاری خود حکومت اسلامی را استقرار دهید؟ آیا این مجلس و رئیس جمهور و دولت و قوه قضایی را از آنچه در زمان رژیم سابق بود بدتر می‌دانید؟ آیا از یاد برده‌اید ستمهایی که آن رژیم لعنتی بر این ملت مظلوم بی‌پناه روا می‌داشت؟ آیا نمی‌دانید که کشور اسلامی در آن زمان یک پایگاه نظامی برای امریکا بود و با آن عمل یک مستعمره می‌کردند و از مجلس تا دولت و قوای نظامی در قبضه آنان بود و مستشاران و صنعتگران و متخصصان آنان با این ملت و ذخائر آن چه می‌کردند؟ آیا اشاعه فحشا در سراسر کشور و مراکز فساد، از عشرتکده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های مشروب‌فروشی و سینماها و دیگر مراکز که هر یک برای تباه کردن نسل جوان عاملی بزرگ بود، از خاطرتان محو شده؟ آیا رسانه‌های گروهی و مجلات سراسر فسادانگیز و روزنامه‌های آن رژیم را به دست فراموشی سپرده‌اید؟ و اکنون که از آن بازارهای فساد اثری نیست، برای آنکه در چند دادگاه، یا چند جوان که شاید اکثر از گروههای منحرف نفوذ کرده و برای بدنام نمودن اسلام و جمهوری اسلامی کارهای انحرافی انجام می‌دهند، و کشتن عده‌ای که مفسد فی الارض هستند و قیام بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی می‌کنند شما را به فریاد درآورده، و با کسانی که با صراحت اسلام را محکوم می‌کنند و بر ضد آن قیام مسلحانه یا قیام با قلم و زبان که أسفناکتر از قیام مسلحانه است، نموده‌اند پیوند می‌کنید و دست برادری می‌دهید؛ و آنان را که خداوند مهدورالدم فرموده نور چشم می‌خوانید، و در کنار بازیگرانی که فاجعه چهارده اسفند^(۳۷) را برپا کردند و جوانان بیگناه را با ضرب و شتم کوبیدند نشسته و تماشاگر معرکه می‌شوید، یک عمل اسلامی و اخلاقی است! و عمل دولت و قوه قضاییه که معاندین و منحرفین و ملحدین را به جزای اعمال خویش

می‌رسانند، شما را به فریاد درآورده و داد مظلومیت می‌زنید؟ من برای شما برادران که از سوابقتان تا حدی مطلع و علاقه‌مند به بعضی از شما هستم متأسف هستم، نه برای آنان که اشراری بودند در لباس خیرخواهی و گرگهایی در پوشش چوپان و بازیگرانی بودند که همه را به باد بازی و مسخره گرفته و در صدد تباه کردن کشور و ملت و خدمتگزاری به یکی از دو قطب چپ‌ولگر بودند - آنان که با دست پلید خود جوانان و مردان ارزشمند و علمای مربی جامعه را شهید نمودند و به کودکان مظلوم مسلمانان رحم نکردند، خود را در جامعه رسوا و در پیشگاه خداوند قهار مخدول نمودند و راه بازگشت ندارند که شیطان نفس اماره بر آنان حکومت می‌کند.

لکن شما برادران مؤمن با دولت و مجلس که کوشش دارد خدمت به محرومین و مظلومین و برادران سر و پا برهنه و از همه مواهب زندگی محروم نماید چرا کمک نمی‌کنید و شکایت دارید؟ آیا مقدار خدمت دولت و بنیادهای جمهوری را با این گرفتاریها و نابسامانیها که لازمه هر انقلاب است، و جنگ تحمیلی با آنهمه خسارت و میلیونها آواره خارجی و داخلی و کارشکنیهای بیرون از حد را در این مدت کوتاه مقایسه با کارهای عمرانی رژیم سابق نموده‌اید؟ آیا نمی‌دانید که کارهای عمرانی آن زمان اختصاص داشت تقریباً به شهرها آن هم به محلات مرفه؛ و فقرا و مردمان محروم از آن امور بهره‌ناچیز داشته یا نداشتند؛ و دولت فعلی و بنیادهای اسلامی برای این طایفه محروم با جان و دل خدمت می‌کنند؟ شما مؤمنان هم پشتیبان دولت باشید تا کارها زود انجام گیرد و در محضر پروردگار که خواه ناخواه خواهید رفت با نشان خدمتگزاری به بندگان او بروید.*

* - چنانکه در نسخه خطی مشهود است امام خمینی در این قسمت مرقوم فرموده‌اند: «این مقدار بریده شده را خودم انجام داده‌ام».

س- یکی از اموری که لازم به توصیه و تذکر است، آن است که اسلام نه با سرمایه‌داری ظالمانه و بیحساب و محروم‌کننده توده‌های تحت ستم و مظلوم موافق است، بلکه آن را به طور جدی در کتاب و سنت محکوم می‌کند و مخالف عدالت اجتماعی می‌داند - گرچه بعض کج‌فهمان بی اطلاع از رژیم حکومت اسلامی و از مسائل سیاسی حاکم در اسلام در گفتار و نوشتار خود طوری وانمود کرده‌اند (و باز هم دست برنداشته‌اند) که اسلام طرفدار بی‌مرز و حد سرمایه‌داری و مالکیت است و با این شیوه که با فهم کج خویش از اسلام برداشت نموده‌اند چهره نورانی اسلام را پوشانیده و راه را برای مغرضان و دشمنان اسلام باز نموده که به اسلام بتازند، و آن را رژیمی چون رژیم سرمایه‌داری غرب مثل رژیم امریکا و انگلستان و دیگر چپاولگران غرب به حساب آورند، و با اتکال به قول و فعل این نادانان یا غرضمندان و یا ابلهانه بدون مراجعه به اسلام‌شناسان واقعی با اسلام به معارضه برخاسته‌اند - و نه رژیمی مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم^(۳۸) لنینیسم است که با مالکیت فردی مخالف و قائل به اشتراک می‌باشند با اختلاف زیادی که دوره‌های قدیم تاکنون حتی اشتراک در زن و همجنس بازی بوده و یک دیکتاتوری و استبداد کوبنده در بر داشته.

بلکه اسلام یک رژیم معتدل با شناخت مالکیت و احترام به آن به نحو محدود در پیدا شدن مالکیت و مصرف، که اگر بحق به آن عمل شود چرخهای اقتصاد سالم به راه می‌افتد و عدالت اجتماعی، که لازمه یک رژیم سالم است تحقق می‌یابد. در اینجا نیز یک دسته با کج فهمیها و بی‌اطلاعی از اسلام و اقتصاد سالم آن در طرف مقابل دسته اول قرار گرفته و گاهی با تمسک به بعضی آیات یا جملات نهج‌البلاغه، اسلام را موافق با مکتبهای انحرافی مارکس و امثال او معرفی نموده‌اند و توجه به سایر آیات و فقرات نهج‌البلاغه ننموده و سرخود، به فهم قاصر خود، بپاخاسته و «مذهب اشتراکی» را تعقیب می‌کنند و از کفر و

دیکتاتوری و اختناق کوبنده که ارزشهای انسانی را نادیده گرفته و یک حزب اقلیت با توده‌های انسانی مثل حیوانات عمل می‌کنند، حمایت می‌کنند.

وصیت من به مجلس و شورای نگهبان و دولت و رئیس جمهور و شورای قضایی آن است که در مقابل احکام خداوند متعال خاضع بوده؛ و تحت تأثیر تبلیغات بی‌محتوای قطب ظالم چپاولگر سرمایه‌داری و قطب ملحد اشتراکی و کمونیستی واقع نشوید، و به مالکیت و سرمایه‌های مشروع با حدود اسلامی احترام گذارید، و به ملت اطمینان دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای سازنده به کار افتند و دولت و کشور را به خودکفایی و صنایع سبک و سنگین برسانند.

و به ثروتمندان و پولداران مشروع وصیت می‌کنم که ثروتهای عادلانه خود را به کار اندازید و به فعالیت سازنده در مزارع و روستاها و کارخانه‌ها برخیزید که این خود عبادتی ارزشمند است.

و به همه در کوشش برای رفاه طبقات محروم وصیت می‌کنم که خیر دنیا و آخرت شماها رسیدگی به حال محرومان جامعه است که در طول تاریخ ستمشاهی و خان‌خانی در رنج و زحمت بوده‌اند. و چه نیکو است که طبقات تمکندار به طور داوطلب برای زاغه و چپر نشینان مسکن و رفاه تهیه کنند. و مطمئن باشند که خیر دنیا و آخرت در آن است. و از انصاف به دور است که یکی بی‌خانمان و یکی دارای آپارتمانها باشد.

ع- وصیت اینجانب به آن طایفه از روحانیون و روحانی‌نماها که با انگیزه‌های مختلف با جمهوری اسلامی و نهادهای آن مخالفت می‌کنند و وقت خود را وقف براندازی آن می‌نمایند و با مخالفان توطئه‌گر و بازیگران سیاسی کمک، و گاهی به طوری که نقل می‌شود با پولهای گزافی که از سرمایه‌داران بیخبر از خدا دریافت برای این مقصد می‌کنند کمکهای کلان می‌نمایند، آن است که شماها طرفی از این غلط‌کاریها تاکنون نبسته و بعد از این هم گمان ندارم ببندید. بهتر

آن است که اگر برای دنیا به این عمل دست زده‌اید - و خداوند نخواهد گذاشت که شما به مقصد شوم خود برسید - تا در توبه باز است از پیشگاه خداوند عذر بخواهید و با ملت مستمند مظلوم هم‌صدا شوید و از جمهوری اسلامی که با فداکاریهای ملت به دست آمده حمایت کنید، که خیر دنیا و آخرت در آن است. گرچه گمان ندارم که موفق به توبه شوید.

و اما به آن دسته که از روی بعضی اشتباهات یا بعضی خطاها، چه عمدی و چه غیرعمدی، که از اشخاص مختلف یا گروهها صادر شده و مخالف با احکام اسلام بوده است با اصل جمهوری اسلامی و حکومت آن مخالفت شدید می‌کنند و برای خدا در براندازی آن فعالیت می‌نمایند و با تصور خودشان این جمهوری از رژیم سلطنتی بدتر یا مثل آن است، با نیت صادق در خلوات تفکر کنند و از روی انصاف مقایسه نمایند با حکومت و رژیم سابق. و باز توجه نمایند که در انقلابهای دنیا هرج و مرجها و غلط‌رویه‌ها و فرصت‌طلبیها غیرقابل اجتناب است و شما اگر توجه نمایید و گرفتاریهای این جمهوری را در نظر بگیرید - از قبیل توطئه‌ها و تبلیغات دروغین و حمله مسلحانه خارج مرز و داخل، و نفوذ غیر قابل اجتناب گروههایی از مفسدان و مخالفان اسلام در تمام ارگانهای دولتی به قصد ناراضی کردن ملت از اسلام و حکومت اسلامی، و تازه کار بودن اکثر یا بسیاری از متصدیان امور و پخش شایعات دروغین از کسانی که از استفاده‌های کلان غیرمشروع بازمانده یا استفاده آنان کم شده، و کمبود چشمگیر قضات شرع و گرفتاریهای اقتصادی کمرشکن و اشکالات عظیم در تصفیه و تهذیب متصدیان چند میلیونی، و کمبود مردمان صالح کاردان و متخصص و دهها گرفتاری دیگر، که تا انسان وارد گود نباشد از آنها بیخبر است - و از طرفی اشخاص غرضمند سلطنت طلب سرمایه‌دار هنگفت که با رباخواری و سودجویی و با اخراج ارز و گرانفروشی به حد سرسام‌آور و قاچاق و احتکار، مستمندان و محرومان جامعه را تا حد هلاکت در فشار قرار داده و جامعه را به فساد می‌کشند،

نزد شما آقایان به شکایت و فریبکاری آمده و گاهی هم برای باور آوردن و خود را مسلمان خالص نشان دادن به عنوان «سهم» مبلغی می‌دهند و اشک تمساح می‌ریزند و شما را عصبانی کرده به مخالفت برمی‌انگیزانند، که بسیاری از آنان با استفاده‌های نامشروع، خون مردم را می‌مکند و اقتصاد کشور را به شکست می‌کشند.

اینجانب نصیحت متواضعانه برادرانه می‌کنم که آقایان محترم تحت تأثیر اینگونه شایعه‌سازیه‌ها قرار نگیرند و برای خدا و حفظ اسلام این جمهوری را تقویت نمایند. و باید بدانند که اگر این جمهوری اسلامی شکست بخورد، به جای آن یک رژیم اسلامی دلخواه بقیه‌الله - روحی فدا - یا مطیع امر شما آقایان تحقق نخواهد پیدا کرد، بلکه یک رژیم دلخواه یکی از دو قطب قدرت به حکومت می‌رسد و محرومان جهان، که به اسلام و حکومت اسلامی رو[ی] آورده و دل باخته‌اند، مأیوس می‌شوند و اسلام برای همیشه منزوی خواهد شد؛ و شماها روزی از کردار خود پشیمان می‌شوید که کار گذشته و دیگر پشیمانی سودی ندارد. و شما آقایان اگر توقع دارید که در یک شب همه امور بر طبق اسلام و احکام خداوند تعالی متحول شود یک اشتباه است، و در تمام طول تاریخ بشر چنین معجزه‌ای روی نداده است و نخواهد داد. و آن روزی که ان‌شاءالله تعالی مصلح کل ظهور نماید، گمان نکنید که یک معجزه شود و یکروزه عالم اصلاح شود؛ بلکه با کوششها و فداکاریها ستمکاران سرکوب و منزوی می‌شوند. و اگر نظر شماها مثل نظر بعض عامیهای منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فراگیرد و مقدمات ظهور فراهم شود، فَإِنَّ اللَّهَ وَآلَاهُ رَاجِعُونَ.

ف- وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست اندرکاران کشورتان یا قدرتهای

خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند. ما و شماها لااقل در این صد سال اخیر، که بتدریج پای قدرتهای بزرگ جهانخوار به همه کشورهای اسلامی و سایر کشورهای کوچک باز شده است مشاهده کردیم یا تاریخهای صحیح برای ما بازگو کردند که هیچ یک از دول حاکم بر این کشورها در فکر آزادی و استقلال و رفاه ملتهای خود نبوده و نیستند؛ بلکه اکثریت قریب به اتفاق آنان یا خود به ستمگری و اختناق ملت خود پرداخته و هر چه کرده‌اند برای منافع شخصی یا گروهی نموده؛ یا برای رفاه قشر مرفه و بالانشین بوده و طبقات مظلوم کوخ و کپرنشین از همه مواهب زندگی حتی مثل آب و نان و قوت لایموت محروم بوده، و آن بدبختان را برای منافع قشر مرفه و عیاش به کار گرفته‌اند؛ و یا آنکه دست نشاندگان قدرتهای بزرگ بوده‌اند که برای وابسته کردن کشورها و ملتها هرچه توان داشته‌اند به کار گرفته و با حیل‌های مختلف کشورها را بازاری برای شرق و غرب درست کرده و منافع آنان را تأمین نموده‌اند و ملتها را عقب مانده و مصرفی بار آوردند و اکنون نیز با این نقشه در حرکتند.

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپاخیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرتها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست گیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوریه‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

ص- یک مرتبه دیگر در خاتمه این وصیتنامه، به ملت شریف ایران وصیت می‌کنم که در جهان حجم تحمل زحمتهای و رنجهای و فداکاریهای و جان‌نثاریهای و محرومیتها مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علو رتبه آن است، آنچه که شما ملت شریف و مجاهد برای آن پی‌خواستید و دنبال می‌کنید و برای آن جان و مال نثار کرده و می‌کنید، والاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصدی است و مقصودی است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه شده است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایده توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب محمدی - صلی الله علیه و آله و سلم - به تمام معنی و درجات و ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام انبیای عظام - علیهم السلام الله - و اولیای معظم - سلام الله علیهم - برای تحقق آن بوده و راهیابی به کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده، و آنچه برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در سراسر خلقت در سرّ و علن حاصل نشود.

شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می‌روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است، بیابید آن را یا نیابید، شما راهی را می‌روید که تنها راه تمام انبیا - علیهم السلام الله - و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا شهادت را در راه آن به آغوش می‌کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل»^(۳۹) می‌دانند؛ و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده و ما باید بحق بگوییم یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً.^(۴۰) گوارا باد بر آنان آن نسیم دل‌آرا و آن جلوه شورانگیز.

و باید بدانیم که طرفی از این جلوه در کشتزارهای سوزان و در کارخانه‌های توانفرسا و در کارگاه‌ها و در مراکز صنعت و اختراع و ابداع، و در ملت به طور اکثریت در بازارها و خیابانها و روستاها و همه کسانی که متصدی این امور برای اسلام و جمهوری اسلامی و پیشرفت و خودکفایی کشور به خدمتی اشتغال دارند جلوه گر است.

و تا این روح تعاون و تعهد در جامعه برقرار است کشور عزیز از آسیب دهر ان شاء الله تعالی مصون است. و بحمدالله تعالی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و جوانان عزیز مراکز علم و تربیت از این نفخه الهی غیبی برخوردارند؛ و این مراکز در بست در اختیار آنان است، و به امید خدا دست تبهکاران و منحرفان از آنها کوتاه.

و وصیت من به همه آن است که با یاد خدای متعال به سوی خودشناسی و خودکفایی و استقلال، با همه ابعادش به پیش، و بی تردید دست خدا با شما است، اگر شما در خدمت او باشید و برای ترقی و تعالی کشور اسلامی به روح تعاون ادامه دهید.

و اینجانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می‌بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسل بعد نسل بر آن افزوده گردد.

با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد و ضمیری امیدوار به فضل خدا از خدمت خواهران و برادران مرخص، و به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم. و به دعای خیر شما احتیاج مبرم دارم. و از خدای رحمان و رحیم می‌خواهم که عذرم را در کوتاهی خدمت و قصور و تقصیر بپذیرد.

و از ملت امیدوارم که عذرم را در کوتاهیها و قصور و تقصیرها بپذیرند. و با قدرت و تصمیم اراده به پیش روند و بدانند که با رفتن یک خدمتگزار در

سدّ آهنین ملت خللی حاصل نخواهد شد که خدمتگزاران بالا و والاتر در خدمتند، والله نگهدار این ملت و مظلومان جهان است.

والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین و رحمةالله و برکاته

۲۶ بهمن ۱۳۶۱ / ۱ جمادی الاولی ۱۴۰۳

روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

این وصیتنامه را پس از مرگ من احمد خمینی برای مردم بخواند. و در صورت عذر، رئیس محترم جمهور یا رئیس محترم شورای اسلامی یا رئیس محترم دیوان عالی کشور، این زحمت را بپذیرند. و در صورت عذر، یکی از فقهای محترم نگهبان این زحمت را قبول نمایند.

روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

در زیر این وصیتنامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه، چند مطلب را تذکر می‌دهم:

(۱) - اکنون که من حاضرم، بعض نسبتهای بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

(۲) - اشخاصی در حال حیات من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را

می‌نوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم. تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است.

۳- از قرار مذکور، بعضیها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود؛ آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

۴- من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام، که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند، و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود. و میزان در هر کس حال فعلی او است.

روح الله الموسوی الخمینی

□ پی‌نویسها

آنچه که در این بخش آمده است توضیح واژه‌ها و برخی از عبارات مندرج در وصیتنامه امام خمینی می‌باشد که در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی نگارش یافته است:

۱- «قال رسول الله ... حتی یردا علی الحوض»

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: من در میان شما دو شیء گرانقدر به جا می‌گذارم: کتاب خدا و خاندانم (مقصود حضرت علی - علیه السلام - و ائمه طاهرين - سلام الله عليهم - است که در روایات دیگر تصریح شده است) و این دو از یکدیگر جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند (یعنی تا قیامت).

۲- «الحمد لله و سبحانک اللهم صل علی محمد و آله ...»

این طلایه وصیتنامه سیاسی - الهی است که آن قبله عظمای اهل دل، وصیت جاودانه خویش را با چند جمله کوتاه آکنده از عالیت‌ترین مضامین معارف اسلامی آغاز کرده‌اند.

واژه‌های خطبه این وصیتنامه با درهم آمیختن به نسبت مخصوص، نقش نوینی از معارف را به نمایش گذارده است که بیت الغزل آن: «اسم مستأثر» خداوند متعال است: «سیاس و ستایش مخصوص خداست و تو پاک و منزّه هستی، خدایا بر محمد و آل او درود فرست، آنان مظاهر جمال و جلال تو و گنجینه‌های اسرار کتاب تو هستند که در آن، احدیت با تمامی اسماء حتی اسم مستأثر که غیر تو کسی آن را نمی‌داند، تجلی کرده است و نفرین بر ستمگران، به ایشان که اینان اصل و ریشه درخت پلیدی‌اند».

حضرت امام در شرح دعای سحر آورده‌اند که:

«بدان که خدایت به اسم اعظم راهنمایت باد، و آنچه را که نمی‌دانی تعلیم دهد که خدای تعالی را اسم اعظمی است که هرگاه به آن نام خوانده شود، اگر بر درهای بسته آسمان خوانده شود درهای رحمت باز می‌شود و اگر بر تنگناهای درهای زمین به آن نام خوانده شود درهای فرج گشوده گردد، و این نام اعظم را به حسب مقام الوهیت (اسم مستأثر) یک حقیقتی است و به حسب مقام مألوهیت حقیقتی دیگر و به حسب مقام لفظ و عبارت، حقیقتی سوم! اما اسم اعظمی که به حسب حقیقت غیبیه است (اسم مستأثر) - و جز خدا هیچ‌کس بدون استثنا از آن آگاهی ندارد - به همان اعتباری که از پیش گفتیم عبارت است از حرف هفتاد و سوم که خداوند آن را برای خود نگاه داشته، چنانچه در روایت کافی است - در باب آنچه به ائمه دین - علیهم السلام - از اسم اعظم عطا شده - سند به امام باقر (ع) می‌رسد که فرمود: «همانا نام اعظم بر ۷۳ حرف است و از آن در نزد آصف یک حرف بود که به آن یک حرف سخن گفت و زمینی را که میان او و تخت بلقیس بود درهم پیچید و دست دراز کرد و تخت را با دست خود بر گرفت، سپس زمین به همان حالتی که بود بازگشت و این جریان در فاصله‌ای کمتر از یک چشم به هم زدن اتفاق افتاد و از آن اسم اعظم ۷۲ حرف نزد ما است و یک حرف آن نزد خدای تعالی است که آن را در عالم غیب برای خود اختصاص داده و حول و قوه‌ای نیست

جز با خدای علی عظیم».

و مانند این روایت است، روایت دیگری که در آن نیز از امام صادق (ع) منقول است که می فرمود: عیسی بن مریم را دو حرف داده شد که با آن دو حرف کار می کرد و موسی را چهار حرف داده شده بود و ابراهیم را هشت حرف و نوح را پنج حرف و آدم را بیست و پنج حرف و خدای تعالی همه اینها را برای محمد - صلی الله علیه و آله - جمع کرد و اسم اعظم الله ۷۳ حرف است که محمد - صلی الله علیه و آله - را ۷۲ حرف داده شد و خداوند یک حرف را از او پوشیده داشت».

(شرح دعای سحر؛ ترجمه سید احمد فهری؛ انتشارات اطلاعات؛ تهران ۱۳۷۰)

۳- «... از ملک تا ملکوت اعلی و از آنجا تا لاهوت»

جهان آفرینش را به سه مرتبه یا به سه عالم به این شرح تقسیم کرده اند:

الف - جهان ماده؛ ب - جهان مثال (ملکوت)؛ ج - جهان عقل (جبروت)

جهان ماده و طبیعت، عالم قوه و فعل و صورت و ماده و حرکت و زمان و مکان است و پایینترین عالم از عوالم وجود است. جهان مثال که تا اندازه ای از قوه و حرکت و زمان و مکان مجرد است، اما از ابعاد مجرد نیست. این عالم، جسمانی است ولی مادی نیست. عالم عقل عالم موجودات مجرد است. این عالم حتی از بُعد و مقدار نیز مجرد است. هر یک از این عوالم معلول عالم بالاتر و علت عالم پایینتر خویش است و مجموعه آنها معلول عالم الوهیت است که همانا ذات بی مثال حق است و عالم لاهوت نامیده می شود و او احاطه قیومی به همه موجودات دارد. بنابراین، علت موجد و محیط و مدبر طبیعت عالم مثال است که آن هم محاط و معلول عالم عقل است و عالم عقل نیز محاط در عالم لاهوت است.

۴- «... اگر نگویم ممتنع است»

قال رسول الله (ص): «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنًا وَلِبَاطِنُهُ بَطْنًا إِلَى سَبْعَةِ أَتْطَنٍ» بدرستی که قرآن ظاهری و باطنی دارد و باطنش نیز تا هفت بطن، باطن دارد.

(تفسیر الصافی، مقدمه ۸)

قال الباقر - علیه السلام: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرُهُ وَبَاطِنُهُ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ» جز اوصیای پیامبر کسی را نرسد که ادعا کند ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست.

(الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸)

قال امیرالمؤمنین - علیه السلام: «إِنَّ أَمْرَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ صَعْبٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَعْرِفُهُ وَلَا يَقْرَأُهُ إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مَرْسَلٌ أَوْ مُؤْمِنٌ نَجِيبٌ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ».

بدرستی که امر ما اهل بیت صعب و مستصعب است. جز فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل یا مؤمن نجیبی که خدا دلش را به ایمان آزموده، به آن معرفت نمی یابد و به فهم آن نزدیک نمی شود.

(بصائر الدرجات، ص ۲۷)

(صعب به معنی دشوار و مشکل و سرکش است و مستصعب مبالغه آن است یعنی بسیار دشوار؛ و یا آنکه صعب چیزی است که خودش دشوار باشد، و مستصعب آن است که مردم او را دشوار شمرند).

قال ابی عبدالله - علیه السلام: «إِنَّ أَمْرَنَا سِرٌّ فِي سِرٍّ وَسِرٌّ مُسْتَسِرٌّ وَسِرٌّ لَا يُفِيدُ إِلَّا سِرًّا وَسِرٌّ عَلَى سِرٍّ وَسِرٌّ مَقْنَعٌ بِسِرٍّ» بدرستی که امر ما اهل بیت سری است درون رازی دیگر، رازی پوشیده، رازی که فایده ندهد مگر رازی دیگر و سری بر سری دیگر، و رازی پوشانیده به راز دیگر است.

(بصائر الدرجات، ص ۲۸)

۵- «ثقل اکبر و ثقل کبیر»

مراد از ثقل اکبر، کتاب خدا «قرآن» و از ثقل کبیر، اهل بیت - علیهم السلام - است و قرآن چون اکبر از همه چیز حتی اهل بیت - علیهم السلام - است لذا اکبر مطلق است.

در حدیثی از نبی مکرم (ص) آمده است که:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَزَكَّيْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ خَلِيفَتَيْنِ، إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي، أَخَذَهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخِرِ: كِتَابُ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، أَوْ قَالَ: إِلَى الْأَرْضِ، وَعَثَرَتِي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا وَإِنَّهُمَا لَنْ يُفْتَرَفَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ». ای مردم بدرستی که من در میان شما این دو چیز گرانقدر را بر جای می‌گذارم. اگر از آنها پیروی کنید پس از من هیچ‌گاه گمراه نخواهید شد. از آن دو یکی بزرگتر از دیگری است:

کتاب خداوند که ریسمانی است کشیده شده در میان آسمان و زمین. یا اینکه حضرت (ص) فرمود: [ریسمانی است کشیده شده از آسمان] به سوی زمین، و عترت یعنی اهل بیت خود را؛ بدانید که این دو از هم جدا نخواهند شد تا آن‌گاه که در کنار حوض بر من وارد گردند.

(بحار الانوار، کتاب الامامة، ج ۲۳، ص ۱۱۷)

۶- «مقام اتصال کثرت به وحدت»

مراد بازگشت جمیع موجودات و مراتب هستی به اصل ربوبی خویش در قیامت و آخرت است. به عبارت دیگر رجوع کثرات در عالم وجود به وحدتی است که از آن نشأت گرفته است، همان مقام اتصال کثرت به وحدت است.

۷- «متواتر»

این اصطلاح درایه و حدیث و اصول است و خبری است که جماعتی آن را نقل کرده باشند به نحوی که مفید علم باشد یعنی علم عادی، و محال باشد که همگی تبانی بر کذب کرده باشند و بالجمله یکی از طرق علم عادی اخبار متواتره است و اغلب اطلاعات و علوم ما نسبت به امور تاریخی از همین راه است. زیرا که یک خبری را عده‌ای به نحو واحدی ولو وحدت معنوی نه لفظی نقل نمایند، محال است که همگی تبانی کرده باشند پس مفید یقین خواهد بود.

(فرهنگ علوم دکتر سجادی به نقل از معالم، ص ۱۰۱ و تلویح تفتازانی، ص ۴۲۹)

۸- «صحاح ششگانه»

صحاح ششگانه به ترتیب زمان از این قرار است:

- ۱- صحیح بخاری یا (الجامع الصحیح) از ابو عبدالله محمد بن اسمعیل بخاری (متوفی ۲۵۶ ه. ق.).
 - ۲- صحیح مسلم از ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری (متوفی ۲۶۱ ه. ق.).
 - ۳- سنن ابن ماجه از محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (متوفی ۲۷۳ ه. ق.).
 - ۴- سنن ابی داود از سلیمان بن اشعث بن اسحق سجستانی (متوفی ۲۷۵ ه. ق.).
 - ۵- جامع ترمذی یا (سنن ترمذی) از ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (متوفی ۲۷۹ ه. ق.).
 - ۶- سنن نسائی (مسمی به مجتبی) از ابو عبدالرحمن احمد بن شعيب (متوفی ۳۰۳ ه. ق.).
- کتاب ششگانه مذکور در فوق به اضافه موطأ و مسند ابن حنبل (متوفی ۲۴۱ ه. ق.) جوامع اولیه حدیث اهل سنت را تشکیل می‌دهد.

۹- «... به طور متواتر نقل شده است»

برای اطلاع از منابع فراوان و اثبات تواتر این حدیث شریف به کتاب گرانقدر و نفیس «عبارات الانوار» تألیف علامه مجاهد کبیر میر حامد حسین هندی (متوفی ۱۳۰۶ ه. ق.) که شش جلد آن ویژه سند و شرح این حدیث از طریق علمای اهل سنت است، می‌توان رجوع کرد.

علامه بزرگوار در این اثر گرانقدر، چهل کتاب برای حدیث ثقلین از منابع مهم اهل تسنن به دست داده‌اند. نیز آورده‌اند که ناقلین این حدیث شریف به ترتیب زمانی در اهل تسنن، در قرن دوم ۱۶ نفر، در قرن سوم ۳۳ نفر، در قرن چهارم ۲۱ نفر، در قرن پنجم و ششم هر یک ۱۳ نفر، در قرن هفتم ۱۶ نفر، در قرن هشتم ۱۷ نفر، در قرن نهم ۵ نفر، در قرن دهم ۱۸ نفر، در قرن یازدهم ۱۰ نفر، در قرن دوازدهم ۱۳ نفر و در قرن سیزدهم ۱۱ نفر بوده‌اند که تمام ناقلین از بزرگان و کبار اهل سنت می‌باشند.

علامه سید هاشم بحرانی در «غایة المرام» در باب ۲۸ پیرامون حدیث ثقلین، از طریق راویان و محدثین شیعه ۸۲ طریق برای این حدیث می‌آورد.

بدین ترتیب این حدیث شریف با ۲۶۸ سند از معاریف شیعه و سنی نقل شده و در تواتر آن تردیدی نیست.

۱۰- «کشف تام محمدی (ص)»

منظور از تنزل قرآن از مقام شامخ احدیت به کشف تام محمدی این است که قرآن کلام خداوند متعال است و بدون واسطه، انسانها استعداد و توان گرفتن پیام و کلام را ندارند بلکه به واسطه تنزل این کلام از آن مقام ربوبی و تبلور آن در وجود اقدس احمدی - صلوات الله علیه - و جاری شدن کلمات بر زبان آن حضرت تعبیر به کشف تامه شده است.

حضرت امام در تفسیر سورة مبارکه حمد فرموده‌اند که:

«أَمَّا يُعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» قرآن را هم آنکه مخاطبش هست می‌فهمیده چیست و معلوم است که «من خوطب به» قرآن را (می‌فهمد) در آن مرتبه‌ای که «نزل به الروح الأمين علی قلبک - انا انزلناه فی لیلۃ القدر» را غیر از خود او نمی‌تواند مشاهده کند. قضیه، قضیه ادراک عقلی نیست، قدم برهان نیست، قضیه مشاهده است، آن هم مشاهده غیبیه مشاهده با چشم نیست، مشاهده با نفس نیست، مشاهده با عقل نیست، با عقل (هرکس) نیست. با آن قلبی (است) که قلب عالم است، قلب نبی، مشاهده با آن است، او دریافته «أَمَّا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوطِبَ بِهِ» لیکن نمی‌تواند بیان کند مگر در لافاة امثله و الفاظ... (۱)

قرآن الفاظ نیست، از مقوله چیزهای سمعی و بصری نیست، از مقوله الفاظ نیست، از مقوله اعراض نیست، لیکن متنزلش کرده‌اند برای ماها که کور و کر هستیم، تا آنجایی که بشود این کور و کرها هم از آن استفاده‌ای بکنند. (۲)

(۱)- تفسیر سورة حمد (چاپ جامعه مدرسن): ص ۴۴ و ۴۵.

(۲)- همان. ص ۴۳ و ۴۴.

۱۱- حضرت آدم - علیه السلام - بنا به آیه شریفه «و علم آدم الاسماء کلها» (سورة بقره، آیه ۳۱) به تعلیم الهی عالم به اسماء (حقایق عالم هستی) شد و مستحق و لایق خلافت خدایی گردید.

منظور حضرت امام از ولیده علم الاسماء، انسان است که همگی از فرزندان حضرت آدم - علیه السلام - می‌باشند.

۱۲- «نهج البلاغه»

نهج البلاغه، کتابی است پر ارج که پس از «قرآن مجید» بهترین و مشهورترین کتاب دنیا، و آفتاب عالمتابی است که در آسمان علم و ادب پرتوافکن می‌باشد و اعجاب و شگفتی آن حتی بیگانگان از اسلام را برانگیخته است.

کتاب نهج البلاغه، شامل خطبه‌های امیرالمؤمنین و نامه‌ها و کلمات قصار آن بزرگوار است که به وسیله سید شریف رضی جمع‌آوری شده است.

علامه سید شریف رضی در مقدمه خویش بر نهج البلاغه آورده‌اند که:

«سخنان آن حضرت متضمن عجایب بلاغت و شگفتیهای فصاحت و گوهرهای ادبیات عربی و مطالب روشنی‌بخش دینی و دنیوی است و این همه امتیازات در هیچ کلامی جمع نشده و اینگونه سخنان جامع در هیچ کتابی گرد نیامده است، زیرا امیرالمؤمنین - علیه السلام - یگانه سرچشمه و منبع فصاحت و منشأ و مأخذ بلاغت است که رموز

بلاغت از آن حضرت آشکار شده و آیین و آدابش از او گرفته شده است....

سخنان آن حضرت پرتوی از علم الهی و نسیم خوشبوی و روحبخشی از سخنان پیامبر (ص) است... از جمله شگفتیهای ویژه آن حضرت که مخصوص خود اوست و در هیچ کسی نظیر آن پیدا نمی شود، چند بُعدی بودن سخنان اوست، زیرا اگر کسی سخنانی که از آن حضرت درباره زهد، مواعظ و پند و اندرز وارد شده، بدون توجه به قدرت و عظمت گوینده اش بخواند و خوب تأمل کند، بی گمان خواهد گفت این سخنان از آن کسی است که از امور دنیا بهره ای جز زهدات، و کاری جز عبادت نداشته است و خود در گوشه انزوا نشسته و سر در لاک خود برده و یا به دامن کوهی پناه برده و از جهان بریده است، که جز احساس خود چیزی نمی شنود و غیر از خود کسی نمی بیند و هرگز باور نمی کند که گوینده این سخنان، بزرگمردی است که شمشیر آتش را به دست، بی محابا در قلب میدان جنگ رخنه می کند و گردنهای گردنکشان را می زند و پهلوانان را به خاک و خون می افکند و هنگام برگشتن از میدان از نوک شمشیرش خون و لخته های دل آب شده می چکد، و با اینهمه پارساترین پارسایان و پاکبازترین پاکبازان و یگانه لنگر دوران است و این از فضایل شگفت انگیز و ویژگیهای لطیف آن حضرت است که صفات متضاد در وجودش جمع شده و امور مختلفه را در یک مرکز گرد آورده است...»

۱۳- «قرآن صاعد»

حضرت امام این تعبیر را در مواردی برای ادعیه ای که از ائمه - علیهم السلام - وارد شده است، ذکر فرموده اند: «... ادعیه ائمه هدی دعاهای آنها، همان مسائلی را که کتاب خدا دارد، دعاهای آنها هم دارد با یک زبان دیگر. قرآن یک زبان دارد، یک نحو صحبت می کند و همه مطالب را دارد منتها بسیاری اش در رمز است که ما نمی توانیم بفهمیم و ادعیه ائمه - علیهم السلام - یک وضع دیگری دارد، به تعبیر شیخ عارف و استاد ما [حضرت آیت الله شاه آبادی - رضوان الله تعالی علیه] ادعیه کتاب صاعد است، قرآن صاعد؛ تعبیر می فرمود به اینکه قرآن کتاب نازل است که از آن جا نزول کرده است و ادعیه ائمه کتاب صاعد است، همان قرآن است رو به بالا می رود... کسی که بخواند بفهمد که مقامات ائمه چی است، باید رجوع کند به آثار آنها، آثار آنها ادعیه آنهاست، مهمش ادعیه آنهاست و خطابه هایی که می خوانند...»

(بیانات حضرت امام در جمع رؤسای سه قوه - ۶۶/۸/۱۹)

۱۴- «مناجات شعبانیه»

عالم جلیل القدر، علی بن طاووس این دعا را در اعمال ماه شعبان از حسین بن محمد «ابن خالویه» نقل می کند و می نویسد امیرالمؤمنین و فرزندان او - سلام الله علیهم - همیشه این دعا را در ماه شعبان می خواندند.

(اقبال الاعمال، ص ۶۸۵) (مفاتیح الجنان، اعمال ماه شعبان)

حضرت امام خمینی می فرمایند:

«مناجات شعبانیه از بزرگترین مناجات و از عظیمترین معارف الهی و از بزرگترین اموری است که آنهایی که اهلش هستند می توانند تا حدود ادراک خودشان استفاده کنند... این از دعاهایی است که من غیر از این دعا ندیدم که همه ائمه - روایت شده است که همه - این دعا را، این مناجات را می خواندند. این دلیل بر بزرگی این مناجات است که همه ائمه این مناجات را می خواندند.»

(بیانات حضرت امام در جمع روحانیون، مسئولان و مقامات لشکری و کشوری به تاریخ ۶۲/۳/۷)

۱۵- «دعای عرفات»

دعای گرانقدر «عرفه»، مناجاتی است که حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در بعد از ظهر روز عرفه، در زیر آسمان در صحرای عرفات در حالی که مانند باران اشک می ریختند قرائت کردند. (اقبال الاعمال - اعمال روز عرفه، ص ۳۳۹ -

زادالعماد، ص ۲۶۵ - مفاتیح الجنان، اعمال روز عرفه).

این دعا بیانگر راز و نیاز عاشقانه سرور آزادگان و سالار شهیدان با محبوب و معبود خود خالق یکتاست و شامل مفاهیم پس بلند و عمیق است.

۱۶- «صحیفه فاطمیه»

قال الصادق (ع): «إِنَّ فَاطِمَةَ مَكَتَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْمًا وَقَدْ كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَبِيهَا، وَ كَانَ جَبْرِئِيلُ يَأْتِيهَا فَيَحْسِنُ عَزَاهَا عَلَى أَبِيهَا، يَطِيبُ نَفْسَهَا، وَ يُخَبِّرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ وَ يُخَبِّرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلَى يَكْتُبُ ذَلِكَ فَيُصَحِّفُ فَاطِمَةَ».

امام صادق - علیه السلام - فرمود: فاطمه (ع) بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) بیش از ۷۵ روز زنده نماند، و غم جانسوز داغ پدر قلب او را لبریز کرده بود، به این جهت جبرئیل پی در پی به حضورش می آمد، و او را در عزای پدر سلامت باد می گفت، و تسلی بخش خاطر غمین زهرا (ع) بود، و گاه از مقام و منزلت پدر بزرگوارش سخن می گفت، و گاه از حوادثی که بعد از رحلت او بر ذریه اش وارد می گردید خبر می داد، و امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - نیز آنچه جبرئیل املا می کرد همه را به رشته تحریر در می آورد، و مجموعه این سخنان است که به مصحف فاطمه موسوم گردید. (الاصول من الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱). در روایت دیگری در کتاب کافی، از امیرالمؤمنین (ع) نقل شده است که: «در این مصحف مسائل شرعی از حلال و حرام مطرح نیست، بلکه دانشی است از آنچه واقع شده و یا به وقوع خواهد پیوست».

۱۷- «باقر العلوم»

اسم مبارک آن بزرگوار محمد، و لقب مشهور او باقر است که حضرت رسول (ص) آن حضرت را طی روایاتی به این لقب ملقب فرمود. کنیه مشهور آن حضرت، ابی جعفر و عمر مبارک ایشان ۵۷ سال بود.

امام باقر دو امتیاز در میان ائمه - علیهم السلام - دارد.

اول، جد پدری ایشان امام حسین (ع) و جد مادری آن حضرت امام حسن (ع) است. از این جهت در حق ایشان

گفته شده:

«عَلَوِيٌّ مِنْ عَلَوِيَّيْنِ وَ فَاطِمِيٌّ مِنْ فَاطِمِيَّيْنِ وَ هَاشِمِيٌّ مِنْ هَاشِمِيَّيْنِ». امتیاز دیگر آنکه وی پایه گذار انقلاب فرهنگی شیعه محسوب می شود. گرچه انتشار معارف شیعه به دست امام صادق (ع) صورت گرفت ولی به دست امام باقر پایه گذاری شد. در دوران امام باقر (ع) دولت بنی امیه رو به زوال بود، مردم از آنها متنفر بودند. به علت وجود کسی چون عمر بن عبدالعزیز، که علاوه بر اینکه نفع بزرگی برای شیعه داشت ضرر بزرگی نیز برای بنی امیه داشت و اختلاف شدیدی که در ممالک اسلامی پدید آمده بود و هر کسی از گوشه ای قیام می کرد، خلفا به سرعت تغییر می کردند - چنانکه در مدت امامت امام باقر (ع) در مدت نوزده سال پنج خلیفه روی کار آمدند: ولید بن عبدالملک، سلیمان بن عبدالملک، عمر بن عبدالعزیز، یزید بن عبدالملک، هشام بن عبدالملک - پس موقعیت مناسبی برای آن حضرت که از ظلم بنی امیه فارغ شده بود، پدید آورد که انقلاب علمی را آغاز نماید و بزرگانی از عامه و خاصه در اطراف ایشان جمع شدند و حقایق اسلام، لطایف اسلام و بالآخره معارف اسلام را منتشر کردند، از این جهت رسول اکرم (ص) به ایشان لقب «باقر» داده است. صاحب لسان العرب می گوید: «لُقِبَ بِهِ لِأَنَّهُ بَقَّرَ الْعِلْمَ وَ عَرَفَ أَصْلَهُ وَ اسْتَنْبَطَ فَرْعَهُ وَ تَوَسَّعَ فِيهِ، وَ التَّبَقُّرُ التَّوَسُّعُ» امام باقر ملقب به این لقب است چون شکافنده علم است، پایه علوم اسلامی را شناخت و فروع آن را درک فرمود و آن را توسعه داد و ریشه تبقر به معنی توسعه است.

عامه و خاصه نقل می کنند که رسول اکرم (ص) به جابر بن عبدالله انصاری فرموده است: «يَا جَابِرُ يَوْشِكُ أَنْ تَبْغِيَ حَتَّى تَلْقَى وَلَدًا مِنَ الْحُسَيْنِ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدٌ يَبْقُرُ عِلْمَ النَّبِيِّينَ بَقْرًا، فَإِذَا لَقَيْتَهُ فَأَقْرَأْهُ مِنِّي السَّلَامَ» ای جابر، تو زنده می مانی، مردی از اولاد حسین را که نامش محمد است ملاقات می کنی که او علم انبیا را می شکافد. هنگامی که او را دیدی سلام

را به او برسان.

(چهارده معصوم علیهم السلام، آیت الله مظاهری، ص ۸۴)

۱۸- «صهیونیست جهانی»

صهیونیست، تفکری متعصب متعلق به سرمایه داران افراطی یهود است که در اواخر قرن گذشته در اروپا به وجود آمد و اکنون به ایدئولوژی رسمی رژیم اشغالگر قدس تبدیل شده است. این نام از «صهیون» نام کوهی در نزدیکی اورشلیم گرفته شده است.

صهیونیسم مبتنی بر تبعیض نژادی است و قوم یهود را دارای وضع استثنایی در جهان می داند که به عنوان قوم برگزیده خدا دارای رسالتی ویژه است. براساس این تفکر، در سال ۱۸۹۷ میلادی جمعیتی به نام سازمان جهانی صهیونیسم به وجود آمد که هدف خود را انتقال یهودیان جهان به فلسطین اعلام کرد. این سازمان اکنون دارای قدرت مالی زیادی، برابر با دارایی بزرگترین شرکت های انحصاری جهان است و مرکز آن در ایالات متحده امریکاست و فعالیت جمعیت های صهیونیست را در بیش از شصت کشور جهان کنترل می کند. در حال حاضر نزدیک هجده سازمان صهیونیستی در دنیا فعالیت دارند. همچنین در امریکا ۲۸۱ سازمان ملی یهودی، ۲۵۱ فدراسیون محلی یهودی و نیز انواع مجامع مشورتی، صندوق و غیره وجود دارد. دولت امریکا یکی از حامیان اصلی صهیونیسم جهانی است. سازمان صهیونیسم دارای مراکز اطلاعات و جاسوسی در اکثر کشورهای جهان است که این مراکز با سازمان جاسوسی موساد و سازمان سیا در ارتباط هستند.

مهمترین و کارسازترین حربه صهیونیسم جهانی بهره گیری از رسانه های عمومی در سراسر دنیاست و مجموعاً ۱۰۳۶ روزنامه و مجله در اختیار صهیونیسم جهانی می باشد که معروفترین آن روزنامه «نیویورک تایمز» است.

۱۹- «اسرائیل بزرگ»

پیروان صهیونیسم از ابتدای پیدایش یک هدف اساسی و عمده را دنبال می کردند و آن تشکیل یک دولت یهودی یا حکومت جهانی تحت سلطه یهود با عنوان اسرائیل بزرگ در فلسطین بود. بر این اساس پس از تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی، صهیونیستها درصدد ایجاد اسرائیل بزرگ برآمدند و برای توجیه این سیاست خود، آن را مطابق تعالیم تورات دانستند.

نقشه اسرائیل بزرگ بیشتر کشورهای اسلامی و یا بخشی از آنها را در برمی گیرد. نقشه مزبور در گزارش پژوهشی «بنیامین مارزار» که تحت نظارت دولت اسرائیل منتشر شد وجود دارد. در نقشه مزبور، حدود اسرائیل را از نیل تا فرات قرار داده اند و اسرائیل همه خلیج فارس، شمال عراق، مسقط، عمان، نجد، ترکیه، سوریه، جنوب لبنان، شرق فلسطین، غرب اردن، بخشی از مصر و جنوب سودان را شامل می شود. به علاوه نقشه بزرگتر اسرائیل که می تواند مرحله بعد از پیاده شدن طرح اسرائیل بزرگ باشد، کردستان، منطقه جنوب شرقی ایران، جنوب غربی افغانستان، و بخشی از شمال غربی پاکستان را نیز شامل می گردد.

۲۰- «حسین اردنی»

حسین بن طلال در چهارم نوامبر ۱۹۳۵ میلادی در امان متولد شد. دوران کودکی خود را در کودستان انگلیسی ها در امان گذراند، سپس در مدرسه ویکتوریا در شهر اسکندریه در مصر به تحصیل پرداخت و تحصیلاتش را در مدرسه هاروارد انگلستان ادامه داد. در سال ۱۹۵۱ میلادی پدر بزرگش عبدالله به دست یک جوان انقلابی فلسطینی به قتل رسید. نفوذ وی در خاندانش و سیاست انگلستان اقتضا کرد که سلطنت در این خاندان باقی بماند، لذا با کمک انگلستان، طلال پدر حسین به پادشاهی رسید و نیز حسین ولیعهد اردن شد.

چند ماه پس از به قدرت رسیدن طلال، در ۱۱ اوت ۱۹۵۱ میلادی پارلمان فرمایشی اردن وی را از حکومت عزل

کرد و شاه حسین را به جای وی بر تخت حکومت نشاند، بعد از این انتخاب، شاه حسین رهسپار انگلیس شد و در ۲ می ۱۹۵۱ میلادی به اردن بازگشت و حکومت را در دست گرفت. او در طول حکومتش همواره از حمایت انگلستان برخوردار بود.

به دنبال خروج انگلیس از شرق کانال سوئز و جایگزینی تدریجی آمریکا در منطقه، وی از حمایت آمریکا برخوردار گردید. سیاستهای حکومت شاه حسین در منطقه خاورمیانه، همواره دنباله‌روی از سیاستهای آمریکا و انگلیس در منطقه بوده است. در سال ۱۹۶۷ میلادی که جنگ اعراب و اسرائیل آغاز شد، با خیانت شاه حسین صهیونیستها توانستند کرانه غربی رود اردن را اشغال و به خاک اسرائیل ضمیمه کنند. در نتیجه چهارصد هزار فلسطینی آواره و به اردن رانده شدند. در این برهه شاه حسین نه تنها در جهت حقوق حق مردم فلسطین قدمی برنداشت بلکه با فاجعه سپتامبر ۱۹۷۰ میلادی که به سپتامبر سیاه مشهور شد با کشتار مردم مظلوم و آواره فلسطین در خاک اردن، لکه ننگی برای همیشه در پیشانی حکومت اردن باقی گذاشت.

۲۱- شاه حسن مراکشی فرزند سلطان محمد پنجم در سال ۱۹۲۹ میلادی به دنیا آمد، وی تحصیلات خود را در فرانسه گذرانیده است و بعد از درگذشت پدرش به نام سلطان حسن دوم به پادشاهی رسید. بعد از به قدرت رسیدن سلطان حسن دوم، روابط فرانسه با مراکش همان گونه که انتظار می‌رفت، گسترش یافت و مراکش بیش از گذشته مورد تهاجم فرهنگ غرب قرار گرفت و دولت مراکش نیز در بخشهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی از حمایت فرانسه برخوردار گردید.

گفتنی است که انور سادات رئیس جمهور خائن و معدوم مصر از طریق شاه حسن با صهیونیستها آشنا شد. چرا که وی دارای روابط دیرینه با آنان است و همه ساله کنفرانس یهودیان در مراکش برگزار می‌شود، شاید این تنها کشور عربی است که صهیونیستها تا این اندازه در آن رسماً آزادی عمل دارند تا آنجا که در سال ۱۹۹۱ میلادی شاه حسن یک یهودی بنام «اندره ازولی» را به سمت مشاور عالی خود انتخاب کرد.

۲۲- حسنی مبارک در سال ۱۹۲۸ میلادی در استان المنوفیه مصر به دنیا آمده است. در سال ۱۹۴۷ میلادی وارد دانشگاه علوم نظامی شد و دوران آموزش خلبانی را در آنجا گذراند، بعداً برای تکمیل آموزش خود به شوروی رفت. در سال ۱۹۷۲ میلادی وی فرمانده کل نیروی هوایی گردید و در هنگام جنگ اکتبر اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ میلادی، حسنی مبارک فرمانده نیروی هوایی مصر بود.

وی یکی از نزدیکان انور سادات، بانی قرارداد ننگین کمپ دیوید بود و در ملاقاتهای مهم وی حضور داشت. درباره زندگی او گفتنی است که وی با یک دختر انگلیسی به نام سوزان ازدواج کرده است و دارای دو فرزند به نامهای علاء و جمال می‌باشد.

مبارک پس از ترور سادات توسط سرهنگ انقلابی، شهید خالد اسلامبولی در سال ۱۹۸۱ میلادی، زمام امور مصر را به دست گرفت.

وی پس از جایگزینی اعلام کرد که تمامی سیاستهای سادات را در زمینه‌های داخلی و خارجی دنبال خواهد کرد و در سال ۱۹۸۲ در مصاحبه با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی آمریکا گفت که:

«دروازه‌های ما به روی دوستان اعراب باز است اما نه به قیمت از دست رفتن روابطمان با اسرائیل، ما می‌توانیم نقش خوبی را برای رفع هرگونه تشنجی که در هر زمان برای دوستان عرب و اسرائیلی ما به وجود بیاید ایفا کنیم».

۲۳- «احکام اولیه و ثانویه»

عناوینی که - یعنی افعال و ذواتی که - بر آن حکم شرعی قرار می‌گیرد، دو حالت دارد:

الف) حالت اول، «عنوان» صرف نظر از هرگونه حالت و وصف برای آن می‌باشد، حکمی که برای آن قرار داده

می شود «حکم اولی» نام دارد.

ب) حالت دوم «عنوان» در صورتی که برای وی وصف و حالت جدیدی مثل اضطراب، اکراه، حرج، ضرر، فساد و ... حاصل شود که در آن صورت حکم آن «ثانوی» نامیده می شود. مثلاً خوردن گوشت مردار به عنوان اولی حرام است ولی اگر شخصی در حالت اضطراب قرار گرفت خوردن آن جایز است.
(اصطلاحات الاصول، تألیف آیت الله علی مشکینی، ص ۱۲۴)

۲۴- «ملی گرایی»

تمایلات ملی به طور مطلق مطرود و نادرست نیست، بلکه آن نوع گرایشات ناسیونالیستی که باعث جدا ساختن نژادها و ملیتها از یکدیگر و ایجاد تفرقه و چند دستگی است مطرود می باشد، بدیهی است که اگر ملیگرایی در حد یک احساس ساده دوستی نسبت به آب و خاک و وطن و ملت خلاصه شود و به صورت یک بت مورد پرستش واقع نشود و همه حقایق الهی فدای آن نگردد، چیز مذمومی نخواهد بود ولی اگر بنا باشد این احساسات جایگزین حقایق و ارزشهای انسانی و اسلامی شده و به عنوان یک ارزش والا مورد توجه و عنایت مفرط قرار گیرد و به صورت یک مکتب و مسلک درآید، جز گمراهی و شرک و فساد به بار نخواهد آورد و اسلام با چنین گرایشاتی بشدت مبارزه می کند.

(خدمات متقابل ایران و اسلام)

استاد شهید مرتضی مطهری - رحمه الله علیه - در اینباره می نویسد:

«ناسیونالیسم آنگاه عقلاً محکوم است که جنبه منفی به خود می گیرد یعنی افراد را تحت عنوان ملیتهای مختلف از یکدیگر جدا می کند، روابط خصمانه ای میان آنها به وجود می آورد و حقوق واقعی دیگران را نادیده می گیرد...»
حضرت امام - سلام الله علیه - مکرر خطر ملیگرایی و گرایشات ناسیونالیستی را گوشزد نموده، آن را عامل تفرقه و جدایی بین ملتها و سدی برای پیشرفت اسلام معرفی کرده اند: «... با دست حکومتهای فاسد این نژادپرستها و گروه پرستها در بین مسلمین رشد کرده عربها را در مقابل عجمها، عجمها را در مقابل ترکها، و ترکها را در مقابل دیگران قرار دادند و همه نژادها را در مقابل هم. اینکه من مکرر عرض می کنم این ملیگرایی اساس بدبختی مسلمین است برای این است که این ملیگرایی ملت ایران را در مقابل سایر ملتهای مسلمین قرار می دهد و ملت عراق را در مقابل دیگران و ملت کذا در مقابل کذا، اینها نقشه هایی است که مستکبرین کشیدند که مسلمین با هم مجتمع نباشند...».

۲۵- «حدود و تعزیرات»

حدود جمع حد و در لغت به معنی منع، کناره فاصله بین دو چیز و انتهای هر چیزی است. تعزیرات جمع تعزیر و در لغت به معنای نکوهش کردن و ملامت کردن است. در تعریف اصطلاحی حد و تعزیر، محقق حلی می فرماید: کُلُّ مَالَةٍ عَقُوبَةُ مَقْدَرَةٍ يَسْمَى «حَدًّا» وَ مَا لَيْسَ كَذَلِكَ يُسَمَّى تعزيراً.
حد: هرگاه در شرع مقدس برای تخلفی، مجازات معینی قرار داده شده باشد آن را «حد» گویند مثل مجازات دزدی و آدمکشی

تعزیر: و هرگاه برای تخلفی مجازات معینی مشخص نشده باشد آن را «تعزیر» می گویند و تعیین مقدار آن بر عهده قاضی و حاکم شرع است.

(شرح لمعه، شهید ثانی، کتاب الحدود و التعزیرات) (شرایع، محقق حلی، کتاب الحدود و التعزیرات)
۲۶- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَالَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَافَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ».

ای کسانی که ایمان آورده اید چرا هنگامی که به شما گفته می شود به سوی جهاد در راه خدا حرکت کنید بر زمین

سنگینی می‌کنید (و سستی به خرج می‌دهید) آیا به زندگی دنیا به جای آخرت راضی شده‌اید! با اینکه متاع زندگی دنیا در برابر آخرت چیز کمی بیش نیست.

«إِلَّا تَنْفَرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَ يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

اگر (به سوی میدان جهاد) حرکت نکنید، (خداوند) شما را مجازات دردناکی می‌کند و گروه دیگری غیر از شما را به جای شما قرار می‌دهد، و هیچ زیانی به او نمی‌رسانید، و خداوند بر هر چیزی توانا است.

(سوره توبه، آیه ۳۸ و ۳۹)

۲۷- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع): وَ لَقَدْ كَذَّبَ عَلِيُّ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - عَلَى عَهْدِهِ حَتَّى قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ: «مَنْ كَذَّبَ عَلِيَّ مُتَعَمِّدًا فَلْيَبْتَئِرْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».

و به تحقیق در زمان رسول خدا - صلی الله علیه و آله - به آن حضرت دروغها بستند تا اینکه به خطبه خواندن ایستاد و فرمود: «هر که از روی عمد و دانسته به من دروغ بزند، در آتش جهنم قرار خواهد گرفت».

(نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۲۰۱)

۲۸- «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

شما اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را (همه جا) یاری کند و (در جنگها فاتح سازد و بر حوادث) ثابت قدم گرداند.

(سوره محمد، آیه ۷)

۲۹- «سازمان چریکهای فدایی خلق»

سازمان کمونیستی چریکهای فدایی خلق در سال ۱۳۴۹ ه. ش. توسط جوانانی که از سیاستهای حزب توده وابسته به شوروی ناراضی بودند تشکیل گردید و سلسله جبال البرز بخصوص جنگل سياهکل را به عنوان مرکز عملیاتی انتخاب و دست به تحریک روستاییان منطقه علیه رژیم زدند که با تلاش رژیم شاه این سازمان در اوایل سال ۱۳۵۴ و ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۵ شکست سختی را متحمل شد و از هم پاشید. پس از این شکست جز چند ترور و درگیری با نیروهای پلیس فعالیتی از آنان دیده نشد. با آغاز انقلاب اسلامی، و ایجاد فضای مناسب، سازمان دست به تجدید تشکیلات زد و از اوایل سال ۱۳۵۷ مبارزاتش را بر علیه ارتش و نیروهای انقلابی افزایش داد. که در مقایسه با امواج توفنده و خروشان مردم که در سایه رهنمودهای پیشوا و منجی خویش، حضرت امام خمینی، پایه‌های ستم را به لرزه در آورده بودند، به حساب نمی‌آمدند. با پیروزی انقلاب اسلامی، این سازمان با وجود نداشتن پایگاه مردمی، بر اصول و مرام وارداتی خود پای می‌فشرد لذا همگام با استکبار جهانی به ضدیت با انقلاب اسلامی پرداخت و دست به ترور افرادی عادی و نیروهای مذهبی زد، با کشف پایگاهها و خانه‌های تیمی آنان، سازمان به دو شاخه اقلیت و اکثریت تقسیم شد. که «اکثریت» هماهنگ با مواضع حزب توده، اصل را بر مذاکره سیاسی به جهت کسب وجهه قرار دادند و «اقلیت» بر مبارزه مسلحانه پای فشرده و کردستان را جهت تداوم عملیات انتخاب کردند. سرانجام با تلاش پیشمرگان مسلمان کرد و نیروهای مدافع انقلاب، آنان منطقه را ترک و به خارج از کشور گریختند.

۳۰- «حزب توده»

حزب توده در سال ۱۳۲۰ ه. ش. بر بقایای حزب عدالت که در سال ۱۲۹۹ ه. ش. پس از ورود ارتش سرخ به رشت ایجاد شده بود، تشکیل گردید. به دنبال سیاستی که قوام السلطنه برای تخلیه ایران در پیش گرفته بود سه وزیر کمونیست وارد کابینه او شدند. با خروج قوای روس و شکست فرقه دموکرات آذربایجان و انشعابی که در داخل حزب در سال ۱۳۲۶ ه. ش. روی داد عده‌ای از اعضا، تر استقلال حزب از شوروی را مطرح ساختند. در بهمن سال ۱۳۲۷ بدنبال سوء قصد به جان شاه، که ضارب توده‌ای شناخته شد، حکومت نظامی اعلام و اعضای حزب دستگیر و حزب

غیرقانونی و منحل گردید. در سال ۱۳۲۸ ه. ش. حزب با اعلام مارکسیسم - لنینیسم به عنوان مرام حزبی، رویه خود را کاملاً آشکار ساخت. با آغاز جنبش ملی شدن صنعت نفت حزب توده با دو جناح کیانوری - قاسمی شکل گرفت که بعدها با سکوت در قبال کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ و فعالیتهای پشت پرده نقش مهمی در سقوط مصدق داشت. در مرداد ماه ۱۳۳۳ با دستگیری افسران شبکه نظامی و سایر شبکه‌های حزب توسط رژیم شاه، عده زیادی، از سوابق حزبی خود ابراز انزجار کردند و به همکاری با رژیم شاه و سازمان امنیت آن دست یازیدند. در هفتمین کنگره حزب در اوایل دهه پنجاه، حزب به تعریف و تمجید از رژیم و رویگردانی از مبارزه پرداخت. در سالهای ۵۰ تا ۵۶ ه. ش. که روحانیت با شیوه‌های نوینی مبارزه را آغاز کرده بود، حزب به تجدید سازمان پرداخت و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حزب پلنوم شانزدهم خود را در تهران برگزار و پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی اعلام کرد. هدف حزب پس از انقلاب اسلامی این بود که بتدریج جای پای در بین نیروهای انقلابی باز کرده و در ارکان اقتصادی و فرهنگی کشور نفوذ نمایند. سرانجام با دستگیری رهبران و کادرهای اصلی حزب توده، سیل اعترافات و تفرنامه‌ها آغاز شد و با اعترافات طولانی و گسترده افرادی چون کیانوری و طبری به جاسوسی و تلاش جهت نابودی نظام، ماهیت این حزب بر همگان آشکار و به عمر سراسر خیانت ۴۲ ساله حزب توده در ایران پایان داده شد.

۳۱- «استالین»

ژوزف و سپاریونوویچ جوگاشویلی، معروف به استالین، ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ در گرجستان به دنیا آمد. از سن پانزده سالگی با مکتب مارکسیسم آشنا شد و از آن به بعد وارد فعالیتهای سیاسی شد و بارها به خاطر این فعالیتها دستگیر و زندانی شد.

در سال ۱۹۰۷ میلادی در کنفرانس سوسیال دموکراتهای روسیه در لندن، لنین به او لقب استالین (پولاد به زبان روسی) داد.

سرق ۳۴۱۰۰۰ روبل از بانک تفلیس در ۲۶ ژوئن ۱۹۰۶ که بزرگترین سرقت تاریخ تا آن وقت بود، او را قهرمان مشهوری در بین کمونیستها ساخت.

در سال ۱۹۱۲ میلادی حزب بلشویک رسماً تشکیل شد و استالین به پیشنهاد لنین به عضویت در کمیته مرکزی آن درآمد و بعداً روزنامه «زوزدا» و سپس «پراودا» را منتشر ساخت. به دنبال پیروزی انقلاب اکتبر به سمت رئیس سازمان بازرسی حزب از سوی لنین انتخاب شد و در سال ۱۹۲۲ میلادی به دبیر کلی حزب رسید و تشکیلات آن را قبضه کرد. لنین در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴ درگذشت و وصیتنامه او که حاوی اظهار عدم رضایت وی از استالین بود، به همراه مقالات تند وی علیه استالین، توسط بیوه لنین در اختیار «کامنف» قرار گرفت و او نیز در اختیار دفتر سیاسی حزب قرار داد که این امر خشم استالین را برانگیخته و مقدمه‌ای برای تصفیه‌های خونین بعدی وی گردید. در دسامبر ۱۹۲۷ در کنگره پانزدهم حزب با سخنرانی هفت ساعته استالین آهنگ تسریع در پیشرفت کمونیسم تصویب شد که اشتراکی کردن کشاورزی از پیامدهای آن بود که منجر به قتل ده میلیون کولاک یا کشاورزان مرفه دوران استولینین (از نخست وزیران مقتدر دوران تزاری) گردید. بعداً استالین تصفیه‌های خونینی را تا سال ۱۹۳۹ میلادی به راه انداخت که تنها در سال ۱۹۳۵ میلادی ۵۳۶۵۰۰ نفر کشته شدند. با وقوع جنگ دوم جهانی و اشغال لهستان، لیتوانی، لتونی و استونی استالین شوروی را به سوی یک قدرت جهانی پیش برد.

بالاخره این دیکتاتور بزرگ تاریخ در روز پنجم مارس ۱۹۵۳ به صورت مشکوکی درگذشت و حکومت سی ساله خفقان، ترور و کشتار وی پایان یافت.

۳۲- «حادثه آمل»

حادثه آمل به دنبال اعلام مبارزه مسلحانه مخالفین نظام نوپای اسلامی در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰، به وقوع پیوست.

اتحادیه کمونیستهای ایران که متشکل از مارکسیست - لنینیستهای چپ بودند با ارزیابی موقعیتهای جغرافیایی، جنگلهای آمل را مناسب برای عملیات چریکی تشخیص دادند و در آنجا استقرار یافتند. تصور واهی اتحادیه بر این بود که به خاطر وضعیت اجتماعی منطقه آمل و بافت دهقانی جمعیت اطراف آن، در صورت حمله به شهر، مقاومت پراکنده نیروهای انقلاب بسرعت سرکوب می شود و در مرحله دوم پس از قطع خطوط ارتباطی و تقویت نیروهای مخالف داخل شهر، دیگر مناطق مازندران به تصرف نیروهای اتحادیه درآمده و پس از آن آحاد مردم در یک زنجیره متشکل در سراسر ایران بپا می خیزند و رژیم جمهوری اسلامی را ساقط می کنند.

حمله آنها شب ششم بهمن آغاز شد. آنها به دو گروه تقسیم شدند.

گروه اول وارد شهر شده و به گشت زنی پرداختند و هر کس را به اصطلاح حزب اللهی و پاسدار تشخیص می دادند ترور می کردند. آنها سپس به کمیته انقلاب اسلامی شهر حمله بردند. مردم آمل که با صدای تیراندازی به خیابانها آمده و متوجه وقایع شده بودند، آماده مقابله گردیدند. صبح روز ششم بهمن حماسه مردم آغاز شد و مردم آمل با سنگربندی در شهر و مقابله با نیروهای اتحادیه آرایش آنها را برهم زدند. در نتیجه نیروهای اتحادیه که ایمان و مقاومت مردمی را در برنامه خود لحاظ نکرده بودند به گروههای کوچکتری تقسیم شدند ولی بر اثر شدت مقابله مردمی، ارتباط آنها از هم قطع و بالاخره تا غروب همان روز تارومار شدند. در این واقعه ۳۴ نفر از کمونیستها کشته و چند تن زخمی و سی نفر دستگیر شدند و از مردم شریف آمل نیز چهل نفر به شهادت رسیدند.

۳۳. «کمونیست امریکایی»

اصطلاح کمونیست امریکایی، در رابطه با عملکرد بعضی از احزاب چپ در کشورهای جهان و خصوصاً کشورهای اسلامی است. این احزاب در حالی که در ظاهر اعتقاد به اصول و مبانی کمونیسم دارند ولی در موضعگیریها و عملکردهای خویش در راستای سیاستهای غرب قرار دارند.

مانند بسیاری از احزاب کمونیستی ایران، نظیر پیکار، کومله، دموکرات که همسو با سیاستهای سازمان سیا در براندازی جمهوری اسلامی ایران تلاش کردند و از کمکهای مالی استخبار برخوردار بودند و در یک بررسی عمیقتر می توان گفت به طور کلی رودرویی کمونیستها با نهضت اسلامخواهی در ممالک اسلامی بویژه ایران، قطع نظر از شعارها، نوع روابط و وابستگی احزاب کمونیستی به کشورهای عضو بلوک کمونیسم در گذشته، همواره در راستای منافع و هماهنگی با سیاستهای خصمانه غرب و امریکا علیه انقلاب اسلامی قرار داشته است.

۳۴. «حزب دموکرات کردستان»

این حزب در سال ۱۳۲۲ ه. ش. با حمایت و تشویق شوروی سابق توسط قاضی محمد تشکیل شد. در بهمن ۱۳۲۴ قاضی محمد به عنوان دبیر کل حزب در راستای سیاستهای شوروی و تجزیه ایران در مهاباد تشکیل حکومت داد اما به دنبال توافق دولتین ایران و شوروی سابق، قاضی محمد به همراه برادرش سیف قاضی و حدود چهل تا پنجاه نفر از اعضای حزب اعدام شدند.

در سال ۱۳۳۸ فعالتهایی در جهت احیای حزب انجام شد که با شکست مواجه گردید.

باگذشت زمان و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران این حزب دوباره شروع به فعالیت نمود. رهبران جدید با استفاده از سابقه حزب و بهره برداری از ضعف دولت موقت و برخی خیانتها موفق شدند با تصرف تعدادی از پادگانهای نظامی و غارت سلاحها موقعیت خود را در قسمتهایی از کردستان تحکیم بخشند. از نظر ایدئولوژی، حزب دموکرات علی رغم تکیه بر مارکسیسم، اصالتی برای مبارزه طبقاتی قائل نیست و از همین رو فتودالها و خانهای محلی در داخل حزب و کادر رهبری آن از موقعیت ویژه ای برخوردار می باشند.

پس از انقلاب اسلامی، رهبری حزب با عبدالرحمن قاسملو بود. وی در سال ۱۳۳۸ با تعهد سپردن به ساواک شاه از

ایران خارج و به مدت پانزده سال در کشورهای شوروی، عراق و اروپای شرقی و فرانسه اقامت گزید و در فرانسه در مدرسه «السنة شرقیه‌ای» که یکی از وظایفش تربیت و پرورش جاسوس برای کشورهای مشرق زمین است، مشغول به فعالیت می‌شود در مدت اقامت در شوروی در بخش فارسی رادیو مسکو به سخن‌پراکنی مشغول، و در عراق نیز شغل مهم دولتی داشته است. خاندان وی از فنودالهای معروف منطقه می‌باشند.

قاسملو در روز دوشنبه ۱۳۶۸/۴/۲۲ شمسی در وین پایتخت اتریش به قتل رسید. استراتژی حزب دموکرات، تحت پوشش خودمختاری، انتزاع خاک کردستان از پیکره جمهوری اسلامی ایران است. این حزب همانند دیگر احزاب منطقه با انشعابات پی‌درپی که در درون ساختار آن ایجاد شده است در یک سردرگمی و بلاتکلیفی به سر برده و حیات آن به میزان زیادی به حیات حزب بعث و حامیان غربی آن بستگی دارد.

بر اساس اسنادی که از لائنه جاسوسی آمریکا در ایران به دست آمده و منتشر نشده‌است، دولت آمریکا در وارد آوردن فشار بر نظام نوپای اسلامی بیشترین استفاده را از حزب دموکرات کردستان برده است و همواره ایجاد اغتشاش در این منطقه و حمایت کامل از حزب دموکرات و دیگر گروه‌های محارب در کردستان، در برنامه سازمان سیا قرار داشته است.

۳۵- «حزب کومله»

بنا به ادعای این حزب، سال تأسیس آن ۱۳۴۸ ه. ش. می‌باشد اما نداشتن هیچ‌گونه فعالیتی تا سال ۱۳۵۷ ه. ش. و عدم وجود مدارک کافی این ادعا را مشکوک جلوه می‌دهد. در سال ۱۳۵۷ به دنبال کشته شدن فردی به نام محمد حسین کریمی که حزب، او را از خود می‌دانسته، اعلام موجودیت کرد و بدنبال آن در پی کسب وجهه و مانورهای مردم‌پسندانه با شعارهای دفاع از دهقان در مقابل فنودالهای منطقه «کرمو» از توابع سفر برآمد. با توجه به سوابق و روحیه و فرهنگ خاص حاکم بر منطقه، شعارهای عوام‌فریبانه آنان تا حد زیادی مؤثر واقع شد و جو ضد دولتی در منطقه به وجود آورد و به موازات آن با سلاحهایی که از پادگانهای منطقه غارت کرده و نیز کمکهایی که از سوی رژیم بعث به آنها می‌شد وارد جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی شدند. از نظر ایدئولوژی این حزب از نقطه نظرات مائو الهام گرفته است. به دنبال گسترش تحرک نظامی جمهوری اسلامی، تشکیلات گروهک مزبور از هم پاشیده و بقایای آنها به شهر بوکان پناه بردند.

حزب کومله با توجه به وابستگی‌اش به استکبار جهانی و کمکهای رژیم بعث به آن، هم صدا با بوقهای تبلیغاتی جهان بر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی موضع گرفت و ایران را آغازگر جنگ اعلام کرد. در طول دوران جنگ اعضای کومله مانند دیگر احزاب کمونیستی و منافقین، به عنوان ستون پنجم دشمن عمل کرده و برای دولت عراق مزدوری می‌کردند.

در زمینه اخلاقی، این حزب با طرح نظریه‌هایی چون «عشق آزاد» و ... درصدد موجه جلوه دادن مفاسد اخلاقی درون حزب برآمد.

به هر تقدیر تحولات جاری در منطقه کردستان و تحکیم قدرت دولت مرکزی در منطقه موجب گشت که حزب کومله در انزوا و اضمحلال کامل قرار گیرد. مردم ایران این حزب را در کنار منافقین به عنوان یکی از منفورترین احزاب خائن به ملت و انقلاب اسلامی می‌شناسند.

۳۶- «شهید مدرس»

شهید سید حسن مدرس، در روستای «سرابه کچو» از توابع اردستان اصفهان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات در اصفهان عازم عتبات عالیات شد و در نزد اساتید بزرگی چون آخوند خراسانی و میرزای شیرازی به ادامه تحصیل پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. مخالفت با ستمگریهای ظل السلطان (فرزند بزرگ ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان) او

را در امور سیاسی آبدیده کرد. در مجلس دوم به عنوان یکی از پنج نفر علمای طراز اول از سوی مراجع تقلید انتخاب شد و با حاج آقا نورالله نجفی (یکی از پنج نفر علمای طراز اول) به تهران آمد. در جریان قیام محمدعلی میرزا به همراه سایر مشروطه خواهان به مقاومت برخاست و در نتیجه این قیام با شکست رو به رو شد و به دنبال آن مصادره اموال شورشیان پیش آمد که با اولتیماتوم ۱۹۱۱ میلادی روسیه مواجه گردید. این اولتیماتوم با مخالفت شهید خیابانی و شهید مدرس رد شد. در قضیه مهاجرت که به دنبال اشغال بخشهایی از خاک ایران در جنگ جهانی اول به وقوع پیوست، وی تصدی دو وزارتخانه دولت آزاد در تبعید را به عهده داشت (۱۳۳۵ ه.ق). قرارداد ۱۹۱۹ میلادی که به دنبال پیروزی بلشویکها در روسیه و سعی انگلیس در روی کار آوردن دولتی مقتدر و وابسته در ایران، بین وثوق الدوله و کاکس منعقد شده بود با مخالفت شدید مدرس لغو گردید. در جریان کودتای ۱۲۹۹ ه. ش. رضاخان، بشدت با آن به مخالفت برخاست و این مخالفتها با رضاخان تا هنگام تبعید وی در ۱۶ مهرماه ۱۳۰۷ ادامه یافت و سپس، پس از ده سال در شهر کاشمر در عصر روز ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۱۶ ه. ش. با زبان روزه او را مسموم و به دستور رضا خان او را به شهادت می رسانند. آنچه که از مدرس در خلال حیات سیاسی اش به یادگار باقی مانده روحیه مقاومت و سازش ناپذیری او در مقابل قدرتهای شیطانی و یک عمر مجاهده در دفاع از اسلام و میهن اسلامی است. حضرت امام به کرات از شهید مدرس یاد می کرده اند و او را الگوی مبارزان و مجاهدان و مصداق بارز روحانیت انقلابی می دانست.

۳۷- «فاجعه ۱۴ اسفند»

فاجعه ۱۴ اسفند ماه ۱۳۵۹ تلاشی بود که از سوی عناصر وابسته و سازشکار برای بازگرداندن مسیر انقلاب به سوی یک رژیم مورد پسند غرب صورت گرفت.

در این روز بنی صدر رئیس جمهور اسبق و مخلوع با اعلام برگزاری مراسم بزرگداشت سالگرد درگذشت دکتر مصدق در دانشگاه تهران که از سوی گروهها و جمعتهای معارض حمایت می شد با سخنرانی تحریک آمیز خود، سعی در اغوای مردم و اتزوی نیروهای انقلابی داشت. این مراسم که از ساعت ۱۵:۴۰ دقیقه آغاز گشته بود منجر به درگیری بین شرکت کنندگان در مراسم و مخالفین آنها گردید.

در جریان درگیری بنی صدر با سخنان تحریک آمیز، هیجان جمعیت را بیشتر می کرد و گارد مخصوص او به همراه میلیشای منافقین خلق شروع به ضرب و جرح مخالفین نمودند. در این حادثه تعداد زیادی از مردم که در دانشگاه و بیرون دانشگاه به حمایت از آرمانهای انقلاب اسلامی شعار می دادند، به دستور بنی صدر مورد تهاجم قرار گرفته و تعداد زیادی زخمی شدند.

حادثه ۱۴ اسفند نقطه عطفی بود که صف بندی نیروهای انقلابی به رهبری امام خمینی با خطوط انحرافی را عمیقتر و آشکارتر کرد و همین حادثه و اعمال بعدی بنی صدر، موجبات جدایی کامل او را از ملت و نهایتاً پناه بردن علنی او به منافقین و سقوط و فرار وی را فراهم ساخت.

۳۸- «مانند رژیم کمونیسم و مارکسیسم»

به دنبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه و استقرار نظام کمونیستی در آن کشور، پهنه عظیمی از جهان، از بالتیک تا آدریاتیک در حصار آهنین اندیشه مارکسیستی گرفتار آمد. مظاهر این تفکر در خشونت، قتل و انهدام اندیشه های مخالف در شدیدترین وضع ممکن بود.

پس از مرگ لنین در سال ۱۹۲۴ میلادی و روی کار آمدن استالین، جهان شاهد آغاز وحشتناکترین کشتارها در تاریخ معاصر بود. استالین پس از نابود کردن رقبای سیاسی خود همچون تروتسکی، زنیوف، کامنف، و تثبیت قدرت خودش اقدام به پیاده نمودن برنامه پنج ساله اقتصادی خود جهت توسعه شوروی نمود. از سیاستهای اصولی این برنامه، لغو مالکیت های فردی و اشتراکی کردن سیستم کشاورزی بود. در راستای این سیاست، اقدام به درهم شکستن مقاومتها به

صورت وحشتناکترین شیوه‌های ضد بشری نمود. در ماجرای کولاکها و تبعید آنها به سبیری تنها ده میلیون نفر کشته شدند. در سال ۱۹۳۵ تحت نظر «یژوف» ۵۳۶۵۰۰ نفر به قتل رسیدند. استالین به نوعی بیماری به نام پارانو دچار بود که علائم آن جنون عظمت‌طلبی است. سیاست قتل و سرکوب در دوران زمامداران بعدی نیز ادامه یافت. در زمان برژنف حادثه بهار پراگ و تجاوز به چکسلواکی با کشتارهای وسیع همراه بود. بسیاری از جنایات هفتاد سال سلطه کمونیستها در این بخش از جهان، در دوران روی کار آمدن گورباچف برملا گردید. سرانجام لهیب آتش ظلم از زیر خاکستر سردرآورد و زبانه‌های سرکش آن کاخ ظلم را بر سر سرنشینان و اهل ظلمه آن یکسره ویران ساخت (سقوط شوروی و تجزیه آن).

۳۹- «احلی من العسل»

شیرینتر از عسل. این تعبیر در روایات در وصف آب نهر کوثر و برخی دیگر از نعمتهای بهشتی به کار رفته (بحارالانوار، ج ۸، ص ۱۸ از پیامبرگرامی (ص) و ص ۱۸۳ و ۱۸۹).

و همچنین این تعبیری است که قاسم بن حسن (ع) در شب عاشورا در جواب عموی خویش، حسین بن علی (ع) فرموده است... قاسم بن حسن (ع) به امام (ع) گفت: آیا من هم در کشته شدگانم؟ دل حسین (ع) بر او بسوخت و گفت: ای پسرک من! مرگ نزد تو چگونه است؟ گفت: ای عم! از انگبین شیرینتر. گفت: آری به خدا سوگند - عم تو فدای تو باد - تو یکی از آن مردانی که با من کشته شوند بعد از آنکه شما را بالای عظیم برسد.

(ترجمه نفس المهموم حاج شیخ عباس قمی، به قلم حاج میرزا ابوالحسن شعرانی)

۴۰- «ای کاش ما با شما بودیم و به رستگاری بزرگ نایل می‌گردیدیم».

این اقتباسی است از فراز آخر زیارت امام حسین (ع).

بخش ضمیمه

این بخش شامل:

نامه‌ها، پیامها، سخنرانیها و اسناد جدیدی است که در چاپهای قبل در صحیفه امام درج نشده است. برای جلوگیری از به هم ریختگی شماره صفحات مجلدات صحیفه امام (چاپهای پیشین)، اسناد و مدارک جدید در بخش ضمیمه در پایان جلد ۲۱ و همچنین به صورت جداگانه برای کسانی که دوره چاپ قبل را در اختیار دارند، منتشر می شود.

□ یادبود

زمان: ۱۲ مرداد ۱۳۱۶ / ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۵۶

مکان: تبریز، کتابخانه تربیت

کتابخانه دولتی تربیت تبریز را با آقایان حاجی آقا روح الله و حاجی میرزا ابوالفضل نجم آبادی و آقا سید صادق لواسانی سیاحت و برای استفادۀ مطالب علمی و ادبی بهترین محل، و زحمات مدیر و مؤسسين آن را قابل تمجید و اعجاب یافتیم.^(۱)

...^(۲) - الاحقر ابوالفضل نجم آبادی - سید صادق لواسانی - ابوالقاسم مجتهدی -

سید روح الله خمینی

۱- نسخه اصل: پیدا کردیم

۲- خوانده نشد.

□ نامه

زمان: ۱۸ آبان ۱۳۲۱ / ۲۹ شوال ۱۳۶۱

مکان: قم

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: ؟

فدایت شوم وقت را غنیمت شمرده این مختصر عرض ارادت و اخلاص نموده امید
است ان شاء الله مزاج شریف [به] سلامت مقرون و با سعادت قرین باشد. مخلص
بحمد الله سلامت و دعا گو هستم و امیدوارم که وضعیت آنجاها خصوصاً برای جنابعالی
خوب باشد.

سید روح الله خمینی

□ وصیتنامه^(۱)

زمان: بهمن ۱۳۳۱ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۷۲

مکان: قم

موضوع: تعیین وصی

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم فاطر السموات والارض؛ عالم الغيب والشهادة؛ الرحمن الرحيم؛ انّی اعهد اليك في دار الدنيا اني اشهد ان لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و انّ محمداً عبدك و رسولك و انّ علياً امير المؤمنين والحسن والحسين و التسعة المعصومين من ذريته حججك من بعد الرسول و ائمتي و انّ الجنة حق و النار حق و انّ البعث حق و الحساب حق و القدر حق و الميزان حق و انّ الدين كما وصفت و انّ الاسلام كما شرعت و انّ القول كما حدثت و انّ القرآن كما انزلت و انّك انت الله الحق المبين جزى الله عنا محمداً خيراً الجزاء و حيّا الله محمداً و آل محمد بالسلام. اللهم يا عدتي عند كربتي و يا صاحبي عند شدتي و يا ولي نعمتي الهی لا تكلني الى نفسي طرفه عين ابدأ فانك ان تكلني الى نفسي طرفه عين كنت اقرب من الشر و ابعد من الخير؛ و انس في القبر وحشتي واجعل لي عهداً يوم القاءك منشوراً.

و بعد اين وصيتي است که فقير عاصی گرفتار آمال و امالی و عبد ذليل راجی از فضل كريم سيد روح الله بن السيد مصطفى الخميني غفر الله لهما بفضلله الواسع می نماید در شب سه شنبه بیست و نهم شهر جمادی الثانيه هزار و سیصد و هفتاد و دو قمری هجری در صورتی که بحمد الله به سلامت و صحت است وصی خود قرار دادم فرزند خود مصطفى جعله الله فی العلماء العاملين و وفقه الله لما يحب و يرضی که پس از فوت من اقدام در امر تجهيز به طور مناسب و متعارف بکند و در کفنی که از منسوجات مسلمين است تکفينم

۱- این وصیتنامه و نیز وصیتنامه های دیگر که در سیر تاریخی اسناد درج شده، بعدها تغییر کرد. آخرین وصیتنامه (که معتبر می باشد) آن است که در سال ۱۳۶۸ ه. ش. پس از رحلت امام خمینی منتشر شد.

نماید و دو شعر منسوب به مولی الموالی - علیه صلوات الله - را (وفدت علی الکریم... الی) در پارچه بنویسند و برگردنم آویزند و اگر خلاف احترام نباشد در سنگ قبرم نیز مرقوم دارند و اگر وصی حال موت حاضر نباشد دیگر از بازماندگان یا مؤمنین از مال خودم اقدام کنند مأجورند ان شاء الله و در هر یک از مشاهد که فوت اتفاق افتاد همانجا دفن کنند و اگر در نزدیکی یکی از مشاهد اتفاق افتاد در صورت امکان به فوریت حمل کنند به آنجا و دفن کنند و وصی حسب متعارف مجلس ترحیم تشکیل دهد و قروض هر چه دارم باید بدهد از مال خودم و اگر در خمین هم قرض داشته باشم حسب اطلاع اخوان محترم ادا باید بشود و دو سال صوم و پنج سال نماز احتیاط استیجار کنند شخص متدینی از اهل علم را. و اکنون یک فرزند غیر بالغ به نام احمد دارم و وصی من قیّم اوست از طرف من تا وقت رشد و بلوغ. و منزل مسکونی که در محله یخچال قاضی دارم پس از من بین مخدره عیالم والده اولادم و دو نفر فرزند ذکور او مصطفی و احمد مشترک باشد برای هر کدام (مخفی نباشد که یک دانگ از خانه مزبور را مهریه عیال مصطفی کردم بنابراین ایشان یعنی مصطفی پس از من یک دانگ از خانه مسکونی را دارند) دو دانگ آن را قرار دادم و دو دانگ عیالم در ازای مهریه ایشان است و اگر زیاده بر مهریه است نیز به ایشان واگذار کردم و اثاثیه منزل نیز هر چه هست که مربوط به خود من است و اگذار کردم مابین سه نفر و بقیه ماترک که املاک مختصری در کمره است بین جمیع ورثه کما فرض است باید تقسیم شود و چون دو صبیّه دارم در منزل اگر اجل به من مهلت نداد که آنها را به شوهر دهم باید به اندازه ای که به صبیّه بزرگم جهیزیه دادم به این دو نفر نیز از میانه جمیع اموال داده شود (منظور آن است که به هر یک از این دو نفر نیز به اندازه صبیّه بزرگم جهیزیه بدهند) و کتابهایی که دارم پس از من مال مصطفی است و کسی را در آنها حقی نیست و اگر میسور شد بدون زحمت و کلفت کتابهایی که تصنیف کردم به تدریج طبع کنند خصوص کتاب آداب الصلوة و اربعین را بیشتر در نظر داشته باشند برای طبع لکن وصیت راجع به طبع کتب مطلقاً الزامی نیست.

و وصیت مهم من به همه اولادهایم خصوص مصطفی آن است که با مادرشان سازگار

و مهربان باشند و رضایت خاطر ایشان را به عمل آورند زیرا ایشان به همه ماها حقوق فراوان دارند و ادای آن برای من میسر نشده است؛ فرزندان من باید به اطاعت و جلب رضایت ایشان خدای تعالی را راضی کنند و بدانند رضایت من از آنها منوط به رضایت مادرشان است و نیز خود فرزندان من باید با یکدیگر مهربان و گرم باشند و آنها مطیع برادر بزرگ خود و ایشان مهربان با آنها باشد و نیز احمد را وصی من که قیم منصوب است سرپرستی و تربیت کند و در شغل‌های دولتی نگذارد وارد شود و در مدارس که مظنه فساد است او را نفرستد و اگر صلاح ندیدند اشتغال به تحصیل علوم دینی پیدا کند دنبال صنعتی و یا کسبی که رضایت خداوند تعالی در آن است او را نفرستند. امید است خداوند تبارک و تعالی با عنایت و رحمت خود با من و شماها رفتار فرماید و عاقبت امر همه شما را به خیر و سعادت قرار دهد و همه شما را در حمایت خود حفظ فرموده و در دنیا و آخرت با سعادت و خیر قرینتان فرماید. انه ولی الفضل والانعام. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

[بسم الله الرحمن الرحيم. اعتراف نمود حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای حاج آقا روح الله - مدظله العالی - به آنچه در این ورقه مرقوم فرموده‌اند در تاریخ دوم رجب ۱۳۷۲. [امضای] مرتضی بن عبدالکریم الحائری - عفی الله عنهما - من الاحقر حسن گلپایگانی - الاحقر ریحان الله نجفی گلپایگانی]

چون یک بیرونی مختصری جنب اندرون ساختمان نمودم حال بیرونی نیز حال اندرون است در اینکه دو دانگ مال عیالم است و دو دانگ مال مصطفی است و دو دانگ مال احمد است.

روح الله الموسوی الخمینی

و چون یک دانگ از عمارت مهریه عیال مصطفی صبیح محترمه آقای حائری است مصطفی دارای یک دانگ خواهد بود.

روح الله الموسوی الخمینی

و چون یکی دیگر از صبا یا شوهر رفته است و صبیّه کوچک در منزل است باید به اندازه یکی از آن دو صبیّه به ایشان جهیزیه داده شود و نیز عوض پنج سال نماز که وصیت کرده ام صیام بدهند هر چند سال که شد.

روح الله الموسوی الخمینی

بسمه تعالی

مخفی نماند که اثاث البیت هر چه هست از فرش و ظروف و غیره به استثنای کتب متعلق به مخدّره محترم عیالم صبیّه آقای ثقفی است.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: احتمالاً قبل از سال ۱۳۴۰ هـ. ش. / ۱۳۸۱ هـ. ق.

مکان: قم

موضوع: پیام تشکر و احوالپرسی

مخاطب:؟

بسمه تعالی

فدایت شوم از الطاف و زحمات سرکار متشکرم. حالم بحمدالله خوب است. مرقوم
آقای دکتر را فرستادم نزد دکتر علوی که بفرستید تهیه کنند. سلامت مزاج شریف را
خواستار است.

روح الله الموسوی الخمينی

□ مصاحبه^(۱)

زمان: ۱۴ فروردین ۱۳۴۰ / ۱۶ شوال ۱۳۸۰

مکان: قم

موضوع: وضعیت حوزه علمیه قم پس از رحلت آیت الله بروجردی

مصاحبه کننده: خبرنگاران روزنامه کیهان

اکنون اعضای حوزه سرگرم عزاداری هستند؛ لکن پس از تخفیف مجالس سوگواری مدرسین کار خود را آغاز خواهند کرد. حوزه علمیه قم را خدا حفظ می کند. قبل از مرحوم آیت الله به دست دیگران محفوظ شد و بعد از ایشان هم امر با خداست، ان شاء الله خداوند آن را حفظ خواهد کرد.

۱- اعضای هیأت خبرنگاران اعزامی کیهان به قم با علمای اعلام و شخصیت های مذهبی طراز اول در قم تماس گرفتند و با هر یک درباره موقعیت حوزه علمیه قم پس از رحلت آیت الله بروجردی و نحوه اداره آن در آینده، مصاحبه ای به عمل آوردند. علمایی که در این مصاحبه شرکت کردند، عبارتند از: امام خمینی، سید محمد رضا گلپایگانی، سید کاظم شریعتمداری، سید محمد محقق یزدی (معروف به داماد). مأخذ: کیهان، ۱۵ فروردین ۱۳۴۰، ص ۱ و ۲.

□ نامه

زمان: ۱ اردیبهشت ۱۳۴۰ / ۵ ذی القعدة ۱۳۸۰

مکان: قم

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: لنکرانی، حسین^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

۵ ذی القعدة

به عرض عالی می‌رساند، پیوسته سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است الان جناب آقای مدرسی چهاردهی اینجا تشریف دارند و ذکر خیر جنابعالی در جریان است. ایشان اطلاع دادند که پای سرکار آسیبی دیده است موجب تأثر شد. امید است ان شاء الله تعالی تا کنون بهبودی حاصل شده باشد. مثل اینکه گله هم فرموده بودید و توجیهی هم نموده بودید لکن گمان می‌کنم اشکال وارد نباشد بلکه شاید بنده حق گله داشته باشم در هر صورت امید است لدی الملاقات حل اشکال شود. مثل اینکه سرکار یک سفر مختصری قم مشرف شده باشید و اظهار لطف نفرمودید. البته وقت شریف اجازه نداده است و الا گمان بی‌محبتی برده نمی‌شود. [در] خاتمه سعادت وجود محترم و بستگان معظم را خواستار است. والسلام.

روح الله الموسوی

۱- روی پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقای آقا حاج شیخ حسین لنکرانی - دامت برکاته. قم، خمینی - ۵ ذی القعدة».

□ اجازه نامه

زمان: ۱۰ خرداد ۱۳۴۰ / ۱۶ ذی الحجه ۱۳۸۰

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة و السلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شيخ مجتبی حاج آخوند کرمانشاهانی - دامت تأييداته و كثر الله امثاله - كه مدتی عمر شریف را در تحصیل علوم شرعیه صرف نموده اند و بحمد الله به صلاح و سداد و وثاقت موصوف می باشند، از قیل حقیر مجازند در تصدی امور حسبيه و شرعیه كه تصدی آن در زمان غیبت ولی امر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از مختصات فقیه جامع الشرايط است «فله التصدی لها مع مراعات الاحتیاط»؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارك امام - علیه السلام - و سهم سادات عظام - كثر الله نسلهم المبارك - و ایصال سهم سادات را به محل مقرر آن و صرف سهم مبارك امام - علیه السلام - را در معیشت اقتصادی خودشان در صورت احتیاج و صرف ثلث از بقیه را در ترویج دیانت مقدسه و علو كلمه حق و ایصال دو ثلث را نزد حقیر برای صرف در حوزه علمیه.

«و اوصیه - ایدة الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتیاط؛ و ارجو منه ان لا ینسانی من صالح دعواته»؛ و السلام علیه و على اخواننا المؤمنین و رحمة الله و بركاته.

به تاریخ ۱۶ شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۸۰

روح الله الموسوی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۹ خرداد ۱۳۴۰ / ۲۵ ذی الحجه ۱۳۸۰

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: ربانی املشی، محمد مهدی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي آقا شيخ محمد مهدی ربانی - دامت افاضاته و كثر الله امثاله - كه مدتی عمر شریف را صرف در تحصیل علوم شرعيه نموده اند و بحمد الله به فضایل نفسانيه و به صلاح و سداد و وثاقت موصوف می باشند، از قیل حقیر مجازند در تصدی امور حسبيه و شرعيه كه تصدی آن از مختصات فقيه جامع الشرايط است در عصر غيبت ولی امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - «فه التصدی لما ذكر مع مراعاة الاحتياط»؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - و صرف در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد و صرف ثلث از بقیه را در ترویج دیانت مقدسه و علو کلمه حق، و ایصال دو ثلث دیگر را نزد حقیر برای صرف در حوزه مبارکه علمیه.

«و اوصیه بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فی الدين و الدنيا و ارجو منه - اید الله تعالى - ان لا ینسانی من صالح دعواته»؛ و السلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۲۵ شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۸۰

روح الله الموسوی

□ گفتگو^(۱)

زمان: ساعت ۱۲/۳۰، ۱ دی ۱۳۴۰/۱۳ رجب ۱۳۸۱

مکان: قم، منزل امام

موضوع: بررسی مشکلات و نابسامانیهای جامعه

مناسبت: میلاد حضرت علی - علیه السلام

مخاطب: امینی، علی (نخست وزیر)

امام: حضرت علی - علیه السلام - می فرماید: کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت^(۲).

۱- آقای عقیقی بخشایشی، یکی از شاهدان دیدار آقای امینی با امام خمینی، درباره این دیدار چنین توضیح داده است: روز ۱۳ رجب برابر با بیستم دی ماه ۱۳۴۰ که روز ولادت حضرت علی - علیه السلام - بود، نزدیک ظهر که از درس برمی گشتم، دیدم یک جمعیتی به طرف باغ قلعه می روند. لباسهای آنها و وضعیت ظاهرشان با مردم قم تفاوت داشت. کنجکاو شدم، پرسیدم:

«این آقایان کی هستند؟ دسته جمعی کجا می روند؟» گفتند: «نخست وزیر است که به منزل حاج آقای رود». از روی کنجکاوی به این فکر افتادم که من هم همراه اینها بروم ببینم چه خبر است؟! چه صحبتهایی می کنند؟! ... آنها، حدود ده، یازده نفر بودند. جمعی هم از مسئولین شهر، از فرمانداری، رئیس سازمان امنیت - شخصی بود به نام قلقسه - و برخی از متولیان آستانه همراه آنان بودند. آنها وقتی وارد شدند من هم وارد حیاط منزل حضرت امام - آن موقع «حاج آقا» می گفتم - شدم. حاج آقا در همان اتاقی که صبح خدمت ایشان رسیده بودیم، نشسته بودند. اتاقی که از نظر فرش بسیار ساده بود و می توان گفت محقر بود. باز همان نُقلها و پذیرایی بسیار ساده معمول بود. نخست وزیر، وقتی که وارد شد، یاد می آید که حاج آقا، نیم خیز، نه تمام قد، با ایشان دست دادند. نخست وزیر بغل دست حاج آقا نشست. بقیه افرادی که همراه آمده بودند هم نشستند. دو دقیقه نگذشته بود که حاج آقا پسندیده - اخوی بزرگ حاج آقا - وارد شدند. حاج آقا تمام قد بلند شدند و حاج آقا پسندیده را بین خودشان و نخست وزیر جای دادند و صحبتها شروع شد.

من به این فکر افتادم مسائلی را که در آن روز دیدم به رشته تحریر در آورم. آن موقع، دو یا سه نشریه مذهبی در ایران منتشر می شد. یکی روزنامه «وظیفه» با مدیریت سید محمدباقر حجازی، و یکی هفته نامه «ندای حق» با مدیریت سید حسن عدنانی؛ و یکی هم نشریه «نور و دانش» بود - که مذهبی بودنش چندان مشخص نبود - این نشریه از طرف انجمن تبلیغات اسلامی - به سرپرستی دکتر عطاء الله شهاب پور - چاپ و منتشر می شد. تنها نشریه ای که احتمال می دادم چنین مسائلی را چاپ کند، هفته نامه «ندای حق» بود. من با زبان طلبگی و خیلی ساده، وقایع آن روز را نوشتم و برای نشریه فرستادم. آنها هم با سانسور پاره ای از مطالب - مطالب مربوط به رضاخان را سانسور کردند - بقیه را چاپ کردند. این نشریه، چهارشنبه ها منتشر می شد.

(خاطرات ۱۵ خرداد (تبریز) جلد ۳، قسمت دوم، ص ۹۲، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی. ضمناً نشریه ندای حق، ۱۳۴۰/۱۰/۱۳، سال دوازدهم، ش ۱۵، ص ۱ و ۴، شرح دیدار را با تفاوتهایی در متن اظهارات طرفین نقل کرده است).

۲- کلکم راع و کلکم مسؤول: تمامی شما وظیفه سرپرستی دارید و همه تان مسئولید. (بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۳۸).

هر انسانی مسئولیتی دارد و انسانها مسئول آفریده شده‌اند. این مسئولیت با توجه به شرایط زمانی و مکانی و نسبت به افراد فرق می‌کند. مثلاً مسئولیت فرد عادی، با یک فرد عالم؛ مسئولیت یک فرد بازاری، با یک فرد نخست‌وزیر، مساوی نیست. هر کس که مقام بالاتری دارد مسئولیت بیشتری دارد. حالا که شما نخست‌وزیر هستید، مسئولیت شما با یک فرد عادی مساوی نیست. این کشور، نخست‌وزیران فراوانی به خود دیده است. بعضی از این نخست‌وزیرها خدمت کردند به مردم و در بین مردم، الآن هم حرمتی دارند، یک منزلتی دارند. بعضی‌ها هم خیانت کردند. شما سعی کنید از آن نخست‌وزیرهای «ملعون» نباشید؛ از نخست‌وزیرهای «مرحوم» باشید. من راجع به دولت و راجع به مسائل حوزه چند مطلبی داشتم، خواسته‌هایی داشتم و نظریاتی داشتم. در زمان حیات آیت‌الله بروجردی - رضوان‌الله تعالی علیه - پیشنهاداتم را به ایشان منتقل کردم؛ و نوشتم که ایشان به دولت برسانند؛ نمی‌دانم ایشان به دولت نرسانند، یا ایشان به دولت رسانیدند اما دولت عمل نکرد. من از تقوای آیت‌الله بروجردی بعید می‌دانم که یک مسائلی که در رابطه با سرنوشت مسلمین بود نرسانده باشند. تحقیقاً ایشان رسانیده‌اند، دولت بوده که به این درخواستها عمل نکرده. حالا شما به عنوان مسئول دولت آمده‌اید از حوزه و از روحانیت نظر می‌خواهید راجع به اوضاع کشور! من چند مسأله می‌گویم و جدّاً می‌خواهم که به آنها عمل شود: اولین مسأله اینکه این حوزه که شما آمده‌اید، طلاب و علما اینجا زندگی می‌کنند، با حداقل [الوازم] زندگی. آنها برای دین مردم و تربیت مردم فعالیت می‌کنند؛ تا کشور را از نظر معنوی، از نظر اخلاقی تربیت کنند. اینها در واقع خدمتگزاران بی‌مزد و مواجب کشور هستند. هیچ توقع و انتظاری هم از دولت ندارند. تنها خواست آنها این است که مورد اذیت واقع نشوند. اما آن چهار نکته اصلی که مورد نظر بود: اول مسأله دانشگاههاست. من نمی‌دانم چه ارتباطی بین بی‌دینی و خلاف اخلاق با دانشگاهها وجود دارد؟ چه ارتباطی بین این دو مسأله هست؟ آنها که دانشگاه می‌روند و از دانشگاهها فارغ‌التحصیل می‌شوند، واقعاً از نظر اخلاقی و دینی بسیار ضعیف هستند. واقعاً ضد اخلاق و ضد دین مطرح می‌شوند. چه ارتباطی بین این

مسأله هست، من هنوز پی نبردم. ببینید این وضعیت از اساتید اینها هست؟ از محیط دانشگاه است؟ از وضعیت دولت است؟ بالاخره از هر منشأ هست جلوگیری کنید. این دانشگاه شوخی نیست. اگر کتابهایشان بدآموزی دارد، اگر معلمین آنها بدآموزی دارند، اگر محیط دانشگاه اینطوری است، باید به این جوانها رسید. اینها سازندگان آینده کشور ما هستند».

[امینی: تقصیرش با شماست. مسئولیت به عهده روحانیت است.]

امام: مگر روحانیت می خواهد افراد بی دین بار بیایند؟ مخالف مسائل اخلاقی بار بیایند، ضد اخلاق بار بیایند؟

[امینی: نه! منظور من این نیست. منظور من این است که در پدید آمدن این مسأله، روحانیت مسئولیت دارد. وقتی این روش جدید آموزشی وارد کشور ما شد، آن موقع در کشور ما جز روحانیون، افراد باسوادی وجود نداشتند. رشته تعلیم و تربیت، بسته به روحانیت بود. بعد از تأسیس دانشگاه و بعد از روی کار آمدن نظام تحصیلی جدید، روحانیون به جای اینکه بیایند همکاری کنند و سر نخ را به دست بگیرند رفتند در حوزه ها و مساجد گوشه نشین شدند؛ و افراد غیر شایسته جایگاه اینها را گرفتند. من اعتراف می کنم که در بین استادان دانشگاه از هر صنفی وجود دارد حتی از گروه ها و اقلیتها و غیر اقلیتها. این هم مسئولیتش به عهده آقایان روحانی است.]

امام: آقا! می دانید آن موقع حکومت دست کی بود؟

[امینی: مشخص است، تأسیس دانشگاه برمی گردد به سال ۱۳۱۳ حاکم مشخص بود؛ معین بود.]

امام: شما نمی توانید بگویید، ولی من می توانم بگویم. آن موقع حکومت دست رضاخان بود. و می دانید که رضاخان دست نشاندۀ انگلستان بود. اجنبی ها رضاخان را روی کار آورده بودند. شما آقای امینی! می فرمایید آقایان علما می آمدند با فردی که دست نشاندۀ اجنبی بود همکاری می کردند و دست به دست او می دادند؟ نه! علما هرگز این کار را نمی کردند و نمی کنند. آنها در انتظار این بودند که یا توان و امکاناتی به دست آورند تا خودشان حکومت را اداره کنند، یا اگر چنین توانی نداشتند در انتظار بنشینند؛ در خانه شان، در مساجد، در حوزه ها و در جاهایی که تماسی با حکومت نداشته باشد.

بنابراین از روی حساب نمی توانستند با حکومت دست نشاندۀ اجنبی همکاری کنند. [امینی: دولت در خدمت علماست. ما وظیفه داریم که آقایان هر چه فرمودند اجرا کنیم. حالا، از جمعی از استادان درخواست شده که در کتابهای درسی تجدیدنظر کنند. در جمع استادان، بعضی از چهره های روحانی هم هستند، اینها مأمور شده اند که در اصلاح کتابهای درسی گامی بردارند. به نظر حضرت عالی هم خواهد رسید.]

امام: خانواده، مبنای جامعه ماست. اگر خانواده ها - از نظر اخلاقی - متزلزل شوند، تمام جامعه ما متزلزل خواهد شد. در رابطه با مسائل خانواده، دو مسأله مطرح است: یکی مسائل بی بند و باری ها، و بعد این ادعای تساوی حقوق [زن و مرد]، و پاره ای از مسائلی که امروز مطرح است.

اینها چه می گویند؟ اینها چه ادعایی دارند؟ اینها مگر ایرادی به اسلام دارند؟ اگر چنین است ما تکلیفمان را روشن کنیم، تکلیف آنها را هم روشن کنیم. اگر یک ضعفهایی هست؛ یا خلاف عدالتهایی از نظر اجرایی در کار هست شما حلش کنید تا کار به این وضعیت نکشد.

[معاون مذهبی نخست وزیر، آقای شریف الزمانی: بله آقا! اینها تعداد انگشت شماری از زنان هستند، اینها مشهور هستند، تعداد ایشان از تعداد انگشتان دست بیشتر نیست! بچشم! ترتیبی داده می شود.]

امام: رسیدگی به ازدواج و طلاق در محضرها هم لازم است. من به مسئولین امور اطلاع داده ام که مسأله طلاق خیلی مهم است. شرایطی که در ازدواج هست، خیلی سهل است، اما در رابطه با طلاق خیلی سخت گرفته شده. در مسأله طلاق، باید دو نفر شاهد عادل حضور داشته باشد؛ بعد نصیحتی صورت بگیرد. حتی الامکان سعی شود کانون گرم خانواده متلاشی نشود. ولی این آقایان و محضرها برای اینکه به حق ثبت خودشان برسند، تا یک زنی مراجعه می کند و از شوهرش شکایت می کند فوری کاری می کنند که طلاق صورت بگیرد - بی آنکه این صیغه طلاق را پیش دو نفر عادل بخوانند - در نتیجه، آن خانم هم خیال می کند طلاق گرفته می رود؛ در حالی که طلاق نگرفته، در واقع امر می رود و ازدواج می کند، و این پایه یک امر نامشروع قرار می گیرد؛ و به این ترتیب

جامعه از نشر مسائل [خلاف] عفت، به این روز می افتد که می بینید.

[مسأله دیگری که امام در اینجا مطرح فرمودند، مسأله رسیدگی به امور مردم بود. مردم در ناراحتی به سر می بردند. آن سال، سال سختی بود. زمستان بسیار سردی داشت. معروف بود که در همدان تعدادی از بی بضاعتها از سرما خشکیدند.]

امام: به وضع مردم برسید. خانواده های گرفتار زیاد هستند، باید با آنها کنار بیایید. به اینها کمک کنید، نه اینکه همیشه به فکر خودتان باشید.

[هنگام ظهر بود، نخست وزیر می خواست برود. امام تعارف کردند: با نان و پنیر طلبگی قناعت کنید! شریف الزماني گفت: منظور آقا این است که با علما هم غذا شوید تا ببینید آقایان علما چه می کنند! بعد [نخست وزیر] گفت: نه! مادر سالاریه مهمان هستیم؛ اگر حضرت عالی هم افتخار دهید، اتومبیل می فرستیم، ناهار تشریف بیاورید. آقا فرمودند: نه! من معذور هستم، نمی توانم. نخست وزیر رفت.]

□ اجازه نامه

زمان: ۵ بهمن ۱۳۴۰ / ۱۸ شعبان ۱۳۸۱

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: امامی چهار محالی، سید عبدالکریم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب مروج الاحكام آقاى آقا سید عبدالکریم امامی چهار محالی - دام فضله - که صلاح و وثاقتشان ثابت شد از قبل حقیر مجازند در نقل احادیث معتبره از کتب معتمده اصحاب - رضوان الله عليهم - و نیز مجازند در اخذ وجوه شرعيه از قبیل زکوات و مجهول المالك و ایصال آن به محل مقرر شرعی آن؛ و نیز مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد در صورت احتیاج مادامی که اشتغال به ترویج دارند و صرف بقیه از سهم سادات عظام را به محل مقرر آن و ایصال بقیه از سهم مبارک امام - علیه السلام - را نزد حقیر برای صرف در حوزه علمیه.

«و اوصیه - ایده الله تعالى - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا و ارجو منه ان لا ینسانی من صالح دعواته»؛ والسلام علیه و على اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۱۸ شهر شعبان المعظم ۱۳۸۱

روح الله موسوی

□ تلگراف

زمان: ۷ تیر ۱۳۴۱ / ۲۵ محرم ۱۳۸۲

مکان: تهران، تجریش

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: لنکرانی، حسین

حضرت حجت الاسلام آقای لنکرانی - دامت برکاته
از سلامت خودتان مطلعم فرمایید.^(۱)

خمینی

۱- آقای لنکرانی در پاسخ چنین مرقوم داشت: «تجریش - امامزاده قاسم، حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی - مد ظله العالی. از تفقدی که فرمودید متشکرم. بحمد الله عالم خیلی بهتر است.
قربانت: شیخ حسین لنکرانی - ۱۳۴۱/۴/۱۰».

□ تلگراف

زمان: ۷ آبان ۱۳۴۱ / ۲۹ جمادی الاول ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: اجبار به ازدواج دختر مسلمان با مرد بهایی

مخاطب: وزارت امور خارجه

... علمای اعلام و اهالی شیعه کراچی تلگراف کرده‌اند [که] بهایی‌ها دختر بچه [ای] را به نام فرخنده دهقان یزدی که سید و شیعه است ربوده و در پاکستان می‌خواهند به ازدواج درآورند و در اثر اعتصاب عمومی، دادگاه آنجا ازدواج را توقیف کرده. بهایی‌ها به سفارت ایران تشبث کرده‌اند. لازم است فوراً دستور دهید سفارت از ازدواج غیرمشروع، شدیداً جلوگیری کند و دختر را از آنها بگیرد و به ایران مسترد و به اولیایش تحویل دهند. نتیجه را اطلاع دهید.

روح‌الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۸ دی ۱۳۴۱ / ۲۱ شعبان ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: نصر اصفهانی، محمد علی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلوة والسلام على محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم اجمعين.

وبعد، جناب مستطاب مروج الاحكام و عماد الاعلام آقاى آقا شيخ محمد على نصر اصفهانى - دامت تأييداته - كه صلاح و سداد و وثاقتشان ثابت است از قبل حقير مجازند در تصدى امور شرعيه و حسبيه كه در عصر غيبت ولى الله - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط است «فله التصدى لما ذكر مع مراعات الاحتياط»؛ و نیز جناب ايشان مجازند در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد، و ايصال بقيه را نزد حقير براى صرف در حوزه علميه. «و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين والدنيا؛ و ارجو منه ان لا ينساني من صالح دعواته»؛ والسلام عليه و على اخواننا المسلمين و رحمة الله و بركاته.

۲۱ شهر شعبان المعظم ۱۳۸۲

روح الله الموسوى الخميني

□ تلگراف

زمان: ۱۴ بهمن ۱۳۴۱ / ۸ رمضان ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: بازداشت علمای رشت

مخاطب: ضیابری، سید محمود

۱۳۴۱/۱۱/۱۴

۲۵۵۹

تهران - زندان قزل قلعه

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای ضیابری - دامت برکاته
از پیشامد ناگوار متأثرم. از سلامت خودتان مطلعم فرمایید.^(۱)

خمینی

۱. پاسخ علمای رشت از زندان به امام چنین است:

قم - حضرت آیت الله العظمی آقای خمینی - مدظله العالی

تلگراف مورخ ۱۴، روز ۱۶ زیارت. از تفقدات و ادعیه خیریه کمال تشکر. بحمد الله تعالی همگی سلامت و

ملتمس ادعیه در مظان استجابت هستیم.

الحاج بحر العلوم - سید محمود ضیابری

□ حکم

زمان: زمستان ۱۳۴۱

مکان: ؟

موضوع: اصلاحات ارضی

مخاطب: ؟

بسم الله الرحمن الرحيم

آنچه به اسم قانون اصلاحات ارضی در صدد اجرای آن هستند مخالف عقل و شرع و مصالح مملکت و مابین موازین عدل و فقه اسلامی است و آنچه بسیاری از مالکین بزرگ عمل کرده و می‌کنند و از عمل به قوانین اسلام راجع به حق فقرا خودداری می‌کنند مخالف عقل و شرع و مصالح مملکت و مابین موازین عدل و فقه اسلامی است. اصل مالکیت در اسلام محترم است و هیچ مقامی حق ندارد ملک دیگری را بدون رضایت و طیب نفس او تصرف کند یا به دیگری انتقال دهد و تصرف در اموال غیر بدون رضایت او حرام و نماز خواندن در املاکی که به این نحو از مالک سلب شود باطل است و اصل حفظ حقوق فقراء و اجراء آن در اسلام محترم است و هیچ مالکی نمی‌تواند در آن تصرف کند و اگر حق فقرا را به طوری که شرع مطاع تعیین فرموده به آنها ندهند مرتکب گناه کبیره شده‌اند و اگر با آن اموال چیزی بخرند مالک نمی‌شوند و نماز آنها در آنچه حق فقراء به آن تعلق گرفته باطل است و فقیه جامع شرایط فتوا می‌تواند حق فقراء را از آنها بگیرد و به محل مقرر شرعی آن برساند. والسلام علی من اتبع الهدی.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۱۳۴۱ ه. ش. / ۱۳۸۲ ه. ق.

مکان: قم

موضوع: تقدیر از تلاشها و خدمات مبلغین

مخاطب: خطباء و مبلغین تهران

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت خطبای محترم و مبلغین معظم تهران - دامت افاضاتهم و اعلی الله کلماتهم

معروض می دارد، باید در این موفقیت که نصیب اسلام و مسلمین شد به حضرات آقایان مبلغین عالیقدر مرکز تبریک عرض کنم. الحق در این امر خطیر سهم بسیار بزرگی آقایان داشتید و دین خود را به نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - و قرآن مجید ادا فرمودید؛ شکرالله سعیکم و اعلی کلماتکم. اینجانب بر خود لازم می دانم که از زحمات حضرات مبلغین خصوصاً مبلغین مرکز تشکر کنم و بعد از تقدیر آقایان را متوجه کنم به خطراتی که برای کیان اسلام و العیاذ بالله پیش بینی می شود و خاطر شریفتان مستحضر است، واضح است در پیشامدهای مهم تا وحدت کلمه نباشد کاری از پیش نمی رود. لازم است آقایان با خلوص نیت و قصد تقرب به خدای متعال اگر خدای نخواست از یکدیگر گله دارند در چنین مواقعی غمض عین فرموده و باید واحده از حدود اسلام دفاع فرمایند. در خاتمه از تعویق در عرض اخلاص معذرت می خواهم و از خداوند تعالی سلامت و توفیق و تأیید آقایان را خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۳۴۱ ه. ش. / ۱۳۸۲ ه. ق.

مکان: قم

موضوع: تصویبنامه انجمنهای ایالتی و ولایتی

مخاطب: جلیلی کرمانشاهی

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، ان شاء الله وجود محترم مقرون با سلامت است. ضمناً چیزی که موجب نگرانی شدید است مطالبی است که در دولت حاضر در شرف تکوین است که اهم آنها قضیه تساوی حقوق زنان است که جزء مرام حزبی رئیس دولت است و سرلوحه آن برای آزمایش افکار عمومی و خصوص روحانین راجع به حق رأی دادن زنها در انجمنهای ایالتی و ولایتی که در روزنامه‌ها انتشار دادند و نیز در لایحه انتخابات انجمنهای مذکور در منتخب و منتخب شرط اسلام نشده و این نیز اعلام خطری است برای اسلام. چون ممکن است مقررات مملکت را به دست بعضی از فرق ضاله بدهند، مثل بهایی که با تاج و تخت شیعه مخالف هستند؛ لهذا به مجرد انتشار این امر در قم و تهران دست به اقدام زده شد و از قم تلگرافاتی از علما به اعلیحضرت شد که از این امر خلاف شرع و مصلحت کشور جلوگیری کنند و به حضرت آیت الله بهبهانی تلگرافاتی شد که از اعلیحضرت همین مطلب را بخواهند. از علمای اعلام کرمانشاه نیز انتظار اقدام می‌رود.

اولاً، جنابعالی با علمای اعلام تماس بگیرید و هر طور صلاح دیدند تلگرافات عیدیه به اعلیحضرت مستقیماً و به حضرت آیت الله بهبهانی و در صورت صلاح به علمای قم بشود که از اعلیحضرت بخواهند به دولت امر کنند از این امر جلوگیری شود و به سایر طبقات و متدینین نیز دستور اقدام دهید به همین نحو؛ و ثانیاً، به هر جا که از قصبات و شهرهای اطراف دسترس دارید و آقایان علما دسترسی دارند دستور همین امر

داده شود که تلگرافات و مکاتیب زیاد فرستاده شود؛ و ثالثاً، با کمال متانت و آرامش و بدون تظاهر و تشنج، این امر صورت گیرد. همین قدر تقاضای خودشان را به سمع اعلیحضرت برسانند.

از قول حقیر سلام و تحیت به همه آقایان حجج اسلام - دامت برکاتهم - تبلیغ فرمایند. از سایر شهرستانها نیز همین امر تقاضا شده است. امید است با تأیید خداوند جلوگیری شود. صلاح آن است که آقایان به علمای اعلام نجف اشرف نیز مراجعه فرمایند. مرجو آنکه از ادعیه خالصه محروم نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی

□ نامه

زمان: ۱۳۴۱ ه. ش. / ۱۳۸۲ ه. ق.

مکان: قم

موضوع: دعوت جهت صرف شام

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

به عرض محترم عالی می‌رساند، پس از عرض اخلاص و ارادت مستدعی است شب یکشنبه فردا شب برای صرف شام در منزل متعلق به خودتان تشریف فرما شوید؛ موجب مزید تشکر است.

روح‌الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: احتمالاً ۱۳۴۱ ه. ش / ۱۳۸۲ ه. ق

مکان: قم

موضوع: درخواست امضای اعلامیه

مخاطب: میلانی، سید محمد هادی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

سلامت و عظمت وجود مبارک را از خداوند تعالی خواستار است. در این موقع که اختناق در اطراف مملکت فوق العاده شده است سکوت را اینجانب جایز نمی دانم قبلاً به اشاره شرحی عرض شد پس از آن از تهران و اینجا صلاح اندیشیهای زیادی شد به حدی که ثانیاً پیامی عرض کردم لکن هر چه فکر می کنم نمی توانم مصالح اسلام و مسلمین را فدای اغراض موهومه نمایم و ناچارم این اعلامیه را منتشر کنم اول اعلامیه ای با لحن شدیدتر نوشتم که خودم نشر دهم پس از آن دیدم اصلح آن است که قدری ملایم تر باشد که همه امضا کنند اینجا جناب آقای نجفی امضا می کنند و گمان می کنم اگر حضر تعالی و جناب آقای قمی هم امضا فرمایند جناب آقای شریعتمداری هم امضا کنند در هر صورت وقت می گذرد و سکوت موجب اضمحلال است اگر صلاح ندانستید امضا بفرمایید بی درنگ و ورقه را ارجاع فرمایید که به امضای خودم به تنهایی نشر شود البته وقت بسیار تنگ است و مجال فکر یک شب هم نیست فرستاده باید حتماً همان روز مراجعت کنند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ تلگراف

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ / ۶ ذی القعدة ۱۳۸۲

مکان: قم

مناسبت: حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه

مخاطب: خویی، سید ابوالقاسم

نجف - ۴۲/۱/۱۲ - $\frac{۲۷}{۱۶}$

حضرت آیت الله خویی - دامت برکاته

تلگراف تسلیت در فاجعه عظیمه موجب تشکر. نظر عالی را به حوادث جاری که

طلیعه هدم اصول است جلب می نماید.

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ / ۶ ذی القعدة ۱۳۸۲

مکان: قم

مناسبت: حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه

مخاطب: شاهرودی، سید محمود

النجف الأشرف

سماحة آية الله السيد محمود الشاهرودي

التطاول على العلماء الاعلام والروحانيين في قم عجب، وسكوت المسلمين اعجب.

والى الله المشتكى.^(۱)

قم - الخميني

۱- نجف اشرف

حضرت آیت الله سید محمود شاهرودی

تعرض به علمای اعلام و روحانیون در قم مایه تعجب؛ و سکوت مسلمانان [در قبال این جنایت] عجیب تر است! و [از این مصیبتها] به خداوند شکایت می بریم.

□ تلگراف

زمان: ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ / ۶ ذی القعدة ۱۳۸۲

مکان: قم

مناسبت: حمله مأموران رژیم به مدرسه فیضیه

مخاطب: شیرازی، سید عبدالله

نجف - ۴۲/۱/۱۲ - $\frac{۱۴}{۱۸}$

آیت الله سید عبدالله شیرازی - دامت برکاته

از تلگراف تسلیت متشکر. با وضع حاضر، اسلام در خطر است.

خمینی

□ نامه

زمان: فروردین ۱۳۴۲ / شوال ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: پاسخ به تلگراف تسلیت دو تن از علمای مشهد

مناسبت: فاجعه حمله به مدرسه فیضیه

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. تلگراف حضرت تعالی و حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای قمی - دامت برکاته - زیارت شد و جواب عرض شد؛ لکن از قرار مذکور نرسانده‌اند بسیاری از تلگرافات بنده را نمی‌رسانند از این جهت تلگرافی از حوزه مقدسه مشهد در تسلیت در فاجعه عظیمه وارد شد ملاحظه کردم اگر تلگراف کنم ممکن است نرسانند لهذا از حضور محترم استدعا می‌شود سلام و عرض تشکر بنده را به حضرات آقایان فضلا و اعلام حوزه مقدسه امر به ابلاغ فرمایید، اکنون در مضیقه‌هایی هستیم حتی تلگراف به حضرت آیت الله حکیم منع از ابلاغ شده است به این معنی که از طرف شهربانی کل کشور ابلاغ شده است که فلانی و آقای شریعتمداری نباید جواب آقای حکیم را بدهند و اگر خواستند جواب بدهند باید از شاه تشکر کنند. اخیراً به دست و پا افتاده و پرونده‌ای برای بنده درست کردند که به واسطه نشر اکاذیب اذهان عامه را مشوش کرده. والله من ورائهم محیط. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۴۲ / ۲۳ ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: افشای خدمات رژیم شاه به بهائیان و فعالیتهای ضد اسلامی رژیم

مخاطب: علما و روحانیون اردکان

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۳ ذیحجه الحرام ۸۲

خدمت ذی شرافت علمای اعلام و حجج اسلام اردکان - دامت برکاتهم
محترماً معروض می دارد، مرقوم محترم که به عنوان تسلیت و مبنی بر پشتیبانی از
حقیر بود موجب تشکر گردید. توفیق و سعادت و عظمت آقایان را از خداوند تعالی
مسئلت می نماید.

لازم است تذکر دهم قضایایی که تا کنون واقع شده است در مقابل مصیبتی که
پیش بینی می شود برای اسلام، ناچیز است. دستگاه جبار تساوی حقوق زن و مرد را در
جميع جهات اعلام نمود و این مستلزم هدم احکامی چند از کتاب الله است. در طرح اخیر
وزیر دادگستری قید اسلام و رجولیت از قضات ملغی شده است.

اخيراً دستگاه فاسد گذرنامه ای برای بیش از ۲۰۰۰ نفر از فرقه ضاله صادر کرد و به هر
یک ۵۰۰ دلار ارز داد و به هر یک ۱۲۰۰ تومان تخفیف هواپیما داد تا در مجلسی که در
لندن برخلاف اسلام تشکیل می شود شرکت کنند.

این دولت فاسد از وقتی که سرکار آمده است تمام اعمالش برخلاف اسلام و مصالح
مملکت است. لازم است آقایان خودشان مستقیماً مردم را از مفاسد آگاه فرمایند و به
اهل منبر و وعاظ توصیه فرمایند تا مردم را آگاه کنند تا به خواست خدای تعالی در موقع
مقتضی جلوگیری از مفاسد بشود. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: حوالی اردیبهشت ۱۳۴۲ / ذی الحجه ۱۳۸۲

مکان: قم

موضوع: حذف قید اسلام و رجولیت از قضات در طرح وزیر دادگستری

مخاطب: خندق آبادی، جعفر

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ جعفر خندق آبادی - دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود شریف و تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت می‌نمایم. امید است به برکت انفاس قدسیه و ادعیه خالصه جنابعالی توفیق خدمت به شرع مطهر و دفاع از حریم قرآن کریم حاصل شود. ملاحظه فرمودید در بعض از مطبوعات قید اسلام و رجولیت را وزیر دادگستری در طرح خود از قضات لغو نموده؛ ملاحظه فرمودید دولت دو هزار نفر از فرقه ضاله را برای رفتن به لندن و حضور در مجلس و محفل ضد اسلامی تذکره داد و به هر یک پانصد دلار ارز داد و در بلیت هواپیما به هر یک قریب هزار و دویست تومان تخفیف دادند. گفته شد به ثابت پاسال در یک معامله شرکت نفت تخفیفی داده که بیست و پنج میلیون تومان نفع آن بوده برای همین مقصد. این است وضع مملکت و وضع ما. آیا در این امور نباید علمای اسلام فکری کنند؟ آیا تکلیفی برای ما نیست؟ از جنابعالی رجای دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

وجهی را که مرحمت شده بود ارسال شد؛ هر طور نظر مبارک است عمل فرمایید.

روح الله الموسوی الخمينی

□ قرار بازداشت موقت

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ / ۱۲ محرم ۱۳۸۳

مکان: تهران، پادگان بی سیم

موضوع: اعتراض امام به قرار بازداشت موقت

بسمه تعالی

به این قرار اعتراض دارم.^(۱)

۴۲/۳/۱۵

روح الله الموسوی الخمينی

۱- بنا به درخواست کتبی سرلشکر پاکروان، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به ریاست دادرسی ارتش در تاریخ ۴۲/۳/۱۵ و درخواست قرار بازداشت برای امام خمینی، قرار بازداشت موقتی توسط بازپرس لشکر یک گارد صادر شد و حضرت امام ذیل آن، جمله فوق را تحریر کردند.

□ نامه

زمان: خرداد ۱۳۴۲ / محرم ۱۳۸۳

مکان: تهران، بازداشتگاه

موضوع: درخواست کتاب مستدرک الوسائل و تاریخ مشروطیت

مخاطب: لواسانی، سید محمدصادق

امامزاده یحیی - کوچه تقوی

حضرت آقای لواسانی - دامت برکاته

من بحمدالله سالم هستم. جنابعالی منزلی برای اهل بیت در شمیران بگیریید و آنها را اگر میل دارند بپیرید شمیران. ضمناً کتاب مستدرک الوسائل جلد ثالث و کتاب تاریخ مشروطیت سید احمد کسروی را برای من تهیه کنید و بفرستید.

خمینی

□ تلگراف

زمان: خرداد ۱۳۴۲ / محرم ۱۳۸۳

مکان: تهران، بازداشتگاه

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: علما و اهالی آشتیان

آشتیان

به وسیله حضرت حجت الاسلام آقای آقا میرزا ابوالقاسم دانش - دامت افاضاته

خدمت حضرات علمای اعلام و سایر طبقات محترم - دامت تأییداتهم

تلگراف محترم موجب تشکر گردید. اینجانب بحمدالله سلامت هستم. از خداوند

تعالی توفیق و تأیید حضرات آقایان و عظمت اسلام و مسلمین را خواستارم.

خمینی

□ یادداشت

زمان: ۱ مرداد ۱۳۴۲ / ۲ ربیع الاول ۱۳۸۳

مکان: تهران، بازداشتگاه

موضوع: اعلام وصول کتابهای ارسالی^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

کتب مشروحه زیر واصل گردید:

- ۱- مکاسب محرمة
- ۲- کتاب طهارت
- ۳- توضیح المسائل
- ۴- حاشیه توضیح المسائل
- ۵- تهذیب الاصول جزء اول و جزء ثانی و جزء ثالث
- ۶- تعلیقه بر وسیله
- ۷- تعلیقه عروة الوثقی
- ۸- مناسک حج
- ۹- نجات العباد
- ۱۰- زبدة الاحکام

۴۲/۵/۱

روح الله الموسوی الخمينی

۱- این یادداشت، رسید کتابهایی است که در زندان تحویل امام خمینی شده است.

□ نامه

زمان: مرداد ۱۳۴۲ / ربیع الاول ۱۳۸۳

مکان: تهران، منطقه داوودیه

موضوع: تذکراتی دربارهٔ وجوهات و شهریهٔ طلاب

مخاطب: خمینی، سید مصطفی

بسم الله الرحمن الرحيم

قرة العين آقا مصطفی - ایدة الله تعالى

بحمدالله حال من خوب است و مزاجم از قم بهتر است، از جهت من نگرانی نداشته باشید.^(۱)

مطلبی که باید تذکر دهم آن است که به اصفهان مراجعه کنید؛ اگر وجوهی پیش آقای کوپایی جمع شده است به وسیله آقای منتظری به طلاب اصفهان همان طور که شهریه داده می شده بدهند و اگر وجوهی آمد، شما وکیل هستید که دریافت کنید و حفظ کنید برای شهریهٔ طلاب قم.

از سلامت خودتان مطلع کنید. بهتر آن است که شماها بیایید شمیران. من بحمدالله جایم نیمه ییلاق است، شما چرا صدمه می خورید.

از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم، به همه سلام برسانید. والسلام علیکم ورحمة الله.

خمینی

۱- این نامه در ایام حصر و اقامت اجباری امام خمینی در منزلی واقع در داوودیه تهران نوشته شده است.

□ بیانات

زمان: ۱۰ مهر ۱۳۴۲ / ۱۳ جمادی الاول ۱۳۸۳

مکان: تهران

موضوع: تأکید بر انجام وظیفه و تکلیف مذهبی

حضار: یکی از مقامات

... من به مملکت‌م علاقه‌مندم و آنچه تا به حال گفته‌ام خارج از وظیفه‌ای که داشتم نبوده و حالیه هم در همان عقیده خود باقی هستم. من چه خارج باشم و چه در زندان، تکالیف مذهبی خود را انجام می‌دهم، منتها روزی خواهد رسید که «چرای به میان آید» در این صورت لازم است که از هم اکنون مسئولین امر در فکر جواب آن سؤال باشند. من از نظر قضایی به وضعی که برای من به وجود آمده اعتراض دارم. توضیح داد: روزی آمدند در زندان و قرار بازداشت مرا ابلاغ کردند. زیر آن اظهار اعتراض نمودم، روز دیگر مراجعه کردند و خواستند از من بازجویی کنند، جواب ندادم؛ سرانجام با قرار تأمین به من ابلاغ شد آزادی! به شرط آنکه از حوزه قضایی خارج نشوید. زیر آن نوشتم اگر قم هم شامل حوزه قضایی مورد نظر قرار است قبول دارم، چون به غیر از قم جایی نخواهم رفت. الساعه بر خلاف آن قرار و قوانین با من رفتار می‌شود، البته تاکنون مطلبی در این باره نگفته یا شکایتی نکرده و بعداً هم نخواهم کرد. اگر ده سال هم طول بکشد، ولی این نتیجه را می‌گیرم در مملکتی که با من چنین رفتاری می‌شود، با مردم عادی‌اش چه خواهند کرد؟ ناراحتی من فقط از این لحاظ است و بس. امور مملکت بایستی وسیله همه طبقات به گردش درآید، ولی می‌بینم که بر خلاف قانون، مانع فعالیت بعضی از طبقات فعاله می‌شوند. نتیجه، مملکت وضع عادی نخواهد داشت.

من میل ندارم در موقعی که میهمانهای سیاسی به ایران می‌آیند، یک وضع متشنج و ناراحتی محسوس به وجود آید و ...

□ نامه

زمان: ۶ آبان ۱۳۴۲ / ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: تذکر در مسائل جاری مملکت

مخاطب: امامی مازندرانی ساروی، مرتضی

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ
مرتضی امامی - دامت افاضاته

۱۰ جمادی الثانیه ۸۳

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، ان شاء الله مزاج محترم خالی از نقاهت است ضمناً گمان
نمی‌کردم تاکنون مطالب مهمه روز به جنابعالی و علمای اعلام مازندران نرسیده باشد
لکن از عدم عکس‌العمل چنین معلوم می‌شود که آقایان متوجه نیستند که با چه امری
اسلام و مسلمین مواجه شدند و به حسب گمان مقابله اوستا و قرآن است یا مقابله اینان و
قرآن کریم است و از رسمیت انداختن اسلام است به تبع ترکیه و تساوی حقوق زن و مرد
است در ارث و طلاق و چیزهای دیگر به محض اطلاع در قم و تهران از علمای اعلام و
دنباله اینها از شهرستانها شروع به احترام شد سایر طبقات نیز تلگرافات و مکتوبات و
طومارها را فرستاده و آمادگی خود را برای دفاع از قرآن و اسلام اعلام نموده‌اند از
گیلانات نیز تلگرافات و در آنجا اجتماعی بوده ولی از ساری و سایر بلاد مازندران
اطلاع ندارم. جنابعالی و سایر علما ناچار احترام خواهید فرمود و با قم و نجف و سایر
بلاد هم صدا خواهید شد انتظار احترام عاجل دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ پیام

زمان: ۳ بهمن ۱۳۴۲ / ۷ رمضان ۱۳۸۳

مکان: تهران

موضوع: نگرانی از وضع فقرا در زمستان و اجازه استفاده از سهم امام (ع) برای رفع نیاز آنها

مخاطب: ملت مسلمان ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

وضع دلخراش فقرای محترم در این سرمای سخت زمستان موجب تأثر شدید و نگرانی اینجانب است. مع الأسف نمی توانم خدمت مستقیمی به آنها بکنم، لهذا از اهالی محترم و ثروتمندان تقاضا می کنم که از رسیدگی به آنها دریغ نکنند. اگر خدای نخواستہ صدمه ای به آنها وارد شود موجب مسئولیت در پیشگاه مقدس الهی می شود.

اگر از وجوه بریه و زکات کفاف خاکه ذغال و سایر ضروریات آنها داده نشد مؤمنین محترم مجازند از محل سهم مبارک امام - علیه السلام - به مقدار رفع ضرورت آنها صرف نمایند و البته سهم امام - علیه السلام - باید با نظر هیأتی از علمای اعلام محل و معتمدین صرف شود.

از خداوند تعالی رفاه و آسایش فقرا و توفیق برکت اغنیا را خواستارم.

به تاریخ ليله هفتم شهر رمضان المبارک ۱۳۸۳

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: احتمالاً ۱۳۴۲ ه. ش.

مکان: ؟

موضوع: اعلام وصول وجه

مخاطب: امامی مازندرانی ساروی، مرتضی

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم مبنی بر اظهار تأسف از وقایع اخیر و فجایع
واقعه موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند متعال خواستار
است امید است ان شاء الله با ادعیه خالصه جنابعالی و سایر آقایان توفیق خدمت به شرع
انور دست بدهد و بتوانیم دفاع از حرم قرآن کریم نماییم. مبلغ چهارصد تومان واصل
گردید. در خاتمه رجای دعای خیر دارم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ تلگراف

زمان: ۱۷ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۲ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: ابراز تشکر

مخاطب: میلانی، سید محمد هادی

مشهد - حضرت آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

از مساعی جمیله در حوادث گذشته متشکر، عظمت اسلام و مسلمین را خواستار،
مستدعی است تشکرات صمیمانه حقیر را به مدرسین معظم و علمای حوزه مقدسه و
خطبای محترم ابلاغ فرماید.

۱۳۴۳/۱/۱۷

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۴ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: پاسخ پیام تبریک به مناسبت آزادی امام خمینی از زندان و بازگشت به قم

مخاطب: مهری، سید عباس

کویت

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید عباس مهری - دامت برکاته

از عواطف کریمه جنابعالی و حضرت آقای سعیدی و جناب مصدرالامور - دامت

افاضاتهم - متشکر، توفیق علمای اسلام را در احقاق حق و ابطال باطل خواستار است.

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۴ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: پاسخ پیام تبریک به مناسبت آزادی امام خمینی از زندان و بازگشت به قم

مخاطب: قائمی، عبدالرسول

آبادان

حضرت حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی - دامت برکاته

از مساعی جمیله در اعلای کلمه حق متشکر، توفیق علمای اسلام را در احقاق حق
[اعلای] کلمه اسلام و ابطال باطل و مقاصد سوء معاندین از خداوند تعالی خواستار
است.

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۴ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: پاسخ پیام تبریک به مناسبت آزادی امام خمینی از زندان و بازگشت به قم

مخاطب: علامه

سمنان ۳۵۵ - ۴۳/۱/۱۹

حضرت آیت الله آقای علامه - دامت برکاته

از مراجع کامله متشکر، توفیق علمای اعلام را در اعلاهی کلمه حق از خداوند تعالی
خواستار است.

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۴ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: پاسخ پیام تبریک به مناسبت آزادی امام خمینی از زندان و بازگشت به قم
مخاطب: احسانبخش، محمدصادق

رشت - شماره ۲۷۵۹۸ - ۴۳/۱/۱۹

جناب ثقة الاسلام آقای احسانبخش خطیب محترم - دامت افاضاته
از تفقد جنابعالی متشکر، مستدعی است تشکرات حقیر را به خطبای محترم و اهالی
معظم ابلاغ فرمایند.

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۲۳ فروردین ۱۳۴۳ / ۲۸ ذی القعدة ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: تکذیب خبر موافقت روحانیون با اعمال خلاف شرع رژیم شاه^(۱)

مخاطب: آخوند

همدان - ۵۰۱۹۶ - ۴۳/۱/۲۳

حضرت آیت الله آقای آخوند - دامت برکاته - همدان

پس از اهدای تهنیت مقرر فرمایند مندرجات سرمقاله اطلاعات سه شنبه ۱۸ فروردین منتشر در تهران را جداً تکذیب نمایند. مستدعی [است] مراتب تشکر حقیر را از علمای اسلام و فضیلتی مدارس و خطبای محترم و عموم بازرگانان و اصناف محترم امر به ابلاغ فرمایند.

خمینی

۱- سرمقاله روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۴۳/۱/۱۸.

□ نامه

زمان: ۳۱ فروردین ۱۳۴۳ / ۷ ذی الحجه ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: تشکر از ارسال پیام تبریک آزادی امام خمینی از زندان

مخاطب: مولانا، سید ابوالحسن

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید ابوالحسن مولانا - دامت برکاته
به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از سلامتی مزاج و تبریک ورود
حقیر به شهر مقدس قم بود واصل و موجب تشکر گردید.
از عواطف کریمه و تفقد آن جناب متشکرم. توفیق عموم علمای اعلام - دامت
برکاتهم - را از خدای متعال خواستارم. ان شاء الله در مظان استجاب دعا حقیر را فراموش
نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۷ ذیحجه الحرام ۸۳

خمینی

□ تلگراف

زمان: ۴ اردیبهشت ۱۳۴۳ / ۱۱ ذی الحجه ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: اظهار بی اطلاعی از وضعیت آقای طبسی

مخاطب: قمی، سید حسن

مشهد - حضرت آیت الله قمی - دامت برکاته

اطلاعی از آقای طبسی ندارم. به نظر می رسد دستهای مرموزی در صدد تحریک اعصاب هستند.

خمینی

□ نامه

زمان: ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۳ / ۲۴ ذی الحجه ۱۳۸۳

مکان: قم

موضوع: تحریکات دولت و ساواک و لزوم هوشیاری روحانیون

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

بسمه تعالی

۲۴ حج ۸۳

حضرت مستطاب آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

به عرض محترم عالی می‌رساند، مرقوم مبارک که حاوی مطالب عالی و نصایح سودمند بود، موجب تشکر گردید.

امید است ان شاء الله با دوام وجود مبارک مسلمین به عظمت و روحانیت سرفراز باشد. مطالبی به جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای آقامیرزا علی آقای طهرانی تذکر دادم که به عرض برسانند بحمد الله فتوری در منطق روحانیت که منطق اسلام و بر مبنای برهان متین است نخواهد راه یافت و در هر موقع مقتضی حقایق اسلام و روش مسلمین را بیان خواهد نمود.

اکنون اخلاص مند با مشکلاتی مواجه هستم داخلی که عمده است و خارجی و تاکنون نتوانستم بر آنها فائق آیم امید است از ادعیه خالصه حضرت تعالی در تحت قبه مطهره ثامن الحجج - علیهم الصلوٰة والسلام - توفیق حاصل شود.

قضایای اخیر ایران در کمال ابهام است و نمی‌دانم چه شده است که دولت یا سازمان امنیت در این موقع خطیر دست به کارهای تحریک آمیز که مخالف مصلحت مملکت است می‌زند. گمان می‌کنم که صلاح در این است که حضرات روحانیون و خطبای محترم با احتیاط رفتار کنند که مبدا خدای نخواسته آلت دست خارجی یا داخلی واقع شوند. اگر به حضرت تعالی در این ایام پیشنهاد شد که راجع مقصر امور بود که در جراید

منعکس شده است اظهار نظری فرمایید خودداری فرمایید ممکن است به صورت
خیرخواهی مطالبی گفته شود برای به دست آوردن فتوی یا کلامی از حضرتعالی که به
نظر می‌رسد صلاح نباشد. در هر صورت احتیاط در این موقع تا کشف مطالب لازم است.
مستدعی است در مظان استجابت دعوات منظور نظر مبارک باشم. والسلام علیکم و
رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

نامه سابق همان‌طور که امر فرموده بودید محو کردم و این نامه را ارسال داشتم.

□ اجازه نامه

زمان: ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۳ / ۸ محرم ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: جلیلی کرمانشاهی، عبدالجلیل

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، حضرت مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی - دامت برکاته العالیة - از طرف حقیر مجازند در تصدی امور شرعی و حسیه که تصدی آن در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از مختصات فقیه جامع الشرایط است؛ و نیز جناب ایشان وکیلند در اخذ سهم مبارک امام - علیه الصلوة والسلام - و صرف نصف آن را در محل مقرر شرعی و ایصال نصف دیگر را نزد اینجانب برای صرف در حوزه های مبارکه علمی، صانها الله تعالی عن الحدثان. «و ارجو من جنابه ان لا ینسانی من صالح دعواته؛ والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته»؛ و نیز جناب ایشان مجازند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف و اخذ و ایصال.

به تاریخ هشتم محرم الحرام ۱۳۸۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: اردیبهشت ۱۳۴۳ / ذی الحجه ۱۳۸۳

مکان: قم

مخاطب: محلاتی، بهاء الدین

حضرت آیت الله حاج شیخ بهاء الدین محلاتی - دامت برکاته
پس از سلام و ادعیه خالصانه، سلامتی و توفیق حضرت حجج اسلام - کثر الله امثالهم
و نور الله افکارهم - سیما جناب عالی را از رب الارباب مسئلت دارم. به واسطه کثرت
مراجعات و رفت و آمدها توفیق نیافته‌ام که با آن حضرت مفصل گفتگو کنم. الحال که
مجال کوتاه به دست آمد لازم دانستم چند کلمه بنویسم. به دنبال مقاصد و تعقیب
خواسته‌ها از حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - استمداد طلبیده، امیدواریم خصم
غالب نگردد. توفیقات مجمع روحانیت را در ظل عنایات و توجهات حضرت
حجت بن الحسن - علیهما السلام - خواهانم...

□ نامه

زمان: حوالی اردیبهشت ۱۳۴۳

مکان: ؟

موضوع: درخواست صدور اعلامیه و اعلام عزای ملی

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

حضرت آیت الله میلانی - دامت برکاته

این عریضه رسمی نیست از این جهت جسارت شده است.

۱. لازم است اعلامیه [ای] فوری مرقوم فرمایید و روز هشتم منتشر شود مبنی بر اعلام عزای ملی در روز دوازدهم محرم راجع به واقعه آن روز و در ضمن از مسائل روز که اختناق شدید مبلغین و آزادی همه طوایف ضاله از قبیل مسیحین و بعضی فرق ضاله دیگر بحث شود و اعتراض گردد.

۲. اهل منبر تا هشتم صحبتی نکنند و از آن وقت در صورت امکان راجع به دوازده محرم و راجع به جلوگیری از اهل منبر و حبس محبوسین صحبت کنند.

۳. البته در ضمن اعلامیه به حبس محبوسین از اهل علم و اهل منبر اعتراض فرمایید.

۴. در صورت امکان دسته جات در هشتم به بعد راجع به واقعه دوازده محرم شعارهایی بدهند.

۵. دستور دهید تراکتهایی طبع و در روزهای اجتماعات پخش کنند راجع به مسائل مختلف روز.

□ نامه

زمان: ۱۱ خرداد ۱۳۴۳ / ۲۰ محرم الحرام ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: عمل به تکلیف و دعوت به صبر در برابر مشکلات

مخاطب: میلانی، سید محمد هادی

حضرت مستطاب آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

۲۰ محرم ۸۴

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم مبارک زیارت؛ سلامت و عظمت وجود مسعود را از خداوند تعالی خواستار است. در موضوعی که اظهار نگرانی فرمودید در نظر حقیر خیلی مهم نیست، تکلیفی داریم که لازم العمل است با هر چه مصادف شود ولی گمان ندارم اکنون آنها به این فکرها باشند. والله تعالی من ورائهم محیط.

در موضوع دیگری که اظهار تأسف شده بود بنده نیز کمال تأسف را دارم و می‌دانم خلاف در این زمان چه نتایج دارد و غایت کوشش را نمودم و موفق نشدم ولی بعد از نشر انتشارات عجیبی که متوقع نبود داده و می‌دهند و هو تعالی شأنه ولی الأمر و اذنه الامور بیده تعالی باز هم مأیوس نیستم از اینکه بتوانم بعض افکار را تعدیل کنم و نگذارم شکافی حاصل شود از حضرت تعالی نیز در این موضوع کمک فکری و عملی می‌خواهم غایت آمال حریف همین موضوع است و به طوری که بعض مطلعین گفتند از اینجا گزارش به سازمان تهران و مشهد شده است که خلاف در کار است. بنده می‌دانم اگر این طرز افکار دنباله پیدا کند برای اسلام و مسلمین چه خطرهایی پیش خواهد آید مگر آنکه خداوند تعالی حفظ فرماید. از انفاس قدسیه حضرت تعالی در تحت قبه مطهره امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۴ خرداد ۱۳۴۳ / ۲۳ محرم الحرام ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: خندق آبادی، جعفر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقاي حاج شيخ جعفر خندق آبادی - دامت افاضاته - از قبل حقير مجازند در امور حسبيه و شرعيه كه تصدى آن در عصر غيبت ولى امر - عجل الله تعالى فرجه - در مختصات فقيه جامع الشرايط است «فله التصدى لا ذكر مع مراعات الاحتياط»؛ و نیز جناب ايشان مجاز و وكيل هستند در اخذ مطلق وجوه شرعيه سيما سهم مبارك امام - عليه السلام - و سهم سادات عظام - كثر الله نسلهم المبارك - و صرف نصف از سهم سادات را در محل مقرر شرعى و صرف ثلث از سهم مبارك را در اعاشه خودشان در صورت احتياج و در محل شرعى آن و ايصال بقيه از سهمين را نزد حقير براى ادامه حوزه هاى علميه؛ و نیز وكيل هستند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف و اخذ و ايصال.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - و سده بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا و ارجو من جنابه ان لا ينسانى من صالح دعواته»؛ والسلام عليه و على عباد الله الصالحين.

به تاريخ ليله ۲۳ شهر محرم الحرام ۱۳۸۴

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۱۴ خرداد ۱۳۴۳ / ۲۳ محرم الحرام ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: انصراف آقای خزعلی از سفر به کویت

مخاطب: دوانی، علی

کویت شرق حسینیه مرحوم حاج قنبر

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام خطیب محترم آقای حاج شیخ علی دوانی - دامت
افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی
تفقد آنجناب بود موجب تشکر گردید. راجع به جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین
آقای خزعلی - دامت افاضاته - طبق نامه‌ای که دیروز به اینجناب مرقوم فرموده بودند از
آمدن به کویت مأیوس هستند امید است خداوند متعال وسایل حرکت جناب ایشان را
فراهم فرماید. آقایان محترم حجج اسلام آقای شبر و آقای مهری و فضلالی عظام آقای
سعیدی و آقای نصراللهی و آقای قزوینی و سایر آقایان محترم را ابلاغ سلام فرماید.
دوام توفیقات عموم علمای اعلام - دامت برکاتهم - را در ترویج شریعت مقدسه از
خدای تعالی خواستار و ملتمس دعا هستیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۲۳ محرم الحرام ۸۴

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۹ خرداد ۱۳۴۳ / ۲۸ محرم الحرام ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: قفقازی، عبدالحسین

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقا شيخ عبدالحسين قفقازی - دامت برکاته - از طرف حقير مجازند در تصدی امور شرعيه و حسبيه که تصدی آن در زمان غيبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط است «فله التصدی لما ذکر مع مراعاة الاحتياط»؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام - عليه الصلوة والسلام - و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد، و صرف ثلث از مازاد را در محل مقرر شرعی و علو کلمه طيبة اسلام و ارسال دو ثلث ديگر را نزد اينجانب برای صرف در حوزه های مقدسه علميه - صانها الله تعالى عن الحدثان - و نیز مجازند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف. «و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط في الدين و الدنيا؛ و ارجو منه ان لا ينساني من صالح دعواته»؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و برکاته.

به تاريخ بيست و هشتم محرم الحرام ۱۳۸۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۷ خرداد ۱۳۴۳ / ۶ صفر ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: قاسمی قزوینی، فضل الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب مروج الاحكام و ثقة الاسلام آقا شيخ فضل الله قاسمی قزوینی - دامت افاضاته - از طرف حقير مجازند در تصدی امور شرعيه و حسبيه كه تصدی آن در زمان غيبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط است «فله التصدی لما ذكر مع مراعاة الاحتياط»؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - و صرف آن در اعاشه خودشان به نحو اقتصاد، و صرف ثلث از مازاد را در محل مقرر شرعی و ایصال دو ثلث دیگر را نزد اینجانب برای صرف در حوزه های مقدسه علمیه - صانها الله تعالى عن الحدثان.

«و اوصیه - ايده الله - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا و ارجو منه ان لا ينسانى من صالح دعواته»؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاريخ ششم صفر المظفر ۱۳۸۴

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۲۷ خرداد ۱۳۴۳ / ۶ صفر ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مولانا، سید ابوالحسن

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا سید ابوالحسن مولانا - دامت برکاته
به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی
تفقد آن جناب بود موجب تشکر گردید. مسائلی که استفتاء فرموده بودید جواب داده
شد و جوفاً ارسال گردید. دوام توفیقات آن جناب را در اعلای کلمه طیبه اسلام از خدای
متعال خواستار و ملتزم دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

به تاریخ ۶ صفر المظفر ۸۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۹ تیر ۱۳۴۳ / ۱۹ صفر ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: آزادی آقای قاضی طباطبایی

مخاطب: قاضی طباطبایی، سید محمدعلی

بسمه تعالی

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای سید محمدعلی قاضی - دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقد آن جناب بود، موجب تشکر گردید. از آزادی جنابعالی کمال خرسندی حاصل گردید. از خداوند متعال دوام توفیقات آن جناب را در اعلای کلمه طیبیه اسلام خواستارم. مرجو آنکه در مظان استجابت دعوات حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

به تاریخ ۱۹ شهر صفر الخیر ۸۴

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۶ تیر ۱۳۴۳ / ۷ ربیع الاول ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: موسوی قزوینی شالی، سید حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب سيد الاعلام و حجت الاسلام آقاي حاج سيد حسن موسوی قزوینی شالی - دامت برکاته - از طرف حقیر مجازند در تصدی امور شرعیه و حسبيه که تصدی آن در زمان غیبت حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - از مختصات فقیه جامع الشرایط است «فله التصدی لما ذکر مع مراعاة الاحتیاط»؛ و نیز جناب ایشان مجازند در اخذ سهمین مبارکین و صرف نصف از آن در موارد مقرر شرعیه و اعلاي کلمه طيبه اسلام به هر نحو که صلاح بدانند و ارسال نصف دیگر را نزد اینجانب برای اقامه حوزه های مقدسه علمیه - صانها الله تعالی عن الحدثان - و نیز مجازند در دستگردان نمودن و امهال به مقدار متعارف و اخذ و ایصال.

«و اوصیه - ایده الله تعالی - بما اوصی به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتیاط فی الدین و الدنیا؛ و ارجو من جنابه ان لا ینسانی من صالح دعواته»؛ والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

به تاریخ هفتم شهر ربیع المولود ۱۳۸۴

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۳ مرداد ۱۳۴۳ / ۱۵ ربیع الاول ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: تأسیس مدرسه علمیه در الیگودرز

مخاطب: کروی، احمد

بسمه تعالی

۱۵ ربیع الاول ۸۴

خدمت ذی سعادت جناب مستطاب عمادالنفقات و الاعلام، مروج الاحکام، سیدالانام
آقای آقا شیخ احمد کروی - دامت افاضاته و تأییداته

مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود واصل
گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. راجع به تأسیس مدرسه علمیه در
الیگودرز در صورتی که موفق شوید و اسباب فراهم شود خیلی خوب است؛ لکن خیلی
محتمل است که این نحو امور در آن محیط انجام نگیرد. در هر صورت توفیق جنابعالی را
خواهانم. راجع به حواله که مرقوم شده بود، اینجانب اولاً بنا ندارم ابتدا به کسی حواله
دهم در صورتی [که] خود طرف تقاضا کند و صلاح باشد حواله می‌دهم و ثانیاً در این
امور باید احراز شود که این اساس مفید است و مورد عمل واقع خواهد شد. در این
صورت آن شخص مرقوم مجاز است، لکن اگر قبض نخواهد باید خودش تقاضا کند و
جنابعالی و یکی از آقا زاده‌های محترم نیز مفید بودن آن و نتیجه داشتن را شهادت دهید.
خدمت آقا زاده‌های محترم سلام می‌رساند. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۵ مرداد ۱۳۴۳ / ۱۷ ربیع الاول ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: نگرانی درباره وقایع عراق و اختلافات بین شیعه و سنی

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

۱۷ شهر ربیع المولود ۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض محترم عالی می‌رساند با اینکه پریروز زحمت افزا شدم لکن چون حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای دستغیب پیغامی داشتند راجع به جلسه مثله لازم است عرض کنم چون جهت آن درست معلوم نیست و از طرفی آنچه منعکس شده است در مطبوعات مربوط به امور دینانی نیست صلاح نیست از طرف حضرت تعالی مشترکاً یا مستقلاً چیزی نشر شود باید مراقب بود اگر خدای نخواستہ مطلب خلاف شرعی بروز کرد اقدام نمود.

چیزی که اخیراً موجب نگرانی شدید است قضایای واصله از عراق است یکی راجع به مطالبی که از عارف بروز کرد راجع به تجدید مسجد امویین که موجب سر و صدایی شده است و به اختلاف بین شیعه و سنی دامن می‌زند و ناگزیر دستهایی در کار است برای ایجاد اختلاف و یکی راجع به ملی نمودن بسیاری از مؤسسات از قرار مذکور و تاکنون از طرف علمای آنجا هیچ اعتراضی نشده است و اینجا هم که حالش معلوم است نمی‌دانم سرکار عالی در این موضوع فکری فرمودید در هر صورت این امور باعث می‌شود که در ایران نیز نظایرش بروز کند و باید در این امر تفکر کرد. از خداوند تعالی سلامت و عظمت حضرت تعالی را خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ مرداد ۱۳۴۳ / ۱۹ ربیع الاول ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اعلام وصول نامه

مخاطب: حسینی، سید احمد

۱۹ ربیع الاول ۱۳۸۴

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام و مروج الاحکام آقای سید احمد حسینی - دامت
بقائه

به عرض می‌رساند، مرقومه شریف که حاکی از صحت مزاج و حاوی تفقد آن جناب
بود موجب تشکر گردید. مساعی جمیله جنابعالی و زحمات طاقت فرسا و تحمل آلام و
مصایب و محرومیت‌های وارده موجب کمال تقدیر و تشکر و امید است ان شاء الله مورد
توجه حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرج الشریف - واقع شده و مأجور باشید. دوام
توفیقات آن جناب را در ترویج شریعت مقدسه از خدای متعال خواستار و ملتزم دعا
هستم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

به تاریخ ۱۹ ع ۱۴۸۴

روح الله الموسوی الخمینی

□ تلگراف

زمان: حوالی ۱۹ مرداد ۱۳۴۳ / ۲ ربیع الثانی ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: تبریک ورود آقای قاضی طباطبائی به تبریز

مخاطب: قاضی طباطبائی، سید محمدعلی

حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدعلی قاضی - دامت برکاته
پس از تبریک ورود جنابعالی، دوام برکات و موفقیت سرکار را در اعلای کلمه حق و
ازهاق باطل از خداوند تعالی خواستار است.

خمینی

□ نامه

زمان: ۴ مهر ۱۳۴۳ / ۱۹ جمادی الاول ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اعلام وصول کتاب طهاره، و پرداخت شهریه

مخاطب: لنکرانی، عبدالحسین

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای آقا شیخ عبدالحسین
لنکرانی - دامت برکاته

به عرض می‌رساند، مرقومه جنابعالی که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تفقد
از حقیر بود، موجب تشکر گردید. دو جلد کتاب طهاره تألیف مرحوم حجت الاسلام
آقای فیض - رحمه الله - به وسیله پست واصل گردید. متأسفانه به واسطه کثرت مخارج و
مراجعات و سایر محذورات از خدمتی که مرقوم داشته بودید عاجلاً معذورم ان شاء الله
در موقع مقتضی مضایقه ندارم. راجع به شهریه آقایی که مرقوم شده بود پرداخت گردید
و ان شاء الله بعداً نیز پرداخت خواهد شد. از خدای متعال دوام توفیقات آنجناب را در
ترویج شریعت مقدسه اسلام خواستار و ملتزم دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله و
برکاته.

به تاریخ ۱۹ ج ۱ ۸۴

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۶ آبان ۱۳۴۳ / ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: وجوه شرعی

مخاطب: لنکرانی، عبدالحسین

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالحسین
لنکرانی - دامت برکاته

به عرض می‌رساند، مرقومه آنجناب که حاکی از تفقد از حقیر بود موجب تشکر
گردید.

مسئله که مرقوم داشته بودید جواب نوشته شد و جوفاً ارسال گردید. راجع به ارسال
قبض رسید و وجهی که می‌خواهند به جنابعالی پردازند چون بنای حقیر نیست که آنطور
که مرقوم شده بود چیزی بنویسم ارسال نشد و چنانچه خود شخص دهنده وجه بنویسند
که می‌خواهند فلان مقدار بابت سهم مبارک امام - علیه السلام - پردازم یا خود جنابعالی
از طرف ایشان بنویسید اجازه داده خواهد شد. از خدای متعال موفقیت کامل آنجناب را
در ترویج شریعت مقدسه خواستار و ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم و رحمة الله و
برکاته.

به تاریخ ۲۲ ج ۲ ۸۴

اینجانب بنا ندارم ابتداء به کسی حواله بدهم لهذا خوب بود سرکار عالی یا آن شخص
چیزی بنویسند تا جواب مساعد بدهم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۸ آبان ۱۳۴۳ / ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۸۴

مکان: قم

موضوع: اظهار تألم و تأثر از بی‌احترامی رژیم به واعظ مشهور آقای عباسعلی اسلامی
مخاطب: اسلامی، علی

۲۴ جمادی الثانی ۱۳۸۴^(۱)

بسمه تعالی

جناب فاضل محترم، آقای علی آقا اسلامی - دام عمره
مرقوم محترم که حاکی از تأثرات شما بود، موجب تألم و تأثر اینجانب گردید.
اینجانب از این وضعیت که برای مسلمین پیش آمده است و برای خصوص جناب آقای
اسلامی، خطیب محترم بسیار متأثرم. از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین را خواستار
است.

جنابعالی و خانواده آقای اسلامی متأثر نباشید. این گرفتاری‌ها بزودی ان شاء الله رفع
می‌شود و بزرگواری و نیک‌نامی برای آقای اسلامی باقی می‌ماند. اینجانب مستقیماً از
خوف آنکه مبادا کار مشکلتر باشد، اقدام نکردم؛ لکن از راههایی اقدام نمودم، امیدوارم
ان شاء الله بزودی رفع گرفتاری ایشان بشود. از طرف حقیر به آقایان اخوان و خانواده
محترم ایشان سلام برسانید. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

۱. در پی بازداشت واعظ شهیر، آقای عباسعلی اسلامی در مشهد که او را از زندانی به زندان دیگر و نیز برای محاکمه، با
دستبند می‌بردند، امام در پاسخ به نامه فرزند ایشان حاج شیخ علی اسلامی، از خانواده او دلجویی کرده است.

□ نامه

زمان: ۲ دی ۱۳۴۳ / ۱۸ شعبان ۱۳۸۴

مکان: ترکیه

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

ان شاء الله تعالی. حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

لیله ۱۸ شهر شعبان المعظم ۸۴

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود شریف و حاوی مراتب محبت و مودت بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. بحمد الله حال اینجانب خوب و هیچ جای نگرانی نیست. خداوند تعالی هر چه مقدر فرموده صلاح است. از خداوند تعالی توفیق رضای به قضای الهی را خواستار است. سلامت و موفقیت آن جناب را از خداوند تعالی خواستار است. خدمت حضرت آقای فقیه و اصحاب گرامی آن حضرت سلام می‌رسانم و دعای حسن عاقبت را از همه خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

چند قوطی شیرینی مرحمتی موجب تشکر است

□ پیام

زمان: ۱۳۴۳ ه. ش. / ۱۳۸۴ ه. ق.

مکان: قم

موضوع: خطر نفوذ اسرائیل و عمال داخلی آنها برای قبضه ذخایر کشور

مخاطب: علما و روحانیون شوستر

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت ذی شرافت علمای اعلام و حجج اسلام شوستر - دامت برکاتهم - و سایر اهالی

محترم و طبقات معظم - دامت تأییداتهم

پس از اهدای تحیات و سلام مخصوص

مرقوم محترم حضرات آقایان که حاکی از عواطف کریمه نسبت به حقیر و قدردانی از جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای خزعلی خطیب محترم - دامت افاضاته - بود موجب تشکر گردید. بحمدالله امسال اهالی محترم خوزستان - ایدهم الله تعالی - از احساسات دینی و تعظیم شعائر مذهبی فروگذار ننموده و در آن مرکز حساس و محیط ارزنده به وظایف مذهبی خود قیام نمودند و به دستگاه جبار عملاً همانندند که محیط کارگری در تعظیم شعائر دینی پیشقدم و در راه عظمت اسلام و استقلال مملکت اسلامی کوشا هستند و از اسرائیل و عمال منفور آن متنفر [ند] و در راه اهداف روحانیت که اهداف اسلام است از هیچ گونه فعالیتی دریغ ندارند.

باید علمای اعلام و خطبای عظام، ملت را عموماً و طبقه کارگر را خصوصاً، از خطر اجانب عموماً و خطر اسرائیل و عمال اسرائیل خصوصاً برحذر دارند و از آنهایی که دست اجانب و خصوص اسرائیل را برای قبضه ذخایر کشور باز گذاشته اند اظهار تنفر و براءت کنند.

امروز روزی است که مسلمین باید اجتماعات مذهبی خود را هر قدر بیشتر و صفوف جماعات و سایر شعائر دینی را هر قدر فشرده تر کنند تا خائنین به اسلام و مملکت چشم

طمع را از آنها بترند. باید علمای اعلام، رویه‌کناره‌گیری و گوشه‌نشینی را رها فرمایند و خطبای عظام حقایق را روشن به ملت گوشزد نمایند و آنها را به خطرات محتمله آگاه نمایند و ملت باید از علمای اعلام و مبلغین محترم پشتیبانی نمایند. رجای واثق دارم که پیروزی نهایی با طرفداران اسلام است و خداوند تعالی با ماست. از درگاه مقدسش عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

ضمناً برای تفاهم بیشتر و اظهار وحدت کلمه، صلاح دیدیم که در تمام شهرستانها هر هفته شبهای یکشنبه جلسه‌ای از علمای اعلام برقرار باشد. از آقایان علما...^(۱)

۱. امام این موضوع را نیمه تمام گذاشته و روی آن خط کشیده است. شاید علت این باشد که چون مخاطبین نامه علاوه بر علما، اهالی محترم شوستر نیز می‌باشند و سبک و سیاق نگارش نیز نشان می‌دهد که نامه برای چاپ و پخش بوده است و مخاطبین نامه در واقع عموم ملت بوده‌اند، از این رو، امام از مطرح کردن موضوع گرد همایی هفتگی که هنوز در مرحله طرح بود و به صورت سری دنبال می‌شد، منصرف شده است. ر.ک.: نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۹۶۸.

□ نامه

زمان: ۱۳۴۳ هـ. ش / ۱۳۸۴ هـ. ق

مکان: ؟

موضوع: زمزمه مغرضین درباره یهود، نصارا و اسرائیل

مخاطب: میلانی، سید محمد هادی

بسمه تعالی

حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله میلانی - دامت برکاته

السلام علی سیدنا و مولانا ابی الحسن الرضا علیه الاف التحیه و الثنا

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم مبارک که حاکی از سلامت وجود مسعود و حاوی الطاف کریمه نسبت به دعا گو بود موجب کمال تشکر گردید. پیوسته سلامت و عظمت وجود مبارک را از خداوند تعالی خواستار است و زیارت وجود تام البرکات را چه در اینجا یا آنجا امیدوار است. از مراتب لطف و عنایات حضرتت به وسایل مختلفه باید تشکر کنم و باید از خداوند تعالی تشکر ابراز کنم که قلب مثل آن حضرت را به حقیری مثل داعی متوجه فرموده و به قدرت کامله خود این ضعیف را مورد عنایات شامله آن حضرت قرار داده فله الشکر ثم الشکر. راجع به حرکت به آستان قدس با کمال آرزو که دارم محذورات عدیده‌ای است که شمه‌ای از آنها را به حضرات حجّین آقای بحر العلوم و آقای خادمی - دامت برکاتهما - تذکر دادم و مورد تصدیق واقع شد امیدوارم خداوند متعال با لطف عمیم خود آنچه صلاح اسلام و مسلمین است در این عصر که عصر ظلمت و توحش است مقرر فرماید و ما را به وظایف خطیر خود آشنا و عامل قرار دهد. از انفاس قدسیه در آستان قدس رضوی تمنای دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. لابد به سمع مبارک رسیده است که بعض مغرضین یا اغفال شده‌ها در تهران و قم زمزمه عدم فرق بین یهود و نصارا را آغاز نمودند و از قرار مسموع مجلس یا مجلسهایی داشته‌اند به شعار الکفر ملة واحده که نتیجه آن شناسایی اسرائیل بود لکن بحمد الله با اقدام کوچکی نفسها

بند آمد و اشخاص صریح در این امر بکلی انکار تفوه به این قضیه را نمودند و آتش خاموش شد. از ولی عصر و ناموس دهر - عجل الله فرجه - خواهانم که از خداوند تعالی بقای وجود مبارک را در مسند علم و عمل خواستار شوند و از برکات وجود عزیزت علمای حوزه محترم بهره‌مند گردند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۳ خرداد ۱۳۴۴ / ۱۳ صفر ۱۳۸۵

مکان: ترکیه

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای نجفی - دامت برکاته

۱۳ صفرالخير ۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت وجود محترم و ابراز عواطف کریمه بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار و دوام تأییدات عالی را امیدوار است. حالت اینجانب بحمدالله تعالی و له‌الشکر خوب و نگرانی در کار نیست. از خداوند تعالی توفیق شکرگزاری را خواستار است. مصطفی بحمدالله سلامت و به عرض سلام مصدق است.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۴ شهریور ۱۳۴۴ / ۱۹ جمادی الاول ۱۳۸۵

مکان: ترکیه

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای نجفی - دامت برکاته

لیله ۱۹ ج ۸۵۱

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که مشعر بر سلامت وجود محترم بود و حاوی الطاف کریمه نسبت به اینجانب بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. حالت اینجانب و مصطفی بحمدالله تعالی خوب و سلامت است و به هیچ وجه نگرانی ندارم. امید است خداوند تعالی به اسلام و مسلمین عزت و عظمت عنایت فرماید. از جنابعالی در مظان استجاب دعوات استدعای دعای خیر برای حسن خاتمه دارم. مصطفی سلام تقدیم می‌دارد.

خدمت جناب حجت الاسلام آقای فقیه - دامت افاضاته - سلام می‌رسانم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ تلگراف

زمان: شهر یور یا مهر ۱۳۴۴ / جمادی الاول یا جمادی الثانی ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: ابراز تشکر

مخاطب: میلانی، سید محمد هادی

نجف - مشهد

حضرت آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

از الطاف کریمه متشکرم، عظمت اسلام و مسلمین ایران [را] از خداوند تعالی

خواستارم.

خمینی

□ نامه

زمان: ۲۶ مهر ۱۳۴۴ / ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: ابراز تشکر و قدردانی

مخاطب: جلیلی کرمانشاهی، عبدالجلیل

بسمه تعالی

۲۲ ج ۸۵۲

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجلیل
جلیلی - دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقومه شریفه که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی
تفقد از حقیر بود، موجب تشکر گردید. از ابراز عواطف و زحمات زیادی که در
جریانات اخیر متحمل شده‌اید متشکرم. از خداوند تعالی دوام توفیقات آن جناب را در
ترویج شریعت مقدسه و اعلاای کلمه طیبه اسلام مسئلت دارم. مرجو آنکه در مظان
استجاب دعوات، حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایید. مصطفی بحمدالله سالم و
سلام می‌رساند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

□ تلگراف

زمان: ۵ آبان ۱۳۴۴ / ۲ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

نجف قم ۹ ۲۲ ۱۷ ۱۳۴۴/۸/۵

بسمه تعالی

ک ت قم - حضرت آیت الله آقای نجفی - دامت برکاته

از الطاف کریمه متشکرم. عظمت اسلام و مسلمین را از خداوند تعالی خواستارم.

خمینی

□ نامه

زمان: ۷ آبان ۱۳۴۴ / ۴ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر از تبریک تشرف به اعتاب مقدسه

مخاطب: قاضی، مهدی

بسمه تعالی

۴ رجب ۸۵

خدمت ذی شرافت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی - دامت
توفیقاته

به عرض می‌رساند، تلگراف تبریک تشرف به اعتاب مقدسه واصل، و موجب تشکر
گردید و چون اطلاع حاصل شد که تلگرافات حقیر را نمی‌رسانند، چنانچه نوعاً
تلگرافات ایران را به اینجانب نرسانده‌اند، لذا از جواب تلگرافی خودداری شد.
از خداوند تعالی موفقیت آن جناب را در خدمت به حوزه مقدسه علمیّه خرم آباد
خواستار و ملتمس دعا هستم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۳ آبان ۱۳۴۴ / ۱۰ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر از تبریک تشرف به عتبات مقدسه و اقامت در نجف اشرف

مخاطب: قاضی طباطبایی، سید محمدعلی

بسمه تعالی

۱۰ رجب ۸۵

خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمدعلی قاضی طباطبایی - دامت برکاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاوی تبریک تشرف حقییر به عتبات مقدسه بود، موجب تشکر گردید. از خدای تعالی ادامه فیوضات حضرت تعالی را در اعلائی کلمه طیبه اسلام مسئلت می‌نمایم. حضرت حجت الاسلام آقای خلخالی و مصطفی سلام می‌رسانند. مرجو آنکه در مظان استجابت دعوات، حقییر را فراموش نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۶ آبان ۱۳۴۴ / ۱۳ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: اجازه صرف وجوه شرعیه

مخاطب: کرمانشاهی، مجتبی

بسمه تعالی

۱۳ رجب ۸۵

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج آقا مجتبی کرمانشاهی -
دامت افاضاته

به عرض می‌رساند، مرقوم جنابعالی که حاوی تبریک تشریف اینجانب به اعتاب مقدسه بود، موجب تشکر گردید. از خدای تعالی ادامه توفیقات جنابعالی را در ترویج شریعت مقدسه خواستارم.

راجع به صرف نمودن وجوه جزئی که مرقوم داشته بودید، جنابعالی مجازید اینگونه مبالغ جزئی را در مصارف مرقومه صرف نمایید. مصطفی بحمدالله سالم و سلام می‌رساند. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۸ آبان ۱۳۴۴ / ۱۵ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: لنکرانی، حسین^(۱)

بسمه تعالی

۱۵ رجب ۸۵

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاوی تفقد و اظهار محبت‌های بی‌شائبه و تبریک تشرف به اعتاب مقدسه بوده موجب تشکر گردید. از خدای تعالی صحت کامل و ادامه توفیقات حضرت تعالی را مسئلت دارم. مصطفی بحمدالله سالم و سلام می‌رساند. از اینکه به واسطه دید و بازدید چند روزی جواب مرقوم حضرت تعالی به تأخیر افتاد معذرت می‌خواهم. امید است در مظان استجاب دعوات حقیر را فراموش نفرماید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

اینجانب مخصوصاً در مواردی یاد جنابعالی بوده‌ام و برای سلامت وجود شریف دعا کرده و می‌کنم.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- روی پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «ایران - تهران، خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ حسین لنکرانی - دامت برکاته. ۱۵ رجب ۸۵».

□ نامه

زمان: ۲۷ آبان ۱۳۴۴ / ۲۴ رجب ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: سید علی نقی^(۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۴ رجب ۸۵

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف بود و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. یک تلگراف و یک مکتوب هم از جناب آقای حاج سید محمد علی - عجل الله تعالی فی صحته و شفاه - واصل گردید. از حال مزاجی اظهار رضایت کرده بودند و راجع به چشم همان‌طورها نوشته بودند. از خداوند تعالی شفای عاجل ایشان را خواستارم و حقیقتاً از این پیشامد متأثرم و برای شماها نیز متأثرم. امید است ان شاء الله از دعا غفلت نشود. از جنابعالی در مظان استجابت دعوات، رجای دعای خیر برای حُسن عاقبت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- پشت پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «ایران - تهران، خدمت ذی شرافت جناب مستطاب سید الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج سید علی نقی - دامت برکاته».

□ نامه

زمان: ۹ دی ۱۳۴۴ / ۶ رمضان ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: ؟

۶ صیام ۸۵

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که از قم مرقوم شده بود و حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. مردد بودم که در قم مشرف هستید یا تشریف بردید سمنان از این جهت تأخیری در جواب رخ داد تا آنکه آقای صانعی آمدند و گفتند تشریف بردید. از خداوند تعالی خواهانم که همه ما را موفق به خدمت به اسلام و مسلمین بفرماید و در تحت قبه مطهره مولی الموالی - علیه الصلوٰة و السلام - جبران قصور و تقصیر ما سبق این حقیر را بفرماید. از جنابعالی در این ایام و لیالی متبرکه رجای دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۳ دی ۱۳۴۴ / ۱۰ رمضان ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: ؟

۱۰ صیام ۸۵

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، خبر فاجعه مؤلمه موجب تأثر و تأسف بسیار گردید. در این سال جمعی از دوستان را از دست دادم^(۱) و نحن ان شاء الله بهم لاحقون. امید است خداوند تعالی به بازماندگان ایشان اجر و صبر عنایت فرماید و ایشان را غریق رحمت بی‌پایان فرماید.

چند صباحی بیشتر از عمر اینجانب باقی نیست. از خداوند تعالی توفیق خدمت می‌خواهم؛ و امید است در تحت قباب مطهره ائمه اسلام - علیهم السلام - خداوند تعالی جبران تقصیر و قصور گذشته را بفرماید. اینجانب از پیشامدهای ایران خصوصاً برای دوستانم ناراحت هستم و از خداوند تعالی اصلاح امور را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

۱- سید کاظم قریشی از یاران و پیروان امام بود که پس از تحمل شکنجه‌های طاقت‌فرسا درگذشت.

□ نامه

زمان: ۱۸ دی ۱۳۴۴ / ۱۵ رمضان ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: تبریک میلاد امام حسن مجتبی (ع) و احوالپرسی

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

حضرت آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

لیله ۱۵ شهر رمضان المبارک ۸۵

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، پس از تبریک عید سعید سبط اکبر - سلام الله تعالی علیه - مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج مبارک بود و حاوی تفقد از اینجانب موجب تشکر گردید. از کسالت سرکار عالی اطلاع نداشتم بحمد الله خبر آن مشفوع به خبر صحت بود. خداوند تعالی نعمت وجود عزیز شریف را برای اسلام و مسلمین مستدام بدارد. اینجانب که چندین روز با معیت مصطفی مبتلای به تب بودیم حقیر ده روز و مصطفی قدری بیشتر افطار نمودیم ولی بحمد الله تعالی چند روز است که شفا یافته‌ایم. از حضر تعالی ملتمس دعای خیر هستم برای حسن عاقبت. مرقوم شده بود در اینجا چه شود ظاهراً امکان ندارد چنانچه در ایران هم غیر ممکن است ما وقتی تنبه پیدا می‌کنیم که کار از کار گذشته است والی المشتکی والی ولی العصر - عجل الله فرجه الشریف - الشکوی از خداوند تعالی اصلاح حال ممالک اسلامی و مسلمین را خواستار و تنبه اولی المقامات را خواهانم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: دی یا بهمن ۱۳۴۴ / رمضان ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

قم - حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

شهر صیام ۸۵

بسمه تعالی

به عرض شریف می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج مسعود بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمد الله سلامت و امید است در تحت قبه مطهره مولی به وظایف دعاگویی برای کافّه مسلمین خصوصاً اهل علم قیام کنم. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۴ بهمن ۱۳۴۴ / ۲ شوال ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

ایران - قم

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲ شوال المکرم ۸۵

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود مبارک بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. تأخیر در جواب برای این بود که مدتی مبتلای به تب و پس از آن به تبعات آن بودم. اینک بحمدالله تعالی حالم خوب است. امید است خداوند تعالی در این آخر عمر در تحت قباب مطهره تقصیر و قصور گذشته را مورد عفو قرار دهد و اینجانب را موفق به دعای به اسلام و مسلمین و علمای اسلام نماید. از جنابعالی رجای دعای خیر برای حسن عاقبت و عافیت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۶ بهمن ۱۳۴۴ / ۱۴ شوال ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: ابراز نگرانی از وضع مسلمین ایران

مخاطب: ؟

بسمه تعالی

۱۴ شوال ۸۵

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که متضمن تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. از عروض نقاهت به وجود شریف متأثر، امید است ان شاء الله تعالی در اسرع وقت صحت عود نموده، قرین سلامت و سعادت باشید. اینجانب قبل از ماه مبارک تا دهم کسالت و نقاهت داشتم لکن بحمد الله رفع و اکنون حالم خوب، لکن از اوضاع مسلمین سیما ایران بسیار نگران هستم. خداوند حال تمام مسلمین را اصلاح فرماید و توفیق خدمت به همه ما مرحمت نماید. از جناب آقای خزعلی از تهران مرقومی داشتم و فی الجمله قضایا را مرقوم داشته بودند.

از جنابعالی در مظان استجاب دعوات امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۱ بهمن ۱۳۴۴ / ۱۹ شوال ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۱۹ شوال ۸۵

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که متضمن تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. اخیراً شنیدم خدای نخواستہ فی‌الجمله نقاہتی عارض است. از خداوند تعالی صحت و سلامت جنابعالی را خواستار است. از سلامت خودتان مطلع فرمایید. از آقازاده محترم خطی دیروز واصل شد. ان شاءالله جواب را خواهم داد. عجلتاً سلام ایشان موکول به لطف عالی است. مصطفی بحمدالله سلامت و دعا گوست.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۸ بهمن ۱۳۴۴ / ۲۶ شوال ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید محمود

قم - کوچه حرم

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقةالاسلام آقای حاج سید محمود مرعشی -

دامت تأییداته

۲۶ شوال ۸۵

بسمه تعالی

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله سلامت هستم چندی قبل شنیدم خدای نخواستہ نقاهتی عارض حضرت آیت‌الله والد - دام بقاء - بوده به وسیله مکتوب از ایشان احوالپرسی نموده امید است تا کنون بکلی رفع شده باشد. سلام اینجانب را ابلاغ فرماید.

والسلام علیکم ورحمة‌الله

مصطفی بحمدالله سلامت و سلام می‌رساند.

روح‌الله الموسوی‌الخمينی

□ نامه

زمان: ۸ اسفند ۱۳۴۴ / ۶ ذی القعدة ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

قم - حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

بسمه تعالی

۶ ذی القعدة ۸۵

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت وجود مسعود بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. چند روز قبل به وسیله مکتوب استفسار از سلامت جنابعالی کردم چون شنیده بودم خدای نخواستہ نقاهت جزئی عارض است لکن اخیراً که بعض آقایان مشرف شدند استفسار کردم معلوم شد بحمدالله سلامت هستید و مطلبی نبوده. از جنابعالی در مظان استجابت دعوات ملتمس دعای خیر هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: تقریبی بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ هجری شمسی

مکان: نجف

موضوع: تبریک عید قربان و عید غدیر خم

مخاطب: ربانی شیرازی، عبدالرحیم^(۱)

بسمه تعالی

۲۷ ذی الحجة

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که به عنوان تبریک عیدین سعیدین بود موجب تشکر گردید. ان شاء الله تعالی اعیاد شریفه بر جمیع مسلمین سعید باشد. نامه قبل را به وسیله مسافر مکه ظاهراً جواب دادم و نامه‌ای که راجع به آقای حائری بود. اینجانب به ایشان علاقه کامل دارم و بر خلاف ایشان کاری نمی‌کنم. در جواب نامه آقای هاشمی مراتب علاقه خود را به ایشان تذکر می‌دهم و اگر قصوری شده است جبران می‌کنم. الآن در حال تب هستم و بیش از این نمی‌توانم ادامه دهم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

۱- پشت پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «ایران - قم، خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و حجت الاسلام آقای ربانی شیرازی - دامت افاضاته».

□ نامه

زمان: تقریبی بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ هجری شمسی

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر از فعالیت حوزه علمیه خرم آباد

مخاطب: قاضی، مهدی

۲۶ صیام

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای قاضی - دامت افاضاته
مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از حقیر بود، موجب
تشکر گردید. از برقرار بودن حوزه مبارکه خرم آباد که به همت جنابعالی و سایر آقایان
تمشیت دارد خیلی متشکرم. خداوند تعالی ان شاء الله به همه آقایان توفیق عنایت فرماید.
از تشریف آوردن جناب مستطاب حجت الاسلام آقای صدیقین - دامت افاضاته - که به
علم و عمل بحمد الله تعالی آراسته هستند خیلی خرسند شدم، گرچه محروم بودن حوزه
قم از مثل ایشان موجب تأسف است، لکن حوزه علمیه خرم آباد به واسطه اهمیتی که
دارد جبران می کند. امید است ان شاء الله تعالی فضلا از وجود ایشان استفاده کامل نمایند.
از خداوند تعالی سلامت و عزت همه اهل علم و عظمت و عزت اسلام و مسلمین را
خواهانم. از جنابعالی و سایر آقایان امید دعای خیر برای حُسن عاقبت دارم. والسلام
علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: تقریبی بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ هجری شمسی

مکان: نجف

موضوع: عدم دخالت در امور مؤسسات تبلیغی مشکوک

مخاطب: خادمی، حسین

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. اخیراً مسموع شد که جنابعالی با آنکه در امور محتاط هستید و همیشه در کمال متانت مشی فرمودید در بعضی امور و مؤسسات مشکوک فیها بل مظنون فیها الفساد دخالت فرموده که بعضی اشخاص معلوم الحال در آن دخالت دارند. این معنی اسباب نگرانی بعضی و گله دیگری شده است. قضیه سالن مدرسه احمدیه و اشخاصی که در آن دخالت دارند، نمی‌دانم چیست. در هر صورت جنابعالی خوب واقف هستید که این نحو مؤسسات تبلیغی را باید با احتیاط کامل تلقی کرد و دخالت جنابعالی برای حیثیت جنابعالی مضر است.^(۱) والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

۱- پشت پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «اصفهان، خدمت ذی شرافت حضرت مستطاب سیدالعلماء العاملین و حجت الاسلام والمسلمین حاج آقا حسین خادمی - دامت برکاته».

□ نامه

زمان: تقریبی بین ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۶ هجری شمسی

مکان: نجف

موضوع: تأکید بر رفع مشکلات حوزه علمیه خرم آباد

مخاطب: قاضی، مهدی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ملاذالاعلام و ثقة الاسلام آقای شیخ مهدی قاضی -
دامت افاضاته

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم ضمیمه صورت حساب حوزه محترمه علمیه
واصل گردید. در این چند روزه مکتوباتی از خرم آباد واصل گردیده است و از خارج نیز
مطالبی مسموع شده که به نظر می‌رسد خدای نخواسته اختلاف نظری بین آقایان آنجا
حاصل است. اگر خدای نخواسته این وضع ادامه پیدا کند، به ضرر حوزه علمیه و خود
آقایان است و حقیر نیز دخالت کردنم محذور پیدا می‌کند؛ لهذا خوب است خود آقایان
جلسه کنند و در این موضوع تبادل افکار فرمایند و وحدت نظر پیدا کنند و حقیر را مطلع
فرمایند. در هر صورت بقای حوزه محترمه بسته است به وحدت کلمه آقایان محترم.
در خاتمه از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است. والسلام
علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲ فروردین ۱۳۴۵ / ۲۹ ذی القعدة ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول نامه و احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

قم - حضرت آیت الله آقای آقا نجفی مرعشی - دامت برکاته

۲۹ ذی القعدة ۸۵

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود مسعود بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. رجای آن دارم که در تحت قبه مطهره مولی الموالی - علیه السلام - موفق شوم به دعای خیر برای اسلام و مسلمین و عظمت حوزه‌های علمیه. از جنابعالی رجای دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲ فروردین ۱۳۴۵ / ۲۹ ذی القعدة ۱۳۸۵

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول نامه و پیام تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید محمود

۲۹ ذی القعدة ۸۵

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام آقای حاج آقا محمود - دامت افاضاته
به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از
اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت
می‌نماید. امید است خداوند تعالی توفیق دهد در تحت قباب مطهره ائمه اسلام - علیهم
السلام - دعای خیر برای همه مسلمین و مخصوصین آنها بنمایم.
از جنابعالی در مظان استجابت دعوات رجای دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

مرقوم محترم دیگر نیز واصل شد و موجب تشکر.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۳۱ تیر ۱۳۴۵ / ۳ ربیع الثانی ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: اظهار تألم از اوضاع ایران و شهر قم

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی مرعشی - دامت برکاته

۳ ربیع الثانی ۸۶

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمد الله سلامت هستم لکن از اوضاع ایران و قم رنج می‌برم. امید است خداوند تعالی امور را اصلاح فرماید و ما را موفق به خدمت و موجبات رضای خود فرماید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۳ مرداد ۱۳۴۵ / ۶ ربیع الثانی ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: خادمی، حسین^(۱)

بسمه تعالی

۶ ربیع الثانی ۸۶

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج مبارک بود موجب تشکر گردید. از مطالبش مطلع شدم. غرض اینجانب جز حفظ حیثیات سرکار نبوده و نیست. به طوری که مرقوم شده است این مؤسسه موافق صلاح است و یرى الشاهد مالا یرى الغایب. و ممکن است بعضی‌ها که مطالبی گفتند یا بی‌اطلاع بوده یا غرض در کار بوده است. در هر صورت جنابعالی هر طور صلاح می‌دانید عمل فرمایید. راجع به کمک نکردن دیگران در شهریه، مرقوم شده بود گرچه مبهم بود، لکن به حسب قواعد همین نحوها باید باشد و تا کنون هم انتظار نمی‌رفت ادامه داشته باشد با این سختیها و گرفتاریها. از نظر اینجانب هم مطلب مهم نیست. مقصود ادای وظیفه است هر وقت میسر نشد شاید بهتر باشد و مسئولیت کمتر.

از جنابعالی در مظان استجاب دعوات، امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

۱- پشت پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «اصفهان، خدمت ذی‌شرافت حضرت مستطاب سید العلماء العاملین و حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج آقا حسین خادمی - دامت برکاته».

□ نامه

زمان: ۱۳ مرداد ۱۳۴۵ / ۱۶ ربیع الثانی ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: تعیین میزان پرداخت سهم امام (ع) به ارحام فقیر و ...

مخاطب:؟

بسمه تعالی

۱۶ ربیع الثانی ۸۶

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف بود واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. جواب مرقوم سابق را که در موضوع عدم صلاح وکالت این شخص بود دادم و عرض کردم هر طور صلاح است عمل کنید و وکالت را برگردانید یا حفظ نمایید. راجع به گرفتاریهای سرکار عالی امید است خداوند تعالی اجر جزیل عنایت فرماید و رفع گرفتاریها را بفرماید. راجع به بعض کارمندان دولتی جنابعالی مجازید کسانی را که شغلشان حلال است، حقوق آنها را اجازه دهید. راجع به اینکه اشخاص بخواهند سهم مبارک را به ارحام فقیر بدهند در صورتی که اصرار داشته باشند و ارحام آنها فقیر عقیف متدین باشد و مقدار بدهی زیاد نباشد تا ثلث را اجازه دهید و اگر مقدار زیاد است به ربع و خمس اکتفا فرمایید.

از جنابعالی رجای دعای خیر برای حُسن عاقبت دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۲ شهر یور ۱۳۴۵ / ۱۷ جمادی الاول ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر و قدردانی از راهاندازی حوزه علمیه خرم آباد

مخاطب: قاضی، مهدی

بسمه تعالی

۱۷ شهر جمادی الاولی ۸۶

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج شیخ مهدی قاضی -
دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. از اینکه به واسطه
زحمات و اقدام جنابعالی بحمدالله حوزه مبارکه خرم آباد برقرار و ادامه دارد تقدیر و
تشکر می‌کنم و از زحمات جنابعالی و سایر آقایان مدرسین و اهل خیر متشکر هستم. امید
است خداوند تعالی به همه جزای خیر عنایت فرماید.

مرقوم شده است تاکنون سه مکتوب مرقوم شده و جواب نداده‌ام. جز یک مکتوب
که در چندین ماه قبل رسید و جواب دادم، دیگر از جنابعالی مکتوبی نرسیده است. از
جنابعالی و سایر آقایان امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ مهر ۱۳۴۵ / ۴ جمادی الثانی ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۴ ج ۸۶۲

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله سلامت هستم. امید است موفق به دعای خیر برای آقایان - دامت برکاتهم - باشم. از جنابعالی ملتمس دعای خیر هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۵ بهمن ۱۳۴۵ / ۴ ذی القعدة ۱۳۸۶

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول و جوهات شرعیه

مخاطب: ربانی املشی، محمد مهدی^(۱)

بسمه تعالی

۴ ذی القعدة ۸۶

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا میرزا محمد مهدی ربانی -
دامت افاضاته

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم بود واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله تعالی سلامت و از خداوند تعالی مسألت دارم که موفق شوم به دعای خیر برای اسلام و مسلمین و خصوص علمای اعلام و افاضل و حوزه های علمیه. راجع به وجهی که از جناب آقای محمد سلمانزاده بابت سهم مبارک امام بود، [و] در بسته بود و مبلغ ششصد و بیست و چهار تومان و دهشاهی بود واصل گردید و در همان اوقات رسید آن را فرستادم نمی دانم چه شده است که رسید را نرسانده اند در صورتی که نرسیده است همین مکتوب به منزله قبض رسید است به مشارالیه ارائه دهید. خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای والد سلام می رساند. امید دعای خیر از جنابعالی و ایشان دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- پشت پاکت نامه چنین مرقوم شده است: «املش، محضر مبارک حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین... الانام جناب آقای حاج شیخ ابوالمکارم ربانی -مدظله العالی».

□ نامه

زمان: ۲۵ خرداد ۱۳۴۶ / ۶ ربیع الاول ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: میلانی، سید محمدهادی

بسمه تعالی

حضرت آیت الله آقای میلانی - دامت برکاته

۶ ربیع الاول ۸۷

۲۵ / خرداد / ۱۳۴۶

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج مبارک بود و اصل سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمد الله تعالی سلامت و از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۰ تیر ۱۳۴۶ / ۳ ربیع‌الثانی ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: توجه به کتابخانه و ابراز تأثر از اوضاع کشور
مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

قم - حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۳ ربیع‌الثانی ۸۷

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اقدامات اخیر جنابعالی مورد تشکر، امید است خداوند تعالی ماها را به وظیفه الهیه آشنا فرماید. عنایتی که راجع به کتابخانه فرمودید مورد تشکر است. توفیق و سعادت جنابعالی را خواهانم. اینجانب بحمدالله سلامت و از اوضاع جاریه خصوصاً داخلی متأثرم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۲ تیر ۱۳۴۶ / ۵ ربیع الثانی ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: عزیمت آقای مشکینی به حوزه علمیه خرم آباد

مخاطب: قاضی، مهدی

بسمه تعالی

۵ ع ۸۷

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای قاضی - دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را خواستار است. از اینکه در نظر گرفته شده است جناب حجت الاسلام آقای مشکینی را به خرم آباد بیاورید، گرچه از نظر اینکه حقیر میل داشتم ایشان اولاً در حوزه قم و الا در یکی از حوزه‌های پرجمعیت باشند که نفعشان عام باشد، لکن چون خرم آباد مرکز حساس است و اهمیت دارد، از این جهت بسیار به موقع است. امید است ان شاء الله تعالی اگر به موانعی برخورد نکنند موجب برکات زیادی باشند. در هر صورت از طرف اینجانب همه نحو تأیید و تجلیل مقتضی ان شاء الله خواهد شد. و حضرات آقایان مدرسین و محصلین هم قدر ایشان را خواهند دانست.

وجهی اگر خواستید نجف بفرستید دو طریق دارد: یکی آنکه بفرستید تهران نزد آقای لواسانی به آدرس امامزاده یحیی - کوچه تقوی - آقای حاج سید محمدصادق لواسانی و بنویسید باید به نجف به فلان برسد. دیگر آنکه بفرستید تجارتخانه آقا حاج محمد تقی دیبایی به نشانی تهران - سرای خدایی - تجارتخانه دیبایی. وجه را در این صورت به اسم آقای خلخالی بفرستید، اسم اینجانب نباشد، فقط بنویسید به آقای خلخالی برسد.

از خداوند تعالی تأیید و توفیق همه آقایان را خواستار است. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۵ آبان ۱۳۴۶ / ۱۳ شعبان ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر و عنایت به کتابخانه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

لیله ۱۳ شعبان ۸۷

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق و سعادت جنابعالی را خواستار است. علی‌المحکی نسبت به کتابخانه که متعلق به خود جنابعالی است تفقد فرمودید، موجب تشکر است. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۶ دی ۱۳۴۶ / ۵ شوال ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول نامه

مخاطب: معلمیان، قنبر

بسمه تعالی

۵ شوال ۸۷

جناب مستطاب عمده الفضلا مروج الاحکام آقای آقا شیخ قنبر - دام عمره
مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق شما را از خداوند تعالی مسئلت می نمایم. امید
است اینجانب را از دعای خیر فراموش نفرمایید. والسلام علیکم.
روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۴ اسفند ۱۳۴۶ / ۴ ذیحجه ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

قم - حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۴ حج ۸۷

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود محترم و متضمن تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. امید است خداوند تعالی به جنابعالی سلامت و توفیق برای خدمت به اسلام و مسلمین عنایت فرماید. اینجانب بحمدالله تعالی مزاجاً سالم و از خداوند تعالی امید حسن عاقبت دارم. امید است منظور نظر شریف در مواقع خاصه باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: اسفند ۱۳۴۶ / ذی الحجه ۱۳۸۷

مکان: نجف

موضوع: تعیین تولیت مدرسه علمیه در کرمانشاه

مخاطب: جلیلی کرمانشاهی، عبدالجلیل

بسم الله الرحمن الرحيم

چون مرحوم آیت الله بروجردی - قدس سره - برای مدرسه علمیه‌ای که در زمان حیات خود در کرمانشاه بنا نموده‌اند متولی تعیین نکرده‌اند، اینجانب حسب اقتضای مصلحت جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی - دامت افاضاته - را متولی قرار دادم. برایشان است که تمشیت امور مدرسه را به هر نحو که صلاح وقف است بنمایند و آنچه ایشان به حسب صلاحدید در امور مادی و معنوی مدرسه و انتظام امور طلاب تصرف نمایند، متبع و تخلف از دستور ایشان در انتظام امور مدرسه و اجازه سکونت و دخول و خروج آقایان طلاب مجوز شرعی ندارد.

تاریخ شهر ذی الحجه ۱۳۸۷

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۸ خرداد ۱۳۴۷ / ۱ ربیع الاول ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: زرندی، حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوة، جناب مستطاب عمدة الاعلام و مروج الاحكام آقاى شيخ حسين زرندى - دامت افاضاته - مجازند در تصدى امور حسبيه كه منوط است به اذن فقيه جامع الشرايط «فله التصدى لذلك مع مراعات الاحتياط»؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - و صرف آن در مصارف خودشان به نحو اقتصاد، و ايصال مازاد را به اينجانب براى صرف در حوزه هاى علميه.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا؛ و ارجو منه ان لا ينسانى من صالح دعواته»؛ و السلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

به تاريخ ليله غرّه شهر ربیع المولود ۱۳۸۸

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۱۳ آبان ۱۳۴۷ / ۱۲ شعبان ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

۱۲ شعبان المعظم ۸۸

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله تعالی مزاجاً سلامت و با نگرانی از اوضاع عمومی و خصوص آن نواحی به سر می‌برم. امید است خداوند تعالی با الطاف کریمه خود اصلاح حال عموم مسلمین و خصوص حوزه‌های علمیه را بفرماید. از جنابعالی امید دعای خیر برای عافیت و حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

الآن آقای فقیه اطلاع دادند که برای عمل به مریضخانه تشریف برده‌اید. ان شاء الله تعالی عمل به خیر و سلامت بوده است. از خداوند تعالی عافیت جنابعالی را خواستارم. از سلامت خودتان مطلعم فرمایید.

□ نامه

زمان: ۷ آذر ۱۳۴۷ / ۷ رمضان ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: اعلام خبر سلامتی

مخاطب: قاضی طباطبائی، سید محمدعلی

بسمه تعالی

۷ صیام ۸۸

به عرض عالی می‌رساند، دو طغرا مرقوم محترم واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی مسئلت می‌نماید. اینجانب بحمدالله تعالی صورتاً سلامت، امید است خداوند تعالی فرج مسلمین را عنایت و موجبات آرامش حال عموم را فراهم فرماید. از جنابعالی در این ایام متبرکه امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۷ دی ۱۳۴۷ / ۸ شوال ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: اقامت در کرمانشاه به منظور انجام فعالیتهای تبلیغی و رسیدگی به امور مدرسه علمیه
مخاطب: احتمالاً جلیلی کرمانشاهی، عبدالجلیل

بسمه تعالی

۸ شهر شوال ۸۸

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت و توفیق جنابعالی را خواستار است. با جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج آقا بهاءالدین راجع به اقامت کرمانشاه و همکاری جنابعالی صحبت شد و برای تشیید امور سرکار مطالبی به ایشان تذکر دادم. ان شاء الله تعالی امید است توفیق بیشتری پیدا کنید برای تشیید امور مسلمین و مدرسه مبارکه. از جنابعالی امید دعای خیر برای حُسن عاقبت دارم.
روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۴ دی ۱۳۴۷ / ۲۵ شوال ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: ابراز تشکر و قدردانی

مخاطب: ایران پور، حاج علی (معروف به حاج شاطر)

بسمه تعالی

۲۵ شهر شوال ۸۸

جناب آقای ایران پور - ایده الله تعالی

مرقوم شریف با میوه ها و اصل؛ از اینکه شما تحمل زحمت می نمایید متشکر و متأثرم. میل دارم به همان دعای خیر و یادآوری از اینجانب اکتفا کنید. از خداوند تعالی خیر و سعادت شما را خواستارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۲ اسفند ۱۳۴۷ / ۲۴ ذی الحجه ۱۳۸۸

مکان: نجف

موضوع: تبلیغ دین برای جوانان

مخاطب: مطهری، مرتضی

بسمه تعالی

۲۴ ذی الحجه ۸۸

به عرض شریف می‌رساند، مرقوم شریف مدتی پیش واصل و از سلامت جنابعالی و توفیقاتی که نصیب شما هست مسرور شدم. کمال توفیقات شما را برای ادامه به خدمت به اسلام و مسلمین از خداوند تعالی خواستار است. آنچه مسلم است این چند لحظه از عمر می‌گذرد و خواه ناخواه به پیشگاه بزرگی وارد خواهیم شد یا با روی سیاه و دست پر از گناه و یا با دست خالی از طاعت. امید است ما از دستۀ دوم باشیم و خداوند تعالی با الطاف کریمۀ خود با ما تهیدستان و روسیاهان رفتار فرماید. امید است خدمت‌های شما که به قول خودتان پر زحمت و کم استفاده است در پیشگاه مقدس مقبول باشد که ارزش همان است و بس. کوشش کنید اکنون که با تودۀ جوان محتاج به هدایت سر و کار دارید آنها را نجات دهید از این منجلاب، و معنویات را با زبان شیرین خودتان به آنها بفهمانید. شاید به وسیلۀ شما اشخاص از اسلام و قوانین آسمانی آن آگاه شوند و توجه به حقایق پیدا کنند و این برای شما بهتر است از آنکه زندگی به اصطلاح مرفهی داشته باشید و بس. اینجانب نتوانستم کاری که پسند درگاه متعال باشد انجام دهم و هم اکنون که مشرف به سراسیمگی قبر هستم نمی‌دانم چه جواب دهم. از خودم مأیوس و به لطف خداوند تعالی امیدوارم، شاید جبرانی از خطاهای گذشته و حال و آینده شود. الهی عاملنی بفضلک و لا تعاملنی بعدلک.

کتاب را که فرستاده بودید مقاله شما را تا آخر خواندم و امید است توفیق مقالات

دیگر هم واصل شود. مقاله مستدل جالبی است و باید هم جالب باشد. مطالبی که در مرقوم شریف نوشته‌اید بعض از آنها موجب تأسف و تأثر اینجانب است و هیچ‌گاه راضی به امثال این امور نیستم و بعضی هم دردی است که همه ماها از درمان آن با این وضعی که داریم عاجزیم و چون نوشتنی نیست با جناب آقای شاه‌چراغی مذاکره نمودم تذکر دهند. در خاتمه باید بدانید که اگر خدای نخواسته کسی از جنابعالی چیزی بگوید یا بنویسد با سوابقی که از شما دارم و اطمینانی که به شما دارم مورد هیچ اثری نخواهد بود ولی تا کنون همچو مطلبی واقع نشده است. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم.

روح‌الله الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۹ شهر یور ۱۳۴۸ / ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۸۹

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه ارسالی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲۷ ع ۲ ۸۹

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. تلگرافی از جنابعالی یا دیگران واصل نشده است. اینجانب بحمد الله تعالی سلامت و از جنابعالی امید دعای خیر دارم. امید است خداوند تعالی امور مسلمین و حوزه‌های علمیه را اصلاح فرماید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۹ شهر یور ۱۳۴۸ / ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۸۹

مکان: نجف

موضوع: عمل به تکلیف

مخاطب: روحانی، سید محمدصادق

۲۷ ج ۸۹۲

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مناسب بود تلگراف کنم لکن می‌دانید که خداوند تعالی مقدر فرموده ماها از استفاده مراکز عمومی و ملی محروم باشیم و به همین نحو بهتر است از اینکه در مدت گرفتاری جزئی نجات داشته‌اید متأثر بوده‌ام و از دعا برای عموم و خصوص مخصوصین بحمدالله تعالی غافل نبوده‌ام. اینک که بحمدالله تعالی امد گرفتاری شما به سر رسیده است از خداوند متعال خواستارم که اوضاع را به نحوی فرماید که تکرار نشود گرچه تکرار هم خیلی اشکال ندارد و شما که اول نشاط جوانی را دارا هستید باید مجهز باشید که در آتیه مشکلات به حسب ظواهر بیشتر است مگر آنکه خداوند منان - جل اسمه - اصلاح فرماید. به عقیده اینجانب اگر انسان به تکلیف عمل کند با اخلاص، چه نتیجه منظوره وصل شود و چه نشود برد نموده است. والله لا یضیع اجر المحسنین. شما از دودمان پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - هستید و تاریخ گذشتگان این سلسله جلیله مشحون است از قیام به امر معروف و حبس و زجر و قتل در دنبالش. «پس چه نالم کی ز مردن کم شدم».^(۱)

بحمدالله تعالی احترامات این سلسله محفوظ است و خداوند تعالی عظمت معنوی و صوری برای آن خواسته است. قتل این سلسله خاندانهای را به هم زد. والله من ورائهم محیط. از سلامت خودتان مطلعم فرماید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

۱- اشاره است به بیتی از دفتر سوم مثنوی معنوی:

مردم از حیوانی و آدم شدم

پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم

□ اجازه نامه

زمان: ۲ اردیبهشت ۱۳۴۹ / ۱۵ صفر ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: استفاده از سهم امام (ع) در امور حوزه علمیه کرمانشاه

مخاطب: جلیلی کرمانشاهی، عبدالجلیل

[بسمه تعالی مجده و شأنه. محضر شریف حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آیت الله فی العالمین آقای حاج آقا روح الله موسوی خمینی - دام ظلّه العالی

به عرض اقدس عالی می‌رساند، قطعاً خاطر مبارک مستحضر است که مرحوم مغفور آیت الله بروجردی - قدس سرّه - مدرسه علمیه در کرمانشاه جهت تحصیل طلاب علوم دینیه احداث فرموده‌اند که بحمد الله تا به حال معمور بوده و عده‌ای از طلاب در آنجا اشتغال به تحصیل علوم شرعی دارند؛ چون ممکن است افرادی از مقلدین حضر تعالی و جوهی به عنوان سهم مبارک امام - علیه السلام - جهت مصارف حوزه علمیه به حقیر بپردازند و محتاج به استجازه از جنابعالی باشد، متمنی است برای تسهیل امر و عدم مراجعه مکرر هر کار، نظر شریف را در این مورد مرقوم فرمایید که عند الحاجة مورد استفاده قرار گیرد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

۱۵ صفر الخیر ۱۳۹۰ - الاحقر عبدالجلیل جلیلی کرمانشاهی]

بسمه تعالی

اهالی محترم کرمانشاه و اطراف آن مجازند سهم مبارک امام - علیه السلام - را به جنابعالی بپردازند و جنابعالی مجازید نصف آن را در مصارف مدرسه علمیه صرف نمایید و نصف دیگر را به اینجانب برسانید برای صرف در حوزه‌های مهمه علمیه و قبض رسید تمام را صادر نمایید و به صاحبان وجوه رد نمایید. توفیق و تأیید جنابعالی و اهالی محترم را از خداوند تعالی خواستار است. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۳۰ خرداد ۱۳۴۹ / ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: سمّامی تنکابنی، عبداللطیف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي حاج شيخ عبداللطيف سمّامی تنکابنی - دامت افاضاته - مجازند در تصدی امور حسبيه و شرعیه که منوط است به اذن فقيه جامع الشرايط «فله التصدی لذلك مع مراعات الاحتياط» بعد تشخيص حکم و موضوع؛ و نیز مجازند در اخذ سهم مبارک امام - عليه السلام - و صرف نصف آن را در موارد مقرر شرعیه از آن جمله اعاشه خودشان به نحو اقتصاد و ايصال نصف ديگر را برای اينجانب برای صرف در حوزه های مهمه علميه.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بالتقوى و انسداد العمل بالاحتياط و ارجو منه الدعاء و النصيحة»؛ والسلام عليه و على اخواننا المؤمنين و رحمة الله و برکاته.

تاريخ ۱۵ شهر ع ۲ ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۷ آبان ۱۳۴۹ / ۲۷ شعبان ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: مهري، سيد اسماعيل

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة، جناب مستطاب عمدة الفضلاء و مروّج الاحكام آقاى حاج سيد اسماعيل مهري - دامت تأييداته - مجازند در تصدى امور شرعيه و حسبيه با مراعات احتياط و تشخيص حكم و موضوع و در اخذ سهمين مباركين و صرف آن در اعاشه اقتصاديه خودشان، و ايصال مازاد را به اينجانب براى حفظ حوزه هاى مهمه علميه.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بالتقوى و الاحتياط و ارجو منه الدعاء و النصيحة.»

تاريخ ۲۷ شهر شعبان المعظم ۱۳۹۰

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۲۶ آذر ۱۳۴۹ / ۱۷ شوال ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: اجازه شرعی برای صرف سهم امام (ع) ویژه طلاب

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

۱۷ شوال ۹۰

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا شیخ مجتبی حاج آخوند -
دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، راجع به اجازه برای آقایان طلاب مسجد حاج شهبازخانی
مجازید از سهم مبارک به آنها بدهید. توفیق جنابعالی را خواستار است.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۱ دی ۱۳۴۹ / ۳ ذیقعدة الحرام ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: سید اسحاق

بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد والصلوة، جناب مستطاب مروّج الاحکام آقای حاج سید اسحاق - ایدة الله تعالى - در افغانی سزم قلعه و قریه شبوکن سنگ چارک و چارو وکیل اینجانب هستند در امور حسبيه و شرعیه که منوط است به اذن فقیه جامع الشرايط با مراعات احتیاط و در جمع آوری سهم مبارک امام - علیه السلام - که ثلث آن را در موارد مقرر شرعیه صرف کنند و دو ثلث دیگر را نزد حقیر ایصال نمایند و قبض رسید گرفته، به صاحبان وجوه رد کنند؛ و نیز مجازند که به صاحبان وجوه اجازه دهند که سهم سادات عظام را خودشان به سادات فقیر و عقیف بدهند.

«و اوصیه - ایدة الله تعالى - بالتقوی و الاحتیاط؛ و ارجو منه الدعاء و النصیحة»؛
والسلام علیه و علی اخواننا المؤمنین و رحمة الله و برکاته.

۳ ذیقعدة الحرام ۱۳۹۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۳ اسفند ۱۳۴۹ / ۲۵ ذیحجه ۱۳۹۰

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲۵ ذی‌الحجه ۹۰

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، از قرار مسموع برای عمل به بیمارستان تشریف بردید و مژده بهبودی مقارن با اصل کسالت رسید. امید است ان شاء الله تعالی بکلی رفع نقاهت شده باشد. از سلامت خودتان مطلع فرمایید. به حسب قاعده بایستی با تلگراف استفسار از حال شریف نموده باشم لکن چون تلگراف را ممکن است نرسانند چنانچه تلگرافات آنجا را نوعاً نمی‌رسانند. در هر صورت سلامت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۲ فروردین ۱۳۵۰ / ۱۵ صفر ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه شرعی در صرف سهمین

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

۱۵ صفرالخير ۹۱

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج آخوندی - دامت افاضاته
مرقوم شریف واصل، توفیق و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.
مبلغ دو هزار تومان سهمین مبارکین را مجازید در موارد مقرر صرف نمایید. ان شاء الله
مشمول ادعیه خالصه جنابعالی باشم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۰ / ۸ ربیع الاول ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: مدرسی خراسانی، سید محمدرضا

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي سید محمدرضا مدرسی خراسانی - دامت افاضاته - از قبل اينجانب مجاز و مأذونند در تصدی امور حسبيه و شرعيه که در عصر غيبت ولی امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط است. «فله التصدی لما ذکر مع مراعات الاحتياط»؛ و در جمع آوری سهم مبارک امام - عليه السلام - که ثلث آن را در موارد مقرر شرعيه از آن جمله اعاشه اقتصاديه خودشان صرف کنند و دو ثلث ديگر را نزد حقير ايصال نمایند که صرف در ادامه حوزه های مهمه دينيه بشود و قبض رسيد جهت ردّ به صاحبان وجوه دریافت کنند. «و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا و ارجو منه ان لا ينساني من صالح دعواته»؛ والسلام عليه و على ساير اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۸ ع ۱۳۹۱

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۰ خرداد ۱۳۵۰ / ۶ ربیع الثانی ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: صافی، حسن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و حجت الاسلام آقاى حاج شيخ حسن صافى - دامت افاضاته - از قبل اينجانب مجاز و مأذونند در تصدى امور حسبيه و شرعیه که در عصر غيبت ولى امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط مى باشد «فله التصدى لها مع مراعاة الاحتياط»؛ و در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - که ثلث آن را در موارد مقرر شرعیه از آن جمله اعاشه اقتصاديه خودشان صرف کنند و دو ثلث ديگر را جهت حفظ حوزه هاى مهمه دينيه نزد حقير ايصال نمايند. و نيز مجازند در دستگردان نمودن سهم امام و امهال به نحوى که صلاح باشد.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط فى الدين و الدنيا، و ارجو منه الدعاء و النصيحة»؛ والسلام عليه و على سائر اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

تاريخ ۶ شهر ربیع الثانی ۱۳۹۱

روح الله الموسوى الخمينى

□ نامه

زمان: ۷ شهر یور ۱۳۵۰ / ۷ رجب ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: تسویه حساب و جوه شرعیه

مخاطب: ایران پور، حاج علی (معروف به حاج شاطر)

بسمه تعالی

۷ رجب ۹۱

خدمت جناب عمدةالاکیار آقای ایران پور - ایدہ اللہ تعالیٰ

مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت شما را خواهانم. مرقوم شده بود حساب با حضرت حجت الاسلام والمسلمین آقای اخوی^(۱) بنمایید، مجازید با ایشان حساب کنید و به ایشان بیردازید. قبض ایشان به منزله قبض اینجانب است. والسلام علیکم.
روح الله الموسوی الخمينی

۱- آقای سید مرتضی پسندیده.

□ نامه

زمان: ۲۳ شهریور ۱۳۵۰ / ۲۳ رجب ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: ترویج اسلام، تربیت جوانان و اجازه از سهم سادات در امور شرعی
مخاطب: کافی، احمد

بسمه تعالی

۲۳ شهر رجب ۹۱

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج شیخ احمد کافی - دامت
افاضاته

مرقوم محترم واصل و از مطالبش مطلع شدم. راجع به ترویجات جنابعالی و اشتغال به
تربیت طبقه جوان جناب حجت الاسلام آقای مدنی شرفی تذکر دادند از غیر ایشان هم
شنیده بودم. در این زمان که اوضاع اسلام و مسلمین چنین است که ملاحظه می کنید
ارزش خدماتهای صادقانه در پیشگاه مقدس پروردگار عظیم بیش از عصور سابقه است.
امید است خداوند تعالی بیش از پیش به جنابعالی توفیق خدمت به شرع مطاع دهد و
خدمات شما منظور نظر ولی امر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بوده باشد. جنابعالی
مجازید سهم سادات را تا حدود قلمهای هزار تومانی یا به خود اشخاص اجازه دهید
بدهند یا خودتان به محال مقرر شرعیه برسانید؛ زائد بر آن را نصف به همان نحو و
نصف دیگر را ایصال فرمایید برای اقامه حوزه های مهمه. از جنابعالی امید دعای خیر
دارم. والسلام علیکم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ اجازه نامه

زمان: ۲۴ شهریور ۱۳۵۰ / ۲۴ رجب ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: کافی، احمد

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب ثقة الاسلام خطيب محترم آقاي حاج شيخ احمد کافی - دامت افاضاته - از قبل اينجانب مجاز و مأذونند در تصدی امور حسبيه و شرعيه که در عصر غيبت ولی امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط می باشد «فله التصدی لما ذکر مع مراعاة الاحتياط»؛ و در اخذ سهم مبارک امام - عليه السلام - که ثلث آن را در مصارف مقرر شرعيه به هر طور صلاح بدانند صرف کنند و دو ثلث ديگر را جهت حفظ حوزه های مهمه دينيه نزد حقير ايصال نمایند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط في الدين و الدنيا، و ارجو منه ان لا ينساني من صالح الدعاء و النصيحة»؛ والسلام عليه و على سائر اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۲۴ رجب المرجب ۱۳۹۱

روح الله الموسوي الخميني

□ نامه

زمان: ۲۰ مهر ۱۳۵۰ / ۲۱ شعبان ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: ابراز تشکر از نامه ارسالی

مخاطب: روحانی، سید محمد صادق

۲۱ شعبان ۹۱

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از تفقد از اینجانب و مشتمل بر تسلیت در مصیبت وارده بریبت ما بود موجب تشکر گردید. امور ناگوار به قدری متراکم است که انسان عاقل بر آنها که رفته‌اند رشک می‌برد. امید است خداوند تعالی رفع نگرانیها را بفرماید. از جنابعالی در این ایام متبرکه امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۹ آذر ۱۳۵۰ / ۱۱ شوال ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: عمید زنجانی، عباسعلی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي حاج شيخ عباسعلی عمید زنجانی - دامت افاضاته - از قبل اينجانب مجاز و مأذونند در تصدی امور حسبيه و شرعيه که در عصر غيبت ولي امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط می باشد. «فله التصدی لها مع مراعات الاحتياط»؛ و در اخذ سهم مبارک امام - عليه السلام - که ثلث آن را در موارد مقرر شرعيه از آن جمله اعاشه اقتصاديه خودشان صرف کنند و دو ثلث ديگر را جهت حفظ حوزه های مهمه دينيه نزد حقير ايصال نمایند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط في الدين و الدنيا و ارجو منه ان لا ينساني من صالح دعواته»؛ و السلام عليه و على سائر اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۱۱ شوال ۱۳۹۱

روح الله الموسوي الخميني

[مهر: روح الله موسوی]

□ نامه

زمان: ۱ بهمن ۱۳۵۰ / ۴ ذی الحجه ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اوضاع مشوّش ایران و اقدامات رژیم شاه

مخاطب: ؟

بسمه تعالی

۴ حج ۹۱

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله سلامت، لکن اوضاع مشوّش ایران و برخوردهای بیخردانه دستگاه با مردم موجب نگرانی است؛ گرچه رشد فکری و سیاسی جامعه موجب اطمینان خاطر است. از خداوند تعالی اصلاح حال مسلمین و قطع ایادی اشرار را خواستار است. از جنابعالی و سایر آقایان امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱۵ بهمن ۱۳۵۰ / ۱۸ ذی الحجه ۱۳۹۱

مکان: نجف

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعیه

مخاطب: استعلامی سنکسری، محمود

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب ثقة الاسلام آقاي آقا شيخ محمود استعلامی سنکسری - دامت افاضاته - از قبل اينجانب مجاز و مأذونند در تصدّي امور حسبيه و شرعیه که در عصر غيبت وليّ امر - عجل الله تعالى فرجه الشريف - از مختصات فقيه جامع الشرايط می باشد «فله التصدي لها مع مراعاة الاحتياط»؛ و در اخذ سهم مبارك امام - عليه السلام - که ثلث آن را در موارد مقررّه شرعیه از آن جمله اعاشه اقتصاديه خودشان صرف کنند و دو ثلث ديگر را نزد حقير ايصال نمايند که صرف در حفظ حوزه های مهمه دينيه بشود و قبض رسيد جهت ردّ به صاحبان وجوه دريافت کنند.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - بما اوصى به السلف الصالح من ملازمة التقوى و التجنب عن الهوى و التمسك بعروة الاحتياط في الدين و الدنيا و ارجو منه الدعاء و النصيحة»؛ و السلام عليه و على سائر اخواننا المؤمنين و رحمة الله و بركاته.

۱۸ ذیحجه ۱۳۹۱

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۷ فروردین ۱۳۵۱ / ۲ ربیع الاول ۱۳۹۲

مکان: نجف

موضوع: پاسخ به سؤال شرعی درباره فرار از ربا

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

۹۲۱ ع ۲

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج شیخ مجتبی حاج آخوند -
دامت افاضاته

مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود، موجب
تشکر گردید. توفیق و سلامت جنابعالی را خواستار است.

راجع به فرار از ربا به هیچ وجه جایز نیست ولو با تبدیل معدود مثل اسکناس به
اسکناس. ولی اگر اسکناس ها با هم اختلاف قیمت دارند مثلاً اسکناس درشت گران تر
باشد از خرد، مبادله به زیاده تر مانع ندارد و نیز اسکناس ایرانی را به عراقی با اختلاف
قیمت می شود تبدیل کرد و زیادی اشکال ندارد؛ لکن برای فرار از ربا به هیچ وجه جایز
نمی دانم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۵ خرداد ۱۳۵۱ / ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۹۲

مکان: نجف

موضوع: اجازه شرعی در صرف سهم امام (ع) جهت کتابخانه و حجره مدرسه
مخاطب: ؟

۲۲ ع ۹۲۲

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام، مرقوم شریف واصل شد. راجع به کتابخانه و حجره مدرسه در صورتی که لازم است از ثلث از سهم مبارک مجازید صرف کنید و دو ثلث را برسانید برای حفظ حوزه‌های عتبات عالیات. و در صورت عدم کفاف تا نصف با شرط ایصال نصف مجازید. ان شاء الله تعالی موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله
روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: خرداد یا تیر ۱۳۵۱ / جمادی الاول ۱۳۹۲

مکان: نجف

موضوع: اجازه شرعی

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

ج ۱ / ۹۲

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای حاج آقا مجتبی حاج آخوند -
دامت افاضاته

مرقوم محترم واصل، توفیق و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.
راجع به شخصی که ارفاق خواسته است، امهال ممکن است، لکن بخشش نمی شود.
جنابعالی به مقدار صلاح ارفاق در امهال نمایید. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه^(۱)

زمان: ۲۶ آذر ۱۳۵۱ / ۱۰ ذی قعدة ۱۳۹۲

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه در باره اجازه شرعی

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

۱۰ ذی القعدة ۹۲

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج آخوند - دامت افاضاته
مرقوم شریف واصل، توفیق و تأیید جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است.
اینجانب مزاجاً بحمدالله تعالی سلامت، لکن گرفتاری های روحی روزافزون است. از
خداوند تعالی اصلاح امور را خواستارم.
راجع به اجازه که مرقوم شده بود عجلتاً از اجازات به ایران معذورم و به واسطه
جهاتی متوقف هستم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

۱- در سند دیگری که تاریخ آن درج نشده است نامه به این مضمون صادر شده:

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج آقا مجتبی حاج آخوندی - دامت افاضاته
مرقومات شریف واصل و بعضی را... راجع به صرف وجوه در مساجد... اجازه نمی دهم ولی باقیودی به واسطه
مرقوم شریف اجازه دادم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم و رحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: اسفند ۱۳۵۱ یا فروردین ۱۳۵۲ / صفرالمظفر ۹۳

مکان: نجف

موضوع: تأثیر اوضاع داخلی و خارجی در اجتماع روحانیون

مخاطب: روحانی، سید محمد صادق

شهر صفرالمظفر ۹۳

بسمه تعالی

با عرض سلام توفیق و سلامت جنابعالی را خواستار است. مرقومه شریف با کتاب فقه واصل. از تفقد جنابعالی متشکرم. به مطالعه کتاب با ضعف چشم و پیری و گرفتاریها به این زودی ممکن است موفق نشوم از پیرهاکاری ساخته نیست نوبت جوانهاست که نیروی بزرگ الهی را در راه مقاصد صاحب نیرو صرف کنند با وضع داخل و خارج گمان ندارم نیروهای عظیم روحانی مجتمع شود و در راه صحیح مصرف شود. شما کوشش کنید که نیروها بی مصرف به باد نرود. اینجانب روزهای آخر عمر را طی می‌کنم و از صرف عمر در غیر راه حق خجلم.

والسلام علیکم

ابو احمد

□ نامه

زمان: ۴ فروردین ۱۳۵۲ / ۱۸ صفر ۱۳۹۳

مکان: نجف

موضوع: اجتماعات و تبلیغات انحرافی

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

۱۸ صفر ۹۳

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقة الاسلام آقای حاج آقا مجتبی حاج آخوند -
دامت افاضاته

مرقوم محترم که حاوی مطالبی راجع به بعض دستجات بود واصل، کراراً در این
موضوع مراجعه شده است و این نحو اجتماعات و تبلیغات به صورت مذهبی که ممکن
است برای سرگرم کردن مسلمین و انحراف آنها در اجتماع بر ضد اجانب باشد همیشه
بوده و هست و موجب نگرانی است و ضمناً چون با اسمای فریبده توأم است نمی شود
به طور صراحت نفی و اثباتی نمود.

از خداوند تعالی بیداری مسلمین و نجات آنها را از شرّ اجانب خواستار است. از
جنابعالی امید دعای خیر دارم. ضمناً بسته شیرینی واصل و موجب تشکر گردید. سلامت
و توفیق جنابعالی را خواستار است.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۸ خرداد ۱۳۵۲ / ۱۶ جمادی الاول ۱۳۹۳

مکان: نجف

موضوع: پخش اکاذیب برای تفرقه بین دوستان

مخاطب: روحانی، سید محمد صادق

۱۶ ج ۱ ۹۳

بسمه تعالی

بعد التحية و السلام. مرقوم شریف واصل و مطالبش موجب تأسف شد. کوشش اینجانب در این اواخر عمر برای وحدت کلمه حضرات دوستان به جایی نرسید و هر روز بر اختلاف آنها دامن زده می شود و نمی دانم باید چه کرد دشمن از این اختلافات بهره کامل می برد و ما هم در غفلت می گذرانیم. پخش اکاذیب برای تفرقه روزافزون است و آقایان بدون تحقیق باور می کنند. اینجانب در این مدت که در خارج هستم به هیچ وجه در شخصیات دخالت نکرده و بنا ندارم دخالت کنم و به اهانت به اشخاص راضی نبوده و نیستم از دو شقی که مرقوم شده بود که یا مطلع هستی یا نه دوم صحیح است و بنا ندارم در این امور دخالت کنم و وقت و حال و مزاجم اجازه نمی دهد. جنابعالی مطمئن باشید که تا کنون نسبت به شما و کسان شما یک کلمه نگفته ام چه باور کنند کسان شما یا نه و باید بگویم که از مدتی که در این مکان مقدس به سر می برم احدی از من پیش خدای تعالی طلبی ندارد و الی الله المشتکی.

والسلام علیکم

□ نامه

زمان: ۵ تیر ۱۳۵۲ / ۲۴ جمادی الاول ۱۳۹۳

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول نامه و احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقاجنّفی - دامت برکاته

۲۴ ج ۹۳۱

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، دو طغرا مرقوم محترم واصل، از تفقد جنابعالی متشکرم. اینجانب بحمدالله تعالی برخوردار از سلامت مزاجی هستم. امید است از نگرانی روحی نیز فارغ شوم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۲ آذر ۱۳۵۳ / ۸ ذی القعدة ۱۳۹۴

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه و تذکرات اخلاقی

مخاطب: صدر، سید موسی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و حجت الاسلام آقای صدر - دامت برکاته

۸ شهر ذی القعدة ۹۴

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که تتمه مرقوم دیگر بود واصل، ولی اصل مرقوم نرسیده. از سلامت جنابعالی و مجاهدات شما در راه حقوق شیعه و کوتاه کردن دست ستمکاران متشکر شدم. امید است خداوند تعالی امثال جنابعالی را برای ما حفظ فرماید و ترقیات روزافزون نصیب فرماید که قوای جوانی را در راه واهب العطایا صرف فرماید و سرمایه‌های...^(۱) را مبدل به سرمایه باقی نمایید. آنچه پیش ما است از شئون طبیعت از دست خواهیم داد و بُرد با آنها است که زایل را فدای لایزال نمودند و به نعمتهای لایزال نایل شدند؛ قیل ارجعوا ورائکم فالتمسوا نورا^(۲) گویا و رای همین عالم طبیعت است که در آن می‌شود تحصیل نورانیت کرد و با رفتن از اینجا رجوع محال و تحصیل ممتنع است. از خداوند تعالی توفیق برای طبقه جوان که نور فطرت مثل ما پیرها در آنها خاموش نشده، خواهانم و از جنابعالی امید دعای خیر دارم برای حُسن عاقبت که این چند نفس که باقی است صرف لایعنی نشود مثل آنچه گذشته است. در جواب مرقومات شریفه بعض مطالب گفته‌ام که تذکر داشته. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

۱- خوانده نشد.

۲- بخشی از آیه ۱۳ سورة حدید: «گویند: به دنیا بازگردید و از آنجا نور بطلبید.»

□ نامه

زمان: ۲۴ فروردین ۱۳۵۴ / ۱ ربیع الثانی ۱۳۹۵

مکان: نجف

موضوع: حکم نماز و روزه شخص مسافر که شغلش سفر نباشد

مخاطب: ؟

غره ع ۹۵ / ۲

بسمه تعالی

پس از سلام و تحیت، مرقوم شریف واصل، توفیق و تأیید جنابعالی را خواستار است. راجع به اشخاص که شغلشان سفر نیست و هر روز برای انجام عملی مسافت را طی می‌کنند باید در سفر نماز را قصر کنند و روزه نمی‌توانند بگیرند اگرچه در تمام سال یا عمر چنین باشند. لکن قضای روزه هر سال را با احتیاط لازم نمی‌توانند تأخیر تا شهر رمضان دیگر بیندازند.

از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۴ خرداد ۱۳۵۴ / ۱۳ جمادی الاول ۱۳۹۵

مکان: نجف

موضوع: اعلام دریافت مکتوب

مخاطب: علوی، سید مهدی

بسمه تعالی

۱۳ ج ۹۵۱

خدمت جناب مستطاب سیدالاعلام و ثقة الاسلام آقای آقا سید مهدی علوی - دامت
افاضاته

مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. امید دعای خیر از
جنابعالی برای حسن عاقبت دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ وکالت نامه

زمان: ۷ مهر ۱۳۵۴ / ۲۲ شوال ۱۳۹۵

مکان: نجف

موضوع: سپردن وکالت مطلق به آقای علی خلخالی

وکالت عمومی

اینجانب امضاکننده زیر، روح الله [فرزند] سید مصطفی خمینی، اقرار می‌کنم که آقای علی [فرزند] نصرالله خلخالی را وکیل خود قرار دادم و وکالت عام مطلق خود را به ایشان سپردم و به او اختیار انجام تمام فعالیت‌های حقوقی مجاز از نظر شرعی، قانونی و عرفی از جانب خود را واگذار کردم، همچنین اختیار واریز کردن، برداشت مبالغ از بانکها با امضای وی، گشایش اعتبارات و امضای قراردادهای گشایش اعتبارات اسنادی و غیراسنادی و اصلاح و ابطال آنها و تسویه حساب سندهای رسیده به نام اینجانب و پرداخت وجوه و اخذ اسناد را به ایشان سپردم. در ضمن اینجانب حق امضای اوراق بازرگانی (سندهای تجاری) با اشکال مختلف آن، تسویه حساب آنها نزد بانکها با امضای مشارالیه و برداشت مبالغ آن و نیز اجازه دریافت تمام حواله‌جات با سند و بدون سند و پرداخت هزینه‌های آن و همچنین حق برداشت براساس اعتبار داده شده به اینجانب از سوی بانکها را به وی واگذار کردم. از طرفی اجازه رهن اموال منقول و غیرمنقول خود جهت ضمانت تسهیلات اعطایی به اینجانب از سوی بانکها را نیز به ایشان سپردم.

بنده اجازه عقد وثیقه‌های بانکی و ضمانت‌نامه‌ها و اجازه امضای قراردادهای آن و نیز تمام قراردادهای تسهیلات دیگر بانکی؛ همچنین اجازه اقدام به کفالت دیگران و امضای قراردادهای بانکی را به ایشان واگذار کردم. در ضمن اجازه گشودن حساب جاری نزد بانکها و واریز کردن و برداشت از آن حساب و اجازه حضور برای باز کردن صندوق امانات و دریافت محتویات آنها و نیز سپردن امانت یا دریافت امانتهای نقدی

دائمی و موقت - که نزد بانکها به ودیعه گذاشته شده - همراه با سود آنها را به وی سپردم. در ضمن اجازه رهن کالاها و امانت گذاشتن آنها نزد انبارها و آزاد کردن آنها از رهن (فک رهن) و دریافت آنها و مراجعه به تمام دوایر رسمی و غیررسمی و تمام مؤسسات تجاری اعم از بانکها، شرکتهای و غیر آن و نیز مراجعه به ادارات دریافت کالاهای وارد شده از خارج و تمامی آنچه که به اینجانب مربوط می شود و مراجعه به سؤالات مالیاتهای درآمد و زمین و دیگر اداره ها و دوایر مختلف مالیاتی در تمام سطوح با تمام آنچه که به بنده مرتبط است و همچنین مراجعه به دادگاهها در تمام سطوح و مراحل آن و اقامه دعاوی نزد آنها و شکایت به صورت عمومی و نیز تمام اقدامهای فوری را به وی واگذار کردم.

همچنین به ایشان اجازه اقرار و یا تأیید و گذشتن از حقوق و مصالحه و عقد پیمان و سوگند یاد کردن و رد یا قبول آن و نیز رد کردن قضات و اعتراض به آنها و به جریان انداختن اختاریه ها به وسیله سردفتردارهای اسناد رسمی و صادر کردن ابلاغیه آنها و صدور دادخواست در مورد حقوق شخصی و یا انصراف از آن و مراجعه به اداره اجرایات حکم و همچنین اجازه صدور ابلاغیه و یا اخذ آن و خرید و فروش و اجاره کردن و اجاره دادن را دادم؛ چنانکه به ایشان حق توکیل به غیر به آنچه در بالا به آن اشاره شد و یا بخشی از آن را واگذار کردم.

در هر صورت ایشان در مورد آنچه که به آن اشاره شد و یا اشاره نشده است از طرف اینجانب وکیل تام الاختیار هستند. با اعتراف و قبول

موکل: روح الله [فرزند] سید مصطفی خمینی
اینجانب سردفتردار اسناد رسمی نجف امضای موکل روح الله [فرزند] سید مصطفی خمینی - که نزد من شناخته شده است - پس از قرائت وکالت نامه عمومی برایشان به وسیله وی تأیید و امضا شده است را گواهی می کنم.

ثبت و گواهی در تاریخ ۲۹ سپتامبر ۱۹۷۵ م شد

□ نامه

زمان: ۲۴ آبان ۱۳۵۴ / ۱۱ ذی القعدة ۱۳۹۵

مکان: نجف

موضوع: دریافت وجوه شرعیه

مخاطب: علوی، سید مهدی

۱۱ شهر ذی قعدة ۹۵

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب سید الاعلام و ثقة الاسلام آقای علوی - دامت افاضاته
مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. وجه مرقوم واصل،
و قبض نوشته شد به وسیله آقای بهبهانی لکن چون توجه نشده بود که وسیله جنابعالی
است و نیز دینار نوشته شده بود تجدید شد. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام
علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱ آذر ۱۳۵۵ / ۲۹ ذی القعدة ۱۳۹۶

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی مرعشی - دامت برکاته

۲۹ ذی القعدة ۹۶

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم مشعر بر سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

خدمت حضرت آقای فقیه و آقا زاده های محترم سلام می‌رساند. سلامت همه را

خواهانم.

□ نامه

زمان: ۸ آذر ۱۳۵۵ / ۷ ذی الحجه ۱۳۹۶

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: ؟

۷ حج ۹۶

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج شریف بود
واصل و موجب تشکر گردید. توفیق و تأیید جنابعالی را خواستار است. امید دعای خیر
برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله
روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۵ فروردین ۱۳۵۶ / ۱۵ ربیع الثانی ۱۳۹۷

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: ؟

۱۵ ع ۹۷۲

بسمه تعالی

پس از ابلاغ سلام و تحیت، دو مرقوم شریف واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب بحمدالله از سلامتی نسبی برخوردار ولی ناراحتی‌ها زیاد است و محتاج به ادعیه آقایان هستم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۵ آذر ۱۳۵۶ / ۱۴ ذی الحجه ۱۳۹۷

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

ایران - قم - حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۱۴ شهر ذی الحجه ۹۷

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف مبنی بر اظهار تسلیت و عواطف شریفه واصل، سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم. امانتی واصل و موجب تشکر شد. چون به حسب اخبار از ایران تلگرافات و مکتوبات از عموم طبقات و خصوص علمای اعلام و خطبای محترم - دامت برکاته - در تفقد از اینجانب ایصال شده است و نرسانده‌اند، از جنابعالی امید دارم امر فرمایید به حضرات ابلاغ تشکر نمایند و چون تفصیلاً معلوم نیست از عرض تشکر خصوصی معذورم گرچه به نحو عموم وسیله نشریه‌ای اظهار تشکر شده است لکن ممکن است آن هم نرسد. از جنابعالی امید دعای برای مسلمین و حوزه‌های علمیه دارم. والسلام علیکم ورحمة الله روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۷ آذر ۱۳۵۶ / ۱۶ ذی الحجه ۱۳۹۷

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر از نامه تسلیت به مناسبت شهادت آقای سید مصطفی خمینی

مخاطب: قاضی طباطبائی، سید محمدعلی

بسمه تعالی

۱۶ حج ۹۷

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که در این حادثه از عواطف کریمه حاکی بود، موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. و چون گفته شده است که از سایر آقایان یا بعضی اظهار همدردی شده است، مستدعی است امر بنمایید به آقایان محترم عرض تشکر اینجانب را ابلاغ نمایند. و چون معلوم نیست چه اشخاصی تلگراف کرده یا نامه نوشته‌اند که اینک از عرض تفصیلی معذرت می‌خواهم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۲۳ آذر ۱۳۵۶ / ۳ محرم ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: پیام تشکر

مناسبت: شهادت سید مصطفی خمینی

مخاطب: ؟

بسمه تعالی

۳ محرم ۹۸

به عرض می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب در این حادثه بود، واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. امید دعای خیر از جنابعالی دارم. والسلام علیکم.
روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۴ بهمن ۱۳۵۶ / ۱۴ صفر ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: اعلام وصول نامه

مخاطب: ؟

۱۴ صفر ۹۸

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار. امید است همه ماها موفق به خدمت اسلام و مسلمین باشیم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۸ بهمن ۱۳۵۶ / ۲۸ صفر ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲۸ صفر ۹۸

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف در تفقد از اینجانب موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را خواستار است. به طوری که ذکر شد چشم جنابعالی ناراحتی دارد. از خداوند تعالی صحت و عافیت جنابعالی را خواهانم. اینجانب از نظر مزاجی بحمدالله تعالی بد نیستم لکن معلوم است از جهت ناراحتی‌های روحی چه می‌گذرد. از خداوند تعالی اصلاح امور مسلمین را خواستارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: بهمن یا اسفند ۱۳۵۶ / ربیع الاول ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: اجازه در صرف سهم امام (ع) جهت کمک به طلاب و...

مخاطب:؟

ع ۹۸ / ۱

بسمه تعالی

پس از اهدای سلام و تحیت، مرقوم شریف که متضمن تفقد از اینجانب بود، واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و توفیق جنابعالی را خواستار است. در نظر ندارم نامه‌ای از جنابعالی رسیده باشد و بی جواب مانده باشد، شاید نرسانده باشند. طلاب و مراجعین که مورد سهم مبارک هستند، جنابعالی مجازید به آنها از این بابت کمک نمایید. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۹ فروردین ۱۳۵۷ / ۱ جمادی الاول ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: قانون اساسی و رفتن شاه

مخاطب: امامی مازندرانی ساروی، مرتضی

بسمه تعالی

غره ج ۱ ۹۸

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت مزاج شریف و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. بحمدالله تعالی با همه گرفتاریها که برای ملت ایران هست جنبش بی‌سابقه در تمام طبقات پیدا شده است که به خواست خدای تعالی منتهی به فرج خواهد شد از زحمات و فعالیت‌های جنابعالی باید تقدیر و تشکر کنم امید است خداوند تعالی توفیق خدمت به اسلام و مسلمین به همه ما بدهد مسأله چهارچوب قانون اساسی و حقوق بشر که اکنون زبانزد جناح سیاسی است و گاهی در کلمات غیر آنها هم دیده می‌شود آنچه مورد اعتراض اینجانب است با این کلمه صحه بر رژیم پهلوی گذاشته شود چنانچه تصریح نموده‌ام و باید حتماً در آن مانع نتیجه احتراز کرد و اگر صحبت از قانون اساسی شد باید مواد مربوط به سلطنت را استثناء نمود و من هیچ بعید نمی‌دانم که بعض اشخاص یا بعض جناحها به نفع شاه این مطلب را عنوان کنند گرچه دیگر برای او دارویی نیست به خواست خداوند و باید برود. والسلام علیکم ورحمة الله.

□ تلگراف

زمان: ۱۶ خرداد ۱۳۵۷ / ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

۲۵۳۷/۳/۱۶

GHOM ORD NAJAF NR 66 27 4 1140

از نجف به قم

IRAN KOM HAZRAT AYATULLAH AGHAYE NAJAFY MARASHI
DAMAT BARAKATOH

ایران - قم - حضرت آیت الله آقای نجفی مرعشی - دامت برکاته

ENSHAALAH TEALA NATIJEHEH MATLOOBEAH DAR EIN
SAFAR HASSEL SHODEH

ان شاء الله تعالی نتیجه مطلوبه در این سفر حاصل شده

SEHHAT MASAJ SHARIF RA KHASTARAM VA SSALAMO
ALAIKOM KHOMAINY

صحت مزاج شریف را خواستارم. والسلام علیکم - خمینی

□ نامه

زمان: ۱۵ مرداد ۱۳۵۷ / ۱ رمضان ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: وظیفه علما، هدایت مخالفین و معاندین از کارشکنی در امور مسلمین

مخاطب: صدوقی، محمدعلی

بسمه تعالی

غره تقویمی شهر رمضان المبارک ۹۸

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای صدوقی - دامت برکاته
به عرض می‌رساند، مرقوم محترم واصل؛ سلامت و توفیق جنابعالی را در احقاق حق
و ابطال باطل از خداوند تعالی خواستار است. باید از مساعی جمیله جنابعالی در
روشنگری ملت مسلم تشکر کنم. راهی که ملت ایران در پیش گرفته است محتاج به
رهبری حضرات علمای اعلام و حجج اسلام است. لازم است علمای متعهد که جنابعالی
بحمدالله تعالی از مصادیق واضح آن هستید کسانی را که با سستی و سردی و گاه با
کارشکنی در مسیر حق عمل می‌کنند هدایت کنند و آنها را از مخالفت با مسلمین تحذیر
کنند. در ماه مبارک رمضان امسال وظایف علمای اعلام و گویندگان محترم سنگین و در
عین حال ثمربخش است. علمای شهرستانهای بزرگ و مبلغینی که در اطراف بحث
می‌کنند باید با آگاهی به مقصد در مسیر واحد باشند. بر آقایان است که مبعوثین را از
مقصد اعلا آگاه کنند و خوف و وحشت را از دل آنها بزدایند.

اینجانب انتظار دارم که جنابعالی در شعاع نفوذ خود مستقیماً و در سایر اقطار به وسیله
علمای آگاه این مقصد الهی را بسط دهید که دست خیانت اجانب و عمال آنها از این
مملکت اسلامی به خواست خدای تعالی قطع شود و ملت مسلم به آزادی و استقلال
دست یابد و از جنابعالی امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۲ شهر یور ۱۳۵۷ / ۲۹ رمضان ۱۳۹۸

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲۹ شهر صیام ۹۸

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. امید دعای خیر برای حسن عاقبت دارم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

□ مصاحبه

زمان: ۱۷ آبان ۱۳۵۷ / ۷ ذی الحجه ۱۳۹۸

مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: دولت نظامی، دولت آینده

مصاحبه کننده: خبرگزاری یونایتد پرس

سؤال: [آیا فکر می‌کنید که موقعیت ایران با انتصاب دولت نظامی بهبود خواهد یافت؟]

جواب: هرگز! آنچه مسلم است سرنگونی رژیم را سریعتر می‌کند.

- [آیا از اینکه مقامات دولتی، از جمله رئیس ساواک^(۱) به خاطر فساد بازداشت شده‌اند خوشحالید؟]

- این دستگیریها برای تبرئه شاه از یک عمر خیانت است. ملت آگاه ایران دیگر فریب این خیمه شب‌بازها را نمی‌خورد.

- [آیا میل دارید که در رأس یک جمهوری اسلامی به خدمت پردازید؟ آیا خود به انجام روزمره

حکومتی می‌پردازید یا یک نخست‌وزیر را برای انجام آن انتصاب خواهید کرد؟]

- کراراً گفته‌ام نه میل و رغبت من، نه سن و موقعیت من، اجازه چنین چیزی را نمی‌دهد، نمایندگان منتخب مردم، هیأت دولت را انتخاب خواهند کرد.

- [آیا جمهوری اسلامی شما اجازه خواهد داد تا مذاهب دیگر به طور آزاد و آشکار به انجام امور مذهبی‌شان بپردازند؟]

- بله، تمام اقلیتهای مذهبی در حکومت اسلامی می‌توانند به کلیه فرایض مذهبی خود آزادانه عمل نمایند و حکومت اسلامی موظف است از حقوق آنان به بهترین وجه حفاظت کند.

- [آیا شما نظر بر این دارید تا دولت نظامی، شاه را خلع نماید؟]

۱- منظور، ارتشید نعمت‌الله نصیری رئیس اسبق ساواک است که شاه برای فرو نشانیدن هیجانات ملت مسلمان دستور دستگیری و بازداشت او را صادر کرد. وی پس از پیروزی انقلاب دستگیر و اعدام شد.

- سرنگونی شاه خواست ملت است، ولی دولت نظامی نماینده ملت نخواهد بود.
- [اگر شاه خلع شود، با او چه خواهید کرد؟]
- اگر شاه فرار کند، که از قدرت ما خارج است؛ و در صورتی که به دست ملت گرفتار شود، او را طبق قوانین و ضوابط اسلامی محاکمه و مجازات می نماییم.

□ نامه

زمان: ۵ آذر ۱۳۵۷ / ۲۵ ذیحجه ۱۳۹۸

مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی مرعشی - دامت برکاته

۲۵ حج ۹۸

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت مزاج محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود واصل و موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. اینجانب دست به گریبان ناراحتیهایی هستم. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۹ دی ۱۳۵۷ / ۲۹ محرم ۱۳۹۹

مکان: پاریس، نوفل لوشاتو

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

حضرت آیت‌الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

۲۹ محرم ۹۹

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم شریف که حاکی از سلامت وجود محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. سلامت و سعادت جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۵ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: انتصاب وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه

مخاطب: معین فر، علی اکبر

جناب آقای مهندس علی اکبر معین فر

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه منصوب می شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای [ذات] مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۵ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: انتصاب وزیر بهداری و بهزیستی

مخاطب: سامی، کاظم

جناب آقای دکتر کاظم سامی

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر بهداری و بهزیستی منصوب می شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۸ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: تشکیل کمیته‌ای با حضور نمایندگان امام جهت رفع مشکلات واحدهای آموزشی

مخاطب: لولاچیان، محمود

[بسمه تعالی. محضر مقدس حضرت آیت الله العظمی الخمینی

در مورد بازگشایی کلیه واحدهای آموزشی که از فردا شروع می شود مشکلات فراوانی وجود دارد که لازم است برای رفع آنها دو نفر از طرف حضرت آیت الله معرفی شوند که کمیته‌ای مرکب از افراد ذیصلاح و متخصص تشکیل دهند که کلیه مشکلات در آن کمیته مورد شور قرار گرفته شود و مورد اجرای رؤسای فرهنگی و مدارس قرار گیرد.

۵۷/۱۱/۲۷- از طرف سرپرستان مدارس - محمود لولاچیان]

آقایان دکتر باهنر و آقای سید کاظم موسوی معرفی می شوند.

۱۸ ربیع الاول ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۹ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: انتصاب وزیر نیرو

مخاطب: تاج، عباس

جناب آقای مهندس عباس تاج

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر نیرو منصوب می شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۸ بهمن ۱۳۵۷ / ۱۹ ربیع الاول ۱۳۹۹

مکان: تهران، مدرسه علوی

موضوع: انتصاب وزیر مشاور

مخاطب: سحابی، یدالله

جناب آقای دکتر یدالله سحابی

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر مشاور منصوب می شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ / ۲ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: انتصاب وزیر دفاع

مخاطب: ریاحی، تقی

تیمسار سرتیپ تقی ریاحی

طبق پیشنهاد نخست وزیر دولت موقت و تصویب کلی شورای انقلاب نسبت به هیأت وزیران، جنابعالی به سمت وزیر دفاع ملی منصوب می شوید. از خداوند متعال توفیق دولت موقت و جنابعالی را در ایفای وظایفی که عهده دار شده اید و جلب رضای ذات مقدسش را خواهانم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۸ فروردین ۱۳۵۸ / ۹ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: ابراز تشکر

مخاطب: طاهری، سید جلال الدین

۹ ج ۱ ۹۹

بسمه تعالی

خدمت جناب حجت الاسلام آقای حاج سید جلال الدین طاهری - دامت افاضاته
تلگراف تبریکی از طرف جامعه بازاریان شهر اصفهان در مورد پیروزی جمهوری
اسلامی واصل و موجب تشکر گردید. جنابعالی بدین وسیله مراتب تشکر و سلام
اینجانب را به عموم آقایان محترم ابلاغ نمایم. از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین و
ادامه توفیقات همگان را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.
روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۳۱ فروردین ۱۳۵۸ / ۲۲ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: اسناد زمین و مجوز مصرف وجوہات

مخاطب: جلیلی، عبدالجلیل

بسمه تعالی

۲۲ ج ۱ ۹۹

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی - دامت افاضاته
مرقوم جنابعالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل گردید. در مورد زمینهایی که
نوشته بودید، فعلاً سندهای آن را نگاهداری کنید تا بعداً تکلیف آنها معلوم خواهد شد و
در مورد پول برنج و حبوباتی که پرسیده بودید به همان مصرف پاسداران برسانید. از
خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.
روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۲۳ جمادی الاول ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: موسوی قزوینی شالی، سید حسن

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید حسن شالی - دامت افاضاته

مرقوم جنابعالی واصل و از مضمون آن اطلاع حاصل شد. در مورد اقدامهایی که نموده‌اید مورد تقدیر است امید آنکه در آینده نیز نسبت به وضع محل با تدبیر و درایت کارها را به نحو شایسته انجام دهید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آنجناب را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

به تاریخ ۲۳ ج ۱ ۹۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: تشکر از تلگراف تسلیت شهادت آقای مرتضی مطهری

مخاطب: قاضی طباطبائی، سید محمدعلی

بسمه تعالی

۱۵ ج ۲ ۹۹

خدمت جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج سید محمدعلی قاضی طباطبائی -
دامت برکاته

تلگراف تسلیت آن جناب در مورد شهادت جانگداز مرحوم حجت الاسلام استاد
مطهری - قدس سرّه الشریف - واصل گردید. از اظهار تفقد و محبت جنابعالی متشکرم.
تلگرافات دیگری نیز به همین مناسبت از طرف علمای اعلام تبریز و اصناف و سایر
طبقات محترم واصل گردید. جنابعالی مراتب تشکر و سلام اینجانب را به عموم آقایان
محترم ابلاغ فرمایید. از خدای تعالی ادامه توفیقات همگان را خواستارم. والسلام علیکم
و رحمة الله.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۸ / ۲۱ جمادی الثانی ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: مأموریت سفر تبلیغی

مخاطب: ربانی املشی، محمد مهدی

بسمه تعالی

۲۱ ج ۲ ۹۹

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد مهدی ربانی املشی - دامت
افاضاته

مقتضی است جنابعالی در رأس هیأتی از فضلاء محترم حوزه مقدسه علمیه،
مسافرتی به استان گیلان و مازندران نموده و از نزدیک به وضع مردم آن سامان رسیدگی
نموده چنانچه کمبودهایی از نظر مذهبی و تبلیغی داشتند در رفع آنها بکوشید و با
همکاری علمای اعلام و اهالی محترم محل - ایدهم الله تعالی - مشکلات را برطرف
نموده و وحدت و یگانگی را حفظ نمایید و مردم را از تفرقه و نفاق که بزرگترین وسیله
برای نفوذ اجانب و دشمنان اسلام می باشد برحذر دارید. و سلام اینجانب را به عموم
آقایان محترم ابلاغ نمایید. از خدای تعالی عظمت اسلام و مسلمین و ادامه توفیقات
همگان را در راه انجام وظیفه الهی و خدمت به شریعت مقدسه خواستارم. والسلام
علیکم و رحمة الله و برکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۷ تیر ۱۳۵۸ / ۳ شعبان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: رسیدگی به کمیته‌های شهر خوی و حومه

مخاطب: بنی فضل، مرتضی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا شیخ مرتضی بنی فضل - دامت افاضاته
با توجه به وضع منطقه خوی و حومه و اختلافات موجود، لازم است جنابعالی
مسافرتی بدان منطقه نموده، از نزدیک به مشکلات اهالی محترم رسیدگی نموده و وضع
کمیته‌های محلی را نیز بررسی نمایید و با مشورت علماء اعلام محلی - دامت برکاتهم - و
اهالی محترم اختلافات موجود را فیصله دهید و با حفظ وحدت کلمه و پرهیز از هرگونه
اختلاف مشکلات را مرتفع سازید و مردم آن سامان را به وظیفه خطیری که در این موقع
حساس به عهده دارند آشنا سازید و مقتضی است بدین منظور هیأتی را نیز با خود ببرید
و خود جنابعالی در رأس آن هیأت انجام وظیفه بنمایید. از خدای تعالی ادامه توفیقات
همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.

به تاریخ ۳ شعبان ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۷ تیر ۱۳۵۸ / ۳ شعبان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: انتصاب نماینده روحانیت در ستاد مرکزی جهاد سازندگی

مخاطب: ناطق نوری، علی اکبر

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ علی اکبر نوری - دامت افاضاته بدین وسیله جنابعالی به عنوان نماینده روحانیت در ستاد مرکزی جهاد سازندگی منصوب می شوید. و مأموریت دارید از نزدیک در تصمیم گیری و انجام کارها نظارت داشته باشید و در نصب و اعزام روحانیون محترمی که بدین منظور لازم است شرکت داشته باشند اقدام نمایید و در هر مورد مصلحت می دانید کارها را با مشورت افراد ذیصلاح انجام دهید. از خدای تعالی موفقیت جنابعالی را خواستارم.

سوم شعبان المعظم ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۱ تیر ۱۳۵۸ / ۷ شعبان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: تأکید بر حفظ آرامش منطقه و خنثی کردن توطئه‌ها

مخاطب: کرمی، محمد

بسمه تعالی

خدمت حضرت مستطاب حجت الاسلام آقای حاج شیخ محمد کرمی - دامت برکاته
مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف و حاوی تذکراتی در مورد وضع
منطقه بود واصل گردید. در مورد نارساییهای محل که مرقوم داشته بودید تذکر به دولت
داده‌ام و مجدداً نیز تذکر خواهم داد. جناب مستطاب عالی هم چنانچه تا کنون با قاطعیت
در آرامش منطقه و خنثی کردن توطئه‌ها کوشا بوده‌اید از این به بعد نیز با قاطعیت کارها را
انجام داده و با جناب آقای مدنی استاندار نیز همکاری لازم داشته باشید. امید است
ان شاء الله تعالی با حفظ وحدت کلمه هر چه زودتر بر مشکلات کاملاً پیروز شده و ایادی
دشمنان را قطع فرمایید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب را در اعلائی کلمه طیبه و
پیشبرد اهداف عالی اسلام خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

به تاریخ ۷ شعبان المعظم ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ حکم

زمان: ۱۲ تیر ۱۳۵۸ / ۸ شعبان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: رسیدگی به امور کمیته‌های آذربایجان شرقی و غربی

مخاطب: بنی فضل، مرتضی

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای آقا شیخ مرتضی بنی فضل - دامت افاضاته
مقتضی است در این موقع که انقلاب احتیاج زیادی به سازندگی دارد جنابعالی
مسافرتی به مناطق آذربایجان شرقی و غربی بنمایید و از نزدیک به کمیته‌های محل
رسیدگی کنید و هر جا کمبود و یا اختلافی مشاهده کردید در رفع آنها اقدام نمایید و در
تقویت مؤسسات مذهبی به هر نحو صلاح می‌دانید کوشا باشید و همه جا از همکاری و
مشورت با علمای اعلام محل - ایدهم الله تعالی - و مؤمنین محترم دریغ ننمایید و سعی
کنید وحدت کلمه و اتحاد پیوسته محفوظ بماند و از اختلاف و تفرقه پرهیز نموده و مردم
را بر حذر دارید. از خدای تعالی ادامه توفیقات آن جناب و عموم آقایان محترم را در راه
ترویج شریعت مقدسه و اعلاء کلمه طیبه اسلام خواستارم.

۸ شعبان ۹۹

روح الله الموسوی الخمينی

□ سخنرانی

زمان: ۲۳ تیر ۱۳۵۸ / ۱۹ شعبان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: توأم بودن آموزش با پرورش

حاضر: پاسداران کمیته مرکزی انقلاب اسلامی و جمعی از معلمان و بانوان

بسم الله الرحمن الرحيم

قرائت به «اسم ربّ» یعنی آموزش توأم با پرورش

سوره‌ای^(۱) را که این خانم خواندند، این می‌تواند برنامه باشد از برای مسلمین و برنامه اسلام باشد؛ می‌فرماید: **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**.^(۲) قرائت را شروع می‌کند که اول، امر قرائت است اما قرائت به اسم خدای تبارک و تعالی. برنامه این است که قرائت - که اول رشد انسانی است و برای رشد انسانی است - قرائت تنها نباشد، آموزش تنها نباشد. آموزش تنها ممکن است که برای یک کشوری مضر هم نباشد. آموزش باشد با «تربیت» که در آیه می‌فرماید: **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ**، قرائت کن به اسم ربّ؛ با اسم ربّ شروع کن به قرائت. اگر قرائت با اسم ربّ شد، این هم پرورش است و هم آموزش. قرائت «آموزش» است و با اسم ربّ وقتی که شد «پرورش» است، هم پرورش را و هم آموزش را در آن آیه شریفه می‌فرمایند؛ بلکه دستور کلی همه کارهای انسانی در این آیه شریفه هست که فقط قرائت نیست که باید به اسم ربّ باشد، قرائت هم یکی از مصادیقی است که باید به اسم ربّ باشد و با توجه به خدا باشد؛ همه کارهایی که شما انجام می‌دهید، همه تحصیلاتی که می‌کنید، همه اقداماتی که می‌کنید، تمام اینها با اسم ربّ شروع بشود. اگر همه با اسم ربّ شروع بشود، آموزش ممکن است مفید باشد، برای اینکه آموزش توأم با پرورش است.

۱- سوره علق، که به اجماع اکثر قریب به اتفاق مفسرین، پنج آیه اول آن، نخستین آیات وحی بر رسول اکرم (ص) است.

۲- سوره علق، آیه ۱: «بخوان به نام پروردگارت که بیافرید».

فناى بشریت نتیجه آموزش بی پرورش

بیشتر صدماتی که به بشر وارد می شود از طریق آموزش بی «پرورش» است. تمام این آلاتی که درست شده است، تمام این آلات جنگی که درست شده است، آلات منهدم گنی که درست شده است، به دست اشخاصی بوده است که آموزش داشته اند لکن پرورش صحیح نداشتند. و لهذا با علم خودشان طرح فناى برادرهای خودشان و همجنسهای خودشان را می ریزند. در مملکت ما هم آن مقدار که از دست آموزش و آموزش خواهان و آنهایی که آموزششان زیاد بوده است صدمه دیده اند ملت ما، از دست دیگران ندیده اند. برای اینکه این متفکران و این دانشمندان بودند که طرحهای تخریبی را، طرحهای فناکننده ملت را می ریختند؛ برای اینکه آموزش داشتند لکن آموزش در کنارش پرورش نبود.

آموزش و تربیت الهی

شماها که «مربی» هستید^(۳) یا می خواهید تربیت بکنید فرزندان خودتان را یا جامعه را، باید توجه به این آیه شریفه داشته باشید که **إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ**. می خواهید آموزش بدهید، می خواهید آموزش پیدا کنید، قرائت کنید، با اسم ربّ باشد، با توجه به خدا باشد، تا تربیت الهی باشد. اگر یک انسانی، هم علم داشت و هم تربیت الهی داشت، این مفید خواهد شد برای مملکت خودش، و هرگز یک مملکتی از دست آنکه آموزش و پرورش دارد صدمه نمی بیند. صدمه هایی که وارد می شود بر مملکت - غالباً - از این متفکرین بی پرورش، آموزشهای بی پرورش، واقع می شود. علم را تحصیل می کنند لکن تقوا ندارند، لکن پرورش باطنی ندارند؛ از این جهت عمال خارجی می شوند، از این جهت نقشه ها را برای فناى مملکت خودشان می کشند.

شروع پرورش از دامن بانوان

خداوند - ان شاء الله - شما بانوان را که مرکز پرورش بچه های کوچک هستید، تا آخر

۳- گروهی از بانوان حاضر، مربی کودک بوده اند.

موفق کند شما را به اینکه این بچه‌ها را خوب آموزش و پرورش بدهید. بله، پرورش از دامن شما شروع می‌شود؛ دامن بانوان است که بچه‌های خوب را پرورش می‌دهد. ممکن است که یک بچه‌ای که شما خوب تربیت بکنید یک ملت را نجات بدهد. توجه داشته باشید که بچه‌ها را خوب تحویل جامعه بدهید و آموزششان با پرورش باشد. خداوند به همه شما توفیق بدهد، سلامت بدهد، سعادت بدهد. سلام بر همه شما خانمها!

□ حکم

زمان: ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ / ۹ رمضان ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: انتصاب آقای محمد نخعی (منهاج) به سمت سفیر ایران در استرالیا

مخاطب: یزدی، ابراهیم

[باسمه تعالی. محضر مقدس آیت الله العظمی آقای خمینی - مد ظله العالی. پس از سلام، جناب مستطاب ثقة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد نخعی (منهاج) که از فضلا و دارای لیسانس علوم و کاملاً وارد در زبان انگلیسی و اهل تقوی می باشند چون بناست از طرف وزارت کشاورزی به عنوان نظارت بر ذبایح در استرالیا توقف کنند بجاست به عنوان سفیر ایران در آنجا منصوب شوند تا هم وظایف سفارت را که در آنجا وظایف مختصری بیش نیست انجام دهند و هم بر ذبایح صادره به ایران نظارت کنند و هم بر امور اسلامی و دینی آنجا به مقدار قدرت نظارت داشته باشند و در ترویج اسلام و تشیع کوشش نمایند بسته به نظر حضر تعالی است. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.]

بسمه تعالی

جناب آقای دکتر یزدی، وزیر خارجه

مناسب است ایشان را برای سفارت تعیین کنید.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۷ شهر یور ۱۳۵۸ / ۶ شوال ۱۳۹۹

مکان: قم

موضوع: رسیدگی به مشکلات قضایی اهالی مشکین شهر و دشت مغان

مخاطب: احمدی میانجی، علی

بسمه تعالی

جناب مستطاب حجت الاسلام آقای حاج میرزا علی احمدی میانجی - دامت افاضاته
با توجه به مشکلاتی که در منطقه مشکین شهر و حومه از نظر احکام صادره دادگاه
انقلاب اسلامی پیش آمده مقتضی است جنابعالی بدانجا مسافرت کرده ضمن رسیدگی
به وضع محل و احکام صادره کسانی را که مشمول عفو می باشند مورد عفو قرار داده و
آزاد نمایید و از قرار اطلاع در دشت مغان مشکلاتی است که نیازمند رسیدگی است و
چنانچه مصلحت دیدید برای رفع مشکلات بدانجا نیز بروید. از خدای تعالی موفقیت
جنابعالی را خواستارم. والسلام علیکم ورحمة الله.

به تاریخ ۶ شوال ۹۹

روح الله الموسوی الخمینی

□ اجازه نامه

زمان: ۱ دی ۱۳۵۸ / ۲ صفر ۱۴۰۰

مکان: قم

موضوع: استفاده از سهم امام (ع) در امور دفتر تبلیغات قزوین و حومه

مخاطب: دفتر تبلیغات انقلاب اسلامی قزوین و حومه

[بسم الله الرحمن الرحيم. دفتر تبلیغات انقلاب اسلامی قزوین و حومه به فرمان امام خمینی

محضر مبارک رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی ایران حضرت امام خمینی - دام ظلّه العالی

به دنبال فرمان آن رهبر بزرگوار مبنی بر عزیمت طلاب به روستاها جهت تبلیغ و تبیین احکام اسلام و رهاوردهای انقلاب عظیم اسلامی و با توجه به نیاز چشمگیری که در جامعه ما به تبلیغ وجود دارد از نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی با الهام از فرموده حضرت علی - علیه السلام - (و نظم امرکم) به منظور تشکیل فعالیتهای تبلیغی گروهی از طلاب علوم دینی قزوین اقدام به تأسیس دفتری به نام (دفتر تبلیغات امام خمینی قزوین و حومه) نمودند و در این مدت تا حد مقدور با تشکیل مجالس و مجامع عمومی و بسیج مردم برای شرکت در مسائل سرنوشت سازی چون رفراندوم جمهوری اسلامی و مجلس خبرگان و رفراندوم قانون اساسی و تشکیل جلسات هفتگی و اعزام مبلغ به روستاها و کارخانجات انجام وظیفه نموده، در کنار این فعالیتهای همکاریهای لازم را با ارگانها و نهادهای انقلابی و ادارات دولتی و برآوردن نیازهای اجتماعی و حل و فصل و جلوگیری از برخوردها و اختلافات محلی و نیز جلوگیری از نفوذ و سمپاشیهای افراد ضد انقلاب از جمله فعالیتهای اعضای این دفتر بوده.

اکنون چون ادامه و توسعه فعالیتهای دفتر احتیاج به تهیه وسایلی چون اتومبیل، کتاب، نشریات، فیلم، اسلاید و غیره و نیز تأمین اعضای فعال دفتر دارد (لازم به تذکر است که در این مدت دفتر از نظر امکانات بسیار محدود بوده و در کمال عسرت و تنگدستی فعالیت می کرده) و چون اینجانبان وجود این دفتر را در این شهر و حومه اش لازم دانسته و از سوی دیگر خود ما نیز از نظر امکانات محدود هستیم؛ لذا هزینه لازم را که در حدود چهل هزار تومان در هر ماه می باشد و ما تنها می توانیم بیست هزار تومان از آن را تأمین نماییم از محضر مبارک آن رهبر بزرگوار خواهانیم. دستور فرمایید باقی هزینه

تأمین گردد تا برادران طلاب بتوانند خدمات لازم را به خوبی انجام دهند.

با تقدیم احترام: سرپرست و ناظر دفتر تبلیغات امام خمینی قزوین و حومه]

بسمه تعالی

جنابعالی مجازید از سهم مبارک امام - علیه السلام - در مصارف مزبوره که موجب تقویت شریعت مقدسه باشد صرف نمایید. موفقیت جنابعالی را از خدای تعالی خواستارم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ حکم

زمان: ۱ اسفند ۱۳۵۸ / ۳ ربیع الثانی ۱۴۰۰

مکان: تهران، بیمارستان قلب

موضوع: عضویت در شورای نگهبان

مخاطب: صانعی، یوسف

بسم الله الرحمن الرحيم

اول اسفند ماه ۵۸ / ۳ ع ۱۴۰۰ ۲

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ یوسف صانعی - دامت افاضاته
بنابر اصل نود و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی که به منظور پاسداری از احکام
اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها
شورایی به نام شورای نگهبان تشکیل می شود که انتخاب شش نفر از فقهای عادل و آگاه
به مقتضیات زمان و مسائل روز از این شورا به عهده اینجانب می باشد؛ لذا جنابعالی را به
عنوان یکی از شش فقیه به عضویت شورای نگهبان منصوب می نمایم. از خداوند متعال
موفقیت هرچه بیشتر شما را امیدوارم.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۲۷ شهریور ۱۳۵۹ / ۸ ذی القعدة ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: پیام تسلیت

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

۱۳۵۹/۶/۲۹

تجریش - قم ۱۰۱ ۴۲ ۲۹

به نام خدا

حضرت آیت‌الله آقای مرعشی نجفی - دامت برکاته - قم

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت گفته، صبر و اجر و سلامت آن جناب را از خدای

متعال مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

۸ ذیقعدة ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۶ آبان ۱۳۵۹ / ۲۸ ذیحجه ۱۴۰۰

مکان: تهران، جماران

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای حاج سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - دامت برکاته
مرقوم محترم که حاکی از صحت مزاج شریف بود واصل گردید. از خدای تعالی
ادامه توفیقات و سلامتی آن حضرت را مسئلت دارم. درباره موضوعی که مرقوم
فرموده‌اید قبلاً نیز در این باره تذکراتی داده بودند و اطلاعاتی در این زمینه داشتم و در
مورد رفع این نگرانی و مشکل سفارشات نیز به مسئولین شده و در فرصتهای بعدی نیز
ان شاء الله تعالی تذکر داده خواهد شد. امید است در مواقع استجابت دعا اینجانب را
فراموش ننمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله

۲۸ ذیحجه ۱۴۰۰

روح الله الموسوی الخمینی

□ تلگراف

زمان: ۲۵ آبان ۱۳۵۹ / ۷ محرم ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: پیام تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (از مراجع عظام تقلید)

تجریش قم ۱۷۱ ۴۲ ۲۵

بسمه تعالی

حضرت آیت‌الله آقای حاج سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی - دامت برکاته - قم
از ابراز تفقدی که در مصیبت وارده فرموده‌اید متشکرم. موفقیت و سلامت
حضرت تعالی را از خدای تعالی مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله

۷ محرم ۱۴۰۱

روح الله الموسوی الخمينی

□ تلگراف

زمان: ۱۸ دی ۱۳۵۹ / ۱ ربیع الاول ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

تجریش به قم ۱۱ ۷۹ ۲۰ ۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی - دامت برکاته

تلگراف تبریک آن جناب در مورد پیروزی سپاهیان اسلام بر مزدوران کفر واصل و موجب تشکر گردید.

امید است به برکت دعای خیر حضرات آقایان محترم پیروزی کامل و نهایی لشکریان اسلام هرچه زودتر نصیب گشته و در پناه وحدت و یکپارچگی همه نیروهای رزمنده شکست قطعی تمام دشمنان اسلام و جهانخواران و مزدورانشان میسر گردد. ان شاء الله تعالی.

به تاریخ غره ربیع الاول ۱۴۰۱

روح الله الخمينی

□ نامه

زمان: اسفند ۱۳۵۹ / ربیع الثانی ۱۴۰۱

مکان: تهران، جماران

موضوع: موافقت با درخواست عفو مجرمین در کردستان

مخاطب: حسینی بهشتی، سید محمد (رئیس دیوانعالی کشور)

[بسمه تعالی. ریاست محترم دیوانعالی کشور، جناب آقای دکتر بهشتی - مد ظله

پیرو تماس حضوری در تهران به عرض می‌رساند، در استان کردستان هزاران نفر مجرمند که بعضی دستگیر و اکثراً محکوم شده‌اند. نظر به اینکه عفو بسیار مناسب و پرتأثیر امام در رابطه با افراد مسلح مستقر در کوهها را نسبت به آینده‌روشنتر امیدوار ساخته است مخصوصاً در میان زندانیان (که به تناسب زمان جنگ، کیفری در مورد آنها منظور شده) و بستگانشان انتظار بخشودگی و توقع عفو پیامبرگونه امام خمینی - زید عزّه - دارند لذا برای مجرمین که میزان مجرمیت آنها به شرح زیر است و هم اکنون از کرده خود پشیمان هستند تقاضای عفو می‌شود:

۱- شرکت در تظاهرات و استقبال و بدرقه عناصر ضد انقلاب

۲- تحصن و جلوگیری از حرکت ستون نظامی به صورت نشستن در خیابان

۳- گروهای امداد در سطح کمکهای اولیه پزشکی و غذارسانی

۴- تشکیل هسته‌های کتابخوانی و حرکت‌های فکری منحرف

۵- نگهبانی و حراست از شهر در زمان استیلاي گروهای که اکثراً هم به صورت مسلحانه انجام شد

۶- خرید و فروش و نگهداری اسلحه گرم

۷- هر نوع مجرمیت که در سطح جرایم فوق مشخص شود.

دادگاه انقلاب اسلامی کردستان - دادگاه انقلاب اسلامی (سنندج)]

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام رئیس دیوانعالی کشور رسیدگی نمایند و آنانکه مقتضی عفو

هستند، عمل نمایند.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: آبان ۱۳۶۰ / محرم الحرام ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: سؤال درباره محل تدریس یا سکونت امام خمینی در یکی از حجره‌های مسجد امام در اصفهان
مخاطب: ذوعلم، محمد (مدیرکل فرهنگ استان اصفهان)

[بسمه تعالی. جماران - دفتر رهبر عالیقدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی

بنا به نقل قولهایی که توسط افراد سالخورده اصفهان اظهار می شود، گویا یکی از حجره‌های مسجد امام اصفهان سابقاً محل تدریس یا تحصیل و یا سکونت امام امت بوده است. این اداره کل سپاسگزار خواهد بود در صورت صدق گفتار فوق، مراتب به این اداره کل اعلام گردد تا بتوان از حجره مذکور به عنوان یادبود تجلیل و نگهداری نمود.

محمد ذوعلم - مدیرکل فرهنگ استان اصفهان]

بسمه تعالی

این مطلب صحت ندارد.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ۱۲ دی ۱۳۶۰ / ۶ ربیع الاول ۱۴۰۲

مکان: تهران، جماران

موضوع: تفویض اختیارات به وزیر دفاع

مخاطب: خامنه‌ای، سید علی (رئیس جمهور)

[بسمه تعالی. محضر مبارک رهبر و مرجع عظیم الشان و فرماندهی کل نیروهای مسلح حضرت امام خمینی - مد ظله العالی

- ۱- وزیر محترم دفاع پیشنهاد می‌کند برای تسریع در حسن اداره امور آن وزارت اختیاراتی به شرح ورقه پیوست از سوی فرماندهی کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی به وی تفویض گردد.
- ۲- در گذشته مشابه چنین اختیاراتی به وزیر دفاع وقت بر طبق ضرورت و نیاز، تفویض گشته بود.
- ۳- اینجانب با ملاحظه جوانب امر با این پیشنهاد موافق هستم. تصمیم بر اجرای این امر موکول به نظر شریف آن حضرت است.

۶۰/۱۰/۸ - سید علی خامنه‌ای - رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع]

بسمه تعالی

با اجرای موارد مذکور در ورقه پیوست در محدوده وزارت دفاع موافقت می‌شود.

۱۲ دی ۱۳۶۰

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: حوالی ۱۸ فروردین ۱۳۶۱ / ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۰۲

مکان: تهران / جماران

موضوع: موافقت با صرف و جوهات برای ساختن مدرسه علمیه در شهرستان فردوس

مخاطب: فردوسی‌پور، اسماعیل

[بسمه تعالی]

حضرت آیت‌الله العظمی رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی - دام‌ظله

بعد تقبیل انام‌لکم‌الکریمه، محترماً به عرض می‌رساند شهرستان فردوس قبل از زلزله سال ۱۳۴۷ دارای یک مسجد جامع آبرومند و سه مدرسه علمیه بوده که در حادثه زلزله از بین رفته است و از آن زمان فاقد مسجد جامع و مدرسه علمیه است با اینکه دارای حوزه‌ای سی نفره می‌باشد و نیاز مبرم به مدرسه است هم‌اکنون زمینی به مساحت ده هزار متر برای ساختن مسجد و مدرسه تهیه شده است اگر اجازه بفرمایید ساختمان آن از وجوهات تکمیل شود.

با تقدیم احترامات فائقه: اسماعیل فردوسی‌پور - ۶۱/۱/۱۸]

بسمه تعالی

در صورت احتیاج و عدم امکان از راه دیگر، مجازند.

روح‌الله الموسوی‌الخمینی

□ تلگراف

زمان: ۲۷ مهر ۱۳۶۱ / ۱ محرم ۱۴۰۳

مکان: تهران، جماران

موضوع: شهادت آقای اشرفی اصفهانی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

تهران - قم - ش ۲۰۴ ک ۱۵۸ ت ۷/۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله آقا نجفی - دامت برکاته - قم

یک محرم الحرام ۱۴۰۳

تلگراف محترم در تسلیت به شهادت ناگوار شهید محراب حجت الاسلام والمسلمین
آقای اشرفی - رحمت الله علیه - موجب تشکر گردید.

بحمد الله تعالی هر یک از این شهادت‌های بسیار بزرگ که خسارت عظیمی برای ملت
عظیم الشان اسلام [است] برخلاف توهم تبه‌کاران منافق موجب رسوایی منافقین
جنایتکار و انسجام صفوف ملت بزرگوار می‌شود. و لایزال یثید هذا الدین بالرجل
الفاجر.

خداوند تبارک و تعالی منت گذاشته بر ملت ایران و آنچه به حسب برداشت دشمنان
اسلام موجب ضعف و سستی است، موجب قدرت و وحدت و انسجام می‌گردد. از
خداوند متعال پیروزی برای اسلام و رحمت و مغفرت برای شهیدان بویژه شهید اخیر و
سلامت و صبر برای بازماندگان شهید و صحت و عافیت برای آسیب‌دیدگان خواستار
است و سلامت و استمرار برکت وجود شریف را در پناه خداوند متعال و عنایت حضرت
بقیة الله - ارواحنا فداء - خواستار است.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: فروردین ۱۳۶۲ / جمادی‌الثانی ۱۴۰۳

مکان: تهران، جماران

موضوع: نحوه تملیک داراییهای شرکتهای حمل و نقل توسط دولت، مصوب شورای انقلاب
مخاطب: عسکراولادی، حبیب‌الله (وزیر بازرگانی) - نژاد حسینیان، سید محمدهادی (وزیر راه و ترابری) - نمازی، حسین (وزیر اقتصاد و دارایی)

[بسمه تعالی. محضر مبارک مرجع عالیقدر تقلید، رهبر عظیم‌الشأن انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی - مد ظله العالی

با عرض سلام و تجدید ارادات، به استحضار می‌رساند، تعدادی از شرکتهای حمل و نقل براساس لایحه قانونی شماره ۷۳۰۴ مورخ ۵۹/۴/۲۵ مصوب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران (که تصویر آن به ضمیمه تقدیم می‌گردد.) در اختیار دولت قرار گرفته‌اند.

صاحبان این شرکتهای براساس روابط و وابستگیهایی که با سیستم بانکی و سازمانهای دولتی از قبیل سازمان غله داشته‌اند و از طریق دریافت وامهای کلان از بانکها و دریافت مبالغ هنگفتی به صورت علی‌الحساب و پیش دریافت از سازمانهایی که برای آنها کالا حمل می‌نمودند این شرکتهای را تأسیس و با خرید کامیون و وسایل دیگر مورد نیاز به فعالیت پرداختند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اکثر صاحبان این شرکتهای فراری شدند و یا با عدم همکاری، موجب معطل ماندن این امکانات، وقفه در امور حیاتی حمل و نقل گردیدند.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از رکود و معطل ماندن این بخش حساس اقدام به تصویب لایحه مذکور نمود چون لایحه قانونی مذکور موضوع را به صورت کلی و مختصر فشرده مطرح نموده، لذا دارای نارساییهایی است که تاکنون مانع از اجرای مفاد آن گردیده است.

عمده‌ترین مشکل در این راه، نامشخص بودن نحوه تملک داراییهای مزبور توسط دولت است بدین معنی که مشخص نشده مسئولین دولتی، چه قیمت و کدام مقطع زمانی را برای ارزیابی اموال شرکتهای باید ملاک قرار دهند که حفظ حقوق بیت‌المال ضمن رعایت عدالت و احکام شرع به نحو

احسن صورت گیرد. اینک با عنایت به این موضوع که در ظرف بیش از سه سال اخیر دولت با تعیین مدیرانی با تحمل نامایماتی سیاسی و اقتصادی به اداره امور این شرکتها اقدام نموده و هزینه‌های زیادی را در این راه متحمل گردیده، از محضر مبارک آن جناب استدعا دارد مقرر فرمایند که کدام یک از روشهای زیر جهت اجرای مصوبه فوق‌الذکر، منطبق با موازین شرعی می‌باشد.

۱- آیا به محض تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران تملک تحقق یافته و تنها تشریفات انتقال مالکیت باید از شرکتها به دولت عملی شود.

۲- قیمتی که باید اموال مورد محاسبه قرار گیرد کدام یک از موارد زیر می‌باشد.

الف - به قیمت دفتری (جمع هزینه‌ای که برای تهیه اموال انجام شده با کسر رقمی که به عنوان استهلاک سالانه در دفاتر معمول می‌شود). در تاریخ تصویب لایحه مذکور و محاسبه بدهی به همان روز. (۵۹/۴/۲۵)

ب - به قیمت کارشناس رسمی (توسط کارشناسان دادگستری و غیره) به تاریخ مصوب قانون و محاسبه بدهی به همان تاریخ. (۵۹/۴/۲۵)

ج - به قیمت بازار در روز تصویب قانون و محاسبه بدهی در همان تاریخ. (۵۹/۴/۲۵)
د - به قیمت دفتری (قیمت تمام شده خرید با کسر رقم استهلاک سالانه که در دفاتر معمول می‌شود) به تاریخ روز انتقال رسمی به دولت و محاسبه بدهی در همان تاریخ.
ه - به قیمت کارشناسی رسمی به تاریخ روز انتقال رسمی به دولت و محاسبه بدهی در همان تاریخ.
و - به قیمت روز (که از طریق اعلام مزایده به دست بیاید) به تاریخ روز انتقال رسمی به دولت و محاسبه بدهی در همان تاریخ (چون تحویل شده ولی انتقال صورت نگرفته).

البته لازم به توضیح است در صورتی که قیمت کارشناسی و یا مزایده به تاریخ روز انتقال رسمی به دولت را ملاک قرار دهیم افزایش قیمت بازار را که حاصل عوامل مختلفی از قبیل جنگ، محاصره اقتصادی و ... است و بر این امت تحمیل گردیده به نفع صاحبان فراری اموال خواهد بود و به زیان بیت‌المال.

لازم به تذکر است که دولت هزینه‌های قابل توجهی جهت تأمین لوازم یدکی و ... در طول دوره اداره امور این شرکتها متحمل شده است و بانکها در محاسبه بدهی این شرکتها، علاوه بر مبلغ اولیه وام،

بهره آن تا زمان محاسبه را نیز منظور می‌کنند.

از حضور آن مرجع عالیقدر، استدعای ارشاد دارد. ۶۲/۱/۲۱

حسین نمازی	سید محمد هادی نژاد حسینیان	حبیب الله عسکراولادی
وزیر امور اقتصادی و دارایی	وزیر راه و ترابری	وزیر بازرگانی

بسمه تعالی

چنانچه ثابت باشد که تأسیس شرکتهای مزبوره و دارایی به دست آمده از راه دریافت وامهای کلان و اعتبارات از مؤسسات دولتی برخلاف ضوابط و مقررات شرعی و براساس سازش و روابط غیرقانونی بوده، دولت حق دارد با اجازه کردن معاملات انجام شده تمام دارایی به دست آمده را تصاحب کند و زائد بر آن خسارات وارده را نیز مطالبه نماید؛ ولی اگر استملاک دارایی شرکتهای مذکوره از بابت طلب دولت از آنان باشد، میزان قیمت عادلۀ روز استملاک با مراعات ضوابط و مقررات شرعی در این باره است.

روح الله الموسوی الخمینی

□ سخنرانی

زمان: ۳۰ مرداد ۱۳۶۲ / ۱۲ ذی القعدة ۱۴۰۳

مکان: تهران، جماران

موضوع: آزادی، ره‌آورد جمهوری اسلامی

مخاطب: اعضای اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

من از شما آقایان که وقت خودتان و جوانیتان را برای اهداف انقلاب اسلامی صرف می‌کنید کمال تشکر را می‌نمایم. خداوند به شما جزای خیر عنایت فرماید و بیش از پیش موفق باشید.

جمهوری اسلامی از اول که پیروز شد آزادی را به طور مطلق به همه طوایف داد. نه تنها هیچ روزنامه‌ای تعطیل نشد بلکه هر گروه و حزبی به کارهای خود مشغول بودند، و بعضی از گروه‌ها که ناشناخته بودند، از طرف دولت به کارگماشته شدند. لیکن بتدریج فهمیده شد که اینها یا توطئه‌گرند یا جاسوسی می‌کنند. از طرف دیگر نمی‌شد که انقلاب را رها کنیم، نه اسلام اجازه می‌داد و نه عقل که یک دسته از عنوان دولت یا غیر دولت برای سرنگونی جمهوری اسلامی سوء استفاده نموده و یا جاسوسی کنند و ما ساکت باشیم.

برخورد با توطئه‌گران و سوءاستفاده‌کنندگان از آزادی

با این مقدار فداکاری که شما و دوستان انجام داده‌اید، باز گذاشتن دست کسانی که قصد توطئه نسبت به اسلام و ملت را دارند خیانت است. همین حزب توده که به قدرت بزرگ شوروی متکی است و می‌داند که جاسوسی برای کشوری می‌کند که شصت و چند سال از عمر حکومتش می‌گذرد و نه در آنجا آزادی و نه حزبی جز حزب خودشان می‌باشد، از اول هم که روی کار آمدند گروه‌های بسیاری را کشته و یا تصفیه کردند، حتی این حزب هم در ایران آزاد بود، آن وقت فریاد می‌زدند آزادی نیست. بحمدالله شما با

کمال دقت مراقبت نمودید تا آنها را خوب شناختید و اقدام لازم را نمودید. اینها مثل منافقین و همه گنهکاران باید محاکمه شوند و به جزای اعمالشان برسند.

امیدوارم آنها که امروز به فکر توطئه هستند روزی چهره‌هایشان برای مردم شناخته شود. بنابراین شما و همه ملت که این همه فداکاری برای استقلال و آزادی از دست ابرقدرتها و چپاولگرها کرده‌اید، امکان ندارد که اجازه دهید در یک چنین محیط اسلامی برای اینکه شرق و غرب خوششان بیاید، سهل‌انگاری شود. آزادی‌ای که صحیح است و برای اسلام و کشور مضر نباشد از اول بوده و الآن هم هست. و هیچ انقلابی مثل انقلاب ایران نبود که به مجرد پیروزی راهها را باز و فعالیت همه حزبها و گروهها را آزاد گذارد. بنابراین، کار شما کار ارزشمندی است. امیدوارم شما توفیق و اطلاعات بیشتری پیدا کنید. خداوند به شما کمک کند تا توطئه‌گرها را به سزای اعمالشان برسانید. خداوند همه شما را حفظ کند. من باز از شما تشکر می‌کنم، امیدوارم در کارهایتان موفق باشید و همیشه خدا را در نظر داشته باشید که بر خلاف آن عمل نکنید.

والسلام علیکم ورحمة الله

□ پیام^(۱)

زمان: اسفند ۱۳۶۳ / جمادی الثانی ۱۴۰۵

مکان: تهران، جماران

موضوع: صبر و استقامت در برابر ناملازمات

مخاطب: فرماندهان ارتش و سپاه

بسم الله الرحمن الرحيم

به فرماندهان سپاه و ارتش بگویند؛ چون گزارش دادند بعضیها ناراحت هستند؛

۱- امیر سرتیپ شهید علی صیاد شیرازی درباره شرایط صدور پیام امام به رزمندگان در خاطرات خود چنین توضیح می دهد:

عملیات بدر، عملیاتی است که بعد از عملیات خیبر... در منطقه هورالعظیم و جزایر مجنون شروع شد. در این عملیات ما از یک وحدت فرماندهی مخصوص در نیروهای تحت امر قرارگاه کربلا مابین برادران ارتشی و سپاهی برخوردار بودیم. اینجانب علاوه بر اینکه مسئولیت فرماندهی را در قرارگاه به همراهی سردار رضایی برعهده داشتم، به شیوه‌ای که با هم توافق کرده بودیم، مسئول آموزش عملیات ویژه این بخش هم بودم. چهار تیپ سازماندهی شده بود. دو تیپ از ارتش و دو تیپ از سپاه... عملیات شروع شد و بچه‌های ما در همان اوایل شب موفق به شکستن خط شده و سرپل را گرفتند. پیشروی به طرف رودخانه دجله انجام شد ولی در پشت دجله بچه‌ها متوقف شدند. ما فشار آوردیم که چرا توقف کردید؟ عبور کنید. اولین گروه به فرماندهی سردار شهید مهدی باکری حرکت کردند... به آن طرف رود که می‌رسند، بر اثر تیراندازی تعدادی از نیروهای دشمن، باکری زخمی می‌شود. زمانی که او را به قایق برمی‌گردانند که به طرف عقب بیاورند، با آر-پی - جی قایق را منهدم می‌کنند که ایشان به شهادت می‌رسد و مفقودالجسد هم می‌شود... به ناچار دستور عقب‌نشینی صادر شد و با سرعت عقب‌نشینی انجام گردید که البته تا ساعت یک و نیم نیمه شب ادامه پیدا کرد. همه نیروها رفتند و امکاناتمان را که نمی‌توانستیم ببریم منفجر کردیم... یازده - دوازده شب به قرارگاه کربلا در داخل جزیره شمالی مجنون رسیدم. دیدم تعداد زیادی از فرماندهان نشسته و عصبانی و ناراحت هستند و هیچ‌کس حال صحبت کردن با دیگری را ندارد... البته همه به این محاسبه فکر می‌کردند که ما چه طرحی داشتیم، چه برنامه‌ای داشتیم که اینطور شد؟... تعداد زیادی یعنی بیشترین روحیه‌ها از هم گسیخته بود و دیگر تاب و توان نداشتند... در هر صورت ما دیگر دیدیم هیچ‌کاری از دستمان بر نمی‌آید. یگانهایی که سازمان یافته رفته بودند، از هم پاشیده برگشتند... دو شب بود نخوابیده بودم، همانجا افتادم و خوابیدم. صبح بلند شدم و به سختی نماز صبح را خواندم... یکدفعه دیدم پیکری آمد و گفت: پیامی از امام دارم. پیام را که خواندم، دیدم چقدر این پیام عجیب است که آدم فقط با یک مقدار تعمق متوجه می‌شود که امام چقدر در صحنه بودند. در حالیکه در جماران بود ولی اینگونه خودش را در صحنه نگه می‌داشت و فرماندهی و رهبری‌اش را انجام می‌داد که چقدر هم کارساز بود... اثر این پیام برای بنده مثل آب سردی بود که روی آتش می‌ریزند و سرد می‌شود، یک آرامشی پیدا کردم.

(امام و دفاع مقدس، ص ۸۰)

می خواستم بگویم هیچ جای نگرانی نیست. البته من برای شهدا و شما دعا می کنم ولی باید همه ما بدانیم که ما تابع اراده خداوند هستیم. ما از ائمه که بالاتر نیستیم. آنها هم در ظاهر بعضی وقتها موفق نبودند. هم پیغمبر (ص)، هم امیرالمؤمنین (ع)، هم امام حسن (ع) و امام حسین (ع). ما که نسبت به مقام اینها چیزی نیستیم. عمده مشیت خداوند است که هر چه او بخواهد همان خوب است و چون غسل شیرین و باید با آغوش باز پذیرای آنچه او می خواهد باشیم و از هیچ چیز نگران نباشید. محکم باشید و از هم اکنون در فکر عملیات بعد. و مطمئن باشید که پیروزید. امروز هم پیروزید. اگر کار برای خدا باشد که شکست ندارد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۱۳۶۵ ه. ش. / ۱۴۰۷ ه. ق.

مکان: تهران، جماران

موضوع: اجازه استفاده از سهم امام (ع) در امور مدارس و مکاتب اسلامی پاکستان

مخاطب: مسئولین جامعه الاسلامیه محمدیه پاکستان

[بسمه تعالی. به حضور اقدس حضرت آیت الله العظمی امام خمینی - ادام الله ظلالکم الوارفه پس از دستبوس به عرض حضر تعالی می‌رساند که بعد از فوت ثقة الاسلام آقای شیخ ...^(۱) جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای شیخ غلامحسین، حسب وصیت آن مرحوم تولیت امور مدارس و مساجد و حسینیه‌ها و دارالایتام و دارالعجزه را در دست گرفته و فعلاً در زیر تولیت ایشان ۲۵ مدارس، ۱۰۲ مکاتب، یک دارالایتام و یک دارالعجزه اداره می‌شود. و الحمدلله موفقیت ایشان چشمگیر است و روحانیت منطقه از ایشان حمایت می‌کنند. از حضر تعالی تقاضا داریم اجازه مرحمت بفرمایید که جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای شیخ غلامحسین سهم امام - علیه السلام - را بگیرند و صرف این مدارس و مکاتب بنمایند. متم ذخراً للاسلام والمسلمین. اعضای هیأت امنای محمدیه - خازن جامعه الاسلامیه محمدیه - الاحقر محمدعلی نگران اعلی جامعه اسلامیة.

بسمه تعالی. بعد از عرض سلام، مراتب فوق تصدیق می‌شود. بنده شخصاً این منطقه را مشاهده نمودم که احتیاج به تقویت دارد. اجازه دادن به موصوف شایسته می‌باشد. ادام الله ظلكم الشریف. عارف حسین الحسینی - ۱۴۰۷/۲/۱۵ هـ]

بسمه تعالی

مجازند به مقدار رفع نیاز این مراکز از سهم مبارک امام - علیه السلام - پیردازند و سهم سادات را نیز به سادات مستحق پیردازند.

۱- خوانده نشد.

□ پیام

زمان: احتمالاً خرداد ۶۷ / شوال ۱۴۰۸

مکان: تهران، جماران

موضوع: عدم ورود فقهای شورای نگهبان در مسائلی که موجب وهن است

مخاطب: فقهای شورای نگهبان

بسمه تعالی

حضرات فقهای محترم شورای نگهبان - دامت افاضاتهم

با سلام و آرزوی موفقیت برای شما و تمامی آنانی که قلبشان برای پیروزی اسلام می‌تپد. گاهی دیده می‌شود که بعضی از آقایان محترم در مسائلی وارد می‌شوند که موجب وهن شورای نگهبان است. فقهای محترم باید توجه داشته باشند که نباید در مسائلی که مورد درگیری هست وارد شوند. از باب مثال در شأن شورای نگهبان و حتی خود حضرت آقای خزعلی نیست که به افراد مختلف تنیدی کند. اینکه دیگر روشن است که روی منبر و یا هر کجا حرام است به مسلمانی نسبت کمونیستی داد. بر فرض که ایشان بگویند من نسبت ندادم ولی این را که معترفند که گفته‌اند: می‌گویند، آقای سلامتی کمونیست است. آیا این توهین و گناه بزرگ از شخصی که عضو شورای نگهبان است آن هم به مسلمانی که نماینده مردم تهران است، شرعاً چه صورتی دارد. مادامی که شما اینگونه عمل می‌کنید باز هم توقع دارید جوانان انقلابی تند احترام شما را بگیرند.

آیا شخصی که می‌آید نزد فقهای شورای نگهبان و می‌گوید: اگر گناهی هم کرده‌ام توبه می‌کنم، راه درستی را رفته است یا کسی که روی منبر این توبه را به عنوان ضعف یک نماینده نقل می‌کند؟ بحث بر سر خوبی و بدی نمایندگان و سایر افراد نیست، بحث بر سر راه گناه و کج رفتن است. همه باید توجه کنیم که آلت دست بازیگران سیاسی نشویم. باید سعی شود آقایان به عنوان منبری پر خاشگویی که تا این مرحله حاضر است پیش رود معرفی نشوند.

شما نگویید، آنها به ما بد می گویند و ما با این صحبتها جواب آنها را می دهیم. آنها که به شما بد می گویند، پست مقدس شورای نگهبان را ندارند. شما در مکانی نشسته اید که باید خیلی از مسائل را با سکوت و وزانت خویش حل کنید. حواستان را جمع کنید که نکند یکمرتبه متوجه شوید که انجمن حجتیه ایها همه چیزتان را نابود کرده اند. من به شما آقایان علاقه مند ولی لازم می دانم گاهی که مسئله ای را می بینم تذکر دهم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

□ نامه

زمان: ۳ تیر ۱۳۶۷ / ۹ ذی القعدة ۱۴۰۸

مکان: جماران

موضوع: سعی در جذب طلاب جوان، برداشتهای گوناگون از اسلام

مخاطب: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

[محضر مبارک مرجع عالیقدر رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خمینی - مد ظله العالی

پس از عرض تحیت و سلام، شاگردان مخلص شما جامعه مدرسین حوزه علمیه قم که سابقه اخلاص و خدماتشان قبل و بعد از انقلاب بر آن امام بزرگوار پوشیده نیست، در اثر ملاحظه نگرانیها احساس وظیفه شرعی نمودند مراتب را طی نامه ای به استحضار مقام رهبری ولایت امر و رهبری برسانند که از قرار معلوم کیفیت تعبیر، موجب تکدر خاطر مبارک گردیده و از طرفی مشاهده شده دستهایی بدون توجه به انگیزه نامه مزبور و بدون آگاهی از مضمون آن در کار شدند تا وانمود کنند که جامعه مدرسین می خواهند در برابر امام بزرگوار اتخاذ موضع نمایند. بدین وسیله با صراحت عرض می کنیم که امید ما و حوزه های علمیه و همه مسلمین و مستضعفان جهان را در وجود شریف و عزیز شما متبلور می دانیم و موضعی جز اطاعت نداشته و نداریم و از بابت تکدر خاطر مبارک سخت متأثریم. در پایان متذکر می گردد که احساس می شود توطئه شومی در حوزه علمیه در شرف تکوین است تا بین مدرسین و طلاب و مراجع و بین انقلاب تفرقه و چند دستگی ایجاد شود که جز با دست توانای آن رهبر عظیم الشان دلسوز خنثی نمی گردد. خداوند سایه مبارک حضرت تعالی را در پرتو عنایات و الطاف حضرت بقیة الله - عجل الله تعالی فرجه - برای اسلام و مسلمین مستدام بدارد.

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - ۱۳۶۷/۳/۲۰]

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت حضرات حجج اسلام آقایان اعضای محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه

قم - دامت افاضاتهم

با اهدای سلام، نامه آقایان محترم رسید از اظهار لطفی که کردید متشکرم، خداوند شما و سایر خدمتگزاران اسلام و مسلمین را تأیید فرماید. موقعیت مناسب شد تا مسائلی را تذکر دهم:

هیچ کس نباید در اینکه شما می‌خواهید از اسلام دفاع نموده و به مردم محروم و مستضعف کمک و رسیدگی نمایید شک کند. شما عمری را در درس و بحث گذرانده‌اید و در مبارزات همیشه یار و مددکار مردم بوده‌اید، شما فشار رژیم گذشته را احساس کرده‌اید و برای شکست طاغوت با کمک سایر اقشار تلاش نموده‌اید. من به شما علاقه دارم و امیدوارم به آرمان اسلامی مان که حکومت اسلام در جهان و شکست دشمنان آن است برسیم. شما باید مطمئن باشید که قوی‌ترین بازوی شما، طلاب جوان حوزه‌های می‌باشند لذا نمی‌شود و نباید آنها را به حساب نیاورد. شما دوستان اگر خیال کنید همه در مسائل اعتقادی باید آنچه را شما قبول دارید قبول داشته باشند والا منحرف هستند، بدانید که راه درستی نمی‌روید. بحمدالله در حوزه‌های علمی یکی از مسائل حل شده که سابقه تاریخی بیش از هزار ساله دارد اختلاف آرا در زمینه‌های مختلف است. طلاب جوان دارای شور و شوقی می‌باشند که به واسطه آن انقلاب اسلامی پیروز شد؛ همان شور و شوقی که سینه‌هاشان را در مقابل گلوله‌های شاه و صدام قرار داده است حال اگر آنان دارای اعتقاداتی باشند که با آنچه شما بدان اعتقاد دارید جور نباشد اشکالی ندارد. مسئله دیگر اینکه شما در قم مجموعه‌ای را تشکیل داده‌اید که هر کدام از شما هر حرکتی بنماید به عنوان آن مجموعه ثبت می‌گردد، هوشیارانه به این مسئله توجه کنید که ممکن است کسانی که وابسته به گروه و حزب و سازمانی هستند بخواهند از طریق شما و زیر پرچم شما مقاصد خود را پیاده کنند، باید بدون هیچ گذشتی آنان را در یکی از دو راه مختار نمایید یا جامعه مدرسین قم و یا حزب و گروه و سازمان وابسته به آن. چرا باید به گونه‌ای حرکت کنیم که اجازه ندهیم طلبه‌ها در قتلگاه مقدس فیضیه، این برجسته‌ترین سنگر مبارزات روحانیت، برای شهدای عزیز پانزدهم خرداد، آن هم در همان روز تاریخی، جلسه‌ای بگذارند. این موضع‌گیری غلط و تلخ در تاریخ ماند.

حضرات مدرسین محترم، شما حاصل سالها تلاش حوزه‌های علمیه می‌باشید. من به هیچ وجه خدمات ارزنده شما را فراموش نمی‌کنم ولی شما باید خود را از گزند تبلیغات سوء حفظ کنید. مثلاً چه اشکالی دارد که طلاب عزیز قم هم دو سه نفری را در شورای مدیریت حوزه قم داشته باشند تا بدانند که دستی از دور بر آتش دارند و بهتر از آنچه شورای مدیریت فعلی انجام می‌دهد نمی‌توانند انجام دهند. شما باید تمام سعی خود را بنمایید تا جوانان حوزه‌های علمیه و دانشگاهها را جذب کنید و مطمئن باشید که نه شما غیر از اسلام چیزی را می‌خواهید و نه آنها. از این درگیریهای تلخ چه کسانی غیر از دشمنان اسلام سود می‌برند. چه کسی است که نداند بسیاری از مشکلات در جمهوری اسلامی حل نشده است و دل شما و ما و هر صاحب دردی از آن دردناک است ولی نباید صحنه را خالی گذاشت باید دست در دست یکدیگر نهیم تا این بار را به سلامت به منزل برسانیم. باید توجه کنیم تا زمانی که شما اسلام سربازان انقلاب در حوزه‌ها و دانشگاهها را، اسلامی مارکسیستی بدانید آنان اسلام سرداران خود را اسلام امریکایی می‌دانند در حالی که نه اسلام آنها التقاطی و مارکسیستی است و نه اسلام شما امریکایی؛ بلکه دو نحو برداشت از اسلام عزیز است و برداشتهای گوناگون از اسلام سابقه تاریخی دارد. من در ملاقاتهای مکرر به دوستان روحانی این امر را گوشزد کرده‌ام که باید به صورتی حرکت کنید که متهم به طرفداری از فئودالها و سرمایه‌دارها نشوید. در بیش از بیست سال پیش خیلی از افراد بزرگواری که در رده‌های بالای این حکومت بودند و به خیل شهدای عزیزمان پیوستند و یا فعلاً می‌باشند از منافقین با عناوین انقلابیون صدر اسلام و یا انقلابیون حافظ قرآن و نهج‌البلاغه به نیکی یاد می‌کردند و پیغامهای مکرر می‌دادند که اینجانب آنان را تأیید کنم باید صریحاً بگویم از افرادی که امروز دایه مهربانتر از مادر شده‌اند و شعار عمل به رساله عملیه را سر داده‌اند و مانند منافقین می‌خواهند از روحانیون به نفع مقاصد خود استفاده کنند پرهیز کنید. منافقین و این گروه، دوروی یک سکه‌اند. امروز خطر هدم اسلام در جهان بسیار قوی است. بدون جذب جوانان دلسوخته حوزه‌ها و دانشگاهها و بازارها و خیابانها نمی‌شود اسلام ناب محمدی - صلی الله علیه و

آله و سلم - را در جهان مستضعفان و پابرهنگان پی ریزی کرد. بحث اینکه به من چه نوشتید و یا متأثر از تأثر من شدید نیست، بحث بر سر این است که چگونه باید جواب نسلهای آینده را داد، بحث بر سر این است که اگر دیر بجنیم اسلام امریکایی از جلسات سیاسیون ظاهرالصلاح وابسته به امریکا و نیز از همین حوزه ها و دانشگاه ها چنان زیبا برای جهان پابرهنگان تشنه عدالت ترسیم می گردد که همگی محکوم به فنا هستیم. امروز روز اتحاد است، روز خروش علیه استکبار شرق و غرب است، با محبت و دوستی نور صفا و پاکی را در دل های نورانی عاشقان اسلام بپاشید. من به شما بزرگان حوزه ها دعا می کنم و شما را یاران باوفای اسلام عزیز می دانم و از خداوند متعال می خواهم تا قلوب ما را به هم نزدیک و نزدیکتر گرداند. شما امیدهای آینده هستید. مردم و طلاب باید قدر شما عزیزان را بدانند باید آنها توجه کنند که خدای نخواست به دست آنان مقاصد سوء دشمنان اسلام اجرا نگردد. خداوند همه را در کنف حمایت خویش نگه دارد. این نصیحتی بود از پدری پیر برای فرزندان واقعی اسلام. خدا یار و نگهدار تان باد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمینی

۶۷/۴/۳

□ اجازه نامه

زمان: ۱۷ شعبان؟

مکان: ؟

موضوع: اجازه در امور حسبيه و شرعيه

مخاطب: احمدي ميانجي، علي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، و الصلوة والسلام على محمد و آله الطاهرين، و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

و بعد، جناب مستطاب عماد الاعلام و ثقة الاسلام آقاي حاج شيخ علي احمدي از قبل اينجانب مجازند در تصدي امور حسبيه و شرعيه كه در عصر غيبت ولي عصر [عج] از مختصات فقيه جامع الشرايط است «فله التصدي لما ذكر مع مراعاة الاحتياط»؛ و نيز مجازند در اخذ وجوه شرعيه حتي سهم مبارك امام - عليه الصلوة والسلام - و صرف ثلث آن در موارد مقرر شرعيه و ايصال دو ثلث را به اينجانب يا در قم به وكيل معروف اينجانب، براي حفظ حوزه هاي علميه.

«و اوصيه - ايده الله تعالى - و سده بملازمة التقوى و الاحتياط في الدين و الدنيا على ما اوصى به السلف الصالح و ارجو من جنابه ان لا ينساني من الدعاء و النصيحة»؛ و السلام عليه و على سائر عباد الله و الصالحين و رحمة الله و بركاته.

به تاريخ ۱۷ شهر شعبان المعظم سنه...^(۱)

روح الله الموسوي الخميني

۱- خواننده نشد.

□ نامه

زمان: ؟

مکان: ؟

موضوع: پاسخ نامه

مخاطب: کروی، احمد

بسم الله الرحمن الرحيم

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و مروج الاحکام آقای آقا شیخ احمد کروی -
دامت تأییداته

مرقوم محترم که حاکی از سلامت جنابعالی و علاقه مندی به دیانت مقدسه بود
واصل، سلامت و توفیق جنابعالی را از خداوند تعالی مسألت می نماید. در قضیه ای که
مرقوم داشته بودید اگر به طوری که موجب اختلاف و زحمت نشود بتوانید عمل را انجام
دهید البته خیلی خوب و لازم است، لکن نوشتن اینجانب صلاح نیست. جنابعالی با تدبیر
و عقل مردم را دعوت فرمایید که به طور عاقلانه همراهی کنند و انجام فرمایش شما را
بدهند. مرجو آنکه در مظان استجابت دعوات فراموشم نفرمایید. والسلام علیکم.
روح الله الموسوی

□ نامه

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: پاسخ نامه در مورد و جوه شرعیه

مخاطب: ربانی املشی، محمد مهدی

[محضر مبارک حضرت مستطاب آیت الله العظمی آقای خمینی - روحی و جسمی لک الفداء - عزیز علی ان اری الخلق و لا تری. با یک دنیا اشتیاق تا در منزل حضر تعالی آمدم شاید موفق شوم شرفیاب خدمت شوم، متأسفانه توفیق نصیبم نشد. خداوند متعال نعمت وجود مبارک شما را برای شیعیان و احبّه نگهداری فرماید. مبلغ چهارصد و ده تومان و چهار ریال وجه سهم مبارک امام تقدیم می شود به نام آقا محمد سلمان زاده قبض صادر فرماید. مبلغ هشتصد تومان جناب آقای حاج سید اسد الله اشکوری تقدیم کردند. صورت افراد مؤدی را تقدیم می دارم، به آن اسامی قبض مرحمت فرماید. ایشان از نامه جنابعالی که در حاشیه نامه خودشان مرحمت فرموده بودید، کدورتی داشته بنده تا اندازه ای که از وضع جنابعالی اطلاع داشتم تذکر دادم تارفع شود...

الاحقر محمد مهدی ربانی

آقای ابوی مخصوصاً دعاگو و سلام می رسانند.]

بسمه تعالی

از محبت جنابعالی و حضرت آقای ابوی متشکرم. اینجانب بحمد الله حالم خوب است. به جناب آقای اشکوری پس از ابلاغ سلام مرقوم دارید: جنابعالی از وضع من مطلع نیستید و نه از گرفتاریهای اهل علم و فقرای قم و نه از توقعاتی که با این وضع متوجه به من است و این گله را برای وقت دیگر می گذاشتید. ملتمس دعای خیر هستم.

□ نامه

زمان: ؟

مکان: قم

موضوع: احوالپرسی

مخاطب: لنکرانی، حسین

بسم الله الرحمن الرحيم

به عرض عالی می‌رساند، پیوسته جویای حال جنابعالی بوده‌ام و از دعا غفلت نداشته‌ام و ندارم امید است ان شاء الله تعالی خداوند شفای عاجل عنایت فرماید. نمی‌دانم محذور رفتن به بیمارستان چیست گمان می‌کنم در یک بیمارستان مجهزی بهتر می‌شود رسیدگی نمود. در هر صورت از سلامت خودتان مستحضرم فرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: تکذیب شایعه‌ها

مخاطب: روحانی، سید محمدصادق

بعد از سلام و تحیت، مرقوم شریف واصل و از مطالبش مستحضر شدم. آنچه واقع شده است اهمیت ندارد و لازمه اینگونه امور است ان شاء الله خداوند اصلاح فرماید. راجع به اینکه در فلان مؤسسه از علما و اعلام خرده گیری می شود و از آنهایی که جنبه سیاسی دارند. تجلیل می شود، اینجانب هیچگاه دخالت در آن مؤسسه نداشته و ندارم و اطلاع از مطالبی که مرقوم شده بود تا کنون ندارم و نمی دانم به چه عالمی توهین و از چه شخص سیاسی تجلیل شده است و نباید در هر موضوعی که احیاناً اسمی به اغراض خودشان از اینجانب می برند پای اینجانب را پیش کشید و اما راجع به مکتوبی که به بعضی ها نوشته ام. بعض اهل علم گله کرده بودند که اشخاص به اسم تو به ما اهانت می کنند و از ایران نیز کراراً نوشته شد که این شخص مرد صالحی است من چند کلمه دلجویی کرده ام و شخص دیگری نیز که سابقه سوئی نداشت کاغذی در ظاهر دو سال قبل از مکه نوشته بود و شکایت کرده بود جوابی نوشته ام و از حال او اکنون هم درست اطلاع ندارم و در آن وقت چیزی ثابت نبود.

هیچ کس حتی انبیا و اولیا نمی توانند طرفین نقیض را حفظ کنند و حق و باطل را راضی کنند. اللهم^(۱) بعض ریاکاران خبیث. از جناب عالی امید دعای خیر دارم. اگر از اوضاع آنجاگاه گاهی مطلع فرماید متشکر می شوم. ممکن است بدون امضا و با خط دیگر نوشته شود به این نشانی، نجف حجت الاسلام آقای ستاری به منزل برسانند. اگر من نتوانم متقابلاً جواب بنویسم از پیری است شما هر چند ان شاء الله وقتی به آن رسیدید توجه می کنید.

والسلام علیکم

۱- مگر این که

□ نامه

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: تکذیب شایعه‌ها و پاسخ به اختلافات طرح شده

مخاطب: روحانی، سید محمد صادق

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که مشعر سلامت مزاج شریف بود واصل و موجب تشکر گردید. مطالبی که مرقوم شده بود مطالعه کردم و جای تقدیر است که جنابعالی از آن استفسار فرمودید باید عرض کنم که تا حال تحریر این ورقه نه آن نوشته را دیده‌ام و نه مندرجات آن را تفصیلاً مطلعم و نه اطلاع دارم که چه اشخاص این کار را کرده‌اند فقط به طور اجمال یک روز شنیدم و فوراً قدغن کردم که مذاکره نشود. اینک آنچه مرقوم شده است باید یک به یک مورد جواب شود.

مرقوم شده است (نه تنها جاعلین را تنبیه فرمودید بلکه آنها کمافی السابق از اطرافیان و اصحاب محسوب می‌شوند) سرکار دور تشریف دارید و اطلاع ندارید از این جهت آنچه شنیده‌اید یا نوشته شده است باور فرمودید. اینجانب اطرافی و اصحاب ندارم حتی کاتب برای نوشته‌جات و اصحاب استفتا ندارم خودم با قدرت کم و ضعف چشم و لرزش دست که اخیراً پیدا شده است متکفل امور هستم. دو نفر در منزل اینجانب دائماً تقریباً هستند که به نوبت رابط بین اینجانب و بیرونی هستند که اگر کسی از طلاب احتیاجی داشت برسانند. جنابعالی یکی از آنها را می‌شناسید به نام آقای حاج شیخ عبدالعلی اصفهانی که از صلحا و احدی درباره او احتمال این معانی نمی‌دهد حتی آقای اخوی؛ دیگری شخصی افغانی که آن هم داخل در این نحو امور نه هست و نه می‌تواند باشد بیرونی مختصری بسیار کوچکی که دارم فقط شبها قریب سه ربع ساعت و گاهی نیم ساعت در آنجا شخصاً هستم و اشخاص متفرقه که اکثراً در این ایام افغانی و پاکستانی

هست آنجا می آیند و بعضی از عربها و ایرانیها نیز می آیند که آنهایی که می شناسم ابداً در این امور کثیفه دخالت ندارند و از صلحا هستند و بعض از آنها را هم نمی شناسم هیچ یک سمت صحابت با اینجانب ندارند و بعضی که اکثراً می آیند ابداً در این امور دخالت ندارند و در هر صورت خلاف عرض شده است و من نمی دانم چه اشخاصی به این امور باطله دست زده اند تا تنبیه کنم یا ترک مراوده.

حضرت آقای اخوی هم با آنکه نزدیک هستند از منزل من هیچ اطلاع نزدیک ندارند و ممکن است به ایشان خلاف عرض شده باشد و ایشان هم باور فرمودند و گفته اند این ورقه با اطلاع فلان درست شده است بدون آنکه تحقیق صحیح بفرمایند و یا همان طور که مرا استفسار فرمودید بفرمایید والی الله المشتکی و ان ربک بالمرصاد. مطلب پیش آقای اخوی کوچک جنابعالی بالاتر جلوه کرده است و تلگرافی مشحون از هتاکی زده اند که رونوشت آن را به آقای اخوی بزرگ فرستاده اند و پس از هتاکی مرقوم داشته اند (من سرگرم به جمع آوری مدارکی کافی هستم تا شما و فرزند شما را به جمعیت روحانیت و ملت ایران معرفی نمایم با ابراز انزجار از اعمال ظالمانه شما دکتر روحانی پاریس) اینجانب این تلگراف را به احدی نشان ندادم حتی به مصطفی ولی چون لاتین بود شخصی که آن را ترجمه کرده است مطلع است و سفارش کردم که اظهار نکنند بلکه شخصی که آن را ترجمه کرده بود اظهار کرد آن را منتشر کنم با کمال تأکید منع کردم. اینجانب با آقای اخوی مکاتبه ندارم لکن شما اگر مکاتبه دارید مرقوم بفرمایید جنابعالی در این امر زحمت نکشید، زحمت شما را شاه در قزوین و پا کروان در تهران پشت رادیو به تفصیل و شواهد و بعضی از سنخ خودمان علی المحکی در قم با نشر کتابچه و هتاکی فوق العاده کشیده اند و بعید است شما بیش از آنها مدارک پیدا کنید و دست نشر داشته باشید و اگر امر به منکر حرام نبود عرض نمی کردم شما تمام مدارک را تهیه فرمایید و با شهادت امضا فرمایید که در مجامع ایران و جاهای دیگر خیلی مؤثر شود. جناب ایشان خوب است کسی را بترسانند که دلبستگی به این مسند را مقصد اعلائی خود محسوب می دارد. مرقوم شده است (در قم کسان منتسب به شما نامه ادعایی را منتشر نموده اند) خوب

است مرقوم دارید که اینها چه اشخاصی هستند البته اشخاص بسیاری به مقاصد مختلفه به اینجانب خود را منسوب می‌کنند حتی اشخاص منحرف از قبیل حزبی‌ها لکن این امر باعث نمی‌شود که اینطور امور مربوط به من باشد. در امریکا اشخاص منحرفی که معلوم نیست به دین تعلق داشته باشند نسبت به ساحت مقدس مرحوم آیت‌الله حکیم جسارت کرده و از من تمجید نموده‌اند و من به قدری ناراحت شدم که نمی‌توانم تحدید کنم؟ اما باید گفته شود که این کار من است یا من مطلع بوده‌ام والله من ورائهم محیط. من به جنابعالی علاقه دارم و مدتی که محصور بودید هر روز دعا کردم به شما و الآن هم کارهای شما که اشتغال به تصنیف علوم شرعیه و دفاع از حق است مورد تقدیر است چطور ممکن است که یک نفر انسان اگرچه معتقد به معاد نباشد از کسی که در مقصد با او همراه است و به هیچ وجه مخالفت از او ندیده است اهانت کند یا راضی به اهانت شود. مرقوم شده است چندی قبل از رادیو بغداد کسی آمده بود می‌گفت ما هر وقت بخوایم از شما در رادیو چیزی بگوییم اطرافیان فلان منع می‌نمایند. باید عرض کنم که آن شخص یا مفسد بوده است و به دروغ گفته است یا در اشتباه بوده است من اطرافی ندارم یا پخش فرمایشات شما از رادیو بغداد چه ضرری به من دارد خوب است که مرقوم داشته‌اید شما از آنها بیزارید لکن باید عرض کنم که اطرافی من به رادیو بغداد کاری ندارد و اگر کسی با شما کار داشته باشد اطرافی من نیست اگرچه از من صحبت کند از آنچه ذکر شد جواب آنکه در اصحاب نجف و قم تجدید نظر نمایید معلوم می‌شود من از قم اطلاعی ندارم سرکار اگر اشخاصی که در منزل من هستند مرتکب این نحو اعمال هستند مرقوم دارید با اسم تا آنها را تصفیه کنم و اما فشارهایی که به شما می‌آورند نه ضرر دنیایی دارد و نه اخروی. انسان اگر به تکلیف عمل کند هرچه شود به نفع اوست.

کتب ایصالی و رساله جبر و اختیار موجب تشکر گردید. ان شاء الله تعالی موفق به طبع دیگر کتابها و تتمیم دوره کامله بشوید. از جنابعالی امید دعای خیر دارم و توقع دارم هر وقت هروقت مطلبی از اینجا شنیدید تا مراجعه به من نکنید باور نفرمایید. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

□ نامه

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: اعلام وصول نامه

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب عمادالاعلام و ثقةالاسلام آقای حاج آخوند - دامت افاضاته
مرقوم شریف واصل، توفیق و تأیید جنابعالی را از خداوند تعالی خواستار است. در
موضوع مرقوم تا کنون اینجانب اظهار نظری نکرده‌ام. از جنابعالی امید دعای خیر دارم.
روح الله الموسوی الخمينی

مرقوم آقای تهرانی را به وسیله جنابعالی فرستادم. شما ایصال فرمایید.

□ نامه

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: اعلام وصول نامه

مخاطب: حاج آخوند کرمانشاهی، مجتبی

بسمه تعالی

خدمت جناب مستطاب ثقة الاسلام آقای حاج آخوند - دامت افاضاته

مرقوم شریف واصل، توفیق و سلامت جنابعالی را خواستار است. امید است اینجانب

را در دعای خیر فراموش نفرماید.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمينی

□ نامه

زمان: ؟

مکان: قم

موضوع: دعوت از آقای مرعشی برای صرف شام
مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت مستطاب آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

به عرض محترم عالی می‌رساند، پس از عرض اخلاص و ارادت مستدعی است شب یکشنبه فردا شب برای صرف شام در منزل متعلق به خودتان تشریف فرما شوید، موجب مزید تشکر است.

روح الله الموسوی الخمينی

□ تلگراف

زمان:؟

مکان: نجف

موضوع: ابراز تشکر

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

GHOM DE NAGAF NR 21 15 1 LT

نجف به قم

GHOM HAZRATA ALSID AYATOLAH ALMARASHIALNGAFI

قم - حضرت آیت الله السید المرعشی النجفی - دامت برکاته

DAMAT BARAKATOH TSHKR AVATEFKOM VNRGO SE

HATOKOM ALKHO MINI

شکر عواطفکم و نرجو صحتکم. الخمینی

□ نامه

زمان: ؟ / ۱۵ شعبان ؟

مکان: نجف

موضوع: پاسخ نامه ارسالی

مخاطب: مرعشی نجفی، سید شهاب الدین (از مراجع عظام تقلید)

ایران - قم

حضرت آیت الله آقای آقا نجفی - دامت برکاته

نیمه شعبان

بسمه تعالی

به عرض عالی می‌رساند، مرقوم محترم که حاکی از سلامت وجود محترم و حاوی تفقد از اینجانب بود موجب تشکر گردید. مرقوم شده بود استشمام شکر آب می‌شود خلاف واقع به عرض رسیده است در اینجا این مطالب نیست و اینجانب مشغول کار خودم هستم. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین را خواستار است. در مواقع مناسب امید است از نظر شریف محو نشوم.

والسلام علیکم

روح الله الموسوی الخمینی

خدمت جناب آقای آقا محمود سلام می‌رسانم.

□ رسید

زمان:؟

مکان:؟

موضوع: اعلام وصول وجه ارسالی

مخاطب:؟

بسمه تعالی

مبلغ یکصد تومان وجه ارسالی شما واصل گردید و برای تصفیه حساب و پاسخ
سؤالات دیگر خود هم نزد جناب حجت الاسلام آقای زرندی - دامت افاضاته - بروید و
به هر نحو که ایشان گفتند عمل نمایید. ان شاء الله موفق باشید.

روح الله الموسوی الخمينی